



۱۲۷/۶/۱

چگونگی مواجهه با تسلط دلار بر کسب و کار مردم



محورهای جلسه:

۱. آیا روش‌شناسی فعلی اقتصاد ما را به معادلات صحیح بهبود وضعیت معیشت می‌رساند؛ یا اینکه به روش‌شناسی جدیدی نیاز داریم؟
۲. علت "اختلالات ارزی" چیست؟
۳. تصمیمات زیرساختی در اقتصاد برای رفع اختلالات ارزی و تبدیل "تبادلات وابسته و کلان" به "تبادلات مستقل و خرد" چیست؟
۴. فواید تبادل مستقل چیست؟

شورای راهبردی
الگوی پیشرفت اسلامی
۶ اردیبهشت ۱۴۰۲

الْحَمْدُ لِلَّهِ

وَكَأَيِّنْ مِنْ نَبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِيثُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا
ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ

سوره مبارکه آل عمران، آیه ۱۴۶

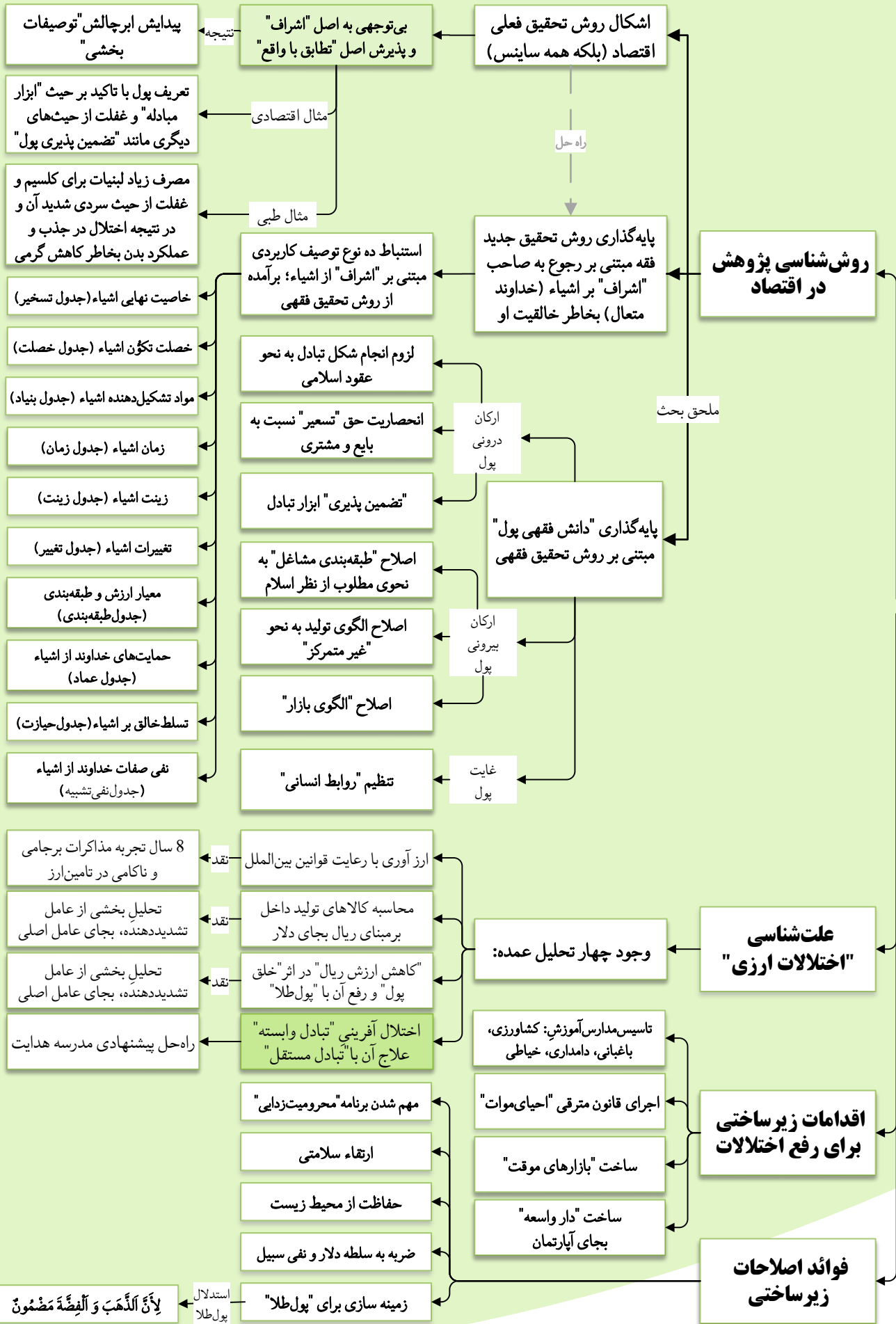
و چه بسیار از پیامبرانی که مردان الهی فراوانی به همراه آنان جنگیدند، پس در مقابل آنچه در راه خدا به آنان رسید سستی نکردند و ناتوان نشدند و سر تسلیم و ذلت فرود نیاوردند؛ و خدا شکیبایان را دوست دارد.

شناسنامه

متن پیش‌رو (ویرایش اول) صد و بیست و هفتمین مکتوب از نوع ششم محصولات مرتبط با نقشه الگوی پیشرفت اسلامی (پیاده فوری) است. محتوای این محصول، متن پیاده شده سخنانی حجت الاسلام و المسلمین علی کشوری (دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی) در نشست تخصصی «چگونگی مواجهه با سلطه دلار بر کسب‌وکار مردم» در تاریخ ۲۰ اردیبهشت ماه ۱۴۰۲ در شهر قم برگزار شده است. شایان ذکر است که بحث از «چگونگی مواجهه با سلطه دلار بر کسب‌وکار مردم» زیرمجموعه مباحث «فقه‌المکاسب» است. ضمناً بحث حاضر حاوی جدول تصمیم (مشمول بر چهار تصمیم) می‌باشد. پیشنهاد می‌شود این جزوه در قطع رحلی چاپ و منتشر شود.

چگونگی مواجهه با سلطه دلار بر کسب و کار مردم

چگونگی مواجهه با سلطه دلار



فهرست

۱. مقدمه ۸
- ۱/۱. موضوع: تبیین چگونگی مواجهه با سلطه دلار بر کسب و کار مردم..... ۸
- ۱/۲. تجربه ناکام اقتصادی در چهل سال گذشته: بستر احساس نیاز به "تعویض مفاهیم اقتصاد" ۱۳
- ۱/۳. بیان اجمالی چهار سرفصل اصلی بحث حاضر ۱۶
- ۱/۳/۳. تصمیمات زیرساختی و ساختاری در اقتصاد برای رفع اختلالات ارزی؛ سرفصل سوم بحث ۲۰
- ۱/۳/۴. بیان فوائد اصلاحات ساختاری برای مردم، نخبگان و مسئولین؛ عامل انگیزه بخش ادامه حرکت؛ سرفصل چهارم بحث ۲۱
۲. پرسش اول: آیا روش‌شناسی فعلی اقتصاد ما را به معادلات صحیح بهبود وضعیت معیشت می‌رساند؛ یا اینکه به روش‌شناسی جدیدی نیاز داریم؟ ۲۳
- ۲/۱. اصلاح "روش تحقیق"؛ اولین قدم مشترک همه تحولات الگوی پیشرفت اسلامی ۲۴
- ۲/۲. بی‌توجهی به اصل "اشراف" و بالتبع ارائه توصیفات بخشی بر اساس اصل منطقی "تطابق با واقعیت"؛ اشکال اصلی بر روش تحقیق فعلی حوزه اقتصاد ۲۵
- ۲/۲/۱. مثال ۱: "تعریف پول" با تأکید بر حیث "ابزار مبادله" در اقتصاد فعلی و غفلت از حیث‌های دیگر مانند "تضمین پذیری پول" ۲۸
- ۲/۲/۲. مثال ۲: توصیه اطباء به مصرف زیاد لبنیات برای جذب "کلسیم" و غفلت از حیث "سردی لبنیات" و بالتبع "اختلال در عملکرد بدن" بخاطر کاهش گرمی، حتی جذب "کلسیم" و بروز ۶۰ نوع بیماری. ۳۳
- ۲/۲/۳. ابتلاء همه مباحث علمی به ابرچالش "توصیفات بخشی" در اثر پذیرش اصل "تطابق با واقع" و بی‌توجهی به "اصل اشراف" در روش تحقیق..... ۳۵
- ۲/۳. پایه‌گذاری روش تحقیق جدید فقهی در مطالعات اقتصادی مبتنی بر رجوع به صاحب "اشراف" بر اشیاء (خداوند متعال)؛ راه برون‌رفت از ابرچالش توصیفات بخشی..... ۳۶
- ۲/۳/۱. جمع‌آوری ده ویژگی در توصیفات روش تحقیق فقهی مبتنی بر علم خالق اشیاء؛ قدم بعدی پذیرش روش تحقیق جدید ۳۸

- ۲/۴. پایه‌گذاری دانش فقهی پول بر اساس ۳ رکن تعریفی مبتنی بر روش تحقیق فقهی؛ ملحق به بحث پذیرش روش تحقیق جدید ۷۹
۳. پرسش دوم: علت "اختلالات ارزی" چیست؟ ۱۰۳
- ۳/۱. ۸۰ میلیارد دلار ارزی مصرفی در سال ۱۴۰۱: موضوع بحث علت‌شناسی "اختلالات ارزی" ۱۰۳
- ۳/۱/۱. اختصاص یک-چهارم ارز مصرفی به واردات غذا و دارو؛ همچون: خوراک دام، دانه های روغنی، روغن خام، گندم و واکسن، اقلام حوزه سلامت و بهداشت ۱۰۴
- ۳/۲. وجود چهار تحلیل در علت‌شناسی پیدایش "اختلالات ارزی" ۱۰۸
- ۳/۲/۱. اختصاص یک-چهارم ارز مصرفی به واردات غذا و دارو؛ همچون: خوراک دام، دانه های روغنی، روغن خام، گندم و واکسن، اقلام حوزه سلامت و بهداشت ۱۰۸
- ۳/۲/۲. تحلیل کارشناسان مجمع تشخیص مصلحت نظام: لزوم محاسبه کالاهای تولید داخل بر مبنای ریال بجای دلار ۱۱۰
- ۳/۲/۳. تحلیل موسسه متا در اصفهان: "کاهش ارزش ریال" در اثر پدیده حرام "خلق پول" و رفع آن با "پول طلا" ۱۱۲
- ۳/۲/۴. تحلیل مدرسه فقهی هدایت: "تبادلات مستقل"، اصلی ترین راه علاج اختلالات ارزی ۱۱۵
- ۳/۳. وجود تحلیل های متفرقه دیگر؛ همچون: تاثیر شورش زنانه و تورم انتظاری بر شلوغی بازار ارز ۱۱۶
۴. پرسش سوم: تصمیمات زیرساختی در اقتصاد برای رفع اختلالات ارزی و تبدیل "تبادلات وابسته و کلان" به "تبادلات مستقل و خرد" چیست؟ ۱۱۹
- ۴/۱. اقدام ۱: تدوین طبقه‌بندی صحیح مشاغل و تغییر درک مردم از مشاغل برتر با تاسیس مدارس جدید آموزش ۴ شغل: کشاورزی، باغبانی، دامداری و خیاطی ۱۱۹
- ۴/۱/۱. تمایل کودکان به مشاغلی همچون: دکتر، مهندس، خلبان و فوتبالیست، در اثر اشکال در نظام ارزشی مشاغل و معیار انتخاب ۱۲۱
- ۴/۱/۲. نقل روایتی از امیرالمومنین (علیه السلام) درباره "اهمیت استقلال در غذا و لباس" همراه با بررسی رجالی آن ۱۲۲
- ۴/۲. اقدام ۲: اجرای قانون مترقی "احیای موات" و واگذاری ۱۰ میلیون قطعه زمین به خانواده‌های مستاجر ۱۲۴

- ۴/۲/۱. مراحل "احیای موات" طبق روایات: جاری کردن آب و ساکن کردن خانواده یا احداث باغ یا کشاورزی ۱۲۶
- ۴/۳. اقدام ۳: ساخت بازارهای موقت ۱۳۰
- ۴/۴. اقدام ۴: ساخت "دار واسع" بجای آپارتمان ۱۳۳
۵. پرسش چهارم: فواید تبادل مستقل چیست؟ ۱۳۵
- ۵/۱. فایده ۱: قرارگرفتن مسئله "محرومیت زدایی" در برنامه های اصلی ۱۳۵
- ۵/۲. فایده ۲: ارتقاء سلامتی ۱۳۷
- ۵/۳. فایده ۳: حفاظت از محیط زیست ۱۳۸
- ۵/۴. فایده ۴: ضربه به سلطه دلار و نفی سبیل ۱۴۰
- ۵/۵. فایده ۵: زمینه سازی برای تغییر "پول اعتباری" به "پول تضمین پذیر" همچون طلا و نقره ۱۴۱
- ۵/۵/۱. استدلال به روایت امام صادق علیه السلام برای لزوم تحقق پول طلا و نقره به دلیل تضمین پذیری آنها ۱۴۲
- جمع بندی پایانی ۱۴۴
- پیوست** ۱۴۵
- پیوست ۱: روایاتی در مورد علم مبتنی بر اشراف اهل بیت علیهم السلام ۱۴۶
- ۱/۱. ویژگی خاص علم امیرالمومنین علیه السلام ۱۴۹
- ۱/۲. مصادر و روایات معاضد «انا مدینه العلم و علی بائها» ۱۵۰
- ۱/۳. اعترافات صحابه در مورد مرجعیت علمی امیرالمومنین (علیه السلام) از کتب اهل سنت و شیعه ۱۵۳
- پیوست ۲: ادله مالیت و غیراعتباری بودن (ضمانت پذیر و ارزش ذاتی)؛ ویژگی اصلی ابزار مبادله (پول) در اسلام ۱۶۴
- ۳/۱. اعتباری دانستن و تعیین اعتبار بر اساس GDP؛ وضعیت کنونی تعریف ابزار مبادله در کشور ۱۶۴
- ۳/۲. «لزوم حفظ رأس اموال»، «نصاب گذاری شریعت در دیات و زکات» و «آثار فراعصری درهم و دینار»؛ سه دلیل بر غیراعتباری بودن ابزار مبادله در اسلام ۱۶۵

- ۳/۳. ادعای ناکارآمدی مالیت ابزار مبادله؛ نتیجه عدم توجه به سه زیرساخت اولیه (سه باب اول) در فقه المکاسب..... ۱۷۵
- پیوست ۳: بررسی ادله روایی و برخی نظرات فقها در باب تسعیر اختیاری ۱۷۹
- ۳/۱. ادله روایی تسعیر اختیاری ۱۷۹
- ۳/۲. برخی نظرات فقها در باب تسعیر اختیاری ۱۸۳
- پیوست ۴: اعتراضات مراجع معظم تقلید به سیستم بانکی کشور..... ۱۸۴
- پیوست ۵: آمار ۱۴ کالای عمده وارداتی در سال ۱۴۰۱ ۱۸۸
- پیوست ۶: آیات و روایات طبقه‌بندی حوزه مشاغل و مفاهیم حاکم بر مشاغل صحیح را در نظام ارزشی اسلام ۱۸۹
- ۶/۱. اولین دسته روایات؛ روایات ترغیب کننده به فعالیت اقتصادی (پذیرش شغل) ۱۸۹
- ۶/۱/۱. تأمین نیازهای خانواده؛ اولین ملاک دعوت به شغل در روایات ۱۸۹
- ۶/۱/۲. عدم امرار معاش از طریق دین؛ دومین ملاک دعوت به شغل در روایات ۱۹۰
- ۶/۱/۳. ازدیاد و جلوگیری از نقصان عقل؛ سومین ملاک دعوت به شغل در روایات ۱۹۱
- ۶/۱/۳/۱. از بین رفتن مدارا با مردم؛ نمونه‌ای پیامدهای نقصان عقل ۱۹۲
- ۶/۱/۴. بی‌نیازی از مردم؛ چهارمین ملاک دعوت به شغل در روایات ۱۹۳
- ۶/۱/۵. تغییر معنای شغل از ابزار ایجاد ارزش افزوده به زیرساخت عبادت و هدایت؛ نمونه‌ای از آثار توجه به روایات ترغیب‌کننده به شغل ۱۹۴
- ۶/۲. دومین دسته روایات؛ روایات مکاسب محرمه و علت حرمت این مکاسب ۱۹۷
- ۶/۲/۱. بررسی روایات علل الشرائع حرمت برخی مکاسب؛ تفاوت بحث از مکاسب محرمه در فقه المکاسب با مباحثات رایج حوزوی ۱۹۸
- ۶/۲/۲. هر فریبی که با آن از امام مالی حاصل شود؛ اولین مصداق مکاسب محرمه ۱۹۸
- ۶/۲/۳. خوردن مال یتیم، اجر فاجر، فروش مست‌کننده، ربا و ارتشای در حکم؛ دومین الی پنجمین مکاسب محرمه ۱۹۹
- ۶/۲/۳/۱. تضعیف قرض الحسنه؛ یکی از علل بیان‌شده برای حرمت ربا ۱۹۹

- ۶/۲/۳/۲. کمک به فقر و نابودی یتیم و ایجاد زمینه انتقام و ستیز؛ یکی از علل بیان شده برای حرمت خوردن مال یتیم..... ۲۰۰
- ۶/۲/۴. تضعیف عقل، انکار خداوند، دروغ بستن بر پیامبر، فساد، قتل، قذف (تهمت)، زنا و ...؛ چند علت، از علل بیان شده برای حرمت خمر..... ۲۰۲
- ۶/۳. سومین دسته روایات؛ روایات باب شغل‌های مباح کم‌فضیلت..... ۲۰۳
- ۶/۳/۱. در امان نمودن از ربا در شغل صرافی؛ اولین ملاک برای کم‌فضیلت شدن برخی شغل‌های مباح..... ۲۰۴
- ۶/۳/۲. شادمانی از مرگ دسته جمعی مردم در شغل کفن‌فروشی؛ دومین ملاک برای کم‌فضیلت شدن برخی شغل‌های مباح..... ۲۰۵
- ۶/۳/۳. ابتلای به احتکار در شغل غذافروشی؛ سومین ملاک برای کم‌فضیلت شدن برخی شغل‌های مباح..... ۲۰۵
- ۶/۳/۴. سلب رحم و مروت در شغل قصابی؛ چهارمین ملاک برای کم‌فضیلت شدن برخی شغل‌های مباح..... ۲۰۶
- ۶/۳/۵. نهی از خرید و فروش مردم در شغل برده‌فروشی؛ پنجمین ملاک برای کم‌فضیلت شدن برخی شغل‌های مباح..... ۲۰۶
- ۶/۴. چهارمین دسته روایات؛ روایات باب مشاغل بافضیلت..... ۲۰۶
- ۶/۵. ایجاد سود ارتباطی؛ ملاک ارزش‌گذاری مشاغل در نظام اقتصادی فقه‌المکاسب برخلاف نظام اقتصادی سرمایه‌داری..... ۲۰۷
- ۶/۵/۱. قابلیت تفاهم عمومی و در عین حال فقهی بودن مفهوم «سود ارتباطی»؛ دو ویژگی این مفهوم برای مقابله با مفاهیم اقتصاد سرمایه‌داری..... ۲۰۷
- ۶/۵/۱/۱. استنباط وجه ثبوتی و علل الشرائعی موضوعات مختلف؛ عامل ایجاد تفاهم و نظام مقایسه در آن موضوع..... ۲۰۸
- ۶/۵/۲. روایات وجه تسمیه مسلمان و مؤمن؛ دسته‌ای دیگر از روایات دال بر «سود ارتباطی»..... ۲۰۸
- پیوست ۷: فضیلت خیاطی، کشاورزی، باغداری و نگه‌داری دام..... ۲۱۱
- پیوست ۸: قانون احیای موات..... ۲۱۷
- پیوست ۹: بررسی روایات بازار موقت و عمومی بودن تجارت..... ۲۲۴

- ۹/۱. سه دسته روایات زیرساختی..... ۲۲۴
- ۹/۲. عمومی بودن تجارت؛ مهم‌ترین اصل به دست آمده از دو دسته روایات تجارت..... ۲۳۲
- ۹/۲/۱. تغییر در سیاست‌ها و قوانین حوزه تجارت؛ اولین دسته فایده عمومی شدن تجارت..... ۲۳۲
- ۹/۲/۲. تغییر سیاست‌های محرومیت‌زدایی؛ دومین دسته فایده عمومی شدن تجارت..... ۲۳۳
- ۹/۲/۳. کاهش قیمت تمام شده کالا؛ سومین دسته فایده عمومی شدن تجارت..... ۲۳۵
- پیوست ۱۰: توضیح اجمالی دار واسعه..... ۲۳۸
- ۱۰/۱. دار واسعه عامل ایجاد سه زیرساخت اساسی..... ۲۳۸
- ۱۰/۲. بررسی ویژگی‌های مسکن از نظر روایات..... ۲۴۱
- ۱۰/۳. خانه بعنوان ابزار اصلی تنظیم روابط انسانی؛ یکی از مباحث مطرح شده در روایات در باب مسکن..... ۲۴۲
- ۱۰/۴. اجرای الگوی فقهی مدیریت آب و الگوی تولید غیرمتمرکز لازمه اجرای طرح دار واسعه ... ۲۴۴

بسم الله الرحمن الرحيم

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم

الحمد لله رب العالمين «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَعَدَّ الْأَوْهَامَ أَنْ تَتَّالَ إِلَىٰ وُجُودِهِ وَحَجَبَ الْعُقُولَ أَنْ تَتَخَيَّلَ ذَاتَهُ - لِامْتِنَاعِهَا مِنَ الشَّبَهِ وَالتَّشَاكُلِ بَلْ هُوَ الَّذِي لَا تَتَفَاوَتْ ذَاتُهُ وَلَا تَتَبَعَضُ بِتَجْزِيَةِ الْعَدَدِ فِي كَمَالِهِ فَارَقَ الْأَشْيَاءَ لَا بِاخْتِلَافِ الْأَمَاكِنِ وَ يَكُونُ فِيهَا لَا عَلَى الْمُمَارَاجَةِ وَ عَلِمَهَا لَا بِأَدَاةٍ»^١ و الصلاة و السلام على سيدنا و نبينا و شفيعنا فى يوم الجزاء و حبيب قلوبنا ابى القاسم المصطفى محمّد و على اهل بيته الطيبين الطاهرين المعصومين المنتجبين سيّما بقيه الله فى الارضين اروحنا لآماله الفداء و عجل الله تعالى فرجه الشريف و اللعن الدائم على اعدائه اعداء الله من الآن الى قيام يوم الدين.

١. مقدمه

١/١. موضوع: تبیین چگونگی مواجهه با سلطه دلار بر کسب و کار

مردم

همان طوری که به استحضار برادران محترم رسیده است موضوع نشست تخصصی امروز "تبیین چگونگی مواجهه با سلطه دلار بر کسب و کار مردم" است.^٢ دغدغه این نشست این است که با

^١ . خطبه الوسيله نهج البلاغه

^٢ . **ارجاع پرورشی:** « شما می دانید مخلص ترین مفهوم به تنظیم روابط انسانی، مفهوم سلطه است. یعنی شما آزادی اختیار را از بعضی بگیریید و به بعضی دیگر بدهید که در این صورت اساسا دیگر فرد بر اموال خودش مسلط نیست، بر اراده خودش مسلط نیست. و آن عبارات «إِنَّ النَّاسَ مُسَلِّطُونَ عَلَىٰ أَمْوَالِهِمْ (مردم بر مال خودی، سلطه و اختیار دارند): نهج الحق و كشف الصدق(علامه

ارائه چند پیشنهاد کارشناسی مشخص، وضعیت کسب و کار مردم را از سلطه و تسلط ربا^۳ خارج کند و ان شاء الله یک گام برای کارآمدی نظام مبارک جمهوری اسلامی به مسئولین و مردم پیشنهاد شود.

حلی)، ص ۴۹۴ و ۴۹۵ و ۵۰۴ و ۵۷۲» در عمل و در عینیت منتفی می‌شود. وقتی شما می‌گویید که پول، اعتبار است؛ یعنی یک مجموعه‌ای می‌نشینند و این اعتبار را محاسبه می‌کنند. و مثلا می‌گویند ارزش اسکناس این قدر است، ارزش ریال این قدر است، ارزش دلار این قدر است. و یک کارهایی را هم در راستای آن انجام می‌دهند و شما می‌دانید که اسم این کارها «سیاست‌های پولی و مالی» است. مثلا دولتی دچار کسری بودجه می‌شود؛ بدون اینکه تولید ناخالص ملی یا پشتوانه‌های دیگری داشته باشد، به بانک مرکزی دستور می‌دهد که اسکناس چاپ کند. وقتی اسکناس چاپ می‌شود، قوت طرف تقاضا بالا می‌رود؛ در حالیکه شما به دلیل فقدان تولید و یا تولید ضعیف، طرف عرضه را تضعیف کرده‌اید. بنابراین ارزش پول ملی کاهش پیدا می‌کند و مجموعه‌ای مباحثی که در «معادله نشر اسکناس»، «قیمت ارز واسط» و بقیه بحث‌ها مطرح است، مواجه خواهید شد. من با کیفیت این مباحث کاری ندارم؛ با اصل اینکه یک مجموعه‌ای بنشینند و ارزش را تعیین کنند و به یک چیز بی‌ارزش ارزش بدهند، انتقاد دارم. وقتی شما این فرض را می‌پذیرید ممکن است سه اشکال به وجود بیاید: ۱. خطای در محاسبه. ۲. خطای عمدی و از روی تعمد برای اینکه سود بعضی‌ها را تامین کنند که حالا شاید هم حزبی‌های خودشان باشند، یا گروه‌های اقتصادی وابسته به خودشان این هم فرض می‌شود. یعنی شما اختیار را داده‌اید به آن انسان‌ها. حالا چطوری شما ضمانت می‌کنید که آنها خطای عمدی انجام ندهند؟! و سود خودشان را در نظر نگیرند؟! این فرض دوم خیلی محتمل است. ۳. فرض سومی که اشکال پیدا می‌کند عدم شناخت از وضعیت (پول) است. مسئولینی که تصمیم می‌گیرند عمدتا با گزارش تصمیم می‌گیرند. گزارش از صحنه عینی یک بخش توسط کسی که در مرکز (پایتخت) نشسته، ممکن است گزارش و شناخت دقیقی - مثلا از خود فرایند تولید، موانع تولید و شرایط تولید - نباشد. لذا با این سه اشکال شما حتما نمی‌توانید بپذیرید که یک مجموعه‌ای اعتبار را تعیین کنند.

و برای دوستانی که می‌خواهند به صورت استظهاری به مساله نگاه کنند: وقتی این مجموعه دارند یک اعتبار را تعیین می‌کنند، از عموم «إِنَّ النَّاسَ مُسَلِّطُونَ عَلَىٰ أَمْوَالِهِمْ (مردم بر مال خودی، سلطه و اختیار دارند): نهج الحق و کشف الصدق (علامه حلی)، ص ۴۹۴ و ۴۹۵ و ۵۰۴ و ۵۷۲» بحث را خارج می‌کنند و تسلط مردم بر اموال خودشان را از بین می‌برند و این برخلاف روایت است. چون مثلا وقتی یک میلیون تومان پول در حساب یک شخص باشد؛ چقدر ارزش دارد؟ و چه مقدار کالا می‌تواند خریداری کند؟ این متوقف بر سیاست‌های پولی و مالی است. یک روز ارزش آن بیشتر است، و یک روز کمتر! بنابراین روایت نقض می‌شود. اگر کسی آمد و پول اعتباری را پذیرفت؛ اعتبار آن را دیگران می‌نویسند، و ممکن است سه نوع مشکل ایجاد کنند، و در اثر بروز این سه مشکل، «فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ (بقره ۲۷۹) اصل مال شما برای شماست، که در این صورت به کسی ستم نکرده‌اید و از کسی ستم نکشیده‌اید» و روایت بالا را نقض می‌کنند و چالش ایجاد می‌کنند. پذیرش پول اعتباری یعنی پذیرش سلطه کسانی که حکومت بر سیاست‌های پولی و مالی دارند؛ و آنها مصون از خطا نیستند، مصون از نفسانیت‌ها و حرص نیستند. بنابراین اختلال در روابط انسانی به وجود می‌آید. شورای اقتصاد و بانک مرکزی را حاکم می‌کنید بر یکی از ابزارهای اصلی تنظیم روابط انسانی و او ارزش این را پایین و بالا می‌برد. لذا شما پدر یک خانواده را می‌بینید که تا قبل از این بحران‌های پولی کشور می‌توانست کرایه خانه خودش را بدهد؛ چون شما سیاست‌های پولی و مالی را اعمال کردید و ارزش پول او کاهش پیدا کرد؛ حالا او مجبور می‌شود که خانواده خود را یا به روستا ببرد (که البته این کار تصادفا کار خوبی است و زندگی شهری زندگی خوبی نیست)، یا اینکه اساسا دیگر نتواند زندگی را ادامه بدهد و آمار طلاق افزایش پیدا کند. ببینید! وقتی شما پول اعتباری را می‌پذیرید، سلطه تصمیم‌گیران را می‌پذیرید و اینطور نیست که آنها بتوانند درست محاسبه کنند».

حجت الاسلام علی کشوری، مکتوب پول اعتباری ص ۱۸ الی ۲۰، ۲۵ خرداد ۱۴۰۰، قم

کانال الگوی پیشرفت اسلامی-ایتا

eitaa.com/olgou4/3258

۳. **ارجاع پرورشی:** «حضرت امیرالمومنین می‌فرمودند: «عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ سَمِعْتُ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ عَلَى الْمُنْبَرِ: (يَا مَعْشَرَ التُّجَّارِ الْفِقْهَ ثُمَّ الْمُنْتَجِرِ الْفِقْهَ ثُمَّ الْمُنْتَجِرِ وَاللَّهِ لَكُرْبَا فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ دَيْبٌ أَخْفَى مِنْ دَيْبِ الْأُمَّلِ عَلَى الْصَفَا صُونُوا أَمْوَالَكُمْ

همان طوری که استحضار دارید از زمان دولت سازندگی تا کنون یکی از چالش‌های اقتصادی کشور همین بحث "ارزش‌گذاری ارز واسط" بوده^۴ و عمده ارز واسط هم در ایران ارز دلار است.

بِالصَّدَقَةِ التَّاجِرُ فَاجِرٌ وَ الْفَاجِرُ فِي التَّارِ إِلَّا مَنْ أَخَذَ الْحَقَّ وَ أُعْطِيَ الْحَقَّ « ای تاجران! نخست فقه (آموختن احکام تجارت) سپس تجارت، نخست فقه سپس تجارت، نخست فقه سپس تجارت. به خدا سوگند! یقین داشته باشید که ربا در این امت از راه رفتن مورچه بر روی سنگ صیقلی و بزاق پنهان‌تر و نامرئی‌تر است؛ سوگندهایتان را با راستگویی بیامیزید و قسم دروغ یاد مکنید. تاجر، فاجر است و فاجر در آتش است، مگر آن تاجری که حق را بگیرد و حق را بپردازد. (الکافی، ج ۵، ص ۱۵۰ / من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۹۴).

حضرت مسئله ربا را پایه قرار می‌دادند و دعوت به آموزش می‌کردند. می‌فرمودند که اگر فقه نخوانید به صورت مخفی و به نحوی که خودتان مطلع نشوید مبتلا به ربا خواهید شد).

حجت الاسلام علی کشوری، مکتوب فقه‌المکاسب ص ۲۱۷، ۲۱ الی ۳۱ شهریور ۱۳۹۸، قم

کانال الگوی پیشرفت اسلامی-ایتنا

eitaa.com/olgou4/3282

«یکی از مفاهیمی که در ذیل توسعه پایدار مطرح می‌باشد، مفهوم رباست. همه شما فریاد بلند و رسای مراجع قم را راجع به مسأله ربا شنیده‌اید. مسأله ربا جنگ با خداست و حرمت ربا به دلیل این است که ربا، نظام روابط اجتماعی را به چالش می‌کشد. مسأله ربا یک امر مذموم است و همه مؤمنین می‌دانند. ما ذیل سیاست‌های پولی و مالی‌ای که در نظام بانکداری و نظام پولی مبتنی بر توسعه مطرح می‌شود، مسأله ربا را به رسمیت شناخته‌ایم، منتهی نام آن به بهره بانکی و سود سپرده تغییر یافته است. وقتی گفته می‌شود قرار است کشوری توسعه پیدا کند، حتماً همه کارشناسان اذعان می‌کنند که توسعه‌یافتگی بدون تحول در سیاست‌های پولی و مالی یک کشور امکان ندارد. حالا سیاست‌های پولی و مالی مبتنی بر چیست؟ مبتنی بر نرخ بهره».

حجت الاسلام علی کشوری، تبیین برخی از ابعاد سند ۲۰۳۰، ۵ تیر ۱۳۹۶، قم

m-hedayat.blog.ir/1396/04/05

۴. **ارجاع پردازشی:** «هاشمی رفسنجانی، اولین دولت بعد از جنگ تحمیلی بود. جنگ هشت‌ساله با عراق سبب شد تا خسارت مستقیم ۱۰۰ میلیارد دلاری و همچنین خسارت غیرمستقیم ۱۰۰۰ میلیارد دلاری به کشور تحمیل شود. در این شرایط دولت هاشمی باید بخشی از تمرکز خود را بر روی بازسازی خرابی‌های بعد از جنگ می‌گذاشت که این مسئله کار او برای بهبود اوضاع اقتصادی را سخت می‌کرد. گرچه پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، برای حدود ۱۴ سال قیمت رسمی ارز در کشور ثابت باقی ماند، اما چون نه مثل قبل امکان کسب درآمدهای نفتی فراوان وجود داشت و نه امکان آسان دریافت وام‌های خارجی، تامین ارز در نرخ‌های ثابت و پایین نگه‌داشتن آن با مشکل مواجه بود. این مشکل، در دوره ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی یعنی دوره بحرانی بعد از جنگ خود را نشان داد، به طوری که تورم در این دوره تا نرخ ۴ درصد در سال ۷۴ افزایش یافت و تا سال ۷۶ نیز کماکان در حدود ۲۰ درصد باقی ماند».

منبع: خبرگزاری فارس

farsnews.ir/news/13970508000825

«بررسی روند قیمت دلار در دولت‌های مختلف نشان می‌دهد که قیمت ارز در ابتدای دولت مرحوم هاشمی از ۱۱۹ تومان به ۴۷۳ تومان در پایان عمر دولتش رسیده و حتی مقاطعی قیمت ۵۱۲ تومان را هم لمس کرده است.

در واقع قیمت ارز در دوره مرحوم هاشمی چیزی در حدود ۴ برابر افزایش یافته و در میان دولت‌های بعد از انقلاب رکورددار محسوب می‌شود».

منبع: خبرگزاری نود اقتصادی

9eghtesadi.com/Content/Detail/2151735

پیشنهادهای مختلفی در طول این سالها مطرح شده است؛ ولی نتیجه کار هر دولتی که بر روی کار می‌آید، افزایش قیمت دلار بوده و به تبع آن باعث ایجاد چالش در کسب و کار مردم و افزایش تورم "Inflation" در جامعه بوده است.^۶ بنابراین شاید الان وقت آن باشد که بر اساس مفاهیمی

۵. **ارجاع پرورشی:** It may be one of the most familiar words in economics. Inflation has plunged countries into long periods of instability. Central bankers often aspire to be known as "inflation hawks." Politicians have won elections with promises to combat inflation, only to lose power after failing to do so. Inflation was even declared Public Enemy No. ۱ in the United States—by President Gerald Ford in ۱۹۷۴. What, then, is inflation, and why is it so important? Inflation is the rate of increase in prices over a given period of time. Inflation is typically a broad measure, such as the overall increase in prices or the increase in the cost of living in a country. But it can also be more narrowly calculated—for certain goods, such as food, or for services, such as a haircut, for example. Whatever the context, inflation represents how much more expensive the relevant set of goods and/or services has become over a certain period, most commonly a year.

شاید یکی از آشناترین کلمات در اقتصاد باشد. تورم کشورها را در دوره های طولانی بی ثباتی فرو برده است. سیاستمداران با وعده‌های مبارزه با تورم در انتخابات پیروز شده‌اند، اما پس از شکست در انجام این کار، قدرت را از دست داده‌اند. پس تورم چیست و چرا اینقدر مهم است؟

تورم نرخ افزایش قیمت‌ها در یک دوره زمانی معین است. تورم معمولاً یک معیار گسترده است، مانند افزایش کلی قیمت‌ها یا افزایش هزینه‌های زندگی در یک کشور. اما همچنین می‌توان آن را محدودتر محاسبه کرد - برای مثال برای کالاهای خاص، مانند غذا، یا برای خدمات، مانند کوتاه کردن مو. شرایط هر چه که باشد، تورم نشان می‌دهد که مجموعه کالاها و/یا خدمات مربوطه در یک دوره معین، معمولاً در یک سال، چقدر گران‌تر شده است.

منبع: سایت صندوق بین‌المللی پول (IMF)

imf.org/en/Publications/fandd/issues/Series/Back-to-Basics/Inflation

Inflation is a rise in prices, which can be translated as the decline of purchasing power over time. The rate at which purchasing power drops can be reflected in the average price increase of a basket of selected goods and services over some period of time. The rise in prices, which is often expressed as a percentage, means that a unit of currency effectively buys less than it did in prior periods. Inflation can be contrasted with deflation, which occurs when prices decline and purchasing power increases.

تورم افزایش قیمت است که می‌توان آن را کاهش قدرت خرید در طول زمان ترجمه کرد. نرخ کاهش قدرت خرید را می‌توان در افزایش متوسط قیمت سبیدی از کالاها و خدمات منتخب در یک دوره زمانی منعکس کرد. افزایش قیمت‌ها، که اغلب به صورت درصد بیان می‌شود، به این معنی است که یک واحد ارز به طور موثر کمتر از دوره های قبل خرید می‌کند. تورم را می‌توان با کاهش تورم مقایسه کرد که زمانی رخ می‌دهد که قیمت‌ها کاهش یابد و قدرت خرید افزایش یابد.

منبع: ویسایت اطلاعات مالی Investopedia

investopedia.com/terms/i/inflation.asp

۶. **ارجاع پرورشی:** «در مسئله تورم، بخش قابل توجهی از تورم به دلیل محوریت یافتن ارز واسط در کسب و کار ایران است و محوریت یافتن ارز واسط در کسب و کار ایران هم، به دلیل وابستگی اقتصاد ایران در تولید - خصوصاً غذا و لباس - به اقتصاد

جدید، پیشنهادهای جایگزینی را برای نحوه مواجهه با سلطه دلار در جامعه مطرح کنیم. این نشست ان‌شاء‌الله آغازی بر طرح این مفاهیم جدید در حوزه مدیریت‌های پولی و مالی و مدیریت سایر بخش‌های اقتصاد است.^۷

خارجی است. به عبارت بهتر اندراج اقتصاد ایران در اقتصاد جهانی و ایجاد سبیل اقتصادی بر جامعه اسلامی، علت اصلی پیدایش تورم، در ایران است».

حجت الاسلام علی کشوری، ۱۷ اسفند ۱۳۹۹، قم، وبگاه فقه نظام

m-hedayat.blog.ir/۱۳۹۹/۱۲/۱۷

«برای مهار پدیده تورم و افزایش قیمت‌ها (غلاء السعر) - در مرحله اول - باید تحلیل‌های ناقص اقتصاد کلان در این حوزه را مهار کرد و به چالش کشید. در یک جمله معتقدیم: اقتصاد کلان قدرت توصیف دقیق و احصاء کامل عوامل مؤثر بر افزایش قیمت‌ها را ندارد. برای ارتقای درک مسئولین اقتصادی از مسئله تورم و افزایش قیمت‌ها، بر اساس دانش پیشرفته فقه المکاسب چهار پرسش زیر را مطرح می‌نمائیم:

پرسش اول: روش تحقیق در حوزه مسائل اقتصادی و مسئله تورم چیست؟ (در حوزه اقتصاد از روش تحقیق "مبتنی بر اشراف" بهره می‌گیریم + ارائه شرح ده بعدی شارع درباره اشیاء)

پرسش دوم: تحلیل‌های ناقص مشهور درباره تورم کدام است؟ و چه اشکالی بر آنها وارد است؟ (بررسی چهار تحلیل ۱- عدم

تحقق وضعیت اشتغال کامل، ۲- کسری بودجه دولت و استقرار از بانک مرکزی و افزایش پایه پولی + بررسی نقش پول

اعتباری در افزایش تورم، ۳- نظریه عدم رعایت فاصله طبقاتی در مصرف، ۴- بررسی نقش انتظارات در وقوع تورم)

پرسش سوم: نظریه فقه المکاسب برای تحلیل و مهار تورم چیست؟ (بررسی نقش پنج عاملدر افزایش قیمت‌ها: ۱- بررسی نقش

عدم تحقق طبقه بندی صحیح مشاغل در افزایش قیمت‌ها، ۲- بررسی نقش مشاغل مکروه و بی برکت در افزایش قیمت‌ها، ۳-

بررسی نقش تولید متمرکز و صنعتی در افزایش قیمت‌ها، ۴- بررسی نقش عمومی نشدن تجارت در افزایش قیمت‌ها و ۵-

بررسی نقش عدم توجه به آموزش‌های فقه المکاسب در افزایش قیمت‌ها)

پرسش چهارم: تصمیمات زیرساختی فقه المکاسب برای مهار تورم کدام است؟ (۱- گسترش گفتگو و تدریس موضوعی و همه

جانبه مباحث فقه المکاسب به جای تدریس و گفتگو بر محور مباحث معیوب اقتصاد کلان و اقتصاد توسعه و اقتصاد خرد، ۲-

ساخت بازارهای موقت گسترده در ایران با جانمایی صحیح + احیای مفهوم مترقی مسجد بازار برای مدیریت نرم اهالی بازار، ۳-

حمایت از تحقق مشاغل برتر ۵ گانه در جامعه (مشاغل مرتبط با تولید غذا و لباس و داروی طبیعی) + مواجهه نرم با مشاغل

مکروه و بی برکت (خرید و فروش خانه، زمین، باغ و آب)، ۴- طراحی کالبد جدید محلات و شهر با توجه به مراکز تولید محله

ای و غیر متمرکز))

حجت الاسلام علی کشوری، ۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۲، قم، وبگاه فقه نظام

m-hedayat.blog.ir/post/۹۶۳

۷. **ارجاع پرورشی:** «با انگیزه اراهه راه حل به دولت محترم جمهوری اسلامی ایران و با توجه به موثر نبودن دیدگاه‌های کارشناسی

سرمایه داری برای کنترل سلطه دلار از دولت سازندگی تا امروز و در راستای طرح مستمر دیدگاه‌های کارشناسی الگوی پیشرفت

اسلامی، چند نکته مهم را درباره اصلاح سیاست‌های اقتصادی کشور طرح می‌کنم:

نکته اول اینکه: طبق تحلیل‌های متفاوت آماری از میزان نیازمندی کشور ایران به ارز، سالانه به حدود ۴۰ میلیارد دلار (تقاضاهای

ضروری) تا حدود ۸۰ میلیارد دلار (با احتساب نیازهای تجملاتی و غیر ضروری) نیازمند هستیم و در شرایط فعلی، به دلیل بحث

تحریم چرخه دلار (U-Turn مهم‌ترین تحریم آمریکا بر علیه کشور است) دستیابی کشور به این میزان از ارز با مشکلاتی روبرو

شده است.

نکته دوم آنکه: علاوه بر عامل فوق، برای افزایش قیمت دلار مجموعه ای از عوامل مدیریت کننده انتظارات در بازار ارز مانند:

توقف مذاکرات برجاسی، کسری بودجه دولت، افزایش خرید دلار در پایان سال میلادی، کاهش صادرات پتروشیمی و بالتبع کاهش

درآمدهای ارزی کشور و... مزید بر علت اصلی می‌شوند و کارشناسان اقتصادی در فضای رفع مانع اصلی و موانع انتظاری به

۱/۲. تجربه ناکام اقتصادی در چهل سال گذشته: بستر احساس نیاز به "تعویض مفاهیم اقتصاد"

من قبل از این که بحث را شروع کنم می‌خواهم یک جمله‌ای را عرض کنم: «تجربه چهل سال گذشته به ما می‌گوید: کارشناسان اقتصاد - یا به تعبیر ساده‌تر اقتصاددان‌ها - نمی‌توانند تحلیل صحیحی از وضعیت اقتصادی/ایران و به تبع راه‌حل کارآمدی برای مدیریت وضعیت اقتصادی ارائه بدهند». از هر طیفی که شما تصور کنید در سال‌های گذشته بر سرکار بوده و دیدگاه‌هایشان اجرایی شده است. به نظر بنده با تعویض مدیریت‌ها نمی‌توانیم مشکل اقتصادی کشور را حل کنیم بلکه نیاز است مسئله "تعویض مفاهیم در ذهن کارشناسان کشور" را مطرح کرده و راجع به آن گفتگو کنیم.^۸ به‌رحال الان وضعیت این‌جوری است که وقتی چالش ایجاد می‌شود [مدیران تعویض

دنبال ارزیابی راه حل به دولت برای کنترل قیمت اسکناس آمریکایی دلار می‌گردند. (این تحلیل‌ها در زمان هیچ دولتی به کاهش قیمت دلار کمک نکرده است!)

نکته سوم اینکه: در همه این تحلیل‌ها؛ چرایی نیاز حداکثری کشور به دلار و نحوه کاهش وابستگی کشور به این اسکناس آمریکایی و سایر ارزهای واسط و اکاوی نمی‌شود! به عبارت دیگر: اگر از تاریخ ۱۰ نوامبر ۲۰۰۸ - مصادف با ۲۰ آبان ۱۳۸۷ (زمان اعمال رسمی تحریم چرخه دلار) و یا از امروز؛ سیاست‌های رسمی کشور به سمت کاهش نیازمندی کشور به ارزهای واسط سوق پیدا کند؛ ایفای نقش دلار در زندگی مردم به تدریج کم خواهد شد و جمهوری اسلامی در دهه اول از چله دوم خود سلطه دلار و اقتصاد سرمایه داری را به چالش خواهد کشید. (مانند چالش‌های سیاسی، امنیتی و نظامی جمهوری اسلامی برای نظام سرمایه داری در شرایط فعلی).

نکته چهارم آنکه: کاهش وابستگی ایران به اسکناس آمریکایی دلار از طریق اجرای شش محور ۱- اجرای قانون مترقی احیای موات و شکستن احتکار زمین، ۲- غلبه تدریجی ساخت دار و توسعه بر ساخت مجتمع‌های آپارتمانی ۳- ساخت تدریجی بازارهای رایگان و وقفی، ۴- حمایت تدریجی از اجرای طبقه بندی جدید مشاغل، ۵- تغییر اساسی تقسیمات شهری از مفهوم معیوب منطقه به مفهوم محله و محیط همسایگی، ۶- اجرای جدی سیاست‌های ۲۵ گانه پیشگیری از بیماری و... آغاز می‌گردد و نتیجه آن کاهش وابستگی ایران در مسئله غذا و دارو و تجهیزات پزشکی به واردات و بالتبع کاهش نیاز کشور به ارز واسط است! به عبارت بهتر با اتکاء به زیست بوم فعلی کسب و کار، آقایی دلار محفوظ خواهد بود (با استدلال به تجربه دولت سازندگی تا امروز) و راه نجات را باید در ساخت یک زیست بوم مستقل از نظام سرمایه داری و مردمی و مستقل از واردات دنبال نمود. (حداقل در حوزه غذا و دارو)

آیا بانک مرکزی، وزارت اقتصاد و مجلس؛ به عنوان مقلد - کارشناسان شکست خورده سرمایه داری - باقی خواهند ماند؟!.

حجت الاسلام علی کشوری، ۲۹ آذر ۱۴۰۱، قم، وبگاه فقه نظام

m-hedayat.blog.ir/post/۹۴۲

۸. **ارجاع پرورشی:** «همانطور که می‌دانید نظام کارشناسی کشور در دهه اول انقلاب اسلامی رویکردهای سوسیالیستی داشته و از دهه دوم انقلاب اسلامی هم باتدبیر مرحوم هاشمی رویکردهای سرمایه داری را مکرراً تا امروز اجرائی نموده است. سازمان برنامه و بودجه تاکنون نسبت به شعار اصلی انقلاب مبنی بر نفی کارآمدی شرق و غرب در اداره جامعه، بی تفاوت و ناهم باقی مانده است و البته راه علاج تذبذب این سازمان میان مکاتب مختلف اقتصادی توجه جدی حوزه‌های علمیه و درس خارج فقه به الگوی پیشرفت اسلامی است. اساساً همه اجتهاد‌های مبتنی بر پیش فرضهای غربی و شرقی و عرفی و مصلحتی و... مذموم و فاقد حجیت است.

می‌شوند؛ مثلاً مدیر بانک مرکزی استعفا می‌دهد یا پیشنهاد استعفای وزیر محترم اقتصاد مطرح می‌شود - که البته از سر قضا پیشنهاد خوبی هم هست - ولی به هر حال چاره کار به عنوان نسخه نهایی، تعویض مدیران نیست [بلکه] راه حل "تعویض مفاهیم" و "طرح مفاهیم جدید" در حوزه اقتصاد است.^۹ بنده جلسه امروز را یک آغازی بر طرح مفاهیم جدید برای - اولاً - توصیف حوزه

برای حل یک مسئله گاهی چند راه حل وجود دارد و در این میان باید راه حلی را انتخاب کرد که ریشه یابی دقیق تری از معضلات ارائه می‌کند. به عنوان مثال راه حل فقهی مسئله تورم، پذیرش پول غیر اعتباری و دارای مالیت است و لازم نیست شارع با الگوهای ناکارآمدی مانند اعمال سیاست های انقباضی بر طرف تقاضا و محدود کردن تقاضای کل برای علاج تورم برنامه ریزی کند. توضیح بیشتر اینکه: بخش اعظم تورم فعلی محصول خلق پول اعتباری و معادله نشر اسکناس و معادله تعیین نرخ برای ارز واسط است و با تغییر تعریف پول از پول اعتباری به پول دارای مالیت، این نوع از تورم حذف می‌شود. در بخش تکمیلی هم روایات و آیات مرتبط با احتکار، کم فروشی، انصاف، اقاله، خیار، ربح و... ابزارهایی کارآمد برای رهایی از تورم ناشی از حرص محسوب می‌شوند. (رجوع شود به الگوی فقهی مدیریت تورم)

همچنین کارکرد ترکیبی روایات و آیات مرتبط با اصل مترقی "عمومی شدن تجارت" و روایات و آیات مرتبط با "طبقه بندی فقهی مشاغل" زیر ساختی بی بدیل برای رشد اقتصادی می‌سازند؛ که البته معایب معادلات سرمایه داری برای ایجاد رشد اقتصادی را هم ندارند. معادلات مرتبط با رشد اقتصادی در نظام کثیف سرمایه داری، رشد ناشی از تولید فحشاء، ترور، خبثات و... را در جدول رشد اقتصادی محاسبه و تشویق می‌کند و در مسئله توزیع سود هم از ایجاد عدالت عاجز می‌شود!.

حجت الاسلام علی کشوری، ۱۵ مهر ۱۳۹۹، قم، وبگاه فقه نظام

<https://m-hedayat.blog.ir/۱۳۹۹/۰۷/۱۵>

۹. **ارجاع پرورشی:** (عده‌ای می‌خواهند این نابسامانی را به مدیریت برخی افراد و جریان‌ها برگردانند. ضمن اینکه ناکارآمدی مدیران در بعضی از بخش‌های اقتصادی و غیر اقتصادی را نفی نمی‌کنیم، می‌خواهم با صراحت عرض کنم که در همه کشورهایی که مسئله ضعف در مدیریت مطرح نبوده و حتی مدیریت قوی در میدان بوده است مانند کشور ژاپن یا آلمان و سایر کشورهایی که به هر حال در عُرف موجود گفته می‌شود که آن‌ها به لحاظ مدیریت مشکلی نداشته‌اند، در همه این کشورها وضعیت اقتصاد نابسامان و بهم‌ریخته است. بنابراین ما معتقدیم که نظام مفاهیم حاکم بر اقتصاد آزاد و سرمایه‌داری که اصرار دارد خود را یک اقتصاد عقلایی معرفی کند، عامل اصلی به‌هم‌ریختگی اقتصاد در کشور ما و سایر کشورهاست. ممکن است در بعضی از دانشگاه‌ها و بعضی از جریان‌های انقلابی و دینی به هر دلیلی، کسانی فکر کنند اگر دولت «تدبیر و امید» عوض شود می‌توان وضعیت اقتصاد کشور را بهینه کرد؛ چراکه همه مسئله را به ضعف مدیریتی برمی‌گردانند. درحالی‌که ما فکر می‌کنیم حتی اگر مدیران قوی از حیث اوصاف مدیریتی سرکار بیایند ولی همین نظام مفاهیم اقتصاد سرمایه‌داری وجود داشته باشد، وضعیت اقتصاد کشور بهبود پیدا نخواهد کرد. لذا دعوت اصلی ما در این دوره مباحثاتی این است که دلسوزان کشور، اقتصاد و معیشت عمومی را بر اساس مفاهیم فقه‌المکاسب پیگیری کنند و نه بر اساس مفاهیمی که در اقتصاد خرد، اقتصاد کلان و اقتصاد توسعه مطرح است و نه بر اساس مفاهیمی که در مکاتب مختلف اقتصادی مطرح می‌شود. این، حرف اول است. حرف اول ما این است که ما به یک معماری جدید در حوزه مفاهیم مرتبط با معیشت و کسب مردم نیازمندیم و فکر می‌کنیم که این معماری جدید در فقه‌المکاسب مطرح شده است).

حجت الاسلام علی کشوری، مکتوب فقه‌المکاسب ص ۵ و ۶، ۲۱ الی ۳۱ شهریور ۱۳۹۸، قم

کانال الگوی پیشرفت اسلامی-اینا

eitaa.com/olgou/۳۲۸۲

اقتصاد" و - ثانیاً - "ارائه راه حل" می‌دانم؛ ان‌شاء الله موفق شویم در جلسات آینده این مباحث را به صورت جدی‌تر در فضای عمومی کشور مطرح کنیم.^{۱۰}

۱۰. ارجاع پرورشی: تقریباً همه تعاریف اقتصاد مدرن با تعاریف اقتصاد اسلامی در تعارض است.

در حال حاضر در کشور به مسئله خطرناک سیاست‌های پولی و مالی کینزی مبتلا هستیم. ما نمی‌توانیم کشور را با وضعیت بانک‌های فعلی خوب اداره کنیم. بانک‌های فعلی ده‌ها اشکال دارند.

اشکال اول آن‌ها این است که تعریف پول از نظر دستگاه پیامبران را متوجه نشده‌اند. آن‌ها پول را «اعتبار» می‌دانند؛ درحالی‌که از نظر فکر اسلامی باید خود پول ارزش داشته باشد؛ اصطلاحاً خود پول باید مال باشد. اگر به پول قید مالیت بدهیم و ابزار انتقال خود را یک شیء ارزشمند قرار دهیم، سیاست‌های اغنیاء نمی‌تواند ارزش آن را به حدی که الآن مشاهده می‌کنید، بالا و پایین کند. در حال حاضر مشکل کشور کاهش ارزش پول است و همه امور از جمله زندگی مستضعفین و مردم را تحت شعاع قرار داده است. خب این یک مشکلی است و حوزه علمیه نمی‌تواند از این بگذرد؛ اگر بخواهیم آن را ریشه‌ای حل کنیم، باید به سمت این برویم که ببینیم تعریف پول در دانشگاه‌های اقتصادی کشور درست مطرح می‌شود یا خیر؟

من وقتی سرفصل‌های دانشگاه‌ها را نگاه می‌کنم، خیلی نگران می‌شوم؛ بسیار میان تعاریف آن‌ها با تعاریفی که در روایات و آیات ما مطرح شده است فاصله می‌بینم. مثلاً شما همین دانشگاه محترم امام صادق (علیه السلام) علیه السلام را ببینید. خب از اساس زحمت آقایان بر این بود که یک دانشگاهی بسازند که نیازهای انقلاب اسلامی را پاسخ دهد و انصافاً هم این دانشگاه در بعضی از حوزه‌ها خوب پیشرفت کرده است ولی دانشگاه امام صادق علیه السلام علیه السلام امروز مبتلا به این تعاریف غلط در حوزه اقتصاد است؛ به نظرم نود درصد یا درصد بالاتری از تعاریفی که در کتب این دانشگاه تدریس می‌شود با تفکرات انبیاء فاصله دارد.

مثلاً کتاب گریگوری منکیو را آنجا درس می‌دهند؛ همین کتاب را ببینید و ورق بزنید و نگاه کنید که آیا پیامبران و آیات و روایات ما واقعاً همین تعاریف را مبنا قرار داده‌اند یا خیر؟ یعنی می‌خواهم صحبت از یک مصیبت و فاجعه داشته باشم؛ ما هم می‌خواهیم کشور را با این تعاریف اصلاح کنیم و هم خود این تعاریف، «حجیت نیافته» و مبتنی بر همین تعاریف تجربی موجود است.

البته اقتصاد، یکی از این حوزه‌ها است ولی من یکی از مهم‌ترین ریشه‌های مشکلات حوزه اقتصاد را تعریف غلط پول می‌دانم؛ پول در اسلام مبتنی بر ده‌ها باب روایی از جمله باب روایات مربوط به زکات است؛ پول به لازمه این روایات، باید امر واقعی باشد، شارع مقدس نظر خاص درباره پول دارد؛ ما نمی‌توانیم پول به معنای اعتباری و الکترونیکی آن را به عنوان «ابزار مبادله» قرار دهیم. خیلی راجع به این بحث‌ها باید گفتگو شود.

[پول در روایات] ده‌ها لازمه فنی پیدا می‌کند؛ پول یک امر پیچیده است. به نظرم دانشگاه‌های ما و متخصصین حوزه اقتصاد تأثیر پول بر سبک زندگی را نتوانسته‌اند تحلیل کنند، تأثیر پول بر اخلاق را نتوانسته‌اند تحلیل کنند؛ این خیلی بد است که ما این همه از نظر علمی عقب‌افتاده و متکی بر نظریات معیوب پوزیتیویستی هستیم. ان‌شاء الله امیدوارم که بعداً وقتی راجع به بانک مرکزی صحبت می‌کنیم، در این حوزه وارد بحث تفصیلی شوم؛ ولی چون حوزه مهمی است یک اشاره کنم؛ ما اجمالاً معتقدیم که بانک مرکزی باید «سود ارتباطی» را و نه «سود اقتصادی» را اصل قرار دهد؛ سود ارتباطی عبارت از آن سودی است که انسان‌ها از ارتباط با هم دیگر به نحو تکاملی می‌برند. این خیلی مسئله مهمی است. ما نمی‌توانیم محور تعادل اجتماعی را «سود اقتصادی» قرار دهیم؛ درحالی‌که همه سیاست‌های پولی و مالی ما، تعدیل کلان جامعه حول «ارزش افزوده» را پیگیری می‌کند. این بحث را می‌گذارم برای زمانی که ما به مسئله اقتصاد و پول و شغل می‌پردازیم».

حجت الاسلام علی کشوری، ۲۵ آذر ۱۳۹۷، کرج

m-hedayat.blog.ir/۱۳۹۸/۰۴/۸

۱/۳. بیان اجمالی چهار سرفصل اصلی بحث حاضر

مجموعه بحثی که بنده برای جلسه امروز آماده کردم که به محضرتان تقدیم کنم چهار سرفصل اصلی است یا به عبارت دیگر چهار پرسش هست.

پرسش اول تبیین روش‌شناسی بحث است. در واقع می‌خواهیم راجع به روش مطالعه علم اقتصاد بحث کنیم که «آیا ما می‌توانیم با روش‌های ریاضی موجود راجع به علم اقتصاد اظهار نظر کنیم؟» پرسش دوم روش‌شناسی بحث است. در واقع می‌خواهیم راجع به روش مطالعه علم اقتصاد بحث کنیم که «آیا ما می‌توانیم با روش‌های ریاضی موجود راجع به علم اقتصاد اظهار نظر کنیم؟» پرسش سوم روش‌شناسی بحث است. در واقع می‌خواهیم راجع به روش مطالعه علم اقتصاد بحث کنیم که «آیا ما می‌توانیم با روش‌های ریاضی موجود راجع به علم اقتصاد اظهار نظر کنیم؟» پرسش چهارم روش‌شناسی بحث است. در واقع می‌خواهیم راجع به روش مطالعه علم اقتصاد بحث کنیم که «آیا ما می‌توانیم با روش‌های ریاضی موجود راجع به علم اقتصاد اظهار نظر کنیم؟»

۱/۳/۱. روش‌شناسی علم اقتصاد؛ به همراه بیان سرفصل‌های "دانش فقهی پول" جدید؛ سرفصل اول بحث

کنیم؛^{۱۱} یا نیاز به روش‌شناسی جدیدی داریم؟»^{۱۲} بنده ملحق به این بحث روش‌شناسی، اجمالاً سرفصل‌های "دانش فقهی پول" را هم در این جلسه طرح می‌کنم. "دانش فقهی پول" در واقع تحلیل

۱۱. **ارجاع پردازشی:** According to the purpose of the article, which is aimed at substantiating the compliance of the acquired competencies of higher education applicants in the field of economics and entrepreneurship with the content and the amount of program knowledge in mathematical statistics. The essential tasks of the discipline are determined using statistical methods for the control and management of quality of products and services that require deep knowledge about mathematical statistics. The mechanism of establishing compliance of basic knowledge of the subject matter in mathematical statistics with applied tasks of quality management is proposed. The authors have elaborated the algorithms of systematization, evaluation and analysis of sampled data together with determination of type and parameters of their statistical distribution, corresponding to the main tasks of mathematical statistics. The presented algorithm of research is accompanied by visual diagrams, which step by step reflect the course of solving statistical tasks with the relevant formulas, tables and recommendations, which contributes to better and more conscious assimilation of the material. On the example of studying a particular professional discipline, a systematic methodical approach to the formation of propedeutic knowledge of an interdisciplinary nature with the setting of tasks in certain types of economic activity is substantiated. It is proposed to extend the use of developed approaches to other areas of knowledge in the sphere of education

با توجه به هدف مقاله که با هدف اثبات انطباق صلاحیت‌های اکتسابی متقاضیان آموزش عالی در زمینه اقتصاد و کارآفرینی با محتوا و میزان دانش برنامه در آمار ریاضی انجام شده است، تعدادی از انتشارات در این زمینه تجزیه و تحلیل می‌شوند. وظایف اساسی این رشته با استفاده از روش‌های آماری برای کنترل و مدیریت کیفیت محصولات و خدمات تعیین می‌شود که نیاز به دانش عمیق در مورد آمار ریاضی دارد. مکانیسم ایجاد انطباق دانش پایه موضوع در آمار ریاضی با وظایف کاربردی مدیریت کیفیت پیشنهاد شده است. نویسندگان الگوریتم‌های سیستم‌سازی، ارزیابی و تجزیه و تحلیل داده‌های نمونه‌گیری شده را همراه با تعیین نوع و پارامترهای توزیع آماری آنها، مطابق با وظایف اصلی آمار ریاضی، شرح داده‌اند. الگوریتم تحقیق ارائه شده همراه با نمودارهای تصویری است که گام به گام سیر حل تکالیف آماری را با فرمول‌ها، جداول و توصیه‌های مربوطه منعکس می‌کند که به جذب بهتر و آگاهانه‌تر مطالب کمک می‌کند. به عنوان مثال مطالعه یک رشته حرفه‌ای خاص، یک رویکرد روشمند سیستماتیک برای شکل‌گیری دانش پیش‌بردی از ماهیت بین رشته‌ای با تعیین وظایف در انواع خاصی از فعالیت‌های اقتصادی اثبات شده است. پیشنهاد شده است که استفاده از رویکردهای توسعه یافته به سایر حوزه‌های دانش در حوزه آموزش گسترش یابد.

منبع: مقاله "پیش‌نیازهای آموزش متخصصان اقتصاد و کارآفرینی بر اساس دانش آمار ریاضی"، T. Kovalchuk, V. Kovalchuk,

۲۰۲۱، منتشر شده در دانشنامه Semantic Scholar

The Prerequisites for Educational Training of Specialists in Economics and Entrepreneurship on the Basis of Mathematical Statistics Knowledge, V. Kovalchuk, T. Kovalchuk, Published ۲۰۲۱

[semanticscholar.org/paper/The-Prerequisites-for-Educational-Training-of-in-on-Kovalchuk-Kovalchuk](https://www.semanticscholar.org/paper/The-Prerequisites-for-Educational-Training-of-in-on-Kovalchuk-Kovalchuk)

This paper discusses approaches to economic and mathematical modeling skills development among students of universities of economics. The need for this competency among specialists in the digital economy is shown. The motivation of the student the future specialist in the digital economy in mastering the basic techniques of economic processes and systems modeling is outlined. The sections of the school course in mathematics are given, which are the basis for the development of these skills. Mathematical courses are examined; their study is considered to be the foundation for

the development of the competence in economic processes modeling. The author describes the main types of mathematical models that are studied at the present stage at universities of economics and are widely used in the digital economy. The author also presents a classification of the models used in the educational process while studying mathematical courses. The main requirements for economic-mathematical models are discussed and substantiated. The author has listed necessary requirements for teachers of mathematical departments of universities. These requirements can help them to teach basic mathematics and its applied sections (e.g. mathematical modeling) to students successfully. The main conclusions and results of the study can be used in the practical work of teachers of mathematical departments at universities of economics when creating electronic teaching aids of economic and mathematical modeling and methods of their application in the educational process.

این مقاله رویکردهای توسعه مهارت‌های مدل‌سازی اقتصادی و ریاضی را در بین دانشجویان دانشگاه‌های اقتصاد مورد بحث قرار می‌دهد. نیاز به این شایستگی در میان متخصصان اقتصاد دیجیتال نشان داده شده است. انگیزه دانش آموز متخصص آینده در اقتصاد دیجیتال در تسلط بر تکنیک‌های اساسی فرآیندهای اقتصادی و مدل‌سازی سیستم‌ها تشریح شده است. بخش‌هایی از دوره مدرسه در ریاضیات آورده شده است که مبنای رشد این مهارت‌ها است. مطالعه آنها به عنوان پایه ای برای توسعه شایستگی در مدل‌سازی فرآیندهای اقتصادی در نظر گرفته می‌شود. نویسندگان انواع اصلی مدل‌های ریاضی را توصیف می‌کند که در مرحله کنونی در دانشگاه‌های اقتصاد مطالعه می‌شوند و به طور گسترده در اقتصاد دیجیتال استفاده می‌شوند. نویسندگان همچنین طبقه بندی مدل‌های مورد استفاده در فرآیند آموزشی در حین مطالعه دروس ریاضی را ارائه می‌دهد. الزامات اصلی برای مدل‌های اقتصادی-ریاضی مورد بحث و اثبات قرار گرفته است. نگارنده الزامات لازم را برای معلمان گروه‌های ریاضی دانشگاه‌ها فهرست کرده است. این الزامات می‌تواند به آنها کمک کند تا ریاضیات پایه و بخش‌های کاربردی آن (مانند مدل‌سازی ریاضی) را با موفقیت به دانشجویان آموزش دهند. نتیجه‌گیری و نتایج اصلی مطالعه را می‌توان در کار عملی معلمان گروه‌های ریاضی در دانشگاه‌های اقتصاد هنگام ایجاد وسایل کمک آموزشی الکترونیکی مدل‌سازی اقتصادی و ریاضی و روش‌های کاربرد آنها در فرآیند آموزشی استفاده کرد.

منبع: مقاله "پیش توسعه مهارت‌های مدل‌سازی ریاضی در بین دانشجویان دانشگاه‌های اقتصاد"، اس. ماکاروف، ۲۰۲۰، منتشرشده در

دانشنامه Semantic Scholar

Mathematical modeling skills development among students of universities of economics, S. Makarov, Published ۲۹ May ۲۰۲۰

[semanticscholar.org/paper/The-Prerequisites-for-Educational-Training-of-in-on-Kovalchuk-Kovalchuk](https://www.semanticscholar.org/paper/The-Prerequisites-for-Educational-Training-of-in-on-Kovalchuk-Kovalchuk)

۱۲. **ارجاع پرورشی:** « یک نگاه ریاضی بر حوزه اقتصاد حاکم است؛ آیا ما این نگاه ریاضی را بپذیریم و یا نه؟ معادلات حاکم بر حوزه اقتصاد معادلات ریاضی نیستند؛ یعنی یک معادلات فیکس و ثابتی نیستند بلکه متأثر از قواعد پیچیده روابط انسانی و قواعد پیچیده نیت عمل می‌کنند. بهر حال جدیداً مسائل مختلفی در حوزه اقتصاد مطرح شده است و ما آنها را در مکاسب مرسوم بررسی نمی‌کنیم. شاید یکی از مهم‌ترین آن مسائل، مسئله روش تحقیق در حوزه اقتصاد است؛ ما با چه روش تحقیقی ورود پیدا کرده و مسئله اقتصاد را مطرح کنیم؟ مفهوم سود به نحوی که الان مطرح است از چه نظام مفاهیم بالادستی و جهان‌بینی خاصی تبعیت دارد؟ همه این مسائل باید بررسی شود. وقتی شما می‌توانید مکاسب بگویید و ادعا می‌کنید که مکاسب شما می‌تواند مشکلات جامعه را حل کند، نمی‌توانید به این نظام مفاهیم بی‌تفاوت بمانید. مسئله نگاه به بازار نیز از همین مسائل است که آیا ما نگاه‌های جدید به بازار را بپذیریم؟ آیا بازار یک فرآیند طبیعی دارد و به قول خود اهالی اقتصاد یک دست نامرئی در آن جریان است؟ آیا این مفاهیم را بپذیریم یا نه؟ باید اینها را به صورت مفهومی با بعضی از مفاهیم دینی مقایسه کنیم؟ باید همه مباحثی که در حوزه اقتصاد شهری مطرح است و همینطور مسائلی که در حوزه اقتصاد بین‌المللی، برندسازی و تجارت بین‌المللی مطرح است، بررسی شود.»

حجت الاسلام علی کشوری، مکتوب فقه‌المکاسب ص ۸، ۲۱ الی ۳۱ شهریور ۱۳۹۸، قم

استنباط شده مدرسه فقهی هدایت حول مسئله پول است. پس این یک سرفصل است؛ یعنی ابتدا در مورد روش‌شناسی بحث اقتصاد وارد بحث می‌شویم و بعد هم یک معرفی از سرفصل‌های "دانش فقهی پول" را محضرتان ارائه می‌دهیم.^{۱۳}

موضوع سرفصل دوم علت‌شناسی "اختلالات ارزی" در کشور ما است. اصل "اختلالات ارزی" در کشور ما یک واقعیت تلخ است؛ اما کارشناسان در کشور راجع به علت وقوع این "اختلالات ارزی" تحلیل‌های متفاوتی دارند. ما در سرفصل دوم، این "اختلالات ارزی" را توصیف نموده و علت‌هایی که کارشناسان برای این مسئله مطرح کرده‌اند را بیان کرده، و در نهایت نظر مختار مدرسه هدایت در توصیف این "اختلالات ارزی" را محضرتان تبیین می‌کنیم.

همان‌طوری که در جلسات گذشته خدمت دوستان عرض کرده‌ایم، عمده بحث "تشخیص صحیح علت وقوع" است. حالا در اینجا علت وقوع "اختلالات ارزی" را بحث می‌کنیم، یک جای دیگری بحث "تورم" است و علت وقوع "تورم" را بحث می‌کنیم، مثلاً یک جای دیگری اختلال در ساخت آپارتمان است و علت وقوع آن را بحث می‌کنیم. به نظر بنده نقطه شروع بحث، تحریر و تبیین صحیح محل نزاع است. چالش اصلی کشور این است که کارشناسان تحلیل‌های غلطی از

۱/۳/۲. علت‌شناسی
"اختلالات ارزی" در
کشور ایران؛
سرفصل دوم بحث

کانال الگوی پیشرفت اسلامی-اینا

eitaa.com/olgou/۳۲۸۲

۱۳. **ارجاع پرورشی:** «یک بسته سیاستی جدید مبتنی بر "دانش فقهی پول" در مدرسه فقهی هدایت استنباط و تنظیم کرده‌ایم. معتقد هستیم که اتخاذ سیاست‌های پولی و مالی صحیح، به تعریف صحیح از پول وابسته است و با فرض پذیرش "پدیده معیوب پول اعتباری" فقر و فاصله طبقاتی و تحریم خارجی تشدید می‌شود. به عبارت دیگر ریشه تحول صحیح در نظام پولی و مالی کشور را پذیرش ایده تمدنی و مترقی "پول غیر اعتباری" می‌دانیم.

به پنج دلیل ۱- نقض سلطه افراد بر اموال خود به وسیله پول اعتباری (قال رسول الله صلی الله علیه و آله: إِنَّ النَّاسَ مُسَلِّطُونَ عَلَى أَمْوَالِهِمْ - بحار الانوار)، ۲- زمینه‌سازی پولی برای تسلط اغنیاء بر جامعه و گسترش فاصله طبقاتی به وسیله پدیده خلق پول (ولو در حد مجاز خلق پول)، ۳- ایجاد چالش برای تحقق احکام حیاتی اسلام مانند زکات نقدین و تضعیف جدی منابع مالی محرومیت‌زدایی و کاهش برکت در اموال اغنیاء (الإمام الکاظم علیه السلام: إِنَّمَا وَضِعَتِ الزَّكَاةُ قَوَاتًا لِلْفُقَرَاءِ وَتَوْفِيرًا لِأَمْوَالِهِمْ - من لا یحضره الفقیه ج ۲)، ۴- ایجاد چالش برای اجرای حکم قرض و نقض قاعده فَكْرُكُمْ رُءُوسَ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ (۲۷۵ از بقره) + (نقض همه احکام مالی اسلام مانند حکم محاسبه خمس، هدیه و...) و ۵- تضمین ناپذیری پول اعتباری (لَأَنَّ الدَّهْبَ وَالْفِضَّةَ مَظْمُونٌ - أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ - کافی جلد ۵)؛ تعریف پول به اعتبار را منافی سود ارتباطی و یکی ابزارهای اصلی تحقق #نظام سرمایه‌داری می‌دانیم.

برای تحقق پول غیر اعتباری در جامعه سه هدف اصلی ۱- حمایت از رونق و گسترش معامله با "پول غیر اعتباری"، ۲- کاهش وابستگی اقتصادی به خارج از کشور (خصوصاً در حوزه غذا) و ۳- کاهش تدریجی تبادلات مالی مردم (بخوانید: کاهش تراکنش بانکی) را استنباط و توصیه می‌کنیم. حرکت تدریجی به سمت این اهداف، علاوه بر زمینه‌سازی برای اعلام رسمی تعریف جدید از پول ملی در آینده، اقتصاد کشور را ضد تحریم می‌کند!.

حجت الاسلام علی کشوری، ۳ خرداد ۱۴۰۱، قم، وبگاه فقه نظام

m-hedayat.blog.ir/۱۴۰۱/۰۳/۰۳/۹۱۰

علت وقوع "اختلالات ارزی" ارائه می‌کنند. البته بنده امروز در مجموع چهار تحلیل را مطرح می‌کنم. به نظر من این فهرست اصلی بحث است؛ شما بعداً می‌توانید در ماه‌های آینده و سال‌های آینده تحلیلی را که ما در این جلسه داریم مطرح می‌کنیم را با تحلیل‌هایی که کارشناسان مطرح می‌کنند مقایسه کنید. کارشناسانی که هم‌اکنون در صداوسیما تریبون دارند و در وزارت‌خانه‌ها در حال تصمیم‌سازی هستند، درک درستی از علت وقوع "اختلالات ارزی" ندارند؛ بنابراین سعی می‌کنیم این درک را از نظر مختار خودمان تصحیح و تبیین کنیم. پس این هم سرفصل دوم است؛ موضوع سرفصل دوم علت‌شناسی وقوع "اختلالات ارزی" هست. این یکی از سؤالاتی است که ما در این جلسه ان‌شاءالله به آن می‌پردازیم.

۱/۳/۳. تصمیمات
زیرساختی و
ساختاری در اقتصاد
برای رفع اختلالات
ارزی؛ سرفصل سوم
بحث

سرفصل سوم بحث این است که برای رفع "اختلالات ارزی" در کشور نیاز به تصمیمات زیرساختی و ساختاری در اقتصاد ایران داریم. از نظر مباحثات مدرسه فقهی هدایت، "اختلالات ارزی" در ایران به نحو پایدار مدیریت نمی‌شود، مگر به تحقق اصلاحات ساختاری در اقتصاد ایران. بنده در این بحث مجموعاً چهار اصلاح ساختاری و زیرساختی را برای اصلاح ساختار اقتصاد ایران پیشنهاد می‌کنم.

به نظر ما - اگر همتی برای اجرای این اصلاحات وجود داشته باشد - زمان موردنیاز برای تحقق این اصلاحات هم همین زمانی است که دولت فعلی بر روی کار است. یعنی اشتباه نشود اینکه ما تعبیر کردیم «نیاز به اصلاحات زیرساختی و ساختاری داریم» پس در آینده بلندمدت جواب می‌دهد؛ خیر! در یک آینده میان‌مدتی [قابل تحقق است] یعنی فرض بفرمایید اگر شش سال [در این دولت زمان] داشته باشیم، در طول حیات این دولت و در همین مدت می‌شود این اصلاحات را به نحو گسترده در اقتصاد ایران ایجاد کرد.^{۱۴}

۱۴. **ارجاع پرورشی:** «علت اصلی اختلالات ارزی در کشور (بخوانید: سلطه دلار) وجود تبادلات کلان و وابسته به خارج از کشور - خصوصاً در حوزه غذا، لباس و دارو - است. ارزش این تبادلات معیوب در سال ۱۴۰۱ در حدود ۸۰ میلیارد دلار بوده است. برای علاج بنیادین اختلالات ارزی یک راهبرد چهار بخشی حجیت یافته و کارآمد را به دولت و برنامه هفتم پیشنهاد می‌کنیم:

بخش اول راهبرد تبادل مستقل: تأسیس هنرستان‌های آموزشی و مهارتی با موضوع: مشاغل مرتبط با غذا، لباس و پیشگیری از بیماری است. ترویج طبقه بندی مشاغل مرتبط با غذا و لباس و پیشگیری از بیماری، اولین گام کاهش دهنده مبادلات دلاری کشور محسوب می‌شود. (محتوای هنرستان‌های جدید در طول یک دوره ۶ ماهه به علاقه‌مندان مشاغل مرتبط با غذا، لباس و پیشگیری از بیماری آموزش داده می‌شود.)

بخش دوم راهبرد تبادل مستقل: اجرای سریع قانون مترقی احیای موات در کشور است. احیای اراضی موات به معنای احیای اراضی از طریق جریان دادن آب بر اساس الگوی فقهی مدیریت آب، احیای اراضی از طریق ایجاد باغ و محصولات مشاورزی و احیای اراضی از طریق ساخت دارو و وسعه است. قانون نبوی احیای موات، زیرساختی‌ترین تصمیم حاکمیت اسلام، برای ایجاد اقتصاد و کسب و کار مردمی محسوب می‌شود و بالتبع به کاهش بنیادین تبادلات خارجی کشور در حوزه غذا، لباس و دارو منتهی می‌شود!

۱/۳/۴. بیان فوائد
اصلاحات ساختاری
برای مردم، نخبگان و
مسئولین؛ عامل
انگیزه‌بخش ادامه
حرکت؛ سرفصل
چهارم بحث

سرفصل آخر بحث این است که چون ما داریم با یک ساختار ذی‌نفع در اقتصاد ایران مبارزه می‌کنیم و مواجه می‌شویم، باید دائماً فوائد این اصلاحات ساختاری برای مردم و نخبگان و مسئولین بازگو شود تا انگیزه حرکت از دست نرود. بنده روی این مسئله تأکید دارم که عده قابل‌توجهی از سرمایه‌داران در کشور ما و مسئولینی که با این سرمایه‌داران سفره‌مشترک دارند، از وضعیت فعلی "اختلالات ارزی" کشور نفع می‌برند؛ بنابراین حتماً آن‌ها با اصلاحات ساختاری در حوزه اقتصاد به نفع کسب‌وکار مردم مقابله جدی خواهند کرد.

در این فرض که شما یک مانع جدی برای اصلاحات ساختاری دارید، اگر بخواهید جامعه را دوقطبی نکنید و کارتان به نزاع و اختلاف‌آفرینی حرام منجر نشود - می‌دانید که ایجاد نزاع و دوقطبی نتیجه‌اش فشل کردن جامعه است و این کار حرمت دارد - راهش این است که ما انگیزه‌سازی برای دستیابی به اصلاحات ساختاری اقتصاد را به‌صورت جدی دستور کارمان قرار دهیم.

من در این جلسه پنج فایده اساسی ایجاد اصلاحات ساختاری در حوزه اقتصاد را تقدیم خواهم کرد که هر کدام از این‌ها قدرت دارد جمعی از مردم و مسئولین را با این اصلاحات ساختاری همراه کند؛ لذا اگر واقعاً عزمی برای اصلاح [و تحول] این وضعیت اقتصادی فعلی باشد، و هم‌زمان عزمی هم باشد [مبنی بر این که ما] به اسم اصلاحات ساختاری در حوزه اقتصاد یا به اسم اصلاحات ساختاری در حوزه طب یا هر اصلاحات ساختاری دیگری، قرار نیست جامعه را دوقطبی کنیم [باید انگیزه‌سازی کنیم]. اگر چنین فرضی را لحاظ کنیم؛ یعنی هم "تحول" و هم "عدم نزاع" را بخواهیم - چون متأسفانه بعضی‌ها در جامعه ما به اسم تحول جامعه را دوقطبی می‌کنند، و بعضی‌ها هم از سوی دیگر برای اینکه جامعه دوقطبی نشود مبتلا به سکون و عدم حرکت می‌شوند و هر دو فرض هم باطل است - ما چاره کار را انگیزه‌سازی و بعث‌آفرینی برای

بخش سوم راهبرد تبادل مستقل: ساخت بازارهای موقت متعدد در مناطق روستایی و شهری کشور است. ایده ساخت بازارهای موقت هزینه‌های محل تجارت را برای تولیدکنندگان خرد صفر می‌کند و بالتبع هزینه‌های خانوار را به صورت معناداری کاهش می‌دهد. بازارهای موقت، از ارکان اصلی مبارزه با تبادلات وابسته و مواجهه موثر با اختلالات ارزی محسوب می‌شود.

بخش چهارم راهبرد تبادل مستقل: ساخت دار و اسعه و حذف مطلق آپارتمان‌از‌الگوی ساخت مسکن در کشور است. دار و اسعه (خانه ویلانی) علاوه بر آثار فرهنگی و امنیتی، زیرساخت اصلی کشاورزی محدود و کشاورزی شهری و تولید خانگی مرغ و تخم مرغ محسوب می‌شود. دار و اسعه اصلی‌ترین زیرساخت پیشگیری از بیماری هم محسوب می‌شود و ترویج ساخت آن در کشور، بخشی از تبادلات وابسته را - خصوصاً در حوزه نهاده‌های دام و طیور - کاهش می‌دهد و بالتبع اختلالات ارزی را کم‌اثر می‌کند.

حجت الاسلام علی کشوری، ۶ اردیبهشت ۱۴۰۲، قم، وبگاه فقه نظام

m-hedayat.blog.ir/post/۹۵۸

مردم می‌دانیم. حالا اگر موضوع تحول ساختاری طب است، انگیزه‌سازی و بعث و آفرینی برای مردم در حوزه طب [باید انجام شود]؛ اگر موضوع تحول مثل بحث ما اصلاحات ساختاری در حوزه اقتصاد است، انگیزه‌سازی و بعث و آفرین در حوزه اقتصاد می‌شود. وقتی شما دائماً انگیزه و امید به جامعه می‌دهید هم تحول واقع می‌شود و هم جامعه‌تان دوقطبی نمی‌شود؛ بنابراین در سرفصل چهارم این مسئله مهم را می‌شکافیم که چطوری می‌شود به مردم امید و انگیزه برای اصلاحات ساختاری حوزه اقتصاد داد.

این چهار سرفصل اصلی بحث است. بنده امیدوارم در این وقت کوتاهی که داریم بتوانیم این‌ها را محضر شما اجمالاً تبیین کنیم.

۲. پرسش اول: آیا روش‌شناسی فعلی اقتصاد ما را به معادلات صحیح بهبود وضعیت معیشت می‌رساند؛ یا اینکه به روش‌شناسی جدیدی نیاز داریم؟

سؤال اول این است که آیا روش‌شناسی فعلی حوزه اقتصاد ما را به معادلات و مفاهیم صحیح برای بهبود وضعیت معیشت و کسب‌وکار مردم می‌رساند؟^{۱۵} یا اینکه ما باید یک روش جدیدی را در مطالعات اقتصادی مدنظر داشته باشیم؟

۱۵. **ارجاع پرورشی:** «بنده مکرر عرض کرده‌ام که فضای کارشناسی کشور در همه حوزه‌ها بیش از هفتاد سال است که تئوری‌های مربوط به توسعه غربی و کارشناسی پوزیتیویستی را اجرا می‌کند؛ یعنی ما در سال ۱۳۲۷ سازمان برنامه و بودجه را در ایران تشکیل داده‌ایم و تا الان که بنده خدمت دوستان گزارش می‌دهم، حدود یازده برنامه در کشور ما نوشته و اجرا شده است. یازدهمین برنامه که برنامه ششم است در حوالی سال دوم اجرای خود است و ارزیابی این است که تقریباً همه این یازده برنامه‌ای که از سال ۱۳۲۷ تا الان نوشته شده شکست خورده‌اند و اجرایی نبوده و ناکارآمد بوده‌اند. لذا دعوت ما برای رجوع به علم اهل بیت علیهم‌السلام برای حل مسائل، ناشی از این واقعیات است. ما پوزیتیویسم و تئوری‌های سکولار امروزی را تجربه کرده‌ایم و به نظرم؛ عاقل پس از هفتاد سال تجربه به دنبال ارائه یک طرح نو و یک طراحی جدید می‌گردد و دوباره به این سمت نمی‌رود که طراحی قبلی را با عوض کردن جزئی و بخشی، مبنای عمل قرار دهد. لذا استدلال دعوت ما این مسئله است و بنابراین اینکه ما عرض می‌کنیم که دیگر به سمت تئوری‌های ناقص و سکولار نرویم، دعوتی از روی عقلانیت است چرا که هفتاد سال تجربه ملی شکست‌خورده در این حوزه داریم.

البته تجربه جهانی این مسئله نیز پیش روی ماست؛ مثلاً الان که در حال بحث هستیم، شورش‌های پاریس اخبار هر هفته کشورهای اروپایی است. بقیه کشورهای نیز که در اتحادیه اروپا به سر می‌برند نیز مستعد این شورش‌ها و اختلافات جدی هستند و به نظر می‌رسد که نظریات توسعه در عرصه جهانی نیز در ایجاد عدالت و رفع توسعه طبقاتی و در ایجاد آرامش و حفظ خانواده و سایر شاخصه‌هایی که انسان‌ها آن‌ها را با فطرت خودشان درک می‌کنند، شکست خورده و می‌خورد. لذا به نظر من خیلی خلاف عقل است که ما یک مجموعه‌هایی در میان خودمان تشکیل دهیم و آن مجموعه‌ها منتسب به انقلاب نیز باشند و در طراحی آن‌ها ببینیم که به صورت بسیار فراوان از این نظریات غربی استفاده می‌شود؛ یعنی مثلاً اگر رجوع دائمی به تئوری‌های توسعه از جناب طرف آقای نوبخت و دوستانشان زشت است، از نیروهای انقلابی که منتسب به انقلاب هستند، زشت‌تر است. آن‌هایی که می‌دانند، هدف انقلاب تمدن‌سازی اسلامی و زمینه‌سازی ظهور و الگوی پیشرفت اسلامی است، چرا همتشان بسیج نمی‌شود تا ما بتوانیم یک الگوی حجیت‌یافته کار آمد را ارائه دهیم. البته کارآمدی جزء لاینفک حجیت است و از باب تاکید آن را عرض کردم و الا قید جدایی در کنار حجیت نیست».

حجت الاسلام علی کشوری، مکتوب تبیین اجمالی نظریه تعریف، ۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۸، قم

حجت‌الاسلام-علی-کشوری-محرومیت-زدایی-بر-اساس-نظریه-تعریف-یا-بر-اساس-نظریه-توانمندسازی-۱۳۹۸/۰۲/۱۳-m-hedayat.blog.ir/
و-کاهش-فقر-۱

۲/۱. اصلاح "روش تحقیق"؛ اولین قدم مشترک همه تحولات

الگوی پیشرفت اسلامی

دوستانی که مباحث "نقشه راه الگوی پیشرفت اسلامی" را دنبال می‌کنند، می‌دانند ما این سؤال را در همه بخش‌ها تکرار می‌کنیم؛ مثلاً در حوزه طب معتقدیم که وزارت بهداشت یک وزارت ناکارآمد در تأمین اصل مترقی "پیشگیری از بیماری" هست. حالا اگر قرار باشد وزارت بهداشت ما برود به سمت "پیشگیری ساختاری از بیماری"، از کجا باید تحول را شروع کند؟ ما آنجا هم به این صورت جواب داده‌ایم که «باید از تحول در "روش تحقیق" حوزه سلامت کار را شروع کند». اگر قرار باشد روش تحقیق همین روش تحقیقی حسی "پوزیتویستی" بخشی باشد، هیچ وقت مسئله "پیشگیری از بیماری" به دست نمی‌آید. این سرفصل اول در واقع سرفصل مشترک بین همه حوزه‌های تحولی در کشور است. اگر حوزه علمیه قم و جریان‌های تحول‌خواه‌اش قدرت تحول در روش تحقیق را نداشته باشند، نمی‌توانند ناکارآمدی‌های ساینس را به چالش بکشند؛ بنابراین اصلاح همیشه از اصلاح روش تحقیق شروع می‌شود.^{۱۶}

۱۶. **ارجاع پرورشی:** «نظام موجودات عالم قابل شمارش نیستند و شما می‌توانید درون نظام مولکولی، ده‌ها نظام پیدا کنید که اگر قرار باشد مجموعه معادلات این متغیرها مورد دقت قرار بگیرد، حتماً از توان اشرافی بشر خارج است. آقایان! يك مثال بسیار ساده می‌زند که اگر شما يك مُشت خاک را از زمین بردارید، این مُشت خاک - به تعریفی که خودشان می‌گویند - دارای میلیاردها موجود زنده است! خب؛ اگر قرار است ما براساس اجزای مولکولی یا ریزتر از اجزای مولکولی، مسئله حیات را تحلیل کرده و معادلات کاربردی به دست بیاوریم: سؤال بسیار فنی این است که آیا ما اساساً می‌توانیم به اجزای مولکولی یا ریزتر از مولکول اشراف پیدا کنیم و بعد، نظام معادلات پیچیده اینها را کشف کنیم؟ یعنی پوزیتویسم، يك مسیری را پیش‌روی بشر قرار داده که بشر را از اشراف نسبت به مسئله حیات محروم می‌کند. واقعا شما با هر دستگاه تحقیقاتی سازمانی و با هر ابزار تکنولوژی پیچیده‌ای که داشته باشید نمی‌توانید توصیف کنید که مثلاً در برگ يك درخت، چند جزء مولکولی، یونی، اتمی، ژنتیکی و سایر مولکول‌های زیستی وجود دارد؛ بعد نظام ارتباطات اینها چیست و اینها چگونه با همدیگر ارتباط می‌گیرند که به یک واحد تبدیل شده‌اند و دارند کار می‌کنند؛ ظاهراً توصیفش امکان نداشته باشد. آن چیزی که برای بشر امروز بر مبنای پوزیتویسم امکان دارد این است، دقت می‌کند، ارتباط‌های آنها را بحث می‌کند و یک نظریه زیستی را مطرح می‌کند.

بله! ما قبول داریم اگر يك موجود زنده‌ای مثلاً هزار متغیر داشته باشد و شما ده متغیر آن را شناسایی کنید و نظام روابط آن بدهید؛ در کل آن موجود می‌تواند تصرف کند، ولی معلوم نیست این تصرف - چون بخشی دیگر از نظام متغیرها وابسته است - يك تصرف بهینه‌ای محسوب شود. لذا دیده‌اید که ده‌ها تصرف با اتکای به بخشی از نظام متغیرها. انجام می‌شود، بعد خود آقایان اعتراف می‌کنند که مثلاً این تحلیل ده‌ها فرآیند دیگر را به چالش کشیده است. مثال آنم این بحث بنده، داروهای شیمیایی است؛ مثلاً وقتی می‌خواهند سرطان را کنترل کنند بر اساس چه تحلیلی می‌خواهند کنترل کنند؟! می‌آیند براساس يك تحلیل بخشی را قانع می‌کنند که مثلاً شیمی درمانی کند، بعد تمام متغیرهای دیگر حیات آن فرد را به چالش می‌کشند. خودشان هم به این مسئله اعتراف دارند. اصلاً یکی از کارهایی که WHO به عنوان يك امر منظم انجام می‌دهد - و در ایران این خیلی کم‌رنگ نشان داده می‌شود - این است که راجع به عوارض دارویی به صورت مفصل، بیانیه‌های پی‌درپی منتشر می‌کند. ببینید! پس این یک حرفی نیست که فقط در دستگاه ما قابل تفاهم باشد. ما عرض می‌کنیم با مدل پوزیتویستی، اشراف تحلیلی به دست نمی‌آید و وقتی اشراف تحلیلی نداشتید، تعارض معادلات اصل می‌شود و تعارض معادلات حیات بشر رابه چالش می‌کشد. بنابراین ما به سمت این رفته‌ایم که مفاهیم پایه‌تری را اصل قرار دهیم تا بعداً بتوانیم به يك نظام معادلات جدیدی برسیم».

۲/۲. بی‌توجهی به اصل "اشراف" و بالتبع ارائه توصیفات بخشی بر اساس اصل منطقی "تطابق با واقعیت"؛ اشکال اصلی بر روش تحقیق فعلی حوزه اقتصاد

اشکال ما بر روش تحقیق حوزه اقتصاد چیست؟ من در یک جمله عرض می‌کنم که «روش تحقیق [فعلی] حوزه اقتصاد به اصل "اشراف" در توصیف واقعیت‌ها بی‌توجه است و توصیف واقعیت‌ها را به شکل بخشی و بر اساس قاعده منطقی "تطابق با واقعیت" انجام می‌دهد».^{۱۷}

حجت الاسلام علی کشوری، مکتوب پیشخوان: نظریه فقهی پیشگیری ساختاری از بیماری، ص ۹ و ۱۰، ۱۰ مرداد ۱۳۹۸، قم
<https://bayanbox.ir/info/۴۳۱۱۵۹۷۶۵۸۶۰۷۹۶۱۸۵>

۱۷. **ارجاع پرورشی:** «فقه‌المکاسب مبتنی بر «اصل اشراف» است که به ادبیات وحی اختصاص دارد و کسی غیر از خدای متعال و رسولانش نمی‌تواند ادعا کند که براساس همه نیازها و همه ابعاد بشر سخن گفته است. بنابراین وقتی بحثی در فقه‌المکاسب مطرح شد چون مبتنی بر اشراف است کارآمدی بیشتری نیز خواهد داشت. من با زبان جدال احسن سخن می‌گویم که اگر کسی اشراف داشت متغیرهای بیشتری را لحاظ می‌کند و دقت بیشتری در طراحی سیستم خواهد داشت. بنابراین برآیند کار او نفی نظام نیازمندی‌های فرد در جامعه و در سیستم اقتصادی خواهد شد. هر کس اشراف بیشتری داشته باشد شناخت بیشتری از متغیرهای مؤثر در سیستم خواهد داشت و بنابراین کارآمدی نیز ارتقاء پیدا می‌کند. بنابراین آنچه که در مباحث اصولی مطرح کردیم وصف کارآمدی نیز جزء و بعدی از مفهوم حجیت است و یک وصف جداگانه نیست. برخلاف اینکه برخی از فضایی معاصر در یک سو حجیت و در سوی دیگر کارآمدی را به نحو تألیفی به مفهوم حجیت اضافه کردند. با دقت در مفهوم حجیت اتکای به اصل اشراف در ذهن ما تصویر می‌شود و با دقت در مفهوم اشراف مفهوم کارآمدی نیز به عنوان لازمه اشراف در ذهن ما تصویر پیدا خواهد کرد. عرض کردیم که مبتنی بر این مفهوم حجیت ما مباحث فقه‌المکاسب را مطرح کرده و به آن می‌پردازیم و اساساً دعوت ما از دانشمندان و طبقه‌نخبگان این است که برای طراحی نظام و حل مسائل بشر از روشهای پوزیتیویستی عبور کنند. بشر به دلیل اینکه کار خود را از تجربه شروع می‌کند و تجربه در پیش فرض خود به معنای شروع از نگاه محدود و جزئی است هیچ وقت نمی‌تواند از پایگاه اشراف مسائل را تحلیل کند. لذا با پدید تبدیل دائمی نظریات پوزیتیویستی رو به رو هستیم و در دنیای علمی مدرن به پدیده فهم خطا در نظریه پردازی در حوزه‌های مختلف مبتلا هستیم. دائماً ادعا می‌شود که فلان تئوری به دلیل عدم لحاظ فلان متغیر باید از صحنه اجرایی و کاربرد و تصرف در جامعه کنار گذاشته شده و فقط در تاریخ علم راجع به آن بحث شود. این در واقع پذیرفتن آزمون و خطا در حوزه علم است. عبور از اشراف و عبور از نعمت اتکای به پیامبران عبور از کارآمدی و پذیرش خطای دائمی و به چالش کشیدن غیر قابل جبران زندگی انسان‌ها - که دیگر تکرار نخواهد شد - است. بنابراین این نکته‌ای که ما عرض کردیم که در نظام سازی اسلامی و خصوصاً در بخش اقتصاد باید بر مبنای حجیت عمل کنیم یک نکته مهم است. اگر در روش تحقیق حوزه اقتصاد به اشراف تکیه نکرد و مفهوم حجیت را در بین دانشجویان حوزه اقتصاد نشکافید با پدیده تکرار خطای دائمی در نظریه پردازی مواجه خواهید بود و این علایجی نخواهد داشت إلا اینکه شما روش تحقیقتان را از اتکای به تجربه - آن هم تجربه به عنوان نقطه شروع - خارج کنید».

حجت الاسلام علی کشوری، مکتوب فقه‌المکاسب ص ۶۳ و ۶۴، ۲۱ الی ۳۱ شهریور ۱۳۹۸، قم
کانال الگوی پیشرفت اسلامی - ایتا

eitaa.com/olgou۴/۳۲۸۲

برای اطلاع بیشتر از روایاتی در مورد علم مبتنی بر اشراف اهل بیت (علیهم السلام) به "پیوست ۱" مراجعه نمایید.

یعنی به دو شکل می‌توان واقعیت‌های یک جامعه را توصیف کرد: شکل اول این است که برویم سراغ کسی که "اشراف" به این واقعیت و شیء دارد.^{۱۸} یک شکل دیگر این است که شما به اصل "اشراف" توجهی نکرده و بگویید: هر کسی و به هر شکلی یک واقعیت را توصیف کرد ما به‌عنوان "علم" از او بپذیریم. استدلالش هم این باشد که «ما بالاخره توصیف‌های "مطابق با واقع" را کشف کردیم»؛ یعنی همین حرف معیوبی که در منطق ارسطویی زده می‌شود.^{۱۹} در منطق

۱۸. **ارجاع پژوهشی:** أَبُو مُحَمَّدٍ الْفَاسِمِيُّ بْنُ الْعَلَاءِ رَحِمَهُ اللَّهُ رَفَعَهُ عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنِ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: «... إِنَّ الْأَنْبِيَاءَ وَالْأَيُّمَةَ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ - يُوقَفُهُمُ اللَّهُ وَيُوتِيهِمْ مِنْ مَخْرُونِ عِلْمِهِ وَحُكْمِهِ مَا لَا يُوتِيهِ غَيْرُهُمْ، فَيَكُونُ عِلْمُهُمْ فَوْقَ عِلْمِ أَهْلِ الزَّمَانِ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «أَفَمَنْ يُهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ» وَقَوْلِهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: «وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا» وَقَوْلِهِ فِي طَالُوتَ: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مُلْكَهُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»؛

امام رضا علیه السلام: خداوند، پیامبران و امامان را- که درودهای خداوند بر آنان باد- توفیق داده است و به ایشان از گنجینه علم و حکمت خود، آن بخشیده که به دیگران نبخشیده است. علم آنها، برتر از علم مردم زمانشان است در این سخن خداوند متعال: «آیا آن که به سوی حق هدایت میکند، برای پیروی، سزاوارتر است یا کسی که هدایت نمیکند، مگر خود هدایت شود؟ پس شما را چه شده؟! چگونه داوری میکنید» و این سخن خدای- تبارک و تعالی: «هر که حکمت داده شده، خیر فراوانی بدو داده شده است»

و سخن او در باره طالوت: «خداوند، او را بر شما برگزیده و به دانش و توان او افزوده است و خداوند، ملک خویش را به هر کس بخواهد، مبخشد و خداوند، گشایشگری داناست».

الکافی، ج ۱، ص ۲۰۲ / کمال الدین، ص ۶۸۰ / عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۲۱ / الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۴۵
بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۱۲۷

برای اطلاع از روایاتی در مورد علم مبتنی بر اشراف اهل بیت (علیهم السلام) به "پیوست ۱" مراجعه نمایید.

۱۹. **ارجاع پرورشی:** «صدق در اصطلاح منطقی تقریباً همان معنای لغوی را دارد و طبق تعریف مشهور علمای منطق، «صدق» عبارت است از مطابقت یک قضیه با خارج و در مقابل کذب یعنی عدم مطابقت قضیه با خارج».
منابع: موسوعة مصطلحات الفلسفة عند العرب، ص ۳۷۲ / المعجم الفلسفی، ج ۱ ص ۷۲۳ / کشف اصطلاحات الفنون و العلوم، ج ۲، ص ۱۰۷۰

شهید مطهری: «در اصطلاحات فلسفی معمولاً حقیقت همدریف «صدق» یا «صحیح» است و به آن قضیه ذهنی گفته می‌شود که با واقع مطابقت کند، اما «خطا» یا «کذب» یا «غلط» به آن قضیه ذهنی گفته می‌شود که با واقع مطابقت نکند؛ مثلاً اعتقاد به اینکه «چهار مساوی است با دو ضرب در دو» یا اعتقاد به اینکه «زمین گرد خورشید می‌چرخد» حقیقت و صدق و صحیح است و اما اعتقاد به اینکه «دو ضرب در دو مساوی است با سه» یا اعتقاد به اینکه «خورشید گرد زمین می‌چرخد» خطا و کذب و غلط است. پس «حقیقت» وصف ادراکات است از لحاظ مطابقت با واقع و نفس الامر. در اصطلاحات جدید معمولاً به خود واقع و نفس الامر «واقعیت» اطلاق می‌شود نه حقیقت، و ما نیز از همین اصطلاح پیروی می‌کنیم و لهذا هر وقت «واقعیت» بگوییم منظور ما خود واقع و نفس الامر است و هر وقت «حقیقت» بگوییم منظور آن ادراکی است که با واقع مطابقت دارد. فلاسفه از دوره‌های قدیم، حقیقت یا صدق یا صحیح را به همین معنا که گفته شد تعریف و تفسیر کرده‌اند یعنی هر وقت می‌گفتند فلان مطلب حقیقت است یا صحیح است یا صدق است یعنی با واقع مطابق است و اگر می‌گفتند خطا یا کذب یا غلط است یعنی با واقع

ارسطویی^{۲۰} ملاک صدق گزاره‌ها این است که "تطابق با واقع"، رخ دهد؛ درحالی‌که ممکن است خروجی کار توصیف‌کننده و نظریه‌پرداز با بخشی از واقعیت تطابق داشته است. انسان وقتی بخشی از یک واقعیت را توصیف می‌کند، خروجی کارش "تطابق با واقعیت" پیدا کرده است؛ اما چون بخش‌های دیگری از همان واقعیت را توصیف نمی‌کند، خروجی کارش دچار تالی فاسد می‌شود.^{۲۱}

مطابقت ندارد. در منطق و فلسفه قدیم تحت عنوان «مناط صدق و کذب قضایا» مبحثی را طرح می‌کردند که روی همین اساس بحث می‌نمود.»

منبع: مجموعه آثار ط-صدر، مطهری، مرتضی، ج ۶، ص ۱۵۶ (اصول فلسفه و روش رئالیسم، ج ۱، ص ۱۲۷)

۲۰. **ارجاع پرورشی:** (وقتی کلمه منطق و علم منطق بدون قید به کار می‌رود منظور همان منطق ارسطویی است که همان قوانین درست فکر کردن را به ما می‌آموزد. منطق ارسطویی از دو بخش تشکیل یافته است، بخش اول منطق صوری، در این بخش محتوای فکر مورد نظر نیست، بلکه آنچه مهم است فقط صورت و قالب فکر است. یعنی فقط به ما یاد می‌دهد که اگر می‌خواهی نتیجه درستی از یک استدلال بگیری، باید شرایطی که دارد رعایت کنی. بخش دوم منطق قدیم ارسطویی به نام صناعات خمس است که به بررسی مواد قیاس و استدلال پرداخته است.)

منبع: ویکی فقهات

https://fa.wikifqh.ir/منطق_ارسطویی/

۲۱. **ارجاع پرورشی:** «در بعضی از روایات به این شکل برای ما نقل کرده‌اند: «ما مِنْ حَرَكَةٍ إِلَّا وَ أَنْتَ مُحْتَاَجٌ فِيهَا إِلَى مَعْرِفَةٍ» ما باید نسبت به هر حرکتی؛ چه در زندگی فردی و چه حرکت‌هایی که آثار اجتماعی گسترده‌تری از خانواده دارد، معرفت داشته باشیم. خب این معرفت از کجا به دست می‌آید؟ عده‌ای - که عده زیادی نیز هستند و افراد متدینی هستند و نمازخوان بوده و اهل تعبد‌های خاص هستند، - این معرفت‌ها را پوزیتیویستی به دست می‌آورند؛ یعنی شما می‌بینید که کسانی در اطرافیان ما هستند که این‌ها اهل قرائت نهج‌البلاغه نیز هستند اما زمانی که بحث از معرفت در حوزه کاری آن‌ها پیش می‌آید، مشاوران اصلی آن‌ها پوزیتیویست و همین نظریه پردازان موجود است. اگر ما بخواهیم از این فضا و از این معایب عبور پیدا کنیم، باید به این سمت برویم که معرفت مورد نیاز حرکت‌های خود را از دل آیات و روایات بیرون بیاوریم. در حدیث فرمود: «بُنِيَ اعْرَفَ مَنَازِلَ الشَّيْعَةِ عَلَى قَدْرِ رَوَايَتِهِمْ وَ مَعْرِفَتِهِمْ» اگر خواستید که یک نفری را امام خود قرار دهید، ابتدا منزلت او را بشناسید. این حدیث یک کاربرد است و به درد انتخاب مسئول می‌خورد. آیا هر کسی صلاحیت امامت و مسئولیت دارد؟ آیا هر کسی صلاحیت انجام مسئولیت‌ها را دارد؟ حال چه وقتی به او پیشنهاد می‌شود، خود او باید ببیند بر اساس این شاخص باید آن مسئولیت را بپذیرد یا نه و چه اینکه آیا اجازه دارد خود را معرض امامت قرار دهد تا ما برویم او را علم کرده و قبول کنیم؟ امام باقر (علیه‌السلام) به ما راهنمایی می‌دهد و می‌فرماید: «بُنِيَ اعْرَفَ مَنَازِلَ الشَّيْعَةِ عَلَى قَدْرِ رَوَايَتِهِمْ وَ مَعْرِفَتِهِمْ» امام گویا در حال پاسخ‌دادن به یک سؤال مقدر سؤالی که شیوع دارد، هستند و آن عبارت است از این که این معرفت‌ها چیست؟ آیا معرفت‌های یونانی نیز جزء همین معرفت‌اند؟ آیا معرفت چیزی جدای از روایت خواندن است و به عنوان مثال، مصداق آن در عصر ما معرفت‌های پوزیتیویستی است؟ تاکید می‌فرماید: «فِيَنَّ الْمَعْرِفَةَ هِيَ الدَّرَايَةُ لِلرَّوَايَةِ» می‌فرماید معرفتی که به انسان‌ها منزلت می‌دهد، درایه‌کردن در روایت است و اگر دیدید که کسی هم اهل روایت و هم اهل معرفت به معنای درایه‌کردن در روایات بود، حرف او را استماع و اصغاء کرده و بپذیرید اما اگر دیدید که کسی اهل روایت و معرفت نبود، باید این فرد را به چالش کشید ولو اینکه در ظاهر علائم دینی را نیز با خود حمل کند. روایات ما در این عرصه فراوان‌اند. برخی از روایات گفته‌اند که کسانی در آخرالزمان نجات پیدا می‌کنند که اهل روایت خواندن باشند که موارد آن مختلف است؛ مثلاً در روایت دارد که وقتی دو ندا شنیده می‌شود که یک ندا از آسمان و یک ندا از ابلیس است. ندای از آسمان دعوت به طرف حضرت مهدی ارواحنا فداه می‌کند و ندای از ناحیه ابلیس نیز دعوت به مردی از بنی‌امیه می‌کند. خب اینجا کار خیلی سخت است؛ یعنی در هر دو مورد خرق عادت رخ داده است چرا که ندای ابلیس را نیز همه در سراسر جهان می‌شنوند. راوی از امام می‌پرسد که چگونه بفهمیم که این ندا حق است یا باطل؟ اما می‌فرماید: «يَعْرِفُهُ الَّذِينَ كَانُوا يَرَوُونَ حَدِيثَنَا» یعنی در آن روزی

مثال ۱: ۲/۲/۱. "تعریف پول" با تأکید بر حیث "ابزار مبادله" در اقتصاد فعلی و غفلت از حیث‌های دیگر مانند "تضمین پذیری پول"

مثلاً در حوزه "تعریف پول" - که موضوع بحث ما هم هست - جمع زیادی از کارشناسان اقتصادی تأکید دارند که «پول ابزار مبادله است» و روی این حیث "ابزار بودن پول برای مبادله" تأکید می‌کنند؛^{۲۲} درحالی‌که واقعیت این است که در "تعریف پول" حیث‌های دیگری هم دخیل

که زمان تمیز نهایی حق و باطل است، کسانی که اهل روایت حدیث‌اند، می‌شناسند که کدام نداء، ندای صادقی است و کدام نداء، ندای کاذبی است. به قرینه بعضی از روایات برخی گفته‌اند که «كَاثِرًا يَرُؤُونَ حَدِيثَنَا» فقط به درد تشخیص دو نداء می‌خورد [ولی درباره علت اینکه چرا روایان با درایه، این تشخیص را دارند به علت استناد می‌شود که موضوع را تعمیم می‌دهد] حدیث در ادامه عبارتی را نقل می‌کند که اگر در آن دقت کنیم، متوجه می‌شویم که این معرفت، معرفتی عمومی است و فقط اختصاصی به آن حادثه ندارد. می‌فرماید کسانی که «يَرُؤُونَ حَدِيثَنَا» دارای دو ویژگی هستند؛ اولین ویژگی آن‌ها این است که «يُؤَلُّوْنَ اِنَّهُ يَكُوْنُ قَبْلَ اَنْ يَكُوْنَ» می‌گویند قبل از رخ دادن آن حادثه گفته‌اند که چنین حادثه‌ای رخ می‌دهد؛ یعنی آشنایی با حدیث اهل بیت علیهم‌السلام باعث می‌شود که فهم آنها از تقدیر ارتقا پیدا کند. یعنی خیلی از حوادث تقدیر قطعی و قضا قطعی در آن جریان پیدا کرده است و ما می‌دانیم که با پوزیتیویسم نمی‌توان به قضا و قدر قطعی دست پیدا کرد. حدیث می‌فرماید که یکی از منافع حدیث خواندن این است که «يُؤَلُّوْنَ اِنَّهُ يَكُوْنُ قَبْلَ اَنْ يَكُوْنَ» قبل از اینکه آن اتفاق عظیمی بیفتد آنها از آن خبر دارند! بعد می‌فرماید «يَعْلَمُوْنَ اَنَّهُمْ هُمُ الْمُحِقُّوْنَ الصَّادِقُونَ» دومین خاصیت حدیث نیز این است که کسانی که حدیث می‌خوانند متوجه می‌شوند که ائمه علیهم‌السلام محق و صادق‌اند. حدیث خواندن این دو کارکرد را دارد. ما را پرهیز داده‌اند که از حدیث عبور کنیم چرا که حدیث علم خطاناپذیر است! بلکه بنده طلبه ممکن است که در فهم از حدیث دچار اشتباه شوم ولی این اشتباه آن قدر نیست که «جهت ایمان و زمینه‌ساز ظهور» از بین برود. بله؛ اشتباه محدودی به وجود می‌آید و آن اشتباه محدود بعداً توسط حضرت مورد شفاعت قرار می‌گیرد. بنابراین دعوت اصلی ما در این جلسات در مورد همین است. یعنی اگر ما مشکلی داریم و می‌خواهیم یک تصمیمی بگیریم، خصوصاً دعوت من از دوستان گروه‌های جهادی است، دوستانی که ما از نیتشان خبر داریم که آنها نیروهای صادقی در تبعیت از انقلاب و زمینه‌سازی ظهور هستند ولی دعوت ما این است که روایات خواندن و درایه کردن در این روایات را در مجموعه خود تقویت کنند. اگر خدای نکرده باب گفتگوهای حدیثی در حل مشکلات اجتماعی ما به هر دلیل محدود شود، ما مبتلای به همین نظریات ناکارآمد پوزیتیویستی خواهیم شد. این اشتباه کمی نیست! من به دلیل محکمی به خود اجازه نمی‌دهم که نیت دوستان را به چالش بکشم؛ دوستان دارای نیت‌های سالم در دفاع از انقلاب هستند ولی با صراحت عرض می‌کنم که اثر این غفلت برابر با خیانت است؛ یعنی چهل سال است که انقلاب اسلامی تلاش می‌کند تا اسلام را محقق کند و کسانی از نیروهای انقلاب که بعضی مدرک‌های پوزیتیویستی دارند و بعضی نیز ندارند، عملاً مانع این می‌شوند که گفتگوهای حدیثی در محیط‌های علمی مرتبط با آنها گسترش پیدا کند و یا در حد اخباری‌گری به حدیث و روایت می‌پردازند و این غفلتی که در حال اتفاق افتادن است، علی‌رغم اینکه نیت این را ندارند به نظر من برابر با خیانت است چرا که ما را از ظهور دور می‌کند و چالش‌های جدیدی برای ما ایجاد می‌کند و ناکارآمدی‌های همین تئوری‌ها باعث می‌شود که مردم عادی فکر کنند که فقه و آیات و روایات ناکارآمد است، فکر کنند که جمهوری اسلامی زمینه‌ساز ظهور ناکارآمد است. من فکر نمی‌کنم وقتی مؤمنی به مؤمن دیگر می‌رسد در این حوزه باید تقیه‌کند بلکه باید در این حوزه صراحت به خرج دهد. ان شاء الله خدا از سر تقصیرات بنده حقیق بگذرد که با دوستان راجع به این مسائل صریح‌تر صحبت نمی‌کنم! ان شاء الله خدا توفیق دهد که صراحت‌مان در سخن و درایه‌مان در روایات افزایش پیدا کند».

حجت الاسلام علی کشوری، مکتوب تبیین اجمالی نظریه تعارف، ۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۸، قم

[حجت-الاسلام-علی-کشوری-محرومیت-زدلی-بر-اساس-نظریه-تعرف-یا-بر-اساس-نظریه-۱۳۹۸/۰۲/](http://hm-hedayat.blog.ir/۱۳۹۸/۰۲/-نظریه-اساس-نظریه-تعرف-یا-بر-اساس-نظریه-۱۳۹۸/۰۲/)

توانمندسازی-و-کاهش-فقر-۱

۲۲. **ارجاع پردازشی:** Have you ever asked what is the root of money? Money is a tool of exchange, which can't exist unless there are goods produced and men able to produce them. Money is the material shape of the principle that men who wish to deal with one another must deal by trade and give value for value.

بوده که نباید از آن حیث‌ها غفلت کرد.^{۲۳} مثلاً یکی از آن حیث‌ها این است که «پول باید نوعی از ابزار مبادله باشد که "تضمین پذیر" باشد»؛ یعنی ما باید در "تعریف پول" علاوه بر اینکه قید "ابزار

آیا تا به حال پرسیده اید که ریشه پول چیست؟ پول ابزار مبادله ای است که نمی تواند وجود داشته باشد مگر اینکه کالایی تولید شود و انسان بتواند آنها را تولید کند. پول شکل مادی این اصل است که مردانی که می‌خواهند با یکدیگر معامله کنند باید از طریق تجارت معامله کنند و ارزشی برای ارزش قائل شوند.

منبع: کتاب برای روشنفکر تازه، ص ۸۸، بخش "معنای پول"، منتشر شده در موسسه آین راند (ARI)

The Meaning of Money, For the New Intellectual, ۸۸

<http://aynrandlexicon.com/lexicon/money.html>

Money is a tool of exchange; it represents wealth only so long as it can be traded for material goods and services.

پول ابزار مبادله است. فقط تا زمانی که بتوان آن را با کالاها و خدمات مادی داد و ستد کرد، نشان دهنده ثروت است

منبع: کتاب عینیت‌گرایی، ص ۲، بخش "شخصیت پولساز"، منتشر شده در موسسه آین راند (ARI)

The Objectivist Forum, Feb. ۱۹۸۳, ۲, "The Money-Making Personality"

<http://aynrandlexicon.com/lexicon/money.html>

Money is a system of value that facilitates the exchange of goods in an economy. Using money allows buyers and sellers to pay less in transaction costs, compared to barter trading.

پول یک سیستم ارزشی است که تبادل کالا را در یک اقتصاد تسهیل می‌کند. استفاده از پول به خریداران و فروشندگان این امکان را می‌دهد که در مقایسه با مبادلات پایاپای، هزینه‌های مبادله‌ای کمتری بپردازند.

منبع: دانشنامه مالی INVESTOPEDIA

www.investopedia.com/terms/m/money.asp

Fiat money: Money that is not intrinsically useful and is valued only because it is used as money

پول اعتباری: پولی که ذاتاً قابل استفاده نیست و فقط به این دلیل که از آن به عنوان پول استفاده می‌شود ارزش‌دار شده است.

منبع: اقتصاد کلان (منکیو)، ص ۵۷۸

۲۳. **ارجاع پرورشی:** «وجود چالش‌های متعددی مانند تورم، ربای بانکی، کاهش ارزش ریال، وابستگی بیش از حد کشور به ارز واسط دلار، اندراج و وابستگی نظام بانکی کشور به سیستم‌های غیر قابل اعتماد پولی دنیا (زمینه ساختاری تحریم) و عدم رعایت جدی عقود شرعی در مبادلات بانکی؛ نشانه‌های بزرگی برای غلط بودن سیاست‌های پولی و مالی کشور و مفاهیم حوزه اقتصاد کلان و خرد محسوب می‌شوند. برای حل این مسائل بسیار مهم چند راهبرد اساسی را - بر اساس دانش فقهی پول - به پیشنهاد می‌کنم:

راهبرد اول آنکه: نیازمند بازتعریف اهداف کلان حاکمیتی در حوزه سیاست‌های پولی و مالی هستیم. بر اساس استنباط فقهی مدرسه هدایت، حاکمیت اسلام در حوزه پولی، به ترتیب چهار مسئله ۱- ضمانت‌پذیری ذاتی ارزش پول (لِأَنَّ الْكَذَّابَ وَالْفِصَّهَ مَضْمُونٌ - أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ - کافی جلد ۵)، ۲- افزایش تسلط مردم بر اموال خود (قال رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ النَّاسَ مُسَلِّطُونَ عَلَى أَمْوَالِهِمْ - بحارالانوار)، ۳- ترویج عقود مترقی مبادله در میان مردم خصوصاً عقد راهگشای قرض الحسنه و ۴- تأسیس صندوق ملی محرومیت‌زدایی (احیای حاکمیتی زکات) - را مدیریت و دنبال می‌نماید. تنزل دادن اهداف نظام بانکی به مسائلی مانند: ۱- تنظیم رابطه دولت با بانک مرکزی (عدم استقراض دولت از بانک مرکزی)، ۲- تنظیم رابطه بانک مرکزی با بانک‌ها (مدیریت اضافه برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی و اصلاح ترازنامه بانک‌ها) و ۳- تنظیم رابطه بانک با سپرده‌گذاران و گیرندگان تسهیلات (مدیریت نرخ سپرده‌گذاری و نرخ وام و...) کشور را به تحقق اهداف مترقی فوق‌الذکر نمی‌رساند.

مبادله بودن" را در نظر می‌گیریم، قید "تضمین پذیر" بودن ابزار مبادله را هم در نظر بگیریم (در ادامه روایتش را از امام صادق (علیه‌السلام) می‌خوانم که حضرت وقتی در باب اجاره وارد بحث می‌شوند، تأکید دارند که عوض اجاره باید "تضمین پذیر" باشد و نمی‌توانید عوض‌های تضمین ناپذیر استفاده کنید).^{۲۴} این یک مثال است.^{۲۵} اگر شما بادقت منطقی (مرادم از منطق اینجا "منطق صوری"

راهبرد دوم اینکه: فضای کارشناسی کشور را با تشکیل جلسات کارشناسی متعدد و جدی برای تغییر تعریف پول از پول اعتباری به پول غیر اعتباری آماده کنید. شایان ذکر است: برای مطلوبیت پول غیر اعتباری پنج دسته دلیل شامل ۱- افزایش تسلط مردم بر اموال خود، ۲- تشکیل صندوق ملی محرومیت زدایی (احیای زکات)، ۳- حذف تسلط و مدیریت اغنیاء بر ارزش پول، ۴- حذف کامل پدیده معیوب و حرام خلق پول و ۵- گسترش عدالت در توزیع منابع پولی متصور است. تحقق تعریف جدید پول یکی از زمینه های ساختاری افزایش ثروت عمومی خانواده است و برای قضاوت درباره تعریف پول، بی‌نیاز از بررسی دقیق تأثیر تعریف پول بر این این پنج محور نیستیم!

راهبرد سوم آنکه: بسترهای سیاسی نظام بانکی را - با پیشرانی چند بانک دولتی - به سمت کاهش تراکنش های بانکی (بخوانید: قطع تدریجی وابستگی تبادلات مردم به نظام بانکی و احیای پدیده مرفقی تبادل مستقل) هدایت کنید. اختصاص تسهیلات بانکی (با حذف کامل بهره بانکی حتی در سطح کارمزد بانکی) از محل صندوق ذخیره ارزی برای ساخت بازارهای موقت (با الگوی پنج بخشی بازارهای امیر المومنین علیه السلام) و اختصاص تسهیلات بانکی برای احیای مشاغل خانگی و غیر متمرکز (با استفاده از الگوی قرض الحسنه و با حذف قطعی بهره بی برکت و حرام بانکی حتی در سطح کارمزد بانکی) دو اقدام زیرساختی برای تحقق تدریجی "تبادل مستقل" محسوب می‌شود.

پیشنهاد می‌کنم: برای تشریح بیشتر سه مسئله ۱- بازتعریف اهداف حاکمیتی در مسئله سیاست های پولی و مالی، ۲- تبیین تعریف جدید پول (در مقایسه با تعریف معیوب رمز پول) و ۳- تبیین مزایای "پدیده مرفقی تبادل مستقل"، نشست های تخصصی متعددی را برای کارشناسان نظام بانکی کشور برگزار کنید. شایان ذکر است که: برای تبیین مسیر انتقال از وضعیت فعلی نظام بانکی به اهداف چهارگانه فوق الذکر و ایضاً تبیین مزایای غیر قابل انکار اهداف پولی اسلام، نیازمند یک گفتگوی جدی مستمر هستیم!)).

حجت الاسلام علی کشوری، ۵ تیر ۱۴۰۱، قم، وبگاه فقه نظام

m-hedayat.blog.ir/post/910

۲۴. **ارجاع پژوهشی:** عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَضْرٍ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «لَا تُؤَاخِرُوا الْأَرْضَ بِالْحِنْطَةِ وَلَا بِالشَّعِيرِ وَلَا بِالشَّمْرِ وَلَا بِالْأَرْبَعَاءِ وَلَا بِالنَّطَافِ وَلَا كَيْنَ بِالذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ لِأَنَّ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ مَضْمُونٌ وَ هَذَا لَيْسَ بِمَضْمُونٍ»؛

امام صادق علیه السلام فرمود: در ازای پرداخت گندم، جو، خرما، نهرهای کوچک، و آبهای کم زمین را اجاره مکنید؛ ولی با طلا و نقره این کار را انجام بدهید، چون طلا و نقره ضمانت شده است، ولی این چیزها ضمانتی ندارند که به وجود بیایند یا نیابند.

مصادر اصلی: الکافی، ج ۵، ص ۲۶۴ / تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۱۹۵ / الإستبصار، ج ۳، ص ۱۲۷ / النوادر (للأشعری)، ج ۱، ص ۱۶۹

منابع دیگر: الوافی، ج ۱۸، ص ۱۰۲۲ / وسائل الشیعة، ج ۱۹، ص ۵۴ / بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۱۷۰ / مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۳۵

برای اطلاع بیشتر از ادله مضمون بودن (غیر اعتباری بودن) پول به "پیوست ۲" مراجعه نمایید.

۲۵. **ارجاع پرورشی:** ارزش ذاتی نداشتن (ضمانت‌پذیر نبودن) پول رایج در اقتصاد موجود:

Fiat money is usually defined in the literature as an intrinsically useless unbacked token. The term intrinsically useless means that the token provides no intrinsic value; in particular, in the form of

است) به تعریف اقتصاددان‌ها از پول بنگرید، می‌بینید که آن‌ها درست گفته‌اند؛ بخشی از واقعیت را توصیف کردند! پول باید قابلیت سامان‌دهی یک مبادله را داشته باشد؛ اما این همه واقعیت [پول]

consumption or as input into production. The term unbacked means that no one is under any obligation to redeem the token for anything of intrinsic value.

پول فیات معمولاً در ادبیات به عنوان یک توکن بدون پشتوانه ذاتاً بی‌فایده تعریف می‌شود. اصطلاح ذاتاً بی‌فایده به این معنی است که توکن هیچ ارزش ذاتی ارائه نمی‌دهد. به ویژه، به شکل مصرف یا به عنوان نهاده در تولید. اصطلاح بدون پشتوانه به این معنی است که هیچ کس تعهدی به بازخرید توکن برای هر چیزی که ارزش ذاتی دارد ندارد.

منبع: مقاله "مدلی از پول اعتباری"، D. Andolfatto، منتشر شده در سال ۲۰۰۸، منتشر شده در پایگاه

Semantic Scholar، D. Andolfatto، Published ۲۰۰۸

semanticscholar.org/paper/A-Model-of-Fiat-Money-Andolfatto/c47c2e6137e7b27008997d2b76ce1535f950b77

A quantum object is called a quantum commodity money if it is accepted in trade not to be consumed or used in production, but to be used to facilitate further trade. If a quantum object with no intrinsic value becomes a medium of exchange, it is called quantum fiat money. In this article we discuss how a quantum commodity can be a medium of exchange.

یک شی کوانتومی در صورتی پول کالای کوانتومی نامیده می‌شود که در تجارت پذیرفته شود که مصرف یا در تولید استفاده نشود، بلکه برای تسهیل تجارت بیشتر مورد استفاده قرار گیرد. اگر یک شی کوانتومی بدون ارزش ذاتی به وسیله مبادله تبدیل شود، به آن پول فیات کوانتومی می‌گویند. در این مقاله به این می‌پردازیم که چگونه یک کالای کوانتومی می‌تواند وسیله مبادله باشد.

منبع: مقاله "نظریه بازی‌های کوانتومی و رفتار اقتصادی کوانتومی"، ص ۳، کازوکی ایکدا، شوتو آوکی، ۲۰۲۱، منتشر شده در پایگاه

arXiv زیر نظر دانشگاه آمریکایی کرنل

Theory of Quantum Games and Quantum Economic Behavior, Kazuki Ikeda, Shoto Aoki, ۲۰۲۱،

<https://arxiv.org/abs/2010.14098>

The paper re-evaluates the conventional wisdom regarding the existence of moneys that supposedly circulated without any legal status or intrinsic value. Economists call these objects "fiat money." I re-examine the most famous examples of such objects from primitive societies, such as the stone money of Yap and seashells, which have been cited by some of the most prominent monetary economists. I find that actually none of these cases is an evidence of "fiat money." A general conclusion is that one needs to seriously study the society in question before making a claim that it has used "fiat money."

این مقاله فهم عرفی را در مورد وجود پول‌هایی که ظاهراً بدون هیچ وضعیت قانونی یا ارزش ذاتی در گردش بوده‌اند، دوباره ارزیابی می‌کند. اقتصاددانان این اشیاء را "پول اعتباری" می‌نامند. من مشهورترین نمونه‌های چنین اشیایی را از جوامع بدوی، مانند پول سنگی یاپ و صدف‌های دریایی که توسط برخی از برجسته‌ترین اقتصاددانان پولی ذکر شده است، دوباره بررسی می‌کنم. من متوجه شدم که در واقع هیچ یک از این موارد دلیلی بر "پول فیات" نیست. یک نتیجه کلی این است که قبل از ادعای اینکه جامعه مورد نظر از «پول فیات» استفاده کرده است، باید به طور جدی مطالعه کرد.

منبع: مقاله "اسطوره‌های معروف پول اعتباری"، درر گلدبرگ، منتشر شده در سال ۲۰۰۵، منتشر شده در پایگاه

Semantic Scholar، Dror Goldberg، Published ۲۰۰۵

semanticscholar.org/paper/Famous-Myths-of-Fiat-Money-Goldberg/8382b3eeae4af0b7115f58426fd818c84c12e7

[Goldberg/8382b3eeae4af0b7115f58426fd818c84c12e7](https://arxiv.org/abs/2010.14098)

نیست. ۲۶ عرض ما این است که اگر کسی آمد در "روش تحقیق" روی توصیف بخشی واقعیت‌ها ایستاد، از عدم توصیف بخش‌های دیگر واقعیت دچار ضرر و دچار تالی فاسد می‌شود. ۲۷

۲۶. **ارجاع پرورشی:** «تعریف و کارکرد پول در فقه اسلام؛ تابعی از ۹ متغیر است و بدون توجه به این متغیرهای ۹ گانه، تحول در تعریف پول از "پول اعتباری" به "پول دارای ارزش" امری مشکل است. طبقه بندی صحیح مشاغل و طراحی سنجه های فقهی برای ارزیابی حوزه شغل، نوع تولید و الگوی حاکم بر آن، الگوی تجارت و مدل بازار از جمله متغیرهای اصلی حاکم بر تعریف و کارکرد پول محسوب می‌شوند! به عبارت ساده تر در فقه المکاسب نسبت میان پول و سبک زندگی را می‌سنجیم و متاسفانه در تئوری‌های دانشگاهی ساختار تأثیرات پول بر سبک زندگی بحث نمی‌شود! کشف و تبیین تفصیلی تأثیرات پول بر سبک زندگی - که موضوع بخشی از مباحثات فقه المکاسب است - کلید عبور از جادوی خطرناک دلار و پول بی برکت اعتباری است.»

حجت الاسلام علی کشوری، ۱ شهریور ۱۳۹۸، قم

کانال الگوی پیشرفت اسلامی-ایتا

eitaa.com/olgou/1763

برای اطلاع بیشتر از تعریف و کارکرد پول در فقه اسلامی به نشست "پول اعتباری و طرح جایگزین" برگزار شده در تاریخ ۲۵ خرداد ۱۴۰۰ مراجعه نمایید.

<https://eitaa.com/olgou/3258>

۲۷. **ارجاع پرورشی:** «یکی از موضوعات مرتبط با بانک مسئله تعریف پول و ابزار مبادله در تجارت است. الان ما با پدیده پول کاغذی و پول الکترونیک و در یک جمله با ابزار مبادله بی ارزش رو برو هستیم. وقتی پول و ابزار مبادله از خودش ارزشی نداشت و به اصطلاح مال نبود؛ باید ارزش آن را وابسته به اموری مانند ذخایر ارزی و یا تولید یک کشور... تعریف کرد و به اصطلاح برای چاپ پول معادله نوشت.

معادله نشر اسکناس که وظیفه اش تعیین ارزش پول است دو اشکال دارد. اول اینکه: همه معادلات موثر بر ارزش پول را نمی‌تواند محاسبه کند و دوم آنکه عملاً توسط دولت‌ها رعایت نمی‌شود و در عمل ارزش پول بی ارزش توسط مسئولان و اغنیاء دائماً مدیریت می‌شود. با مدیریت ارزش پول -مانند مدیریت قیمت ارز هنگام تعیین قیمت و هنگام عرضه- تقریباً همه کالاها و خدمات تحت تأثیر قرار می‌گیرد و آثاری مانند تورم و افزایش پایه پولی... ایجاد می‌شود.

با توضیحاتی که دادم لازم است ابتدا تعریف پول را اصلاح کنیم و پیشنهاد استظهاری نقشه الگوی پیشرفت اسلامی این است که پول باید خودش دارای ارزش باشد. اخذ قید مالیت در تعریف پول به اصطلاح قابلیت مدیریت ارزش پول توسط اغنیاء را به شدت کاهش می‌دهد و کشور از بازی سیاست‌های پولی و مالی کینزی و فریدمنی... نجات می‌یابد. با جایگزینی پول و ابزار مبادله دارای ارزش سلطه ارزهای واسطی مانند دلار هم از بین می‌رود.

البته فوائد فراوان دیگری برای این اقدام متصور است؛ که بعداً به شرح آنها خواهیم پرداخت؛ ولی خلاصه سخن امروز این است که تقریباً تمام پیشنهادات اصلاحی برای بانک‌های ربوی، بدون توجه به تعریف غلط پول صورت می‌گیرد و نتیجه چنین اقداماتی اصلاح نظام بانکی نخواهد شد؛ کما اینکه قانون معیوب عملیات بانکی بدون ربا در گذشته توانست غده سرطانی بانک را اصلاح کند».

حجت الاسلام علی کشوری، ۳ بهمن ۱۳۹۶، قم، وبگاه فقه نظام

m-hedayat.blog.ir/1396/12/17

برای اطلاع بیشتر از تعریف و کارکرد پول در فقه اسلامی به نشست "پول اعتباری و طرح جایگزین" برگزار شده در تاریخ ۲۵ خرداد ۱۴۰۰ مراجعه نمایید.

<https://eitaa.com/olgou/3258>

فقط در حوزه اقتصاد این طور نیست؛ بلکه در حوزه طب هم همین طور هست. یک گزاره معروف بین اطباء وجود دارد - من همیشه این را در جلسات مثال می‌زنم و به واضح تر شدن بحث خیلی کمک می‌کند - که ایشان توصیه می‌کنند: «برای حفظ استخوان‌ها لبنیات مصرف کنید» و تأکید دارند که «در لبنیات کلسیم فراوانی وجود دارد و کلسیم فراوان باعث تقویت استخوان‌ها می‌شود». ^{۲۸} تا اینجا این گزاره، گزاره درستی است و اگر شما بخواهید بخشی عمل کنید همین

۲/۲/۲. مثال ۲: توصیه
اطباء به مصرف زیاد
لبنیات برای جذب
"کلسیم" و غفلت از
حیث "سردی لبنیات"
و بالتبع "اختلال در
عملکرد بدن" بخاطر
کاهش گرمی، حتی
جذب "کلسیم" و بروز
۶۰ نوع بیماری

«احتمال دارد، خروجی تحقیق شما جواب دهد، ولی احتمال هم دارد، جواب ندهد. اگر جواب نداد، شما سلامت و عمر یک انسان را و یا یک مجموعه انسانی را به چالش می‌کشید و نمی‌شود با روش تحقیق مبتنی بر آزمون و خطا، عمر انسان‌ها را به چالش بکشید. این کار درستی نیست. پذیرفته شده نیست. (می‌دانید این روش تحقیق تجربی در همه جا این طور است.) مثلاً کسی به ذهنش رسیده که اصلاحات دنیا براساس ایده‌های کمونیستی جلو ببرد. دوره‌ای هم مفهومی تحت عنوان شرق و اردوگاه کمونیستی مطرح شده است. می‌گویند: حدود ده میلیون آدم فقط کشته شده‌اند. ولی این نزاع عجیب و غریب در دنیا که این همه کشته هم ایجاد کرده، ریشه این [مسئله] به کجا برمی‌گردد؟ ریشه این [مسئله] برمی‌گردد به اینکه متفکرین کمونیست براساس روش تحقیق غیر مبتنی بر اشراف ورود پیدا کرده‌اند. گفتند اگر ما در ابزار، تصرف تکاملی بکنیم، می‌توانیم یک جامعه بدون طبقه بسازیم. به سمت پرولتاریا (و سایر مفاهیمی که مطرح می‌کنند) می‌توانیم حرکت کنیم. یک سری هم اعتماد کردند و گفتند تحقیق علمی روی آن انجام شده است، اجرایی کردند؛ حالا شما مفاهیم این مکتب را در حاشیه می‌بینید. دیگر کسی الان به روش کمونیستی کشور خودش را اراده نمی‌کند. فقط این وسط ده‌ها میلیون آدم که در دوران این حکومت و این تئوری زندگی کردند، زندگی‌شان به چالش کشیده می‌شود. حالا در حوزه پزشکی هم همین طور است. مثلاً آقایان می‌گویند: احتمال دارد با واکسن و رعایت سایر پروتکل‌ها سلامت بیشتر شود. حالا که جهش جدید در ویروس ایجاد شده، واکسن ما خیلی قدرت مقاومت در مقابل این جهش جدید ندارد. حرف ما همین است. نمی‌شود یک کشور و زندگی مردم را بر مبنای احتمال، اداره کرد. این بحث ماست. هر روش تحقیقی که ما را به اشراف علمی وصل نکند، آن روش تحقیق از نظر ما اشکال دارد. استدلالش هم قابل تفاهم هست. چون اگر شما اشراف را نپذیرید، احتمال خطا زیاد می‌شود. در فرض احتمال خطا زندگی مجموعه‌ای از انسان‌ها را به چالش می‌کشید. این استدلال بحث است».

حجت الاسلام علی کشوری، مکتوب مفهوم شناسی جامع طب اسلامی، ۱۸ آذر ۱۴۰۰، قم

m-hedayat.blog.ir/۱۴۰۰/۱۰/۲۰/۱۲

۲۸. **ارجاع پرورشی:** «مطالعات اخیر بیانگر آن است که افراد بزرگسال هر چه بیشتر لبنیات مصرف کنند، کالری مصرفی حاوی چربی‌های اشباع در بدن آنها افزایش می‌یابد، اما از طرف دیگر با مصرف لبنیات بیشتر، میزان مواد مغذی مانند پروتئین، کلسیم، منیزیم، فولات، ویتامین‌های A، B_{۱۲}، B_۶، B_۲، D و E افزایش پیدا می‌کند».

منبع: شرکت داروسازی اکتورکو

actoverco.com/reasons-to-get-your-dairy/

«در واقع شیر اصلی‌ترین غذا در تامین ویتامین D، کلسیم و فسفر در برنامه غذایی بسیاری از افراد است. اصلی‌ترین منابع حاوی کلسیم شیر، ماست و پنیر هستند»

منبع: وبسایت دکتر کرمانی، متخصص تغذیه

kermany.com/جایگزین‌های-لبنیات-در-رژیم-غذایی/

«کارشناس تغذیه شبکه بهداشت و درمان شهرستان دشتستان پرپوش بهادری گفت: در کشور ما متأسفانه سرانه مصرف شیر طی سال‌های گذشته به علل مختلف کاهش یافته و از استانداردهای جهانی بیش از پیش فاصله گرفته است. بر اساس نتایج بررسی مصرف مواد غذایی خانوارهای کشور، متوسط مصرف سرانه شیر و لبنیات ۱۹۰ گرم در روز است که با پیشنهاد «سبد غذایی مطلوب برای جامعه ایرانی» مبنی بر مصرف روزانه ۲۵۰ گرم لبنیات فاصله بسیار زیادی دارد. درحالی‌که مصرف شیر با کاهش

گزارش را به مردم بدهید و مردم بر اساسش عمل کنند (کما اینکه این کار کردید و مردم ایران خیلی لابیات مصرف کنند)؛ اما اگر نگاهتان را اصلاح کنید [و مبتلا به توصیف بخشی نشوید] می‌گویید: «لابیات علاوه بر این که دارای کلسیم است، سردی فراوانی هم دارد و سردی فراوان مساوی است با کاهش عملکرد اعضای بدن؛ بنابراین ممکن است که حتی جذب کلسیم را نیز دچار اختلال کند؛ چون فرایند جذب در بدن در فضای گرم بهتر اتفاق می‌افتد تا در فضای سرد». علاوه بر این بنا بر گزارش تیم‌های تحقیقاتی طب اسلامی مصرف [زیاد] لابیات موجب می‌شود که ۶۰ نوع بیماری در بدن انسان به وجود بیاید از جمله بیماری خطرناک زودانزالی، سستی مفاصل، ریزش مو و ده‌ها بیماری دیگر.

این‌ها مثال بحث است. [اصل کلام این است که] می‌گوییم: به نظر بنده علم موجود توصیف بخشی از واقعیت را به عهده دارد و بخش‌های مهم‌تری از واقعیت را توصیف نمی‌کند و این توصیف بخشی واقعیت‌ها ناشی از "روش تحقیق" این علوم است. روش تحقیق او به او اجازه داد که توصیف بخشی از واقعیت‌ها را به عنوان علم به مردم توصیه کند و واقعاً هم تو آزمایشگاه که می‌برید، می‌بینید همان معادله بخشی جواب می‌دهد؛ اما کسی که در بر اساس "روش تحقیق پوزیتیویستی" عمل می‌کند، به ده‌ها معادله دیگر توجه نمی‌کند.^{۲۹}

خطر ابتلا به بیماری‌های غیر واگیر مانند پوکی استخوان و احتمالاً سرطان روده بزرگ و دیابت نوع ۲ همراه است، نگرانی در مورد ارتباط احتمالی بین مصرف زیاد لابیات و سایر بیماری‌های غیر واگیر مانند بیماری‌های قلبی عروقی و سرطان پروستات بیان شده است. کلسیم در شیر به راحتی جذب می‌شود و به همین دلیل است که شیر و فرآورده‌های لبنی منابع قابل اعتماد کلسیم هستند. بهادری با اشاره به اینکه کلسیم موجود در شیر نقش مهمی در تنظیم فشارخون دارد، گفت: تحقیقات نشان داده است که در جوامعی که شیر و لابیات کافی مصرف می‌کنند شیوع فشارخون بالا و بیماری‌های قلبی و عروقی کمتر است».

منبع: شبکه بهداشت و درمان شهرستان دشتستان، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان بوشهر

dashtestanhc.bpums.ac.ir/Ea/News/News.aspx?id=۲۹۷۲

۲۹. **ارجاع پرورشی:** «بنده قبلاً، هم خدمت برخی از مراجع محترم تقلید و اساتید محترم حوزه، این گزارش را داده‌ام و هم با دوستان دانشگاهی‌مان این بحث را مطرح کرده‌ام. باید با یک فضای روش تحقیقی جدید وارد بحث شد. با حوزه این استدلال را مطرح کردیم که موضوعات جدید، موضوعات عرفی و بسیط نیستند، بلکه موضوعاتی چند بُعدی به حساب می‌آیند. لذا نمی‌شود مانند موضوع صلاة با آنها برخورد کرد. موضوعاتی که اصطلاحاً در حوزه تکنولوژی و در حوزه مسائل جدید مطرح می‌شود، گاهی تأثیرات فرهنگی دارد، گاهی وقت‌ها تأثیرات سیاسی دارند، گاهی اوقات تأثیرات اقتصادی دارند. واقعاً یک موضوع بسیط نیستند. پس به لحاظ کارشناسی غلط است حین بررسی شما بگویید مثلاً من دارم راجع به مسکن صحبت می‌کنم و مسکن یک مسئله‌ای است که باید با کارشناسان ساختمان و وزارت مربوطه‌اش بحث کنیم؛ خود مسئله مسکن الان مثلاً حیطه‌های امنیتی‌اش محل بحث قرار می‌گیرد. اخیراً گفتگوهای خوبی در کشور اتفاق افتاده است، برخی از کارشناسان دارند اثر مسئله مسکن را نسبت به سلامت بحث می‌کنند. یعنی دیگر آن موضوع ساده گذشته نیست. گاهی اوقات یک اقدام امنیتی یا یک اقدام ضد سلامت، از پایگاه مسئله مسکن توسط طراحان بین‌المللی دنبال می‌شود. آیا ما با این روش تحقیق وارد بررسی شویم یا روش تحقیق‌مان را تغییر دهیم. اگر همین روش تحقیق باشد، علمای محترم به موضوع‌شناسان ارجاع می‌دهند، موضوع‌شناسان نیز اختلاف می‌کنند؛ بعضی‌های‌شان می‌گویند صحیح است، بعضی دیگر نیز آن را غلط معرفی می‌کنند. پیشنهاد این است که روش تحقیق [و برخورد] با تکنولوژی‌های جدید در حوزه علمیه قم تغییر کند».

حجت الاسلام علی کشوری، مکتوب دور سوم مباحثات و گفتگوها درباره مسئله خطرناک تراریخته‌ها، ۲۵ مرداد ۱۳۹۶، قم

من مثال پول و لبنیات را مطرح کردم تا مسئله واضح شود. ما در پول علاوه بر این که قابلیت "مبادله پذیری" را نیاز داریم، نیاز داریم به این که ابزار مبادله "تضمین پذیر" نیز باشد. در مسئله لبنیات علاوه بر این که اثر بر استخوان را نیاز داریم، نیاز داریم که سردی زایدالوصف و غلبه سردی ایجاد نکند. این بحث دهها مثال دیگر دارد که شما می‌توانید در همه مسائل بین توصیف بخشی و توصیف ناشی از "اشراف" فرق بگذارید؛ یعنی می‌توانید بروید سراغ کسی که "اشراف" به یک پدیده دارد و آن پدیده را توصیف می‌کند یا می‌توانید بروید سراغ کسی که "اشراف" ندارد و می‌تواند یک پدیده را بخشی توصیف کند.

از نظر ما همه مباحث ساینس مبتلا به توصیفات بخشی است؛ یعنی همیشه وقتی یک پروژه تحقیقاتی را یک فردی که معتقد به ساینستیک شده انجام می‌دهد، به سمت تولید گزاره‌های بخشی از واقعیت می‌رود؛ درحالی که ما نیاز به "توصیف جامع" از اشیاء داریم یا به تعبیر دقیق‌تر توصیف کسی را اخذ کنیم که "اشراف" به یک پدیده دارد. بنابراین اشکال اصلی روش تحقیق فعلی عدم توجه به اصل "اشراف" و اتکا به توصیف‌های بخشی است. ریشه حجیت دادن و ارزش‌گذاری به توصیفات بخشی هم اصل "تطابق با واقعیت" در منطق صوری و در فلسفه است؛ آنجا امضا می‌کنند به تبعش در سایر علوم هم امضا می‌شود.^{۳۰}

۲/۲/۳. ابتلاء همه مباحث علمی به ابرچالش "توصیفات بخشی" در اثر پذیرش اصل "تطابق با واقع" و بی توجهی به "اصل اشراف" در روش تحقیق

m-hedayat.blog.ir/۱۳۹۶/۰۵/۳۰-۲

۳۰. **ارجاع پرورشی:** «ما معتقدیم کسی که اشراف به یک شیء یا یک پدیده دارد، توصیف‌اش از یک شیء یا پدیده علمی است، دلیل علمی است. این از اینجا روش تحقیقمان شروع می‌شود. شما یک شیء‌ای را تصور کنید، مثلاً درخت گردو را من خدمت شما مثال می‌زنم، ممکن است صد دانشمند در مورد درخت گردو کتاب بنویسند. حالا ما می‌خواهم راجع به این صد دانشمند قضاوت بکنیم؛ بگویم کتاب‌های این صد دانشمند علمی هستند یا خیر؟ قضاوت را از اینجا شروع می‌کنیم که آیا این صد نفری که راجع به درخت گردو کتاب نوشتند، اشراف به درخت گردو دارند یا خیر هر کدامشان یک بخشی از درخت گردو را مطالعه کرده‌اند؟ فرض کنید یک درخت گردو یک اثری روی هوای پیرامون خودش دارد، میوه درخت گردو یک اثری روی انسان دارد، یک تاثیراتی روی موجوداتی اعم از حیوانات، حشرات، درختان و گیاهان اطراف دارد؛ خود درخت گردو یک ریشه‌های خاصی دارد، خیلی متفاوت است با ریشه مثلاً درخت چنار یک اندازه خاصی دارد. برگ درخت گردو یک اندازه خاصی دارد؛ می‌دانید که برگ با جذب نور نسبت دارد، وقتی می‌گوییم برگ درختان متفاوت هستند، یکی از معانی‌اش این است که میزان دریافت نور آن‌ها متفاوت است. مثلاً در مورد درخت زیتون قرآن می‌فرماید: «این درخت لاشرقیه ولاغربیه است.» (سوره نور/آیه ۳۵) یا در روایت می‌فرماید: «این درخت دو نوبت نور دریافت می‌کند.» هم زمان طلوع نور دریافت می‌کند، هم زمان غروب نور دریافت می‌کند. این برمی‌گردد به ویژگی که در برگ درخت زیتون است. همه برگ‌ها اینگونه نیستند که بتوانند در دو نوبت نور تام دریافت بکنند. خیلی سوال راجع به درخت گردو است. من همین را به شما عرض بکنم، ما در بخش جدول تسخیر در بخش ویژگی‌های مشترک اشیاء، فعلاً الان چهل سوال مشترک راجع به هر شیء با تکیه بر آیات و روایات استخراج کردیم. حالا ما عرضمان و نکته فنی این بحث این است که اگر یک پژوهشگری مبتنی بر اشراف، وارد توصیف یک شیء نشد، (شیء مورد مثال مال درخت گردو است.) توصیف‌اش ناقص است. توصیف‌های ناقص همیشه یک جایی وسط راه ما را جا می‌گذارند، توصیف بخشی باعث می‌شود که شما وقتی بر اساس آن عمل کنید، دچار تالی فاسد می‌شوید. مثلاً حضرت می‌فرمایند که میوه درخت گردو در تابستان درد است ولی

۲/۳. پایه‌گذاری روش تحقیق جدید فقهی در مطالعات اقتصادی مبتنی بر رجوع به صاحب "اشراف" بر اشیاء (خداوند متعال)؛ راه برونرفت از ابرچالش توصیفات بخشی

ما باید از این عبور کنیم؛ وقتی می‌خواهیم از توصیفات بخشی عبور کنیم یک سؤال مهم به وجود می‌آید: «چه کسی "اشراف" به واقعیت‌ها و پدیده‌ها دارد تا ما به توصیف‌های او رجوع کنیم؟» پاسخ این است: فقط خداوند متعال که خالق اشیاء است، "اشراف" به پدیده‌ها و واقعیت‌ها دارد؛ یعنی اینجا اولین جایی است که ما از مفهوم "خالقیت" پل می‌زنیم به مفهوم "ربوبیت".^{۳۱}

در زمستان قابل تحمل‌تر و اثرش مثبت‌تر است. حتماً هم باید با یک مسلحی مصرف شود. این توضیحاتی است که حضرت می‌دهند و اگر شما بخواهید درخت گردو را بر اساس مولکول‌های زیستی بحث کنید، نمی‌توانید به اینجا برسید. مثلاً توصیه می‌شود گردو بخورید، گردو می‌خورید بواسیرتا عود می‌کند. یکی از عوارضی که اگر گردو در تابستان مصرف شود، ایجاد می‌کند، گسترش بیماری بواسیر است و بدن را دچار مشکل می‌کند. پس اگر توصیف کامل نباشد، مثلاً در گردو پنج نوع ویتامین وجود دارد، (با این تعاریف ناقص)، شما بخاطر این پنج ویتامین در تابستان گردو مصرف می‌کنید ولی این عوارض برای‌تان ایجاد می‌شود. لذا ما معتقدیم توصیف‌هایی که بخشی هستند همیشه در یک نقطه‌ای به تالی فاسد منجر می‌شوند. لذا قرآن کریم و روایات را وقتی ما مطالعه می‌کنیم؛ قرآن نمی‌گوید: کفار و دیگران علم ندارند، می‌گوید علم ناقص دارند، یا در بعضی از تعبیر علم غیرنافع دارند. مثلاً کجای قرآن؟ اگر با خاطر مبارک‌کنان توجه کنید، قرآن کریم می‌فرماید: «ذالک مبلغهم من العلم»، (سوره نجم/آیه ۳۰) این نهایت علم اینها است؛ اشاره به مشرکین دارد. ببینید نمی‌گوید علم ندارند، می‌گوید: علم ناقص دارند. این طرف وقتی ما در مورد اهل بیت بحث می‌کنیم، مثلاً در زیارت می‌خوانیم: «یا ابن‌العلوم الکامله» (بخشی از دعای ندبه)، یا در روایت داریم: «ما من علم الا وانا افتحه» (از سفارشات امیرالمومنین: به کمال به زیاد) صحبت از علم کامل است. اگر یک پژوهشگری گزارش بخشی از یک شیء به ما داد، ما می‌گوییم اگر به آن عمل کردید دچار نقصان و تالی فاسد می‌شوید. بنابراین توصیفی جزء علم نافع محسوب می‌شود که مبتنی بر اشراف توصیف کننده باشد. می‌دانید اشراف هم فقط در اختیار خداوند متعال است و ما به توصیفات معصومین اعتماد می‌کنیم، چون گزارش خالق را می‌دهند. این اصل مهمی است.»

حجت الاسلام علی کشوری، مکتوب طبیب مشاور، ۲۰ بهمن ۱۴۰۰، اصفهان

m-hedayat.blog.ir/۲۶/۱۱/۱۴۰۰

برای اطلاع از روایاتی در مورد علم مبتنی بر اشراف اهلبیت (علیهم السلام) به "پیوست ۱" مراجعه نمایید.

۳۱. **ارجاع پرورشی:** «از جمله روایاتی که بین خدا و خلق، لحاظ می‌شود اینست که مخلوقات نه تنها در اصل وجود و پیدایششان نیازمند به خدا هستند بلکه همه شئون وجودی آنها وابسته به خدای متعال است و هیچگونه استقلال‌ی ندارند و او به هر نحوی که بخواهد در آنها تصرف می‌کند و امورشان را تدبیر می‌نماید. هنگامی که این رابطه را به صورت کلی در نظر بگیریم مفهوم ربوبیت، انتزاع می‌شود که لازمه آن تدابیر امور است و مصادیق فراوانی، مانند حفظ و نگهداری کردن، حیات بخشیدن و میراندن، روزی دادن، به رشد و کمال رساندن، راهنمایی کردن و مورد امر و نهی قرار دادن... دارد. شئون مختلف ربوبیت را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد: ربوبیت تکوینی که شامل اداره امور همه موجودات و تأمین نیازمندیهای آنها و در یک کلمه «کارگردانی جهان» می‌شود، و ربوبیت تشریحی که اختصاص به موجودات ذی شعور و مختار دارد و شامل مسائلی از قبیل فرستادن انبیاء و نازل کردن کتب آسمانی و تعیین وظایف و تکالیف و جعل احکام و قوانین می‌گردد. حاصل آنکه: ربوبیت مطلقه الهی بدین معنی است که مخلوقات در همه شئون وجودی، وابسته به خدای متعال هستند و وابستگی‌هایی که به یکدیگر دارند سرانجام، به وابستگی همه آنها به آفریننده، منتهی می‌شود و اوست که بعضی از آفریدگان را بوسیله بعضی دیگر اداره می‌کند و روزی خواران را بوسیله

بسیاری از مردم دنیا از جمله حتی بسیاری از اقتصاددان‌های متأله در دنیا، خدا را به‌عنوان "خالق" قبول دارند؛ بعضی وقت‌ها در گفتگوهای تلویزیونی و غیرتلویزیونی برای این که مخاطب عام را فریب بدهند می‌گویند: «فلان اقتصاددان متأله بوده است». اما نمی‌گویند که متأله بودن او به معنای پذیرش "خالقیت محض" است و آن متأله بودن در مسیحیت یا متأله بودن در سایر مکاتب حتی در مفاهیم برادران اهل تسنن مطرح می‌کنند به معنای توصیف "ربوبیت" نیست. اینجا (مباحث اقتصادی) یکی از آنجاهایی است شما به توصیف‌های "خالق" رجوع می‌کنید؛ یعنی اتکا به توصیف‌های خالق نقطه آغاز فهم "ربوبیت" است. استدلالش هم خیلی واضح است [به این صورت که] می‌گویید: «خالق یک شیء، آن شیء را توصیف می‌کند و توصیف او دقیق‌تر است»؛ می‌پرسند: «علت دقیق‌تر بودن چیست؟» می‌گویید: «خود "خالقیت" دلیل این است که توصیف "خالق" دقیق‌تر است»؛ بنابراین فقط "خالق" می‌تواند توصیف‌های مبتنی بر "اشراف" را به ما ارائه بدهد. ۳۲

روزیهایی که می‌آفریند روزی می‌دهد، و موجودات ذی‌شعور را با وسایل درونی (مانند عقل و سایر قوای ادراکی) و با وسایل بیرونی (مانند پیامبران و کتب آسمانی) هدایت می‌کند و برای مکلفین، احکام و قوانینی وضع، و وظایف و تکالیفی تعیین می‌کند. ربوبیت نیز مانند خالقیت، مفهومی است اضافی با این تفاوت که در موارد مختلف آن، اضافات خاصی بین خود مخلوقات هم در نظر گرفته می‌شود چنانکه در مورد رازقیت گفته شد. با دقت در مفهوم خالقیت و ربوبیت و اضافی بودن آنها روشن می‌شود که این دو با یکدیگر تلازم دارند و محال است رب جهان غیر از خالق آن باشد بلکه همان کسی که مخلوقات را با ویژگی‌های خاص و وابستگی به یکدیگر می‌آفریند آنها را نگهداری و اداره هم می‌کند. و در حقیقت، مفهوم ربوبیت و تدبیر، از کیفیت آفرینش مخلوقات و همبستگی آنها انتزاع می‌شود».

منبع: آموزش عقاید (آیت الله مصباح یزدی)، چاپ سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۴ش، ص ۸۳

<http://hawzah.net/fa/Article/View/2841/> -الوہیت -ربوبیت، -الوہیت

«والربوبية هي تنشئة الشيء حالا بعد حال حتى يبلغ حد الكمال في التربية. فلما كان الله تعالى مالكا لانشاء العالم كان ربا، ولا تطلق هذه الصفة إلا عليه تعالى، لان اطلاقها يقتضي الملك بجمع الخلق».

ربوبیت، ایجاد حالت‌های بی‌در پی در چیزی است تا آن چیز در تربیت به حد کمال برسد و خداوند از آنجا که خالق عالم است، ربّ مخلوقات نیز هست.

منبع: التبیان (للطوسی)، ج ۲، ص ۴۷۱ و ۴۷۲

۳۲. **ارجاع پرورشی:** «اینجا کسی می‌پرسد که: چگونه می‌توان به اشراف علمی دست پیدا کرد؟ می‌گوییم تنها علمی که مبتنی بر اشراف هست، علم خالق اشیاست. بنابراین شما باید به گزارش‌های خالق تکیه کنید. به میزانی که به گزارش خالق در امور مختلف تکیه می‌کنید، یعنی تکیه به اشراف علمی می‌کنید. در پزشکی خالق قلب، خالق کلیه، خالق دست، خالق پا، در مجموع خالق بدن، گزارشی راجع به بدن به ما داده. (حالا این گزارش چه از خالق به دست ما رسیده باشد و چه از طریق روایاتی که اطمینان به صدورش از ناحیه معصوم پیدا بکنیم.) اینها مصداق گزارش خالق می‌شوند. دیگر با علم تجربی نمی‌توانیم مقایسه کنیم. این علم از ناحیه کسی مطرح شده که اشراف به مسئله دارد. (من خواهش می‌کنم این کلمه اشراف را قدرش را بدانید.) الان اگر کسی به حوزه علمیه فعلی، اشکال کند چرا برای آیات و روایات این همه ارزش قائل هستید؟ حوزه جوابش این است: امامان ما معصوم از اشتباه هستند. ما این حرف حوزه را کامل کردیم. ما می‌گوییم که انمه ما معصوم از اشتباه هستند، چون اشراف به مسئله دارند. چون اشراف علت عصمت هست. کسی اگر اشراف به مسئله نداشته باشد، خطا گزارش می‌دهد.

۲/۳/۱. جمع‌آوری ده ویژگی در توصیفات روش تحقیق فقهی مبتنی بر علم خالق اشیاء؛ قدم بعدی پذیرش روش تحقیق جدید

حالا من به نحو کلی یک کاری را در مدرسه هدایت انجام دادیم اینجا محضر شما اجمالاً عرض می‌کنم: ما رفتیم از روایات و آیات یک سؤالی را جدا استنتاج کردیم (یک قدم جلوتر از پذیرفتن اینکه خالق "اشراف" در توصیف دارد بر خلاف پوزیتیویست‌ها که توصیف بخشی می‌کند) که اگر خالق اشیاء و واقعیت‌ها را توصیف می‌کند، آیا توصیف خالق از اشیاء به معنای توصیف جزء به جزء اشیاء است یا نه خالق مبتنی بر اسم علیم بودنش «إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (شوری ۱۲)» می‌آید یک توصیف بدون تالی فاسد و کاملاً کاربردی را برای ما ارائه می‌دهد و ما بر اساس آن توصیف شروع می‌کنیم به عمل کردن و زندگی کردن و مبتلا به تالی فاسدها و عوارض توصیف‌های بخشی هم نمی‌شویم؛ ولی الزاماً به خاطر اصل ظرفیت خالق با اینکه علیم به مخلوق (علیم به کل شیء) نمی‌آید مثلاً فرض کنید ملکوت اشیاء را نیز توضیح دهد (چون اشیاء دارای ملکوت هم هستند) ^{۳۳} یعنی همه ابعاد یک شیء را توضیح نمی‌دهد. مبتنی بر علم مبتنی بر "اشراف" می‌آید توصیف کاملاً کاربردی را برای ما ارائه می‌دهد. عرض می‌کنم علتش عجز خالق از توصیف نیست؛

مثلاً در علوم پزشکی خطای بزرگ در تشخیص عضو رئیسه بدن هست. در علوم پزشکی سیستم عصبی و مغز را به عنوان عضو رئیسه معرفی می‌کنند. اما ما چون تکیه بر علم مبتنی بر اشراف داریم، عضو رئیسه بدن، قلب هست و قلب هم فقط این شیء پمپاژ کننده خون نیست. توصیف ما از قلب دقیق است. مثلاً در روایت هست که «منزل عقل، در قلب است.» یعنی بخش عمده قوه درمانی بشر و قوه ادراکی بشر در قلب قرار دارد. توصیف ما هم از قلب کامل‌تر است و متفاوت‌تر است. کسی می‌گوید چرا باید به این توصیف اعتماد کنم؟ چون این توصیف خالق قلب هست. مثلاً کسی دوربین را ایجاد می‌کند، به کاتالوگ سازنده آن دوربین اعتماد می‌کنید؛ چرا اعتماد می‌کنید؟ می‌گویید: شرکت سازنده این کاتالوگ را داده است. شما که نساخته‌ای که بخواهید دوربین را توصیف کنید. باید از کسی که ساخته این توصیف را اخذ بکنید. استدلال کاملاً عقلایی است.

لذا من عرض می‌کنم که ائمه علیهم السلام ما معصوم هستند، مقداری باید دقت بشود، چرا این‌ها معصوم هستند؟ چون اشراف علمی دارند. لذا شما وقتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم خودشان را معرفی می‌کنند، می‌گویند: «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ» (خیلی روشن است.) می‌گویند: من شهر علم هستم. در بعضی روایات دیگر آمده است که علم اول و آخر نزد ماست. یا امام صادق علیه السلام به سینه مبارک‌شان می‌زدند، می‌گفتند: «وَاللَّهِ عِنْدَنَا عِلْمُ الْكِتَابِ» حضرت؛ به شیعیان می‌فرمودند: «عِنْدَنَا عِلْمُ الْكِتَابِ» علم کتاب پیش ماست. پس اهل بیت علیهم السلام معصوم هستند، علت آن اشراف اهل بیت علیهم السلام است. کسی اول و آخر را مسلط هست، ظاهر و باطن را مسلط هست، گزارش خطا به من و شما نمی‌دهد. سوال اول، سوال روش تحقیق هست. ما از دوستان فرهنگستان علوم پزشکی سوال مان این است که چرا به گزاره‌های غیر مبتنی بر اشراف دائماً اتکاء می‌کنید؟ گزاره‌هایی که احتمال خطای آن خیلی زیاد است. چرا این کار را می‌کنید؟ مگر شما فکر می‌کنید که انسداد علمی هست. مسیر علم صحیح بسته شده است. باید با دوستان صحبت کرد، چرا این مشکل را ایجاد می‌کنند؟ لذا این سوال روش تحقیقی هست.»

حجت الاسلام علی کشوری، مکتوب مفهوم شناسی جامع طب اسلامی، ۱۸ آذر ۱۴۰۰، قم

m-hedayat.blog.ir/۱۳-۲/۱۰/۱۴

برای اطلاع از روایاتی در مورد علم مبتنی بر اشراف اهلبیت (علیهم السلام) به "پیوست ۱" مراجعه نمایید.

۳۳. ارجاع پژوهشی: «وَ كَذَلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ لِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ (انعام ۷۵)»

و این چنین به ابراهیم ملکوت آسمانها و زمین را نشان می‌دهیم و برای اینکه از یقین کنندگان گردد.

بلکه علتش این است که «إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ أَوْعِيَةٌ فَخَيْرُهَا أَوْعَاها»؛^{۳۴} علت این است آدم‌ها حوصله‌شان سر می‌رود که علم تام به اشیاء پیدا می‌کنند الا شد و ندر که قلوبشان اوعیه و جادار برای فهم همه معارف است. ما مبتنی بر این بحث، این جوری استنباط کردیم که توصیف مبتنی بر "اشراف" لا اقل ده پرسش در مورد اشیاء را باید جواب دهد؛ در بحث پول، سلامت و هر مسئله دیگر هم همین‌طور است.

یک خاصیت‌های یک شیء را باید مبتنی بر "اشراف" توصیف کرد که حالا شرح این مطلب را در جدول تسخیر مطرح کردیم (دوستان با مفهومی آشنا هستند). یک وقتی می‌گویید توصیف مبتنی بر "اشراف" چه تفاوتی دارد با توصیف‌های پوزیتیویستی و بخشی؟ ما جوابمان این است که ده تفاوت عمده بین توصیف‌های فقهی (توصیف‌های مبتنی بر اشراف) و توصیف‌های بخشی (توصیف‌هایی که از خروجی شکل اول [منطقی] و از خروجی اصل "تطابق با واقعیت" بیرون می‌آید) وجود دارد.^{۳۵}

۳۴. **ارجاع پژوهشی:** عن کمیل بن زیاد: «أَخَذَ يَدِي أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَأَخْرَجَنِي إِلَى الْجَبَانِ، فَلَمَّا أَصَحَرَ تَنَفَّسَ الصُّعْدَاءُ، ثُمَّ قَالَ: يَا كَمِيلُ بْنُ زَيْدٍ، إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ أَوْعِيَةٌ فَخَيْرُهَا أَوْعَاها. فَاحْفَظْ عَنِّي مَا أَقُولُ لَكَ، النَّاسُ ثَلَاثَةٌ: فَعَالِمٌ زَيَّانٍ، وَمُتَعَلِّمٌ عَلَى سَبِيلِ نَجَاةٍ، وَهَمَّجٌ رَعَاغٌ أَتْبَاعُ كُلِّ نَاعِقٍ، يَمِيلُونَ مَعَ كُلِّ رِيحٍ، لَمْ يَسْتَضِيئُوا بِنُورِ الْعِلْمِ، وَلَمْ يَلْجُوا إِلَى زُكْنٍ وَثِقٍ»؛

ه نقل از کمیل بن زیاد - امیرمؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام، دست مرا گرفت و به سمت صحرا بُرد. چون بدان جا رسید، آهی بلند کشید و فرمود: «ای کمیل! این دل‌ها ظرف‌هایی است و بهترین آنها، نگاه‌دارنده‌ترین آنهاست. پس آنچه می‌گویم، از من به خاطر بدار. مردم، سه دسته‌اند: عالم ریانی (خداگونه)، دانشجوی در راه رستگاری، و فرومایگانی رونده به چپ و راست که پی هر بانگی را می‌گیرند و با هر بادی به سوی می‌خزند؛ کسانی که نه از روشنی دانش، فروغی یافتند، و نه به سوی پناهگاهی استوار، شتافتند.

منابع: نهج البلاغه، الحکمة ۱۴۷/ غرر الحکم، ج ۱، ص ۲۲۳ / عیون الحکم، ج ۱، ص ۱۵۰

۳۵. **ارجاع پژوهشی:** «قبلاً عرض کرده ایم که در فلسفه یک بحثی تحت عنوان احکام کلی وجود مطرح است و در آن به شکلی ناقص و ویژگی‌های مشترک اشیاء بحث می‌شود. همچنین در شبهه علمی مانند شیمی به نحوی ناقص‌تر درباره خاصیت‌های عناصر مانند واکنش‌پذیری، رسانایی، چکش‌خواری و... مطالبی ارائه شده است.

در مباحث فقه الخلق - که در فضای مقایسه با این توصیف‌های ناقص ارائه شده است - به شکل تفصیلی به تبیین خاصیت‌های کاربردی اشیاء پرداخته ایم. در مجموع - در مباحث فقه الخلق - برای اشیاء ۱۰ گروه خاصیت استنباط و تدوین کرده ایم؛ که مجموعاً بیش از ۷۰ خاصیت مشترک را شامل می‌شود. عناوین این خاصیت‌های مشترک و کاربردی به شرح زیر است:

- ۱- خصلت‌های اصلی حاکم بر ایجاد اشیاء (مشیت، اراده، قدر، قضا، اذن، کتاب، اجل) ۲- معرفی ماده اصلی تکون اشیاء (بذر، معدن، جوهر، اساس، ملکوت، مخزن و ماده اولیه اشیاء (آب)) ۳- زمان داری همه اشیاء (انفه، ربیع، فوت، اجل، کتاب) ۴- حمایت‌های امری از همه اشیاء (اله، مطیبه، لکل شیء، شیء یستریح الیه، عماد، رکن، نور، قلب، استغفار اشیاء، زکات اشیاء، تسبیح اشیاء)، ۵- اخذ زینت در همه اشیاء (زینت، حلیه، وجه، عروس، شرف)، ۶- سببیت در همه اشیاء (فاکهة، غایه، علامه، مفتاح، حقیقت، حیل، ثمره، سبب، طریق، تسخیر)، ۷- تغییرات اشیاء (تغییر ناپذیر بودن جوهریت اشیاء توسط مخلوقین (ولا یَنقُلُ الشَّيْءَ مِنْ جَوْهَرِيَّتِهِ إِلَى جَوْهَرٍ آخَرَ إِلَّا اللَّهُ)، لکل شیء آفة تُفسدُهُ، لکل شیء دواء، لکل شیء حفیظ، لکل شیء حرمة)، ۸- طبقه بندی اشیاء (سید، قدر، حد، سنام، صفوه، ذروه، قیمة)، ۹- شرح تسلط حضرت رب العالمین بر اشیاء (حیازت ربوبی بر

اشیاء مانند: احاطه علمی، احصاء عددی اشیاء، علی کل شیء قدیر، كَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ رَقِيبًا ... و ۱۰- سلب خاصیت همه اشیاء از حضرت رب العالمین.

به عبارت دیگر تاکنون بر اساس مباحث فقه الخلق، اوصاف اشیاء مخلوق در قالب ده جدول ۱- جدول فقهی خصلت، ۲- جدول فقهی بنیاد، ۳- جدول فقهی زمان، ۴- جدول فقهی عماد، ۵- جدول فقهی زینت، ۶- جدول فقهی سببیت (جدول تسخیر)، ۷- جدول فقهی تغییر، ۸- جدول فقهی طبقه بندی اشیاء، ۹- جدول فقهی حیات و ۱۰- و جدول فقهی نفی تشبیه، تدوین شده است.

حجت الاسلام علی کشوری، ۲۲ آبان ۱۴۰۰، قم، وبگاه فقه نظام

[تبیین-توع-صفتی-اشیاء-در-جدول-تسخیر](http://m-hedayat.blog.ir/۱۴۰۰/۰۸/تسخیر-جدول-اشیاء-در-جدول-تسخیر)

«شرح حدیث «مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَ أَنَا فَتَّحُهُ»: یکی از محورهای بحثی فقه العلم، تبیین میزان دسترسی به علم امام در دوران غیبت است. ما قویاً معتقدیم به همه علوم کتاب و سنت دسترسی در حد افتتاح وجود دارد. یکی از مصادیق این افتتاح علمی عظیم، وجود الگویی خاص برای توصیف همه اشیاء در کتاب و سنت است. الگوی توصیف اشیاء در کتاب و سنت با الگوی توصیف اشیاء در علوم پوزیتیویستی تفاوت های فراوانی دارد. بخشی از این الگوی توصیفی سه بخشی به شرح زیر تبیین می شود:

در بخش اول این الگوی توصیفی، ویژگی های مشترک اشیاء به نحو تفصیلی تبیین گردیده است. به عبارت دیگر هر شیء از منظر کتاب و سنت دارای ۳۰ ویژگی و صفت مشترک با سایر اشیاء است. (مطابق استنباط مدرسه هدایت) برخی از این اوصاف در قالب اصطلاحاتی مانند: ۱- منبع داشتن همه اشیاء، ۲- اجل داشتن همه اشیاء، ۳- ربیع داشتن همه اشیاء، ۴- قلب داشتن همه اشیاء، ۵- عروس داشتن همه اشیاء، ۶- نور داشتن همه اشیاء، ۷- کتاب داشتن همه اشیاء، ۸- فوت همه اشیاء، ۹- استغفار همه اشیاء، ۱۰- تسبیح همه اشیاء، ۱۱- زینت همه اشیاء، ۱۲- ثمره همه اشیاء، ۱۳- سنام همه اشیاء، ۱۴- زِرْوَةٌ همه اشیاء، ۱۵- لکل شیء آفَةٌ نَفْسِدُهُ، ۱۶- طریق دسترسی به همه اشیاء، ۱۷- زکات همه اشیاء، ۱۸- أَنْفَةٌ همه اشیاء، ۱۹- صفوة همه اشیاء، ۲۰- وجه داشتن همه اشیاء، ۲۱- حلیه داشتن همه اشیاء، ۲۲- رکن داشتن همه اشیاء، ۲۳- تسخیر همه اشیاء، ۲۴- سببیت همه اشیاء، ۲۵- حد داشتن همه اشیاء، ۲۶- مخلوق بودن همه اشیاء غیر از خدا، ۲۷- لکل شیء حیلَةٌ، ۲۸- قدر داشتن همه اشیاء، ۲۹- خلق همه اشیاء از آب، ۳۰- تغییر ناپذیر بودن جوهریت اشیاء توسط مخلوقین (وَلَا يَنْقُلُ الشَّيْءَ مِنْ جَوْهَرِيَّتِهِ إِلَى جَوْهَرٍ آخَرَ إِلَّا اللَّهُ) و... بیان شده است. محتوای این بخش -بعد از طبقه بندی ویژگی ها- با احکام کلی وجود در مباحث فلسفی مقایسه می شود.

بخش دوم این الگوی توصیفی، به شرح اوصاف مشترک هر صنف از اشیاء می پردازد. به عنوان مثال ویژگی مشترک، حیوانات، گیاهان، ریاحین، اشجار، فواکه، حبوبات، طیور، جان، ملانک، انسان و... تبیین شده است. در جدول تسخیر ۱۹ گروه و صنف از اشیاء وجود دارد؛ که هر گروه دارای خاصیت های مشترکی هستند. به عنوان مثال همه انسانها در وضعیت کَبَد خلق شده اند. یا همه انواع ملانکه، کارگزاران الهی در ربوبیت هستند. در ابتدای مباحث هر گروه از جدول تسخیر به تبیین ویژگی مشترک هر صنف می پردازیم.

بخش سوم از الگوی فقهی توصیف اشیاء، به بررسی افراد برتر و مهمتر و پرکاربردتر هر گروه از اشیاء می پردازد. به عنوان مثال در گروه فواکه (که ۱۲۰ نوع است) ویژگی میوه هایی مانند انار، سیب، انجیر، انگور، خرما و... تبیین شده است. همچنین در گروه حیوانات، ویژگی گوسفند، گاو، شتر، بز، اسب، الاغ و... بحث شده است. در گروه ملانکه، ویژگی های جبرائیل، میکائیل، عزرائیل، خُرَقَائِل، اسرافیل، زاجر، رضوان و... تبیین شده است. همچنین سایر اصناف.

مطابق روال فوق الذکر، اوصاف اشیاء پرکاربرد، اوصاف مشترک صنوف اشیاء و در نهایت اوصاف مشترک همه اشیاء -به میزان نقشی که در زندگی دارند- در قالب جدول توصیف کاربردی، تبیین می شوند. به عبارت دیگر جدول اطلاعات کاربردی هر شیء، "ساختار توصیف فقهی هر شیء" و نوع روایت فقه از اشیاء را تشریح می کند. در جلسات آینده این نهر عظیم را بیشتر معرفی می کنیم».

حجت الاسلام علی کشوری، ۱۵ آبان ۱۴۰۰، قم، وبگاه فقه نظام

m-hedayat.blog.ir/۱۴۰۰/۰۸/۱۵/۸۳۶

[اولین توصیف،] توصیف خاصیت [نهایی] اشیاء منتهی مبتنی بر "اشراف" [است]،^{۳۶} مثلاً مکرر عرض کرده‌ایم خدای متعال [به عنوان] خالق هو یج می‌فرماید: «الجزر یسخن الکلیتین»^{۳۷}

۳۶. **ارجاع پرورشی:** «روش شناسایی خاصیت اشیاء چیست؟ این مطلب یک روش خاصی می‌خواهد و اصطلاحاً با روش‌های پوزیتویستی نمی‌شود خاصیت نهایی اشیاء را تشخیص داد. بله می‌شود عناصر را به صورت بخشی توصیف کرد مثلاً می‌توانید میزان چکش خواری یک عنصر را با روش‌های پوزیتویستی تشخیص بدهید با تجربه بعضی از عناصر موجود در طبیعت و برخی خواص آنها - مانند چکش خواری بالا یا پائین یک شیء و خاصیت‌های مشابه - را می‌توانید تشخیص بدهید. اگر بحث شما تشخیص میزان رسانایی یک شیء باشد؟ این موضوع با تجربه و آزمایشگاه به راحتی به دست می‌آید؛ ولی سخن در این است که آیا طلا که رسانایی بالایی دارد؛ [خاصیت دیگری ندارد؟] آیا طلا خاصیتش همین رسانایی است؛ یا یک خاصیت نهایی دیگر برای خلق فلز طلا در نظر گرفته شده است؟ درباره سایر عناصر هم همین پرسش مطرح است؟ ما معتقدیم خاصیت‌های نهایی اشیاء را -یا تعبیرم را اینطور مطرح کنم که- خاصیت‌های غایی اشیاء و آن خاصیت‌هایی که اشیاء برای آن خلق شده‌اند - باید از طریق بررسی گزارش‌های خالق به دست بیاوریم و معلوم نیست؛ وقتی اشیاء را به نحو پوزیتویستی بررسی می‌کنیم؛ موفق بشویم خاصیت نهایی اشیاء را کشف کنیم. بنابراین باید روش شناسایی و کشف خاصیت نهایی اشیاء مورد بحث قرار بگیرد.»

حجت الاسلام علی کشوری، مکتوب تبیین جدول فقهی تسخیر، ص ۴، ۱۸ آذر ۱۳۹۹، قم
 کانال الگوی پیشرفت اسلامی - ایتا

eitaa.com/olgou/۳۷۴۷

«مطالعات بشر برای شناسایی اجزاء درونی اشیاء، اگرچه گسترده است؛ ولی منجر به اشراف بر اجزاء درونی اشیاء نشده و بالتبع تصرفاتی هم که بر مبنای این شناخت ناقص انجام شده است؛ همواره دارای تالی فاسد بوده است. تالی فاسد‌های محیط زیستی، تالی فاسد‌های اخلاقی و تالی فاسد‌های حوزه سلامت؛ نتیجه شناخت ناقص بشر از درون اشیاء می‌باشد. این شناخت ناقص محصول جدول تناوبی عناصر، شیمی فضائی، فیزیک ذرات بنیادین، بیوتکنولوژی و... ده‌ها رشته مطالعاتی پوزیتویستی دیگر است.

برای حل بحران تصرفات ناقص و همراه با تالی فاسد بشر؛ پیشنهاد داده‌ایم که مطالعات بشر بر روی خاصیت‌های "وحدت ترکیبی اشیاء" تمرکز یابد. اشیاء با همه اجزاء درونی خود؛ دارای یک یا چند خاصیت نهایی هستند؛ که اگر به درستی شناسایی شوند؛ افق جدیدی برای تصرفات آینده بشر در عالم تصویر می‌شود. استفاده از خاصیت‌های نهایی یک شیء (حیث سببیت یک شیء) به تسخیر صحیح "ما فی السموات و ما فی الارض" ختم می‌شود و مسئله لا ینحل تالی فاسد‌های ثلاث تصرفات مدرنیته را حل می‌کند»

حجت الاسلام علی کشوری، ۵ آذر ۱۳۹۹، قم، وبگاه فقه نظام

m-hedayat.blog.ir/۱۳۹۹/۰۹/۰۵-۱

۳۷. **ارجاع پژوهشی:** مُحَمَّدُ بْنُ یَحْیَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ أَوْ غَيْرِهِ عَنْ دَاوُدَ بْنِ فَوْقَدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: أَكَلُ الْجَزْرِ يُسَخِّنُ الْكُلَيْتَيْنِ وَيُتَيْمُمُ الذَّكْرَ.

امام صادق (علیه السلام): خوردن هو یج زردک کلیه‌ها را گرم و آلت را راست می‌گرداند.

الکافی، ج ۶، ص ۳۷۲

وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۲۰۶ / الوافی، ج ۱۹، ص: ۴۲۳

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ إِبرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ دَاوُدَ بْنِ فَوْقَدٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ ع يَقُولُ: أَكَلُ الْجَزْرِ يُسَخِّنُ الْكُلَيْتَيْنِ وَيُنْصِبُ الذَّكْرَ. قَالَ: فَقُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ كَيْفَ أَكَلُهُ وَ لَيْسَ لِي أَشْتَانُ؟! قَالَ: فَقَالَ لِي: مَرُّ الْجَارِيَةِ تَسْلِفُهُ وَ كُلُّهُ.

به نقل از داوود بن فرقد: از امام کاظم علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: «خوردن زردک، کلیه‌ها را گرم می‌کند و آلت را راست می‌گرداند». به ایشان گفتم: فدایت شوم! در حالی که دندان ندارم، چگونه آن را بخورم؟ به من فرمود: «به کنیز خود بگو آن را برای آب‌پز کند. سپس آن را بخور».

المحاسن، ج ۲، ص ۵۲۴ / الکافی، ج ۶، ص ۳۷۲

وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۲۰۷ / بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۸۲ / الفصول المهمة، ج ۳، ص ۱۲۶

خاصیت جزر را گرم کردن کلیه و بعضی از موارد معرفی کرده است. پس بینید یکی از مصادیق توصیف اشیاء، توصیف خاصیت اشیاء است^{۳۸} منتهی مبتنی بر علم مبتنی بر اشراف؛ نه مبتنی بر گزاره‌های پوزیتیویستی بخشی خطاپذیر.^{۳۹}

۳۸. **ارجاع پرورشی:** «در ذیل اصطلاحاتی مثل: «لِکَلِّ شَیْءٍ فَاکْهَةً»، «لِکَلِّ شَیْءٍ غَايَةً»، «لِکَلِّ شَیْءٍ عَلَامَةً»، «لِکَلِّ شَیْءٍ مِفْتَاحًا»، «لِکَلِّ شَیْءٍ حَقِيقَةً»، «لِکَلِّ شَیْءٍ حَبْلَةً»، «لِکَلِّ شَیْءٍ ثَمْرَةً»، «لِکَلِّ شَیْءٍ سَبَبًا»، «لِکَلِّ شَیْءٍ طَرِيقًا»، و ذیل کلمه «تسخیر»؛ در آیات و روایات، در مورد "خاصیت‌های اشیاء" بحث شده است؛ که البته دارای اصطلاحات متفاوتی است. مثلاً وقتی می‌فرمایند: «هر چیزی "فاکفه" یا "میوه" دارد» یعنی چه؟ یعنی: یک ثمره‌ای را در اختیار شما قرار می‌دهد. مثلاً درخت سیب، میوه‌اش "سیب" است دیگر. این سیب یک فوندی دارد. حالا حضرت می‌فرماید: «لِکَلِّ شَیْءٍ فَاکْهَةً» یعنی: هر شیئی [که شما تصور کنید] یک میوه‌ای دارد. البته واضح است که میوه همه اشیاء شبیه میوه درختان نیست و متفاوت است؛ ولی به هر حال خداوند شیء بدون "فاکفه" خلق نکرده است. شاید بهترین تعبیرها با فهم ما این است که: بگوییم هر شیئی دارای یک "سبب" و "ثمره"‌ای است.

پس این هم یک نوع مطالعه است که انسان ثمرات اشیاء را مطالعه کند و بگوید مثلاً "آویشن" به چه دردی می‌خورد؟ "کوه" به چه دردی می‌خورد؟ "ماه" و "خورشید" به چه دردی می‌خورند؟ یعنی از حیث ثمره‌ای که اشیاء دارند، آن‌ها را بررسی کند. جدول تسخیر یعنی: «بررسی و مطالعه اشیاء از حیث ثمره و خاصیت».

[و در ادامه نیز] در گام اول، این [ده جدول] را بر "اشیاء برتر" تطبیق می‌کنیم. مراد ما از اشیاء برتر، "اشیاء پرکاربرد در زندگی بشر" است، اشیائی که بشر خیلی با آن‌ها سرو کار دارد. مثلاً: شما هر روز با "خورشید" سرو کار دارید، با "آب" هر روز سرو کار دارید. اگر بروید از "مطالعات عنصر پایه" استفاده کنید، می‌گوید: «آب، H₂O است» و این‌طور به شما گزارش می‌دهند. اما در مطالعات ما [مطالعات شیء پایه]، آب فقط از حیث خاصیت، یازده نوع کاربرد دارد که من بعداً توضیح می‌دهم. [با روش مطالعه شیء پایه] یک درک بهتری نسبت به آب پیدا خواهیم کرد ولی چون مطالعات در مورد همین آبی که همه داریم از آن استفاده می‌کنیم را به "مطالعات عنصر پایه" سپرده‌ایم، به ما درک ناقص می‌دهد. حالا من اشاره خواهیم کرد که بسیاری از مردم چون خاصیت آب را نمی‌دانند زیاد از آن استفاده نمی‌کنند، یا غلط از آن استفاده می‌کنند.

بینید اولاً اینکه "جدول تسخیر" چه کار کرده است؟ جدول تسخیر، اشیاء عالم را در نوزده گروه طبقه‌بندی کرده است. دوستان از بنده می‌پرسند: این نوزده گروه و این نحوه طبقه‌بندی را از کجا آورده‌اید؟ من پاسخ دادم که: ما این نوزده گروه را براساس فهم فعلی بشر از طبقه‌بندی اشیاء انتخاب کرده‌ایم. یعنی: در گام اول نیامده‌ایم برای اشیاء، یک طبقه‌بندی تأسیسی ارائه کنیم. مثلاً ما می‌توانیم اشیاء را براساس میزان "خاصیت" و قدری که دارند طبقه‌بندی کنیم. یا اینکه نه؛ می‌توانیم اشیاء عالم را براساس "زمان خلق" طبقه‌بندی کنیم. این مطالب در روایات ما آمده است که کدام اشیاء، اول خلق شده است؟ کدام اشیاء، دوم خلق شده است؟ کدام اشیاء، سوم خلق شده است؟ و همین‌طور تا آخر. مثلاً می‌دانید که در [آیات و] روایات آمده است که: «اول زمین خلق شده است و بعد از آن آسمان‌ها.» پس براساس "زمان خلقت" هم می‌توانیم اشیاء را طبقه‌بندی کنیم؛ منتها ما در گام اول این کار را نکردیم. چون الان در آغاز جدول تسخیر هستیم.

بلکه آمدیم بر اساس فهم فعلی بشر همین طبقه‌بندی‌های معروف را انتخاب کردیم و در درون این طبقه‌بندی‌ها نیز، خاصیت اشیاء را بحث کردیم. حالا من فقط عناوین این نوزده گروه شیء را می‌گویم».

حجت الاسلام علی کشوری، مکتوب تبیین جدول فقهی تسخیر، ص ۴۷ الی ۵۵، ۲۸ بهمن ۱۴۰۰، کرج

کانال الگوی پیشرفت اسلامی-ایتا

eitaa.com/olgou/4488

برای اطلاع از روایات ذیل هر گزاره مطرح شده در متن بالا و آشنایی با ۱۹ گروه طبقه‌بندی‌شده به همراه روایاتش به لینک مکتوب "تبیین جدول فقهی تسخیر"، برگزارشده در تاریخ ۲۸ بهمن ۱۴۰۰ مراجعه فرمایید.

کانال الگوی پیشرفت اسلامی-ایتا

eitaa.com/olgou/4488

۳۹. **ارجاع پژوهشی:** قال رسول الله ص: ... **لِكُلِّ شَيْءٍ غَايَةٌ وَ غَايَةُ الْعِبَادَةِ الْعُقْلُ.**

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): و برای هر چیزی غایتی است و غایت عبادت، عقل است.

أعلام الدین (دیلمی)، ص ۱۷۰

بحار الأنوار، ج ۱، ص ۹۵ / مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۰۶

حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي الْقَاسِمُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ قَالَ حَدَّثَنِي حَمَادُ بْنُ عِيسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: **قَالَ لِقَمَانٍ لِابْنِهِ يَا بَنِيَّ لِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمَةٌ يُعْرَفُ بِهَا وَ يُشْهَدُ عَلَيْهَا. وَإِنَّ لِلدِّينِ ثَلَاثَ عَلَامَاتٍ: الْعِلْمُ وَ الْإِيمَانُ وَ الْعَمَلُ بِهِ. وَ لِلْإِيمَانِ ثَلَاثَ عَلَامَاتٍ: الْإِيمَانُ بِاللَّهِ وَ كُتَيْبُهُ وَ زُسْلِيهِ. وَ لِلْعِلْمِ ثَلَاثَ عَلَامَاتٍ: الْعِلْمُ بِاللَّهِ وَ بِمَا يُحِبُّ وَ بِمَا يَكْرَهُ. وَ لِلْعَمَلِ ثَلَاثَ عَلَامَاتٍ: الصَّلَاةُ وَ الصَّيَامُ وَ الزَّكَاةُ. وَ لِلْمُتَكَلِّفِ ثَلَاثَ عَلَامَاتٍ: يُنَازِعُ مَنْ فَوْقَهُ وَ يَقُولُ مَا لَا يَعْلَمُ وَ يَتَعَاطَى مَا لَا يَتَأَلَّ. وَ لِلظَّالِمِ ثَلَاثَ عَلَامَاتٍ: يَظْلِمُ مَنْ فَوْقَهُ بِالْمَعْصِيَةِ وَ مَنْ دُونَهُ بِالْعَلْبَةِ وَ يُعِينُ الظَّالِمَةَ. وَ لِلْمُنَافِقِ ثَلَاثَ عَلَامَاتٍ: يُخَالِفُ لِسَانَهُ قَلْبَهُ وَ قَلْبُهُ فِعْلَهُ وَ عِلَانِيَتُهُ سِرِّيَتَهُ. وَ لِلْكَافِرِ ثَلَاثَ عَلَامَاتٍ: يَخُونُ وَ يَكْذِبُ وَ يُخَالِفُ مَا يَقُولُ. وَ لِلْمُرَائِيِ ثَلَاثَ عَلَامَاتٍ: يَكْسُلُ إِذَا كَانَ وَاحِدَهُ وَ يَنْشَطُ إِذَا كَانَ النَّاسَ عِنْدَهُ وَ يَتَعَرَّضُ فِي كُلِّ أَمْرٍ لِلْمُحَمَّدَةِ. وَ لِلْحَاسِدِ ثَلَاثَ عَلَامَاتٍ: يَغْتَابُ إِذَا غَابَ وَ يَتَمَلَّقُ إِذَا شَهِدَ وَ يَسْمَتُ بِالْمُصِيبَةِ. وَ لِلْمُسْرِفِ ثَلَاثَ عَلَامَاتٍ: يَشْتَرِي مَا لَيْسَ لَهُ وَ يَبْسُقُ مَا لَيْسَ لَهُ وَ يَأْكُلُ مَا لَيْسَ لَهُ. وَ لِلْكَشَلَانِ ثَلَاثَ عَلَامَاتٍ: يَتَوَانَى حَتَّى يَفْرُطَ وَ يَفْرُطَ حَتَّى يَضَيِّعَ حَتَّى يَأْتَمَّ. وَ لِلْعَاقِلِ ثَلَاثَ عَلَامَاتٍ: السَّهْوُ وَ اللُّهُوُ وَ التَّسْيَانُ.**

قَالَ حَمَادُ بْنُ عِيسَى قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: **لِكُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْ هَذِهِ الْعَلَامَاتِ شَعْبٌ يَتَلَعُّ الْعِلْمُ بِهَا أَكْثَرَ مِنْ أَلْفِ بَابٍ وَ أَلْفِ بَابٍ. فَكُنْ يَا حَمَادُ طَالِبًا لِلْعِلْمِ فِي لَنَاءِ اللَّيْلِ وَ أَطْرَافِ النَّهَارِ. فَإِنَّ أَرَدْتَ أَنْ تُفَرِّقَ عَيْنَكَ وَ تَتَّالِ خَيْرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ فَاقْطَعْ الطَّمَعِ مِمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ وَ عُدَّ نَفْسَكَ فِي الْمَوْتَى وَ لَا تُحَدِّثَنَّ نَفْسَكَ أَنَّكَ فَوْقَ أَحَدٍ مِنَ النَّاسِ وَ احْزُنْ لِسَانَكَ كَمَا تَحْزُنُ مَالَكَ.**

امام صادق علیه السلام: لقمان علیه السلام به پسرش گفت: پسر! هر چیزی، نشانه‌ای دارد که بدان شناخته می‌شود و بر اساس آن، مورد گواهی قرار می‌گیرد. و همانا دین، سه نشانه دارد: دانش، ایمان، و عمل به آن. ایمان، سه نشانه دارد: ایمان به خدا و کتاب‌های او و فرستادگانش. عالم، سه نشانه دارد: شناخت خدا و شناخت آنچه می‌پسندد و شناخت آنچه نمی‌پسندد. **عامل (به دین)**، سه نشانه دارد: نماز و روزه و زکات. **متظاهر (عالم‌نما)** نیز سه نشانه دارد: با برتر از خود می‌ستیزد، و چیزی را می‌گوید که نمی‌داند، و در پی چیزی است که به آن، دست نمی‌یابد. **ظالم**، سه نشانه دارد: به بالاتر از خودش با نافرمانی، و به پایین‌تر از خودش با چیرگی، ستم می‌کند و به ستمگران، یاری می‌رساند. **منافق**، سه نشانه دارد: زبانش مخالف دلش، و دلش مخالف کارش، و ظاهرش مخالف باطنش است. **گنهکار**، سه نشانه دارد: خیانت می‌ورزد، دروغ می‌گوید، و با سخن خودش نیز مخالفت می‌کند. **ریاکار**، سه نشانه دارد: هنگامی که تنها باشد، تبلی می‌کند و هنگامی که نزد مردم باشد، چابک است و در هر کاری، خود را در معرض ستایش دیگران قرار می‌دهد. **حسود**، سه نشانه دارد: هرگاه غایب باشد، غیبت می‌کند و هرگاه حاضر باشد، چاپلوسی می‌کند، و به خاطر گرفتاری، سرکوفت می‌زند. **اسرافکار**، سه نشانه دارد: چیزی را می‌خرد که لازم ندارد، و چیزی را می‌پوشد که لازم ندارد، و چیزی را می‌خورد که لازم ندارد. **تبل**، سه نشانه دارد: تا آنجا سستی می‌کند که کوتاهی می‌شود، و تا آنجا کوتاهی می‌کند که ضایع می‌سازد، و تا آنجا ضایع می‌سازد که گناه می‌کند. **غافل**، سه نشانه دارد: اشتباه و سرگرمی (بازی) و فراموشی.

حماد بن عیسی گوید امام صادق (ع) فرمود: هر يك از این علامت‌ها را رشته‌های مختلفی است که دانستن همه آنها بیش از هزار باب و هزار باب و هزار باب است. ای حماد شبانه روز بدنبال دانش باش و اگر خواستی که چشم‌ت روشن باشد و بخیر دنیا و آخرت بررسی طمع خود را از آنچه بدست مردم است ببر و خود را در ردیف مردگان بگذار و هرگز بخواطرت نگذرد که تو را بر يك نفر از مردم مزیتی است و زبان خویش در دهان نگهدار همان طور که مالت را نگه میداری.

الخصال، ج ۱، ص ۱۲۱

بحار الأنوار، ج ۶۹، ص ۲۰۶ و ج ۱۳، ص ۶۱۵ / مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۸۸

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ الْهَيْثَمِ الْعَجَلِيِّ وَ أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ السَّنَانِيِّ وَ الْحُسَيْنُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ هِشَامِ الْمُكْتَبِ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدِ الصَّائِعِ وَ عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْوَرَّاقِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ قَالُوا حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا الْقَطَّانِ قَالَ حَدَّثَنَا بَكْرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَبِيبٍ قَالَ حَدَّثَنَا تَمِيمُ بْنُ بَهْلُولٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو مُعَاوِيَةَ عَنِ الْأَعْمَشِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ: **هَذِهِ سَرَائِعُ الدِّينِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يَتَمَسَّكَ بِهَا وَ أَرَادَ اللَّهُ هُدَاهُ ... لِكُلِّ شَيْءٍ ثَمَرَةٌ وَ ثَمَرَةُ الْمَعْرُوفِ تَعْجِيلُهُ ...**

یکی دیگر از محورهای توصیف اشیاء، خصلت‌های تکوُن اشیاء است. می‌دانید که اشیاء قدیم نیستند [بلکه] اشیاء ایجاد می‌شوند؛ حالا در روایت هست: «لا تكون الأشياء إلا بسبعة خصال»^{۴۰} هر تکوینی ذیل هفت خصلت اتفاق افتاد که این در روایات ما توضیح داده شده است.

۲/۳/۱/۲. توصیف خصلت‌های تکوُن اشیاء؛ دومین توصیف روش تحقیق مبتنی بر اشرف

[یکی از ۷ خصلت] خصلت اذن [است]؛ هر شیئی که تکون پیدا می‌کند بدون اذن الهی تکون پیدا نمی‌کند.^{۴۱}

۲/۳/۱/۲/۱. وجود هفت خصلت ذیل تکون هر شیء؛ ذکر خصلت اذن، اجل، کتاب، قدر به طور نمونه

الخصال، ج ۲، ص ۶۲۰ (خصال من شرائع الدین) / من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۵۷ و مسائل الشيعة، ج ۱۶، ص ۳۱۵

«أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ وَالْفُلْكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَيُمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرُؤُوفٌ رَحِيمٌ» (سوره مبارکه حج، آیه ۶۵)

آیا ندانسته‌ای که خدا آنچه را در زمین است و [نیز] کشتی‌ها را که به فرمان او در دریا روانند، برای شما رام و مسخر کرده است؟ و آسمان را نگه می‌دارد که بر زمین نیفتد مگر به اذن او؟ یقیناً خدا به همه مردم رؤف و مهربان است.

۴۰. **ارجاع پژوهشی:** عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدَ بْنَ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ جَمِيعاً عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَارَةَ عَنْ حَرِيزِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ جَمِيعاً عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ قَالَ: لَا يَكُونُ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ إِلَّا بِهَذِهِ الْخِصَالِ السَّبْعِ: بِمَشِيئَةٍ وَ إِرَادَةٍ وَ قَدْرٍ وَ قَضَاءٍ وَ إِذْنٍ وَ كِتَابٍ وَ أَجَلٍ فَمَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يَفْدِرُ عَلَى نَفْسٍ وَاحِدَةٍ فَقَدْ كَفَرَ.

و رَوَاهُ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَفْصٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَارَةَ عَنْ حَرِيزِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ وَ ابْنِ مُسْكَانَ مِثْلَهُ. امام صادق علیه السلام: چیزی در زمین و در آسمان پدید نمی‌آید، مگر با این ویژگی‌های هفتگانه: با خواست، اراده، قدر، قضا، اذن، کتاب (نوشته) و اجل (هنگام معین). پس هر که پندارد که بر شکستن یکی [از آنها] تواناست، بی‌گمان، کافر شده است.

الكافي، ج ۱، ص ۱۴۹ / المحاسن، ج ۱، ص ۲۴۴ (با اندکی تفاوت)

سند محاسن: عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَارَةَ عَنْ حَرِيزِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ قَالَا قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ

الوافي، ج ۱، ص ۵۱۹ / بحار الأنوار، ج ۵، ص ۱۲۱ / الفصول المهمة (تكملة الوسائل)، ج ۱، ص ۲۱۹

وَ رَوَاهُ (ای: روی علی بن ابراهیم) أَيْضاً عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ زَكَرِيَّا بْنِ عَمْرَانَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ قَالَ: لَا يَكُونُ شَيْءٌ فِي السَّمَاوَاتِ وَ لَا فِي الْأَرْضِ إِلَّا بِسَبْعٍ: بِقَضَاءٍ وَ قَدْرٍ وَ إِرَادَةٍ وَ مَشِيئَةٍ وَ كِتَابٍ وَ أَجَلٍ وَ إِذْنٍ فَمَنْ زَعَمَ غَيْرَ هَذَا فَقَدْ كَذَبَ عَلَى اللَّهِ أَوْ رَدَّ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ.

امام کاظم علیه السلام: چیزی در آسمان‌ها و در زمین پدید نمی‌آید، مگر با هفت [چیز]: با قضا، اراده، مشیت، کتاب (نوشته) و اجل (هنگام معین) و اذن. پس هر که جز این گمان ببرد، حتماً بر خداوند، دروغ بسته یا حکمی را بر خداوند عز و جل رد کرده است.

الكافي، ج ۱، ص ۱۴۹ / الخصال، ج ۲، ص ۳۵۹

سند خصال: حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ زَكَرِيَّا بْنِ عَمْرَانَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ

الوافي، ج ۱، ص ۵۱۹ / الفصول المهمة (تكملة الوسائل)، ج ۱، ص ۲۱۹ / بحار الأنوار، ج ۵، ص ۸۸

۴۱. **ارجاع پژوهشی:** «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ طِينٍ ثُمَّ قَضَى أَجَلًا وَأَجَلٌ مُسَمًّى عِنْدَهُ ثُمَّ أَنْتُمْ تَمْتَرُونَ (انعام ۲)»

خصلت اجل؛ شما هر شیئی را که در اطرافتان می‌بینید اجل نیز دارد؛ یعنی مدت دارد. ما شیء سرمد نداریم [بلکه] همه شیءها دارای اجل اند. ۴۲

اوست خدایی که شما را از گلی آفرید، پس فرمان اجل و مرگ را بر همه کس معین کرد، و اجلی که معین و معلوم است به نزد اوست، باز شما شک در آیات او می‌کنید.

«أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنفُسِهِمْ مَا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ لَكَافِرُونَ (روم ۸)»

آیا آنان با خود نیندیشیدند که خداوند، آسمانها و زمین و آنچه را میان آن دو است جز بحق و برای زمان معینی نیافریده است؟ ولی بسیاری از مردم (رستاخیز و) لقای پروردگارش را منکرند!

«اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى يُدَبِّرُ الْأَمْرَ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ بِلِقَاءِ رَبِّكُمْ تُوقِنُونَ (رعد ۲)»

خدا [همان] کسی است که آسمانها را بدون ستونهایی که آنها را ببینید برافراشت، آنگاه بر عرش استیلا یافت و خورشید و ماه را رام گردانید؛ هر کدام برای مدتی معین به سیر خود ادامه می‌دهند. [خداوند] در کار [آفرینش] تدبیر می‌کند، و آیات [خود] را به روشنی بیان می‌نماید، امید که شما به لقای پروردگارتان یقین حاصل کنید.

«وَأَنْذِرِ النَّاسَ يَوْمَ يَأْتِيهِمُ الْعَذَابُ فَيَقُولُ الَّذِينَ ظَلَمُوا رَبَّنَا أَخِّرْنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ نُجِبِ دَعْوَتَكَ وَتَتَّبِعِ الرَّسُولَ أَوْلَمْ تَكُونُوا أَقْسَمْتُمْ مِّن قَبْلُ مَا لَكُمْ مِّن زَوَالٍ (ابراهيم ۴۴)»

و مردم را از روزی که عذاب بر آنان می‌آید بترسان. پس آنان که ستم کرده‌اند می‌گویند: «پروردگارا، ما را تا چندی مهلت بخش تا دعوت تو را پاسخ گوئیم و از فرستادگان [تو] پیروی کنیم.» [به آنان گفته می‌شود:] «مگر شما پیش از این سوگند نمی‌خوردید که شما را فنايي نیست؟»

«وَمَا نُؤَخِّرُهُ إِلَّا لِأَجَلٍ مُّعَدَّدٍ (هود ۱۰۴)»

و ما آن روز را جز برای مدتی اندک به تأخیر نمی‌اندازیم.

۴۲. **ارجاع پژوهشی:** «وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبثُ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا كَذَلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ (اعراف ۵۸)»

و زمین پاک است که گیاهش به اذن پروردگارش بیرون می‌آید، و زمینی که ناپاک است، جز گیاهی اندک و بی سود از آن بیرون نمی‌آید؛ این گونه نشانه‌ها را برای گروهی که سپاس‌گزارند [به صورت‌های گوناگون] بیان می‌کنیم.

«تُؤْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (ابراهيم ۲۵)»

و آن درخت پاک و زیبا به اذن خدا همه اوقات میوه‌های مأكول و خوش دهد (مثل جان‌پاک با دانش و معرفت و افکار و کردار نیکو در منفعت دائم برای خود و دیگران بدان درخت زیبای پر ثمر مانند). و خدا (این گونه) مثل‌های واضح برای تذکر مردم می‌آورد.

«وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ كِتَابًا مُّؤَجَّلًا وَمَنْ يَرِدْ تَوَابَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَنْ يَرِدْ تَوَابَ الْآخِرَةِ نُؤْتِهِ مِنْهَا وَسَخَّرِ الشَّارِكِينَ (آل عمران ۱۴۵)»

و هیچ کس جز به اذن خدا نخواهد مُرد، که اجل هر کس (در لوح قضای الهی) به وقت معین ثبت است، و هر که برای متاع دنیا کوشش کند از دنیا بهره‌مندش کنیم، و هر که ثواب آخرت خواهد از نعمت آخرت برخوردارش گردانیم، و البته سپاسگزاران را جزای نیک دهیم.

خصلت کتاب؛ کتاب سرنوشت. قبل از خلق شیء، مجموعه اتفاقاتی که برای یک شیء اتفاقی

می‌افتد نوشته شده است. ۴۳

«وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تُؤْمِنَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَيَجْعَلُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ (یونس ۱۰۰)»

هیچ کس نمی‌تواند ایمان بیاورد، جز به اذن خدا (و توفیق و یاری و هدایت او)! و پلیدی (کفر و گناه) را بر کسانى قرار می‌دهد که نمی‌اندیشند.

«مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ يَهْدِ اللَّهُ قَلْبَهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (نغابن ۱۱)»

هیچ رنج و مصیبتی (به شما) نرسد مگر به اذن خدا، و هر که به خدا ایمان آورد خدا دلش را (به مقام عالی رضا و تسلیم) هدایت کند و خدا به همه امور عالم داناست.

۴۳ . ارجاع پژوهشی: «ما أصاب من مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ

(حدید ۲۲)»

هیچ گزند و آسیبی در زمین [چون زلزله، سیل، توفان و قحطی] و در وجود خودتان [چون بیماری، رنج، تعب و از دست رفتن مال و ثروت] روی نمی‌دهد مگر پیش از آنکه آن را به وجود آوریم در کتابی [چون لوح محفوظ] ثبت است، بی‌تردید این [تقدیر حوادث و فرمان قطعی به پدید آمدنش] بر خدا آسان است.

«وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ كِتَابًا مُؤَجَّلًا وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الْآخِرَةِ نُؤْتِهِ مِنْهَا وَسَخَّرْنَا

الشَّاكِرِينَ (آل عمران ۱۴۵)»

و هیچ کس جز به اذن خدا نخواهد مُرد، که اجل هر کس (در لوح قضای الهی) به وقت معین ثبت است، و هر که برای متاع دنیا کوشش کند از دنیا بهره‌مندش کنیم، و هر که ثواب آخرت خواهد از نعمت آخرت برخوردارش گردانیم، و البته سپاسگزاران را جزای نیک دهیم.

«وَمَا يَعْرِضُ عَنْ رَبِّكَ مِنْ مِثْقَالِ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَلَا أَصْغَرَ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرَ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ (یونس ۶۱)»

و به سنگینی ذره‌ای نه در زمین و نه در آسمان از پروردگارت پنهان نیست و نه کوچکتر از آن و نه بزرگتر وجود ندارد مگر این که در کتاب مبین ثبت است.

«وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ (هود ۶)»

و هیچ جنبنده‌ای نیست مگر این که روزی آن بر خدا است و او «مستقر» و «مستودع» آن را می‌داند، همه در کتاب مبین ثبت است.

«قَدْ عَلِمْنَا مَا تَنْقُصُ الْأَرْضُ مِنْهُمْ وَعِنْدَنَا كِتَابٌ حَفِيظٌ (ق ۴)»

همانا می‌دانیم که زمین از آنان چه می‌کاهد و کتاب محفوظ نزد ماست.

«وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا

رَطْبٍ وَلَا يَاسِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ (انعام ۵۹)»

کلیدهای غیب، تنها نزد اوست؛ و جز او، کسی آنها را نمی‌داند. او آن چه را در خشکی و دریاست می‌داند؛ هیچ برگ (از درختی) نمی‌افتد، مگر این که از آن آگاه است؛ و نه هیچ دانه‌ای در تاریکی‌های زمین، و نه هیچ تر و خشکی وجود دارد، جز این که در کتابی آشکار (در کتاب علم خدا) ثبت است.

خصلت‌های دیگری [نیز است] که الان نمی‌خواهم شرح بدهم. پس بنابراین وقتی می‌گوییم: ما شاگرد خالق می‌شویم در توصیف اشیاء، خالق یکی از چیزهایی که در توصیف اشیاء به ما یاد می‌دهد هفت خصلت تکون اشیاء است که خوش یک سرفصلی است که ما در جدول فقهی خصلت این را شرح می‌دهیم. این مهم است وقتی شما نگاه به اشیاء می‌کنید، اشیاء را ذیل این هفت خصلت بدانید و بگویید: اشیاء دارای اذن هستند؛ اشیاء دارای اجل هستند؛ اشیاء دارای

کتاب هستند و بقیه بحث‌ها مانند اینکه اشیاء دارای "قدر"^{۴۴} هستند که در روایت به صورت کامل آمده است.^{۴۵}

۴۴. ارجاع پژوهشی: معنای قدر

عَلِيٌّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ الدَّيْلَمِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْهَاشِمِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ يُقُولُ لَا يَكُونُ شَيْءٌ إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ وَ أَرَادَ وَ قَدَّرَ وَ قَضَى. قُلْتُ: مَا مَعْنَى شَاءَ؟ قَالَ: اتِّبَاءُ الْفِعْلِ. قُلْتُ: مَا مَعْنَى قَدَّرَ؟ قَالَ: تَقْدِيرُ الشَّيْءِ مِنْ طَوْلِهِ وَ عَرْضِهِ. قُلْتُ: مَا مَعْنَى قَضَى؟ قَالَ: إِذَا قَضَى أَمْرًا فَذَلِكَ الَّذِي لَا مَرَدَّ لَهُ.

به نقل از علی بن ابراهیم هاشمی: از ابو الحسن موسی بن جعفر علیهما السلام شنیدم که فرمود: «چیزی پدید نمی‌آید، مگر آن که خداوند بخواهد، اراده کند، تقدیر نماید و قضا براند». گفتم: «بخواهد» به چه معناست؟ فرمود: «آغاز فعل». گفتم: «تقدیر نماید» به چه معناست؟ فرمود: «اندازه‌گیری شیء از درازا و پهنای آن». گفتم: معنای «قضا براند» چیست؟ فرمود: «هر گاه درباره چیزی قضا براند، آن را محقق سازد و آن، همان است که بازگشت ناپذیر است».

الكافي، ج ۱، ص ۱۵۰ / المحاسن، ج ۱، ص: ۲۴۴ (با اندکی تفاوت)
الوافي، ج ۱، ص ۵۱۹ / بحار الأنوار، ج ۵، ص ۱۲۲

اجمالاً آنچه از روایات و آیات استفاده می‌شود آن است که:

الف- قدر و اندازه هر چیزی در عالم به مشیت خداوند وابسته است و مشیت الهی هم همراه با تقدیر و اندازه است:
وَ إِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَ مَا نُنزِلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ (سوره مبارکه حجر، آیه ۲۱)
و هیچ چیزی نیست مگر آنکه خزانه‌هایش نزد ماست، و آن را جز به اندازه معین نازل نمی‌کنیم.

... وَ خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَرَهُ تَقْدِيرًا (سوره مبارکه فرقان، آیه ۲)
و (خداوند) هر چیزی را آفریده و آن را به اندازه قرار داده، اندازه‌ای درست و دقیق.

إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ (سوره مبارکه قمر، آیه ۴۹)
ما هر چیزی را به اندازه خاصی آفریدیم.

... وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا * وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَ مَنْ يَتَّوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا (سوره مبارکه طلاق، آیات ۲ و ۳)

... و هر که از خدا پروا کند، خدا برای او راه بیرون شدن [از مشکلات و تنگناها را] قرار می‌دهد* و او را از جایی که گمان نمی‌برد روزی می‌دهد، و کسی که بر خدا توکل کند، خدا برایش کافی است، [و] خدا فرمان و خواسته‌اش را [به هر کس که بخواهد] می‌رساند یقیناً برای هر چیزی اندازه‌ای قرار داده است.

ب- تقدیر (قدر و اندازه) تمام اشیاء و وقایع عالم، در شب قدر صورت می‌گیرد:

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَرَّكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ * فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ (سوره مبارکه دخان، آیات ۳ و ۴)

به راستی ما آن (قرآن) را در شبی پربرکت (شب قدر) نازل کردیم زیرا که همواره بیم‌دهنده بوده‌ایم* در آن شب هر کار استواری [به اراده خدا] فیصله می‌یابد.

(وَ مَا أَذْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ) وَ مَعْنَى لَيْلَةِ الْقَدْرِ: أَنَّ اللَّهَ يَقْدَرُ فِيهَا الْأَجَالَ وَ الْأَرْزَاقَ وَ كُلَّ أَمْرٍ يَحْدُثُ مِنْ مَوْتٍ أَوْ حَيَاةٍ أَوْ حُصْبٍ أَوْ جَدْبٍ أَوْ خَيْرٍ أَوْ شَرٍّ. كَمَا قَالَ اللَّهُ: «فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ» إِلَى سَنَةِ. قَوْلُهُ: «تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَ الرُّوحُ فِيهَا» قَالَ: تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَ رُوحُ الْقُدُسِ عَلَى إِمَامِ الزَّمَانِ وَ يَدْفَعُونَ إِلَيْهِ مَا قَدْ كَتَبُوهُ مِنْ هَذِهِ الْأُمُورِ.

در تفسیر علی بن ابراهیم آمده: معنای شب قدر این است که خداوند اجلها و رزقها و هر امری که حادث می شود از مرگ و حیات و تلخی و شیرینی زندگی و خیر و شر را در این شب مقدر می کند.

تفسیر القمی، ج ۲، ص ۴۳ / بحار الأنوار، ج ۹۴، ص ۱۴

عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَدِيْنَةَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ زُرَّارَةَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ حُمْرَانَ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ: يُقَدَّرُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ كُلِّ شَيْءٍ يَكُونُ فِي تِلْكَ السَّنَةِ إِلَى مِثْلِهَا مِنْ قَابِلٍ مِنْ خَيْرٍ أَوْ شَرٍّ أَوْ طَاعَةٍ أَوْ مَعْصِيَةٍ أَوْ مَوْلُودٍ أَوْ أَجَلٍ أَوْ رِزْقٍ، فَمَا قَدَّرَ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ وَقُضِيَ فَهُوَ مِنَ الْمَحْتَمِمْ وَلِلَّهِ فِيهِ الْمَشِيئَةُ.

امام باقر علیه السلام می فرماید: «در شب های قدر هر آنچه که در آن سال، تا سال آینده از خیر و شر و طاعت و معصیت و تولد و مرگ و رزق باشد مقدر می شود، پس هر آنچه در این شب مقدر و حکم شود حتمی خواهد بود!»

ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۶۷ / الکافی، ج ۴، ص ۱۵۷

وَ رَوَى أَيْضاً عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جُمُهورٍ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرِ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ حُمْرَانَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَ عَمَّا يُفَرَّقُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ هَلْ هُوَ مَا يُقَدَّرُ اللَّهُ فِيهَا قَالَ لَا تُوصَفُ قُدْرَةُ اللَّهِ إِلَّا أَنَّهُ قَالَ: «فِيهَا يُفَرَّقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ» فَكَيْفَ يَكُونُ حَكِيمًا إِلَّا مَا فَرَّقَ وَ لَا تُوصَفُ قُدْرَةُ اللَّهِ سُبْحَانَهُ لِأَنَّهُ يُخْبِرُ مَا يَشَاءُ ...

محمد بن جمهور از موسی بن بکر از زراره از حرمان نقل کرد که گفت: از حضرت صادق علیه السلام پرسیدم از آنچه تمیز و توضیح داده می شود در شب قدر آیا همان چیزهایی که خدا مقدر کرده؟ فرمود: نمیتوان توصیف کرد قدرت خدا را فیها یفرق کل امر حکیم چگونه می تواند چیزی محکم باشد مگر اینکه تشخیص داده شود و معین گردد ولی نمی توان قدرت خدا را توصیف نمود که چه چیز را مقدر میکند زیرا در اختیار اوست هر چه را بخواهد انجام میدهد...

بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۹۷

۴۵. **ارجاع پرورشی:** «شما وقتی دارید در مورد اشیاء مطالعه می کنید، می گویند: نسبت اشیاء با ربوبیت الهی چیست؟ یعنی: حضرت رب العالمین در خلقت اشیاء چه ارکانی را لحاظ کرده است؟ خب؛ این روایت پاسخ می دهد و می فرماید: (۱) هیچ شیئی نیست مگر اینکه "بمشیتته تبارک و تعالی" خلق شده است، (۲) هیچ شیئی نیست مگر اینکه "اراده" الهی (که غیر از "مشیت" الهی است) در خلق آن حضور دارد، (۳) هیچ شیئی نیست مگر اینکه "قدر" الهی (همان مفهوم "قدر" که در شب های قدر در مورد آن بحث می کنیم) در خلقت آن شیئی حضور دارد. "قدر" یعنی چه؟ یعنی خدای متعال اشیاء را "دارای اندازه" خلق کرده است. انبیاء خیلی اصرار دارند به ما بگویند که همه اشیاء دارای اندازه هستند. مهم ترین اندازه ای هم که در خلقت اشیاء لحاظ شده، "اندازه زمانی" است که بعد اشاره خواهیم کرد. یعنی خدای متعال هیچ شیئی را خلق نکرده مگر اینکه دارای یک زمانی است. خیلی مسئله مهمی است. (۴) "قضاء" الهی در اشیاء حضور دارد، (۵) "اذن" الهی در اشیاء حضور دارد، (۶) همه اشیاء دارای "کتاب سرنوشت" هستند. شما هیچ شیئی را پیدا نمی کنید که "کتاب" نداشته باشد. "کتاب" یعنی چه؟ یعنی سرنوشت آن شیء نوشته شده که آن شیء چه مسیری را طی می کند. (۷) در نهایت اشیاء دارای "اجل" هستند؛ یعنی: فوت خواهند کرد و از بین خواهند رفت.

خب؛ این یک شکل مطالعات است که خودش هفت بخش دارد که عبارت است از: «خصلت های اصلی حاکم بر تکون اشیاء»، حتماً می دانید سوال روایت چیست. کأن شخصی از حضرت سوال می پرسد که وقتی خداوند یک شیء را خلق می کند، چند خصلت برای آن شیء قرار داده است؟ حضرت می فرماید: هفت خصلت برای آن شیء قرار داده شده. این یک سرفصل و یک نوع از مطالعه اشیاء است که الآن من نمی خواهم وارد آن شوم. واضح هست که وقتی بخواهیم این سرفصل را توضیح بدهیم ابتدا باید "مشیت" را توضیح دهیم. مثلاً روایت در توضیح "مشیت" این طور می فرماید: «عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَدِيْنَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: خَلَقَ اللَّهُ الْمَشِيئَةَ بِنَفْسِهَا ثُمَّ خَلَقَ الْأَشْيَاءَ بِالْمَشِيئَةِ.

امام صادق علیه السلام: خداوند، مشیت (خواست) را به خود آن آفرید و آن گاه، اشیاء را با مشیت، خلق نمود. الکافی، ج ۱، ص ۱۱۰ / بحار الأنوار، ج ۴، ص ۱۴۵ / مختصر البصائر، ص ۳۶۷» خداوند متعال اولین چیزی که خلق کرده "مشیت" خودش است. خود "مشیت" یک مخلوق است. خداوند در ادامه به وسیله مخلوقی به اسم "مشیت"، اشیاء را خلق کرده است. حالا این یک بحث های تفصیلی دارد. سایر خصلت های تکون هم همین طور است. مثلاً "کتاب سرنوشت" یعنی چه؟ مثلاً شما دارید یک کوه را مشاهده می کنید. خب؛ "کوه" دارای کتاب سرنوشت است. یا یک "انسان" دارای کتاب سرنوشت است. یعنی چه؟ یعنی همه اتفاقاتی که برای انسان

۲/۳/۱/۳. توصیف
منابع تشکیل دهنده
اشیاء؛ سومین
توصیف روش
تحقیق مبتنی بر
اشراف

سومین نوع توصیفی که در ادبیات مبتنی بر "اشراف" وحی از اشیاء شده، این است که منابع تشکیل دهنده اشیاء برای ما بیان شده است؛ اینکه چه شیئی از شیء دیگری خلق شده؟ و ماده اولیه اش چه بوده؟ این را وحی برای ما توصیف کرده است. مهم است که ما بدانیم چه چیزی از چه چیز دیگری خلق شده است. با این نگاه صدها روایت ما داریم در منابع [روایی مان] و دهها آیه داریم که در موضوع منبع اشیاء بحث و گفت‌وگو شده؛^{۴۶} من در روایتی می‌دیدم امام صادق

رخ می‌دهد در کتاب نوشته شده است. خب این چه خاصیتی دارد و چه اثری دارد؟ همه این‌ها را باید بحث کنیم. پس این شد سرفصل اول که عبارت است از «خصلت‌های هفتگانه حاکم بر تکوّن اشیاء». این یک نوع مطالعه است».

حجت الاسلام علی کشوری، مکتوب تبیین جدول فقهی تسخیر، ص ۲۰ الی ۲۲، ۲۸ بهمن ۱۴۰۰، کرج

کانال الگوی پیشرفت اسلامی-ایتا

eitaa.com/olgou4/4488

۴۶. **ارجاع پژوهشی:** أَوْ لَمْ يَرِ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْماً فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ (سوره مبارکه انبیاء، آیه ۳۰)

آیا کافران ندانسته‌اند که آسمان‌ها و زمین به هم بسته و پیوسته بودند و ما آن دو را شکافته و از هم باز کردیم و هر چیز زنده‌ای را از آب آفریدیم؟ پس آیا ایمان نمی‌آورند؟

و قوله: وَ جَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ قَالَ: فَجَعَلَ نَسَبَ كُلِّ شَيْءٍ إِلَى الْمَاءِ وَ لَمْ يَجْعَلْ لِلْمَاءِ نَسَبًا يُضَافُ إِلَيْهِ.

نسبت (خلقت) هر چیزی به آب برمی‌گردد ولی برای آب به هیچ چیزی نسبتی نیست.

تفسیر القمی، ج ۲، ص ۷۰ / الکافی، ج ۸، ص ۹۴

تفسیر الصافی، ج ۳، ص ۳۳۸ / الوافی، ج ۲۶، ص ۴۷۰

عن علی ع: لِكُلِّ شَيْءٍ بَدْرٌ وَ بَدْرُ الْعَدَاوَةِ الْمِرَاخُ.

امیرالمومنین (علیه السلام): برای هر چیزی بذر و تخمی است و بذر دشمنی (زیاد) شوخی کردن است.

عیون الحکم و المواعظ (للیثی)، ص ۴۰۲ / غرر الحکم و درر الکلم، ص ۵۴۳

عن علی ع: لِكُلِّ شَيْءٍ بَدْرٌ وَ بَدْرُ الشَّرِّ الشَّرُّ.

امیرالمومنین (علیه السلام): از برای هر چیزی تخمی است و تخم شرّ (یعنی بدی) شره (یعنی غلبه حرص) است. (ترجمه آقا جمال خوانساری)

غرر الحکم و درر الکلم، ص ۵۴۳ / عیون الحکم و المواعظ (للیثی)، ص ۴۰۱

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ شَمُونٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي الْمُقَدَّمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع... أَلَا وَ إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ جَوْهَرًا وَ جَوْهَرُ وُلْدِ آدَمَ مُحَمَّدٌ ص وَ نَحْنُ وَ شِبَعْنَا...

امام صادق (علیه السلام): آگاه باشید که همانا برای هر چیزی یک گوهری است و گوهر فرزندان آدم، محمد (صلی الله علیه و آله) و ما و شیعیان ما هستیم...

الکافی، ج ۸، ص ۲۱۴ / المحاسن، ج ۱، ص ۱۴۳ (عنه عن أبيه عن سعدان بن مسلم عن الحسين بن أبي العلاء قال قال أبو عبد الله)

تفسیر فرات الکوفی، ص ۵۵۰

الأمالي (للطوسي)، ص ۷۲۳ / مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، ص ۹۴ / تأویل الآيات الظاهرة، ص ۲۵۳ / بحار الأنوار، ج ۷، ص ۲۰۴

عنه (احمد بن محمد بن خالد) عن أبيه عن عبد الله بن القاسم عن مدرك بن عبد الرحمن عن أبي عبد الله ع قال قال رسول الله ص: الإسلام عزيان فلباسه الحياء و زينه الوفاء و مؤهته العمل الصالح و عماده الورع و لكل شيء أساس و أساس الإسلام حُبنا أهل البيت.

علیه السلام در مورد علت سفید بودن پر بعضی از پرندگان داشتند با صحابه‌شان بحث می‌کردند با این استدلال که: علت سفیدی پر این کبوتر از سفیده آن تخم آن کبوتر است و بعد حضرت استدلال می‌کردند که آن سفید است و این هم سفید است؛ یعنی منبع را بحث می‌کردند. در بعضی از آیات و روایات دیگر آمده است که همه چیز از آب خلق شده یا در بعضی از روایات دیگر آمده که: جواهر اربعه (آب، باد، آتش و خاک) منشأ و منبع تشکیل همه اشیاء است^{۴۷} یا به صورت ویژه در مورد

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): اسلام، عریان است. پس لباس آن حیاء و زینت آن وفاء و مروت و مردانگی آن عمل صالح و ستون و تکیه‌گاه آن ورع و پاکدامنی است. و برای هر چیزی اساس و پایه‌ای است و اساس اسلام محبت ما اهل بیت است.

المحاسن، ج ۱، ص ۲۸۶ / الکافی، ج ۲، ص ۴۶ / من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۶۴ / الأمالی (للسدوق)، ص ۲۶۸
سند امالی صدوق: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارُ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ يَزِيدَ بْنِ زَيْدٍ عَنْ زَيْدِ بْنِ مَرْوَانَ الْقُنْدِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَعْبُدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ مُبَارَكِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ عَنْ أَبِيهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ

الأمالي (للطوسي)، ص ۸۴

سند امالی طوسی: أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ: أَخْبَرَنَا أَبُو نَصْرِ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ الْبَصِيرِ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ نَصْرِ بْنِ سَعِيدِ الْبَاهِلِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ إِسْحَاقَ التَّهَائِنْدِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ حَمَّادٍ، عَنْ عَمْرِو بْنِ شَمْرٍ، عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ

(عَلَيْهِمُ السَّلَامُ)

تحف العقول، ص ۵۲ / شرح الأخبار في فضائل الأئمة الأطهار عليهم السلام (ابن حيون، ۳۶۳ ق)، ج ۳، ص ۸ / مكارم الأخلاق، ص ۴۳۹ / بشارة المصطفى لشيعه المرتضى، ج ۲، ص ۹۲

سند بشاره المصطفى: أَخْبَرَنَا الشَّيْخُ الرَّئِيسُ الرَّاهِدُ أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ بَابُوَيْهٍ بِالرِّيِّ بِقَرَاءَتِي عَلَيْهِ فِي صَفَرٍ سَنَةِ عَشْرَةِ وَخَمْسِمِائَةٍ قَالَ: حَدَّثَنَا الشَّيْخُ السَّعِيدُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الطُّوسِيِّ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ: أَخْبَرَنَا الشَّيْخُ الْمُفِيدُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ التُّعْمَانِ الْخَارِثِيِّ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ: أَخْبَرَنَا أَبُو نَصْرِ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ الْبَصِيرِ قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ نَصْرِ بْنِ سَعِيدِ الْبَاهِلِيِّ قَالَ: حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ إِسْحَاقَ التَّهَائِنْدِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ حَمَّادٍ

عَنْ عَمْرِو بْنِ شَمْرٍ عَنْ جَابِرِ بْنِ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ

السرائر الحاوي لتحرير الفتاوي (والمستطرفات)، ج ۳، ص ۶۱۹ / مشكاة الأنوار في غرر الأخبار، ص ۸۸

وسائل الشيعة، ج ۱۵، ص ۱۸۴

قال رسول الله ص: **إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ مَعْدَنًا**؛ و معدن التقوى قلوب العارفين.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): هر چیزی را معدنی است که او را آنجا یابند و معدن پرهیزگاری دل خداشناسان است.

شرح فارسی شهاب الأخبار (کلمات قصار پیامبر خاتم) (قضاعی، ۴۵۴ ق)، ص ۳۶۲ / روضة الواعظین و بصيرة المتعظین، ج ۱، ص ۴ / مشكاة الأنوار في غرر الأخبار، ص ۲۵۶

وَ إِنْ مِّنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَ مَا نُنزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ (سوره مبارکه حجر، آیه ۲۱)

و هیچ چیزی نیست مگر آنکه خزانه‌هایش نزد ماست، و آن را جز به اندازه معین نازل نمی‌کنیم.

وَ رَوَى جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ ع لَنَّهُ قَالَ: **فِي الْعَرْشِ تَمَثَّلُ جَمِيعُ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ قَالَ وَ هَذَا تَأْوِيلُ قَوْلِهِ «وَ إِنْ مِّنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ» وَ إِنْ بَيْنَ الْقَائِمَةِ مِنْ قَوَائِمِ الْعَرْشِ وَ الْقَائِمَةِ الثَّانِيَةِ حَفَقَانُ الطَّيْرِ الْمُسْرِعِ مَسِيرَةَ أَلْفِ عَامٍ وَ الْعَرْشُ يُكْسَى كُلَّ يَوْمٍ سَبْعِينَ أَلْفَ لَوْنٍ مِنَ الثُّورِ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَنْظُرَ إِلَيْهِ خَلْقٌ مِنَ خَلْقِ اللَّهِ وَ الْأَشْيَاءُ كُلُّهَا فِي الْعَرْشِ كَحَلْفَةِ فِي فَلَاةٍ ...**

امام باقر (علیه السلام) از پدرش از جدش امام سجاد (علیهما السلام): در عرش تمثال جمیع آنچه خداوند در خشکی و دریا خلق کرده است وجود دارد. و این تاویل قول خداوند است که فرمود: «و هیچ چیزی نیست مگر آنکه خزانه‌هایش نزد ماست» ...

روضة الواعظین (فتال نیشابوری، ۵۰۸ ق)، ج ۱، ص ۴۷

تفسیر الصافی، ج ۳، ص ۱۰۵ / بحار الأنوار، ج ۵۵، ص ۳۶ و ج ۵۶، ص ۳۶۱

۴۷. **ارجاع پژوهشی:** مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ سِنَانٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ ع يَقُولُ: **طَبَائِعُ الْجِسْمِ عَلَى أَرْبَعَةٍ: فَمِنْهَا الْهَوَاءُ الَّذِي لَا تَحْيَا النَّفْسُ إِلَّا بِهِ وَ بِنَسِيمِهِ وَ يُخْرَجُ مَا فِي الْجِسْمِ مِنْ دَاءٍ وَ عُفُونَةٍ، وَ الْأَرْضُ الَّتِي قَدْ تُوَلَّدَ الْيَبْسُ، وَ**

منبع اولیه شکل‌گیری انسان هم آیات داریم هم روایات تفسیری.^{۴۸} به‌هرحال در روایات ما به این سؤال نیز پاسخ دادند که منبع تشکیل اشیاء چیست؟ ببینید فضای بحث را در نظر داشته باشید که می‌خواهیم از آن فضای توصیف‌های پوزیتیویستی عبور کنیم، بعضی‌ها تا اینجا آمدن که می‌گویند: بله باید به توصیف‌های فقهی رجوع کرد؛ حالا یک قدم بحث را آوردیم جلوتر و می‌گوییم: توصیف فقهی لااقل ده شکل توصیف راجع به اشیاء است.

الْحَرَازَةُ وَالطَّعَامُ وَمِنْهُ يَتَوَلَّدُ الدَّمُ؛ أَلَا تَرَى أَنَّهُ يَصِيرُ إِلَى الْمَعْدَةِ فَتَغْذِيهِ حَتَّى يَلِينُ ثُمَّ يَصْفُو فَتَأْخُذُ الطَّبِيعَةُ صَفْوَهُ دَمًا ثُمَّ يَنْحَدِرُ الثُّفْلُ، وَالْمَاءُ وَهُوَ يُؤَلَّدُ الْبَلْغَمَ.

أبو الحسن علیه السلام میفرمود: جسم بر چهار طبیعت استوار است: ۱- هواء که انسان بدون آن و بدون نسیم آن زنده نمی‌ماند و هر درد و عفونتی را از جسم بیرون می‌کند، و ۲- زمین (خاک) که خشکی و بیوست به وجود می‌آورد، و ۳- گرما (آتش) و طعام که خون (دم) به وجود می‌آورد؛ مگر نمی‌بینی که طعام به معده می‌رود و معده از آن تغذیه می‌کند تا اینکه نرم شود و تصفیه گردد سپس طبیعت و قوای بدن برگزیده آن غذا را به شکل خون می‌گیرد و ته‌نشین آن را بیرون ریزد، و ۴- آب که بلغم پدید می‌آورد.

الكافي، ج ۸، ص ۲۳۰

الوافي، ج ۲۶، ص ۵۲۶ / بحار الأنوار، ج ۵۸، ص ۳۰۶

مُحَمَّدٌ (محد بن یحیی) عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ وَالْحَجَّالِ عَنِ الْعَلَاءِ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ قَالَ لِي أَبُو جَعْفَرٍ ع: كَانَ كُلُّ شَيْءٍ مَاءً وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ فَأَمَرَ اللَّهُ عَزَّ ذِكْرَهُ الْمَاءَ فَأَضْطَرَمَّ نَارًا ثُمَّ أَمَرَ النَّارَ فَخَمَدَتْ فَازْتَفَعَّ مِنْ حُمُودِهَا دُخَانٌ فَخَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ مِنْ ذَلِكَ الدُّخَانِ وَخَلَقَ الْأَرْضَ مِنَ الرَّمَادِ ثُمَّ اخْتَصَمَ الْمَاءُ وَالنَّارُ وَالرِّيْحُ فَقَالَ الْمَاءُ أَنَا جُنْدُ اللَّهِ الْأَكْبَرُ وَقَالَتِ الرَّيْحُ أَنَا جُنْدُ اللَّهِ الْأَكْبَرُ وَقَالَتِ النَّارُ أَنَا جُنْدُ اللَّهِ الْأَكْبَرُ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى الرَّيْحِ أَنْتِ جُنْدِي الْأَكْبَرُ.

محمد بن مسلم گوید: امام باقر (علیه السلام) به من فرمود: همه چیز (در ابتدای خلقت) آب بود و عرش خدا نیز بر آب قرار داشت، پس خدای (عز ذکره) آب را فرمان داد به صورت آتشی برافروخته شد، پس به آتش دستور داد خاموش گشت و از خاموشی آن دودی برخاست، و خدا از آن دود آسمان‌ها را آفرید، و از خاکسترش زمین را خلق فرمود، پس میان آب و آتش و باد نزاع در گرفت. آب گفت: منم بزرگترین لشکر خدا، و باد گفت: منم بزرگترین لشکر خدا، و آتش گفت: منم بزرگترین لشکر خدا، پس خداوند به باد وحی کرد که توئی لشکر بزرگ من.

الكافي، ج ۸، ص ۹۵ و ص ۱۵۳

الوافي، ج ۲۶، ص ۴۷۱ / بحار الأنوار، ج ۵۴، ص ۹۸

۴۸. ارجاع بزوهشی: «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشْدَّكُمْ ثُمَّ لِتَكُونُوا شُيُوخًا وَمِنْكُمْ مَنْ يُتَوَفَّى مِنْ قَبْلٍ وَلِتَبْلُغُوا أَجَلًا مُسَمًّى وَلَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (غافر ۶۷)»

او کسی است که شما را از خاک آفرید، سپس از نطفه، سپس از علقه (خون بسته شده)، سپس شما را بصورت طفلی (از شکم مادر) بیرون می‌فرستد، بعد به مرحله کمال قوت خود می‌رسید، و بعد از آن پیر می‌شوید و (در این میان) گروهی از شما پیش از رسیدن به این مرحله می‌میرند و در نهایت به سرآمد عمر خود می‌رسید؛ و شاید تعقل کنید!

توصیف زمان تنزیل و ایجاد اشیاء باز در توصیف‌های فقهی وجود دارد؛ در چه زمانی یک شیء به وجود آمده یا در چه زمانی تنزیل پیدا کرده است. این هم یک نوع توصیف است: زمان‌ها را شارع برای ما توصیف کرده است.^{۴۹}

۲/۳/۱/۴. توصیف
زمان تنزیل و ایجاد
اشیاء؛ چهارمین
توصیف روش
تحقیق مبتنی بر
اشراف

۴۹. **ارجاع پژوهشی:** مُحَمَّدٌ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ التَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ جَعْفَرِ بْنِ أَبِيهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: **لِكُلِّ شَيْءٍ وَجْهٌ وَوَجْهُ دِينِكُمْ الصَّلَاةُ فَلَا يَتَشَبَّهُنَّ أَحَدَكُمْ وَجْهَ دِينِهِ وَ لِكُلِّ شَيْءٍ أَنْفٌ وَأَنْفُ الصَّلَاةِ التَّكْبِيرُ.**

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): برای هر چیزی یک صورت و چهره ای است و صورت و چهره دین شما نماز است پس چهره دینتان را مشوه و زشت نکنید. و برای هر چیزی بین ای (آغازی) است و بینی (آغاز) نماز شما تکبیر است.

الكافي، ج ۳، ص ۲۷۰ / تهذيب الأحكام، ج ۲، ص ۲۳۸

سند تهذيب: عَنْهُ (مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ مَحْبُوبٍ) عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُوسَى بْنِ عَيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ أَبِيهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ

الجعفریات (الأشعبيات)، ص ۳۹

سند جعفریات: أَخْبَرَنَا مُحَمَّدٌ حَدَّثَنِي مُوسَى قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ

مرحوم سید رضی (ره) در تبیین این روایت می‌فرماید:

و هذا القول مجاز، و المراد أنَّ الصلاة يعرف بها جملة الدين، كما أنَّ الوجه يعرف به جملة الإنسان؛ لأنها أظهر العبادات، و أشهر المفروضات، و جعل أنفها التكبير؛ لأنه أول ما يبدو من أشراطها، و يسمع من أذكارها و أركانها.

مراد از این عبارت آن است که: به وسیله نماز، همه دین شناخته می‌شود همانطور که به وسیله وجه و چهره تمام انسان شناخته می‌شود؛ چرا که نماز ظاهرترین عبادات و مشهورترین واجبات است. و انف و بینی نماز را تکبیر قرار داد؛ چرا که تکبیر اولین شرط از شرایط نماز است که آغاز می‌گردد و اولین ذکر و رکن نماز است که شنیده می‌شود.

المجازات النبوية (شريف الرضى، ۴۰۶ ق)، ص ۱۹۹

أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ عَنْ عَمْرِو بْنِ شِمْرٍ عَنْ جَابِرِ بْنِ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: **لِكُلِّ شَيْءٍ رَيْبٌ وَ رَيْبُ الْقُرْآنِ شَهْرُ رَمَضَانَ.**

امام باقر (علیه السلام): برای هر چیزی بهاری است و بهار قرآن ماه رمضان است.

الكافي، ج ۲، ص ۶۳۰ / الأمالي (للصدوق)، ص ۵۹

سند امالی صدوق: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ السَّعْدَابَادِيُّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ عَنْ عَمْرِو بْنِ شِمْرٍ عَنْ جَابِرِ بْنِ أَبِي جَعْفَرٍ

نواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۱۰۳

سند نواب الأعمال: أَبِي رَه قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ السَّعْدَابَادِيُّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ عَنْ عَمْرِو بْنِ شِمْرٍ عَنْ جَابِرِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

معاني الأخبار، ص ۲۲۸

سند معاني الأخبار: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ السَّعْدَابَادِيُّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ الْخَرَّازِ عَنْ عَمْرِو بْنِ شِمْرٍ عَنْ جَابِرِ بْنِ أَبِي جَعْفَرٍ

عن علي ع: **لِكُلِّ شَيْءٍ قُوَّةٌ.**

امیرالمومنین (علیه السلام): برای هر چیزی قوتی است.

تصنيف غرر الحكم و درر الكلم، ص ۱۶۱ / عيون الحكم و المواعظ (للبيهي)، ص ۴۰۱

عن علي ع: **لِكُلِّ شَيْءٍ مَوْتٌ.**

امیرالمومنین (علیه السلام): برای هر چیزی مرگی است.

غرر الحكم و درر الكلم، ص ۵۴۲

۲/۳/۱/۵. توصیف
زینت اشیاء؛ پنجمین
توصیف روش
تحقیق مبتنی بر
اشراف

توصیف زینت اشیاء سرفصل دیگر توصیف‌های فقهی است.^{۵۰} می‌دانید مسئله زینت و هنر
سیاق مسئله ارتباط بین موجودات و زوجیت است؛ یعنی شما در بین اشیاء یک مسئله‌ای دارید،

عن علی ع: لِكُلِّ شَيْءٍ مَوْتٌ.

امیرالمومنین (علیه السلام): برای هر زنده‌ای مرگی است.

تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۱۶۱ / غرر الحکم و درر الکلم، ص ۵۴۲

عن علی ع: لِكُلِّ شَيْءٍ مِنَ الدُّنْيَا انْقِضَاءٌ [وَ فَنَاءٌ].

امیرالمومنین (علیه السلام): برای هر چیزی از دنیا انقضاء و پایانی است.

عیون الحکم و المواعظ (للبیہ)، ص ۴۰۲ / غرر الحکم و درر الکلم، ص ۵۴۲

امیرالمومنین ع: ... فَإِنَّهُ مَنْ مَاتَ مِنْكُمْ عَلَى فِرَاشِهِ وَ هُوَ عَلَى مَعْرِفَةِ حَقِّ رَبِّهِ وَ حَقِّ رَسُولِهِ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ مَاتَ شَهِيداً وَ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى
اللَّهِ وَ اسْتَوْجِبَ ثَوَابَ مَا نَوَى مِنْ صَالِحِ عَمَلِهِ وَ قَامَتِ النَّيَّةُ مَقَامَ إِصْلَاتِهِ لِسِنْفِهِ فَإِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ مُدَّةً وَ أَجْلاً.

امیرالمومنین (علیه السلام): ... هر کدام از شما که بر اساس شناخت خدا و رسولش و اهل بیت پیامبرش در بستر بمیرد شهید از
دنیا رفته، و اجرش بر خداست، و به ثواب عمل صالحی که در نیت داشته می‌رسد، و این نیت جای شمشیر کشیدن او را پر
می‌کند، زیرا هر چیزی را زمان مشخص و مدت معینی است.

نهج البلاغة (للمصباحي صالح)، ص ۲۸۳ (خطبه ۱۹۰)

۵۰. ارجاع پژوهشی: وَ زُوِيَ عَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ ع عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ قَالَ: لِكُلِّ شَيْءٍ عَرُوسٌ وَ عَرُوسُ
الْقُرْآنِ الرَّحْمَنُ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): برای هر چیزی عروسی است و عروس قرآن سوره الرحمن است.

المصباح للكفعمي (جنة الأمان الواقية)، ص ۴۴۶ / مجمع البيان ج ۵ ص ۱۹۵

مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۳۵۱ / تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۲، ص ۵۵۸

قال رسول الله ص: إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ شَرْفًا وَ إِنَّ شَرَفَ الْمَجَالِسِ مَا اسْتَقْبَلَ بِهِ الْقِبْلَةَ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): برای هر چیزی شرافتی است و شرافت مجالس (محل نشستن‌ها) آن است که رو به قبله باشد.

تحف العقول، ص ۲۷

شرح فارسی شهاب الأخبار (کلمات قصار پیامبر خاتم ص) (قضای، ۴۵۴ ق)، متن، ص ۳۶۱

مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۴۰۶ (نقلاً عن الشَّيْخِ جَعْفَرِ بْنِ أَحْمَدَ الْقُمِّيِّ فِي كِتَابِ الْغَائِبَاتِ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ

اللَّهِ

بحار الأنوار، ج ۷، ص ۱۲۸ و ج ۷۲، ص ۴۶۹

عَنْهُ (عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ) عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَعْبُدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ النَّبِيُّ ص: لِكُلِّ
شَيْءٍ حَلِيَّةٌ وَ حَلِيَّةُ الْقُرْآنِ الصَّوْتُ الْحَسَنُ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): برای هر چیزی زینتی است و زینت قرآن صدای زیباست.

الكافي، ج ۲، ص ۶۱۵ / جامع الأخبار (للسعيري)، ص ۴۹ (أَنَّسُ بْنُ مَالِكٍ عَنِ النَّبِيِّ)

الوافي، ج ۹، ص ۱۷۴۰ / تفسیر الصافي، ج ۱، ص ۷۱ / وسائل الشيعة، ج ۶، ص ۲۱۱ / بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۱۹۰ / مستدرک الوسائل،

ج ۴، ص ۲۷۳ / نهج الفصاحة، ص ۶۳۲

[حَبَّرَنَا الشَّيْخُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْعُضَائِرِيُّ، عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ هَارُونَ بْنِ مُوسَى التَّلَعُكْبَرِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ
هَمَّامٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ الْهَمْدَانِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ حَالِدِ الْبَرْقِيِّ] أَبُو قَتَادَةَ، قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ
عَلَيْهِ السَّلَامُ: لِكُلِّ شَيْءٍ حَلِيَّةٌ، وَ حَلِيَّةُ الْحَوَانِ الْبُهْلُ.

امام صادق (علیه السلام): برای هر چیزی زینتی است و زینت سفره‌ها سبزی است.

الأمالی (للطوسی)، ص ۳۰۴ / مکارم الأخلاق، ص ۱۷۶
مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۳۱۶

عن علی ع: لكل شیء حلیة و حلیة المنطق الصدق.

امیرالمومنین (علیه السلام): برای هر چیزی زینتی است و زینت سخن گفتن، صداقت و راستگویی است.

غرر الحکم و درر الکلم، ص: ۵۴۲

و رُوِيَ عَنْ مُقَاتِلِ بْنِ حَبَّانٍ عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع أَنَّهُ قَالَ لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ السُّورَةُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ لَجَبْرَيْلَ: مَا هَذِهِ التَّجْبِرَةُ الَّتِي أَمَرَنِي بِهَا رَبِّي؟ قَالَ لَيْسَتْ بِتَجْبِرَةٍ وَ إِنَّمَا يَأْتُرُكَ إِذَا تَحَرَّمْتَ لِلصَّلَاةِ أَنْ تَفْرَعَ يَدَيْكَ إِذَا كَبَّرْتَ وَ إِذَا رَكَعْتَ وَ إِذَا رَفَعْتَ رَأْسَكَ مِنَ الرُّكُوعِ وَ إِذَا سَجَدْتَ فَإِنَّهُ صَلَاتُكَ وَ صَلَاةُ الْمَلَائِكَةِ فِي السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَ إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ زِينَةً وَ إِنَّ زِينَةَ الصَّلَاةِ رَفْعُ الْأَيْدِي عِنْدَ كُلِّ تَكْبِيرَةٍ.

امام علی علیه السلام: هنگامی که این آیه [از سوره کوثر] بر پیامبر خدا نازل شد: «ما به تو کوثر را بخشیدیم. پس برای پروردگارت نماز بخوان و نحر کن»، پیامبر خدا فرمود: «ای جبرئیل! این قربانی (نحر) که پروردگارت مرا به آن فرمان داده، چیست؟». جبرئیل علیه السلام گفت: آن، فرمان قربانی کردن نیست؛ بلکه دستور می‌دهد که هنگام تکبیر در آغاز نماز و رکوع و سر از رکوع برداشتن، دست‌های خود را بالا ببری؛ چرا که نماز ما و فرشتگان هفت آسمان، چنین است. و همانا برای هر چیزی زینتی است و زینت نماز، بالا بردن دست‌ها در وقت هر تکبیر است.

فقه القرآن (قطب راوندی)، ج ۱، ص ۱۰۷ / عوالمی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، ج ۲، ص ۴۷
تفسیر الصافی، ج ۵، ص ۳۸۳ / وسائل الشیعة، ج ۶، ص ۳۰ / بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۳۵۲

السَّيِّخُ إِتْرَاهِيمُ الْكُفَعْمِيُّ فِي الْجَنَّةِ الْوَأَقِيَّةِ، عَنِ الشَّيْخِ عَزِّ الدِّينِ الْحَسَنِ بْنِ نَاصِرِ بْنِ إِتْرَاهِيمِ الْحَدَّادِ الْعَامِلِيِّ فِي كِتَابِهِ طَرِيقِ النَّجَاةِ الَّذِي اسْتَظْهَرَ صَاحِبُ رِيَاضِ الْعُلَمَاءِ أَنَّهُ بَعِيْنَهُ هُوَ كِتَابُ النَّجَاةِ الَّذِي يَنْفُلُ عَنْهُ الْحَسَنُ بْنُ فَضْلِ الطَّبْرَسِيِّ فِي مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ كَثِيرًا عَنِ الصَّادِقِ ع: ... وَ كَانَ عَلِيٌّ ع إِذَا رَأَى أَحَدًا مِنْ شِيعَتِهِ قَالَ: رَحِمَ اللَّهُ مَنْ قَرَأَ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ. وَ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ... لِكُلِّ شَيْءٍ زِينَةٌ وَ زِينَةُ الْقُرْآنِ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ ... فَأَمِنُوا بِهَا قَبِيلَ وَ مَا الْإِيمَانُ بِهَا قَالَ إِنَّهَا تَكُونُ فِي كُلِّ سَنَةٍ وَ كُلُّ مَا يَنْزِلُ فِيهَا حَقٌّ.

امام صادق (علیه السلام): ... همیشه هرگاه امام علی (علیه السلام) یکی از شیعیان را می‌دیدند می‌فرمودند: خدا رمت کند کسی را که سوره انا انزلناه (سوره قدر) را بخواند. ... هر چیزی زینتی دارد و زینت قرآن سوره قدر است ...

بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۳۳۱ / مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۳۶۳

وَ قَالَ النَّبِيُّ ع: إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ زِينَةً وَ زِينَةُ الْإِسْلَامِ الصَّلَاةُ الْخَمْسُ ...

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): همانا برای هر چیزی زینتی است و زینت اسلام نمازهای پنجگانه است ...

جامع الأخبار (للشعیری)، ص: ۷۳

مُحَمَّدٌ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الثَّوْقَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ ع قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: لِكُلِّ شَيْءٍ وَجْهٌ وَ وَجْهُ دِينِكُمْ الصَّلَاةُ فَلَا يَشِينَنَّ أَحَدُكُمْ وَجْهَ دِينِهِ ...

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): برای هر چیزی صورتی است و صورت دین شما نماز است؛ پس هیچکدام از شما صورت دین خود را زشت نکنند ...

الكافي، ج ۳، ص ۲۷۰ / تهذيب الأحكام، ج ۲، ص ۲۳۸

سند تهذيب: عَنْهُ (مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُوسَى بْنِ عَيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ

الجعفریات (الأشعثيات)، ص ۳۹

سند جعفریات: أَخْبَرَنَا مُحَمَّدٌ حَدَّثَنِي مُوسَى قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ أَبِيهِ ع عَنْ جَدِّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ ع عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ ع عَنْ عَلِيِّ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ

فقه القرآن (قطب راوندی، ۵۷۳ ق)، ج ۱، ص ۷۹ / دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۱۳۳

این که اشیاء باهم مرتبط‌اند چه ارتباط‌های عمیق، چه ارتباط‌های روزمره. در روایت داریم توضیح می‌دهد و می‌گوید: پایه ارتباط زینت است؛ یعنی هر شیئی با یک زینتی اشیای دیگر را به سمت خودش جذب می‌کند. این هم باز در روایات توضیح داده شده؛ مثلاً در روایت توضیح داده شده: زینت مرد ریش مرد است یا یکی از دو زینت زن، موهای زن است.^{۵۱} یعنی یکی از ابزارهایی که زن مرد را به خودش جذب می‌کند، موهایش است؛ بنابراین مکشوف کردن موها چه خواهیم و چه نخواهیم باعث نزدیک شدن ارتباط مرد و زن می‌شود و چالش‌های ارتباط بدون مسئولیت را در جامعه نهادینه می‌کند. پس یک سرفصل نیز در مورد زینت اشیاء است که با هم دیگر بحث کنیم.^{۵۲}

۵۱. **ارجاع پژوهشی:** وَ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ أَنْ يَتَزَوَّجَ فَلْيَسْأَلْ عَنِّ شَعْرَهَا كَمَا يَسْأَلُ عَنِّ وَجْهَهَا فَإِنَّ الشَّعْرَ أَحَدُ الْجَمَالَيْنِ»؛

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: هر گاه یکی از شما بخواهد همسر اختیار کند پس باید بپرسد که موی او چطور است از رنگ و رشد آن جویا باشد همچنان که از سیمایش سؤال می‌کند زیرا موی زن خود یک بخش از دو جمال اوست.

من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۳۸۸ / الأشعثيات، ج ۱، ص ۹۴ / مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۲۰۰ / النوادر (للراوندي)، ج ۱، ص ۱۳ دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۹۶ / الوافي، ج ۲۱، ص ۵۵ / وسائل الشيعة، ج ۲۰، ص ۵۹ / بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۲۳۷ / مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۸۱

«وَمِمَّا أَحَبَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِحَضْرَةِ الْمَأْمُونِ لَصَبَاحِ بْنِ نَصْرِ الْهِنْدِيِّ وَ عِمْرَانَ الصَّابِيِّ عَنِّ مَسَائِلِهِمَا قَالَ عِمْرَانُ الْعَيْنُ نُورٌ مُرَكَّبَةٌ أَمْ الرُّوحُ تُبْصِرُ الْأَشْيَاءَ مِنْ مَنَظَرِهَا قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْعَيْنُ سَحْمَةٌ وَ هُوَ الْبَيَاضُ وَ السَّوَادُ وَ النَّظَرُ لِلرُّوحِ دَلِيلُهُ أَنَّكَ تَنْظُرُ فِيهِ فَتَرَى صُورَتَكَ فِي وَسْطِهِ وَ الْإِنْسَانَ لَا يَرَى صُورَتَهُ إِلَّا فِي مَاءٍ أَوْ مِرَاةٍ وَ مَا أَشْبَهَ ذَلِكَ قَالَ صَبَاحٌ فَإِذَا عَمِيَتِ الْعَيْنُ كَيْفَ صَارَتِ الرُّوحُ قَائِمَةً وَ النَّظَرُ ذَاهِبٌ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَالشَّمْسِ طَالِعَةً يَعْشَاهَا الظُّلَامُ قَالَ أَيْنَ تَذْهَبُ الرُّوحُ قَالَ أَيْنَ يَذْهَبُ النَّوْءُ الْإِنْسَانُ فِي الْكُوَّةِ فِي الْبَيْتِ إِذَا شَدَّتِ الْكُوَّةُ قَالَ أَوْضَحَ لِي ذَلِكَ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ الرُّوحُ مَسْكَنُهَا فِي الدِّمَاغِ وَ شُعَاعُهَا مُنْبَتٌ فِي الْجَسَدِ بِمَنْزِلَةِ الشَّمْسِ دَارُهَا فِي السَّمَاءِ وَ شُعَاعُهَا مُنْبَسِطٌ عَلَى الْأَرْضِ فَإِذَا غَابَتِ الدَّائِرَةُ فَلَا شَمْسَ وَ إِذَا قُطِعَ الرَّأْسُ فَلَا رُوحَ قَالَا فَمَا بَالُ الرَّجُلِ يَلْتَجِي دُونَ الْمَرْأَةِ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ زَيْنَ اللَّهِ الرَّجَالَ بِاللَّحْيِ وَ جَعَلَهَا فَضلاً يُسْتَدَلُّ بِهَا عَلَى الرَّجَالِ مِنَ النِّسَاءِ...»؛

در پاسخ‌های امام رضا علیه السلام بحضور مأمون بضعاب هندی و عمران صابی از پرسش‌هایشان، گفتند: چرا مرد ریش درآورد نه زن؟ فرمود: خدا ریش را زیور مردان نموده و آن را دلیل جدائی مردان از زنان ساخته.

المناقب ج ۴ ص ۳۵۳

بحار الأنوار، ج ۶، ص ۱۱۱

۵۲. **ارجاع پژوهشی:** «فهرست محتوایی جدول فقهی زینت در مقایسه با مکتب هنری فرمالیسم (Formalism) تدوین شده است. پرسش‌های اصلی این جدول فقهی کاربردی به شرح زیر است: پرسش اول: فلسفه هنر و استفاده از زینت‌های متعدد چیست؟ و چه ارتباطی میان هنر و استخدام زینت‌ها و تنظیم روابط انسانی در حوزه‌های سبزه‌گانه وجود دارد؟ (تبیین تفصیلی ادله استخدام زینت در حوزه‌های مختلف زندگی) پرسش دوم: زینت‌های برجسته و مهم مرتبط با تنظیم صحیح روابط انسانی کدام است؟ در ادبیات عمیق انبیاء تأکید ویژه‌ای بر استخدام زینت‌های مشخص با غرض تنظیم صحیح روابط انسانی وجود دارد که در سرفصل دوم مباحث جدول فقهی زینت به تبیین آنها می‌پردازیم. (معرفی ۱۷ زینت شیئی پایه بر اساس روش تحقیق فقهی) شایان ذکر است: جدول فقهی زینت و هنر؛ ششمین جدول مباحث فقه الخلق (توصیف فقهی اشیاء) محسوب می‌شود».

حجت الاسلام علی کشوری، ۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۲، قم، وبگاه فقه نظام

جدول فقهی زینت/ ۱۴۰۲/۰۲/ m-hedayat.blog.ir/

توصیف تغییرات و حرکت‌های متصور برای اشیاء [یکی دیگر توصیفات فقهی اشیاء است]:
 در چه حوزه‌ای اشیاء دچار تحول یا تغییر می‌شوند. تغییر مثبت و منفی برای اشیاء چیست؟ این‌ها
 همه بحث شده است. ۵۳

۲/۳/۱/۶. توصیف
 تغییرات و حرکت‌های
 متصور برای اشیاء؛
 ششمین توصیف
 روش تحقیق مبتنی
 بر اشراف

۵۳. **ارجاع پژوهشی:** أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جُهَيْمٍ الْعَمِّيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضِيلِ بْنِ بَسَّارٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قَالَ فِي الرَّبُوبِيَّةِ الْعُظْمَى وَالْإِلَهِيَّةِ الْكُبْرَى: لَا يَكُونُ الشَّيْءُ لَا مِنْ شَيْءٍ إِلَّا اللَّهُ وَلَا يَنْقَلُ الشَّيْءُ مِنْ جَوْهَرٍ تَبَدُّهُ إِلَى جَوْهَرٍ آخَرَ إِلَّا اللَّهُ وَلَا يَنْقَلُ الشَّيْءُ مِنَ الْوُجُودِ إِلَى الْعَدَمِ إِلَّا اللَّهُ.

عبد الله بن سنان از امام جعفر صادق (علیه السلام) که گفت: آن حضرت در باب ربوبیت عظمی و الهیت کبری فرمود که: کسی غیر از خدا چیزی را نه از چیزی هستی نمی‌دهد و غیر از خدا کسی چیزی را از جوهری که دارد به سوی جوهر دیگر نقل نمی‌کند و کسی نمی‌تواند که چیزی را از هستی به سوی نیستی نقل کند مگر خدا.

التوحيد (للمصدق)، ص ۶۸

بحار الأنوار، ج ۵، ص ۴۶ و ج ۴، ص ۱۴۸ / الفصول المهمة في أصول الأئمة (تكملة الوسائل)، ج ۱، ص ۲۵۶

قال رسول الله ص: **لِكُلِّ شَيْءٍ آفَةٌ** تفسده و آفة هذا الدين ولاة السوء.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): هر چیزی آفتی دارد که مایه فساد آن می‌شود و آفت این دین زمامداران بد هستند.

نهج الفصاحة، ص ۶۳۲

عن علي ع: **لِكُلِّ شَيْءٍ آفَةٌ** وَ آفَةُ الْخَيْرِ قَرِينُ السَّوِّءِ.

امیرالمومنین (علیه السلام): برای هر چیزی آفتی است و آفت خوبی، همراه بد است.

عيون الحكم و المواعظ (للبيهي)، ص ۴۰۲ / غرر الحكم و درر الكلم، ص ۵۴۲ / تصنيف غرر الحكم و درر الكلم، ص ۴۳۱

عَنْهُ (مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى) عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا رَفَعُوهُ قَالُوا قَالَ: **لِكُلِّ شَيْءٍ دَوَاءٌ** وَ دَوَاءُ الذُّنُوبِ الْإِسْتِغْفَارُ.

برای هر چیزی دوائی است و دواء گناهان، استغفار است.

الكافي، ج ۲، ص ۴۳۹

الوافي، ج ۵، ص ۱۰۸۷ / وسائل الشيعة، ج ۱۶، ص ۶۵

قَالَ النَّبِيُّ ص: **إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ دَوَاءً** وَ دَوَاءَ الذَّنْبِ الْإِسْتِغْفَارُ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): همانا برای هر چیزی دوائی است و دواء گناه، استغفار است.

جامع الأخبار (للسعيري)، ص ۵۷

وَ مِنْ دُعَائِهِ (عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا) وَ مِنْ دُعَاءِ بِنَاءِ الْمَدِينَةِ حَوْلَكَ مِنْ كِتَابِ كُنُوزِ التَّجَارِحِ أَيْضاً عَنْ الصَّادِقِينَ ع تَتَّصِبُ قَائِمًا أَوْ سَاجِدًا وَ أَنْتَ طَاهِرٌ وَ تَقُولُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَخْتَجِبُ بِنُورِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ الْجَلِيلِ الْقَدِيمِ الرَّفِيعِ الْعَظِيمِ الْعَلِيِّ الرَّحِيمِ الْقَائِمِ بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ بِأَوْلِي الْعِزْمِ مِنَ الْمُرْسَلِينَ صَلَوَاتِكَ وَ رَحْمَتِكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ وَ بِمَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ رِضْوَانِكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ وَ بِبَيْتِكَ الْمَعْمُورِ وَ بِالسَّبْعِ الْمَثَانِي وَ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ وَ بِكُلِّ مَنْ يَكْرُمُ عَلَيْكَ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ أَجْمَعِينَ لِأَنْفُسِ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ وَ لِأَدْيَانِهِمْ وَ لِجَمِيعِ مَا مَلَكَتْهُمْ وَ تَتَفَضَّلُ بِهِ عَلَيْهِمْ وَ لِأَنْفُسِنَا وَ لِأَدْيَانِنَا وَ لِجَمِيعِ مَا مَلَكَتْنَا وَ تَتَفَضَّلُ بِهِ عَلَيْنَا مِنْ شُرُورِ جَمِيعِ مَا فَضَيْتَ وَ قَدَّرْتَ وَ خَلَقْتَ وَ مِنْ شُرُورِ جَمِيعِ مَا تَقْضِي وَ تَقْدِرُ وَ تَخْلُقُ مَا أَحْيَيْتَنَا وَ بَعَدَ وَ قَاتَبَ بِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ اللَّهُ الصَّمَدُ لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ كَذَلِكَ اللَّهُ رَبُّنَا عَنْ فَوْقِهِمْ وَ عَنْ فَوْقِنَا ثُمَّ تَقْرَأُ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ هَكَذَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ كَذَلِكَ أَيْضاً وَ تَقُولُ عَنْ أَيْمَانِهِمْ وَ عَنْ أَيْمَانِنَا ثُمَّ تَقْرَأُ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ كَذَلِكَ أَيْضاً وَ تَقُولُ عَنْ حَوَالِيهِمْ وَ عَنْ حَوَالِينَا عِصْمَةً وَ حِصْنًا وَ حِزْزًا لَهُمْ وَ لَنَا مِنْ كُلِّ سُوءٍ مَسْنَا وَ ضُرٌّ وَ مَكْرُوهٌ وَ مَخُوفٌ وَ مَحْذُورٌ وَ شَقَاءٌ مَا عَشْنَا وَ بَعْدَ مَمَاتِنَا بِقُدْرَةِ رَبِّنَا إِنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَ **لِكُلِّ شَيْءٍ حَفِيفٌ** وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَجْمَعِينَ.

المجتبى من الدعاء المجتبى (ابن طاووس، ۶۴۴ ق)، ص ۲۴

المصباح للكفعمي (جنة الأمان الواقية)، ص ۲۴۴

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ مَا أُرْسِلْتُ بِهِ إِلَيْكُمْ وَيَسْتَخْلِفُ رَبِّي قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّونَهُ شَيْئًا إِنَّ رَبِّي عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ (سوره مبارکه هود، آیه ۵۷)

پس اگر روی [از حق] برگردانید [زیانش متوجه خود شماست] یقیناً آنچه را که من برای آن به سوی شما فرستاده شده‌ام به شما ابلاغ کردم، و پروردگارم گروهی غیر از شما را جایگزین [شما] خواهد کرد، و نمی‌توانید هیچ زبانی به او رسانید زیرا پروردگارم بر همه چیز نگهبان است.

وَمَا كَانَ لَهُ عَلَيْهِمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يُوْمِنُ بِالْآخِرَةِ مِمَّنْ هُوَ مِنْهَا فِي شَكٍّ وَ رَبُّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ (سوره مبارکه سبأ، آیه ۲۱)

و ابلیس را بر آنان [در اینکه فرمان بردارشان کند] هیچ تسلطی نبود [جز وسوسه کردن باز بودن راه وسوسه بر او هیچ سببی نداشت] مگر اینکه می‌خواستیم کسانی را که به آخرت ایمان دارند از آنان که درباره آن در تردیدند مشخص کنیم و پروردگارت بر هر چیزی نگهبان است.

در برخی از روایات، از عبارت "حافظ" نیز استفاده شده است:

مُحَمَّدٌ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى جَمِيعاً رَفَعَاهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع: أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع اسْتَنْهَضَ النَّاسَ فِي حَرْبِ مُعَاوِيَةَ فِي الْمَرَّةِ الثَّانِيَةِ فَلَمَّا حَسَدَ النَّاسُ قَامَ حَطِيبًا فَقَالَ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْأَحَدِ الصَّمَدِ الْمُتَقَرِّدِ الَّذِي لَا مِنْ شَيْءٍ كَانَ وَلَا مِنْ شَيْءٍ خَلَقَ ... وَ الْوَاصِفُونَ لَا يَتَلَعُونَ نَعْتَهُ حَدَّ الْأَشْيَاءِ كُلَّهَا عِنْدَ خَلْقِهِ إِثَاهَا إِبَانَةٌ لَهَا مِنْ شَبْهِهِ وَ إِبَانَةٌ لَهُ مِنْ شَبْهِهَا فَلَمْ يَخْلُلْ فِيهَا فَيَقَالَ هُوَ فِيهَا كَائِنٌ وَ لَمْ يَأْثُرْ عَنْهَا فَيَقَالَ هُوَ مِنْهَا بَائِنٌ وَ لَمْ يَخْلُ مِنْهَا فَيَقَالَ لَهُ أَيْنَ لَكِنَّهُ شَبَّحَانَهُ أَحَاطَ بِهَا عِلْمُهُ وَ اتَّقَنَهَا صُنْعُهُ وَ أَحْصَاهَا حِفْظُهُ لَمْ يَعْزُبْ عَنْهُ حَفِيَّاتُ غُيُوبِ الْهَوَى وَ لَا عَوَامِضُ مَكْنُونِ ظَلَمِ الدُّجَى وَ لَا مَا فِي السَّمَاوَاتِ الْعُلَى وَ الْأَرْضِينَ السُّفْلَى لِكُلِّ شَيْءٍ مِنْهَا حَافِظٌ وَ رَقِيبٌ...»

امام صادق (علیه السلام): امیرالمومنین (علیه السلام) مردم را امر فرمود که مهبای جنگ معاویه شوید در نوبت دویم و ایشان را در این باب ترغیب و تحریص نمود پس چون مردم فراهم آمدند برخاست و خطبه اداء فرمود و فرمود که: «سیاس و ستایش خدائی را سزد که یکیست و یگانه و پناه نیازمندان و متفرد و تنهاست که نه از چیزی بوده و نه از چیزی آفریده... وصف کنندگان بصفت او نمیرسند همه چیز را در آن هنگام که آفرید جدا جدا آفرید تا بر ایشان ظاهر سازد که باو شباهتی ندارند و آن جناب بایشان شباهتی ندارد پس در آنها حلول نکرده تا توان گفت که آن جناب در آنهاست و از آنها دور نشده تا توان گفت که از آنها جدا است و از آنها خالی نیست تا توان گفت که در کجا است لیکن خدای سبحانه علمش بهمه اینها احاطه نموده و ساختنش آنها را استوار فرموده و منتظم ساخته بر وجهی که سزد و شاید بر وفق مصلحت و حکمت و محافظتشان آنها را شمرده و ضبط نموده و غیبها که در هوا پوشیده و پنهانست و آنچه غایت و پوشیدگی دارد و در تاریکیهای بسیار تاریک میباید از او دور و پوشیده نیست و همچنین بر او پوشیده نیست آنچه در آسمانهای برتر است تا زمینهای پست تر و از برای هر چیزی نگاه‌دارنده و نگهبانی را قرار داده...»

الكافي، ج ۱، ص ۱۳۵ / التوحيد (للصدوق)، ص ۴۲

سند توحيد: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِمْرَانَ الدَّقَاقِي رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيُّ وَ أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا الْقَطَّانُ عَنْ بَكْرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَبِيبٍ عَنْ تَمِيمِ بْنِ بَهْلُولٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي مُعَاوِيَةَ عَنِ الْحُصَيْنِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ ع أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع اسْتَنْهَضَ النَّاسَ...
الغارات (ابو هلال تقي، ۲۸۳ ق)، ج ۱، ص ۹۹ (با تفاوت)
الوافي، ج ۱، ص ۴۲۸ / بحار الأنوار، ج ۴، ص ۲۷۰

عليه بن إبراهيم عن أبيه عن النوفلي عن السكوني عن أبي عبد الله ع قال: لكل شيء حُرْمَةٌ وَ حُرْمَةُ الْبَهَائِمِ فِي وُجُوهِهَا.

امام صادق (علیه السلام): برای هر چیزی احترام و حرمتی است و حرمت چهارپایان در صورت آنهاست.

الكافي، ج ۶، ص ۵۳۹ / من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۲۸۸ / المحاسن، ج ۲، ص ۶۳۲ (عن أبيه عن عبد الله بن المغيرة و محمد بن سنان عن طلحة بن زيد عن أبي عبد الله)

۲/۳/۱/۷. توصیف
معیارهای طبقه‌بندی
و وزن‌دهی به اشیاء؛
هفتمین توصیف
روش تحقیق مبتنی
بر اشراف

توصیف معیارهای طبقه‌بندی و وزن‌دهی به اشیاء. ما می‌دانیم خدا موجودات برابر خلق نکرده؛ بلکه خدای متعال همه موجوداتش متفاوت‌اند. وقتی فرض تفاوت در خلقت را می‌گذاریم لازمه‌اش فرض وزن‌دهی به موجودات مختلف نیز است. معیار وزن‌دهی به موجودات مختلف چیست؟ اینها در آیات و روایات بحث شده است. شما می‌دانید هم بین انواع خلقت تفاوت است و هم بین سطوح یک نوع از خلقت تفاوت است. مثلاً فرض بفرمایید خدای یک نوع موجود به اسم میوه خلق کرد؛ بین موجودی به اسم میوه و موجودی به اسم انسان در ظرفیت و قدر تفاوت است. ظرفیت انسان از ظرفیت این میوه‌ها بالاتر است. حالا در بین سطوح انواع هم اختلاف هست؛ مثلاً در روایت است: «الرُّمَانُ سَيِّدُ الْفَوَاكِهِ»، خدا ۱۲۰ نوع میوه خوردنی طبق روایات خلق کرده است. سید و برترین میوه، میوه انار است^{۵۴} یا در روایات هست که رسول‌الله فرمودند: «سید الأنام أنا» پیغمبر فرمودند: «سید ابناء بشر من هستم».^{۵۵} خدا مجموعه‌ای از موجودات به اسم

مکارم الأخلاق، ص ۲۶۳ / وسائل الشیعة، ج ۱۱، ص ۴۸۴

۵۴. **ارجاع پژوهشی:** عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: **الْفَاكِهَةُ مِائَةٌ وَعِشْرُونَ لُونًا سَيِّدَهَا الرُّمَانُ.**

امام صادق (علیه السلام): میوه، صد و بیست گونه است و سید همه آنها، انار است.

الكافي، ج ۶، ص ۳۵۲ / المحاسن، ج ۲، ص ۵۳۹ (عنه) احمد بن محمد بن خالد) عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ

الوافي، ج ۱۹، ص ۳۸۹ / هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج ۸، ص ۱۶۱ / وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۱۵۲ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۱۵۶

عنه (احمد بن محمد بن خالد) عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ ع أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ: **الرُّمَانُ سَيِّدُ الْفَاكِهَةِ وَ مَنْ أَكَلَ رُمَّانَهُ أَغْضَبَ شَيْطَانَهُ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا وَ رَوَاهُ عَنْ خَلَادِ بْنِ خَالِدٍ الْمُقْرِي عَنْ قَيْسٍ.**

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: انار، سید همه میوه‌هاست و هر کس يك انار بخورد، چهل صبح، شیطان خویش را به خشم می‌آورد.

المحاسن، ج ۲، ص ۵۴۵ / مکارم الأخلاق، ص ۱۷۱

وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۱۵۴ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۱۶۳

زَوَى: **الرُّمَانُ سَيِّدُ الْفَوَاكِهِ وَ كَانَ أَحَبَّ الثَّمَارِ إِلَى النَّبِيِّ.**

روایت شده است که: انار سید میوه‌هاست و محبوب‌ترین میوه‌ها نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود.

بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۲۸۳

۵۵. **ارجاع پژوهشی:** حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ الطَّلَقَانِي رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الْعَزِيزِ بْنُ يَحْيَى الْجَلُودِيُّ بِالْبَصْرَةِ قَالَ حَدَّثَنِي الْمُغِيرَةُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنَا رَجَاءُ بْنُ سَلَمَةَ عَنْ عَمْرٍو بْنِ شِمْرٍ عَنْ جَابِرِ الْجَعْفِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ: «خَطَبَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ بِالْكُوفَةِ بَعْدَ مُنْصَرَفِهِ مِنَ النَّهْرِ وَانْ بَلَغَهُ أَنَّ مُعَاوِيَةَ يَسُبُّهُ وَ يَلْعَنُهُ وَ يَقْتُلُ أَصْحَابَهُ فَقَامَ خَطِيبًا فَحَمِدَ اللَّهَ وَ أَثْنَى عَلَيْهِ وَ صَلَّى عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ ذَكَرَ مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَى نَبِيِّهِ وَ عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ: ... صَهْرُ خَيْرِ الْأَنْامِ أَنَا ...»؛

انسان خلق کرده است؛ ولی برترینش نبی مکرم اسلام است. یا در آیه می فرماید: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ (حجرات ۱۳)» قاعده هم وزن دهی رعایت و تقوای نسبت به حقیقت بزرگ الله است. پس این هم یک سرفصل بحث.^{۵۶}

امام پنجم حضرت باقر علیه السلام فرمود: پس از آنکه (در سال سی و نه آتش جنگ با مارقین (خوارج) به سردمداری ذوالثدیة و گروهی از خوارج در نهر وان که ناحیه وسیعی بین واسط و بغداد بود فرو نشست) امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام به شهر کوفه بازگشت در این هنگام به او گزارش دادند که معاویه با گستاخی و بی شرمی به دشنام دادن و لعن وی پرداخته و خنجر بیداد او رشته زندگانی دوستان علی علیه السلام را بریده است، حضرت به سخنرانی پرداخت و خطبه ای ایراد کرد. پس از حمد و شای الهی و تثار درود بر پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و بیان شمه ای از نعمتهایی که خداوند بر پیغمبر و او علیهما السلام ارزانی داشت، چنین فرمود: و منم داماد بهترین مردم.

معانی الأخبار، ج ۱، ص ۵۸ / بشارة المصطفی (ص)، ج ۱، ص ۱۲ / المحتضر، ج ۱، ص ۸۳
بحار الأنوار، ج ۳۳، ص ۲۸۲ / تفسیر نور الثقلین، ج ۵، ص ۵۹۸ / تفسیر کنز الدقائق، ج ۱۴، ص ۳۲۴

۵۶. ارجاع پژوهشی: ... وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا * وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَ مَنْ يَتَّكِلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا (سوره مبارکه طلاق، آیات ۲ و ۳)
و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می کند، * و او را از جایی که گمان ندارد روزی می دهد و هر کس بر خدا توکل کند، کفایت امرش را می کند خداوند فرمان خود را به انجام می رساند و خدا برای هر چیزی اندازه ای قرار داده است!

عن علی ع: جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا وَ لِكُلِّ قَدْرٍ أَجَلًا.

امیرالمؤمنین (علیه السلام): خداوند برای هر چیزی اندازه ای قرار داده و برای هر اندازه ای اجل و زمانی.

عیون الحکم و المواعظ (للشی)، ص ۲۲۳ / غرر الحکم و درر الکلم، ص ۳۴۰

حُمَيْدُ بْنُ زَيْدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ لُبَّانٍ عَنِ ابْنِ الْمُنْذِرِ قَالَ: ذُكِرَتْ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع الْوَحْشَةُ فَقَالَ أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِشَيْءٍ إِذَا قُلْتُمُوهُ لَمْ تَسْتَوْحِشُوا لَيْلٍ وَ لَا نَهَارٍ: «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ وَ أَنَّهُ مَنْ يَتَّكِلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِي كَنَفِكَ وَ فِي جِوَارِكِ وَ اجْعَلْنِي فِي أَمَلِكَ وَ فِي مَنْعِكَ» فَقَالَ: بَلَّغْنَا أَنَّ رَجُلًا قَالَهَا ثَلَاثِينَ سَنَةً وَ تَرَكَهَا لَيْلَةً فَلَسَعَتْهُ عَقْرَبٌ.

الكافي، ج ۲، ص ۵۶۸ / الوافي، ج ۹، ص ۱۶۴۵

السَّيِّحُ إِبرَاهِيمُ الْكُفَّعِيُّ فِي الْجَنَّةِ الْوَاقِيَةِ، عَنِ الشَّيْخِ عَزِّ الدِّينِ الْحَسَنِ بْنِ نَاصِرِ بْنِ إِبرَاهِيمَ الْحَدَّادِ الْعَامِلِيِّ فِي كِتَابِهِ طَرِيقَ النَّجَاةِ الَّذِي اسْتَظَّهَرَ صَاحِبُ رِيَاضِ الْعُلَمَاءِ أَنَّهُ بَعَثَهُ هُوَ كِتَابَ النَّجَاةِ الَّذِي يُثْقَلُ عَنْهُ الْحَسَنُ بْنُ فَضْلِ الطَّبْرِيِّ فِي مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ كَثِيرًا عَنِ الصَّادِقِ ع: ... وَ كَانَ عَلِيٌّ ع إِذَا رَأَى أَحَدًا مِنْ شِيعَتِهِ قَالَ: رَجِمَ اللَّهُ مَنْ قَرَأَ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ. وَ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ... وَ لِكُلِّ شَيْءٍ سَيِّدٌ وَ سَيِّدُ الْقُرْآنِ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ ... فَأَمِنُوا بِهَا قِيلَ وَ مَا الْإِيمَانُ بِهَا قَالَ إِنَّهَا تَكُونُ فِي كُلِّ سَنَةٍ وَ كُلُّ مَا يَنْزِلُ فِيهَا حَقٌّ.

امام صادق (علیه السلام): امیرالمؤمنین (علیه السلام) هر گاه یکی از شیعیان را می دیدن، می فرمودند: خداوند رحمت کند کسی را که سوره قدر را بخواند... برای هر چیزی سید و آقایی است و سید قرآن سوره قدر است ...

بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۳۳۱ / مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۳۶۳

عَلِيٌّ بْنُ إِبرَاهِيمَ عَنِ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي الْمُقَدَّمِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع ... أَلَا وَ إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ سَيِّدًا وَ سَيِّدَ الْمَجَالِسِ مَجَالِسِ الشَّيْخَةِ ...

الكافي، ج ۸، ص ۲۱۳

الأمالي (للصدوق)، ص ۶۲۶

سند امالی: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَبَانَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ فضائل الشيعة (ابن بابويه، محمد بن علی، ۳۸۱ ق)، ص ۱۰

سند فضائل الشيعة: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْوَهَّابِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ حُمَرَانَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ الصَّادِقِ الْأَمَالِيِّ (للطوسي)، ص ۷۲۲

وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ صَالِحٍ، عَنْ سَلَامِ الْحَنَاطِ، عَنْ هَاشِمِ بْنِ سَعِيدٍ، وَ سَلِيمَانَ الدَّبَلِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، روضة الواعظين و بصيرة المتعظين، ج ۲، ص ۲۹۵

تفسير فرات الكوفي، ص ۵۵۰ / بحار الأنوار، ج ۷، ص ۲۰۴

مشكاة الأنوار في غرر الأخبار، ص ۹۲

تأويل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة، ص ۷۶۱

بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۸۰ و ص ۱۴۷ و ص ۶۵

بشارة المصطفى لشيعة المرتضى، ج ۲، ص ۱۴ / بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۴۴

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْوَلِيدِ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع وَ أَبِي الْحَسَنِ ع قَالَ: **لِكُلِّ شَيْءٍ سَيِّدٌ وَ سَيِّدُ الْبُثُولِ الْكُرْثُ**.
امام صادق و موسی بن جعفر (علیهما السلام): برای هر چیزی سید و آقای است و "تره" سید و آقای سبزی‌هاست.

المحاسن، ج ۲، ص ۵۱۰ / مکارم الأخلاق، ص ۱۷۸ (عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ)
وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص ۱۹۱ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۰۱

وَ عَنْهُ ص أَنَّ **لِكُلِّ شَيْءٍ سَنَامًا وَ سَنَامَ الْقُرْآنِ سُورَةُ الْبَقَرَةِ وَ مَنْ قَرَأَهَا فِي بَيْتِهِ نَهَارًا لَمْ يَدْخُلْهُ شَيْطَانٌ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ وَ مَنْ قَرَأَهَا فِي بَيْتِهِ لَيْلًا لَمْ يَدْخُلْهُ شَيْطَانٌ ثَلَاثَ لَيَالٍ**.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): همانا برای هر چیزی سنامی (کوهان، قله) است و سنام قرآن سوره بقره است ...

المصباح للكفعمي (جنة الأمان الواقعة)، ص ۴۳۸

عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي الْمُقَدَّمِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ ... **أَلَا وَإِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ ذُرْوَةً وَ ذُرْوَةَ الْإِسْلَامِ الشَّيْعَةُ** ...

امام صادق (علیه السلام): ... همانا برای هر چیزی اوج و قله ای است و اوج و قله اسلام، شیعه است ...

الكافي، ج ۸، ص ۲۱۳ / الأمالي (للمصدق)، ص ۶۲۶

سند امالی صدوق: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَبَانَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ فضائل الشيعة (ابن بابويه، محمد بن علی، ۳۸۱ ق)، ص ۱۰ (سند فضائل الشيعة: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْوَهَّابِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ حُمَرَانَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ الصَّادِقِ الْأَمَالِيِّ (للطوسي)، ص ۷۲۲ (وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ صَالِحٍ، عَنْ سَلَامِ الْحَنَاطِ، عَنْ هَاشِمِ بْنِ سَعِيدٍ، وَ سَلِيمَانَ الدَّبَلِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ))

روضة الواعظين و بصيرة المتعظين، ج ۲، ص ۲۹۵

مشكاة الأنوار في غرر الأخبار، ص ۹۲ / تأويل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة، ص ۷۶۱ / بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۸۰ و ص ۱۴۷ و ص ۶۵

وَ رُوِيَ [أَنَّ] **لِكُلِّ شَيْءٍ ذُرْوَةً وَ ذُرْوَةَ الْقُرْآنِ آيَةُ الْكُرْسِيِّ**. وَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع: **إِنِّي لَأَسْتَعِينُ بِهَا عَلَى صُعُودِ الدَّرَجَةِ**.

روایت شده است که: برای هر چیزی اوج و قله ای است و اوج قرآن آیت الکرسی است. و امام باقر (علیه السلام) فرمود: همانا من به وسیله آیت الکرسی بر صعود درجه کمک می‌گیرم.

الدعوات (للراوندي)، ص ۲۱۷

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ الْخُنَعَمِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْحَجَرِيِّ عَنْ عَمْرِو بْنِ صَخْرٍ الْهَدَلِيِّ عَنِ الصَّبَّاحِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ عَنِ الْحَارِثِ عَنْ عَلِيِّ ع أَنَّهُ قَالَ: **لِكُلِّ شَيْءٍ ذُرْوَةٌ وَ ذُرْوَةُ الْجَنَّةِ جَنَّةُ الْفِرْدَوْسِ وَ هِيَ لِمُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ** ص.

امیرالمومنین (علیه السلام): برای هر چیزی اوج و قله‌ای است و اوج بهشت، بهشت فردوس است و آن برای محمد و آل محمد (علیهم السلام) است.

تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة، ص ۲۹۱

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: [إِنَّ الشَّيَاطِينَ يَقُولُونَ]: إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ ذُرْوَةً وَ ذُرْوَةُ الْقُرْآنِ آيَةُ الْكُرْسِيِّ - مَنْ قَرَأَ آيَةَ الْكُرْسِيِّ مَرَّةً صَرَفَ اللَّهُ عَنْهُ أَلْفَ مَكْرُوهٍ مِنْ مَكَارِهِ الدُّنْيَا وَ أَلْفَ مَكْرُوهٍ مِنْ مَكَارِهِ الْآخِرَةِ أَيْسَرُ مَكْرُوهِ الدُّنْيَا الْفَقْرُ وَ أَيْسَرُ مَكْرُوهِ الْآخِرَةِ عَذَابُ الْقَبْرِ وَ إِنِّي لَأَسْتَعِينُ بِهَا عَلَى صُعودِ الدَّرَجَةِ.

امام صادق (علیه السلام): [همانا شیاطین می‌گویند: همانا برای هر چیزی یک اوج و قله‌ای است و اوج قرآن آیت الکرسی است. هر کس آن را یک مرتبه بخواند، خداوند هزار سختی از سختی‌های دنیا و هزار سختی از سختی‌های آخرت را از او برمی‌گرداند که راحت‌ترین آنها در دنیا، فقر و راحت‌ترین آنها در آخرت، عذاب قبر است. و همانا من به وسیله آیت الکرسی برای صعود درجه کمک می‌گیرم.

تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۳۶

وسائل الشیعة، ج ۱۱، ص ۳۹۶

قَالَ عَلِيُّ ع: لِكُلِّ شَيْءٍ قِيَمَةٌ وَ قِيَمَةُ الْمَرْءِ مَا يُحْسِنُهُ.

امیرالمومنین (علیه السلام): برای هر چیزی قیمت و ارزشی است و ارزش انسان به آن چیزی است که او را نیکو کند.

بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۴۸

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ [الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ] رِبَاطٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ النَّبِيُّ ص لِسَعْدِ بْنِ عُبَادَةَ إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ حَدًّا وَ جَعَلَ عَلَى كُلِّ مَنْ تَعَدَّى حَدًّا مِنْ حُدُودِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ حَدًّا وَ جَعَلَ مَا دُونَ الْأَرْبَعَةِ الشُّهَدَاءِ مَسْتَوْرًا عَلَى الْمُسْلِمِينَ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به سعد بن عباده فرمود: همانا خداوند برای هر چیزی یک حدی قرار داده است و برای هر کسی که از آن حد تعدی کند نیز حدی دیگر ...

الکافی، ج ۷، ص ۱۷۴

وسائل الشیعة، ج ۲۹، ص ۱۳۵

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ حَدًّا وَ مَنْ تَعَدَّى ذَلِكَ الْحَدَّ كَانَ لَهُ حَدٌّ.

امام صادق (علیه السلام): همانا برای هر چیزی یک حدی است و برای هر کسی که از آن حد تعدی کند نیز حدی است.

الکافی، ج ۷، ص ۱۷۴

وسائل الشیعة، ج ۲۸، ص ۱۷

عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْفَضْلِ التَّوْفَلِيِّ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ يُونُسَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ ع وَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ وَ قَدْ أَتَيْتَنَا بِالطَّعَامِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ حَدًّا فَلَمَّا مَا حُدَّ هَذَا الطَّعَامُ إِذَا وَضِعَ وَ مَا حُدَّهُ إِذَا رُفِعَ فَقَالَ حَدُّهُ إِذَا وَضِعَ أَنْ يُسْمَى عَلَيْهِ وَ إِذَا رُفِعَ يُحْمَدُ اللَّهُ عَلَيْهِ.

فضل بن یونس گوید: از حضرت ابوالحسن (علیه السلام) شنیدم در حالیکه غذایی برای ما آورده شد که می‌فرمود: خدا را شکر که برای هر چیزی حدی قرار داده است. گفتیم: حد این طعام - وقتی گذارده شود و وقتی برداشته شود - چیست؟ فرمود: حدش در وقتی که گذارده شود این است که بر آن نام خدا برده شود، و وقتی برداشته شود نیز شکر خدا بر آن شود.

المحاسن، ج ۲، ص ۴۳۱

۲/۳/۱/۸. توصیف
حمایت‌های ربوبی
و امری از اشیاء؛
هشتمین توصیف
روش تحقیق مبتنی
بر اشراف

سرفصل هشتم توصیف حمایت‌های ربوبی و امری از اشیاء است؛ سؤالش این است که خدا چند نوع حمایت و از اشیاء کرده است. بعضی می‌پندارند خدا مهندس بازنشسته است و خدا دنیا را رها کرده است. در روایات ما ساختار حمایت‌های الهی از اشیاء بحث شده است. از جمله ساختار حمایت وحی از اشیاء: خدای متعال به موجودات وحی می‌کند و این اختصاصی به پیامبران ندارد؛ بلکه وحی از ناحیه جبرائیل با موضوع کتاب اختصاص به انبیا دارد. اما یک وحی‌های اختصاصی است که به همه موجودات وحی می‌کند؛ یعنی خدای متعال الهام هدایت آفرین برای همه موجودات دارد (خیر و شر آن‌ها را به آن‌ها القا می‌کند).^{۵۷} حمایت‌های دیگر مثل

حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْمُذَرِّبِ عَنْ عُمَرَ بْنِ قَيْسِ الْمَاصِرِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَدَعْ شَيْئًا يَخْتَاجُ إِلَيْهِ الْأُمَّةُ إِلَّا أَنْزَلَهُ فِي كِتَابِهِ وَبَيَّنَّهُ لِرَسُولِهِ وَجَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ حَدًّا وَجَعَلَ عَلَيْهِ دَلِيلًا يَدُلُّ عَلَيْهِ.

امام باقر (علیه السلام): همانا خداوند تبارک و تعالی هیچ چیزی که امت به آن تا روز قیامت نیاز دارند را رها نکرده مگر اینکه در کتاب فرو فرستاده و آن را برای رسولش تبیین کرده است و برای هر چیزی حدی قرار داده و برای هر حدی نیز دلیل و راهنمایی قرار داده است.

بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم، ج ۱، ص ۶

عَلَيْهِ بُنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ حُسَيْنِ بْنِ الْمُذَرِّبِ عَنْ عُمَرَ بْنِ قَيْسِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يَدَعْ شَيْئًا يَخْتَاجُ إِلَيْهِ الْأُمَّةُ إِلَّا أَنْزَلَهُ فِي كِتَابِهِ وَبَيَّنَّهُ لِرَسُولِهِ ص وَجَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ حَدًّا وَجَعَلَ عَلَيْهِ دَلِيلًا يَدُلُّ عَلَيْهِ وَجَعَلَ عَلَى مَنْ تَعَدَّى ذَلِكَ الْحَدَّ حَدًّا.

امام باقر (علیه السلام): همانا خداوند تبارک و تعالی هیچ چیزی که امت به آن نیاز دارند را رها نکرده مگر اینکه در کتاب فرو فرستاده و آن را برای رسولش تبیین کرده است و برای هر چیزی حدی قرار داده و برای هر حدی نیز دلیل و راهنمایی قرار داده است و برای هر کسی که از آن حد تعدی کند نیز حدی مشخص نموده است.

الكافي، ج ۱، ص ۵۹

تفسير العياشي، ج ۱، ص ۶

عَنْهُ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي سَلَمَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ أَبِي آتَاهُ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ع يَسْتَأْذِنُ لِعَمْرٍو بْنِ عَبِيدٍ وَوَاصِلِ مَوْلَى هُبَيْرَةَ وَبَنِيهِ الرَّحَالِ فَأَذِنَ لَهُمْ فَدَخَلُوا عَلَيْهِ فَجَلَسُوا فَقَالُوا يَا بَا جَعْفَرٍ إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ حَدًّا يَنْتَهِي إِلَيْهِ فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع نَعَمْ إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ حَدًّا يَنْتَهِي إِلَيْهِ وَ مَا مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَ لَهُ حَدٌّ قَالَ فَاتِي بِالْخِوَانِ فَوَضَعَ فَقَالُوا فِيمَا بَيْنَهُمْ قَدْ وَ اللَّهُ اسْتَمَكْنَا مِنْ أَبِي جَعْفَرٍ فَقَالُوا يَا بَا جَعْفَرٍ إِنَّ هَذَا الْخِوَانُ مِنَ الشَّيْءِ هُوَ قَالَ نَعَمْ قَالُوا فَمَا حُدُّهُ قَالَ حُدُّهُ إِذَا وَضَعَ الرَّجُلُ يَدَهُ قَالَ بِسْمِ اللَّهِ وَ إِذَا رَفَعَهَا قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ يَأْكُلُ كُلُّ إِنْسَانٍ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ لَا يَسْتَأْوِلُ مِنْ قَدَامِ الْآخِرِ قَالَ وَ دَعَا أَبُو جَعْفَرٍ ع بِمَاءٍ يَشْرَبُونَ فَقَالُوا يَا بَا جَعْفَرٍ هَذَا الْكُوزُ مِنَ الشَّيْءِ قَالَ نَعَمْ قَالُوا فَمَا حُدُّهُ قَالَ حُدُّهُ أَنْ يَشْرَبَ مِنْ شَفْتِهِ الْوُسْطَى وَ يُذَكَّرَ اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ لَا يَشْرَبَ مِنْ أَدْنِ الْكُوزِ فَإِنَّهُ مَشْرَبُ الشَّيْطَانِ وَ يَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي سَقَانِي عَذْبًا فَرَاتًا وَ لَمْ يَجْعَلْهُ مِلْحًا أَجَاجًا بَدُونِي.

المحاسن، ج ۲، ص ۴۴۸

وسائل الشيعة، ج ۲۴، ص ۳۷۰

۵۷. ارجاع پژوهشی: «وَأَوْحَى رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنْ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ (نحل ۶۸)»

و پروردگارت به زنبور عسل الهام کرد که از کوه‌ها و درختان و آنچه [از دار بست‌هایی] که [مردم] بر می‌افرازند، برای خود خانه‌هایی برگیر.

«وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ فَإِذَا خِفْتِ عَلَيْهِ فَأَلْقِيهِ فِي الْيَمِّ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكَ وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ
(قصص ۷)»

و به مادر موسی وحی کردیم که: «او را شیر ده، و چون بر او بیمناک شدی او را در نیل بینداز، و مترس و اندوه مدار که ما او را به تو بازمی گردانیم و از [زمره] پیمبرانش قرار می دهیم.»

«وَهَدَيْنَاهَا النَّجْدَيْنِ (بلد ۱۰)»

و او را به راه خیر و شر هدایت کردیم!

«فَالْهَمَّهَا فَجُورَهَا وَتَقْوَاهَا (شمس ۸)»

و به او شر و خیر او را الهام کرد.

حمایت شفاعت از اشیاء؛^{۵۸} در روایات ما توضیح داده شده که خدای متعال راه بازگشت و انابه را برای همه اشیاء باز گذاشته است^{۵۹} (همه اشیاء می‌توانند مشمول شفاعت شوند) و همین‌طور انواع دیگری از حمایت‌ها.^{۶۰}

۵۸. **ارجاع پژوهشی:** قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «أَعْطِيتُ حَمْسًا لَمْ يُعْطَهَا أَحَدٌ قَبْلِي جُعِلَتْ لِي الْأَرْضُ مَسْجِدًا وَ طَهْرًا وَ نُصِرْتُ بِالرَّغَبِ وَ أُحِلَّ لِي الْمَغْنَمُ وَ أُعْطِيتُ جَوَامِعَ الْكَلِمِ وَ أُعْطِيتُ الشَّفَاعَةَ»؛

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: پنج چیز بمن داده شده است که پیش از من به هیچ کس داده نشده است، روی زمین سجده‌گاه و پاک‌کننده برای من مقرر شده است و هرآسی که از من بدل دشمن است یاور من گردید، و غنیمت بر من حلال شد و کلمات جامع و پر معنی بمن داده شد و شفاعت بمن عطا گردید.

من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۲۴۰ / الخصال، ج ۱، ص ۲۹۲ / الأمالی (للصدوق)، ج ۱، ص ۲۱۶

الوافي ج ۶ ص ۵۷۳ / وسائل الشیعة، ج ۳، ص ۳۵۰ و ج ۵، ص ۱۱۷ / بحار الأنوار، ج ۸، ص ۳۸ و ج ۱۶، ص ۳۱۳ و ج ۸۰، ص ۲۷۶ و ج ۹۷، ص ۵۵ / مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۵۲۹

۵۹. **ارجاع پژوهشی:** اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا * يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا * وَ يُمِدِّدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَيْنَ وَ يَجْعَلْ لَكُمْ جَنَاتٍ وَ يَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا (سوره مبارکه نوح، آیات ۱۰ تا ۱۲)

از پروردگار خویش آمرزش بطلبید که او بسیار آمرزنده است * تا بارانهای پربرکت آسمان را بی دریغ بر شما فرستد، * و شما را با اموال و فرزندان فراوان کمک کند و باغهای سرسبز و نه‌های جاری در اختیارتان قرار دهد!

وَ الَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَ لَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَ لَا يَزْنُونَ وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا * يُضَاعَفْ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ يُخَلَّدُ فِيهِ مَهَانًا * إِلَّا مَنْ تَابَ وَ ءَامَنَ وَ عَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا * وَ مَنْ تَابَ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَإِنَّهُ يَتُوبُ إِلَى اللَّهِ مَتَابًا (سوره مبارکه فرقان، آیات ۶۸ تا ۷۱)

و آنان که معبود دیگری را با خدا نمی‌پرستند، و کسی را که خدا خودش را حرام کرده است، جز به حق نمی‌کشند، و زنا نمی‌کنند و کسی که این اعمال را مرتکب شود به کیفر سختی برسد. * روز قیامت عذابش دو چندان شود، و در آن با خواری و سرشکستگی جاودانه ماند. * مگر آنان که توبه کنند و ایمان آورند و کار شایسته انجام دهند، که خدا بدی‌هایشان را به خوبی‌ها تبدیل می‌کند و خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. * و هر که توبه کند و کار شایسته انجام دهد قطعاً به صورتی پسندیده و نیکو به سوی خدا باز می‌گردد.

قَالَ أَحْبَبَنِي أَبُو بَكْرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عُمَرَ الْجَعَابِي قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدٍ الْهَمْدَانِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو مُوسَى هَارُونُ بْنُ عَمْرٍو الْمُجَابِسِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِيهِ ع عَنْ جَدِّهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص الْعَالَمُ بَيْنَ الْجَهَالِ كَالنَّحْيِ بَيْنَ الْأُمُوتِ وَ إِنَّ طَالِبَ الْعِلْمِ لَيَسْتَعْفِرُ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ حَتَّى حِيَتَانِ الْبَحْرِ وَ هَوَاءُ الْأَرْضِ وَ سَبَاعُ الْبَرِّ وَ أَنْعَامُهُ فَاطْلُبُوا الْعِلْمَ فَإِنَّهُ السَّبَبُ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ إِنَّ طَلِبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: همه چیز حتی ماهیان دریا و حشرات زمین و درندگان بیابان و چهارپایان آن، برای جویای دانش **آمرزش می‌طلبند**، پس دانش بجوید که آن رشته میان شما و خدای عز و جل است.

الأمالی (للمفيد)، ص ۲۹ / الأمالی (للطوسي)، ص ۵۲۱

سند امالی طوسی: أَحْبَبَنَا جَمَاعَةٌ، عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْفَضْلُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُسَيَّبِ أَبُو مُحَمَّدٍ الْبَيْهَقِيُّ الشَّعْرَانِيُّ بِجُرْجَانَ، قَالَ: حَدَّثَنَا هَارُونُ بْنُ عَمْرٍو بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي مُوسَى الْمُجَابِسِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ)، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ). قَالَ الْمُجَابِسِيُّ: وَ حَدَّثَنَا الرَّضَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، عَنْ أَبِيهِ مُوسَى، عَنْ أَبِيهِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ)، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)

بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۷۲

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: طَالِبُ الْعِلْمِ أَضَلُّ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الْمُجَاهِدِينَ وَ الْمُرَابِطِينَ وَ الْحُجَّاجِ وَ الْعُمَّارِ وَ الْمُعْتَكِفِينَ وَ الْمَجَاوِرِينَ وَ اسْتَعْفَرَتْ لَهُ السَّجَرُ وَ الرِّيَّاحُ وَ السَّحَابُ وَ الْبِحَارُ وَ النُّجُومُ وَ النَّبَاتُ وَ كُلُّ شَيْءٍ طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نزد خدا، جویای دانش از جهادگران و مرزداران و حاجیان و عمره گزاران و معتکفان و مجاوران بیت الله برتر است و خورشید و بادها و ابرها و دریاها و ستارگان و رستنیها و هر چیزی که خورشید بر آن می تابد، برای وی **آمزش می طلبند.**

إرشاد القلوب إلى الصواب (للدیلمی)، ج ۱، ص ۱۶۴

۶۰. **ارجاع پژوهشی:** بِهَذَا الْإِسْنَادِ [حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَسَّانَ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مِهْرَانَ قَالَ حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ] عَنِ الْحَسَنِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ عَنْ أَبِي نَصْرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: **إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ قَلْبًا** وَإِنَّ قَلْبَ الْقُرْآنِ يَسُّ وَمَنْ قَرَأَهَا قَبْلَ أَنْ يَتَامَ أَوْ فِي نَهَارِهِ قَبْلَ أَنْ يَمُوتَ كَانَ فِي نَهَارِهِ مِنَ الْمُحْفُوظِينَ وَالْمَرْزُوقِينَ حَتَّى يُمْسِيَ وَمَنْ قَرَأَهَا فِي لَيْلِهِ قَبْلَ أَنْ يَتَامَ وَكَلَّ اللَّهُ بِهِ أَلْفَ مَلَكٍ يَحْفَظُونَهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ وَمِنْ كُلِّ آفَةٍ...

امام صادق (علیه السلام): برای هر چیزی قلبی است و قلب قرآن یس است ...

ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۱۱۱ / جامع الأخبار (لشعیری)، ص ۴۷

سند جامع الاخبار: إِدْرِيسُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ حَسَّانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مِهْرَانَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ حَمْرَةَ التَّمَالِيَّةِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْعَلَاءِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع مَكَارِمُ الْأَخْلَاقِ، ص ۳۶۴ / المصباح للكفعمي (جنة الأمان الواقية)، ص ۴۴۴ / شرح فارسی شهاب الأخبار (كلمات قصار پیامبر خاتم ص) (قضاعی، ۴۵۴ ق)، ص ۳۶۲

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: **إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ نُورًا** وَ نُورُ الْقُرْآنِ قُلُّهُ اللَّهُ أَحَدٌ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): همانا برای هر چیزی نوری است و نور قرآن قُلُّهُ اللَّهُ أَحَدٌ است.

جامع الأخبار (لشعیری)، ص ۴۴

وَ قَالَ النَّبِيُّ ع: ... **وَ لِكُلِّ شَيْءٍ رُكْنٌ** وَ رُكْنُ الْمُؤْمِنِ الصَّلَاةُ الْخَمْسُ ...

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): ... برای هر چیزی یک رکن و ستون و تکیه گاهی است و رکن و تکیه گاه مومن نمازهای پنجگانه است ...

جامع الأخبار (لشعیری)، ص ۷۳

رُؤْيِي عَنْ أَحَدِ الْأَيْمَةِ ع أَنَّهُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: **لِكُلِّ شَيْءٍ آلَةٌ** وَ عُدَّةٌ وَ آلَةُ الْمُؤْمِنِ وَ عُدَّتُهُ الْعَقْلُ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): برای هر چیزی آلت (ابزار) و نفراتی است و آلت و نفرات مومن عقل است.

كنز الفوائد (كراچکی، ۴۴۹ ق)، ج ۱، ص ۵۵ / أعلام الدين (دیلمی، ۸۴۱ ق)، ص ۱۷۰

بحار الأنوار، ج ۱، ص ۹۵ / مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۰۶

أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْأَشْعَرِيُّ عَنِ بَعْضِ أَصْحَابِنَا رَفَعَهُ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ قَالَ قَالَ لِي أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ ع: ... يَا هِشَامُ إِنَّ **لِكُلِّ شَيْءٍ دَلِيلًا** وَ دَلِيلَ الْعَقْلِ التَّفَكُّرُ وَ دَلِيلَ التَّفَكُّرِ الصَّمْتُ وَ **لِكُلِّ شَيْءٍ مَطِيئَةٌ** وَ مَطِيئَةُ الْعَقْلِ التَّوَاضُعُ وَ كَفَى بِكَ جَهْلًا أَنْ تَرَكَبَ مَا نُهِيتَ عَنْهُ ...

موس بین جعفر (علیه السلام): ... ای هشام! برای هر چیز رهبری است و رهبری عقل اندیشیدن و رهبر اندیشید خاموشی است و برای هر چیزی مرکبی است و مرکب عقل تواضع است، برای نادانی تو همین بس که مرتکب کاری شوی که از آن نهی شده‌ی ...

الکافی، ج ۱، ص ۱۶

تحف العقول، ص ۳۸۶ / وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۲۰۷

قال رسول الله ص: ... **وَ لِكُلِّ شَيْءٍ مَطِيئَةٌ** وَ مَطِيئَةُ الْمَرْءِ الْعَقْلُ.

أعلام الدين (دیلمی، ۸۴۱ ق)، ص ۱۷۰

بحار الأنوار، ج ۱، ص ۹۵ / مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۰۶

وَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: **لِكُلِّ شَيْءٍ شَيْءٌ يَسْتَرِيحُ إِلَيْهِ** وَإِنَّ الْمُؤْمِنَ يَسْتَرِيحُ إِلَى أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ كَمَا يَسْتَرِيحُ الطَّيْرُ إِلَى سَكْلِهِ.

امام صادق علیه السلام فرمود: هر چیزی به چیزی آسایش و راحتی می‌یابد و راحتی مؤمن دیدار برادر مؤمن اوست چنان که راحتی پرنده در دیدار همجنس (پرنده دیگر) است. آیا ندیدی که پرندگان با هم می‌نشینند.

المؤمن (کوفی اهوازی، حسین بن سعید، قرن ۶)، ص ۳۹

الإختصاص (مفید، ۴۱۳ ق)، ص ۳۰ / مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، ص ۱۰۴ / عدة الداعی و نجاح الساعی، ص ۱۸۷

أخبرنا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ: أَخْبَرَنَا الشَّرِيفُ الصَّالِحُ أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ حَمْرَةَ الْعَلَوِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ الْقُضَيْلِ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبُو تَرَابٍ عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ مُوسَى، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبُو الْقَاسِمِ عَبْدِ الْعَظِيمِ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِيُّ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى (عَلَيْهِ السَّلَامُ) يَقُولُ: **مَلَاقَاةُ الْإِخْوَانِ نُشْرَةٌ وَ تَلْفِيحٌ لِلْعَقْلِ وَإِنْ كَانَ نَزْرًا قَلِيلًا.**

امام جواد علیه السلام: ملاقات با برادران، موجب رفع دلتنگی و سبب باروری عقل می‌شود، هر چند اندک و کوتاه باشد.

أمالی طوسی ج ۱ ص ۹۴

بحار الانوار ج ۷۱ ص ۳۵۳ / عوالم العلوم ج ۲۳ ص ۴۵۵ / مستدرک الوسائل ج ۸ ص ۳۲۴

أصل الزكاة في اللغة: الظهارة و التماء و البركة و المدح، و كل ذلك قد استعمل في القرآن و الحديث.

اصل و ریشه و معنای کلمه "زکات" در لغت: به معنای طهارت (پاکی) و نماء (رشد و زیاد شدن) و برکت و مدح است. و تمام این معانی در قرآن و حدیث استعمال شده است.

النهاية (ابن اثیر)، ج ۲، ص ۳۰۷

أصل الزكاة: التمو الحاصل عن بركة الله تعالى، و يعتبر ذلك بالأموال الدنيوية و الأخروية. يقال: زَكَ الزَّرْعُ يَزْكُو: إذا حصل منه نمو و بركة... الزكاة: لما يخرج الإنسان من حق الله تعالى إلى الفقراء، و تسميته بذلك لما يكون فيها من رجاء البركة، أو لتزكية النفس، أي: تميمتها بالخيرات و البركات، أو لهما جميعا، فإن الخيرين موجودان فيها.

اصل و ریشه و معنای کلمه "زکات" [در لغت]: **رشد و فزونی** است که از برکت دادن خدای تعالی حاصل می‌شود و در امور دنیوی و اخروی هر دو در نظر گرفته می‌شود، می‌گویند: زَكَ الزَّرْعُ يَزْكُو: وقتی است که از کشت و زراعت فزونی و برکت حاصل شود... و نیز "زکات" در باره چیزی است که: انسان از حق خدای برای مسکینان و فقرا کنار می‌گذارد و از مالش خارج می‌کند و نامیدن چنان مالی به زکاة برای امیدوار بودن در برکت و فزونی در زکات دادن است یا برای تزکیه نفس یعنی والایش دادن نفس با خیرات و برکات و یا نامیدن آن مال به زکات برای همه موارد فوق است زیرا هر دو خیر و نیکی در آن موجود است (هم فزونی و برکت مال و والایش و رشد نفس)

مفردات الفاظ القرآن (راغب اصفهانی)، ص ۳۸۰

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ أَبِي زِيَادٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ آبَائِهِ ع أَنَّ النَّبِيَّ ص قَالَ لِأَصْحَابِهِ أ لَا أَخْبِرْكُمْ بِشَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ فَعَلْتُمُوهُ تَبَاعَدَ الشَّيْطَانُ مِنْكُمْ كَمَا تَبَاعَدَ الْمَشْرِقُ مِنَ الْمَغْرِبِ قَالُوا بَلَى قَالَ الصُّومُ يُسَوِّدُ وَجْهَهُ وَ الصَّدَقَةُ تَكْسِرُ ظَهْرَهُ وَ الْحُبُّ فِي اللَّهِ وَ الْمَوَازَرَةُ عَلَى الْعَمَلِ الصَّالِحِ يَطْمَعُ دَابْرَهُ وَ الْإِسْتِغْفَارُ يَطْمَعُ وَ تَيْبَتُهُ وَ لِكُلِّ شَيْءٍ زَكَاةٌ وَ زَكَاةُ الْأَبْدَانِ الصَّيَّامِ.

و پیغمبر (صلی الله علیه و آله) به اصحاب فرمود: به شما خبر دهم از چیزی که اگر آن را انجام دهید شیطان از شما به اندازه فاصله مشرق از مغرب از شما فاصله گیرد؟ گفتند آری یا رسول الله؛ فرمود: روزه روی شیطان را سیاه می‌کند، و صدقه کمرش را می‌شکند، و دوستی در راه خدا و اعانت در کار خیر بیچاره‌اش می‌سازد، و استغفار رگ گردنش را قطع می‌کند، بعد فرمود: هر چیز زکاتی دارد و زکاة بدن روزه است.

الکافی، ج ۴، ص ۶۲ / من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۷۵ / الأمالی (للصدوق)، ص ۶۱ / تهذیب الأحکام، ج ۴، ص ۹۱

سند تهذیب: وَ عَنْهُ (عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ فَضَالٍ) عَنْ عَمْرٍو بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ أَبِي زِيَادٍ السَّعِيرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ ع أَنَّ النَّبِيَّ ص قَالَ

مكارم الأخلاق، ص ۱۳۸

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرِ قَالَ: **لِكُلِّ شَيْءٍ زَكَاةٌ وَ زَكَاةُ الْأَجْسَادِ الصُّومُ.**

۲/۳/۱/۹. توصیف
تسلط خالق بر
اشیاء؛ نهمین
توصیف روش
تحقیق مبتنی بر
اشراف

نهمین سرفصل توصیف اشیاء، تبیین الگوی تسلط خالق بر اشیاء است. ما عبور می‌کنیم از این حرف‌ها و می‌گوییم: خدای متعال هم مسلط و حازّ بر اشیاء است؛ درحالی‌که تسلط خدای متعال در روایات شرحی دارد: اولین نوع تسلط خدای متعال تسلط اماته و احیاء است؛ یعنی خدا همه اشیاء را زنده می‌کند و می‌میراند. این خیلی تسلط بزرگی است؛ این تسلط فقط در اختیار خدای متعال است. تسلط علمی بر اشیاء به اصطلاح برادران امنیتی مان خداوند "اشراف" اطلاعاتی بر همه مخلوقات و انواع دیگری از تسلط‌ها.^{۶۱}

الكافي (ط - الإسلامية)، ج ۴، ص: ۶۳ / تهذيب الأحكام (تحقیق خراسان)، ج ۴، ص: ۱۹۰ (فیه: زکاة الاجسام)

النوادر (للراوندي)، ص: ۴

عن امیرالمؤمنین ع: لِكُلِّ شَيْءٍ زَكَاةٌ وَ زَكَاةُ الْبَدَنِ الصِّيَامُ.

تحف العقول، ص ۲۲۱ / دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۲۶۹ (فیه: زکات الابدان) / نهج البلاغة (للصبي صالح)، ص ۴۹۴

عن عليّ ع: لِكُلِّ شَيْءٍ زَكَاةٌ وَ زَكَاةُ الْعَقْلِ اِحْتِمَالُ الْجَهْلِ.

امیرالمؤمنین (علیه السلام): برای هر چیزی زکاتی است و زکات عقل تحمل کردن انسان های جاهل است

عيون الحكم و المواعظ (لليثي)، ص ۴۰۲ / غرر الحكم و درر الكلم، ص ۵۴۲

وَ قَالَ الصّادق ع إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ زَكَاةً وَ زَكَاةُ الْعِلْمِ أَنْ يُعَلِّمَهُ أَهْلَهُ.

امام صادق (علیه السلام): برای هر چیزی زکاتی است و زکات علم آن است که به اهلس بیاموزی.

تحف العقول، ص ۳۶۴ / مشکاة الأنوار في غرر الأخبار، ص ۱۳۹

قال الكاظم ع: لِكُلِّ شَيْءٍ زَكَاةٌ وَ زَكَاةُ الْجَسَدِ صِيَامُ التَّوَّافِلِ.

امام کاظم (علیه السلام): برای هر چیزی زکاتی است و زکات بدن روزه های مستحبی است.

تحف العقول، ص ۴۰۳

۶۱. **ارجاع پژوهشی:** حَمَادُ بْنُ حَبِيبِ الْكُوفِيِّ الْقَطَّانُ قَالَ: انْقَطَعَتْ عَنِ الْقَافِلَةِ عِنْدَ زَبَالَةَ فَلَمَّا أَنْ أَجَنَّبِي اللَّيْلَ أُوتِيتُ إِلَى شَجَرَةٍ عَالِيَةٍ فَلَمَّا اخْتَلَطَ الظُّلَمُ إِذَا أَنَا بِسَابٍِّ قَدْ أَقْبَلَ عَلَيَّ أَطْمَأَزُ بِيضُ يَفُوحُ مِنْهُ رَائِحَةُ الْمَسْكِ فَأَحْفَيْتُ نَفْسِي مَا اسْتَطَعْتُ فَتَهَيَّأْتُ لِلصَّلَاةِ ثُمَّ وَتَبْتُ قَائِمًا وَ هُوَ يَقُولُ: «يَا مَنْ حَازَرَ كُلَّ شَيْءٍ مَلَكُوتًا وَ فَهَرَ كُلَّ شَيْءٍ جَبْرُوتًا أَوْلِجْ قَلْبِي فَرَحَ الْإِقْبَالِ عَلَيْنِكَ وَ الْحَفْنِي بِمَيْدَانِ الْمُطِيعِينَ لَكَ» - ثُمَّ دَخَلَ فِي الصَّلَاةِ فَلَمَّا رَأَيْتُهُ وَ قَدْ هَدَأَتْ أَعْضَاؤُهُ وَ سَكَتَتْ حَرَكَاتُهُ قُمْتُ إِلَى الْمَوْضِعِ الَّذِي تَهَيَّأْتُ فِيهِ إِلَى الصَّلَاةِ فَإِذَا أَنَا بِعَيْنِي تَتَّبِعُ فَتَهَيَّأْتُ لِلصَّلَاةِ ثُمَّ قُمْتُ حَلْفَهُ فَإِذَا بِمِحْرَابٍ كَأَنَّهُ مُثَلٌّ فِي ذَلِكَ الْوَقْتِ فَرَأَيْتُهُ كُلَّمَا مَرَّ بِالآيَةِ النَّبِيِّ فِيهَا الْوَعْدُ وَ الْوَعْدُ يُرَدُّهَا بِإِتِّحَابٍ وَ حَيْنِينَ...

حماد بن حبيب کوفی گفت من در ناحیه زباله (محلّی است در راه مکه) از قافله عقب ماندم همین که تاریکی شب جهان را فرا گرفت پناه به درختی بلند بردم، در سیاهی دل شب جوانی (امام سجاد (علیه السلام) را دیدم آمد که لباس سفید در تن دارد و بوی مشک از او ساطع است هر چه قدرت داشتم خود را مخفی نمودم. آماده نماز شد ایستاد و شروع باین مناجات کرد: « يَا مَنْ حَازَرَ كُلَّ شَيْءٍ مَلَكُوتًا وَ فَهَرَ كُلَّ شَيْءٍ جَبْرُوتًا أَوْلِجْ قَلْبِي فَرَحَ الْإِقْبَالِ عَلَيْنِكَ وَ الْحَفْنِي بِمَيْدَانِ الْمُطِيعِينَ لَكَ » یعنی: ای کسی که ملکوت تو همه چیز را در بر گرفته و جبروتت همه را غالب شده، بر محمّد و آل محمّد درود فرست و قلب مرا با شادی اقبال به خودت، پر کن. و مرا در زمره مطیعین خود قرار بده.

آنگاه شروع به نماز کرد همین که اعضایش ساکن شد و از حرکت باز ایستاد رفتم به آنجائی که آماده نماز شد دیدم چشمه‌ای جاری است وضو گرفته آماده نماز شدم رفتم پشت سر آن جوان دیدم محرابی آراسته است مثل اینکه همان ساعت زینت داده شد هر وقت بآیه‌ای که نوید یا تهدیدی داشت می‌گذشت آن را با يك ناله و سوزی تکرار می‌نمود...

بحار الأنوار، ج ۶، ص ۴۰ و ج ۸، ص ۲۳۱

الخرائج و الجرائح (راوندی)، ج ۱، ص ۲۶۶ / مناقب آل أبي طالب عليهم السلام (لابن شهر آشوب)، ج ۴، ص ۱۴۲ (با تفاوت‌هایی در کلمات)

عوالم العلوم و المعارف، ج ۱۸ - السجادة، ص ۳۲ / مدينة معجز الأئمة الإثني عشر، ج ۴، ص ۳۸۰ و ۳۹۲

«إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُرْسِلُ الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَاذَا تَكْسِبُ غَدًا وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ (لقمان ۳۴)»

یقیناً خداست که دانش قیامت فقط نزد اوست، و [تتها او] باران را نازل می‌کند، و [اوضاع و احوال] آنچه را در رحم‌هاست می‌داند و هیچ‌کس نمی‌داند فردا چه چیزی [از خیر و شر] به دست می‌آورد، و هیچ‌کس نمی‌داند در چه سرزمینی می‌میرد بی‌تردید خدا دانا و آگاه است.

البقرة: ۲۰ يَكَادُ الْبَرْقُ يَخْطَفُ أَبْصَارَهُمْ كُلَّمَا أَضَاءَ لَهُمْ مَشَوْا فِيهِ وَإِذَا أَظْلَمَ عَلَيْهِمْ قَامُوا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَذَهَبَ بِسَمْعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

البقرة: ۱۰۶ ما تَسْخُجُ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِئُهَا تُاتِي بِخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلَهَا أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
البقرة: ۱۰۹ وَدَّ كَثِيرٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَاعْتَدُوا وَاصْفَحُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

البقرة ۱۴۸ وَ لِكُلِّ وَجْهَةٌ مَوْجِبَةٌ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
البقرة: ۲۵۹ أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّى يُحْيِي هَذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ قَالَ كَمْ لَبِثْتَ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَبِثْتَ مِائَةَ عَامٍ فَانظُرْ إِلَى طَعَامِكَ وَ شَرَابِكَ لَمْ يَسْتَنْهَ وَ انظُرْ إِلَى حِمَارِكَ وَ لِنَجْعَلَ آيَةً لِلنَّاسِ وَ انظُرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوها لَحْمًا فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
البقرة: ۲۸۴ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ وَ إِنْ تُبْدُوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخْفُوهُ يُحَاسِبْكُمْ بِهِ اللَّهُ فَيَغْفِرْ لِمَنْ يَشَاءُ وَ يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

آل عمران: ۲۶ قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكُ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَ تَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَ تُعَزِّزُ مَنْ تَشَاءُ وَ تُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

آل عمران: ۲۹ قُلْ إِنْ تُخَفُّوا مَا فِي صُدُورِكُمْ أَوْ تُبْدُوهُ يُعْلَمَهُ اللَّهُ وَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ وَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
آل عمران: ۱۶۵ أَوْ لَمَّا أَصَابَكُمْ مِصْبِيهٌ قَدْ أَصَبْتُمْ مِنْهَا قُلْتُمْ أَنَّى هَذَا قُلْ هُوَ مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
آل عمران: ۱۸۹ وَ لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

المائدة: ۱۷ لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ أَنْ يُهْلِكَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ وَ أُمَّهُ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَ لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا بَيْنَهُمَا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
المائدة: ۱۹ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ عَلَى قَتْرَةٍ مِنَ الرُّسُلِ أَنْ تَقُولُوا مَا جَاءَنَا مِنْ بَشِيرٍ وَ لَا نَذِيرٍ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَشِيرٌ وَ نَذِيرٌ وَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

المائدة: ۴۰ أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَ يُغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
المائدة: ۱۲۰ لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا فِيهِنَّ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

الأنعام: ۱۷ وَ إِنْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَ إِنْ يَمْسَسْكَ بِخَيْرٍ فَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
الأنفال: ۴۱ وَ اعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرُّسُولِ وَ لِلَّذِي الْقُرْبَى وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَ مَا أَنْزَلْنَا عَلَى عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقَى الْجَمْعَانِ وَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

التوبة: ۳۹ إِلَّا تَتَّقُوا يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَ يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَ لَا تَضُرُّوهُ شَيْئًا وَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
هود: ۴ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

النحل: ۷۰ وَ اللَّهُ خَلَقَكُمْ ثُمَّ يَوَفَّاكُمْ وَ مِنْكُمْ مَنْ يُرَدُّ إِلَى أَرْدَلِ الْعُمْرِ لِكَيْ لَا يَعْلَمَ بَعْدَ عِلْمٍ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ قَدِيرٌ
النحل: ۷۷ وَ لِلَّهِ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا أُمِرُ السَّاعَةِ إِلَّا كَلِمَحِ الْبَصَرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
الحج: ۶ ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَ أَنَّهُ يُحْيِي الْمَوْتَى وَ أَنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

دهمین نوع از توصیف اشیایی که در روایات آمده این است که همه اشیاء، ابزار خداشناسی هستند به این معنا که: شما هر خاصیتی در اشیاء دیدید، آن را از خدا سلب کنید. مثلاً همه اشیاء زمان و مکان دارند؛ ولی خدای متعال زمان و مکان ندارد. همه اشیاء احیاء و اماته دارند؛ ولی خدای متعال احیا و اماته ندارد. همه اشیاء اول و آخر دارند؛ ولی خدا متعال اول و آخر ندارد و

۲/۳/۱/۱۰. توصیف همه اشیاء، ابزار خداشناسی (نفی خاصیت‌های اشیاء از خداوند)؛ دهمین توصیف روش تحقیق مبتنی بر اشراف

النور: ۴۵ وَ اللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَاءٍ فَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى بَطْنِهِ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى رِجْلَيْنِ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى أَرْبَعٍ يَخْلُقُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

العنكبوت: ۲۰ قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
الروم: ۵۰ فَانظُرْ إِلَىٰ آثَارِ رَحْمَتِ اللَّهِ كَيْفَ يُخَيِّ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ ذَلِكَ لَمُحْيٍ الْمَوْتَىٰ وَ هُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
فاطر: ۱ الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولِي أَجْنَحَةٍ مثنى وَ ثَلَاثَ وَ رُبَاعَ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

فصلت: ۳۹ وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ تَرَى الْأَرْضَ خَاشِعَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَ رَبَّتْ إِنَّ الَّذِي أَحْيَاهَا لَمُحْيٍ الْمَوْتَىٰ إِنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

الشورى: ۹ أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ قَالَ اللَّهُ هُوَ الْوَلِيُّ وَ هُوَ يُخَيِّ الْمَوْتَىٰ وَ هُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
الشورى: ۲۹ وَ مِنْ آيَاتِهِ خَلْقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ مَا بَيْنَ فِيهِمَا مِنْ دَابَّةٍ وَ هُوَ عَلَىٰ جَمْعِهِمْ إِذَا يَشَاءُ قَدِيرٌ
الشورى: ۵۰ أَوْ يُزَوِّجُهُمْ ذُكْرَانًا وَ إِنَاثًا وَ يَجْعَلُ مَنْ يَشَاءُ عَقِيمًا إِنَّهُ عَلِيمٌ قَدِيرٌ
الأحقاف: ۳۳ أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ لَمْ يَعْصِي بِحَقِّهِمْ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَىٰ بَلَىٰ إِنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

الحديد: ۲ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ هُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
الحشر: ۶ وَ مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ مِنْهُمْ فَمَا أَوْجَفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ وَ لَا رِكَابٍ وَ لَكِنَّ اللَّهَ يُسَلِّطُ رُسُلَهُ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

الممتحنة: ۷ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَ الَّذِينَ عَادَيْتُمْ مِنْهُمْ مَوْدَّةً وَ اللَّهُ قَدِيرٌ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ
التغابن: ۱ يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ وَ هُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
الطلاق: ۱۲ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَ مِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَنْزِلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَ أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا

التحریم: ۸ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَ يُدْخِلَكُم جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَ لِلَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ نُورُهُمْ يَسْعَىٰ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ بَأْيَمَانِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَتْمِمْ لَنَا نُورَنَا وَ اغْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

الملك: ۱ تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَ هُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
مُحَمَّدٌ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى جَمِيعًا رَفَعَاهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع اسْتَشْهَضَ النَّاسَ فِي حَرْبِ مُعَاوِيَةَ فِي الْمَرَّةِ الثَّانِيَةِ فَلَمَّا حَشَدَ النَّاسُ قَامَ خَطِيبًا فَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْأَحَدِ الصَّمَدِ الْمُتَفَرِّدِ الَّذِي لَا مِنْ شَيْءٍ كَانَ وَ لَا مِنْ شَيْءٍ خَلَقَ ... لِكُلِّ شَيْءٍ مِنْهَا حَافِظٌ وَ رَقِيبٌ وَ كُلُّ شَيْءٍ مِنْهَا بِشَيْءٍ مُحِيطٌ وَ الْمُحِيطُ بِمَا أَحَاطَ مِنْهَا الْوَاحِدُ الْأَحَدُ الصَّمَدُ الَّذِي لَا يَغَيِّرُهُ ضُرُوفُ الْأَرْزَامِ ...

ازلی و ابدی است و قسط علی‌هذا؛ پس از اشیاء نیز می‌توانید برای توصیف خدای متعال استفاده کنید به نحو سلبی. ۶۲

من را نمی‌خواهم توضیح [تفصیلی] بدهم [بلکه] خواستم این ذهن باز شود که وقتی ما می‌گوییم روش تحقیق پوزیتیویستی بخشی هست و در کنارش می‌گوییم: روش تحقیق انبیا مبتنی بر "اشراف" است، نتیجه عملی‌اش فعلاً این شده (حالا این قدری که ما در مدرسه‌مان استنباط کردیم این شده) اگر کسی شاگرد انبیا شد، ده دسته اطلاعات درمورد همه اشیاء به دست می‌آورد. حالا این استنباط مقرون به نقصان است؛ [یعنی] می‌توانیم کار جمعی کنیم تا اینکه بیشتر بشود توصیف کرد. ولی فعلاً ساختار ما از توصیف از اشیاء ده‌بخشی است؛ بنابراین وقتی داریم راجع به دانش پول بحث می‌کنیم بعداً ده حوزه بحثی را راجع به پول می‌توانید بحث کنید با توجه به همین آیات و روایات.

این اجمالی بود بر بحث راجع به روش تحقیق. خلاصه‌اش این است که توصیفات روش تحقیق حوزه اقتصاد از همه بخش‌های اقتصاد بخشی است و توصیف‌های بخشی منجر به تالی فاسد می‌شود؛ راه نجات حوزه اقتصاد این است که گزاره‌های مبتنی بر "اشراف" در بین

۶۲. ارجاع پژوهشی: : حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى عَنْ هِشَامِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ قَالَ قَالَ الْعَبَّاسِيُّ قُلْتُ لَهُ يَغْنِي أَبُو الْحَسَنِ عِجْلًا فَدَاكَ أَمْرِي بَعْضَ مَوَالِيكَ أَنْ أَسْأَلَكَ عَنْ مَسْأَلَةٍ قَالَ وَمَنْ هُوَ قُلْتُ الْحَسَنُ بْنُ سَهْلٍ قَالَ فِي أَيِّ شَيْءٍ الْمَسْأَلَةُ قَالَ قُلْتُ فِي التَّوْحِيدِ قَالَ وَ أَيْ شَيْءٍ مِنَ التَّوْحِيدِ قَالَ يَسْأَلُكَ عَنِ اللَّهِ جِسْمٌ أَوْ لَا جِسْمٌ قَالَ فَقَالَ لِي إِنَّ لِلنَّاسِ فِي التَّوْحِيدِ ثَلَاثَةَ مَذَاهِبٍ مَذْهَبُ إِثْبَاتِ تَشْبِيهِهِ وَ مَذْهَبُ النُّفْيِ وَ مَذْهَبُ إِثْبَاتِ بِلَا تَشْبِيهِهِ فَمَذْهَبُ الْإِثْبَاتِ بِتَشْبِيهِهِ لَا يَجُوزُ وَ مَذْهَبُ النُّفْيِ لَا يَجُوزُ وَ الطَّرِيقُ فِي الْمَذْهَبِ الثَّلَاثِ إِثْبَاتٌ بِلَا تَشْبِيهِهِ.

عباسی یعنی ابراهیم بن هاشم گفت که بآن حضرت یعنی ابو الحسن حضرت امام رضا (ع) عرض کردم که فدای تو کردم بعضی از موالیانت مرا امر کرده که ترا از مسأله سؤال کنم فرمود که آن بعض کیست عرض کردم حسن بن سهل فرمود که آن مسأله در چه چیز است عباسی میگوید که عرض کردم در توحید فرمود که چه چیز از توحید عرض کردم ترا سؤال میکند از خدا که جسم است یا جسم نیست عباسی میگوید که حضرت بمن فرمود که مردم را در توحید سه مذهب است یکی مذهب اثبات با تشبیه و دیگری مذهب نفی و سیم مذهب اثبات بدون تشبیه پس مذهب اثبات با تشبیه روا نباشد و مذهب نفی نیز جائز نیست و طریق درست در مذهب سیم باشد که اثبات است بدون تشبیه.

التوحيد (للصدوق)، ص ۱۰۱

بحار الأنوار، ج ۳، ص ۳۰۴ / فرج المهموم في تاريخ علماء النجوم، ص ۱۳۹ (سید بن طاووس) (باندکی تفاوت)

سند سید بن طاووس: كَمَا ذَكَرَهُ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ الْوَلِيدِ الثَّقَفِيُّ الْأَمِينُ وَ رَوَاهُ عَنْهُ بِإِسْنَادِهِ مُحَمَّدُ بْنُ بَابُوئِيهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فِي كِتَابِ الْجَامِعِ فَقَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ وَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْعَبَّاسِيِّ

«هُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ فَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (غافر ۶۸))

اوست که زنده می‌کند و می‌میراند، و چون پدید آمدن چیزی را اراده کند، فقط به آن می‌گوید: باش. پس بی‌درنگ موجود می‌شود.

اقتصاددان‌ها بحث گفت‌وگو شود. راه نجات جمهوری اسلامی و مردم جمهوری اسلامی، قال الصادق و قال الباقر در حوزه اقتصاد است.

من نکته‌ای را عرض کنم که بعضی از نخبگان و اعظم ما قبلاً فرموده‌اند که اسلام در اقتصاد به‌عنوان مکتب دخالت می‌کند ولی اسلام در اقتصاد به‌عنوان علم دخالت نمی‌کند؛^{۶۳} من می‌خواهم بگویم این گزاره علیل است. از حوزه مبانی نظری تا تصمیمات کاربردی اسلام دخالت دارد و اسلام علم دارد. من این تفکیکی که مرحوم استاد ما مرحوم آیت‌الله مطهری^{۶۴} - که حق عظیمی بر

۶۳. **ارجاع پرورشی:** «آیت‌الله معرفت: اسلام در هر بعدی از ابعاد زندگی (اقتصادی یا غیر اقتصادی) مبانی خاصی را ارائه می‌کند. این مبانی باید در بعد اقتصاد استخراج و جمع‌آوری شوند، آنگاه متخصصان بر اساس آن مبانی، نظامی را طراحی کنند؛ برای مثال اسلام در بخش مبانی، اصالت را هم برای فرد و هم برای اجتماع قائل است؛ ولی هنگام تراحم، مصالح جامعه را بر مصالح فرد مقدم می‌دارد. هم مالکیت خصوصی و هم مالکیت عمومی مورد تأیید اسلام است و هم برای شخصیت حقوقی و هم برای شخصیت حقیقی اعتبار قائل است. اسلام هم به جانب درآمدها و هم به جانب مصرف نظر دارد؛ بنابراین اسلام روی مسائل اساسی و اصول اقتصادی نظر دارد؛ اما نظام خاصی را مطرح نمی‌کند

آیت‌الله تسخیری: اگر فرق بین علم و مکتب را فرق بین «آنچه هست» و «آنچه باید باشد» بدانیم، باید بگوییم: وظیفه دین در جایگاه مکتب زندگی، همان بیان «آنچه باید باشد» در همه زمینه‌ها از جمله مسائل اقتصادی است؛ بنابراین، بنده معتقدم: ما علم اقتصادی به معنای شناخت روابط اقتصادی نداریم. بله گاه می‌توانیم از گرایش‌های مکتب یا متونی که از واقعیت‌ها خبر می‌دهد، به دست آوریم که اسلام واقعیت «آنچه هست» را بدین شکل می‌داند؛ برای مثال، شهید صدر دیدگاه اسلام را درباره نظریه علمی «مالتوس» درباره رشد جمعیت و مواد غذایی، از آیه شریفه «وَآتَاكُم مِّنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ» (۸) به دست می‌آورد. اصولاً اسلام به ارائه نظریات عملی نیاز ندارد؛ چرا که علم الهی به واقعیت‌ها، خود زیربنای مکتب اقتصاد اسلامی را تشکیل می‌دهد.»

منبع: مقاله «گستره اسلام در عرصه اقتصاد»، فصل‌نامه اقتصاد اسلامی (زیرنظر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و انجمن اقتصاد اسلامی ایران)، زمستان ۱۳۸۱، شماره ۸، صفحه ۱۰ ال ۱۲

<http://makarem.ir/main.aspx?lid=.&typeinfo=۱&catid=۱۱۳۲۰۹&pageindex=۱&mid=۴۲۰۴۱>

۶۴. **ارجاع پرورشی:** «پ اقتصاد اسلامی از ابعاد گوناگون بین اقتصاددانان و نیز کسانی که دغدغه درک دین و اجرای آن را در همه ابعاد دارند، مطرح است. گروهی بر اساس مبانی که پیش‌تر اشاره شد یا به جهت عدم آشنایی به مباحث دینی، اصولاً اقتصاد اسلامی را به طور کلی نفی می‌کنند و می‌گویند: همان‌گونه که ما فیزیک اسلامی و هندسه اسلامی نداریم، اقتصاد اسلامی هم نداریم. گروهی نیز با تفکیک نظام از علم معتقدند که گرچه اسلام همانند دیگر مکاتب می‌تواند از نظام و یا مکتب اقتصادی برخوردار باشد، اما مقوله‌ای به نام علم اقتصاد اسلامی وجود ندارد. عمده استدلال این افراد این است که دانش اقتصاد، مانند فیزیک و شیمی و ... از علوم تجربی است و ویژگی علوم تجربی خصوصاً آن‌جا که مربوط به رفتار انسان‌ها است، این است که اولاً "اثباتی بوده و در صدد تبیین رفتارهای موجود می‌باشد و ثانیاً برای اثبات فرضیه‌هایش، نیازمند آزمون می‌باشد. این در حالی است که رهنمودهای ادیان به صورت دستوری و برگرفته از وحی می‌باشد. شهید صدر (ره) از کسانی است که معتقد است که از مسؤلیت‌های دین اسلام این نیست که درباره دانش اقتصاد و یا هیأت و یا ریاضیات سخن بگوید (صدر، ۱۹۷۳ م: ص ۱۶۰ به نقل از دادگر، ۱۳۷۷ نامه مفید، ص ۵۷). شهید مطهری نیز همانند شهید صدر اعتقاد دارد که اسلام، دارای مکتب و نظام اقتصادی است و در برابر علم اقتصاد به صورت دانش تجربی موضعی ندارد؛ با وجود این، وی از مکتب و نظام نیز به صورت علم یاد کرده است (مطهری، ۱۳۶۸ «ب» ص ۳۷)، و به نظر می‌رسد که این تعبیر به اعتقاد عده‌ای ناظر باشد که علوم را منحصر در دانش تجربی می‌دانستند. شهید مطهری در تفکیک بین نظام اقتصادی و علم اقتصاد (تجربی) می‌فرماید: روابط اقتصادی دو نوع است: روابط تکوینی و طبیعی و روابط اعتباری و قراردادی. روابط طبیعی عبارت است از یک سلسله روابط علی و معلولی که خواه

جامعه علمی ما دارند -، مرحوم شهید صدر^{۶۵} - که فرد بسیار نخبه‌ای در حوزه اقتصاد بود - و دیگران مطرح کرده‌اند را دچار مناقشه می‌دانم؛ نمی‌شود بگوییم که اسلام در حوزه مکتب و مفاهیم

ناخواه در امور اقتصادی پیش می‌آید؛ مثل روابط مربوط به عرضه و تقاضا، تورم پول، بیکاری، بحران اقتصادی و...؛ اما روابط اعتباری عبارت است از قوانین مربوط به حقوق و مالکیت‌های شخص یا اشتراکی. از لحاظ روابط طبیعی، علم اقتصاد، علم به قوانین طبیعت است، آن‌چنان‌که هست؛ یعنی یک علم نظری است و اختلاف نظر در این علم از قبیل اختلاف نظر در علوم تجربی است و البته کم‌تر مورد اختلاف خواهد بود؛ ولی از لحاظ روابط اعتباری، علم اقتصاد، علم به روابط است؛ آن‌چنان‌که باید باشد و از این نظر است که مسأله عدالت و ظلم و خوب و بد و شایسته و ناشایسته به میان می‌آید (یادداشت نظری به نظام اقتصادی اسلام: ص ۳۲، ۳۳ و ۳۷)؛ بنابراین، شهید مطهری قلمرو علم اقتصاد را امور اثباتی و بررسی هست‌ها می‌داند؛ در حالی که مکتب یا نظام، عهده‌دار باید‌ها، و مباحث آن دستوری و ارزشی است. وی تصریح می‌کند که در اسلام به دنبال باید‌های رفتار اقتصادی هستیم. موضوع بحث ما، اقتصاد برنامه‌ای است، نه اقتصاد علمی؛ لذا فیزیک اسلامی نداریم؛ ولی اقتصاد اسلامی داریم (یادداشت نظری به نظام اقتصادی اسلام: ۲۳۸ و ۲۳۹)».

منبع: مقاله "اندیشه اقتصادی استاد مطهری" (مقاله علمی وزارت علوم) سعید فراهانی فرد

<http://ensani.ir/fa/article/6963/اندیشه-اقتصادی-استاد-مطهری>

۶۵. **ارجاع پرورشی:** « بنابراین، در اسلام، حقیقتی به نام «اقتصاد اسلامی» وجود دارد؛ اما اینکه مفهوم و ماهیت اقتصاد اسلامی چیست، آیا علم اقتصاد، نظام اقتصادی و یا مکتب اقتصادی است، شهید صدر، اقتصاددان شهیر جهان اسلام، در این باره می‌گوید: هنگامی که از «اقتصاد اسلامی» سخن می‌گوییم، به طور مستقیم، منظور ما، علم اقتصاد سیاسی نیست، چرا که این علم کم و بیش تازه تأسیس است. از طرفی، اسلام، دین دعوت و راه زندگی است، و وظیفه اصلی آن، پرداختن به مسائل علم اقتصاد نیست، بلکه مقصود ما از اقتصاد اسلامی، مکتب اقتصادی اسلام است که روش اسلام در تنظیم حیات اقتصادی در آن طرح و ترسیم می‌گردد».

منبع: کلام جدید، (ابراهیم زاده، عبدالله؛ سبحانی، سعید)، ج ۱، ص ۱۱۴

lib.eshia.ir/26307/1/114

«وأما المذهب الإسلامي فهو لا يزعم لنفسه الطابع العلمي كالمذهب الماركسي، كما أنه ليس مجرداً عن أساس عقائدي معين ونظرة رئيسية إلى الحياة والكون والرأسمالية ونحن حين نقول عن الاقتصاد الإسلامي إنه ليس علماً، نعني: أن الإسلام دينٌ يتكفل الدعوة إلى تنظيم الحياة الاقتصادية كما يعالج سائر نواحي الحياة، وليس علماً اقتصادياً على طراز علم الاقتصاد السياسي، وبمعنى آخر: هو ثورة لقلب الواقع الفاسد وتحويله إلى واقع سليم، وليس تفسيراً موضوعياً للواقع. فهو حينما يضع مبدأ الملكية المزدوجة مثلاً، لا يزعم بذلك أنه يفسر الواقع التاريخي لمرحلة معينة من حياة الإنسانية، أو يعكس نتائج القوانين الطبيعية للتاريخ، كما تزعم الماركسية حين تبشر بمبدأ الملكية الاشتراكية، بوصفه الحالة الحتمية لمرحلة معينة من التاريخ والتفسير الوحيد لها. فالاقتصاد الإسلامي من هذه الناحية يشبه الاقتصاد الرأسمالي المذهبي في كونه عملية تغيير الواقع لا عملية تفسير له. فالوظيفة المذهبية تجاه الاقتصاد الإسلامي هي: الكشف عن الصورة الكاملة للحياة الاقتصادية وفقاً للتشريع الإسلامي، ودرس الأفكار والمفاهيم العامة التي تشع من وراء تلك الصورة، كفكرة انفصال شكل التوزيع عن نوعية الإنتاج وما إليها من أفكار. وأما الوظيفة العلمية تجاه الاقتصاد الإسلامي فيأتي دورها بعد ذلك لتكشف عن مجرى الحياة الواقعي وقوانينه، ضمن مجتمع إسلامي يطبق فيه مذهب الإسلام تطبيقاً كاملاً. فالباحث العلمي يأخذ الاقتصاد المذهبي في الإسلام قاعدة ثابتة للمجتمع الذي يحاول تفسيره وربط الأحداث فيه بعضها ببعض. فهو في هذا نظير الاقتصاد السياسي لعلماء الاقتصاد الرأسماليين، الذين فرغوا من وضع وهكذا يمكن أن يتكون للاقتصاد الإسلامي علم - بعد أن يدرس دراسة مذهبية شاملة، من خلال دراسة الواقع في هذا الإطار».

منبع: اقتصادنا، ص ۳۶۱ الی ۳۶۳

lib.eshia.ir/8627/1/363

پایه نظریه پردازی کرده [و بعد] در حوزه علم دوباره تفویض کنیم به اقتصاددان‌ها.^{۶۶} من همین‌جا همه اقتصاددان‌های بانک مرکزی، سازمان برنامه و بودجه، دانشکده‌های اقتصادی کشور را دعوت می‌کنم که تشریف بیاورند حوزه علمیه قم و از مکتب اقتصادی تا علم اقتصادی یک دور دیگری دانش‌آموزی کنند و در دانش خودشان بیفزایند.^{۶۷} فهم ما این است که نمی‌شود مثل چهل سال

۶۶. **ارجاع پرورشی:** «آیت‌الله مکارم شیرازی: در یک کلام می‌توانم بگویم: اگر ما به فقه اسلام بنگریم، می‌بینیم که قسمت عمده مسائل اقتصادی فقهی، همان نظام اقتصادی اسلام، همان الگوهای رفتاری و همان مسائل کاربردی است و بیشترین بخش از اقتصاد اسلامی که در کتاب‌های فقهی ذکر شده، همان الگوهای رفتاری است که هدفی را دنبال می‌کند؛ بنابراین، کسی که با فقه کمترین آشنایی را داشته باشد، شک نمی‌کند که اسلام افزون بر مکتب اقتصادی، نظام اقتصادی نیز دارد»

آیت‌الله حائری: اسلام می‌تواند دارای نظام و علم اقتصاد اسلامی باشد. مقصود ما از نظام، چیزی است که شریعت به آن دستور داده است و مقصود از علم، قانون‌های واقعی است که پس از تقید به چارچوب نظام، خود به خود و بدون اختیار جریان می‌یابد

آیت‌الله گرامی: اینکه می‌گویند: اسلام فقط مکتب اقتصادی دارد و علم اقتصاد ندارد، درست نیست. اسلام علم اقتصاد (روابط علی و معلولی) دارد. گرچه کشف روابط علی و معلولی (علم اقتصاد) به طور کامل برای ما بیان نشده است. مکتب اقتصادی به معنای قوانین نیز دارد که بر اساس آن روابط علی و معلولی (علم)، تنظیم شده است. (»

منبع: مقاله "گستره اسلام در عرصه اقتصاد"، فصل‌نامه اقتصاد اسلامی (زیر نظر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و انجمن اقتصاد

اسلامی ایران)، زمستان ۱۳۸۱، شماره ۸، صفحه ۱۰-۱۲

<http://makarem.ir/main.aspx?lid=&typeinfo=۱&catid=۱۱۳۲۰۹&pageindex=۱&mid=۴۲۰۰۴۱>

۶۷. **ارجاع پرورشی:** «با توجه به وضعیت ناهماهنگ سازمان برنامه و بودجه با اهداف انقلاب اسلامی و عدم قدرت این سازمان در تبدیل آرمان‌های انقلاب اسلامی به احکام برنامه‌ای و عدم فهم بسیاری از کارشناسان آن سازمان محترم از تفاوت‌های توسعه غربی و پیشرفت اسلامی- ایرانی؛ برای حل مشکلات بنیادین آن سازمان معیوب، نکاتی را معروض می‌دارم؛ امیدوارم انتظار معقول تحقق اصلاحات بنیادین در فرایندهای برنامه ریزی کشور آغاز گردد.»

نکته اول اینکه: اشکالات عملکردی و محاسباتی سازمان برنامه و بودجه از زمان تأسیس در ۲۶ بهمن ۱۳۲۷؛ تاکنون در چهار محور ۱- کاربردی نبودن احکام برنامه این سازمان و عدم اجرای بخش عمده‌ای از احکام برنامه‌ای در دوره‌های مختلف (مانند عدم اجرای بخش عمده‌ای از احکام برنامه سوم توسعه ۱۳۸۳-۱۳۷۹)، ۲- عدم تطابق برخی از احکام برنامه‌ای با فقه شیعه (مانند تأکید بر اجرای سیاست‌های کنترل جمعیت از زمان تصویب برنامه دوم توسعه در تاریخ ۲۰ آذر ۱۳۷۳ (۳- عدم تطابق با سیاست‌های ابلاغی امام خامنه‌ای (مانند عدم توجه به مسائلی مانند عدالت اجتماعی و پیوست فرهنگی برای بنگاه‌های اقتصادی در احکام برنامه‌ای) و ۴- عدم تطابق با قانون اساسی کشور (مانند نقض اصل ۱۰ قانون اساسی با موضوع محوریت خانواده در قانونگذاری کشور) طبقه بندی می‌شود و برنامه ریزی برای رفع مشکلات این سازمان باید همه معایب فوق‌الذکر را برطرف نماید.

نکته دوم آنکه: برای اصلاح فرایندهای برنامه ریزی کشور - در گام اول- نیازمند تبیین مبانی نظری و مفهوم پایه پیشرفت اسلامی ایرانی برای کارشناسان محترم آن سازمان هستیم. **توضیح بیشتر اینکه:** در پیشرفت اسلامی، اصل تنظیم روابط انسانی مفهوم مادر محسوب می‌شود و حوزه‌های اصلی تنظیم روابط انسانی در ۱۳ حوزه ۱- تنظیم رابطه انسان با امام؛ ۲- تنظیم رابطه انسان با معلم؛ ۳- تنظیم رابطه انسان با خانواده؛ ۴- تنظیم رابطه انسان با همسایه؛ ۵- تنظیم رابطه انسان با دوست؛ ۶- تنظیم رابطه انسان با دشمن؛ ۷- تنظیم رابطه انسان با طرف کسب؛ ۸- تنظیم رابطه انسان با شریک شغلی؛ ۹- تنظیم رابطه انسان با ابن سبیل؛ ۱۰- تنظیم رابطه انسان با فقیر؛ ۱۱- تنظیم رابطه انسان با یتیم؛ ۱۲- تنظیم رابطه انسان با مهمان و ۱۳- تنظیم رابطه انسان با هم‌سفر، تعریف شده است.

گذشته عمل کرد؛ بعضی بالکل مسئله را به اقتصاددان‌های فعلی تفویض کردن که وضعیتش را
مشاهد می‌کنید. ۶۸

نکته سوم اینکه: تحقق اصل مترقی تنظیم روابط انسانی در کشور نیازمند باز تعریف مفاهیم بخشی و فرابخشی بر اساس این اصل است و همه مفاهیم در بخش‌های مختلف را باید به عنوان پشتیبان این مفهوم مادر تعریف نمود. توضیح بیشتر اینکه: برای تنظیم روابط انسانی نیازمند ۱- تعریف مسکن در قالب دار و اسعه (به جای ساخت مجتمع‌های آپارتمانی)، ۲- تعریف مدیریت شهری به محوریت مفهوم محله (به جای مدیریت شهری منطقه محور)، ۳- تعریف پول و ابزار تبادل به محوریت پول طلا (به جای پذیرش پول اعتباری و رمز ریال)، ۴- تعریف و تثبیت تجارت عامه مردم (به جای حمایت از تجارت سرمایه داران)، ۵- ارائه تعریف جدید از مشاغل برتر (به جای مطلوبیت دادن به مشاغل استخدامی و صنعتی)، ۶- تعریف الگوی جدید برای بهره برداری از مصادیق مختلف انفال مانند: جنگل و زمین (به جای احتکار زمین و ممنوعیت بهره برداری مردمی از منابع طبیعی)، ۷- بازتعریف الگوی آموزش و پرورش به محوریت آموزش یک طبقه بندی جدید در حوزه علم توسط خانواده‌ها (به جای آموزش و پرورش سیستمی بر اساس طبقه بندی بیکنی از علم)، ۸- ارائه تعریف جدید برای ارزیابی در حوزه غذا بر اساس مفاهیم سه گانه قلب، طبع و عضو (به جای ترویج و تولید غذای صنعتی و تراریخته)، ۹- باز تعریف الگوی سلامت کشور به محوریت پیشگیری ساختاری از بیماری (به جای گسترش خدمات درمانی سلول پایه)، ۱۰- باز تعریف نقشه جغرافیایی ارتباطات کلان سیاسی و اقتصادی کشور با محوریت تقویت جبهه مقاومت و گسترش ارتباط با کشورهای منطقه جغرافیایی ظهور (به جای پذیرش نظم استکباری سازمان ملل و نظام سلطه و تقسیم کشورها به دو گروه سلطه پذیر و سلطه گر)، ۱۱- باز تعریف در الگوی کشف و رفع عدم توازن‌های کشور به محوریت تنظیم روابط انسانی به جای الگوی کشف و رفع عدم توازن‌ها به محوریت GDP و... هستیم.

نکته آخر آنکه: شرح تفصیلی مفهوم پایه پیشرفت اسلامی - ایرانی و ایضاً تبیین مفاهیم و نظریات بخشی مرتبط با تنظیم روابط انسانی؛ در گزارش‌های راهبردی شورای الگوی پیشرفت اسلامی منتشر می‌گردد».

حجت الاسلام علی کشوری، ۶ مهر ۱۴۰۱، قم، وبگاه فقه نظام

m-hedayat.blog.ir/۱۴۰۱/۰۷/۰۶

۶۸. **ارجاع پرورشی:** «پیشنهاد می‌کنم لاف‌از باب توسعه مطالعات موضوع شناسی، برخی کتب و مقالات به اصطلاح صاحب نظران اقتصاد آزاد را مطالعه بفرمائید و مصادیق متعدد تعارض اقتصاد آزاد را با احکام و تعاریف فقهی مشاهده کنید. به عنوان مثال جان مینارد کینز در بخشی از مقاله خود می‌نویسد: دست کم باید برای صد سال دیگر برای خود و هرکس دیگر تظاهر کنیم که بدی، نیکی است و نیکی بدی است؛ زیرا بدی مفید است و نیکی نیست. حرص و طمع و ربا و محافظه‌کاری؛ باید هم‌چنان برای یک مدت کوتاه دیگر؛ خدایان ما باشند. زیرا فقط آن‌ها می‌توانند ما را از گذرگاه تاریک اقتصادی به روشنائی روز؛ رهنما شوند. (۱) (مقاله جان مینارد کینز با نام «Economic Possibilities for our Grandchildren» منتشر شده در سال ۱۹۳۰»

For at least another hundred years we must pretend to ourselves and to everyone that fair is foul and foul is fair; for foul is useful and fair is not. Avarice and usury and precaution must be our gods for a little longer still. For only they can lead us out of the tunnel of economic necessity into daylight)

همچنین آدام اسمیت در کتاب ثروت ملل (Wealth of nation) آدام اسمیت (۱۷۲۳-۱۷۹۰)، سال ۱۷۷۶، ص ۱۶) ضمن نفی خیرخواهی به عنوان منشاء حرکت، نفع شخصی را علت تحرک معرفی می‌کند و می‌نویسد: او [انسان] بیشتر موفق خواهد بود اگر بتواند خوددوستی همنوعانش را در راستای منافع خویش جلب کند، و به ایشان نشان دهد که به نفع خودشان است برای او همان کارهایی را انجام دهند که وی به آنها نیاز دارد... ما از سخاوتمندی قصاب و آبجو ساز و نانوا انتظار شام نمی‌کشیم بلکه به جهت التفات آنها به منافعشان انتظار شام داریم. ما خود را نه مخاطب انسان دوستی ایشان بلکه مخاطب خوددوستی شان میدانیم. و با ایشان نه از ضروریاتمان بلکه از منافعشان سخن به میان می‌آوریم...

... this is how we obtain from one another most of the help that we need. We don't expect our dinner from the benevolence of the butcher, brewer, or baker but from their regard for their own interest; we appeal not to their humanity but to their self-love, and talk to them not of our needs but of their advantages.

(آرشیو کتابخانه عمومی و دیجیتال) The Public's Library and Digital Archive لینک کتاب ثروت ملل در کتابخانه
https://www.ibiblio.org/ml/libri/s/SmithA_WealthNations_p.pdf

البته کسانی مذبحخانه تلاش کرده اند تا این تصریحات روشن آدم اسمیت درباره نفع شخصی و خودخواهی را توجیه کنند و گفته اند که خویششن دوستی و ملاحظه منافع شخصی غیر از خودبینی است.

غیر از تصریحات روشنی که در کلمات اقتصاد دانان بازار آزاد برای تئوریزه کردن مُحَرَماتِ همچون ربا، حرص، خودخواهی و ردانل اخلاقی به عنوان محرک بخش اقتصاد وجود دارد؛ در عمل هم اقتصاد آزاد در رفع مشکلاتی مانند فاصله طبقاتی، عدم سلامت غذایی، تخریب محیط زیست، وضع قوانین ناعادلانه و توسعه فقر موفق عمل نکرده است. به عبارت روشن تر اگر شاخصه های ارزیابی اقتصاد خوب را مسائلی مانند تحقق عدالت (كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ^۴ - سوره حشر - آیه ۷)، غلبه مشاغل مستقل نسبت به مشاغل استخدامی (مَنْ أَجَرَ نَفْسَهُ فَقَدْ حَظَرَ عَلَى نَفْسِهِ الرِّزْقَ - کافی جلد ۵)، نزدیکی مکان شغل به محل اسکان خانواده فرد شاغل (إِنَّ مِنْ سَعَادَةِ الْمَرْءِ أَنْ يَكُونَ مَتَجِرُهُ فِي بَلَدِهِ - کافی جلد ۵)، ۳- تولید غذای طیب (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ - سوره بقره - آیه ۱۷۲)، کاهش احتکار و... تحقق شرافت شغلی تعریف کنیم؛ اقتصاد آزاد سرمایه داران زانو صفت در تحقق این امور موفق نبوده است و به همین دلیل نمی تواند مورد تجویز حوزه های علمیه قرار گیرد.

در همین راستا بررسی فقه المکاسب در فضای نظام مقایسه با مکتب نهاد گرانی - که شاکله محتوای آن در ۵ بخش ۱- طبقه بندی فقهی مشاغل، ۲- ویژگی های الگوی تولید در اسلام، ۳- ویژگی های بازار در اسلام، ۴- تبیین شرایط حاکم بر مبادله (به ویژه تبیین کارکرد تسعیر اختیاری) و ۵- تبیین اصل حاکم بر تجارت بین الملل، تنظیم شده است - و - همچنین بررسی الگوی نه بخشی بررسی موضوعات مدرن - می تواند به قضاوت نهائی درباره اقتصاد اسلامی و اقتصاد آزاد کمک و افری کند».

حجت الاسلام علی کشوری، ۱۵ مهر ۱۳۹۸، قم، وبگاه فقه نظام

m-hedayat.blog.ir/۱۳۹۸/۰۷/۱۵

(نکته اول اینکه: ارجاع دادن مردم به تئوری ها و نظریه های پوزیتیویستی در حوزه های اقتصادی، روانشناسی، جامعه شناسی، معماری، پزشکی و... به معنای تکرار تجربه های معیوب کشورهای مدرن در ایران، - مانند: ۱- فاصله طبقاتی و افزایش هزینه های زندگی، ۲- گسترش اختلال های جنسی و روحی و فروپاشی نهاد خانواده، ۳- افزایش جرم و تعداد بالای زندانی نسبت به جمعیت، ۴- افزایش استفاده از سلاح و گسترش قتل و... - است. آیا شما شکست مدرنیته در تنظیم صحیح روابط انسانی و حفظ محیط زیست و حفظ سلامت جسمی و روحی در انسان مدرن را بی ارتباط با علوم مدرن و مفاهیم فلسفی و روشی حاکم بر آن می دانید!؟

آیا شما مفاهیمی مانند حرص و اصل آهنین منافع شخصی، حسد و اصل رقابت، ربا، تکبر، مصرف گرایی طبقاتی، ارزیابی سلامت بر اساس سلول و مولکول های زیستی، مفهوم روشی آزمون و خطا و سایر مفاهیم ناقص حاکم بر علوم مدرن را بی اشکال می دانید؛ که دائما مردم و نخبگان را به استفاده از علوم ساخته شده بر اساس این مفاهیم توصیه می کنید!؟
 نکته دوم آنکه: با توجه به ضرورت اداره امور افراد مبتنی بر علم صحیح، طبقه بندی جدیدی از علم را بر اساس "روش تحقیق مبتنی بر اشراف" در چهار گروه ۱- علوم مرتبط با فقه نظام، ۲- علوم مرتبط با فقه الخلق، ۳- علوم مرتبط با فقه التسبیح و ۴- علوم مرتبط با فقه علوم غریبه - در مقایسه با طبقه بندی بیکنی از علوم - پیشنهاد داده ایم. این طبقه بندی جدید از علم در مسائلی مانند: مدیریت آب، معماری و ساخت مسکن، مدیریت شهری، طب و پیشگیری ساختاری از بیماری، ورزش، روش خیرنگاری، ارزیابی صحیح شخصیت، مدیریت بازار، امنیت، سیاست خارجی و... مشغول تربیت کارشناس طلبه است و آینده ای روشن برای حوزه های علمیه را نوید می دهد. (به فضل الهی)»

حجت الاسلام علی کشوری، ۱۵ فروردین ۱۴۰۲، قم، وبگاه فقه نظام

m-hedayat.blog.ir/post/۹۵۵/علوی-بروجردی

برای آشنایی بیشتر با "فقه المکاسب" به مکتوب این دوره برگزار شده در تاریخ ۲۱ الی ۳۱ شهریور ۱۳۹۸، قم مراجعه نمایید.

من این را به شما عرض کنم در این مناظره یکی دو شب گذشته که برگزار شد^{۶۹} یک نکته خیلی جالب علی‌رغم همه تلخی‌هایی که این مناظره داشت و آن اینکه آقای غنی نژاد به صراحت فرمودند که: اقتصاد سرمایه‌داری مدنظر ایشان بعد از چهارصد سال که از تمدن مدرنیته گذشته است، نمونه عینی ندارد؛ یعنی تو کتاب‌ها و اصلاً افسانه است دیگر. ما هم حرفمان همین است؛ یعنی از آدام

کانال الگوی پیشرفت اسلامی-اینا

eitaa.com/olgou4/3282

۶۹. **ارجاع پردازشی:** «مناظره انجام‌شده در برنامه جهان‌آرا، شبکه افق بین دکتر مسعود درخشان استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی و دکتر موسی غنی‌نژاد استاد اقتصاد دانشگاه صنعتی شریف با موضوع «تأملی در باب نظام اقتصادی ایران» در تاریخ ۴ اردیبهشت ۱۴۰۲.

دکتر غنی نژاد از فارغ‌التحصیلان دانشگاه سوربن و عضو هیئت علمی دانشگاه صنعت نفت بوده است، وی به عنوان استاد مدعو در دانشکده اقتصاد دانشگاه شریف نیز حضور داشته است. غنی‌نژاد مترجم و مولف کتاب‌هایی همچون قانون، قانون‌گذاری و آزادی، آزادسازی و عملکرد اقتصادی اندیشه آزادی، اقتصاد به روایت دیگر، درباره‌هایک و... است.

دکتر مسعود درخشان نیز از فارغ‌التحصیلان مدرسه اقتصاد لندن است که هم‌اکنون به عنوان عضو هیئت علمی در دانشگاه علامه طباطبایی مشغول تدریس است. همچنین از وی به عنوان موسس رشته معارف اسلامی و اقتصاد در دانشگاه امام صادق نام برده می‌شود. او مولف کتاب‌هایی همچون علم اقتصاد یا اقتصاد علم‌نما، سرمایه، سرمایه‌دار و سرمایه‌داری: تأملی بر مفاهیم و ابهامات، نگاهی به مسائل اقتصاد ایران و راهکارهای آن، مشتقات و مدیریت ریسک در بازارهای نفت و اقتصاد سنجی: تک معادلات با فروض کلاسیک اهالی اقتصاد دکتر غنی نژاد را به طرفداری از اقتصاد آزاد و مکتب اتریش می‌شناسند، این در حالیست که دکتر درخشان در زمره اقتصاددانانی است که از دخالت‌های دولت از تنظیم اقتصاد بر اساس آموزه‌های اسلامی در اقتصاد دفاع می‌کند».

apararat.com/v/GcelT

«وَأَمَّا الْمَذْهَبُ الْإِسْلَامِيُّ فَهُوَ لَا يَزْعُمُ لِنَفْسِهِ الطَّابِعَ الْعِلْمِيَّ كَالْمَذْهَبِ الْمَارْكَسِيِّ، كَمَا أَنَّهُ لَيْسَ مَجْرَدًا عَنْ أَسَاسِ عَقَائِدِي مَعَيَّنٍ وَنَظَرَةٍ رَيْسِيَّةٍ إِلَى الْحَيَاةِ وَالْكَوْنِ كَالرَّأْسِمَالِيَّةِ وَنَحْنُ حِينَ نَقُولُ عَنِ الْاِقْتِصَادِ الْإِسْلَامِيِّ إِنَّهُ لَيْسَ عِلْمًا، نَعْنِي: أَنَّ الْإِسْلَامَ دِينٌ يَتَكَلَّفُ الدَّعْوَةَ إِلَى تَنْظِيمِ الْحَيَاةِ الْاِقْتِصَادِيَّةِ كَمَا يَعَالِجُ سَائِرَ نَوَاحِي الْحَيَاةِ، وَلَيْسَ عِلْمًا اِقْتِصَادِيًّا عَلَى طَرَاذِ عِلْمِ الْاِقْتِصَادِ السِّيَاسِيِّ، وَبِمَعْنَى آخَرَ: هُوَ ثَوْرَةٌ لِقَلْبِ الْوَاقِعِ الْفَاسِدِ وَتَحْوِيلِهِ إِلَى وَاقِعِ سَلِيمٍ، وَلَيْسَ تَفْسِيرًا مَوْضُوعِيًّا لِلْوَاقِعِ. فَهُوَ حِينَئِذٍ يَضَعُ مَبْدَأَ الْمَلِكِيَّةِ الْمَزْدُوجَةِ مَثَلًا، لَا يَزْعُمُ بِذَلِكَ أَنَّهُ يَفْسِّرُ الْوَاقِعَ التَّارِيخِيَّ لِمَرْحَلَةٍ مَعَيَّنَةٍ مِنْ حَيَاةِ الْإِنْسَانِيَّةِ، أَوْ يَعْكَسُ نَتَائِجَ الْقَوَانِينِ الطَّبِيعِيَّةِ لِلتَّارِيخِ، كَمَا تَزْعُمُ الْمَارْكَسِيَّةُ حِينَ تَبْشُرُ بِمَبْدَأِ الْمَلِكِيَّةِ الْاِشْتِرَاكِيَّةِ، بَوْصْفِهِ الْحَالَةَ الْحَتْمِيَّةَ لِمَرْحَلَةٍ مَعَيَّنَةٍ مِنَ التَّارِيخِ وَالتَّفْسِيرِ الْوَحِيدِ لَهَا. فَالْاِقْتِصَادُ الْإِسْلَامِيُّ مِنْ هَذِهِ النَّاحِيَةِ يَشْبَهُ الْاِقْتِصَادَ الرَّأْسِمَالِيَّ الْمَذْهَبِيَّ فِي كَوْنِهِ عَمَلِيَّةَ تَغْيِيرِ الْوَاقِعِ لَا عَمَلِيَّةَ تَفْسِيرِ لَهُ. فَالْوِظِيْفَةُ الْمَذْهَبِيَّةُ تَجَاهَ الْاِقْتِصَادِ الْإِسْلَامِيِّ هِيَ: الْكَشْفُ عَنِ الصُّورَةِ الْكَامِلَةِ لِلْحَيَاةِ الْاِقْتِصَادِيَّةِ وَفَقًّا لِلتَّشْرِيْعِ الْإِسْلَامِيِّ، وَدَرَسُ الْأَفْكَارِ وَالْمَفَاهِيمِ الْعَامَّةِ الَّتِي تَشَعُّ مِنْ وَرَاءِ تِلْكَ الصُّورَةِ، كَفِكْرَةِ انْفِصَالِ شَكْلِ التَّوْزِيْعِ عَنِ نَوْعِيَّةِ الْإِنْتِاجِ وَمَا إِلَيْهَا مِنْ أَفْكَارٍ. وَأَمَّا الْوِظِيْفَةُ الْعِلْمِيَّةُ تَجَاهَ الْاِقْتِصَادِ الْإِسْلَامِيِّ فَيَأْتِي دَوْرَهَا بَعْدَ ذَلِكَ لِتَكْشِفَ عَنِ مَجْرَى الْحَيَاةِ الْوَاقِعِيِّ وَقَوَانِينِهِ، وَضَمَّنَ مَجْتَمَعِ إِسْلَامِيٍّ يَطْبُقُ فِيهِ مَذْهَبَ الْإِسْلَامِ تَطْبِيقًا كَامِلًا. فَالْبَاحِثُ الْعِلْمِيُّ يَأْخُذُ الْاِقْتِصَادَ الْمَذْهَبِيَّ فِي الْإِسْلَامِ قَاعِدَةً ثَابِتَةً لِلْمَجْتَمَعِ الَّذِي يَحَاوُلُ تَفْسِيرَهُ وَرَبِطَ الْأَحْدَاثِ فِيهِ بَعْضُهَا بِبَعْضٍ. فَهُوَ فِي هَذَا نَظِيرَ الْاِقْتِصَادِ السِّيَاسِيِّ لِعُلَمَاءِ الْاِقْتِصَادِ الرَّأْسِمَالِيِّينَ، الَّذِينَ فَرَّغُوا مِنْ وَضْعِ وَهَكَذَا يُمْكِنُ أَنْ يَتَّكِنَ لِلْاِقْتِصَادِ الْإِسْلَامِيِّ عِلْمٌ - بَعْدَ أَنْ يَدْرُسَ دَرَسَةً مَذْهَبِيَّةً شَامِلَةً، مِنْ خِلَالِ دَرَسَةِ الْوَاقِعِ فِي هَذَا الْإِطَارِ».

منبع: اقتصادنا، ص ۳۶۱ الی ۳۶۳

lib.eshia.ir/86427/1/363

اسمیت به این طرف هرچه در مورد اقتصاد مطلوب حرف زدند، یک افسانه است. خودشان اقرار کردن که واقعیت خارجی ندارد؛ اقتصاد سرمایه‌داری به معنای رقابت مطلق هیچ جا وجود ندارد. ایشان تأکید کردند [بر این واقعیت]؛ تنها حرف درست ایشان در این جلسه همین بوده است. دیگر نمی‌توانیم مردم را مشغول افسانه‌ها در حوزه اقتصاد کنیم [بلکه] بیاییم اتکا کنیم به گزاره‌های واقعی و با یک نگاه دیگری بحث را پیش ببریم.

۲/۴. پایه‌گذاری دانش فقهی پول بر اساس ۳ رکن تعریفی مبتنی

بر روش تحقیق فقهی؛ ملحق به بحث پذیرش روش تحقیق جدید

مبتنی بر روش تحقیق فقهی ما یک دانش فقهی را برای پول پایه‌گذاری کردیم.^{۷۰} داریم آرام‌آرام وارد بحث دلار می‌شویم. "تعریف پول" از نظر فقه شیعه ۳ رکن تعریفی دارد: اولین رکن، ارکان درونی پول؛ یعنی ویژگی‌هایی که خود پول و ابزار مبادله باید داشته باشد. دومین رکن، ارکان بیرونی پول است؛ یعنی پول از مجموع عوامل بیرونی چه تأثیراتی می‌پذیرد و آن تأثیرات کدام است که باز اینجا سه تا رکن مهم است. سومین قسمت تعریف ما غایت پول است خدای متعال پول را برای چه خلق کرده است. این غایت پول هم بحث مهمی است. حالا اجمالاً عرض می‌کنم.

۷۰. **ارجاع پرورشی:** «مقدمتاً باید عرض کنم که در فقاهت، طبقه بندی و تبویب بحث‌ها یک کار ضروری است و در فقاهت فعلی این کار را به نوعی سلیقه و ذوق فقیه می‌دانند. اما به نظر گاهی تبویب مباحث فقهی به صورت غلط و یا طرح مستقل یک بحث فقهی، باعث ارائه درک غلط از آن موضوع در اذهان می‌شود. مصداق اتم این بحث، ارائه مستقل بحث پول در اسلام و طرح پول طلا به صورت تفکیک شده از سایر حوزه‌های فقهی مرتبط است. به عبارت ساده تر وقتی از پول طلا در تجارت و تبادل به صورت مستقل بحث می‌کنیم؛ این مانند این است که از بحث رکوع در صلاة به نحو مستقل بحث کنیم. در نظریه پول غیر اعتباری، از پول دارای قید مالیت در فضای تبادل بحث می‌کنیم. و از توریزه کردن پول به صورت مستقل پرهیز داریم. اساساً تبادل و تجارت را دارای سه رکن درونی، سه رکن بیرونی و یک رکن غائی می‌دانیم. (هفت سرفصل اصلی) تبادل و تجارت دارای سه رکن درونی، ۱- شکل تبادل یا عقود تبادل، ۲- ارزش‌گذاری اختیاری افراد در تبادل یا تسعیر اختیاری و ۳- ابزار تبادل یا پول دارای قید مالیت است. اثر فنی هر سه رکن درونی تبادل، متعادل کردن شرایط خریدار و فروشنده است. تبادل و تجارت و بالتبع ابزار تبادل، از سه رکن بیرونی ۱- طبقه بندی فقهی مشاغل، ۲- الگوی تولید غیر متمرکز و ۳- الگوی تجارت مردمی متأثر می‌شود. تحقق ارکان بیرونی ثلاث، اصل تبادل را کمأ و کیفأ متحول می‌کند و بالتبع جریان پول غیر اعتباری را در عینیت آسان تر می‌کند و در واقع تعادل در عرضه و تقاضا را برای جامعه به ارمغان می‌آورد. تبادل و تجارت و بالتبع پول، دارای غایتی؛ تحت عنوان "سود ارتباطی" و "تنظیم روابط انسانی" هم می‌باشد. متأسفانه در مکاتب اقتصادی نهاد گرایی و نئوکینزی، غایت تجارت و تبادل در محدوده ایجاد ارزش افزوده محدود می‌شود و به همین دلیل ربا به عنوان تبادلی پرسود به رسمیت شناخته شده است؛ این در حالی است که ربا به اختلال شدید در روابط انسانی می‌انجامد».

حجت الاسلام علی کشوری، ۱۸ مهر ۱۴۰۰، قم، ویگاه فقه نظام

معرفی-سرفصل-های-دانش-فقهی-پول / m-hedayat.blog.ir/post/

۴/۲/۱. ارکان درونی پول شامل شکل تبادل، تسعیر اختیاری و تضمین‌پذیر بودن (غیراعتباری)؛ اولین رکن تعیین‌کننده

۴/۲/۱/۱. شکل تبادل؛ اولین رکن از ارکان درونی تعیین‌کننده تعریف پول

اولاً پول به معنای ابزار تبادل است؛ بنابراین شکل تبادل بر ابزار تبادل مؤثر هست.^{۷۱} در اسلام ما یک سرفصل بحثی داریم تحت عنوان "عقود تبادل" که همان شکل تبادل است. مثلاً شما

۷۱. **ارجاع پرورشی:** «پول، [ابزار] تبادل بین مشاغل است؛ اگر الگوی مشاغل صنعتی را پذیرفتید، تبادل یک بافت پیدا می‌کند؛ تبادل کارخانه به کارخانه است، تبادل بین کارخانه‌های بزرگ در یک منطقه است. اما اگر گفتید: کشاورزی، باغداری، دامداری، خیاطی و ... (که مجموعه شغل‌های وابسته به اینها حدود هزار شغل می‌شود) اینها را اصل دانستید، در اینصورت پول ابزار مبادله بین این مشاغل می‌شود. بافت این مشاغل خُرد است.

دقت می‌کنید؟ اگر شما گفتید مشاغل، صنعتی هستند؛ یک نوع تبادل شکل می‌گیرد. من مثال بزنم تا مساله واضح‌تر بشود. مثلاً یک تاجر یا اُبرتاجری می‌آید نزد یک صاحب کارخانه‌ای و می‌گوید من کل کالای تولیدی تو (مثلاً آب معدنی) در یک سال را خریداری می‌کنم؛ منتها به یک شرط. به شرط اینکه من قیمت بازار را تعیین کنم. (این مساله اتفاق می‌افتد و در بحث‌های دامپینگ (Dumping) مطرح است. دامپینگ در بازارهای بین‌المللی به بازار شکنی یا قیمت شکنی نیز معروف است. به طور کلی واژه‌ی دامپینگ به معنای فروش و یا صادرات یک کالا به کشورهای دیگر با قیمتی پایینتر از قیمت تمام شده می‌باشد) غرضش چیست؟ غرضش این است که می‌خواهد انحصار ایجاد کند. مثلاً کل آب معدنی‌های تولیدی را یکجا خریداری می‌کند، تولیدکننده هم خوشحال می‌شود که یکجا تولیداتش به فروش برود. این آقای هم که خریدار است می‌آید و می‌گوید: هر بطری از آب معدنی به قیمت ۲ هزار تومان. در حالیکه مثلاً فرض کنید ۳ هزار تومان است؛ برای اینکه بقیه را ورشکست کند! وقتی مشاغل کلان می‌شوند دو نفر (واقعا دو نفر!) می‌توانند برای بازار تصمیم بگیرند!

اما اگر شما آمدید گفتید که همه مردم وارد کشاورزی، دامداری، خیاطی و مشاغل مرتبط با آنها بشوند مثلاً فرض کنید برای تامین مساله کشاورزی مساله بذر هم هست، بحث آفت‌کشی هم هست (البته آفت‌کشی به سبکی که ما می‌گوییم، نه به شکل بیولوژیک یا به شکل مواد شیمیایی. هر دوی اینها را ما قبول نداریم. بلکه آفت‌کشی طبیعی)؛ یعنی مشاغل خُرد درست می‌کند. وقتی مشاغل خُرد درست کرد؛ پول ابزار تبادل بین این مشاغل خُرد است. اما ما به چه شکل بحث می‌کنیم؟ هیچکس راجع به بافت مشاغل بحث نمی‌کند؛ لذا بافت مشاغل را استراتژی‌های صنعتی می‌نویسند. الان همین برادر خوب و فاضلمان که در انتخابات بحث می‌کردند، می‌گفتند: چند هزار بنگاه تولیدی احیاء شده است که مثلاً یکی از آنها بنگاه نیشکر هفت تپه است و ... تمام اینها بنگاه‌های بزرگ هستند. وقتی بنگاه‌های بزرگ [در بافت مشاغل اصل واقع] می‌شوند؛ باز تبادل و مسائل اقتصادی به دست چند نفر می‌افتد. برخلاف فرضی که - به تعبیر آیت‌الله خامنه‌ای - برویم به سمت اینکه مشاغل خُرد و مشاغل خانگی و بنگاه‌های کوچک را راه بیندازیم. در اینصورت هزار نفر تولید می‌کنند. وقتی هزار نفر تولید می‌کنند دیگر خیلی سخت است که بتوانی بازار را کنترل کنی. وقتی یک نفر تولید می‌کند، یک نفر هم می‌آید همه تولید وی را می‌خرد و تسلط بر بازار پیدا می‌کند».

حجت الاسلام علی کشوری، مکتوب پول اعتباری ص ۲۴، ۲۵ خرداد ۱۴۰۰، قم

کانال الگوی پیشرفت اسلامی-ایتا

eitaa.com/olgou4/3258

می‌گویید: "عقد مزارعه"^{۷۲}، "عقد مساقات"^{۷۳}، "عقد شرکت"^{۷۴}، "صلح"^{۷۵} یا هر عقدی را که تصور می‌کنید که طرفین باید رضایت بدهند. این اولین رکن تعیین‌کننده پول هست؛ چون ابزار مبادله

۷۲. **ارجاع پرورشی:** (مزارعه در لغت از ریشه (زرع) مصدر باب مفاعله به معنای با همدیگر کاشتن می‌باشد. در اصطلاح عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین زمینی را برای مدت معینی به طرف دیگر می‌دهد که در آن زراعت نمایند و حاصل را تقسیم کنند.

مالک زمین را مزارع و کسی را که زراعت می‌کند، عامل می‌گویند.

در عقد مزارعه لازم نیست مزارع، مالک زمین باشد، بلکه طبق ماده ۵۲۲ قانون مدنی کافی است که مالک منافع زمین باشد، یا این‌که به عنوان ولایت یا قیمومت و یا وکالت حق تصرف داشته باشد و کسانی که به نوعی دارای حق انتفاع مثل رقبی، سکنی و عمری از زمین هستند، ولی خود به دلایلی قادر به کشت و زرع زمین نیستند، می‌توانند به عقد مزارعه روی آورند و از بی‌مصرف ماندن زمین کشاورزی جلوگیری کنند».

منبع: دانشنامه حوزوی ویکی‌فقه

[مزارعه / fa.wikifeqh.ir/](http://fa.wikifeqh.ir/)

۷۳. **ارجاع پرورشی:** (مساقات، معامله‌ای است روی ریشه درختهایی که ثابت و ماندنی است به این ترتیب که تا مدت معینی در برابر حصه‌ای از میوه‌های آنها، آنها را آب بدهد، ... و در مساقات - بعد از شرایط متعاقدين [که عبارتند از: بلوغ و عقل و قصد و اختیار و محجور نبودن به جهت سفاهت در هر دو طرف، و (محجور نبودن) به جهت بی‌پولی در مورد غیر عامل - (شرایط دیگری هم) معتبر می‌باشد:

(یکی) این‌که: عین یا منفعت درختها مملوک باشند و یا آن‌که تصرف شخص متعامل (که درختها را به مساقات می‌دهد) به جهت ولایت و غیر آن، نافذ باشد. و (شرط دیگر) این‌که: درختها نزد آنها معلوم و معین باشند. و (دیگر) این‌که: کاشته شده و پابرجا باشند؛ پس در نهال قبل از کاشتن، و روی ریشه‌هایی که ماندنی نیست مثل (بوته) خربزه و خیار و مانند اینها صحیح نیست. و (دیگر) این‌که: مدت معلوم و مقدارش، بطوری که احتمال کم و زیاد در آن نرود مشخص باشد؛ مانند چند ماه و چند سال (معین). ... و (شرط دیگر) این‌که حصه (هر یک) معین مشاع بین آنها باشد، و به مثل نصف یا ثلث و مانند اینها مشخص شود».

تحریر الوسيلة - ترجمه، ج ۲، ص ۶۱۷

۷۴. **ارجاع پرورشی:** «شرکت عبارت است از این‌که: یک چیز برای دو نفر یا بیشتر باشد. و آن یا در عین است یا دین، یا منفعت، یا حق. و سبب آن گاهی ارث می‌باشد، و گاهی عقد انتقال دهنده... برای شرکت دو سبب دیگر (هم) هست که اختصاص به شرکت در اعیان دارد:

یکی از آنها: حيازت و به چنگ آوردن است؛ مثل وقتی که دو نفر با هم درخت مباحی را از زمین بکنند، یا هر دو (با هم) با یک طرف به یک دفعه از آب مباحی بردارند.

و دومی از آنها: ممزوج شدن است؛ مانند این‌که آب یا سرکه شخصی با آب یا سرکه شخصی دیگر ممزوج شود. چه این ممزوج شدن قهراً باشد یا عمداً یا اختیاراً.

و برای شرکت سبب دیگری (هم) هست و آن این است که: یکی از آنها دیگری را در مال خودش شریک نماید، و به نام تشریک نامیده می‌شود».

تحریر الوسيلة - ترجمه، ج ۲، ص ۵۸۱

۷۵. **ارجاع پرورشی:** «صلح به عقد لازم و مستقل جهت اصلاح میان دو فرد که در معامله و یا واقعه‌ای اختلاف دارند، گفته می‌شود. عقد صلح دو طرف دارد: یکی مصالح و دیگری متصالح؛ کسی که مالی را به عنوان عقد صلح به دیگری می‌دهد اصطلاحاً مصالح و طرف دیگر که این انشا را قبول می‌کند، متصالح گفته می‌شود. وجود اختلاف و لزوم تلطیف ادعای طرفین در صلح از قواعد حاکم بر آن بوده و پایان دادن به نزاع و عدم ثبوت حق شفعه از آثار آن شمار می‌رود. صلح عقدی است که مطلقاً به

شکل تبادل است. اگر شما شکل تبادل در با کردید، این بر پول یک تأثیری می‌گذارد.^{۷۶} اگر مثل امروزه شکل تبادل گسترده بود - این شرکت‌های زنجیره‌ای که در قم هست من گاهی اوقات سری به آنها می‌زنم که نوع فسادشان در جامعه را دقیق تر لمس کنم. بعضی وقت‌ها سؤال از آنها می‌پرسم و می‌گویم: چرا شما فلان کالا را نمی‌آورید؛ می‌گویید ما کالا نمی‌خریم؛ بلکه مسئول خرید داریم که کالا را برای همه ما شرکت‌ها می‌خرد. فرض کنید یک نفر مثلاً برای صد تا شرکت زنجیره‌ای روغن می‌خرد. فرض کنید اگر برای هر فروشگاه زنجیره‌ای بخواهد هزار کیلو بخرد می‌شود صد هزار کیلو یعنی یک قلم [جنس] بخواهد بخرد فقط صد هزار کیلو روغن بخرد؛ سایر اقلام هم به همین منوال. ببینید شکل تبادل الآن بزرگ شده است؛ آن وقت وقتی شما می‌گویید: در این شکل تبادل از ابزار (پول) طلا و نقره استفاده کنیم، می‌گویید: من فقط صد هزار فیلتر روغن می‌خرم چطور از پول طلا و پول نقره استفاده کنم چه جوری این منتقل کنم. وقتی شکل تبادل کلان شده شما نمی‌توانید از ابزار تبادل خودتان استفاده کنید؛ بلکه باید بروید سراغ ابزارهای تبادل جدید.

ایجاب و قبول احتیاج دارد، حتی در جایی که فایده ابراء و اسقاط را بدهد، بنابر اقوی. پس ابراء دین و اسقاط حق اگرچه متوقف بر قبول نمی‌باشند، لیکن وقتی به‌عنوان صلح واقع شوند، متوقف بر قبول می‌باشند. در صلح، [صیغه] خاصی معتبر نیست، بلکه با هر لفظی که تسالم بر امری - از قبیل نقل یا قرارداد بین دو طرف صلح - را برساند، واقع می‌شود. مانند «مصالحه کردم با تو در ازای خانه یا منفعت آن به فلان چیز» یا چیزی که آن را بفهماند. ظاهر آن است که فضولی بودن در صلح، حتی در جایی که به اسقاط دین یا حق تعلق یافته و مفید ابراء و اسقاطی باشد که فضولی در آن‌ها راه ندارد، جاری می‌شود».

منبع: دانشنامه حوزوی ویکی‌فقه

[صلح \(حقوق خصوصی\) / fa.wikifqh.ir/](http://fa.wikifqh.ir/)

۷۶. ارجاع پرورشی؛ نظرات در مورد رعایت یا عدم رعایت عقود شرعی توسط بانک‌ها:

برخی از مراجع تقلید و فضلالی حوزه علمیه قم که به ربوی بودن بهره بانکی و غیره اعتراض‌های بی‌در پی کرده اند عبارتند از: آیات عظام ناصر مکارم شیرازی، حسین نوری همدانی، عبدالله جوادی آملی، جعفر سبحانی، سیدموسی شبیری زنجانی، محمدعلی علوی گرگانی، حسین مظاهری، حائری شیرازی.

آدرس مطلب در خبرگزاری‌های تسنیم و میزان: b2n.ir/reba1 b2n.ir/reba2 b2n.ir/reba3

آیت‌الله نوری همدانی: «ربا، گناه کبیره‌ای است که در اسلام حرام است. اگر در مقابل یک قرض، پول بیشتری گرفته شود، حرام و ربا است و متأسفانه این کار در بانک‌های ما انجام می‌شود.» و «بانک‌ها باید با پرداخت وام به محرومین و مستضعفین کمک کنند. موضوع اخذ دیرکرد از نظر اسلام حرام است و به نوعی ربا محسوب می‌شود و متأسفانه مشکل آن در کشور هنوز حل نشده است.»

آیت‌الله مکارم شیرازی: مشکل دیگر دور زدن قانون بانکداری اسلامی است، بانک‌ها به بهانه‌های مختلف کلاه درست می‌کنند و قانون را دور می‌زنند. مشکل اصلی در اجرای قانون است، باید به مردم آموزش داد، وگرنه روی کاغذ قانون درست کنیم ارزشی ندارد، باید هم قانون اصلاح شود هم ضمانت اجرایی داشته باشد تا شاهد برچیده شدن مشکلات در حوزه بانکداری شویم. ریشه اصلی بانک از غرب آمده و ما می‌خواهیم اصلاح کنیم، ولی می‌بینیم جای دیگر خراب می‌شود.»

خبرگزاری ایسنا / کد خبر: ۹۵۱۱۲۶۱۸۷۰۹

آیت‌الله مکارم: رباخواری بانک‌ها مسلم است.

خبرگزاری مشرق / کد خبر ۸۱۳۵۸۹

یکی از اشکالاتی که دوستانی معتقد به "پول طلا" به آن توجه نمی‌کنند همین است که شکل تبادل در دنیای امروز بزرگ شده شما چطوری در شکل تبادل بزرگ می‌خواهید از ابزار پول واقعی استفاده کنید؛ باید از همین حواله‌جات استفاده کنید. عیب حواله‌جات هم این است که ارزششان قابلیت مدیریت دارو و کم‌وزیاد می‌شود. پس بر ابزار تبادل شکل تبادل مؤثر است.^{۷۷}

"تسعیر" اصل دوم تبادل است. وقتی شما دارید بین خریدار و فروشنده یک [نوع] تبدالی را توصیه می‌کنید (به اصطلاح فقهاء بین بایع و مشتری) شما حق ندارید برای آنها قیمت‌گذاری کنید. در روایتی است از نبی مکرم اسلام درباره یک مورد گران‌فروشی که تقاضا کردند از حضرت که در قیمت‌گذاری دخالت کنند؛ حضرت نفرمودند: من دخالت نمی‌کنم [بلکه] کردند تقاضاکنندگان توبیخ نیز کردند و فرمودند: در شریعت محمد تسعیر وجود ندارد.^{۷۸} در روایت

۴/۲/۱/۲. تسعیر
اختیاری؛ دومین
رکن از ارکان درونی
تعیین‌کننده تعریف
پول

۷۷. **ارجاع پرورشی:** «خیلی مهم است که شما بگویید پول طلا در چه زمینی عمل می‌کند. عرض بنده این است که اصلاً پول طلا در زمین مشاغل مردمی، بنگاه‌های خرد و بنگاه‌های کوچک طراحی شده است. شارع مقدس چون قبل از بحث از پول، بحث از طبقه‌بندی مشاغل را مطرح کرده است؛ پول در زمین طبقه‌بندی مشاغل عمل می‌کند. طبقه‌بندی مشاغل در اسلام به یک شکلی است که می‌رود به سمت ایجاد بنگاه‌های خرد و کوچک. تعبیر فنی‌ای آیت‌الله خامنه‌ای در این ایام داشتند. می‌فرمودند: «من که تاکید می‌کنم روی بنگاه‌های کوچک یعنی ده‌ها میلیون آدم درگیر تولید بشوند.» در حالیکه وقتی شما می‌روید به سمت آبرینگاه‌ها و آنها را راه می‌اندازید، یک عده معدودی درگیر تولید می‌شوند. حتی با این ایده جزائر اتوماسیون و ایده‌هایی که می‌خواهند ژبات و هوش مصنوعی را جایگزین کنند به دنبال این هستند که اصلاً آدم‌ها را از فرایند تولید حذف کنند، یا نقش آدم‌ها را کم‌رنگ کنند. خیلی مهم است که درک شما از ایجاد شغل و طبقه‌بندی مشاغل در جامعه چیست؟ پس پول طلا و پول دارای مالیت، تبادل در بخش کشاورزی‌ای که مردمی است می‌باشد. تبادل در بخش دامداری است، تبادل در بخش باغداری و میوه و سبزیجات و ... است، تبادل در بخش خیاطی و لباس و ... است. حدود هزار شغل است. و این کم نیست! من آمار مشاغل را که نگاه می‌کردم [دیدم که] ما الان با الگوی مشاغل فعلی و با نگاه صنعتی که وجود دارد حدود ۴-۵ هزار شغل داریم. ولی با الگوی بنگاه‌های کوچک و مشاغل خرد حدود هزار شغل اصلی پیدا می‌کنیم. آنوقت این هزار شغل نیاز به تبادل دارند؛ و دیگر تبادل در اینصورت خیلی سخت نیست. در حالیکه شما وقتی می‌آید بحث پول طلا را مطرح می‌کنید؛ ذهنیت مخاطب شما تجارت فلان آبرشرکت صنعتی است با فلان آبرشرکت صنعتی. همه کاندیداها و نامزدهای محترم ریاست جمهوری بر فرض این نوع تبادل داشتند در ایام انتخابات بحث می‌کردند. فقط یک کسی می‌گفت "تراز تجاری اروپا" باشد، دیگری می‌گفت "تراز تجاری کشورهای همسایه" ما باشد. در حالیکه حرف اصلی اقتصادی ما این است که شما باید یک طبقه‌بندی مشاغل دیگری را ارائه کنید. آینده ایران نه اینکه صنعت ندارد؛ بلکه بخش اصلی مشاغل آن مشاغل صنعتی نیستند. بخش اصلی مشاغلش در همین پنج شغلی است که عرض کردم. خب؛ فایده این نوع طبقه‌بندی چیست؟ فایده‌اش سلامتی غذایی است، فایده‌اش این است که در فرایند تولید همه دارند سود می‌برند، یعنی دیگر نظام برده‌داری به اسم تولید راه نمی‌افتد! این یک بحث».

حجت الاسلام علی کشوری، مکتوب پول اعتباری ص ۲۴ و ۲۵، ۲۵ خرداد ۱۴۰۰، قم

کانال الگوی پیشرفت اسلامی-ایتا

eitaa.com/olgou/۳۲۵۸

۷۸. **ارجاع پژوهشی:** حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادِ بْنِ جَعْفَرٍ الْهَمْدَانِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ: مَرَّ رَسُولُ اللَّهِ - بِالْمُخْتَكِرِينَ فَأَمَرَ بِحُكْرَتِهِمْ أَنْ يُخْرَجَ إِلَى بُطُونِ الْأَسْوَاقِ وَ حَيْثُ تَنَظَّرُ الْأَبْصَارُ إِلَيْهَا فَيَقِيلُ لِرَسُولِ اللَّهِ - لَوْ قَوْمَتْ عَلَيْهِمْ فَغَضِبَ - حَتَّى عُرِفَ الْغَضَبُ فِي وَجْهِهِ وَ قَالَ أَنَا

هست که آقا امیرالمؤمنین - که مدیریت اقتصادی‌شان را توصیف می‌کند - فرمودند: «مَا سَعَرَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَيَّ أَحَدٌ»^{۷۹} حضرت هیچ وقت قیمت‌گذاری نکردند [بلکه] قیمت‌ها را بر عهده خود مردم گذاشتند. پس وقتی شما دارید راجع به پول و تبادل بحث می‌کنید؛ چه مقدار پول دادن و گرفتن در برابر یک کالا قیمتش فقط در اختیار خریدار و فروشنده است. در روایات ما این مسئله مسلم است.^{۸۰}

أَقْوَمَ عَلَيْهِمْ؟ إِيَّامَا السُّعْرِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ يَرْفَعُهُ إِذَا شَاءَ وَيَخْفِضُهُ إِذَا شَاءَ وَ قِيلَ لِرَسُولِ اللَّهِ - لَوْ أَسَعَرْتَ لَنَا سِعْرًا فَإِنَّ الْأَسْعَارَ تَرِيدُ وَ تَنْقُضُ فَقَالَ - مَا كُنْتُ لِأَلْفَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ يَبْدَعُهُ لَمْ يَحْدِثْ لِي فِيهَا شَيْئًا فَدَعَا عِبَادَ اللَّهِ يَا كُلُّ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ. پیامبر خدا- از کنار محتکرین عبور کرد پس به آنان امر فرمودند که آنچه احتکار کرده‌اید را به بازار ببرید و چون چشم مردم به آن کالاها افتاد به پیامبر- گفته شد: ای کاش بر اینها قیمت‌گذاری می‌کردید! پس حضرت ناراحت شدند به حدی که غضب در چهره ایشان نمایان شد و [با تعجب] فرمودند: من بر اینها قیمت‌گذاری کنم؟! همانا قیمت با خداوند است هرگاه بخواهد بالا می‌برد و هرگاه بخواهد پایین می‌آورد. گفته شد: کاش یک قیمتی برای ما مشخص می‌کردید؛ زیرا قیمت‌ها بالا و پایین می‌آیند! فرمود: من چنان نیستم که خدا را دیدار کنم در حالی که بدعتی نهاده‌ام که او مرا در آن مُجاز نفرموده است. پس اجازه دهید که بندگان خدا از [داد و ستد با] یکدیگر روزی بخورند.

التوحيد عليهم السلام للمصدق)، ص ۳۸۸

برای اطلاع از "ادله روایی و نظرات فقها در باب تسعیر اختیاری" به "پیوست ۳" مراجعه فرمایید.

۷۹. **ارجاع پژوهشی:** وَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ التَّسْعِيرِ فَقَالَ مَا سَعَرَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَيَّ أَحَدٍ وَ لَكِنْ مَنْ نَقَضَ عَنْ بَيْعِ النَّاسِ قِيلَ لَهُ بَعْ كَمَا يَبِيعُ النَّاسُ وَ إِلَّا فَارْفَعْ مِنَ السُّوقِ إِلَّا أَنْ يَكُونَ طَعَامُهُ أَطِيبَ مِنْ طَعَامِ النَّاسِ»؛

از امام صادق علیه‌السلام درباره نرخ گذاری سوال شد. امام علیه‌السلام فرمود: «امیر مؤمنان علیه‌السلام برای احدی نرخ گذاری نکرد، بلکه هرکس [در برابر پول مساوی] جنس کمتری به مردم می‌داد، به وی گفته می‌شد: همانند دیگران بفروش و در غیر این صورت از بازار بیرون برو مگر آن‌که مواد خوراکی او مرغوب‌تر از دیگران باشد».

دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۳۶ / جامع احادیث الشیعة، ج ۲۳، ص ۳۴۸

۸۰. **ارجاع پرورشی:** «یک روایت در دعائم است که می‌فرماید «عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ التَّسْعِيرِ» از حضرت راجع به تسعیر سؤال پرسیدند ایشان جواب دادند که «فَقَالَ مَا سَعَرَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَيَّ أَحَدٌ» حضرت هیچگاه قیمت بر کالای هیچ کسی تعیین نکردند. امیرالمؤمنین علیه‌السلام که حاکم جامعه بودند، «ما سَعَرَ» به این سمت نرفتند که بر کالای کسی قیمت بگذارند «وَ لَكِنْ مَنْ نَقَضَ عَنْ بَيْعِ النَّاسِ قِيلَ لَهُ بَعْ كَمَا يَبِيعُ النَّاسُ وَ إِلَّا فَارْفَعْ مِنَ السُّوقِ» اگر کسی نقص در بیع ایجاد می‌کرد، کارگزاران حضرت به او می‌گفتند تو هم مانند مردم که بیع می‌کنند، بیع را انجام بده و اگر نمی‌خواهی با مردم بیع کنی، از بازار بیرون برو. از این عبارت پیداست حضرت این سخن را درباره بازارهای موقت مطرح می‌کردند و الا اگر مسئله درباره بازار ثابت بود - چون در بازار ثابت مالکیت برای شخص وجود دارد - معنا نداشت. البته اگر کسی مبیع متفاوتی داشت و طعامش هم «اطیب» بود و از دیگران بهتر بود، حضرت ایرادی نمی‌گرفتند لذا روایتی یک استثنا می‌دارد «إِلَّا أَنْ يَكُونَ طَعَامُهُ أَطِيبَ مِنْ طَعَامِ النَّاسِ» گاهی وقت‌ها کسی کالای ویژه‌ای را در بازار می‌آورد و می‌فروشد و آن کالا طبیعتاً ممکن است قیمت بیشتری داشته باشد.

امیرالمؤمنین علیه‌السلام ورودی به مسئله قیمت‌گذاری در مسئله بازار نداشتند، اما عبارتی در نامه ۵۳ نهج‌البلاغه وجود دارد که بعضی در این عبارت دقت کافی به خرج ندادند و آن را بر «تسعیر» حمل کردند؛ در حالی که این عبارت در مسئله احتکار ظهور دارد؛ امیرالمؤمنین علیه‌السلام در نامه‌شان به جناب مالک اشتر می‌فرمایند: «وَ أَسْعَارٍ لَا تُجْحِفُ بِالْفَرِيقَيْنِ مِنَ الْبَائِعِ وَ الْمُتَبَاعِ»

روایات سنداً و دلالتاً قابلیت خدشه ندارد؛ اما بعضی در تطبیق این روایت بر شرکت‌های خصوصی دچار اشکال شده‌اند. مثلاً فرض بفرمایید شما شرکتی معیوب و ضررده و ناکارآمدی به اسم ایران خودرو و سایا دارید (حقیقت امر این است دیگر)، [آقایان] می‌گویند: بگذارید ایران خودرو و سایا خودشان [بدون دخالت طرف سوم] با مشتریانشان در زمینه قیمت به توافق برسند (شورای رقابت ورود پیدا نکند). متأسفانه بعضی از فقهای ما این حرف‌ها می‌زنند^{۸۱} و

۴/۲/۱/۲/۱. عدم تطبیق روایات تسعیر اختیاری بر شرکت‌های خصوصی به دلیل عدم تطبیق مردمی بودن بر اینها

علیهم السلام نهج البلاغه، ص ۴۳۸)) قیمت را طوری مدیریت کن که به خریدار و فروشنده اجحاف نشود؛ بعضی خواستند از این روایت این‌طور استفاده کنند که امیرالمؤمنین علیه السلام در مواردی خواستند تسعیر کنند؛ در حالی که با حرف «فاء» که دال بر نتیجه است، حملی بر این عبارت اول شده که معلوم می‌شود قضیه درباره احتکار است و اصلاً مسئله تسعیر مطرح نیست؛ در ادامه نامه این‌طور آمده که «فَمَنْ قَارَفَ حُكْرَةَ بَعْدَ نَهْيِكَ إِيَّاهُ فَتَكَلَّ بِهِ وَ عَاقِبَهُ فِي غَيْرِ إِسْرَافٍ» (وقتی دیدی برخی بعد از اینکه از احتکار نهی کردی، دوباره به سمت احتکار رفتند و از طریق احتکار خواستند اسعار علیه السلام قیمت‌ها) را تغییر دهند، آنان را عقوبت کن ولی مواظب باش در مجازات زیاد روی نکنی)؛ بنابراین اینجا بحث کنترل قیمت‌ها در بازار از طریق منع احتکار انجام شده نه از طریق قیمت‌گذاری مستقیم. به هر حال بر اساس روایتی که به محضران عرض کردم، امیرالمؤمنین علیه السلام هیچ موقع به مسئله تسعیر ورود نداشتند.

روایت دیگری در کتاب «من لا يحضره الفقيه» است و البته در بعضی اصول روایی دیگر به نحو تفصیلی مطرح شده است: «وَ قِيلَ لِلنَّبِيِّ لَوْ سَعَّرْتَ لَنَا سِعْرًا فَإِنَّ الْأَسْعَارَ تَرِيدُ وَ تَتَّقُضُ» به حضرت عرض کردند ای کاش قیمت کالاها را برای ما معلوم می‌کردی، چون قیمت‌ها دائماً بالا و پایین می‌رود و این شرایط را بر ما سخت کرده است «فَقَالَ مَا كُنْتُ لِأَلْقَى اللَّهَ تَعَالَى بِيَدَعَةٍ لَمْ يُحَدِّثْ إِلَيَّ فِيهَا شَيْئًا» حضرت فرمودند: «من نمی‌خواهم خدا را در حالتی ملاقات کنم که بدعتی در دین گذاشته باشم، خدای متعال در قیمت‌گذاری چیزی به من ابلاغ نکردند» «فَدَعُوا عِبَادَ اللَّهِ يَأْكُلُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ» بعد فرمودند: «مردم را رها کنید، بگذارید از یکدیگر نفع ببرند» تعبیر حضرت این‌طور است که «يَأْكُلُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ» دو طرف معامله باید طوری باشد که نفع ببرند و باید اجازه داد تا خودشان این مسئله را مدیریت کنند. با استظهار به این دو روایتی که به محضر شما عرض کردم و با توجه به دیگر روایاتی که در این موضوع هست، فقهای عظام شیعه، مسئله تسعیر اولیه را به اجماع تحریم کردند. ما نمی‌توانیم مسئله قیمت‌گذاری در کالا را با حکم اولیه بپذیریم».

حجت الاسلام علی کشوری، مکتوب فقه المکاسب ص ۱۸، ۵۳ الی ۵۵ شهریور ۱۳۹۸، قم

کانال الگوی پیشرفت اسلامی-ایتنا

eitaa.com/olgou4/3282

برای اطلاع از "ادله روایی و نظرات فقها در باب تسعیر اختیاری" به "پیوست ۳" مراجعه فرمایید.

۸۱. **ارجاع پردازشی:** «خوش‌بختانه در دولت فعلی، که ان‌شاءالله در دولت بعد هم ادامه پیدا کند، کسانی سر کار آمدند که اقتصاد را می‌فهمند. اقتصاد علم است. حتی من گاهی گفته‌ام با تعبیر «اقتصاد اسلامی» مخالفم. چون اقتصاد اسلامی همان اقتصاد عقلایی است. مباحث اقتصادی ما محدود است و بیش از ۲۰ موضوع نیست که در آنها حکم تأسیسی داده‌ایم. در بقیه موضوعات، حکم امضایی است. یعنی نگاه می‌کنیم و می‌بینیم که سیره عقلایی چگونه نگاه می‌کند. اگر با عموماً و اصلاحات ما منافات نداشت امضا می‌کنیم و بدین ترتیب مشمول تأیید شرع می‌شود. منظور از عقلاً چیست؟ عقلای عالم روش‌های اقتصادی شناخته‌شده مقبولی پیش همگان دارند که مجموع آنها اقتصاد عقلایی می‌شود. شرع هم همین را می‌گوید. اسلام هم همین را می‌گوید. اقتصاد عقلایی اقتصاد آزاد است نه اقتصاد کمونیستی. باید به این نکته توجه داشته باشیم که ما اشتباه‌های بسیاری در میان حوزویان و حتی در سطح کتاب‌ها داشته‌ایم. در برهه‌ای از تاریخ معاصر ما با کمونیست‌ها و مجاهدین خلق مواجه بودیم و برای اینکه به آنها بگوییم مترقی هستیم حرف‌هایی تندر از آنها می‌زدیم و به نام اسلام می‌گذاشتیم. این دوره دیگر گذشته است. خدا آقای شیخ محمدباقر صدر را رحمت کند. بخشی از حرف‌هایی که ایشان در اقتصاد زدند صحیح نیست. امروزه نمی‌توان گفت زمین مالکیت‌بردار نیست. آن دوره دیگر گذشت. در وضعیت فعلی نه کاری به کمونیست‌ها داریم و نه به

می‌گویند: ببینید الان حرمت تسعیر می‌گوید که دولت نباید در قیمت مثلاً پراید دخالت کند (بگذار [شرکت مالک] پراید [را] پانصد میلیون، ششصد میلیون - که حالا با این قیمت احتمالاً به یک میلیارد هم برسد - قیمت‌گذاری کند و باید خود مردم [با اینها] به توافق برسند)؛ اینها توجه ندارند که شرکت‌های خصوصی بزرگ (کارتل‌های بزرگ) خودشان نوعی دولت هستند (مردم نیستند). آن چیزی که موضوع روایت [حرمت] تسعیر است مردم با مردم است؛ شما اسم یک دولت جدید را "بخش خصوصی" و مردم گذاشتید. ما با نام‌گذاری (تغییر نام‌گذاری) نمی‌توانیم ماهیت بحث‌ها را عوض می‌کنیم؛ حضرت تو بازار خردی که واقعاً طرف یک کشاورز بود یا یک طرف کالایی را تولید کرده و می‌آورد در بازار به یک مشتری می‌فروخت، در آنجا فرموده‌اند قیمت‌گذاری نکنید (ورود پیدا نکنید).^{۸۲} ما حاصل عرض بنده این شد که یعنی ما تسعیر شورای

سوسیالیست‌ها. ما اقتصاد عقلایی می‌خواهیم. اقتصاد ما سوسیالیستی و کمونیستی نیست. اقتصاد بازار آزاد است. ما مدافع رقابت آزاد هستیم. در روایات ما این مسئله هست که حق نداریم تعیین نرخ کنیم. رقابت بازار باید نرخ را تعیین کند. اینها در روایات ما هست. دیگر به چه زبانی باید بیاند اقتصاد آزاد را بیان کنند؟ این اقتصاد عقلایی است. لذا کسی که وارد این عرصه شود باید نظریات خودش را کنار بگذارد و آنها را به اسم اسلام ترویج نکند. باید به نظرات عقلایی اقتصادی در دنیا توجه کنیم. در اقتصاد امروز تورم، رکود، پول، اسکناس و ... هر کدام جای خودش را دارد. امروزه بعضی از سرپرستان بانک‌ها می‌گویند پول یا تعداد اسکناسی که گرفته‌اید از نظر ما موضوعیت ندارد، بلکه ارزش آن پول مهم است. لذا اگر مبلغی گرفته‌اید و ۲۰٪ سود داده‌اید ولی تورم ۶۰٪ بوده است شما ضامن هستید که ۲۰ درصد دیگر را نیز برگردانید، که تازه اصل پول تأمین شود. یعنی ارزش آن پول را لحاظ می‌کنند نه تعداد اسکناس‌ها را...».

منبع: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حجت‌الاسلام علوی بروجردی

alaviboroujerdi.ir/ID/265/اخبار-و-بیانات

۸۲. **ارجاع پرورشی:** «وقتی تولید به نحو متمرکز مدیریت شود، یعنی صنایع غذایی به وجود بیاید که آن صنایع غذایی، همه تولید غذا را متکفل شوند، آن وقت جامعه به سمت تمرکز می‌رود. مثلاً تنها چند شرکت تولیدی برای روغن خواهید داشت و سایر اقلام هم به همین شکل می‌شود. حال سؤال اینجاست وقتی تولید این‌طور متمرکز می‌شود، اختیار قیمت‌گذاری به دست چه کسی می‌افتد؟ [جواب این است که] در این صورت قیمت‌ها به دست تولیدکنندگان می‌افتد. اصل قیمت‌گذاری را اساساً کارخانه تولیدکننده تعیین می‌کند و این واسطه‌هایی که در میان هستند و می‌خواهند خرده‌فروشی کنند، اصلاً اختیار قیمت‌گذاری را به نحو گسترده در اختیار ندارند. اگر از قیمتی که به آن‌ها ابلاغ شده، تخطی کنند، شرکت تولیدکننده، پشتیبانی این توزیع‌کنندگان را تعطیل می‌کند. اساساً تسعیر در فضای تولید متمرکز در خیلی از موارد، فرض وقوع ندارد؛ چون شرکت تولیدکننده، قیمت را به نحو یک‌طرفه و تنها با محاسبه سود خودش تعیین می‌کند. وقتی تولید متمرکز می‌شود، باعث جلوگیری از تسعیر اختیاری می‌شود. هکذا وقتی توزیع و بازرگانی متمرکز می‌شود، این اتفاق می‌افتد. فرض بفرمایید در یک میوه‌ای مثل موز که بخش عظیمی از آن وارداتی است یا در موضوع نهاده‌های دامی که بخش عظیمی از نهاده‌های دامی را وارد می‌کنیم، می‌بینیم تنها دست یک یا چند تاجر در میان است! آن‌ها هستند که این کار را متکفل می‌شوند؛ بنابراین آن تاجر عمده‌ای که به نحو متمرکز مسئله را مدیریت می‌کند، به صورت یک‌طرفه به سمت قیمت‌گذاری می‌رود و این‌طور نیست که «يَأْكُلُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ» اتفاق بیافتد، یعنی طرفین دخالت در قیمت‌گذاری داشته باشند.

بنابراین حرف ما این است که وقتی شما تولید و بازار و توزیع را در فضای متمرکز می‌پذیرید، عملاً زمینه و فرض تسعیر اختیاری از بین می‌رود. فرض تسعیر اختیاری در جایی است که طرف مشتری هم به قیمت راضی بشود. الآن طرف مشتری به این قیمت مجبور است، چون کالا فقط توسط این تولیدکننده متمرکز و این تاجر بزرگ تأمین می‌شود و او هرچه بگوید [همان است]؛ یا مشتری باید از کالا عبور کند و چون به آن نیاز دارد نمی‌تواند عبور کند و یا باید همین قیمت را بپذیرد. بنابراین فرض تسعیر اختیاری در اینجا منتفی است. در چنین فرضی در دنیای مدرن حکومت‌ها در قالب شورای رقابت - با اسم‌های امروزی و یا

رقابت^{۸۳} را بپذیریم؟ خیر آن را هم نمی‌پذیریم. پس باید چه کار کرد؟ باید کلاً فضای اقتصاد را به سمت اقتصاد تولید غیر متمرکز برد؛ حتی در تولید خودرو هم می‌شود این کار را کرد. اساساً این را بدانید (این خلاصه بیست سی سال مطالعه ما حوزه اقتصاد است؛ من در یک جمله عرض می‌کنم) بخش خصوصی همان دولت است؛ مردم نیست. وقتی پنجاه به علاوه یک سرمایه‌داران اختیار یک شرکت بزرگ را در دست می‌گیرند، عین دولت عمل می‌کنند؛ مردم با مردم نیست که شما تسعیر را امضاء کنید. پس این نکته هم باید توجه کرد.^{۸۴}

ممکن است که اسم‌های دیگری نیز داشته باشد- ورود پیدا کرده و طرف مشتری یا فروشنده را می‌گیرند. بستگی به نظر واسطه سوم و نماینده حکومت دارد.

بنابراین حرف ما این است که در فضای تولید متمرکز موضوع تسعیر منتفی شده و فرض وقوع ندارد. این یک بحث بود که خواستم خدمت شما مطرح کنم که وقتی می‌گویید قرار است حکم مترقی تسعیر در جامعه اتفاق بیافتد، در فضای تولید متمرکز و بازار متمرکز فرض این مسئله منتفی است. بنابراین فوایدی که بر تسعیر اختیاری بار است در فضای استراتژی‌های صنعتی و اقتصاد سرمایه‌داری مرتفع می‌شود».

«تعریف دقیق‌تر برای اصطلاح «بخش خصوصی» - به تعبیر مرحوم سید منیر - همان خان‌های سابق هستند. خان‌های سابق در هر منطقه یک نفر بودند و کار خان هم به صورت ساده این بود که ابتدا سود خود را حساب می‌کرد و بعد هم اگر چیزی می‌ماند به نوکرها، مردم و رعیت، سودی می‌رساند ولی اصل، سود خودش بود. مرحوم سید منیر حرف خوبی زده، ایشان می‌گفتند: در بخش خصوصی، بخش‌های مختلف دارای خان شده‌اند! به این صورت که هر بخشی خانی دارد که ابتدا سود خودش را محاسبه می‌کند و بعد سود دیگران را می‌دهد. مثلاً فرض بفرمایید سازمان آب را به بخش خصوصی واگذار می‌کنند، عده‌ای هم می‌آیند این تشکیلات را می‌خرند. آن‌ها ابتدا سود خودشان را محاسبه می‌کنند و بعد هم فیش‌های آب را طوری صادر می‌کنند که سود خودشان تأمین شود! لذا واقعیت بخش خصوصی که خیلی هم در اقتصاد سرمایه‌داری از آن تعریف می‌شود، همان خان و خان‌بازی مذمومی است که همه می‌دانیم چه مفاسدی دارد و حیث آن هم این است که ابتدا باید سود سرمایه‌دار لحاظ شود و بعد هم سود عموم مردم داده شود؛ در حالی که مسئله در فقه اسلامی، برعکس است و شما باید سود عامه را بر سود جریان خاص حاکم کنید. در توصیه‌های امیرالمؤمنین علیه السلام به والیان نشان و در بعضی دیگر از روایات، این مسئله زیاد بحث شده است».

حجت الاسلام علی کشوری، مکتوب فقه‌المکاسب ص ۱۶۲ و ۱۶۳، ۵۵ الی ۵۷ شهریور ۱۳۹۸، قم

کانال الگویی پیشرفت اسلامی-ایتا

eitaa.com/olgou4/3282

۸۳. **ارجاع پرورشی:** مطابق با بند ۵ ماده ۵۸ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، شورای رقابت موظف است که برای بازارهایی که انحصاری می‌باشند دستورالعمل تنظیم قیمت را صادر کند. بند ۵ ماده ۵۸ اصل ۴۴ به این شرح است: «تصویب دستورالعمل تنظیم قیمت، مقدار و شرایط دسترسی به بازار کالاها و خدمات انحصاری در هر مورد با رعایت مقررات مربوط».

منبع: وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی

yon.ir/ykPMw

۸۴. **ارجاع پرورشی:** «بعضی از آقایان به استظهار روایات تسعیر اختیاری این بحث را مطرح کرده‌اند که ما نباید حکومت را در مسئله قیمت‌گذاری دخالت بدهیم؛ ولی به این مسئله توجه نکرده و توجه نداده‌اند که بازار اسلام و الگویی تولید اسلام، یک بازار و الگویی تولید غیر متمرکز است، برخلاف وقتی که اصل رقابت حاکم است و موجب تمرکز در بازار می‌شود. الان ما در بازار

موجوداتی را داریم که نام آن‌ها را سلطان می‌گذاریم، این موجوداتی که در ادبیات محاوره‌ای به سلطان تعبیر می‌شوند در واقع حاکم بر بازار هستند. آیا می‌توانیم بگوییم یک طرف مبادله یک سلطانی باشد که فقط سود خودش را در نظر می‌گیرد - مثلاً سلطان شکر، سلطان موز، سلطان قیر و سلطان‌های مختلف - و بعد در یک طرف هم مردم مستضعف باشند؟ الآن شما در حوزه تولید چند برند خاص دارید که به نحو جهانی تولید می‌کنند؛ آیا این‌ها باید تعیین‌کننده قیمت باشند؟ اگر شما فرض تمرکز در تولید و توزیع را پذیرفتید - حالا به شکل‌های مختلف آن مانند فروشگاه‌های زنجیره‌ای یا مگامال‌ها و هایپرمارکت‌ها پذیرفتید - اساساً زمینه تسعیر از بین می‌رود. لذا راهش این نیست که شورای رقابت ورود پیدا کرده و قیمت‌گذاری کند؛ البته این حرف از این باب نیست که ما قیمت‌گذاری به دست سلاطین حوزه تجارت و تولید را تأیید می‌کنیم، بلکه از این باب توصیه می‌کنیم که باید به سمت عدم تمرکز در تولید و توزیع برویم که ادله آن را بعداً بحث می‌کنم. لذا مسئله تسعیر اختیاری از غرر توصیه‌های پیامبر اکرم است و اگر نباشد تعادل بازار به هم می‌ریزد؛ ولی باید توجه کنید که تسعیر، مبتنی بر عدم تمرکز است و در فضای تمرکز باید توصیه‌های دیگری داشت که توصیه‌های ما غیر از توصیه‌هایی است که الآن در اقتصاد یا در قوانین مجلس شورای اسلامی حول مسئله رقابت مطرح شده است».

حجت الاسلام علی کشوری، مکتوب فقه‌المکاسب ص ۱۸، ۲۱ الی ۳۱ شهریور ۱۳۹۸، قم

کانال الگوی پیشرفت اسلامی-ایتا

eitaa.com/olgou/۳۲۸۲

«مثلاً یکی از فوایدی که در مسئله تسعیر اختیاری مطرح است، تمرین روزانه مناسب تقدیر و به تعبیر ساده‌تر تمرین روزانه اخلاق است. در یک فرض تسعیر اختیاری جریان دارد و گفته می‌شود که طرفین خرید و فروش قیمت‌گذاری کنند ولی وقتی به باطن قضیه نگاه می‌کنید می‌بینید که شریعت مقدس مطرح کرده است که مثلاً «غش» در معامله نباید باشد (مامقانی: غش به فتح «غ») مصدر، به معنای فریب دادن و به کسر آن، اسم مصدر است. غایة الآمال غایة الآمال فی شرح کتاب المکاسب، ج ۱، ص ۹۱)، شریعت محترم مسئله کم فروشی را منع کرده «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَيَلُّ لِلْمُطَفِّفِينَ * الَّذِينَ إِذَا أَكْتَأُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ * وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وُزُّوهُمْ يُحْسِرُونَ (مطففین ۱)» به نام خداوند رحمتگر مهربان. و ای بر کم فروشان! * آنان که چون از مردم کالایی را با پیمان و وزنی ستانند، تمام و کامل می‌ستانند، * و چون برای آنان پیمان و وزن کنند، کم می‌دهند) و همین طور عدم انصاف در معامله را منع کرده است (وَ بِالْإِسْتِثْنَاءِ الْأَوَّلِ عَنْ عَلِيٍّ بِنِ مَهْزِيَاةٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي الْمِقْدَامِ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِنْدَكُمْ بِالْكُوفَةِ يَغْتَدِي فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنَ الْقَصْرِ فَيَطُوفُ فِي أَسْوَاقِ الْكُوفَةِ سُوقاً سُوقاً... فَيَتَادِي فِيهِمْ يَا مَعْشَرَ التُّجَّارِ... وَ أَنْصَفُوا الْمَظْلُومِينَ... جابر گوید: امام باقر علیه‌السلام فرمود: امیر المؤمنین علیه‌السلام در آن ایام که در کوفه بود چنین عادت داشت که هر روز صبح از دارالاماره بیرون می‌شد و در یکایک بازارهای کوفه می‌گشت... و در میان اهل آن صدا می‌زد: ای تاجران... و با مظلومان به انصاف رفتار نمایند... الأمالی (للمفید)، ص ۱۹۷)؛ بنابراین در واقع تسعیر اختیاری، زمینه‌تربیتی اخلاقی و تربیتی جامعه است. شما از پایگاه تسعیر جامعه را متخلق کرده و تربیت می‌کنید. لذا اینکه پیامبر و امیر المؤمنین علیه‌السلام به مسئله تسعیر ورود پیدا نمی‌کردند، به این دلیل بود که می‌خواستند «التَّجَارَةُ تَزِيدُ فِي الْعَقْلِ (کافی، ج ۵، ص ۱۴۸)» اتفاق بیافتد و از بستر تجارت، جامعه را رشد فکری دهند. بله وقتی شما با نگاه غیر تربیتی و غیر تزکیه‌ای به مسئله تجارت نگاه می‌کنید می‌گویید که اگر حاکم، قیمت‌گذاری کند راحت‌تر است ولی وقتی با نگاه تزکیه‌ای و نظم اختیاری مسئله را مطرح می‌کنید به این نتیجه می‌رسید که تسعیر اختیاری وجود داشته باشد و حاکمان زیرساخت آموزش و وعظ را دائماً در بازار تقویت کنند تا عملاً مردم هر روز تمرین اخلاقی داشته باشند و زمینه رشد عقلی و فکری آن‌ها فراهم شود. بله کسانی که اقتصاد را بر مبنای ارزش افزوده می‌گیرند، قدر تسعیر اختیاری را نمی‌دانند اما کسانی که شغل را زیرساخت هدایت تعریف می‌کنند، تسعیر اختیاری برایشان خیلی موضوعیت دارد و حتماً باید تسعیر اختیاری برای آن‌ها به عنوان یک رکن تربیت و تمرین اخلاق وجود داشته باشد. عرض من این است که در حال حاضر این بحث وجود ندارد که حاکم در تسعیر دخالت کنند یا نه، دیگر این فرض وجود ندارد چرا که اصلاً تسعیری وجود ندارد. یک طرف مبادله و معامله در مسئله قیمت‌گذاری تحکم می‌کند و این تحکم از ناحیه تحکم ساختاری است و نه تحکم موردی. همه چیز به دست سرمایه‌دار است. ابتدا سود خود را در نظر می‌گیرد و بعد قیمت‌ها را ابلاغ می‌کند و طرف مقابل نیز مجبور به تمکین در این معامله است. پس موضوع تسعیر در حال تعطیل شدن است».

قید سوم در تبادل، "تضمین پذیری" ابزار تبادل است. پس ما در ارکان درونی پول سه تا حرف داریم: اولاً این که باید شکل تبادل ذیل عقود باشد؛ ثانیاً تسعیر توسط حاکمیت اتفاق نیفتد ولو حاکمیت نبی مکرم اسلام باشد (حالا که حاکمیت دست سرمایه‌داران است)؛^{۸۵} ثالثاً ابزار تبادل "تضمین پذیر" باشد. یعنی قیمت ابزار تبادل قابل کم‌وزیاد نباشد. این سه تا قید، [ارکان درونی پول] است که ادله آن در فقه فراوان است و من فقط دارم اشاره می‌کنم.

پول ارکان بیرونی هم دارد. آن هم سه چیز است: طبقه‌بندی مشاغل، الگوی تولید و الگوی بازار. اینها از بیرون بر پول تأثیر می‌گذارند؛ یعنی اگر شما می‌خواهید پول طلا یا پول واقعی را در جامعه ایجاد کنید، نمی‌توانید این کار را بدون اصلاح طبقه‌بندی مشاغل انجام دهید. باید طبقه‌بندی مشاغل برود به سمت طبقه‌بندی مشاغل مطلوب تا بشود پول را هم بر اساس پول اسلام اجرایی کرد.^{۸۶} الگوی تولید هم باید بشود اردوی تولید غیرمتمرکز [چراکه] الگوی تولید

۴/۲/۱/۳. تضمین
پذیری و مالیت ابزار
تبادل (غیر اعتباری
بودن)؛ سومین رکن
تعیین کننده تعریف
پول

۴/۲/۲. ارکان
بیرونی شامل
طبقه‌بندی مشاغل،
الگوی تولید و الگوی
بازار؛ دومین رکن
تعیین کننده تعریف
پول

حجت الاسلام علی کشوری، مکتوب فقه‌المکاسب ص ۵۷ و ۵۸، ۲۱ الی ۳۱ شهریور ۱۳۹۸، قم

کانال الگوی پیشرفت اسلامی-ایتا

citaa.com/olgou4/3282

برای اطلاع از "ادله روایی و نظرات فقها در باب تسعیر اختیاری" به "پیوست ۳" مراجعه فرمایید.

۸۵. **ارجاع پرورشی:** برای اطلاع از "ادله روایی تسعیر اختیاری و نظر فقها" به "پیوست ۳" مراجعه فرمایید.

۸۶. **ارجاع پرورشی:** «ما تقریباً همه آن چیزی را که برای بشر در حوزه تجارت، در حوزه صنعت، در حوزه امور دولتی و حوزه معاملات هست را امضا می‌کنیم؛ یعنی اگر شروطی که فقه محترم و مبارک شیعه برای همه مکاسب بحث کرده، رعایت شود؛ ما تقریباً دایره گسترده‌ای از مشاغل را در جامعه خواهیم داشت که همه می‌توانند در آن حوزه‌ها به کسب خودشان بپردازند. یعنی با اینکه دایره مباحات در حوزه کسب، یک دایره وسیعی نسبت به دایره محرمات است، اما مجموعه‌ای از روایات را داریم که طبقه‌بندی مشاغل را مطرح کرده است. فایده اصلی طرح این مباحثات، مسئله حکومت و نظام است؛ یعنی اگر طبقه‌بندی مشاغل در جامعه را در فقه بحث کنیم، حکومت می‌تواند مشاغلی که برتر هستند را در دایره حمایت جدی‌تر خود قرار دهد. البته فولید دیگری راجع به طبقه‌بندی مشاغل وجود دارد ولی من فکر می‌کنم اولین فایده‌اش این است که حکومت می‌تولند به نحو اولویت از این مشاغل که به عنوان مشاغل برتر مطرح شده‌اند، حمایت کند. فرض بفرمایید اگر در روایت این‌طور آمده که «تجارت مایه افزایش عقل است» (عدة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد، عن ابن فضال، عن ابن بکیر، عن حماد بن عمار، عن ابن عبد الله عليه السلام قال: التجارة تزيد في العقل. امام صادق علیه السلام: تجارت، عقل را می‌افزاید. الکافی، ج ۵، ص ۱۶۸) و اینکه تجارت، یکی از بخش‌های "الگوی تفصیل" است (ما طبق آیات و روایات، ظرف تولد درک و شعور را قلب انسان‌ها می‌دانیم. آیه قرآن به این صورت می‌فرماید: اعوذ بالله من الشیطان الرجیم «وَمَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ يَهْدِ اللَّهُ قَلْبَهُ»؛ می‌گوید فردی که به خدا ایمان بیاورد قلب او هدایت می‌شود. تعبیر آیه شریف این است که قلب او هدایت پیدا می‌کند. آیه نفرمود ذهن او هدایت پیدا می‌کند. ظرف پیدایش درک و فهم، قلب انسان‌هاست نه ذهن انسان‌ها. لذا فردی که می‌خواهد جلوی پیدایش درک و تفکرات غلط را بگیرد، باید قواعدی را ارائه دهد که «تَعْصِمُ مُرَاعَاتُهَا الْقَلْبَ»، نه «تَعْصِمُ مُرَاعَاتُهَا الدَّهْنَ»... اگر بگوییم که محل تولد درک و فهم، ذهن نیست، بلکه قلب است؛ آیا می‌توانید با قواعد منطقی صوری جلوی خطای در تفکر را بگیرید؟... الگوی تفصیل با این تعریفی که بنده عرض کردم، قواعد و چارچوب‌هایی است که جلوی تولد درک غلط را در قلب می‌گیرد) و از مناسک ارتقای عقل است؛ بنابراین نگاه به مسئله تجارت به عنوان کسب و شغل از «سود اقتصادی» به «رشد عقلی» ارتقا پیدا می‌کند؛ بنابراین باید تدابیری اندیشیده شود که مسئله تجارت تنها به بعضی از افراد اختصاص پیدا نکند؛ چون بر اساس روایات ما، مسئله تجارت، هم باعث رفع فقر است و هم موجب افزایش عقل. ما در مسئله افزایش عقل به نحو عمومی، نیازمند عمل به مناسک تجارت

هستیم؛ اگرچه کسی که دعوت به تجارت می‌شود، فقیر هم نباشد! بنابراین وقتی دعوت می‌کنیم مسئله طبقه‌بندی مشاغل از نظر فقه، بازخوانی شود، یکی از کارآمدی‌های آن، تسهیل سیاست‌گذاری در مورد حوزه کسب است؛ به این صورت که یک نظام حکومتی نسبت به چه مشاغلی حساس‌تر از مشاغل دیگر باشد؟ این باعث می‌شود بتوانیم یک هماهنگی کلانی را در حوزه اقتصاد ایجاد کنیم».

حجت الاسلام علی کشوری، مکتوب فقه‌المکاسب ص ۱۰ و ۱۱، ۲۱ الی ۳۱ شهریور ۱۳۹۸، قم

کانال الگوی پیشرفت اسلامی-ایتا

eitaa.com/olgou4/3282

«روایاتی هستند که مشاغل دارای فضیلت را بحث می‌کنند. آنها هم کمک می‌کنند تا ملاک‌هایی را استنباط کنیم و مورد توجه قرار دهیم. مثلاً دعوت به زراعت، خیاطی، دامداری محدود (خصوصاً در مورد گوسفند و بعضی از حیواناتی که برکت خاص دارند) و غیره شده است که ملاک‌هایی به دست ما می‌دهد. مثلاً در روایتی از امام صادق علیه‌السلام نقل شده است: «لَا تَزَالُ هَذِهِ الْأُمَّةُ بِخَيْرٍ مَا لَمْ يَلْبَسُوا لِئَاسَ الْعَجَمِ وَ يَطْعَمُوا أَطْعَمَةَ الْعَجَمِ فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ صَرَبَهُمُ اللَّهُ بِالذَّلِّ. مادامی که افراد جامعه در غذا و لباس شبیه کفار نمی‌شوند، از ذلت دور هستند. المحاسن، ج ۲، ص ۴۱۰»؛ پس مثلاً فرض بفرمایید در دعوت به مشاغلی که به استقلال غذایی یا طراحی مد و اقلام اولیه طراحی لباس کمک می‌کنند، مسئله نفی سبیل و عبور از ذلت به عنوان یک ملاک معرفی شده است. خب بنده تنها به این چهاردسته اشاره کردم».

حجت الاسلام علی کشوری، مکتوب فقه‌المکاسب ص ۱۱۴، ۲۱ الی ۳۱ شهریور ۱۳۹۸، قم

کانال الگوی پیشرفت اسلامی-ایتا

eitaa.com/olgou4/3282

برای اطلاع از «آیات و روایات طبقه‌بندی حوزه مشاغل» به «پیوست ۸» مراجعه فرمایید.

فضیلت خیاطی، کشاورزی، باغداری و نگاه‌داری دام:

عَنْهُ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي السَّرِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ يَزِيدَ بْنِ هَازُونَ الْوَاسِطِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْفَلَّاحِينَ فَقَالَ «هُمْ الزَّارِعُونَ كُنُوزَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ مَا فِي الْأَعْمَالِ شَيْءٌ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ مِنَ الزَّرَاعَةِ وَ مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا زَارِعًا إِلَّا إِدْرِيْسَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِنَّهُ كَانَ حَيَّاطًا».

امام صادق علیه‌السلام - چون یزید بن هارون واسطی درباره کشاورزان از ایشان پرسید-: آنان، کشتگران گنجینه‌های خدا در زمینش هستند. هیچ يك از کارها نزد خداوند، محبوب‌تر از کشاورزی نیست و هیچ پیامبری برانگیخته نشد، مگر آن که کشاورز بود، جز ادريس عليه‌السلام که خياط بود.

تهذيب الأحكام، ج ۶، ص ۳۸۴

حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ مَرْوَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ عُقْبَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا قَطُّ حَتَّى يَشْتَرِعِيَهُ الْغَنَمَ يُعَلِّمُهُ بِذَلِكَ رَغِيَةَ النَّاسِ.

پدرم رضی الله عنه فرمود: سعد بن عبد الله، از احمد بن محمد بن عیسی، از حسن بن علی بن فضال، از مروان بن مسلم، از عقبه، از حضرت ابی عبد الله علیه‌السلام نقل کرده که فرمودند: خداوند عز و جل هیچ پیامبری را برای مردم نفرستاده مگر آن که قبلا از او خواست تا چوپانی گوسفندان را نماید و بدین وسیله نگاهداری مردم را فرا بگیرد.

علل الشرايع، ج ۱، ص ۳۲

عَلَيْهِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ هِشَامِ الْخُرَّاسَانِيِّ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْكُوفَةِ أَيَّامَ قَدَمِ عَلِيِّ أَبِي الْعَبَّاسِ فَلَمَّا انْتَهَيْتُنَا إِلَى الْكُنَّاسَةِ قَالَ هَاهُنَا صِلْبٌ عَمِّي زَيْدٌ رَجَمَهُ اللَّهُ ثُمَّ مَضَى حَتَّى انْتَهَى إِلَى طَاقِ الزَّرِّيَّانِينَ وَ هُوَ آخِرُ السَّرَّاجِينَ فَتَزَلَّ وَ قَالَ انْزِلْ فَإِنَّ هَذَا الْمَوْضِعَ كَانَ مَسْجِدَ الْكُوفَةِ الْأَوَّلِ الَّذِي حَطَّه آدَمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَنَا أَكْرَهُ أَنْ أُدْخِلَهُ رَاكِبًا قَالَ قُلْتُ فَمَنْ غَيَّرَهُ عَنْ حِطَّتِهِ قَالَ أَمَّا أَوَّلُ ذَلِكَ الطُّوفَانُ فِي زَمَنِ نُوحٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثُمَّ غَيَّرَهُ أَصْحَابُ كِسْرَى وَ نُعْمَانَ ثُمَّ غَيَّرَهُ بَعْدَ زِيَادِ بْنِ أَبِي سُفْيَانَ فَقُلْتُ وَ كَانَتْ الْكُوفَةُ وَ مَسْجِدُهَا فِي زَمَنِ نُوحٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لِي نَعَمْ يَا مُفَضَّلُ وَ كَانَ مَنْزِلُ نُوحٍ وَ قَوْمِهِ فِي قَرْيَةٍ عَلَى مَنْزِلٍ مِنَ الْفَرَاتِ مِمَّا يَلِي غَرْبِي الْكُوفَةَ قَالَ وَ كَانَ نُوحٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَجُلًا تَجَارًا فَجَعَلَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ نَبِيًّا وَ انْتَجَبَهُ وَ نُوحٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَوَّلُ مَنْ عَمِلَ سَفِينَةً تَجْرِي عَلَى ظَهْرِ الْمَاءِ ...

فضل بن عمر گوید: در آن وقتی که امام صادق علیه السلام برای دیدار ابو العباس سقاح نخستین خلیفه عباسی (بکوفه آمد من نیز در رکاب آن حضرت بودم، همین که بمحله کناسه رسیدیم فرمود: در اینجا بود که عموم زید رحمة الله را بدار زدند، سپس برفت تا چون بطاق زیت فروشان که آخر بازار سراجها بود رسید از مرکب پیاده شد و بمن نیز فرمود: فرود آی این مکان مسجد کوفه نخست است که آدم علیه السلام طرح آن را ریخت و من خوش ندارم که سواره بدان وارد شوم من عرض کردم: پس چه کسی آن طرح را بهم زد؟ فرمود: نخست طوفان زمان نوح علیه السلام بود، سپس اصحاب کسری (پادشاه ایران) و نعمان (بن منذر پادشاه حیره - در پنج کیلومتری کوفه قرار داشته-) و سپس زیاد بن ابی سفیان. بدو عرض کردم: مگر کوفه و مسجدش در زمان نوح بوده است؟ فرمود: آری ای مفضل، خانه نوح و قوم او در قریه ای در کنار فرات بوده و آن قریه در سمت غرب کوفه قرار داشته، فرمود: و نوح مردی بود نجار، و خدای عز و جل او را به پیغمبری برگزید، و نوح علیه السلام نخستین کسی بود که کشتی ساخت که روی آب راه رود. ...

الکافی، ج ۸، ص ۲۷۹

عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ السَّرِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ يَزِيدَ بْنِ هَازُونَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: الْوَارِعُونَ كُنُوزُ الْأَنْبِيَاءِ يَزْرَعُونَ طَيِّبًا أَخْرَجَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَ هُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَحْسَنُ النَّاسِ مَقَامًا وَأَقْرَبُهُمْ مَنْزِلَةً يُدْعَوْنَ الْمُبَارِكِينَ.

یزید بن هارون گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: کشاورزان، گنج های مردم هستند؛ بدر پاکیزه ای را کشت می کنند که خداوند عز و جل آن را به بار نسلانده است و در روز قیامت بهترین مقام و نزدیک ترین جایگاه را در میان مردم دارند و آنان را «بابرکت» خطاب می کنند.

الکافی، ج ۵، ص ۲۶۱

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ التَّوْقَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سُئِلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَيُّ الْمَالِ خَيْرٌ قَالَ الرَّزْعُ زَرَعَهُ صَاحِبُهُ وَأَصْلَحُهُ وَأَدَى حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ قَالَ فَأَيُّ الْمَالِ بَعْدَ الرَّزْعِ خَيْرٌ قَالَ رَجُلٌ فِي غَنَمٍ لَهُ قَدْ تَبَعَ بِهَا مَوَاضِعَ الْقَطْرِ يُعْقِمُ الصَّلَاةَ وَيُؤْتِي الرِّكَاتَةَ قَالَ فَأَيُّ الْمَالِ بَعْدَ الْغَنَمِ خَيْرٌ قَالَ الْبَقْرُ تَغْدُو بِخَيْرٍ وَ تَرُوحُ بِخَيْرٍ قَالَ فَأَيُّ الْمَالِ بَعْدَ الْبَقْرِ خَيْرٌ قَالَ الرَّاسِيَاتُ فِي الْوَحْلِ وَ الْمُطْعِمَاتُ فِي الْمَحَلِّ نِعْمَ السَّيِّءُ التَّخْلُ مَنْ بَاعَهُ فَإِنَّمَا نَمُّهُ بِمَنْزِلَةِ رَمَادٍ عَلَى رَأْسِ شَاهِقٍ اسْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ إِلَّا أَنْ يُخْلِفَ مَكَانَهَا قَيْلٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَأَيُّ الْمَالِ بَعْدَ التَّخْلِ خَيْرٌ قَالَ فَسَكَتَ قَالَ فَقَامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ فَقَالَ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَأَيُّ الْإِبِلِ قَالَ فِيهِ الشَّقَاءُ وَ الْجَفَاءُ وَ الْعَتَاءُ وَ بُعْدُ اللَّذَائِرِ تَغْدُو مُدْبِرَةً وَ تَرُوحُ مُدْبِرَةً لَا يَأْتِي خَيْرَهَا إِلَّا مِنْ جَانِبِهَا الْأَشْجَاءُ الْأَشْقِيَاءُ الْفَجْرَةَ.

از حضرت رسول صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پرسیدند: بهترین مال کدام است؟ فرمود: زراعتی که انسان به هنگام برداشت محصول، حق خداوند را از آن بپردازد. عرض کردند: پس از زراعت کدام مال بهتر است؟ فرمود: کسی که چند گوسفند داشته باشد و هر جا که آب و علفی بیابد آنها را بچراند و نمازش را بخواند و زکات مالش را بپردازد. عرض شد: بعد از گوسفند کدام مال بهتر است؟ فرمود: گاو که در صبح و شام شیر می دهد. پرسیدند: پس از گاو بهترین مال چیست؟ فرمود: درخت خرما که ریشه در گل فرو برده و در خشکسالی و کم آبی میوه دهد. سپس فرمود: درخت خرما سرمایه خوبی است و هر کس (بدون ضرورت) آن را بفروشد، پولش همچون خاکستری است که بر سر کوه بلندی در مسیر تندباد رها شده باشد، مگر اینکه به جای آن، درخت خرما دیگری بخرد. سپس پرسیدند: بعد از درخت خرما کدام مال بهتر است؟ حضرت سکوت کرد و جوابی نداد. شخص عرض کرد: چرا شتر را نفرمودید؟ فرمود: شترداری موجب مشقت و سختی و دوری از خانه می شود و هزینه آن سنگین است.

الکافی، ج ۵، ص ۲۶۰

السَّيِّئُ وَرَأْمٌ فِي تَنْبِيهِ الْخَاطِرِ، عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ: عَمَلُ الْأَجْرَارِ مِنَ الرِّجَالِ الْخِيَابَةُ وَ كَانَ صَ يَخِيطُ تَوْبَهُ وَ يَخْصِفُ نَعْلَهُ وَ كَانَ أَكْثَرَ عَمَلِهِ صَ فِي بَيْتِهِ الْخِيَابَةُ.

کار مردان نیک، خیاطی است و پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جامه خود را می دوخت و کفشش را پینه می کرد و بیشترین کار او در خانه اش خیاطی بود.

مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۳، ص ۲۲۷

عَنْهُ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَارِدٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَكُونُ فِي مَنْزِلِهِ عَنَزٌ حَلُوبٌ إِلَّا قُدِّسَ أَهْلُ ذَلِكَ الْمَنْزِلِ وَ بُورِكَ عَلَيْهِمْ فَإِنْ كَانَتْ أُمَّتَيْنِ قُدِّسُوا وَ بُورِكَ عَلَيْهِمْ كُلَّ يَوْمٍ مَرَّتَيْنِ قَالَ فَقَالَ بَعْضُ أَصْحَابِنَا وَ كَيْفَ يُقَدِّسُونَ قَالَ يَقِفُ عَلَيْهِمْ كُلُّ صَبَاحٍ مَلَكٌ أَوْ مَسَاءً فَيَقُولُ لَهُمْ قُدِّسْتُمْ وَ بُورِكَ عَلَيْكُمْ وَ طِبُّنْتُمْ وَ طَابَ إِدَامُكُمْ قَالَ فُلْتُ لَهُ وَ مَا مَعْنَى قُدِّسْتُمْ قَالَ طَهَّرْتُمْ. محمد بن مارد روایت کرده است که از امام صادق عليه السلام شنیدم که فرمود: هیچ مؤمنی نیست که در خانه خود بز شیردهی داشته باشد مگر آنکه همه افراد آن خانه مورد تقدیس قرار می گیرند و برکت بر آنان فرود می آید؛ و چنانچه دو بز باشند، روزی دو بار مورد تقدیس و دو بار برکات خداوندی بر آنان فرود می آید. یکی از شیعیان پرسید: چگونه مورد تقدیس قرار می گیرند؟ حضرت فرمود: در هر بامدادان و شامگاهان فرشته ای نزد آنان آمده می گوید: مقدّس باشید! و برکت از آن شما باد! و خوشا بر شما و بر خوراکتان باد. و من از آن حضرت پرسیدم: مقدّس باشید، یعنی چه؟! فرمود: یعنی پاک و پاکیزه باشید. [ترجمه مجاهدی]

المحاسن، ج ۲، ص ۶۴۰

أبو علي الأشعري عن الحسن بن علي عن عبيس بن هشام عن عبد الله بن سنان عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إِذَا اتَّخَذَ أَهْلُ بَيْتِ شَاةٍ أَتَاهُمْ اللَّهُ بِرِزْقِهَا وَ زَادَ فِي أَرْزَاقِهِمْ وَ إِذْ تَحَلَّ الْفَقْرُ عَنْهُمْ مَرَحَلَةً فَإِنْ اتَّخَذَ شَاةً ثَلَاثِينَ أَتَاهُمْ اللَّهُ بِأَرْزَاقِهِمَا وَ زَادَ فِي أَرْزَاقِهِمْ وَ إِذْ تَحَلَّ الْفَقْرُ عَنْهُمْ مَرَحَلَتَيْنِ فَإِنْ اتَّخَذُوا ثَلَاثَةَ أَتَاهُمْ اللَّهُ بِأَرْزَاقِهِمْ وَ إِذْ تَحَلَّ الْفَقْرُ عَنْهُمْ رَأْسًا.

عبد الله بن سنان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: هرگاه خانواده ای يك رأس گوسفند را نگه داری کنند، خداوند روزی آن را نزدشان می فرستد، رزق و روزی آنان را می افزاید و فقر از نزد آنان تا يك منزل مسافت کوچ می دهد. پس اگر دو رأس گوسفند نگه داری کنند، خداوند روزی آن دو رأس را نزد آنان می فرستد، روزی آنان را می افزاید و فقر را تا مسافت دو منزل از نزد آنان کوچ می دهد. پس اگر سه رأس گوسفند نگه داری کنند، خداوند روزی آنها را نزد آن خانواده می فرستد و فقر را به طور کامل از نزد آنان کوچ می دهد.

الكافي، ج ۶، ص ۵۴۴

غیرمتمرکز تبادل خرد ایجاد می‌کند [و بالعکس] الگوی تولید متمرکز تبادل‌های کلان ایجاد می‌کند.^{۸۷} الگوی بازار هم همین‌طور باید تغییر پیدا کند.^{۸۸}

۸۷. **ارجاع پرورشی:** «از بررسی روایات ما می‌توانیم اصولی استنباط بکنیم که بر مسئله تولید حاکم هستند. دسته اول روایات، روایاتی هستند که راجع به زمان کسب و زمان امرار معاش وارد بحث شده‌اند. حالا هر کس که در هر شغلی مشغول است حضرت به او توصیه کرده است که مسئله امرار معاش را در زمان خاصی انجام دهد و زمان امرار معاش تمام یا اکثر زمان یک فرد را در روز نگیرد. به عنوان مثال از امام رضا علیه السلام روایتی نقل شده است که حضرت می‌فرماید: «اجْتَهِدُوا» حضرت می‌فرماید که سعی کنید این‌طور باشید به این معنا که این امر، به سادگی محقق نمی‌شود. اصطلاحاً تحقق این مسئله معارض‌های زیاد دارد. لذا حضرت می‌فرماید: «اجْتَهِدُوا فِي أَنْ يَكُونَ زَمَانُكُمْ أَوْجَعَ سَاعَاتٍ» سعی کنید زمانی که در اختیار دارید را بر چهاربخش تقسیم کنید «سَاعَةً لِمُنَاجَاةِ اللَّهِ وَ سَاعَةً لِأَمْرِ الْمَعَاشِ وَ... (الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام، ص ۳۳۷)» بخشی را برای امر معاشستان در نظر بگیرید که این‌جا شاهد عرض بنده است. البته ممکن است هر کسی به شکل خاصی تأمین معاش داشته باشد؛ روایت می‌فرماید که راجع به امر معاشستان، یک بخشی از وقتتان را اختصاص دهید. پس چارچوب‌گذاری الگوی تولید ما نمی‌تواند به شکلی باشد که همه وقت کارگر را در اختیار بگیریم. الگوی تولیدی که وقت کارگر را به نحو حداکثری اشغال می‌کند، الگوی تولید غلطی است. چرا این‌گونه است؟ چون باعث می‌شود که اوقات دیگر کارگر را اشغال کند و اگر آن اوقات اشغال شد سود ارتباطی و سایر مفاهیمی که در حوزه ربح (سود) متصور است به چالش کشیده می‌شود.

یک دسته دیگر از روایات که به بیان‌های مختلف در اصول روایی ما وارد شده است، روایاتی است که راجع به مکان شغل بحث می‌کند و به این سؤال پاسخ می‌دهد که شغل باید در کجا قرار بگیرد؟ البته در واقع این روایات «مکان»، شرحی برای روایات «زمان» است؛ چون اگر مکان را در جای غلط جانمایی کنیم، در اصل، «زمان» به چالش کشیده می‌شود. مثلاً یکی از آن روایات این است که «ابن مسکان» از امام سجاد علیه السلام - با واسطه - نقل کرده است: «إِنَّ مِنْ سَعَادَةِ الْمَرْءِ أَنْ يَكُونَ مَشْجَرُهُ فِي بَلَدِهِ وَ يَكُونَ خُلَطَاؤُهُ صَالِحِينَ (الكافی، ج ۵، ص ۲۵۷)» - و الی آخر الروایة - حضرت در این روایت می‌فرماید: محل تجارت فرد نباید خارج از «بلد زندگی» شخص باشد. ممکن است بتوان در شرایط فعلی در این روایت مناقشه کرد و بگوییم «بلد» شامل تهران هم می‌شود. طول و عرض تهران خیلی زیاد است. باید توجه کرد روایت در شرایطی صدور پیدا کرده که در آن عرف، بلادها کوچک بودند و مثلاً شهرهای بزرگ، حداکثر صد هزار نفر جمعیت داشتند و وقتی حضرت تأکید می‌کنند: «أَنْ يَكُونَ مَشْجَرُهُ فِي بَلَدِهِ» در واقع بر این تأکید می‌کنند که محل شغل بایستی نزدیک محل زندگی فرد باشد. این هم یک دسته از روایات مربوط به الگوی تولید است. یعنی در واقع امام علیه السلام با لسان و کلمات متفاوت به کسانی که تقسیمات شهری را طراحی می‌کنند، فرموده‌اند که «اجازه ندارند مکان مؤسسات خدماتی و کارگاه‌های تولیدی را طوری طراحی کنند که [میان خانه شخص با محل کارش] فاصله بیافتد تا زمان زندگی کارگر و کارفرما به چالش کشیده شود.» این‌ها روایات بسیار کاربردی‌ای هستند. این هم یک دسته از روایات است. دسته سوم روایات عامی که ویژگی‌های عام الگوی تولید را بحث می‌کند، روایاتی هستند که به مؤمنین توصیه کردند که اجیر نشوند و اجیر شدن را نهی کردند. مثلاً «عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ الْجُعْفِيُّ» نقل می‌کند که امام باقر علیه السلام فرمودند: «مَنْ أَجَرَ نَفْسَهُ فَقَدْ حَظَرَ عَلَيْهَا الرَّزْقَ (من لایحضره الفقیه ج ۳ ص ۱۷۴)» اگر کسی خود را اجیر کرد، روزی را بر خود تنگ کرده است و امام علیه السلام به اصطلاح می‌فرماید استخدام شدن و در استخدام دیگران بودن، باعث می‌شود روزی انسان کم شود.

مُعَلَّلٌ روایت این است که از امام می‌پرسند: «وَ كَيْفَ لَا يَحْظُرُ عَلَيْهَا الرَّزْقُ وَ مَا أَصَابَ فَهُوَ لِرَبِّ آجِرُهُ» امام علیه السلام می‌فرماید: چه طور رزقش کم نشود در حالی که اصل درآمد برای کارفرماست و تنها طبق قرارداد مثلاً دو میلیون به شما پرداخت می‌کند. حضرت علیه السلام می‌فرماید مواظب باشید اجیر نشوید چون اجیر شدن باعث تنگ شدن رزق می‌شود. شما باید سعی کنید خودتان صاحب کسب و کار شوید.

این روایت با این دقت‌ها منجر به تغییر الگوی تولید می‌شود: اگر همه سعی کنند که خودشان صاحب کسب و کار شوند - هر چند که ممکن است بعضی موفق نشوند ولی آن دسته از افراد که موفق می‌شوند - همین باعث می‌شود الگوی تولید غیر متمرکز شود و مثلاً چندین هزار نفر در یک بخش تولیدی، همه به طور مستقل تولید کنند. فواید زیادی بر این بار می‌شود. بنابراین ما در مجموع سه دسته روایت داریم که این سه دسته به نحو عام، یک قواعدی را برای طراحی الگوی تولید و مؤسسات خدماتی به ما ارائه می‌دهد. اگر می‌خواهیم الگوی تولید خوبی داشته باشیم - با ملاک فقه‌المکاسب - الگوی تولید و خدماتمان باید حائز سه شرط

باشد (فعالاً بر اساس این سه‌دسته روایت، سه شرط را مطرح کردیم): ۱- الگوی تولید ما نباید تمام زمان کارگر و صاحب کسب را اشغال کند. ۲- مکان شغل نباید دور از خانه کارگر و صاحب کسب باشد و ۳- تا حدی که می‌توانیم، مسئله تولید و خدمات باید به نحو غیر متمرکز سازماندهی شود تا رزق افراد جریان بیشتری پیدا کند.

دسته دوم روایاتی که کمک می‌کرد تا ما ویژگی‌های استظهاری الگوی تولید را بفهمیم روایاتی بودند که راجع به تولید یک کسب و یک شغل خاص بحث می‌کردند. مثل روایاتی که به شکل‌های مختلف در اصول روایی ما وجود دارد و به نگهداری دام به نحو خانگی و غیرصنعتی توصیه کرده است (رجوع کنید پاورقی‌های ۲۰ تا ۲۳ جلسه ۴ فقه المکاسب). وقتی امام‌علیه‌السلام یکی از راهکارهای عبور از فقر را نگهداری دام معرفی می‌کند دارد راجع به سامانه‌های تولید خانگی گوشت و لبنیات با ما صحبت می‌کند و تأکید می‌کند که نباید الگوی تولید این بخش را صنعتی قرار بدهیم - حالاً البته کلمه صنعتی را که بکار می‌بریم داریم به اصطلاح امروزی سخن می‌گوییم - و از نتایج توجه به این روایات این است که ما در این حوزه‌ها غیرمتمرکز عمل کنیم. در مورد روایاتی که راجع به پخت نان در خانه و الگوی تولید نان صحبت می‌کنند (رجوع کنید پاورقی‌های ۱۳ جلسه ۴ فقه المکاسب) هم واضح است که اهل بیت علیهم‌السلام دارند ما را به الگوی تولید غیرمتمرکز رهنمون می‌کنند. روایاتی که تأکید می‌کنند ما باید تازه‌خور باشیم (رجوع کنید پاورقی‌های ۳۰ جلسه ۴ فقه المکاسب) این روایات به استلزام دلالت دارند بر اینکه تولید متمرکز تولید مطلوبی نیست؛ چون همه می‌دانیم اساساً در تولید صنعتی، مسئله مواد نگهدارنده و مسئله عبور از تازه‌خوری، پایه کار است. شما نمی‌توانید به هیچ عنوان بین تولید صنعتی و تازه‌خوری جمع کنید. بنابراین اگر برای کسی، مسئله تازه‌خوری مطرح در روایات موضوعیت پیدا کرد حتماً به استلزام باید الگوی تولید خانگی و سامانه‌های تولید محلی را بپذیرد.».۱۰

حجت الاسلام علی کشوری، مکتوب فقه المکاسب ص ۱۵۹، ۱۷۴، ۲۱ الی ۳۱ شهریور ۱۳۹۸، قم

کانال الگوی پیشرفت اسلامی-ایتنا

eitaa.com/olgou/۳۲۸۲

«بنابراین بنده به استظهار روایات چندین ویژگی را برای الگوی تولید بحث کردم و این ویژگی‌های چندگانه - که در روایات هست - ما را به این نتیجه می‌رساند که الگوی تولید مدنظر اسلام یک الگوی غیرمتمرکز است و ما نمی‌توانیم تولید و خدمات را به نحو متمرکز و صنعتی در جامعه داشته باشیم. حتماً می‌دانید که الگوی اقتصاد سرمایه‌داری بر مبنای توسعه صنعتی شکل گرفته؛ این‌هایی که می‌گویند اقتصاد اسلام در نود درصد موارد با اقتصاد سرمایه‌داری برابر است و هیچ تفاوتی با این اقتصاد نمی‌کند معلوم است روایت نخوانده‌اند و وقت نگذاشته‌اند که مثلاً کتاب شریف محاسن یا کتاب شریف کافی یا کتاب شریف تهذیب الاحکام را بخوانند - همین کتاب‌های مختلفی را که ما به روایات آن استظهار می‌کنیم - با این حال چگونه به اسلام نسبت می‌دهند؟! همین اجمالی هم که مطرح کردیم یکسری قواعد مشخص شد. زمان شغل در قراردادها باید تغییر کند، جانمایی مؤسسات خدماتی و کارگاه‌ها باید تغییر پیدا کند و باید در نظام ارزشی ما جا بیافتد که کسی که استخدام می‌شود رزقش محدود می‌شود. در بخش الگوهای بخشی هم که مثال‌ها بیان شد. حالاً همه اینها ما را به یک الگوی تولید جدید می‌رساند یعنی بافت تولید کشور تغییر پیدا خواهد کرد. پس ما به تولید با روش غیرمتمرکز می‌رسیم؛ تولید با روش غیرمتمرکز هم یعنی در تولید، سامانه‌های تولید خانگی و محلی اصل هستند؛ لااقل در بخش غذا و لباس اینگونه است. در بخش لباس هم با مفاد برخی از روایات دیگر، می‌شود این را اثبات کرد. پس ما بحث را از الگوی تولید شروع می‌کنیم و آن را یک الگوی غیرمتمرکز می‌دانیم. من از اینجا می‌خواهم یک بحث نظام مقایسه‌ای با نظام سرمایه‌داری داشته باشم: اگر شما الگوی تولید غیرمتمرکز را پذیرفتید لااقل سه دسته خاصیت را تقدیم جامعه‌تان کرده‌اید که در الگوی تولید صنعتی، این سه دسته خاصیت وجود ندارد. اولین و شاید مهم‌ترین فایده‌ای که در الگوی تولید غیرمتمرکز وجود دارد مسئله عدالت است. شما می‌دانید تئوری‌هایی که راجع به عدالت در اقتصاد سرمایه‌داری و در نظریه دولت رفاه و برخی از تئوری‌های دیگر بحث شده اینها می‌گویند ما مسئله فاصله طبقاتی را در مرحله بازتوزیع درآمدها مدیریت می‌کنیم. توجه کنید! در اینجا یک افسانه مطرح است: یعنی کمک می‌کنیم یک سرمایه‌دار، یک سود حداکثری ببرد، بعد با وضع مالیات‌های مختلف سعی می‌کنیم یک قدری در مرحله توزیع، عدالت را محقق کنیم. وقتی شما الگوی تولید غیرمتمرکز را طراحی می‌کنید اساساً گردش اعتبارات حول بخش قابل توجهی از مردم تحقق پیدا می‌کند و نه فقط حول بخش خصوصی؛ که بهتر است به آنها خان‌های مدرن بگوییم. این فایده اول است. فرض بفرمایید شما در شهری، یک مجموعه صنعتی به نام دامشهر دارید که گوشت آن شهر را تأمین می‌کند. اما زمانی هم می‌گویید تأمین گوشت یک شهر دو میلیون

نفری را به هفتاد روستای اطرافش می‌دهیم؛ قطعاً این مدل به عدالت نزدیک‌تر است؛ چون گردش اعتبارات آن عادلانه‌تر توزیع می‌شود.

البته به نظر من، گوشت آن هم سالم‌تر، بهداشتی‌تر و باکیفیت‌تر خواهد بود. وقتی انسان، خوراک دام در این مجتمع‌های صنعتی را بر اساس نظام معنایی مترقی‌ای که در طب اسلامی داریم بررسی می‌کند متوجه می‌شود که اینها به دام‌ها غذا نمی‌دهند [بلکه مواد بی‌ارزش می‌دهند]. فایده دوم تولید با روش غیر متمرکز حفظ محیط زیست است. لازمه تولید صنعتی، بسته‌بندی صنعتی است و تقریباً یک وجدان عمومی بر این مسئله معترف است که اصل در تخریب محیط زیست هم همین بسته‌بندی‌های صنعتی هستند. حالا آقایان مثل آن بحث قبلی که می‌خواستند عدالت را در بازتوزیع درآمد حل کنند می‌خواهند حفظ محیط زیست را در بازیافت مدیریت کنند. ایده‌هایی مثل تفکیک زباله از مبدأ را مطرح می‌کنند، جنبش‌های و کمپین‌های طرفدار محیط زیست را مطرح می‌کنند! انسان یک مقدار متعجب می‌شود از اینکه می‌بیند یک جمعیت‌هایی به نحو نمادین به طبیعت می‌روند و بطری‌های نوشابه‌های صنعتی و کنسروها و این قبیل بسته‌بندی‌ها را از محیط زیست جمع‌آوری می‌کنند و ادعا هم می‌کنند که دارند برای محیط زیست تلاش می‌کنند. در حالی که راه اصلی آن این است که شما از الگوی تولید صنعتی - لااقل در بخش غذا- عبور پیدا کنید. بسته‌بندی‌های ما در الگوی تولید خانگی و الگوی تولید غیرمتمرکز، یکبار مصرف و مضر به طبیعت نیستند. فایده سوم الگوی تولید غیرمتمرکز این است که قیمت تمام‌شده کالا و خدمات کاهش پیدا می‌کند چرا؟ چون در الگوی تولید صنعتی، قیمت تبلیغات، قیمت حمل و نقل، قیمت تکنولوژی‌های ال‌های تکی (High-tech) که در تولید استفاده می‌شود و قیمت مدیریت آن بخش‌های صنعتی به قیمت نهایی کالا اضافه می‌شود. در حالی که در الگوی تولید خانگی یا الگوی تولید با سامانه‌های محلی، لااقل این چهار دسته هزینه وجود ندارد؛ پس قیمت تمام‌شده کالا کاهش پیدا می‌کند.

به نظر ما - ذیل همین دسته سوم خاصیت‌ها - کیفیت کالا هم ارتقا پیدا می‌کند. چون در الگوی تولید خانگی، مواد نگهدارنده حذف می‌شوند؛ پس کیفیت غذا هم ارتقا پیدا می‌کند. شاید خود همین مطلب دسته چهارم خاصیت‌ها باشد. پس این هم یک مقایسه‌ای است بین پیشنهادهاى فقه‌المکاسب برای الگوی تولید و مکاتب مختلف اقتصادی‌ای که دارند راجع به الگوی تولید بحث می‌کنند.».۱۰

حجت الاسلام علی کشوری، مکتوب فقه‌المکاسب ص ۱۷۴ الی ۱۷۷، ۲۱ الی ۳۱ شهریور ۱۳۹۸، قم

کانال الگوی پیشرفت اسلامی - ایتا

eitaa.com/olgou/3282

۸۸. **ارجاع پرورشی:** (بازار از نظر فقهی، چه ویژگی‌هایی دارد؟ آیا می‌توانیم بازارها را به شکل فعلی طراحی کنیم؟ یا بازار دارای قواعد دیگری غیر از اینهاست؟ به نظر ما - که البته بعداً روایتش را ذکر می‌کنم - بازار، عامل اصلی نفی فاصله طبقاتی و رفع فقر است. اینکه ما بازار را چطور طراحی کنیم، بسیار مدد می‌رساند به اینکه فقر را از جامعه مرتفع کنیم.

کما اینکه امام صادق علیه‌السلام وقتی سیره مدیریتی امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در بخش معیشت و کسب را روایت می‌کنند، می‌فرمایند: حضرت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) اهتمام زیادی به طراحی بازارهای موقت داشتند و احکام بازارهای موقت را همان احکام مسجد قرار می‌دادند؛ (أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه‌السلام) قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه‌السلام): سُوْقُ الْمُسْلِمِينَ كَمَسْجِدِهِمْ فَمَنْ سَبَقَ إِلَى مَكَانٍ فَهُوَ أَحَقُّ بِهِ إِلَى اللَّيْلِ وَ كَانَ لَا يَأْخُذُ عَلَيَّ ثُبُوتُ السُّوقِ كِرَاءً. امام صادق (عليه‌السلام) فرمود: جدم امیرالمؤمنین (عليه‌السلام) گفت: بازار مسلمین در حکم مسجد است: هرکسی زودتر به دکه‌های بازار درآید و بساط خود را پهن کند، تا شب به سکنای آن دکه اولویت دارد. امیرالمؤمنین (عليه‌السلام) از دکه‌های بازار کوفه کرایه دریافت نمی‌کرد. الکافی، ج ۵، ص ۱۵۵)

یعنی دکه‌هایی که در بازار طراحی می‌کردند، از دو حیث به مسجد شبیه بود. حیث اول، عبارت از این است که مانند مسجد رایگان بود؛ یعنی حکومت «حقوق تجاری» را بر مسئله بازارهای موقت بار نمی‌کرد. حیث دوم هم این است که استفاده از آن دکه‌های اقتصادی بازارهای موقت، مشروط به «اصل سبقت» بود؛ یعنی هر کسی که در همان روز سریع‌تر می‌توانست یکی از دکه‌ها را در اختیار بگیرد تا آخر روز در اختیار او بود و این مسئله نه با «قرعه» و نه با «پرداخت حقوق تجاری خاصی» بود.

وقتی امیرالمؤمنین (عليه‌السلام) این کار را در حکومت خود انجام می‌دادند، چند دسته اتفاق در جامعه ایشان اتفاق می‌افتد: اولاً قیمت تمام‌شده کالاها کاهش پیدا می‌کرد. شما می‌دانید در بعضی از مغازه‌ها، شاید نزدیک دو سوم قیمت - بسته به شرایط، کمتر

یا بیشتر - مربوط به این می‌شود که آن مغازه در کجا قرار دارد و حقوق تجاری وضع شده برای آن مغازه چقدر است؛ برای بعضی از دکه‌هایی که در بازارهای ما در مناطق حساس است، حقوق تجاری ده‌ها میلیارد تومانی وضع می‌شود! صاحب آن مغازه می‌خواهد این ده‌ها میلیارد حقوق تجاری را - که از انواع مختلف هم هست - به قیمت تمام شده کالا اضافه می‌کند. لذا عملاً وقتی حکومت برای اداره امور خودش بر بازار، حقوق تجاری وضع می‌کند، یعنی مسئله معیشت عمومی را گران‌تر و با مشکل بیشتری روبه‌رو می‌کند.

آفت دومی که در فرض موجود اتفاق می‌افتد این است که همه افراد، قدرت تجارت پیدا نمی‌کنند؛ چون مسئله تجارت نیاز به محل تجارت دارد و افراد فقیر هیچ وقت نمی‌توانند محل‌های تجاری با قیمت‌های بالا را در اختیار خودشان داشته باشند. لذا همیشه یا به وردست تبدیل می‌شوند یا اساساً هیچ وقت فرصت تجارت پیدا نمی‌کنند. اما اگر شما بازار موقت داشته باشید دیگر لازم نیست با شیوه‌های امدادی، فقرا را مدیریت کنید؛ یا نهایتاً شیوه‌های امدادی به زنان سرپرست خانوار، معلولین و کسانی که اصلاً هیچ زمینه‌ای برای تحرک اقتصادی ندارند محدود می‌شود. ولی بقیه مردم را با اندک سرمایه و مال التجاره به سمت بازارهای موقت هدایت نموده و معیشت روزانه آن‌ها را از پایگاه بازارهای موقت سرپرستی می‌کنید».

حجت الاسلام علی کشوری، مکتوب فقه‌المکاسب ص ۱۵ الی ۲۱، ۱۷ الی ۳۱ شهریور ۱۳۹۸، قم

کانال الگوی پیشرفت اسلامی-اینا

eitaa.com/olgou4/3282

غایت پول نیز در اسلام تنظیم روابط انسانی است^{۸۹} و مفهوم سود و گنج هم در اسلام با مفهوم سود و گنج در عرف متفاوت است.^{۹۰}

۴/۲/۳. غلیت پول؛
سومین رکن تعیین
کننده تعریف پول

۸۹. **ارجاع پرورشی:** «شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی برای حل مسائل جامعه اسلامی، رساله ای تخصصی - به مثابه جایگزین برای مکاتب توسعه غربی - تدوین نموده است؛ که به برخی از ویژگی های آن اشاره می شود: تعریف پایه رساله

ویژگی اول این رساله ارائه تعریفی فقهی از مفهوم نظام سازی است. تعریف پایه این رساله تخصصی از مفهوم اداره جامعه و نظام سازی؛ "خود تنظیمی فرد در حوزه های سبزه گانه روابط انسانی" (حوزه های اصلی روابط انسانی) شامل: ۱- رابطه انسان با امام، ۲- رابطه انسان با معلم، ۳- رابطه انسان با خانواده، ۴- رابطه انسان با همسایه، ۵- رابطه انسان با دوست، ۶- رابطه انسان با شریک شغلی، ۷- رابطه انسان با طرف معامله، ۸- رابطه انسان با دشمن، ۹- رابطه انسان با همسفر، ۱۰- رابطه انسان با فقیر، ۱۱- رابطه انسان با یتیم، ۱۲- رابطه انسان با ابن سبیل و ۱۳- رابطه انسان با مهمان است. این تعریف اصطیادی فقهی در مقایسه با جامعه شناسی مبتنی بر اصالت فاعلیت (استاد سید منیر الدین حسینی الهاشمی: تقسیم نظام شاخصه های ارزیابی جامعه به: ۱- مبنای تکامل جامعه: شامل ۱/۱: گرایش اجتماعی، ۱/۲: بینش اجتماعی و ۱/۳: دانش اجتماعی و ۲- موضوع تکامل جامعه: شامل ۲/۱: توسعه، ۲/۲: کلان و ۲/۳: خرد و ۳- مقیاس تکامل جامعه: شامل: ۳/۱: جهانی، ۳/۲: بین المللی و ۳/۳: ملی) و مقایسه با مقاله ششم اصول فلسفه و روش رئالیسم (استاد محمد حسین طباطبائی: تقسیم ادراکات به ادراکات حقیقی و ادراکات اعتباری و جامعه سازی بر مبنای ادراکات اعتباری و تقسیم اعتباریات به اعتباریات قبل الاجتماع و اعتباریات بعد الاجتماع) و مقایسه با ساخت دوسویه (شامل قواعد و منابع) آنتونی گیدنز (Anthony Giddens) تبیین تفصیلی می شود. در مبنای "تنظیم اختیاری روابط انسانی" به دلیل رعایت اصل اختیار و بالتبع کاهش اصطکاک اجتماعی و به دلیل احصای استظهاری حوزه های پایه روابط اجتماعی؛ برتری مشخصی در جامعه سازی نسبت به دیدگاه های رقیب ایجاد می شود. به عنوان مثال با فرض تنظیم صحیح روابط انسانی در حوزه های سبزه گانه فوق الذکر، بسیاری از مسائل مطرح در جامعه که ناشی از اختلاف منافع است؛ کما و کیفاً متحول و بالتبع موضوع بسیاری از نظریه پردازان و اقدامات حکومتی و مردمی، منتفی می گردد.

نظریه پایه رساله

ویژگی دوم رساله تخصصی الگوی پیشرفت اسلامی، معرفی عوامل بسیار موثر بر خود تنظیمی در روابط انسانی - با اتکاء به تتبع فقهی - در ۹ دسته است. (نظریه پردازش زیر ساخت های هدایت) درک و تعریف انسان ها از موضوعات ۱- امامت (فقه الامام)، ۲- علم (فقه العلم)، ۳- شغل (فقه المکاسب)، ۴- بیان (فقه البیان)، ۵- دشمن (فقه نفی سبیل)، ۶- عبرت (فقه العبره)، ۷- نظم (فقه النظم)، ۸- شاخصه های ارزیابی (فقه الفرقان) و ۹- تربیت (فقه التزکیه) سرمایه هر فرد برای بازتعریف روابط خود در حوزه های سبزه گانه است. در مجموع در ابواب نه گانه فقه هدایت حدود ۱۰۰ قاعده فقهی (در هر باب فقهی تقریباً ۱۰ قاعده وجود دارد). برای تنظیم صحیح روابط انسانی استنباط شده است.

پیوست زمان و مکان رساله

ویژگی سوم رساله تخصصی الگوی پیشرفت اسلامی، تبیین "پیوست زمان و مکان" برای ابواب نه گانه فقه هدایت است. در پیوست زمان و مکان - که برای هر باب فقهی به صورت مجزا نوشته می شود- به شناسائی، تبیین و علاج مسائل نامتوازن (بدعت ها) با تعاریف فقه هدایت پرداخته ایم. در زمان و مکان فعلی، حدود ۱۰۰ عدم توازن و بدعت؛ مانند: اصل رقابت، طبقه بندی بیکنی از علم، تخریب محیط زیست، طب سلولی، اسناد بین المللی، حذف حیاط از خانه، حذف سبوس از نان، تغییر در معادله نمک، حذف نقش آموزشی خانواده، مدل های آینده پژوهی و ماتریس Swot، نظریات نوشهرگرایی و Tod، نظریه فراتسهیل گری و توانمند سازی، تحلیل نهادی بخش اقتصاد، تعریف اعتباری پول و... وجود دارد؛ که در قالب نظریات فقهی نقشه الگوی پیشرفت اسلامی نحوه شناسائی و چگونگی علاج آنها تبیین می شود. نظریاتی مانند ۱- نظریه پیش گیری ساختاری از بیماری؛ با محوریت مفهوم مزج اختیاری، ۲- نظریه الگوی ساخت؛ با محوریت مفهوم نظم اختیاری، ۳- نظریه تعریف؛ با محوریت مفهوم رزق، ۴- نظریه مدیریت شهری محله محور؛ با محوریت تعریف جدید از نیازهای خانواده، ۵- نظریه آموزش و پرورش آینده؛ با محوریت تعریف جدید از کارکردهای خانواده، ۶- نظریه امنیتی سلم؛ به محوریت مفهوم اختلال در روابط انسانی، ۷- نظریه علم آینده؛ با محوریت ارائه طبقه بندی جدید از علم، ۸- نظریه پیشگیری بنیادین اسلامی از جرم؛ با محوریت مفهوم عبرت، ۹- نظریه نظم اختیاری؛ به محوریت تعریف جدید از قانون، ۱۰- نظریه هسته های توازن فرهنگی؛ به محوریت تعریف جدید از عدم توازن ها،

۱۱- نظریه بازارهای موقت؛ به محوریت مفهوم سود ارتباطی، ۱۲- نظریه نگرهبانی از نظام؛ به محوریت مفهوم نظام مقایسه، ۱۳- نظریه مدرسه هدایت؛ به محوریت مفهوم هدایت، ۱۴- نظریه تنظیم و تحلیل خبر؛ به محوریت مفهوم تفکر از مهمترین این نظریات و در واقع امتداد دهنده فقه شیعه در زمان و مکان فعلی محسوب می شوند.

مسیر نشر رساله

ویژگی چهارم رساله تخصصی الگوی پیشرفت اسلامی، تعریف مسیری خاص برای نشر محتوای مطرح در رساله در میان افراد است. مطابق روایات و آیات در نشر علم اهل بیت علیهم السلام باید قید اهلیت افراد را مد نظر قرار داد. مبتنی بر شناسائی این وصف در مخاطبین، در نشر محتوای این رساله، مسیر ۴ بخشی مدیریت خبر، مدیریت تضارب، مدیریت کتابت و مدیریت نمونه سازی پیشنهاد شده است.

حجت الاسلام علی کشوری، ۱۱ فروردین ۱۳۹۹، قم

m-hedayat.blog.ir/۱۳۹۹/۰۱/۱۱

۹۰. **ارجاع پرورشی:** «به نظر ما یک مناط اصلی در حوزه مکاسب وجود دارد و آن عبارت از این است که مکاسب نباید نافعی (سود ارتباطی) باشد. بنا بر بحث‌هایی که در دوره‌های قبل مطرح کردیم، سود ارتباطی یعنی سودی که ناشی از ارتباط بهینه و تکامل یافته انسان‌ها با یکدیگر به دست می‌آید. معنای آن هم به صورت ساده عبارت است از: (سودی که انسان‌ها از ناحیه ارتباط تکاملی و ارتباط بهینه از یکدیگر می‌برند) گاهی اوقات ارتباط انسان‌ها، ارتباطی غیر بهینه و ارتباطی پر از چالش است ولی گاهی اوقات ارتباط انسان‌ها، ارتباطی است که در وضعیت تکاملی قرار دارد و به اصطلاح به آن، «ارتباط بهینه و مطلوب» می‌گوییم. ما اینجا یک مفهومی را مطرح کردیم و گفتیم ارتباط مطلوب بین انسان‌ها، منشأ پیدایش سود برای انسان‌هاست. این حرف اصلی و پایه‌ای ماست. یعنی در حوزه روابط انسانی دو فرض داریم: یک فرض این است که انسان‌ها از لحاظ روابط انسانی به نحو گسسته و بر ضد یکدیگر عمل کنند؛ یک فرض دیگر هم این است که انسان‌ها در حوزه روابط انسانی اصطلاحاً به نحو پیوسته و به نفع یکدیگر عمل کنند. اگر فرض دوم در یک جامعه‌ای به وجود بیاید، سود آن جامعه از دو حیث ارتقا پیدا می‌کند: حیث اول کاهش هزینه‌هاست؛ یعنی یک جامعه‌ای که افراد آن دارای روابط انسانی پیوسته هستند، هزینه‌های آن جامعه (از قبیل هزینه‌های حوزه قضا و قضاوت، حوزه سلامت، حوزه امنیت، دفاع و دیگر هزینه‌ها) کاهش پیدا می‌کند. امروزه هزینه‌های مختلفی در جامعه ما وجود دارد که ناشی از گسستگی روابط انسانی است. برای نمونه وقتی انسان‌ها بر روی اعصاب یکدیگر هستند و به ضرر همدیگر عمل می‌کنند، سلامت آنان به لحاظ روحی، روانی و جسمی به چالش کشیده می‌شود؛ بنابراین هزینه‌های بخش سلامت هم افزایش پیدا می‌کند. مدیرانی هم که می‌خواهند نظم جامعه را ایجاد کنند، در فرض گسستگی روابط انسانی مجبور می‌شوند اشراف بیشتری برای خود فراهم کنند. برای نمونه باید هزینه‌های مانیتورینگ جامعه را هم بپردازند. درحالی که وقتی روابط انسانی جامعه‌ای ناشی از تعارف بوده و به نحو پیوسته باشد، هزینه‌های بخش امنیت هم کاهش پیدا می‌کند. هزینه‌های حوزه فصل‌الخطاب و قضا هم یکی از هزینه‌های سنگینی است که الآن در جامعه ما وجود دارد. البته کشورهای غربی با کاهش عناوین مجرمانه، این هزینه‌ها را کاهش داده‌اند! ولی واقعیت این است که نمی‌توانیم با قیام و قعود یک مجلس، مفهوم واقعی جرم را تنزل داده و عناوین مجرمانه را کاهش دهیم. جرم در حوزه روابط انسانی، جرم است اگرچه دستگاه قضایی کشورهای اسکانندیناوی، آن را ندیده و دادگاه‌های خلوتی داشته باشند (بنا به نمودار واقع در گزارش شورای ملی پیشگیری از جرم کشور سوئد واقع در منطقه اسکانندیناوی تعداد جرم‌ها از سال ۲۰۰۵ تا سال ۲۰۱۳ به‌طور کلی روندی نزولی داشته است)؛ لذا اینکه بعضی ساده‌اندیشی کرده و ادعا می‌کنند دادگاه‌ها در بعضی از کشورهای حوزه اسکانندیناوی خلوت است، علت اصلی آن، کاهش عناوین مجرمانه واقعی است. نتیجه این کاهش عناوین مجرمانه این می‌شود که در بعضی از کشورهای حوزه اسکانندیناوی با اینکه دادگاه‌ها خلوت است، ولی خرید و فروش سلاح و دزدی رونق فراوانی داشته و تقریباً یک کسب جدی در بین آن‌ها محسوب می‌شود! درست است که دادگاه‌ها خلوت است ولی مسائلی در آن جوامع اتفاق افتاده که انسان با اندک درنگی متوجه می‌شود که آن مسائل بر ضد روابط انسانی عمل می‌کنند! بنابراین هزینه‌های حوزه قضا و قضاوت با فرضی که عناوین مجرمانه را کاهش ندهیم بلکه ارتکاب به جرم را در آن جامعه کاهش دهیم، یکی از هزینه‌های جدی‌ای است که بر فرض روابط انسانی بهینه به وجود می‌آید. از حیث درآمد هم درآمدهای ناشی از حوزه روابط انسانی وجود دارد؛ مانند درآمدهای حوزه (فئیء) و (انفال) (نفال: اموال اختصاص‌یافته به رسول خدا و امامان علیهم‌السلام. فئیء: غنایم به دست آمده بدون جنگ. فرهنگ فقه فارسی (زیر نظر آیت‌الله شاهرودی)، ج ۱، ص ۷۳۳) که بنا بر تصریح قرآن شریف [حکمت آن] «کِی لَا یَکُونُ دَوْلَةً بَیْنَ الْأَعْنِیَاءِ»

مِنْكُمْ (حشر ۷)) است. اصلاً حوزه این نوع از درآمدها برای این است که روابط انسانی، بهینه‌شده و وضعیت افرادی که در حالت استضعاف در یک جامعه هستند، بهینه شود! بنابراین سرفصل‌های درآمدی هم تغییر پیدا کرده و افزایش پیدا می‌کند. درآمدهای ناشی از «قرض الحسنه‌ها» درآمدهایی هستند که در غیر از فضای روابط انسانی پیوسته فرض تحقق ندارد. با اینکه در مباحثات کنونی در حوزه اقتصاد، مسئله قرض الحسنه را تحلیل نمی‌کنیم ولی با این حال پدیده «قرض الحسنه‌های خانگی» یکی از نمودهای همین افزایش درآمدهای ناشی از بهینه روابط انسانی است! شما می‌دانید شاید در هفته و ماه، ده‌ها میلیارد تومان اعتبار و مال در حوزه همین صندوق‌های قرض الحسنه خانگی، جابجا می‌شود! تقریباً همه این‌ها در یک فضای غیربروکراسی انجام می‌پذیرد! زیرا هنوز در محیط جامعه ما یک محیط همسایگی و محیط خانوادگی ناشی از تعالیم دینی وجود دارد، بر بستر این روابط انسانی بهینه، یک چنین پدیده‌ای اتفاق افتاده که منشأ حل مشکلات است! من همیشه با خودم فکر می‌کنم اگر این حجم از اعتبارات را به بانک‌ها می‌دادیم تا تخصیص دهند، اولاً انجام نمی‌شد! دوماً بانک‌ها زیر بار نمی‌رفتند که آن را ذیل قرض الحسنه منتقل کنند! این حوزه صندوق‌های قرض الحسنه خانگی الان بخشی از اقتصاد کشور ماست و همان‌طور که عرض کردم تحلیل آن به «بهینه‌شدن روابط انسانی» بازمی‌گردد. بنابراین مسئله بهینه‌شدن روابط انسانی (سودی) را به افراد جامعه می‌رساند که این سود هم در بخش کاهش هزینه‌هاست و هم در بخش افزایش منابع درآمدی. لذا ما از مسئله بهینگی روابط انسانی در اصطلاح «فقه هدایت» به «سود ارتباطی» تعبیر کردیم و این سود ارتباطی بر مبنای سود اقتصادی و ارزش افزوده هم قابل اندازه‌گیری است. البته با تأکید عرض می‌کنم اینکه اگر به بهینه‌شدن روابط انسانی توجه کنیم، هزینه‌های اقتصادی جامعه کاهش و درآمدهای آن افزایش پیدا می‌کند، تنها بخشی از ساختار سود ارتباطی است. اگر نگرش عمیق‌تری به مسئله داشته باشیم و «تقدیر» را هم ببینیم، مسئله سود ارتباطی و لحاظ نفع انسان‌ها حتی در حوزه اقتصاد، باعث می‌شود وزن تقدیر انسان‌ها تغییر پیدا کند! بنابراین از حیث تقدیر هم سودهایی برای جامعه رقم می‌خورد که این‌ها هم قابلیت مشاهده و محاسبه خواهد داشت.

حجت الاسلام علی کشوری، مکتوب فقه‌المکاسب ص ۱۱ الی ۱۵، ۲۱ الی ۳۱ شهریور ۱۳۹۸، قم

کانال الگوی پیشرفت اسلامی-ایتا

eitaa.com/olgou/3282

«محروم کسی است که قدرت تنظیم روابط انسانی خود را ندارد؛ کسی که قدرت تنظیم روابط انسانی را ندارد محروم است، این تعریف ما از محرومیت است. پس اگر می‌خواهید محرومیت را از بین ببرید، باید به افراد این قدرت را بدهید که بتوانند روابط انسانی خود را تکامل ببخشند. پس تکامل روابط انسانی یعنی محرومیت‌زدایی و اختلال در روابط انسانی یعنی محرومیت‌زایی. اگر کسی کاری کند که در روابط انسانی فرد اختلال ایجاد شود، محرومیت‌زایی می‌کند. روابط انسانی در ۱۲ حوزه مورد استظهار ما قرار گرفته است و این بحث قابلیت تکمیل هم دارد.

مثلاً یک نوع از ارتباط‌های انسان ارتباط با مسئول است که نباید ارتباط غلطی باشد. غلط بودن ارتباط با مسئول و امام دو بخش دارد: بخش اول و مهم این است که شما اساساً امام را غلط انتخاب کنید؛ مثلاً زیر مجموعه یک نفر قرار بگیرید که قابلیت مسئول بودن ندارد. خب این اختلال ایجاد می‌کند؛ چون وقتی شما او را به عنوان امام قبول کردید او به شما یک ایده را انتقال می‌دهد. خب مبنای آن ایده چیست؟ آیا مبنای آن «الدراية للرواية» است؟ مبنای آن فقهی است یا مبنای آن پوزیتیویستی است؟ مهمتر از این نوع اختلال این است که کسی واقعاً صلاحیت امامت دارد ولی وقتی شما با او ارتباط برقرار می‌کنید رابطه شما با وی، رابطه مأموم با امام نیست و رابطه را درست برقرار نمی‌کنید. مثلاً در روایت فرمود: حق عالم این است که از او زیاد سؤال نکنید؛ وقتی شما در برابر یک عالم قرار گرفته و خواستید از علم او استفاده کنید نباید پشت سر هم از او پرسش کنید و اسم آن را هم کار فکر بگذارید. چرا؟ چون اگر طرف عالم باشد صور مستمع [ظرفیت مخاطب] را بررسی می‌کند و وارد حرف زدن می‌شود. در حدیث دارد که مثل عالم مثل نخل است؛ نخل خرما می‌خورد را به راحتی نازل نمی‌کند و شما باید تلاش زیادی کنید تا از یک درخت نخل خرما به دست بیاورید. بگذارید در حدیث درایه کنیم؛ معمولاً این‌طور است که انسان‌ها به بالای درخت می‌روند و بالا رفتن از درخت نخل نیز خیلی سخت است، چون شاخ و برگ فراوان ندارد. حضرت می‌فرماید مثل عالم، مثل درخت نخل است که با زحمت به شما میوه می‌دهد؛ یعنی شما باید بالا بروید و باید در شرایط استماع خود تغییر ایجاد کنید. خوب این کار را خیلی سخت می‌کند، شما درست تشخیص دادید ولی صور طرف مستمع را رعایت نمی‌کنید و لذا انتقال اتفاق نمی‌افتد. خوب این

اینها سرفصل‌های "دانش فقهی پول" است؛ هفت تا سرفصل است؛ می‌گویند این سرفصل‌ها را از کجا آوردید؟ می‌گوییم: ما سراغ روایات راجع به پول رفتیم و روایات راجع به پول را در هفت دسته طبقه‌بندی کردیم. کار فقیهانه می‌خواهیم کنیم؛ اینجا ما مثل اقتصاددان‌های دانشگاه نیستیم که بنشینیم مطالعه‌ای کنیم و در نتیجه توصیف بخشی ارائه کنیم. مستقیماً رفتیم سراغ این کسانی که بر مسئله پول "اشراف" دارند. مسئله پول خیلی مسئله پیچیده‌ای است. توصیف پول را [فقط] باید به دست امام صادق علیه‌السلام داد. توصیف پول را نباید دست کینز و سایر اقتصاددانان داد [زیرا که] علمی حرف نمی‌زنند؛ لیبرالیسم تماماً گزاره‌های شبه‌علمی است و [به صورت] بخشی واقعیت‌های مربوط به اقتصاد را توصیف کرده است.

یک مسئله مهم است و شما می‌گویید اگر ارتباط یک فرد با امام خود به صورت غلط تنظیم شود، او به دلیل محرومیت از ایده صحیح، محروم می‌شود؛ چون ایده صحیح به فرد انتقال پیدا نمی‌کند آن فرد بر مبنای یک ایده غلط زندگی خود را آغاز می‌کند و در نهایت به چالش کشیده می‌شود. مثلاً در دوران اخیر جمهوری اسلامی یک ایده غلط داشتیم با این عنوان که مذاکره با آمریکا مشکلات اقتصادی ملت ایران را حل می‌کند. یک امامی هم داشتیم که او بر مبنای فقه گفته بود این ایده غلط است. دولت محترم جمهوری اسلامی و اکثر نمایندگان مجلس شورای اسلامی نتوانستند این ایده را فهم و اجرا کنند انتخاب امام یک مصداق است و وقتی راجع به تنظیم روابط انسانی صحبت می‌کنیم، اولین گام آن تنظیم روابط انسان با امام است. حالا اگر یک پوزیتیویست و سکولار نیز عرایض ما را شنید اگر خواست می‌تواند اسم امام را به کار نبرد. چون به هر حال واقعیت عوض نمی‌شود و شما هیچ انسان بدون امامی ندارید. همه انسان‌ها در دنیا فارغ از دینشان دارای امام هستند. لذا قرآن وقتی استدلال می‌کند، استدلال خیلی فنی‌ای دارد؛ می‌فرماید: اعوذ بالله من الشیطان الرجیم «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ» امام علیه‌السلام؛ قرآن به یک امر استوار و محکم و پخته هدایت می‌کند. امام علیه‌السلام ذیل آن می‌فرماید: یهدی للتی هی اقوم؛ یعنی یهدی للامام؛ اصلاً کار امام مطرح کردن حرف اقوم و ایده برتر است و با همین شاخص می‌توان تشخیص داد که امام کیست. اگر کسی مورد پرسش قرار گرفت و نتوانست پاسخ دهد، اولین شرط امامت که علم است را ندارد و انسان باید از او عبور کند. دومین حوزه‌ای که در تنظیم روابط انسانی داریم، مسئله بسیار مهم روابط انسانی مربوط به حوزه علم است که خیلی اهمیت دارد؛ شما در تنظیم روابط انسانی باید معلم خود را درست انتخاب کنید و بعد از انتخاب نیز باید تنظیم روابط انسانی صحیح داشته باشید که آنها را تفصیلاً بحث می‌کنیم. انتخاب طرف تجارت و طرف کسب نیز یکی از این حوزه‌هاست. در روایات در مرحله اول گفته است ببینید با چه کسی معامله می‌کنید، این خیلی مهم است. شما باید طرف معامله را انتخاب کنید و ببینید آیا این کاسب شرایط کسب را دارد یا ندارد. وگرنه مثلاً بیع شما غرری می‌شود و شما دچار مشکل می‌شوید. انتخاب مسکن، انتخاب همسر، انتخاب رفیق همه مواردی هستند که تنظیم روابط انسانی در آنها خوابیده است. ۱۲ حوزه وجود دارد و به فهم فعلی نظریه تعریف - که در جلسات تفصیلی آیات آن را مفصل می‌خوانم - اگر کسی این دوازده حوزه را نشناسد یا بشناسد و روابط انسانی خود را در این ۱۲ حوزه غلط تنظیم کند، دچار محرومیت می‌شود. پس محرومیتی که در اسلام بحث شده است، یک محرومیت گسترده است که حالا در روایات آن را بحث می‌کنیم. محرومیت فقط در حوزه رزق و به معنای معاش نیست؛ مثلاً رزق به معنای فکر نیز هست؛ کسی که قدرت تفکر گسترده ندارد محروم است و نمی‌تواند برای خودش تصمیم بگیرد، به تعبیر فقه ما سقیه است».

حجت الاسلام علی کشوری، مکتوب تبیین اجمالی نظریه تعریف، ۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۸، قم

[حجت-الاسلام-علی-کشوری-محرومیت-زدایی-بر-اساسی-نظریه-تعریف-یا-بر-اساسی-نظریه-۰۲/](http://m-hedayat.blog.ir/۱۳۹۸/۰۲/نظریه-اساسی-تعریف-یا-بر-اساسی-نظریه-۰۲/)

[توانمندسازی-و-کاهش-فقر-۱](#)

پس این هم سرفصل اول که اشاره کردیم ما نیز روش تحقیق داریم - که این را برای محققین گفتم - و هم سرفصل‌هایی در دانش فقهی داریم که این "دانش فقهی پول"، [همان] طبقه‌بندی روایات درباره پول است. بقیه مباحث مربوط به این فصل برای آینده بماند؛ ان‌شاء‌الله در چله دوم انقلاب اسلامی، کمربندها را محکم ببندید که هیچ امیدی به بانک مرکزی^{۹۱} و سازمان برنامه‌بودجه و اینها نیست [چراکه] آنها دائماً ناکارآمدی ایجاد می‌کنند؛^{۹۲} ما باید کتاب‌های [درسی] مکاسب،

۹۱. **ارجاع پرورشی:** جهت مشاهده اعتراضات مراجع معظم تقلید به سیستم بانکی کشور، ک؛ "پیوست شماره ۴".

۹۲. **ارجاع پرورشی:** «اساساً نسبتی میان بهبود نماگرهای اقتصادی و وضعیت معیشت عمومی وجود ندارد؛ دلیل این ادعا این است که شاخصه‌های اقتصادی و نماگرهای اصلی اقتصادی بر اساس تعاریف غلطی پایه‌ریزی شده‌اند؛ من به چند نمونه از این تعاریف غلط اشاره می‌کنم:

در بودجه سال ۹۷ ادعا شده که یک میلیون و سی و سه هزار شغل قرار است ایجاد شود و گفته می‌شود دقیقاً معلوم است که این مشاغل قرار است در کدام بخش‌ها ایجاد شود. عرض بنده این است که اگر این عدد غیر واقعی محقق شود، باز ما نمی‌توانیم ادعا کنیم معیشت مردم بهبود پیدا کرده؛ چرا؟ چون تعریف سازمان برنامه‌بودجه و مرکز آمار ایران از مسئله شغل، تعریف غلطی است؛ به عنوان نمونه آمارشناسان به کسی بیکار می‌گویند که در هفته مرجم آمار، حتی ۱ ساعت هم نتوانسته باشد کاری انجام دهد؛ معنای این تعریف این است که اگر کسی در ۱ هفته، ۱ ساعت هم شاغل باشد، از نظر سازمان برنامه‌بودجه، او دارای شغل است؛ من سؤال می‌پرسم چه عددی از این یک میلیون و سی و سه هزار شغل با این تعریف غلط و ناکافی از شغل به عنوان شغل در نظر گرفته شده است؟

همچنین تعاریف دیگری از شغل هم در اصطلاح آمارشناسان مطرح است؛ نوع دیگری از شغل تحت عنوان «شغل ناکافی» وجود دارد؛ اصطلاحاً شغل ناکافی به شغلی گفته می‌شود که فرد شاغل در اولین فرصت، دست از آن شغل برمی‌دارد، چرا؟ چون آن شغل نمی‌تواند نیازهای واقعی معیشتی آن انسان را تأمین کند. من بار دیگر این سؤال را تکرار می‌کنم: چه میزان از شغل‌هایی که سازمان برنامه‌بودجه از این یک میلیون و سی و سه هزار شغل پیش‌بینی کرده، شامل تعریف شغل ناکافی می‌شود؟

اگر ما مثلاً در عسلویه آمدم و شغل ایجاد کردیم و درآمدی را برای فرد ایجاد کردیم، آیا الزاماً این به بهبود معیشت مردم منتهی خواهد شد؟ ببینید در مثالی که زدم، افراد ۳ هفته در ماه را در محل کار خودشان حضور دارند و فقط ۱ هفته نزد خانواده هستند! نوع شغلی را که ما برای مردم تأمین می‌کنیم، باعث می‌شود مسئولیت خانوادگی افراد به چالش کشیده شود. من سؤال می‌پرسم: کسی که ۳ هفته در محیط کاری خودش هست و تنها ۱ هفته نزد خانواده خودش هست، چگونه نیازهای تربیتی فرزندانش را تأمین می‌کند؟ چگونه نیازهای عاطفی و جنسی خود و همسرش را تأمین می‌کند؟ اینکه بنده مکرر عرض کردم شغل‌هایی که با تعاریف غلط ایجاد می‌شود، الزاماً به بهبود معیشت مردم منتهی نخواهد شد، یکی دیگر از مصادیق آن همین مثالی بود که مطرح کردم.

فرض بفرمایید کسی در تهران شاغل است و در کرج زندگی می‌کند؛ تقریباً به صورت میانگین ۴ ساعت، به رفت و برگشت او از محل زندگی به محل کار اختصاص پیدا می‌کند؛ عرض بنده این است که وقتی ما شغل را به این شکل تعریف می‌کنیم، تعادل روحی افراد به چالش کشیده می‌شود و افراد فرسوده می‌شوند و خانواده‌هایشان دچار چالش می‌شود و ما نمی‌توانیم ادعا کنیم که با دستیابی به یک میلیون و سی و سه هزار شغل - تأکید می‌کنم که اگر بشود! - ما نمی‌توانیم ادعا کنیم وضعیت معیشتی مردم بهبود پیدا کرده است.

من پیشنهاد می‌کنم که مرکز ملی آمار و سازمان برنامه‌بودجه گفتگو با شهر قم را بپذیرند و اجازه دهند به جای تعاریف بین‌المللی از مسئله شغل و مسئله کار، ما با یک سنجه‌ها و شاخصه‌های جدیدی به ارزیابی بازار کار ایران بپردازیم. اگر این گفتگوها بین شهر مقدس قم و مراکز که در حوزه اداره جامعه تحقیقاتی فراوانی را با نگاه اسلامی انجام دادند، صورت نپذیرد، تأکید می‌کنم که حتی اگر این عدد و آمارها محقق شود، در نهایت زندگی و معیشت مردم بهبود پیدا نخواهند کرد...

اگرچه که تجربه نظام برنامه‌ریزی کشور نشان داده است که این آمار و ارقام و محاسبات در پایان سال برنامه، تا کنون محقق نشده است».

کفایه، رسائل و [دیگر] کتاب‌های قدیمی را به عنوان حاشیه بخوانیم و کتاب‌های متن [درسی] ما به این مباحث جدید تبدیل شود که [ان شاء الله] با کمک یکدیگر این مباحث را به پیش می‌بریم و یک بحث‌هایی را ایجاد می‌کنیم. این بحث‌ها [مربوط] به مبانی نظری ما بود.

۳. پرسش دوم: علت "اختلالات ارزی" چیست؟

سرفصل دوم را [با این سؤال] شروع کنیم که «با این مبانی نظری که ما داریم "اختلالات ارزی" به کجا برمی‌گردد؟» من قبل از این که "اختلالات ارزی" را علت‌شناسی کنم، می‌خواهم محضر شما یک مقدمه‌ای را عرض کنم که شما طول و عرض "اختلالات ارزی" در کشور را بدانید که چه [حجم گسترده‌ای] دارد. این آماری که من عرض می‌کنم، آمار بودجه سال ۱۴۰۱ است (عملکرد بودجه سال ۱۴۰۲ که فعلاً مشخص نیست). من آمارها را از مجموعه گزارش‌هایی که سازمان‌های مختلف در مورد بودجه سال ۱۴۰۱ داده اند را عرض می‌کنم.

۳/۱. ۸۰ میلیارد دلار ارزی مصرفی در سال ۱۴۰۱: موضوع بحث

علت‌شناسی "اختلالات ارزی"

میزان ارزی مصرف کشور در سال ۱۴۰۱ (ارزی که اختصاص پیدا کرده است) ۸۰ میلیارد دلار بوده است.^{۹۳} ما ۸۰ میلیارد دلار اختصاص ارز داشتیم که تقریباً سال گذشته نیز همین بوده است. اقتصاددانان می‌گویند که: «حدود ۴۰ میلیارد دلار از این ارز برای کالاهای اساسی بوده و حدود ۴۰ میلیارد دلار دیگر نیز برای کالاهای تجملاتی است».^{۹۴} پس بدانید که ما داریم درباره اختلال در حدود ۸۰ میلیارد دلار بحث می‌کنیم (به این حجم [عظیم] توجه داشته باشید). حالا ۸۰ میلیارد

۹۳. **ارجاع پردازشی:** شیوا راوشی (مدیرکل امور تجارت خارجی بانک مرکزی): در سال جاری موفق شدیم بیش از ۸۰ میلیارد دلار تخصیص ارز برای تامین مصارف وارداتی انجام دهیم که از این رقم ۶۰ میلیارد دلار پرداخت شده است و کالای آن به کشور وارد شده و یا در حال ورود به کشور است.

وی افزود: برای کالاهای اساسی بیش از ۱۸ میلیارد دلار برای کالاهای اعلامی وزارت جهاد کشاورزی تخصیص ارز داده شده و تاکنون از این رقم ۱۴ میلیارد دلار تامین شده است؛ البته ما برای ۱۸ میلیارد دلار اعلام آمادگی کرده‌ایم؛ همچنین ۳/۲ میلیارد دلار هم برای اقلام اعلامی وزارت بهداشت تامین ارز شده است. نرخ ارز این کالاها ۲۸۵۰۰ تومان است و تامین ارز برای این اقلام ادامه دارد. [طبق این نرخ، ۸۰ میلیارد دلار معادل ۲۲۸/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ تومان به قیمت سال ۱۴۰۱ بوده است]

منبع: خبرگزاری فارس

farsnews.ir/news/1401113000679

۹۴. **ارجاع پردازشی:** آمار حاکی از این است که در چهار سال گذشته حدود ۴۵ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار ارز برای واردات کالاهای اساسی اختصاص یافته که این روند با وجود افزایش قیمت این کالاها در بازار جهانی و حذف ارز ترجیحی در دولت سیزدهم افزایش یافته است.

منبع: روزنامه ایران، شماره ۸۱۵۱، پنج‌شنبه ۲۵ اسفند ۱۴۰۱، منتشر شده در بانک اطلاعات نشریات کشور (Magiran)

www.magiran.com/article/4395335

دلار ضرب قیمت "بازار متشکل" کنید یک عدد به دست می‌آید؛ ضرب در قیمت "بازار نیمایی" کنید یک عدد دیگر به دست می‌آید؛ و اگر ضرب در قیمت "بازار آزاد" کنید یک عدد دیگری به دست می‌آید.^{۹۵} پس خیلی مسئله بزرگی است. جا دارد آقایان در حوزه علمیه قم درس‌هایشان را تعطیل کنند. اقتصاددانان ما نمی‌توانند اختلال در این حجم بالای پولی را مدیریت کنند. یک-دو سال درس‌ها را تعطیل کنیم تا بتوانیم به این افراد مشورت بدهیم که کشور دچار این همه اختلال نشود.

از این ۸۰ میلیارد دلار -توجه بفرمایید که این آمارها مهم است- ۱۸ میلیارد دلار کالاهایی هستند که وزارت کشاورزی ثبت سفارش کرده و ارز گرفته است؛ یعنی موضوع بیش از یک چهارم ارز کشور مسئله کشاورزی است (یک چهارم مصارف ارزی ما این است که کالاهای کشاورزی

۳/۱/۱. اختصاص
یک-چهارم ارز
مصرفی به واردات غذا
و دارو؛ همچون:
خوراک دام، دلنه‌های
روغنی، روغن خام،
گندم و واکسن، اقلام
حوزه سلامت و
بهداشت

۹۵. **ارجاع پرورشی:** انواع نرخ دلار: در داخل کشور انواعی دلار داریم که هر کدام نرخ متفاوتی دارند. دلار دولتی، دلار آزاد، دلار فردایی و دلار سنا و .. چند مورد از آنها هستند.

دلار دولتی (دلار مبادله‌ای): دلار دولتی و به طور کلی ارزهای دولتی یا همان ارز مبادله‌ای به دلار یا ارزی گفته می‌شود که دولت آن را در مرکز مبادلات ارزی جهت واردات اقلامی از کالاهای اساسی توزیع می‌کند. پیش‌تر، این ارز به تعداد بیشتری از کالاها تعلق می‌گرفت اما به تدریج دامنه کالاهایی که شامل دریافت این ارز می‌شد کاهش یافت و در نهایت به تازگی توزیع این ارز متوقف شده است. نرخ دلار دولتی از سایر انواع دلار کمتر بود و با قیمت ۴۲۰۰ تومان عرضه می‌شد و به همین دلیل به دلار دولتی، دلار ۴۲۰۰ تومانی نیز گفته می‌شد.

دلار نیمایی: در سال ۱۳۹۷ برای اولین بار بانک مرکزی سامانه ارزی جدیدی با عنوان سامانه نیما جهت تسهیل تامین ارز برای شرکت‌ها و تولیدکننده‌های بزرگ و همچنین تجار و بازرگانان معرفی شد. در این سامانه تنها این افراد (نه افراد عادی جامعه) امکان تبادل ارز و دلار را دارند و نرخ آن در اکثر مواقع با نرخ دلار بازار آزاد و نرخ دلار صرافی متفاوت و کمتر است. در برخی مواقع نیز نرخ دلار نیمایی به نرخ آزاد نزدیک می‌شود اما همواره تفاوت در آن وجود دارد. به عنوان مثال کمترین اختلاف بین نرخ دلار نیمایی با نرخ دلار بازار آزاد در مرداد ۱۴۰۱ رخ داد که ۱۸۰۰ تومان بود.

نرخ دلار سنا: سامانه نظارت ارز که مخفف آن را «سامانه سنا» نیز می‌گویند سامانه است که با نظارت بانک مرکزی جمهوری اسلامی طراحی شده است. نرخ ارزهای موجود در سامانه سنا، میانگین وزنی نرخ خرید و فروش دلار و دیگر ارزهای معامله شده در صرافی‌های مجاز و معتبر هستند. شما می‌توانید با مراجعه به این سایت اطلاعات مربوط به نرخ ارزهای مختلف را مشاهده کنید. عموماً این نرخ نیز از نرخ دلار نیمایی بیشتر است اما از نرخ دلار آزاد کمتر است. (نرخ دلار نیما و دلار سنا را در سایت sanarate.ir می‌توان مشاهده کرد).

نرخ دلار آزاد: نرخ دلار بازار آزاد یا به طور کلی نرخ ارز آزاد به نرخ خرید و فروش دلار و ارز در بازار آزاد (بازار غیررسمی و غیرمتشکل دولتی) گفته می‌شود. علاوه بر دلار سنا، دلار آزاد نیز قابل خرید و فروش توسط عموم مردم هستند با این تفاوت که محدودیت خرید برای این بازار وجود ندارد بنابراین از مقبولیت بیشتری در میان مردم برخوردار است و نرخ دلار آزاد مبنای بسیاری از محاسبات قرار می‌گیرد. هرگونه رخداد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی که بر کلیت کشور تاثیرگذار باشد و ریسک سیستماتیک کشور را تحت تاثیر قرار دهد ابتدا با نوسان در نرخ دلار آزاد خود را نشان می‌دهد و به دنبال آن دلارهای نیمایی و دلار سنا نیز جا به جا می‌شوند. دلار در بازار آزاد تهران در مناطق مختلفی معامله می‌شوند که براساس محل معامله نام متفاوتی همچون دلار سبزه میدان و دلار افشار، دلار چهارراه استانبول دارد اما به طور کلی تنها یک نرخ را برای دلار بازار آزاد اعلام می‌کنند. به عنوان مثال دلار سبزه میدان نام خود را از محلی در نزدیکی میدان فردوسی که معامله‌گران در آن منطقه دلار را خرید و فروش می‌کنند گرفته است.

[انواع-نرخ-دلار-در-ایران /charisma.ir/blog/educations/](http://charisma.ir/blog/educations/)

وارد کنیم).^{۹۶} چه کالاهایی را وارد می‌کنیم؟ مجموعاً ۲۲ میلیون تن خوراک دام، خوراک طیور - که عبارت از: سویا و کنجاله - دانه‌های روغنی، روغن خام و گندم است؛ یعنی یک چهارم این ارزی که وارد کشور می‌شود به خوراک ملت/ایران اختصاص دارد.^{۹۷}

۳/۲ میلیارد دلار هم اقلام اعلامی وزارت بهداشت است؛ یعنی واکسن وارد می‌شود، اقلام حوزه بهداشت و سلامت وارد می‌شود که حالا این را باید به تفکیک درآورد. توجه داشته باشید ۳/۲ میلیارد دلار که برابر با درآمد همه تاریخ عطاری‌های ایران است، فقط پارسال وزارت بهداشت

۹۶. **ارجاع پردازشی:** شیوا راوشی (مدیرکل امور تجارت خارجی بانک مرکزی): بیش از ۱۸ میلیارد دلار برای کالاهای اعلامی وزارت جهاد کشاورزی تخصیص ارز داده شده؛ همچنین ۳/۲ میلیارد دلار هم برای اقلام اعلامی وزارت بهداشت تامین ارز شده است.

منبع: خبرگزاری فارس

farsnews.ir/news//۱۴۰۱۱۳۰۰۰۰۶۷۹

حسین تاجیک معاون اداره تخصیص ارز بانک مرکزی ضمن اشاره به اهمیت تخصیص ارز برای واردات کالاهای اساسی گفت: از سال ۱۳۹۸ تا کنون حدود ۴۵ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار بابت تامین ارز کالاهای اساسی حوزه وزارت جهاد کشاورزی در شرایط تحریم اختصاص یافته است. در واقع سالانه حدود ۲۵ درصد ارز کشور صرف واردات کالاهای اساسی می‌شود.

منبع: پایگاه مسیراقتصاد

masireqtasad.ir/۱۴۷۱۳

۹۷. **ارجاع پردازشی:** برای مطالعه ۱۴ کالای عمده وارداتی ایران که ۳۵٪ آمار واردات را تشکیل می‌دهد - به "پیوست ۵" مراجعه فرمایید.

همچنین گزارش زیر بعد دیگری از این واردات اشاره می‌کند

سه سال گذشته بیشترین حواشی متوجه واردات کالاهای اساسی بوده و همواره ارز اختصاص داده شده به آنها و دیو و رسوب این کالاها در گمرک و مشکلات پیرامون آن محل بحث رسانه‌ها و کارشناسان مختلف بوده است. به طوری برخی تجار می‌گویند از میزان کالاهای دیو شده در گمرکات و بنادر مختلف کشور کم نشده و همیشه ۴ تا ۵ میلیون تن کالا در این مناطق رسوب شده که به مرور زمان برخی از آنها فاسد شده است که از آن جمله می‌توان به فاسد شدن برنج و ذرت در گمرک امام خمینی (ره) در طی سال‌های گذشته اشاره کرد. کارشناسان سه دلیل اصلی دیوی کالاها در گمرک را عدم اختصاص ارز به آنها، نبودن بستر مناسب حمل و نقل و ارسال مجوز فیزیکی تا ۴۵ روز عنوان می‌کنند.

۴ میلیون تن نهاده در بنادر وجود دارد که بیشتر آن در بندر امام خمینی (ره) است به طوری که اگر آمار نیاز کل کشور به نهاده دامی در سال جاری را ۲۴ میلیون تن فرض کنیم در هر ماه ۲ میلیون تن گردش کالایی را باید شاهد باشیم. در حال حاضر حدود چهار میلیون تن و چهار کالای نهاده‌ای در ۱۲ گمرک وجود دارد که بیشتر آن هم ذرت است و حجم آن یک میلیون و ۸۸۰ هزار تن برآورد شده که این عدد در ۱۰ روز گذشته دو میلیون و دویست هزار تن بوده است. از سوی دیگر در گمرکات کشور ۸۸۵ هزار تن جو، ۷۶۷ هزار تن سویا، ۴۷۰ هزار تن دانه‌های روغنی و ۳۹۲ هزار تن روغن خام وجود دارد که هزینه ارزی آن ۵ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار برآورد شده که ۳ میلیارد و ۲۵۰ میلیون دلار آن برای تنها ۴ قلم نهاده است. در همین خصوص مهرداد جمال ارونقی، معاون فنی و گمرکی وقت ایران می‌گوید: بیش از ۷ میلیون تن کالا از ۶ قلم کالای اساسی که ارز ۴۲۰۰ تومانی به آنها اختصاص یافته در گمرکات کشور ذخیره شده است.

منبع: روزنامه جام جم شماره ۶۰۰۷، سه‌شنبه ۱۹ مرداد ۱۴۰۰

jamejamdaily.ir/newspaper/BlockPrint/۱۰۴۴۱۰

ارز دریافت کرده است.^{۹۸} پس وقتی می‌گوییم ۸۰ میلیارد دلار، حدود ۲۰ میلیارد دلارش فقط برای غذا و دارو است.

دولت از بهمن ۱۴۰۰ تا دی ۱۴۰۱ [این مقدار] ارز به اینها اختصاص می‌داد. از دی ۱۴۰۱ - غیر از گندم که ۴/۱ میلیارد دلار کماکان به وارداتش اختصاص پیدا می‌کند و قیمتش تغییر نکرده است - دولت در عمل به یک مشاوره اشتباه ۱۲/۱ میلیارد دلار "ارز ترجیحی" آن را حذف کرد و با قیمت "بازار نیما" و سایر بازارها روغن، کنجاله و بقیه اقلام شد (که دیدید در روغن، لبنیات و گوشت "تورم" ایجاد شد).^{۹۹} همان‌طور که استحضار دارید "تورم" پدیده‌ای مسری است. ان‌شاء‌الله

۹۸. **ارجاع پردازشی:** عبدالرضا هنری (رئیس کارگروه تولیدکنندگان محصولات مصرفی، تنفسی و بیهوشی) گفت: اندازه کل بازار تجهیزات پزشکی ایران ۲/۵ میلیارد دلار بوده که ۳۵ درصد ارزش آن (گردش مالی بازار) تولیدی و ۶۵ درصد آن وارداتی است. وی افزود: آمار دقیق واردات تجهیزات پزشکی به تفکیک نوع کالا مشخص نیست. به گفته وی ۲۰۰۰ قلم تجهیزات پزشکی با یک کد تعرفه یکسان وارد کشور می‌شود.

هنری با اشاره به نامگذاری سال جاری به عنوان تولید دانش بنیان، اشتغال آفرین بیان داشت: در کشور ۲۴۸ شرکت دانش بنیان تجهیزات پزشکی وجود دارد اما وقتی ۶۵ درصد آمار بازار و گردش پول صنعت تجهیزات پزشکی مربوط به واردات است یعنی گرایش مدیران ما در سال‌های اخیر به سمت واردات بوده است.

منبع: خبرگزاری تسنیم، ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۱

tasnimnews.com/fa/news/۶۵/۲۷۱۴۳۲۹/۳۱/۰۲/۱۴۰۱

بهرام عین‌اللهی (وزیر بهداشت) گفت: ۳۰۵ میلیارد دلار ارز ۲۸۵۰۰ تومانی برای واردات دارو، تجهیزات پزشکی و شیرخشک نوزادان در سال ۱۴۰۲ اختصاص داده شده که ماهانه حدود ۳۰۰ میلیون دلار آن برای تأمین کامل نیازهای این حوزه اختصاص می‌یابد.

وی همچنین از توافق وزارت بهداشت با بانک مرکزی برای اعطای ۳۰ هزار میلیارد تومان تسهیلات جدید در قالب سرمایه در گردش از طریق بانک‌های عامل به شرکت‌های دارویی خبر داد و افزود: مقرر شد برای پرداخت ۳۰ همت تسهیلات جدید به شرکت‌های دارویی برای تأمین دارو و مواد اولیه، سازمان غذا و دارو بانک‌های عامل و فهرست شرکت‌های دارویی را به بانک مرکزی معرفی کند تا سهمیه بانک‌های عامل توسط بانک مرکزی تعیین و ابلاغ شود.

وزیر بهداشت گفت: تا پایان سال ۱۴۰۲ سازمان غذا و دارو در تالار اول پس از اعمال اولویت از سوی سازمان، طی حداکثر ۴۸ ساعت و همچنین ثبت سفارش‌های حوزه دارو و تجهیزات پزشکی در تالار دوم بر اساس تاریخ ایجاد گواهی ثبت آماری حداکثر طی ۷۲ ساعت تخصیص می‌یابد.

وی همچنین به توافق امروز با بانک مرکزی برای تأمین ارز شرکت‌های واردکننده دارو اشاره کرد و افزود: به هر میزان که صادرات دارو توسط شرکت‌های دارویی صورت پذیرد به صورت فصلی، گزارش مربوطه توسط سازمان غذا و دارو به بانک مرکزی ارسال و عدد مزبور به سهمیه ارزی حوزه دارو اضافه می‌شود.

منبع: خبرگزاری مهر ۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۲

mehrnews.com/news/۵۷۶۹۶۲۹

۹۹. **ارجاع پردازشی:** رحیم زارع (سخنگوی کمیسیون تلفیق بودجه ۱۴۰۱): در جلسه امروز دولت رسماً اعلام کرد که سال آینده ارز ترجیحی نداریم و تنها ارز با نرخ ETS (نرخ نزدیک به آزاد) اختصاص می‌یابد. دولت برای سال آینده ۲۵۰ هزار میلیارد تومان برای یارانه و بن‌کارت در ازای حذف ارز ترجیحی اعتبار گذاشته است که در دو سه ماه اول سال آینده، به صورت نقدی و بعد از آن با بن‌کارت و کارت‌های الکترونیک پرداخت می‌شود.

وی تصریح کرد: برخی همکاران هنوز در خصوص حذف ارز ترجیحی قانع نشده‌اند و لذا همچنان در حال بررسی سازوکار این مسأله در کمیسیون تلفیق هستیم تا به جمع‌بندی نهایی برسیم.

منبع: خبرگزاری شرق / ۲۱ دی ۱۴۰۱

یک ملاقات خوبی با آن اقتصاددان‌هایی داشته باشیم تا بدانیم چه طور محاسبه می‌کنند و "تورم" را [صرفاً] در چهار کالا می‌دانند! (تلخنده استاد) اینها سرماخوردگی را مسری می‌دانند؛ ولی "تورم" را مسری نمی‌دانند؛ یعنی فکر می‌کنند "تورم" را مثلاً در این چهارتا کالا می‌توان کنترل کرد.^{۱۰۰}

پس این توضیح بحث "اختلال ارزی" ای است که با آن مواجه هستیم. ما مواجه با حدود ۸۰ میلیارد دلار دچار اختلال هستیم که ۱۸ میلیارد دلار برای کالاهای بخش کشاورزی است و ۳/۲ میلیارد دلار آن نیز برای بخش سلامت و بهداشت است.

بخش‌های دیگر را فعلاً نمی‌خواهم بحث کنم وگرنه این ۸۰ میلیارد دلار به تفکیک ثبت است؛ حتی ثبت است که چه کسانی آن را برده‌اند (فامیل فلان وزیر، فامیل فلان رئیس‌جمهور برده است؛

sharghdaily.com/fa/tiny/news-۸۳۹۴۶۸

۱۰۰. **ارجاع پردازشی:** پس از حذف ارز ترجیحی اما میانگین نرخ تسعیر همان ۱۵ میلیارد دلار به حدود ۲۵ هزار تومان افزایش پیدا کرد، به این ترتیب سرمایه در گردش مورد نیاز نیز از ۶۰ هزار میلیارد تومان به ۳۶۰ هزار میلیارد تومان افزایش پیدا کرد، این موضوع تنها مربوط به سرمایه گردش مورد نیاز واردکنندگان است اما همین جا توجه داشته باشیم که این افزایش سرمایه در گردش به کل زنجیره ارزش تولید کالاهای مرتبط با ارز ترجیحی سرایت کرد.

به‌طور مثال با گران شدن نهاده‌های دامی، شرکت‌ها و مصرف‌کنندگان حلقه‌های پایین دستی در زنجیره ارزش نیاز شدیدی به سرمایه در گردش پیدا کردند. به هر ترتیب از آن جا که حذف ارز ترجیحی در گام نخست فعالان اقتصادی مرتبط با نهاده‌های دامی و دارو را تحت تأثیر قرار داد این گروه از فعالان اقتصادی در صف اول دریافت تسهیلات بانکی قرار گرفتند. در پی حذف یکباره ارز ترجیحی، آمارهای رسمی به خوبی نشان می‌دهند تورم مواد غذایی با چه جهشی روبرو شدند و برخلاف ادعای موافقان حذف این ارز، دقیقاً نشان از اصابت این ارز به هدف دارد به عنوان مثال امروز راحت‌تر می‌شود این ادعا را کرد افزایش‌های عجیب غریب قیمت مرغ دقیقاً معلول سیاست حذف ارز ۴۲۰۰ است.

باید در اینجا به این نکته اشاره شود که همزمان با اعمال سیاست حذف ارز ترجیحی، سیاست انضباط مالی بانک‌ها با کنترل سفت و سخت ترازنامه‌ی آن‌ها توسط بانک مرکزی (سیاست کنترل ترازنامه) دنبال می‌شد. در واقع همگام شدن اجرای این دو سیاست دلیلی شد تا از محل نیاز شدید واردکنندگان و زنجیره‌های مرتبط به کالاهای اساسی به تأمین سرمایه در گردش، سبلی از درخواست‌های وام و تسهیلات به سوی بانک‌ها سرازیر شود. اما این پایان ماجرا نبود و سیستم بانکی جدای از سمت داراییها ترازنامه از محل بدهیها نیز تحت فشار مضاعف قرار گرفت.

بر این اساس با توجه به اینکه نیاز به تأمین سرمایه در گردش بنگاه‌ها به شدت در این بازه زمانی افزایش یافته بود و بانک‌ها نیز دچار محدودیت از طرف سیاست کنترل ترازنامه بودند، در نهایت شاهد رشد نرخ بهره در بازار آزاد بودیم. در واقع نیاز به سرمایه در گردش که از سیستم بانکی تأمین نشده بود به بازار آزاد پول سرایت کرد. بر این اساس نرخ پول در بازار آزاد جهش قابل توجهی داشت که همین موضوع موجب تشدید خروج پول از سپرده‌های بانکی شد. این مسئله و جذابیت رخ داده از محل رشد نرخ بهره در بازار آزاد سبب شد شاهد شوک‌های ماهیانه تبدیل شبه پول به پول باشیم. بر این اساس درحالی که در یکی دو سال گذشته نسبت پول به نقدینگی حدود ۲۰ درصد بود از اواخر بهار سال قبل این شاخص، شروع به افزایش کرده در نهایت به محدوده ۲۵ درصد رسید، این نرخ طی یک دهه اخیر یک رقم بی‌سابقه محسوب می‌شود و به زعم تمام اقتصاددانان این وضعیت منجر به افزایش سرعت گردش نقدینگی و در نهایت افزایش نرخ تورم می‌شود.

منبع: خبرگزاری تسنیم / ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۲

tasnimnews.com/fa/news//۲۸۹۰۱۷۹/۱۹/۰۲/۱۴۰۲

به هر حال الحمدلله یک سفره‌ای پهن است که آقایان در حال استفاده هستند و ما باید فکری به حال این موضوع کنیم). پس موضوع اختلال را توضیح دادم.

۳/۲. وجود چهار تحلیل در علت‌شناسی پیدایش "اختلالات

ارزی"

[بحث بعدی این است که] چرا اختلال ایجاد می‌شود؟ چهار تحلیل وجود دارد:

تحلیل اول، تحلیل تیم آقای روحانی، آقای نوبخت، آقای غنی نژاد و همین‌ها هستند؛ می‌گویند: «شرایط تأمین ۸۰ میلیارد دلار را فراهم کنید». عمدتاً مرادشان دو تا چیز است: اولاً رعایت قوانین بین‌الملل و ثانیاً پیوستن به تمام معاهدات بین‌المللی؛ می‌گویند اگر ما به FATF یا به فلان معاهده بین‌المللی بپیوندیم، تحریم چرخه دلار بر شما تحمیل نمی‌شود و شما می‌توانید ۸۰ میلیارد دلار را راحت تأمین کنید.^{۱۰۱}

۳/۲/۱. اختصاص
یک-چهارم ارز
مصرفی به واردات غذا
و دارو؛ همچون:
خوراک دام، دانه‌های
روغنی، روغن خام،
گندم و واکسن، اقلام
حوزه سلامت و
بهداشت

۱۰۱. **ارجاع پردازشی:** حسن روحانی در سفر انتخاباتی بیت مردم گرگان گفت: «ما برای اینکه به اهداف ملی دست پیدا کنیم و برای اینکه کشور را از تحریم ظالمانه نجات دهیم و برای اینکه روابطمان را با دنیا براساس تعامل سازنده بنیانگذاری کنیم در این عرصه ورود کرده‌ایم».

منبع: خبرگزاری ایلنا، ۲۳ خرداد ۱۳۹۲

ilna.ir/fa/tiny/news-۸۰۹۹۹

حسن روحانی در پاسخ به سؤال به (شما تا چه اندازه مشکلات جاری اقتصادی کشورمان را منبعث از تحریم‌های بین‌المللی می‌دانید؟ چه راهکاری در زمینه سیاست خارجی برای مقابله با تحریم‌ها در نظر دارید؟) گفت: پاسخ کارشناسی به این سؤال که تا چه اندازه مشکلات جاری اقتصادی کشور ناشی از تحریم‌های بین‌المللی است، کاری دشوار است. آنچه مسلم است مسئولینی که در مقطعی شعار می‌دادند که قطعنامه‌های شورای امنیت کاغذ پاره‌ای بیشتر نیستند حالا آموخته‌اند که قطعنامه‌های شورای امنیت و تحریم‌های بین‌المللی بیش از کاغذ پاره است. اتفاقاً همان مسئولین امروز تحریم‌های بین‌المللی را در حال حاضر منشأ اصلی مشکلات اقتصادی فعلی کشور می‌دانند. یاران قدیمی و بریده امروز از دولت که اکنون به مخالفین آن تبدیل شده‌اند مشکلات اقتصادی را هم به تحریم‌ها و هم به سوء مدیریت دولت نسبت می‌دهند.

مهمترین هدف دولت یازدهم باید بر اعتماد سازی با جهان خارج و بسامان کردن وضعیت داخل باشد و این دو مهم میسر نمی‌شود الا از طریق تنش زدایی با دیگران مخصوصاً همسایه‌ها.

روابط ایران و آمریکا دارای زخم‌های عمیق و مزمن است که التیام آنها به صبر، مقاومت، تدبیر و تلاش نیاز دارد. دشمنی آمریکا با ایران در سه دهه گذشته، یافتن و به کاربردن راه‌های درمان زخم‌های موجود را دشوار کرده است. در شرایط فعلی، هرگونه از سرگیری روابط بین دو طرف نیازمند ایجاد تغییرات جدی در رویکرد ایالات متحده آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. در این صورت، در پیش گرفتن سیاست تنش زدایی و تلاش برای درک متقابل از جمله نخستین گام‌هایی است که باید برداشته شود. آنچه که اکنون بیشتر مورد نیاز است تلاش برای کاهش تنش و نه الزاماً ایجاد رابطه است. اساساً مذاکره آسان‌ترین و عقلانی‌ترین راه حل و فصل اختلافات است؛ چنانکه این امر به صورت یکی از اصول شناخته شده حقوق بین‌الملل درآمده است. به همین دلیل نظر من این است که باید شرایط فعلی را به دقت مورد ارزیابی قرار داد و در صورت اقتضا، از مذاکره و گفتگوی دوجانبه با آمریکا پرہیز نکرد. با توجه به شرایط موجود، به نظر می‌رسد که در گام‌های نخست باید به مذاکره به مثابه بستری برای جلوگیری از شدت یافتن بیش از پیش فشارها و متوقف ساختن روند تحریم‌های کنونی نگرسته شود و در مراحل بعدی باید در پی تعدیل فضا تا حذف کامل تحریم‌ها پیش رفت.

به لحاظ عددی این [تحلیل] درست است. تقریباً قیمت صادرات نفتمان به علاوه پتروشیمی - من حتی صادرات غیرنفتی را هم نمی‌گوییم - اگر کسی برایش مزاحمت ایجاد نکند، همین حدود ارزش‌آورداتی خواهیم داشت. به طور ساده عرض کنم، آقایان بر اساس همین قیمت صادرات نفتی‌مان می‌گویند: «حالا که کشور توان تأمین ارزش دارد بعضی‌ها روی موشک مرگ بر اسرائیل ننویسند، مگرراً شعار علیه ندهند بالاخره آمریکا رئیس‌ارز واسط در دنیا است پس با توافق و همکاری کنید». ۱۰۲ این تحلیل اول است.

آنچه که امروز می‌توان به عنوان اولویت سیاست خارجی بر آن تأکید کرد این است که باید در گام نخست از سوء تفاهم‌ها و تنش‌های غیر ضروری در روابط با قدرت‌های بزرگ و همچنین برخی قدرت‌های منطقه‌ای است. علاوه بر این، ما به عنوان یک دولت ملی موظف هستیم تمام تلاش خود را برای بهره‌گیری از روابط خارجی در جهت بهبود شرایط اقتصادی کشور بکار بگیریم.

منبع: حسن روحانی در گفتگوی اختصاصی با دیپلماسی ایرانی، ۲۶ خرداد ۱۳۹۲

irdiplomacy.ir/fa/news//۱۹۱۶۶۴۹

دولت یازدهم و به ویژه دولت دوازدهم، سیاست خارجی خود را اقتصادمحور و هدف اصلی آن را کمک به توسعه و رفاه ملی از طریق تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل عنوان کرده است.

دولت دوازدهم دیپلماسی اقتصادی را با رویکردهای جدید در صدر برنامه‌های خود قرار داد. افزایش سرمایه‌گذاری خارجی، رشد تراز تجاری کشور و افزایش تعامل با دنیا در سایه تحقق برجام، تأسیس و تعریف مأموریت اقتصادی توسط دستگاه دیپلماسی، ایفای نقش اتاق بازرگانی و وزارت صمت، و اف‌ایش صادرات غیرنفتی و تعامل با اروا در خصوص راه‌اندازی کانال ویژه مالی (علی‌رغم خروج آمریکا از برجام) از ویژگی‌های این دوره است.

منبع: مقاله دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: دوره احمدی‌نژاد و روحانی، منتشر شده در فصلنامه

پژوهش‌های بین‌الملل، دوره ۸، شماره ۱ - شماره پیاپی ۲۷، خرداد ۱۳۹۷، صفحه ۶۷-۹۴

ijsajournals.ir/article_۸۲۴۶۶_۶cc0fcb0aa91dVbc277b-bbc-۶b۲۳۲de.pdf

حسن روحانی رئیس‌جمهوری منتخب دوره یازدهم بعد از پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری در زمینه سیاست خارجی و دیپلماسی دولت خود با صراحت اعلام کرد که به دنبال رابطه و تعامل با کشورهای دنیا بر اساس احترام متقابل است و این اقدام نه تنها به نفع ایران بلکه به نفع همه‌ی جهان است.

تجربه حسن روحانی به عنوان دبیر عالی شورای امنیت ملی دولت خاتمی نشان می‌دهد که او اعتبار خاصی برای روابط با کشورهای اروپایی قائل است. اهمیت اروپا در چارچوب تفکر و سیاست خارجی حسن روحانی به دلایل متعددی است. اول اینکه اصولاً اروپایی‌ها به نسبت آمریکا موضع نرم‌تری در قبال موضوعات مرتبط با ایران اتخاذ می‌کنند. مسئله بعدی موضوع اقتصادی، سرمایه‌ای و تکنولوژیکی است. حسن روحانی با آگاهی از نیازهای کشور در حوزه اقتصادی اتحادیه اروپا را به عنوان پدیده‌ای اقتصادی در نظر گرفت که می‌تواند با اتحاد دیپلماسی فعال در چارچوب تعامل سازنده از ظرفیت‌های اقتصادی آن برای توسعه سریع ایران استفاده نمود. ضمن اینکه گسترش روابط با اتحادیه اروپا می‌تواند به روابط اقتصادی ایران تنوعی دهد و ایران را از انحصار اقتصادی برخی از کشورهای همچون چین رها سازد. همچنین بهبود روابط با کشورهای اروپایی در برداشتن تحریم‌ها مؤثر خواهد بود، چراکه بسیاری از موانع و محدودیت‌هایی که بر ایران اعمال می‌شود در دستور و چارچوب مصوبات سازمان ملل و شورای امنیت نیست.

منبع: مقاله پیامدهای سیاست خارجی دولت روحانی بر تعاملات بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، منتشر شده در فصلنامه علمی

مطالعات روابط بین‌الملل، سال چهاردهم، شماره ۳۵، بهار ۱۴۰۰

prb.ctb.iau.ir/article_۶۸۲۳۴۹_d1۱a۹۹۴۴db-fib۳۳۱۴fb۸a0۴۳۴afbd۳۲.pdf

۱۰۲. **ارجاع پردازشی:** روحانی با بیان اینکه در زمینه برجام هر جا متحد بودیم کار را پیش بردیم، اظهار کرد: برخی آمدند و تصویری از شهرهای زیرزمینی نشان دادند که برجام را برهم بزنند، روی موشک شعارهایی نوشتند تا برجام را برهم بزنند

۳/۲/۱/۱. نقد و
بررسی: ۸ سال
تجربه‌های تلخ
پیوستن به برجام و
سایر معاهدات و
ناکامی در تامین ارز

جواب ما به این تحلیل این است که: «ما [قبلاً] به این تحلیل عمل کردیم ولی باز نتوانستیم [ارز لازم را] تأمین کنیم. ۱۰۳ خواسته نهایی کشور آمریکا - به عنوان صاحب ارز دلار - تغییر قانون اساسی و تغییر در حوزه‌های علمیه است. آقای پرزیدنت آمریکا در سخنرانی‌ها و در گفتگوهای معروفش بحث از برجام‌های دیگر را مطرح می‌کردند؛ یعنی دنبال اضافه کردن گفت‌وگوهای دیگر بودند. در حقیقت تقاضایشان واقعاً پذیرش شرایط بین‌المللی نیست؛ بلکه واقعیت تقاضایشان به مرجعیت رسیدن شخصیت‌هایی مثل حجت‌الاسلام علوی بروجدی در قم است. به دنبال این است که یک حوزه علمیه‌ای که کار با هیچ مفهومی ندارد سرکار بیاید. این عرضی که من کرده‌ام در آینده بیشتر واضح می‌شود. خیلی طرف‌داری می‌کنند از کسانی که اسلام حداقلی را ترویج می‌کنند ولو اینکه خود این دوستان هم ندانند؛ ولی در همان جهت حرکت می‌کنند. به لحاظ حقوقی هم دنبال این هستند که اصل ولایت فقیه، اصل شورای نگهبان و اصول مقدمه‌ای قانون اساسی که همه‌اش تأکید بر اجرای اسلام دارد از قانون اساسی ما حذف شود؛ یعنی این‌طور نیست که اگر شما مثلاً FATF را پذیرفتید چالش برطرف شود. این پاسخ اصلی ما [به این تحلیل است]: طرف ارز را گرو گرفته است و تقاضای برجام‌های متعدد با موضوع‌های متعدد دارد؛ بنابراین این گزینه نشدنی است [چراکه] ۸ سال نیز تجربه کردیم که آزموده را دوباره نباید آزمایش کرد.

تحلیل دیگر که این تحلیل را برادر خویم آقای جبرائیلی و بعضی از کارشناسان در مجمع تشخیص مصلحت مطرح می‌کنند. می‌گویند: «این "اختلالات ارزی" ناشی از این است که

منبع: پایگاه خبری آفتاب، ۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۶
aftabnews.ir/fa/news/443556

۱۰۳. **ارجاع پردازشی:** اقتصاد ایران در پی خروج آمریکا از برجام بدترین شرایط اقتصاد ایران بعد از انقلاب را تجربه می‌کند. تورم افسارگریخته، بیکاری، رکود، گرانی، بحران ارزی و بحران سکه، گرانی مسکن همه از نتایج رویکرد تعامل حسن روحانی در سیاست خارجی است.

منبع: اقتصاد ایران پسا برجام، مرکز مطالعات اقتصادی مجلس شورای اسلامی، سعید لیلانز، ۱۳۹۸، ص ۱

از طرف دیگر، واقعیت پیدای و پنهان عرصه اقتصاد نشان می‌دهد که نه تنها رویکرد های روحانی و تیم اقتصادی گشایشی را در عرصه اقتصاد به همراه نداشته، بلکه قرار نیست که برنامه کارا و موثری برای ثبات و سامان اقتصاد کشور عرضه شود. عمق تراژیک بودن وضعیت اقتصاد آنجاست که قیمت سکه و ارز، قرار نیست خود را با سیاست های دستوری بانک مرکزی مطابقت دهد. دولت سیاست منفعلانه ای در شناسایی و مجازات عاملان بازار سکه ارز اتخاذ کرده و به جای حل اساسی و بنیادی معضلات اقتصادی به جابجای مدیران اقتصاد بسنده کرده است.

منبع: مقاله پیامدهای سیاست خارجی دولت روحانی بر تعاملات بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، منتشر شده در فصلنامه علمی

مطالعات روابط بین‌الملل، سال چهاردهم، شماره ۳۵، بهار ۱۴۰۰

prb.ctb.iau.ir/article_682349_d11a994db-fb331efb8a0e34afbd32.pdf

لیل
ن مجمع
صلحت
حاسبه
بد داخل
ل بجای

کالاهای تولید داخل "محاسبه دلاری" می‌شوند؛ یعنی مثلاً الان سایبیا که پراید را تولید می‌کند، [قیمتش] با دلار محاسبه می‌کند. عمدتاً هم مراد از "محاسبه دلاری" این است که قیمت‌گذاری مواد اولیه در ایران نباید بر مبنای دلار باشد؛ مثلاً فرض کنید فولاد که در ایران تولید می‌شود و [باید] با ریال، نه با دلار محاسبه شود. این نیز یک سرفصل بحثی و تحلیل است. می‌گویند: «چرا بازار دچار اختلال می‌شود؟ چرا آن قدر اختلال در قیمت دلار تأثیرگذار [بر اقتصاد] است؛ اساساً قیمت‌گذاری دلاری در کشور قانونی شده است».^{۱۰۴}

حرفشان درست است. من مثال تحلیل آقایان را این می‌دانم که مثلاً یک نفری غلبه سودا پیدا کرده است، بعد طبیب ناکار بلدی بالای سرش حاضر شود و بگوید: «به بیمار از امشب، روزی سه بار سویق عدس بدهید و برایش چغندر توصیه کند (بگوید این برای تو مفید است)».^{۱۰۵} فردای

۳/۲/۲۱. تحلیل
کارشناسان مجمع
تشخیص مصلحت
نظام: لزوم محاسبه
کالاهای تولید داخل
بر مبنای ریال بجای
دلار

۱۰۴. **ارجاع پردازشی:** سیاست‌ها که حامی دلار فروشی مواد اولیه ایرانی به ایرانیان است باعث شده هزینه ملت به دلار و درآمد به ریال باشد. علت فقر ملت ایران این است.

سال قبل میزان صادرات غیرنفتی ۵۳ میلیارد دلار بوده و رکورد تاریخی شکسته شده است. در شش ماه اول سال گذشته ۳۰ میلیارد دلار نفتی داشتیم درحالی که میزان واردات ۵۹ میلیارد دلار بوده است. یعنی تراز تجاری ما با نفت مثبت ۵۴ میلیارد دلار بوده است. در این سال ارز نیما از ۲۸ هزار تومان به ۳۸ هزار تومان رسیده است. ۵۳ میلیارد دلار صادرات غیرنفتی صاحب دارد. هر ۱۰ هزار تومان افزایش نرخ ارز باعث می‌شود ۵۳۰ هزار میلیارد تومان به جیب صادرکنندگان غیرنفتی برود بدون اینکه زحمت بیشتری بکشند؛ یعنی فقط از محل گران فروشی ارز. ۵۳۰ هزار میلیارد تومان از جیب ۸۵ میلیون ایرانی جمع شده است. به طور متوسط از جیب هر ایرانی شش میلیون و ۲۰۰ هزار تومان به جیب صاحبان دلار رفته است. ما می‌خواهیم دلارزدایی کنیم. می‌خواهیم به حاکمیت دلار در این کشور خاتمه دهیم تا وضع مردم خوب شود و سفره مردم آسیب نینند، اما این وضع ذینفع دارد و دارند برایش تلاش می‌کنند.

منبع: منتظره یاسر جبرائیلی و مهدی طغیانی در برنامه جهان آرا درمورد مباحث مختلف اقتصادی از جمله تأثیر حذف ارز ترجیحی، ۱۸

اردیبهشت ۱۴۰۲

isna.ir/news/۱۴۰۲۰۲۱۹۱۲۲۹۰

سید یاسر جبرائیلی عصر چهارشنبه در جشن میلاد امام رضا علیه السلام در سالن اجتماعات دانشگاه آزاد اسلامی گیلان، اظهار کرد: تمام مواد اولیه تولید در کشور وجود دارد اما در مسیر درست صرف نمی‌شود. جبرائیلی با اشاره به جهانی شدن قیمت کالاهای داخلی، بیان کرد: سازوکار اشتباه جهانی کردن قیمت کالاها و اجناس داخلی پدر اقتصاد کشور را در آورده است. فروش مواد اولیه داخلی با قیمت جهانی سبب افزایش چند برابری کالاها و فشار چند برابر روی تولید می‌شود. گران‌فروشی مواد اولیه و ارز سبب شده تا عده‌ای جشن ثروت افزایشی به پا کنند و عده‌ای در قعر فقر دست و پا بزنند.

منبع: خبرگزاری تحلیلی ایران، ۱۱ خرداد ۱۴۰۲

khabaronline.ir/news/۱۷۷۲۶۵۹

۱۰۵. **ارجاع پژوهشی:** مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «أَطْعَمُوا مَرَضًا كُمْ أَلْسَلَقُ يَعْنِي وَرَقَهُ فَإِنَّ فِيهِ شِفَاءً وَ لَا دَاءَ مَعَهُ وَ لَا عَائِلَةَ لَهُ وَ يُهْدَى تَوْمَ الْمَرِيضِ وَ اجْتَنِبُوا أَضْلَهُ فَإِنَّهُ يَهَيِّجُ السُّودَاءَ»؛ امام رضا علیه السلام فرمود: به بیماران خود چغندر - یعنی برگ آن را - بخورانید؛ زیرا در آن شفاء است، هیچ بیماری و هیچ‌گونه گرفتاری و بلایی با آن نیست و خواب بیمار را راحت می‌کند. البته از ریشه آن دوری کنید؛ چرا که سوداء را تحریک می‌کند.

الکافی ج ۶ ص ۳۶۹

آن روز، غلبه سودای او ده برابر می‌شود! تحلیل آقایان نیز مثل همین تحلیل است. اینکه گفته می‌شود «کشور ۸۰ میلیارد دلار مبادله دارد» نشان می‌دهد که اصل «مبادله دلاری» مسئله شده است؛ حالا قیمت‌گذاری کالاهای تولید داخلی هم بر اساس دلار، [این اختلال را] تشدید می‌کند؛ اما نه این که علت [اصلی] مسئله است.

اینکه می‌گوییم [روش تحقیق موجود] توصیف بخشی است یعنی همین! همه حادثه را برای توضیح نمی‌دهد. ولی این تحلیل بخشی را خیلی رد نمی‌کنم؛ اما نظر ما این است که «اصلاً چرا باید ۸۰ میلیارد دلار مبادله شود؟ چرا ۱۸ میلیارد دلار برای واردات مواد غذایی بدهیم؟ مشکل اصلی این است که شما در غذا وابسته‌اید؛ آن وقت مجبور می‌شوید به خاطر وابستگی در غذا و دارو، سالی ۲۰ میلیارد دلار برای غذا و دارو اختصاص دهید. بهتر نیست در برنامه پنج‌ساله، شش‌ساله وابستگی در غذا و دارو را حذف کنیم؟» پس این هم یک راه‌حل است. این تحلیل به ریشه نپرداخته است؛ قیمت‌گذاری دلاری زمانی بد است که مثلاً ارزش کل مبادلات ۲۰ میلیارد دلار شود. وقتی ۸۰ میلیارد دلار شد، بدتر می‌شود؛ یعنی ربنای مسئله را تحلیل کرده است.

۳/۲/۳ تحلیل
موسسه متا در
اصفهان: "کاهش
ارزش ریال" در اثر
پدیده حرام "خلق
پول" و رفع آن با
"پول‌طلا"

تحلیل سوم، تحلیل دوستان مؤسسه متا در اصفهان است.^{۱۰۶} دوستان می‌گویند: «قیمت ریال کاهش پیدا کرده است. ما چون پدیده حرام "خلق پول" را داریم و پدیده حرام "خلق پول" در نهایت

الوافی، ج ۱۹، ص ۴۲۲ / وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۱۹۸ / الفصول المهمة، ج ۳، ص ۱۲۰ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۱۷

سویق عدس کلا سودازا است و صفراء را پایین می‌آورد. به همین جهت تشنگی را کم می‌کند.

منبع: درس طب در روایات، استاد تبریزیان، ۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۶
eshia.ir/feqh/archive/text/tabrizian/teb/۹۵/۹۶-۲۱۹/

۱۰۶. **ارجاع پردازشی:** مؤسسه تحقیقات راهبردی تمدن اسلامی (متا)، در سال ۱۳۸۸، با عنوان غیررسمی مؤسسه مطالعات تمدن اسلامی (متا) آغاز به کار کرد که به صورت مختصر، به مؤسسه «متا» شهرت یافت. این مجموعه از سال ۱۳۸۸، تحت مدیریت حجه الاسلام سید محمدصدرا متولی امامی شکل گرفت و در این سال‌ها، علاوه بر تربیت نیروهای کارآمد مؤمن و انقلابی، به تدوین مقالات و کتب، در موضوعات تمدنی اهتمام داشته است. «بحران تمدنی ایران معاصر»، «نظریه پول‌طلا؛ نظام پولی تمدن نوین اسلامی»، «عرفان سیاسی و تمدن‌سازی اسلامی»، «احیای پول‌طلا؛ راهبرد خروج از بحران پول اعتباری» و «جستارهای نظری در باب تمدن اسلامی»، بخشی از متون تألیف شده در مجموعه متا است. مهمترین دستاوردهای مؤسسه متا به شرح زیر است:

۱. طراحی الگوی تغییر نظام پولی و بانکی جمهوری اسلامی مبتنی بر طلا با پشتوانه ۱۵ سال مطالعه میدانی و کتابخانه‌ای و ارائه حضوری طرح مذکور در مجمع تشخیص مصلحت نظام، مجلس شورای اسلامی، پدافند غیرعامل سپاه، وزارت اطلاعات و دیگر ارگان‌های تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز جمهوری اسلامی ایران.
۲. ضرب سکه رضوی برای مبادلات خرد و تسهیل در پرداخت‌های خمس با طلا.
۳. تشکیل مجمع جهانی پول‌طلا و ارتباط‌گیری با بزرگان اقتصادی مدافع پول‌کالایی در جهان اسلام و غرب.
۴. مذاکره با مراجع تقلید و حوزه‌های علمیه در جهت سلب صلاحیت ریال و پول‌های اعتباری در اجرای احکام مالی اسلام به خصوص خمس.

منجر می‌شود به اینکه قیمت ریال کاهش پیدا کند (چون ریال بدون پشتوانه تولید می‌شود)؛ بنابراین علت این اختلالات به دلار برنمی‌گردد بلکه به "کاهش ارزش ریال" برمی‌گردد.^{۱۰۷}

۵. برگزاری دوره‌های آموزشی مطالعات تمدنی و تربیت صدها طلبه و دانشجو در عرصه تمدن نوین اسلامی.
۶. تشکیل جلسات هفتگی و کارگروه‌های فقه تمدنی با حضور اساتید برجسته و مدرسین درس خارج اصفهان در جهت آشنایی عالمان اصفهان با عرصه‌های فقه حکومتی و اجتهاد تمدنی.
۷. تدوین کتب و مقالات علمی در جهت تأمین محتوای نظری و تألیف کتب درسی دانشگاهی با موضوع تمدن نوین اسلامی.
۸. فعالیت موثر در فضای مجازی که منجر به عضویت هزاران نفر در کانال موسسه متا شده و ظرفیت بزرگی در به کارگیری نیروهای نخبه و انقلابی در جهت تأمین اهداف علمی و عملی انقلاب اسلامی است.
۹. طراحی بازی‌های متنوع برای کودکان در جهت آموزش مطالعات تمدنی و آموزش‌های اقتصاد پولی.
۱۰. تدوین کتب آموزشی تاریخ انبیا و فلسفه تاریخ برای کودکان و نوجوانان به هدف ترسیم رویکرد انبیاپی به تاریخ در مقابل رویکرد داروینیستی.
۱۱. مدیریت محتوایی و تربیتی ده‌ها مجموعه قرآنی در شهر اصفهان و تبدیل محتوای قرآنی به محتوای آموزشی مدارس.
۱۲. برگزاری دوره تربیت مربی با عناوینی چون: «مربی غرب‌شناسی»، «مربی مطالعات تمدنی»، «مربی تاریخ معاصر و انقلاب اسلامی»، «مربی فلسفه علم و معرفت‌شناسی»؛

منبع: وبسایت مؤسسه تحقیقات راهبردی تمدن اسلامی (متا)

[درباره-ما/ bineshetamadoni.ir](http://bineshetamadoni.ir/درباره-ما/)

۱۰۷. **ارجاع پردازشی: اقتصاددانان مومن و دلسوز کشور به این نتیجه رسیده‌اند که ام‌الفساد جامعه ایران، قارون جهان اسلام و عامل اصلی گسترش بی‌عدالتی در جهان، شبکه نظام بانکی و خلق پول است.** ضرب بزرگی از مشکلات کشور، مربوط به خلق پول بانکهاست که البته، بررسی چنین پدیده‌ای، در پژوهش‌های حوزوی و دانشگاهی در چهل سال گذشته، بسیار ضعیف و نحیف بوده است. بزرگترین مانع اصلاح نظام پولی جمهوری اسلامی ایران، مانع بینشی در مسئولین کشور است. به این معنا که بخش وسیعی از مدیران جمهوری اسلامی و سیاست‌گذاران، اعم از فقیه و کارشناس، به مقوله بانکداری و ماهیت پول مدرن مشکوک نیستند و ضرب چندانی به آثار ناگوار خلق پول در اقتصاد بحرانی کشور نمی‌دهند. دلیل این غفلت و بی‌توجهی، ریشه در مبانی معرفت‌شناختی علوم دانشگاهی و ظهور یک انحراف بینشی بزرگ در نهادهای علمی ایران معاصر است. مدیران و حتی متخصصین کشور، به این دلیل به آثار ناگوار خلق پول بی‌توجه هستند که علم اقتصاد متعارف و تئوری‌ها و مدل‌هایی که از این دانش غربی عرضه می‌شود را «علمی» و «اثباتی» و جهان شمول تلقی کرده‌اند و اصولاً در این عرصه، مجالی برای قضاوت‌های ارزشی قائل نیستند. در این نگرش، آنچه با عنوان علم اقتصاد، در جهان مرسوم است، امری علمی، اثباتی و برخاسته از واقعیت‌های اقتصادی است و بنابراین، در هر فرهنگ و تمدنی، قواعد علمی مذکور غیرقابل تخطی است. مسیری که جامعه انسانی را به سعادت و آرامش راهنمایی می‌کند، راه انبیاست. انبیای الهی و ائمه هدی (ع)، خلقت طلا را برای کارکردهای پولی معرفی کرده‌اند و به همین جهت، ارتکاز انسان‌ها در طول تاریخ این بوده است که طلا را به عنوان پول می‌شناخته‌اند. موسسه متا، با پشتوانه ۱۵ سال مطالعه کتابخانه‌ای و میدانی، الگوی تحقق نظام «پول‌طلا» را طراحی کرده و آمادگی خود را برای مشورت به دولت سیزدهم در این خصوص اعلام می‌نماید.

منبع: نامه به سید احسان خاندوزی، وزیر اقتصاد از سید محمد صدرا متولی امامی، ۱۱ مهر ۱۴۰۰

[نامه-به-سید-احسان-خاندوزی/ bineshetamadoni.ir/۲۰۲۱/۱۰/](http://bineshetamadoni.ir/۲۰۲۱/۱۰/نامه-به-سید-احسان-خاندوزی/)

امروز ریال در کارکردهای پولی متعارف را هم تأمین نمی‌کند و در مبادله و قیمت‌گذاری و ذخیره ارزش شکست خورده است. برخی تصور می‌کنند کسی که دو تا خانه دارد، مسکن را گران کرده، درحالی‌که مقصر اصلی کسی است که ریال را بی‌ارزش کرده است. با پول طلا قیمت واقعی کالاها و خدمات مشخص می‌گردد. بانکداری اسلامی صرفاً بازی با کلمات است. مسئله بانک عقود نیست، بلکه خلق پول است. پول طلا موجب آرامش اقتصادی و رشد تولید است و این نوسانات ارزی را از بین می‌برد. به

۳/۲/۳/۱. نقد و
بررسی: توجه به
عامل تشدیددهنده
اختلال، بجای عامل
اصلی (توصیف
بخشی)

این تحلیل هم شبیه تحلیل دوستان مجمع تشخیص مصلحت نظام است؛ یعنی بخشی از حقیقت است. ما حرفی نداریم و قبول داریم که واقعاً "خلق پول" به "کاهش ارزش ریال" منجر می‌شود و در برابری ارزشها، همیشه ارزش ریال نسبت به دلار کم‌تر می‌شود؛ چون شما هر روز ریال چاپ می‌کنید [و این ارزش ریال را کاهش می‌دهد] عمده این چاپ ریال هم به بانک‌های خصوصی برمی‌گردد. (جالب است آقایان سرمایه‌دار در کشور ما چاپ پول هم می‌کنند!). با اینکه این تحلیل سر جای خودش درست است؛ ولی باز به ریشه "اختلالات ارزی" نپرداخته است.

جای اینکه یقۀ بانک مرکزی را بگیریم که ارزش ریال را کاهش داده است، یقۀ تولیدکننده و بازار را گرفته ایم که چرا قیمت کالا را افزایش داده است.

منبع: ضرورت پولطایی شدن ایران، گفتگوی سیدمحمدحسین متولی امامی، برنامه نوروز ۱۴۰۰ متا
bineshetamadoni.ir/۲۰۲۱/۰۴/۱-۱-متا-ضرورت-پولطایی-شدن-۱۴۰۰

آیا انحراف نیست که به جای برداشتن زمینه‌های تورم (پول اعتباری) و بازگشت به پول خلقت (پولطلا)، با معلول‌های تورم مبارزه کنیم؟! هیچ دلسوزی با سوداگری و سفته‌بازی موافق نیست، اما وقتی می‌توان با از بین بردن ریشه اصلی تورم یعنی خلق پول اعتباری، چنین مقولاتی را «سالبه به انتفاء موضوع» کرد، آیا مشروع است از راه‌های نامشروع نظام سرمایه‌داری و نقض حریم مالکیت افراد چاره‌جویی کنیم؟

منبع: نامه سوم حجت الاسلام متولی امامی به حضرت آیت الله مهدوی، سید محمدصدر متولی امامی ۴ بهمن ۱۴۰۱
bineshetamadoni.ir/۲۰۲۱/۰۷/مجلس/

به دلیل نگرش فردی و خرد، به دنبال روایت‌هایی می‌گردید که تورم را کنترل کند، اما اگر کلان‌تر به موضوع نگاه کنید، توّم، پدیده‌ای نوین است که معلول پول اعتباری و خلق پول بانکی بوده و از اساس، امکان شکاف طبقاتی و ظلم سیستمی را فراهم می‌کند. اگر پول را «موضوع عرفی مستنبط فقهی» بدانیم، آیا ممکن است به پولی که امکان ایجاد شکاف طبقاتی و ظلم سیستمی را فراهم می‌کند، جواز شرعی داد؟ پولی که در سیره انبیای الهی و تجربه تاریخی بشر رایج بوده و احکام اسلامی بر بستر آن مطرح شده، پولطلا است. این پول، امکان خلق پول از هیچ را از بین می‌برد و بنابراین تورم‌پذیر نیست و هم‌چنین بستر تداوم نظام سرمایه‌داری را از بین می‌برد. پول اعتباری که بستر نظام سرمایه‌داری است، حتی از منظر شما هم نمی‌تواند شرعی باشد، چراکه همان ۲۰ حکم مولوی مورد ادعای شما را نیز نقض می‌کند. احتمالاً یکی از آن ۲۰ حکم مولوی، حرمت ریاست است. امروزه تمام ساختار پولی و بانکی جهان، بر پایه ربا و ظلم سیستمی طراحی شده و همه زندگی مردم جهان را متأثر کرده است. در حقیقت شما با یک سیستم روی منسجمی مواجه هستید که برای حذف و اصلاح آن، چاره‌ای جز جایگزینی نظام پولی عادلانه نیست. مطابق آمار آکسفام، در سال ۲۰۱۰ میلادی، ۳۸۸ نفر به اندازه نصف مردم جهان ثروت دارند و این عدد در سال ۲۰۱۷ میلادی، به ۸ نفر تقلیل پیدا کرد. این وضعیت، معلول یک نظام اقتصادی، با مبانی و اهداف و احکام خاصی است که نوعی از روابط مالی و پولی را بر عرصه بین‌الملل مسلط کرده است. شما فکر می‌کنید با چند ارشاد معنوی مثل «حرمت ربا» و «حرمت اکل مال به باطل»، می‌توانید چنین نظام اقتصادی دامن‌گستری را اصلاح کنید؟ تلاش مذبحخانه‌ای که برای اسلامی‌سازی بانک‌ها در چهل سال گذشته تجربه شد و قانون عملیات بانک‌داری بدون ربا که در همان سال اول تصویب‌اش، نقض شد، نشان می‌دهد با نگاه خرد حضرت عالی، سال‌هاست تلاش می‌شود اقتصاد ایران اصلاح شود اما نتیجه آن، تسلط بیش‌تر ربا و مشاغل پولی بر معیشت مردم است.

منبع: نامه مؤسسه متا به حجت الاسلام سیدجواد علوی بروجردی، ۱۱ شهریور ۱۳۹۹
bineshetamadoni.ir/۲۰۲۰/۱۰/۱۰-۲/

۳/۲/۴. تحلیل مدرسه فقهی هدایت: "تبادلات مستقل"، اصلی ترین راه علاج اختلالات ارزی

همانطور که عرض کردیم «ریشه "اختلالات ارزی" این است که چرا ما باید در کشورمان ۸۰ میلیارد دلار ارز مصرفی نیاز داشته باشیم؟ پاسخش این است؛ چون کشور ما در تبادلات اقتصادی وابسته به خارج از کشور است که من عدد آن را نیز گفتم».

این زنگ خطر برای جامعه شیعه است! ۲۲ میلیون تن خوراک در حوزه‌های مختلف حتی گندم مردم/ایران از خارج وارد می‌شود. درحالی‌که ما دشت خوزستان، دشت سیلاخور، دشت ورامین را داریم و مناطق کشور حاصلخیز هستند؛ با این حال شما گندم/ایران را وارد می‌کنید. این را باید حل کرد. چون عدد مبادله خیلی بزرگ است، سوءاستفاده‌کنندگان داخلی و دشمنان خارجی روی آن سرمایه‌گذاری می‌کنند. اگر می‌خواهید اقتصاد مردم/ایران نجات پیدا کند، شش، هفت سال برنامه‌ریزی کنید غذا، دارو و لباس را از حوزه ارز وارداتی خارج کنیم. به هر میزان ما بتوانیم ارز مصرفی کشور را کاهش بدیم (مثلاً فرض کنید سالی ۱۰ میلیارد دلار داریم کاهش بدیم؛ چون تدریجی اتفاقات می‌افتد) به همان میزان نفوذ و سلطه دشمن دچار چالش خواهد شد.

بنابراین، -من خواهش می‌کنم هم مجمع تشخیص توجه کنند، هم دوستان خوب تمدنی‌مان در صفهان توجه کنند، هم دوستان انقلابی دیگری که در حال برای کشور برنامه‌ریزی می‌کنند؛ ولی سررشته‌ای اقتصادی ندارند توجه کنند- حرف اصلی این است که «آیا ما باید تبادلات کشور را در سقف ۸۰ میلیارد دلار و بیشتر حفظ کرده، سپس برای رفع اختلال دلاری بر این مبنا برنامه‌ریزی کنیم؟ یا اینکه به این سمت برویم که همین سقف را حفظ کرده و از تحلیل‌های دیگری بحث کنیم؟» ۱۰۸.

۱۰۸. **ارجاع پرورشی:** «راه حل مسئله تورم به زبان ساده: تورم و گرانی (غلاء السعر) ریشه در اختلال‌های متعدد میان طرف بایع و طرف مشتری دارد و نباید راه حل علاج آن را بر اساس پیشنهادهای معیوب اقتصاد کلان مبنی بر تثبیت قیمت ارز، کاهش میزان نقدینگی و... دنبال کنیم: برخی از علت‌های غلاء السعر مبتنی بر مفاهیم فقه المکاسب به شرح زیر است:

الف: وقوع اختلال شدید در تحقق طبقه بندی صحیح از مشاغل و دور شدن مردم از مشاغل صحیح ۱- کشاورزی، ۲- باغداری، ۳- دامداری، ۴- خیاطی و ۵- تجارت عمومی (عدم تحقق مشاغل برتر، ایران را از حیث تأمین غذا و لباس در حد ۲۲ میلیون تن در سال به خارج وابسته نموده است.)

ب: ترجیح الگوی تولید صنعتی و کارخانه‌ای به الگوی تولید محله‌ای و خانواده محور - خصوصاً در حوزه غذا- به افزایش تورم مصرف‌کننده انجامیده است. در الگوی تولید صنعتی قیمت‌ها به عنوان تابعی از سود سرمایه دار تعریف می‌شود و افسانه رقابت و شورای معیوب رقابت، قدرت رقابت با سود کلان سرمایه دارها را ندارد. (اجرای قانون مترقی احیای موات و توزیع عمومی زمین رایگان میان مردم و ساخت دار و اسعه از زیرساخت‌های مهم تولید غیر متمرکز و بالتبع کاهش قیمت‌ها است.)

ج: توزیع متمرکز و مگامال‌های معیوب یکی از علت‌های اصلی تورم و گرانی و احتکار در کشور است. برای حل مشکل افزایش قیمت‌ها، دولت و واقفین باید هزینه توزیع کالا در کشور را از طریق ساخت بازارهای موقت صفر کنند. بازار موقت مکانی ثابت دارد ولی بهره‌برداری از آن به صورت روزانه و رایگان است و براساس تحقیقات میدانی مدرسه فقهی هدایت، زمینه‌ساز توزیع ارزان حدود ۵۰۰ قلم از کالاهای مرتبط با معیشت خانوار است!

د: عدم جریان عقود اسلامی در مبادلات مردمی و تسعیرهای متعدد حکومتی و استفاده از پول اعتباری، از دلایل مهم غلاء السعر و تورم محسوب می‌شود. البته از منظر تحقیقات مدرسه فقهی هدایت، "موضوعات ثلاثه بند د از بسته فقهی مهار تورم" در شرایط

۳/۳. وجود تحلیل های متفرقه دیگر؛ همچون: تاثیر شورش زنانه و تورم انتظاری بر شلوغی بازار ارز

مثلاً دیده‌اید که شورش معیوب زن، زندگی و آزادی برای بعضی‌ها این تصور را به وجود آورد که جمهوری اسلامی سال ۱۴۰۲ را نخواهد دید. سپس برخی گفتند: «اگر جمهوری اسلامی نباشد پولش هم بی اعتبار است دیگر بنابراین تقاضا برای دلار زیاد شد». بله! این تحلیل هم درست است، چراکه ما در بازارهایمان "تورم انتظاری" داریم.^{۱۰۹} ولی فرض کنید مبادلات دولت با خارج از کشور

تولید و توزیع متمرکز و تحقق طبقه بندی مدرن از مشاغل قابلیت اجرای حداقلی دارد. (مدیریت غلاء السعر از منظر فقه، راه حل های تکمیلی دیگری هم دارد.)

مکرراً گفته ایم: دو اقدام واگذاری ۱۰ میلیون قطعه زمین رایگان ۱۰۰۰ متری و ساخت گسترده بازارهای موقت در محل های ثابت، در یک دوره زمانی ۲ ماهه، ضمن توسعه امیدواری در مردم ایران، ازدهای هفت سر تورم در ایران را به صورت جدی مدیریت خواهد کرد! به عبارت بهتر: مدیریت تورم از مدیریت انتظارات تورمی (بخوانید: امیدوار کردن مردم به حل مشکلات اقتصادی) آغاز می گردد و هیچ اقدامی مانند اجرای قانون مترقی احیای موات و ساخت دار و توسعه و ساخت بازارهای موقت، قدرت امید آفرینی و مدیریت سریع انتظارات تورمی را ندارد.

متأسفانه برخی از طلاب و اساتید مانند آقای علوی بروجردی به جای عبرت گیری از اجرای نظریات اقتصاد کلان در ایران و پذیرش استنباط های ضابطه مند جدید در حوزه مکاسب و اقتصاد، مردم و مسئولین را به اجرای نظریات و استدلالهای معیوب اقتصاددان های بی سواد غربی (مانند فریدمن) ارجاع می دهند.^{۱۱۰}

حجت الاسلام علی کشوری، ۱۸ خرداد ۱۴۰۲، قم، وبگاه فقه نظام

m-hedayat.blog.ir/۱۴۰۲/۰۳/۱۸

۱۰۹. **ارجاع پردازشی:** مهدی سوری کارشناس بازار سرمایه در پاسخ به این پرسش که انتظارات تورمی چیست و چه تفاوتی با تورم دارد؟ بیان کرد: خیلی اوقات شاهد این امر هستیم، که قبل از اینکه در اقتصاد اتفاقی بیفتد، سطوح قیمت‌ها بالا یا پایین می‌رود، که این قضیه حاصل پدیده‌ای به اسم تورم انتظاری است، یعنی در جامعه بنا به دلایلی که انتظار دارند، سطح قیمت‌ها بالا می‌رود، وقتی افراد انتظار دارند سطح قیمت‌ها بالا رود، خریدشان را افزایش می‌دهند، که این امر باعث تقویت سمت تقاضا می‌شود. کسانی که فروشنده دارایی هستند، وقتی انتظار دارند، قیمت بالا رود فروششان را کم می‌کنند، که این امر یعنی کاهش عرضه، افزایش تقاضا و کاهش عرضه خود منجر به ایجاد تورم می‌شود.

با توجه به گفته‌های بالا خود تورم انتظاری باعث ایجاد تورم می‌شود، فاکتورهایی که باعث ایجاد تورم انتظاری می‌شوند، بخشی از آن‌ها تطبیقی و بخش دیگری عقلایی است، بعضی‌ها بر اساس روند گذشته، تورم آینده را پیش بینی می‌کنند، برای مثال در جامعه ما عموماً افراد انتظار یک تورم ۲۰ درصد را دارند، چون ما همیشه این تورم را داشته ایم. زمانی که تورم از این میانگین بالاتر یا پایین‌تر می‌رود، افراد انتظار برگشت تورم به میانگین را دارند، به این قسمت از انتظارات، تطبیقی می‌گوییم، بخش دیگری از تورم انتظاری را تورم عقلایی می‌گوییم، یعنی پارامترهای عقلایی را افراد در جامعه در نظر می‌گیرند.

منبع: خبرگزاری مشرق

mashreghnews.ir/news/۱۲۳۵۸۸۴

سید یاسر جبرائیلی عصر چهارشنبه در جشن میلاد امام رضا علیه السلام در سالن اجتماعات دانشگاه آزاد اسلامی گیلان، اظهار کرد: تمام مواد اولیه تولید در کشور وجود دارد اما در مسیر درست صرف نمی‌شود. جبرائیلی با اشاره به جهانی شدن قیمت کالاهای داخلی، بیان کرد: سازوکار اشتباه جهانی کردن قیمت کالاها و اجناس داخلی پدر اقتصاد کشور را در آورده است.

۲۰ میلیارد دلار باشد؛ حتی اگر "تورم" ناشی از چالش‌های سیاسی هم ایجاد شود این قدر کسب و کار و معیشت مردم ضربه نمی‌خورد.

لذا هر کسی هر تحلیل می‌کند نمی‌تواند این مسئله را نادیده بگیرد، الا این که (یک استثنایی داریم) در ذهنش هیچ مفهومی و راه‌حلی برای کاهش تبادلات/ایران با خارج از کشور پیدا نکند. مگر این فرض را بپذیریم؛ یعنی یک اقتصاددان ممکن است فکر کند و بگوید «هیچ راه‌حلی [برای "تبادل مستقل"] وجود ندارد! ما باید همین ۲۲ میلیون تن در سال را وارد کنیم». [عجیب است که غذای] نهادهای دامی و نهادهای طیور را هم وارد می‌کنند! غذای مرغ، گاو و گوسفند را از خارج وارد می‌کنند! یا ذهن کارشناس علیل است یا واقعاً نمی‌شود غذای دام و طیور را در داخل تولید کرد؛ کدام گزینه راه‌حل اساسی است؟ ما اگر برنامه‌ریزی کنیم نمی‌توانیم کنجاله و سویا تولید کنیم؟ (البته بر فرض که تولید کنجاله و سویا اشکال طبیی نداشته باشد. ما در برخورد با مدرنیته چندلایه ظلمت داریم). می‌شود تولید کرد! شما به لحاظ فکری علیل هستید وگرنه می‌شود این کارها را کرد و راه‌حل دیگری را پیشنهاد داد که راه‌حل‌ها را عرض می‌کنم. بنابراین، شما فکر کنید.

من یک دور دیگر راه‌حل‌های اربعه را عرض می‌کنم شما مرور کنید تا وارد بحث نهایی‌مان شویم.

آقایان [تیم دکتر روحانی] می‌گویند: «ما مشکل عدم توجه به شرایط تأمین ارز داریم، پس باید برویم آقای دکتر ظریف را مجدداً وزیر خارجه کنیم و بفرستیم مذاکره کنند (درحالی که فرق "لغو" و "تعلیق" هم بلد نباشد)».

تحلیل دوم بعضی از دوستان مجمع تشخیص می‌گویند: «محاسبه ریالی راه‌حل مسئله است». خیر! کاهش تبادلات/ایران با خارج راه‌حل ریشه‌ای هست؛ از تحلیل شما هم به عنوان راه‌حل کمکی استفاده می‌کنیم.

دوستان اصفهانی می‌گویند: «ارزش ریال کاهش پیدا کرده است؛ اگر ما بتوانیم پول طلا را تثبیت کنیم، همه مسائل حل می‌شود». این هم حرف خوبی است ولی بخشی است.

نظر قطعی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی و مدرسه هدایت این است که دولت آقای رئیسی باید ورود پیدا کند تا حجم مبادلات خارجی کشور را کاهش دهد. این همان جایی است که

فروش مواد اولیه داخلی با قیمت جهانی سبب افزایش چند برابری کالاها و فشار چند برابر روی تولید می‌شود. گران‌فروشی مواد اولیه و ارز سبب شده تا عده‌ای جشن ثروت افزایشی به پا کنند و عده‌ای در قعر فقر دست و پا بزنند.

منبع: خبرگزاری تحلیلی ایران، ۱۱ خرداد ۱۴۰۲

khabaronline.ir/news/۱۷۷۲۶۵۹

من عرض کردم به اصلاحات ساختاری در اقتصاد نیاز است. با اصلاحات روبنایی و بخشنامه‌ای حجم مبادلات کاهش پیدا نمی‌کند؛ یعنی الان "تبادل وابسته" باعث "اختلالات ارزی" شده است.^{۱۱۰}

اگر کسی می‌خواهد به شکل رسانه‌ای تیتراژ جلسه امروز را بزند، تیتراژ اصلی جلسه امروز این است: "تبادلات وابسته" علت اصلی "اختلالات ارزی" کشور است؛ نه قیمت‌گذاری ریالی، نه تضمین ناپذیری پول، نه تأمین عدم تأمین شرایط ارز در کشور که تیم آقای پروفیسور روحانی مطرح کرده‌اند. واقعاً علت این‌ها نیست؛ علت این است که شما ۸۰ میلیارد دلار واردات دارید. این را کم کنید.

۱۱۰. **ارجاع پرورشی:** «توضیحاتی مجدد درباره تحلیل‌های اقتصادی فقه‌المکاسب: برای تحقق اصلاحات ساختاری در اقتصاد ایران به دنبال طرح و تحقق ۶ محور: ۱- اصلاح ذهنیت مردم درباره مشاغل مطلوب و مشاغل نامطلوب، ۲- توجه دادن به مطلوبیت‌های غیرقابل انکار الگوی تولید غیر متمرکز (خصوصاً در حوزه غذا)، ۳- ساخت بازارهای موقت متعدد و زمینه‌سازی برای تجارت مردم و محرومین، ۴- اصلاح اختلالات سه‌گانه در حوزه معامله و تبادل (اختلال در عقود معامله، اختلال در قیمت‌گذاری و تسعیر و اختلال در تعریف پول)، ۵- توجه به اصل عدم تقویت کافر در معاملات بین‌المللی و ۶- احیای الگوهای تأمین مالی اسلامی هستیم.»

پیشران اقدامات شش‌گانه فوق‌الذکر: ساخت بازارهای موقت متعدد در کشور و رایگان کردن محل تجارت برای مردم و محرومین است. در سازه بازارهای موقت، ساخت مسجد بازار برای ترویج حدود ۴۰ نوع آموزش اقتصادی در میان مردم، یک اصل است. (درباره ساختار عملکرد مسجد بازار بعداً بحث خواهیم نمود.)

تلاش برای عمومی کردن تجارت، علاوه بر محرومیت‌زدایی و گسترش عدالت در جامعه، به گسترش سطح عقل‌افراد (ترک تجارت، موجب نقصان عقل است) و ایجاد امنیت در بخش توزیع شهر از طریق مقابله با توزیع انحصاری کالا، منتهی می‌شود.

حجت‌الاسلام علی‌کشوری، ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۲، قم

کانال الگوی پیشرفت اسلامی - ایتا

eitaa.com/olgou/5266

۴. پرسش سوم: تصمیمات زیرساختی در اقتصاد برای رفع اختلالات ارزی و تبدیل "تبادلات وابسته و کلان" به "تبادلات مستقل و خرد" چیست؟

وارد سرفصل سوم شویم. اگر بخواهیم "تبادل وابسته" را به "تبادل مستقل" تبدیل کنید و "تبادل مستقل" هم به نحو کلان نباشد؛ بلکه تبادل خرد باشد. بله می‌شود یک فرض گذاشت که تبادل درون/ایران مستقل باشد؛ ولی کلان بین سرمایه‌داران باشد. باز این هم مطلوب نیست؛ تبادل مطلوب این است بین مردم شکل بگیرد و به شکل خرد باشد؛ تبادل "غیرمتمرکز" باشد. اگر بخواهیم به "تبادل مستقل" دست پیدا کنیم چهار اقدام زیرساختی در کشور ما باید انجام شود:

۴/۱. اقدام ۱: تدوین طبقه‌بندی صحیح مشاغل و تغییر درک مردم از مشاغل برتر با تاسیس مدارس جدید آموزشی ۴ شغل: کشاورزی، باغبانی، دامداری و خیاطی

اقدام اول تدوین طبقه‌بندی صحیح مشاغل و تغییر درک مردم از مشاغل برتر است. اگر می‌خواهید ۲۲ میلیون تن مواد غذایی را در داخل تولید کنید،^{۱۱۱} باید نظام ارزشی فرزندان شما شغل‌های مرتبط با تولید غذا را شغل‌های اصلی و مطلوب بدانند. نمی‌شود مثلاً در کتاب مدرسه‌تان چوپانی را تحت عنوان چوپان دروغ‌گو معرفی کنید^{۱۱۲} - یعنی به هر شکل ممکن شغل پرورش دام را تضعیف کنید - بعد از طرف دیگر بگویید: «چرا قیمت

۱۱۱. **ارجاع پردازشی:** براساس آمار گمرک، در ۱۱ ماه نخست سال جاری ۲۲ میلیون و ۶۹۰ هزار و ۳۳۱ تن و ۱۰۵ کیلوگرم مواد غذایی و محصولات کشاورزی به ارزش ۱۶ میلیارد و ۶۵ میلیون و ۲۴۵ هزار و ۳۰۵ دلار از طریق بنادر جنوبی و شمالی وارد کشور شده و محموله‌های این کشتی‌ها پس از تخلیه و بارگیری به مراکز جمعیتی سراسر کشور ارسال شده است. این در حالی است که در ۱۱ ماه نخست سال گذشته ۲۳ میلیون و ۶۵۶ هزار و ۵۶۹ تن و ۳۷۸ کیلوگرم مواد غذایی و محصولات کشاورزی به ارزش ۱۲ میلیارد و ۵۰۲ میلیون و ۷۷۶ هزار و ۳۹۲ دلار وارد کشور شده بود.

منبع: پایگاه اطلاع‌رسانی دولت

dolat.ir/detail/۴۰۸۶۱۰

۱۱۲. **ارجاع پردازشی:** چوپان دروغ‌گو نام داستانی است از اروپ که در افسانه‌های ازوپ (یونان باستان) آمده است. این داستان، ماجرای چوپان جوانی است که برای خوش‌گذرانی گاهی به دروغ فریاد «گرگ! گرگ!» سر می‌دهد. از قضا روزی گرگ به گله‌اش می‌زند و مردم گمان می‌کنند باز هم دروغ می‌گوید و بنابراین کسی به کمک او نمی‌رود.

گوشت دارد افزایش پیدا می‌کند؟) سپس وابسته به تبادل شوید و گوشتتان را از برزیل وارد کنید.^{۱۱۳} البته آقایان گله نکنند چرا که اشکال طبیعی نمی‌کنم؛ زیرا گوشت یخی دهها نوع بیماری ایجاد می‌کند. فعلاً داریم حیث اقتصادی موضوع را بررسی می‌کنیم. الان از بچه‌های ما وقتی می‌پرسید «شغل خوب چیست؟» می‌گوید: «دکتر، مهندس و خلبان»؛ اخیراً البته از هر ده نفر یکی از بچه‌ها که پرسیدم: شغل‌های دیگر را انتخاب می‌کنند مثل «فوتبالیست». وقتی نظام ارزشی مشاغل در بین جوانان و نوجوانان مشاغل اصلی مرتبط با غذا و لباس را اصل نمی‌داند، شما نمی‌توانید هیچ کاری کنید.^{۱۱۴} پس اصلاح اقتصاد کشور از «تأسیس مدارس جدید» شروع می‌شود.

این داستان که در ایران نیز معروف است با الهام از روایت هائری ریشه (Henri Richer) شاعر فرانسوی قرن هجدهم به فارسی برگردانده و در کتاب فارسی سال دوم دبستان نسخه ۱۳۷۵ قرار داده شد. جالب است بدانید اسم انگلیسی این داستان «پسری که گرگ گریه کرد» (The Boy Who Cried Wolf) است. از این داستان، اصطلاح انگلیسی «گرگ گریه کردن» گرفته شده است که در فرهنگ لغت عبارت و افسانه بروئر به عنوان «هشدار نادرست دادن» تعریف شده است و توسط فرهنگ لغت انگلیسی آکسفورد به معنای ادعای نادرست است.

منبع: وبسایت آموزشی Story Arts، کتابخانه کنگره
storynory.com/the-boy-who-cried-wolf/
storyarts.org/library/aesops/stories/boy.html
read.gov/aesop/.۴۳.html

۱۱۳. **ارجاع پردازشی:** در سال ۹۰ بیش از ۹۵ هزار و ۷۸۵ تن گوشت و تعدادی گوسفند زنده وارد کشور شده که تنها ۳۹ هزار و ۱۸۵ تن آن مربوط به کشورهای غیر از برزیل است. زیرا این کشور در همین مقطع بیش از ۵۶ هزار و ۶۰۰ تن از این محصول را به ما فروخته است. اگر نرخ ارز مبادله‌ای در سال ۹۰ را ۱۰۵۰۰ تومان در نظر بگیریم، می‌شود ۸۲۵ میلیارد و ۹۳۰ میلیون تومان و یا به عبارتی ۷۸۶ میلیون و ۶۰۰ هزار دلار.

منبع: خبرگزاری کشاورزی ایران (ایانا)، ۹ فروردین ۱۳۹۶
iana.ir/fa/tiny/news-۴۲۲۰۵

در ۱۱ ماهه سال جاری بیش از ۴۳ هزار تن گوشت گاو و گوسفند به ارزش حدود ۱۹۰ میلیون دلار برای تنظیم بازار داخل وارد کشور شده است. امارات متحده عربی، برزیل، ترکیه، روسیه، گرجستان، مغولستان، هلند و هندوستان ۸ مبدا واردات گوشت قرمز به کشورمان طی ۱۱ ماهه سال جاری بوده‌اند.

منبع: خبرگزاری پانا، ۲۰ اسفند ۱۴۰۰
iana.ir/fa/tiny/news-۴۲۲۰۵

تا سال ۹۷ میزان واردات گوشت به کشور ۱۵۰ هزارتن بود ولی این رقم سال گذشته به کمتر از ۴۰ هزارتن رسید.

منبع: روزنامه تجارت، ۱۱ اسفند ۱۴۰۰
pishkhan.com/news/۲۶۰۵۰۷

۱۱۴. **ارجاع پرورشی:** «مباحثات خود را از مسئله ارزش‌گذاری مشاغل شروع می‌کنیم و نه از تعریف بیع و یا تعریف عقود که در حوزه تجارت موضوعیت دارد و نه از بیان مکاسب محرمه به حیث بیان حرمت بعضی از مکاسب بلکه دقت به این داریم که وقتی می‌خواهیم حوزه کسب را نظام‌سازی کنیم، این نظام‌سازی را تفاهیم کنیم.

نقطه آغاز تفاهم نیز این است که مباحثات را از ارزش‌های حاکم بر مشاغل شروع کنید. یکی از دلایل، بیان وجه ثبتي ادبیات وحی در حوزه کسب است. وقتی مباحثات از بیان ارزش مشاغل و مکاسب آغاز می‌شود، در واقع تحریک فکر را در جامعه از پایگاه شغل و کسب جدی می‌گیرید و با آنها تفاهم می‌کنید. بنابراین اگر شما مباحثات را از طبقه‌بندی مشاغل شروع کنید در نهایت بحثتان به معیارهای جدیدی می‌رسد که آن معیارها در واقع نظام ارزشی حاکم بر حوزه اقتصاد و حوزه کسب است. در این صورت می‌توانید آن معیارها را با معیارهای حوزه کسب مدرن مقایسه کنید. مثلاً در کسب و کارهای نوین یک سری معیارها مطرح شده

من به دولت آقای رئیسی پیشنهاد مشخص می‌کنم که برای شغل کشاورزی، دامداری، خیاطی و باغبانی مدارس جدیدی را تأسیس کنند که ظرف شش ماه بتواند آدم‌ها را آماده کند برای اینکه سرکار بروند. اینکه عرض می‌کنم مدارس جدید، وجهش این است که اساساً این شغل‌ها را نمی‌شود در کتاب آموزش داد؛ یعنی مدرسه‌ای که بتواند این‌ها را راه‌اندازی کند و جا بیندازد، مدرسه‌ای نیست که بیاید ۴ سال آموزش دهد [بلکه] شش ماه بیشتر وقت نمی‌خواهد. سیلابس‌های درسی آن آماده است؛ آدم‌های کارشناس این موضوع نیز آماده است. [فقط] باید شما تصویب کنید؛ اگر واقعاً می‌خواهید وابستگی کشور را از لحاظ غذا و لباس کم کنید، باید به سمت پذیرش مدارس جدید بیاید؛ یعنی ما می‌توانیم ظرف شش ماه مثلاً فرض کنید کسانی که دیپلم می‌گیرند را تبدیل کنیم به کسانی که می‌تواند پرورش دام و طیور داشته باشد. به سرعت آموزش‌هایش در یک کارگاه عملی قابل طی کردن است و او می‌تواند واقعاً تولید دام و طیور داشته باشد یا می‌توانیم وارد شویم تا باغداری را آموزش بدیم.^{۱۱۵}

من با این مدارس سطح اول یعنی با بچه‌ها که جلسه دارم، همیشه سؤال اولم این است که شما می‌خواهید در آینده چه شغلی را انتخاب کنید؛ بعد همین جواب‌ها را می‌دهند: «دکتر، مهندس، خلبان، فوتبالیست» و از این دست جواب‌ها! بعد می‌پرسم: «چه معیاری برای انتخاب شغل

۴/۱/۱. تمایل
کودکان به مشاغل
همچون: دکتر،
مهندس، خلبان و
فوتبالیست، در اثر
اشکال در نظام
ارزشی مشاغل و
معیار انتخاب

است و شما می‌توانید معیارهای فقهی را با معیارهای استارت‌آپ‌ها مقایسه کنید و یا بعداً می‌توانید در مدیریت منابع انسانیتان به یک مدل ارزش‌گذاری جدیدی در حوزه شغل و طراحی سنجه‌های بازار کار دست پیدا کنید. بنابراین مباحثاتمان را از اینجا شروع می‌کنیم تا هم وجه ثبتي حوزه کسب را برجسته کرده و هم قدرت نظام مقایسه پیدا کنیم.

به عنوان مثال در مشاغل موجود ارزش مطلق، ایجاد ارزش افزوده است؛ یعنی وقتی کسی رشته اقتصاد را بحث می‌کند، ارزش مطلق در همه مفاهیمی که در حوزه اقتصاد مطرح شده است این است که ربح و سود - به معنای ارزش افزوده - ایجاد شود و این اساس مبنای تجارت و تولید است. در کشورهای توسعه‌یافته و در بازارهای کار فعلی کار به جایی رسیده که ایجاد ارزش افزوده به قیمت نفي همه ارزش‌های دیگر بشر در دستور کار قرار گرفته است؛ یعنی مثلاً وقتی ارزش بخش خدمات و بخش صنعت جوامع توسعه‌یافته را به تفکیک ارزیابی می‌کنید، موارد متعددی را پیدا خواهید کرد که بعضی از کالاها تولید می‌شوند، بعضی از خدمات ارائه می‌شوند، فقط و فقط به خاطر اینکه ارزش افزوده ایجاد کرده‌اند. در حالی که آن ارزش افزوده‌ای که مثلاً از ناحیه تجارت الکل - که یک تجارت مفصل است - به دست می‌آید، یا از ناحیه تجارت اعضای بدن انسان‌ها به دست می‌آید و یا از ناحیه خدمات حوزه فحشا - خصوصاً در صنعت توریسم - به دست می‌آید، نافی دهها مفهوم ارزشی مرتبط با حوزه روابط انسانی است. بنابراین ما وقتی در حوزه فقه‌المکاسب مباحثات خودمان را از بحث طبقه‌بندی مشاغل شروع می‌کنیم، در واقع به یک معیارهای جدیدی توجه می‌دهیم و قصد داریم معیارهای جدید حاکم بر حوزه کسب که در فقه و حدیث ما مطرح شده است را در نهایت با معیارهای موجود حاکم بر استارت‌آپ‌ها و بازار فعلی و سنجه‌های حوزه کار مقایسه کنیم. پس این، دلیل پرداختن ما به مسئله طبقه‌بندی مشاغل است و این را نقطه آغازین بحث دانسته‌ایم تا نظام ارزش‌های حاکم بر حوزه کار و بر حوزه اقتصاد و معیشت را تفاهم حداکثری کنیم.^{۱۱۰}

حجت الاسلام علی کشوری، مکتوب فقه‌المکاسب ص ۶۶ و ۶۷، ۲۱ الی ۳۱ شهریور ۱۳۹۸، قم

کانال الگوی پیشرفت اسلامی - ای‌تا

eitaa.com/olgou4/3282

۱۱۵. **ارجاع پرورشی:** برای مشاهده احادیث مربوط به فضیلت کشاورزی، خیاطی و نگه‌داری دام به "پیوست ۷" مراجعه نمایید.

دارید؟» می‌گویند: «به‌دست آوردن پول» یا «چون مادرم گفته است: تو باید پزشک شوی». بعد وارد گفت‌وگو راجع به معیارها می‌شوم، می‌بینم آنها متوجه [اشتباهشان] می‌شوند. می‌گویم: «معیار شغل خوب این است که اول غذا و لباس مردم را تأمین کند. یعنی یک ملت باید غذا و لباسش تأمین شود؛ اگر غذا و لباس را تأمین نکنید، کل کشور دچار مشکل اساسی می‌شود». اینها را باید بحث کرد و راجع به آن گفتگو کرد. در "طبقه‌بندی مشاغل" ما به این بحث‌ها نیاز داریم.^{۱۱۶}

۴/۱/۲. نقل روایتی
از امیرالمومنین (علیه
السلام) درباره
"اهمیت استقلال در
غذا و لباس" همراه
با بررسی رجالی آن

من یک روایت به‌عنوان نمونه می‌خوانم؛ یک روایت در کتاب محاسن هست که طلحة بن زید از امام صادق (علیه‌السلام) نقل کرده است. سندش در مجموع خیلی سند خوبی است؛ هم عبدالله بن مغیره هم محمد بن سنان هر دو از طلحة بن زید نقل کرده‌اند. البته طلحة بن زید قطعاً شیعه نیست

۱۱۶. **ارجاع پرورشی:** (این خیلی مهم است که خصوصاً در دوره آموزش، کاری کنیم که وقتی طرف به شغل نگاه می‌کند شغل را به عنوان زیرساخت هدایت فهم کند، این نگاه در او ارتقا پیدا می‌کند. این خیلی تفاوت می‌کند با اینکه شما شغل را ابزار تریج یا ابزار کسب درآمد به هر نحو ولو حرام قرار دهید. پس اول تغییر نگاه ایجاد می‌کنید. ما عرض کردیم که اگر کسی کتاب‌های منکیو را بخواند می‌بیند راجع به اقتصاد صحبت می‌کند، ولی مخاطب این معنا را از شغل درک نمی‌کند. مثلاً شما اگر کتاب‌های آدام اسمیت را بخوانید شغل در ذهنتان به عنوان زیرساخت هدایت گسترش پیدا نمی‌کند. من خواهش می‌کنم دوستانی که مؤمن هستند توجه داشته باشند که اگر هر مکتب اقتصادی را بحث کنند نتیجه این نمی‌شود که شغل به عنوان زیرساخت هدایت در ذهن‌ها ارتقا پیدا کند.

لذا وقتی این بحث‌ها را مطرح می‌کنید معنای عمیق‌تری از این روایت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله - که به اشکال مختلف از ایشان نقل شده است - را خواهید فهمید. به عنوان مثال پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «الْعِبَادَةُ عَشْرَةُ أَجْزَاءٍ، تَسَعُهُ أَجْزَاءٌ فِي طَلَبِ الْحَلَالِ»؛ می‌فرماید نه جز از ده جز عبادت مسئله طلب حلال و مسئله شغل انسان است. (جامع الأخبار (للشعیری)، ص ۱۳۹/ بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۹) البته این روایت را به نحو اخباری خیلی شنیده‌اید ولی اگر کسی از ما سؤال کند که چرا مسئله طلب حلال و مسئله شغل نه جز از ده جزء عبادت است، بدون باب اول فقه‌المکاسب مشکل است با او تفاهم کنیم. وقتی شما باب اول فقه‌المکاسب و طبقه‌بندی مشاغل را بر اساس معیارهای فقهی بحث می‌کنید، تازه این روایت که در واقع جمع‌بندی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله از مسئله شغل است برای شما واضح می‌شود. خیلی روشن است که تجارت مرتبط با توسعه عقل و مرتبط با حمایت از نهاد خانواده است، [از طرفی] در روایت هست که نهاد خانواده نصف دین است. پس وقتی باب اول را تحلیل می‌کنیم معنای این روایات درک می‌شود، در حالی که هرچه شما اقتصاد خرد و کلان بخوانید، این ارتقاء معنایی را به شما نمی‌دهد.

این روزها به بهانه اقتصاد مقاومتی خیلی بحث می‌شود که ما باید آموزش مباحث شغلی را از دوران ابتدایی شروع کنیم. بعد مثال می‌زنند که مثلاً کشور کره جنوبی که خواسته توسعه پیدا کند آموزش‌ها را از مدارس شروع کرده است. ما هم موافق هستیم که آموزش حوزه شغل باید از دوران اولیه شروع شود، ولی نه بر اساس مفاهیم اقتصاد خرد و اقتصاد کلان، بلکه بر اساس مثلاً باب اول فقه‌المکاسب که طبقه‌بندی مشاغل را بحث می‌کند. اگر مفاهیم اقتصاد خرد و کلان را در مدارس تدریس کردید، نتیجه این می‌شود که فرد از همان دوران اولیه حرص و ربا را بفهمد! آموزش اقتصاد خرد و کلان و سرمایه‌داری و اقتصاد آدام اسمیتی و کینزی، یعنی آموزش حرص، آموزش ربا، آموزش رذائل؛ خود کسانی که این حرف‌ها را زده‌اند تصریح کرده‌اند».

حجت الاسلام علی کشوری، مکتوب فقه‌المکاسب ص ۱۳۱ و ۱۳۲، ۲۱ الی ۳۱ شهریور ۱۳۹۸، قم

کانال الگویی پیشرفت اسلامی-ایتنا

eitaa.com/olgou4/3282

برای اطلاع از "آیات و روایات طبقه‌بندی حوزه مشاغل" به "پیوست ۸" مراجعه فرمایید.

بلکه در بین عامی بودنش و زیدی بودنش اختلاف است؛ ولی بهر حال رجالیون هم فهرست شیخ و هم رجال/بن داود توثیقش کرده‌اند. در مجموع روایت مقبول است با اینکه طلحة بن زید عامی است اما ما روایتش را می‌پذیریم؛ یکی از دلایلی که روایت را می‌پذیریم این است که یک فرد ثقه‌ای مثل عبدالله بن مغیره روایت ایشان را نقل کرده است (وقتی عبدالله بن مغیره از کسی روایت نقل می‌کند، او را ثقه قبول کرده است که نقل می‌کند). لذا خیلی ضعف سندی محسوب نمی‌شود چرا که محمد بن سنان هم در این سند است؛ چون هم محمد بن سنان نقل کرده و هم عبدالله بن مغیره. بعلاوه اینکه این روایت "معاضدات روایی" فراوانی دارد؛ یعنی ما مجموعه روایاتی داریم که دلالت می‌کند به اینکه در غذا و لباس مستقل باشید. لذا سندش فی الجمله مقبول است.

متن روایتی این است که: «قال الصادق علیه السلام: كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: لَا تَزَالُ هَذِهِ الْأُمَّةُ بِخَيْرٍ مَا لَمْ يَلْبَسُوا لِبَاسَ الْعَجَمِ، وَ يَطْعَمُوا أَطْعِمَةَ الْعَجَمِ، فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ ضَرَبَهُمُ اللَّهُ بِالذَّلِّ»^{۱۱۷} حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) همیشه می‌فرمودند (تکه کلامشان بود؛ همیشه روی این مسئله تأکید داشتند که): لباس و غذایتان، لباس و غذای بیگانگان نباشد که اگر به این اشتباه مبتلا شدید ذلت بر شما حاکم می‌شود. روایت این جور ما را راهنمایی می‌کند که استقلال در غذا و لباس مساوی با عزت است و نباید وابسته باشیم. الان هم داریم ذلت را احساس می‌کنیم؛ ارزش غذا و لباسمان را خارج از کشور می‌گذارند و دست ما نیست. این ذلت است.

پس بحث "طبقه‌بندی مشاغل" اقدام اول است. مجدداً برخی نگویند: «این ممکن است ده‌ها سال طول کشد»؛ خیر! مدارس [خواهیم ساخت] که ظرف شش ماه می‌تواند بخشی از دانش‌آموزان بعد از دیپلم را یا (حتی از پایین‌تر) جذب کند و این‌ها را وارد مهارت این مشاغل اربعه کند. این مشاغل اربعه مستقیم با غذا، لباس و دارو ارتباط دارند. حتی این مدارس را تشکیل دهیم، طب اسلامی را هم [در درس‌ها] می‌گذاریم که آنها یک دوره طب را بگذرانند و دیگر نیاز به دارو هم کاهش پیدا کند. پس این راه حل شش ماهه است؛ الان دوباره بعضی‌ها نشینند و بگویند «الگوی پیشرفت اسلامی برای صدسال آینده است». خیر! این ذهن‌های علیل شما نمی‌گذارد

۱۱۷. ارجاع پژوهشی: عَنْهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: لَا تَزَالُ هَذِهِ الْأُمَّةُ بِخَيْرٍ مَا لَمْ يَلْبَسُوا لِبَاسَ الْعَجَمِ وَ يَطْعَمُوا أَطْعِمَةَ الْعَجَمِ فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ ضَرَبَهُمُ اللَّهُ بِالذَّلِّ .

کشور اداره شود (لبخند استاد). ما استاد کافی و دانش کافی و انگیزه کافی بین مردمان را داریم که بتوانیم مشاغل اربعه مورد نیاز برای اصلاحات ساختاری را سازمان دهی کنیم.^{۱۱۸}

۴/۲. اقدام ۲: اجرای قانون مترقی "احیای موات" و واگذاری ۱۰ میلیون قطعه زمین به خانواده‌های مستاجر

تصمیم دوم: اجرای قانون مترقی "احیای موات". حالا اگر آدم‌ها خواستند که مشاغل اربعه (کشاورزی، باغبانی، دامداری و خیاطی) را بپذیرند، اولین لازمه‌اش این است که زمین رایگان در اختیارشان قرار گیرد. پس قانون "احیای موات" باید اجرایی شود.^{۱۱۹} من اگر جای رئیس محترم سازمان برنامه و بودجه بودم - که خودش ایشان^{۱۲۰} محترم است؛ ولی سازمان برنامه و بودجه نامحترم و معیوب است - می‌آمدم برنامه هفتم توسعه را یک بخش مهمی‌اش را به قانون احیاء موات اختصاص می‌دادم. ما طبق آمار - این آمارها مهم است؛ به خاطر بسپارید - حدود ۲۴/۵

۱۱۸. **ارجاع پرورشی:** در فقه شیعه در مجموع در حوزه طبقه‌بندی مشاغل، با چهار دسته روایات و آیات روبه‌رو هستیم؛ یعنی با بررسی چهار دسته از آیات و روایات می‌توانیم طبقه‌بندی حوزه مشاغل و مفاهیم حاکم بر مشاغل صحیح را در نظام ارزشی اسلام به دست بیاوریم. برای اطلاع بیشتر از این روایات به "پیوست شماره ۸" مراجعه فرمایید.

۱۱۹. **ارجاع پرورشی:** «این که من می‌گویم واقعاً در کشور قانون است. همین الان هرکس بخواهد کارخانه ایجاد کند، زمین رایگان در اختیار او قرار می‌دهند. یعنی الان قانون احیای موات در کشور ما در حال اجراست ولی برای سرمایه‌داران اجرا می‌شود. بعضی فکر می‌کنند، اجرا کردن این حرف‌ها خیلی سخت است. من عرض می‌کنم، همین الان طبق قوانین کشور هرکس بخواهد کارخانه ایجاد کند، دولت به او زمین رایگان می‌دهد. همین الان پس این قانون هست. حالا ما چه چیزی اضافه کردیم؟ می‌گویم این موضوع را به غیر سرمایه‌داران هم بدهید. تا آنها هم بتوانند وارد عرصه تولید شوند».

حجت الاسلام علی کشوری، مکتوب محرومیت زدایی ص ۲۷، ۲۱ خرداد ۱۴۰۱، کرج

کانال الگوی پیشرفت اسلامی-اینا

eitaa.com/olgou4/4582

قانون نحوه واگذاری و احیاء اراضی در حکومت جمهوری اسلامی ایران

مصوب ۱۳۵۸/۶/۲۵

با توجه به اصول و موازین شرع مقدس اسلام مبنی بر تعلق اراضی و منابع طبیعی به آفریدگار بزرگ و بهره‌گیری انسان از این مواهب الهی بر اساس کارمفید و در جهت رفع نیاز و خودکفایی جامعه و به منظور تشویق و حمایت از کار و کوشش و همکاری افراد در زمینه فعالیت‌های کشاورزی و جلوگیری از معطل ماندن بی‌مورد منابع آب و خاک، مقررات ذیل در مورد نحوه زمین‌داری و ترتیب واگذاری و احیاء و بهره‌برداری از اراضی تصویب و به مرحله‌اجراء گذاشته می‌شود. برای مطالعه بیشتر به "پیوست ۸" مراجعه فرمایید.

منبع: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، قوانین و مقررات

<https://rc.majlis.ir/fa/law/show/98243>

میلیون خانواده در ایران داریم که حدود ۳۰٪ این آمار مستأجران اند.^{۱۲۱} **پیشنهاد اولیه مان در کشور این است که ده میلیون قطعه زمین رایگان را واگذار کنید.** ظرفیت کشور هم به لحاظ آب، به لحاظ موقعیت‌های و جغرافیایی و امنیت می‌تواند این مسئله را تأمین کند که در بحث "دار و اسعه"^{۱۲۲} به آن قبلاً پرداخته ایم. پس این هم اجرای قانون مترقی "احیای موات"^{۱۲۳}.

۱۲۱. **ارجاع پردازشی:** نتایج نشریه تحلیل تبیینی شاخص‌های عمده جمعیتی نشان می‌دهد در سال ۱۳۹۵ حدود یک سوم (۳۰٫۷ درصد) از خانوارها در ایران مستاجر هستند.

منبع: سازمان ملی آمار کشور
amar.org.ir/news/ID/۱۱۴۲۶

محمودزاده (معاون وزیر راه و شهرسازی) تأکید کرد: ما حدود ۸٫۵ میلیون **خانوار مستاجر** در کشور داریم و اکثراً به این دلیل است که درآمد کافی برای خرید مسکن ندارند. در شرایط کرونا این درآمد کمتر هم شده است. اگر حاکمیت به دلیل مصالح عمومی، مساله بهداشت و محدودیت‌های رفت و آمد را جدی می‌گیرد، موضوع معیشت اقشار پایین را نیز باید مدنظر قرار دهد. بسیاری از کسبه که مغازه‌شان اجاره‌ای بود مغازه‌ها را تحویل دادند و شغلشان به حداقل ممکن رسید.

منبع خبرگزاری اقتصاد آنلاین
<https://www.eghtesadonline.com/n/yiMi>

۱۲۲. **ارجاع پرورشی:** «اگر می‌خواهیم تولید را غیرمتمرکز کنیم، باید الگوی ساخت مسکن را تغییر دهیم. در آپارتمان هیچکدام از کارهایی که گفتم، نمی‌شود انجام داد. اما اگر شما دارواسعه ساختید، در حیاطی که دارواسعه است، می‌توانید بخشی از اقلام مورد نیاز زندگی خودتان را تأمین کنید. آن موقع که بنده در قرارگاه محرومیت‌زدایی، بحث‌هایی را مطرح می‌کردم، آنجا محاسبه‌ای شد. مثلاً بین ۵۰۰ هزار تومان تا یک میلیون تومان و گاهی اوقات بیشتر، هزینه خانواده‌ای که حیاط دارد، کمتر از هزینه خانواده آپارتمان‌نشین بود. یعنی زندگی ارزان‌تر می‌شود.

اگر شما دارواسعه بسازید، میزان تولید زباله در شهر کاهش پیدا می‌کند. اینها همه خاصیت‌های مهم است. حتماً کیسه‌های زباله خانه را دیده‌اید؛ دو سوم آن زباله تر است، یعنی یا باقیمانده غذا یا میوه یا سبزیجات است. اگر حیاط داشته باشید بخشی از همین را به حیوانات خانگی خودتان می‌دهید. الان در وضعیت فعلی چون حیاط نیست، استحصال زباله امکان ندارد. درحالی‌که اگر شما در حیاط‌تان چند درخت و حیوان خانگی داشته باشید، عمده زباله به خوراک همین درخت‌ها و حیوانات خانگی تبدیل می‌شود. پس سیستم تولید زباله غیرمتمرکز هم بوجود می‌آید. لازم نیست چند سایت بزنید. بقیه‌اش هم می‌دانید شیشه و پلاستیک می‌شود. حالا موقتاً دو یا سه سال شیشه و پلاستیک را استحصال کنید، بعداً سیستم بسته‌بندی صنعتی هم کم شود، همین قدر زباله هم تولید نمی‌شود.

اگر خانه به سبک دارواسعه ساخته شود، حیاط خانه محل بازی و تربیت کودکان هم است. فقط اقتصادی نیست؛ می‌توانید محرومیت‌های تربیتی و عاطفی را هم مدیریت کنید. پس این هم یک اقدام است. این‌ها اقدامات مهمی برای غیرمتمرکز کردن تولید و توزیع در کشور هستند».

حجت الاسلام علی کشوری، مکتوب محرومیت‌زدایی ص ۳۲ و ۳۳، ۲۱ خرداد ۱۴۰۱، کرج
کانال الگوی پیشرفت اسلامی-ایتا
eitaa.com/olgou/۴۵۸۲

۱۲۳. **ارجاع پژوهشی:** عَلِيٌّ بْنُ إِثْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ غَرَسَ شَجْرًا أَوْ حَفَرَ وادياً بديناً لَمْ يَسْئَلْهُ إِلَهٌ أَحَدٌ أَوْ أَحْيَا أَرْضاً مَيْتَةً فَهِيَ لَهُ قِضَاءٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَرَسُولِهِ

۴/۲/۱. مراحل "احیای
موات" طبق روایات:
جاری کردن آب و
ساکن کردن خانواده یا
احداث باغ یا
کشاورزی

من داخل پرانتز عرض کنم که در روایتی از پیامبر (صل الله علیه و آله و سلم) پرسیدند: احیاء موات چیست؟ حضرت فرمود: «اول آبی جاری کنید» (نبی مکرم اسلام مصداق اول احیاء موات را

امام صادق علیه السلام از پیامبر گرامی اسلامی نقل فرمودند: «هرکس درختی را بکارد و چاهی در بیابانی حفر کند، در حالیکه قبل از او هیچ کس از او پیشی نگرفته و زمینی را زنده کند، پس برای اوست. این حکمی است برای او از جانب خدای عز و جل و رسولش.»

الكافي، ج ۵، ص ۲۸۰ / من لا يحضره الفقيه، جلد ۳، ص ۲۴۰ / الإستبصار فيما اختلف من الأخبار، ج ۳، ص ۱۰۷

و رَوَى هِشَامُ بْنُ عُرْوَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعِيدِ بْنِ زَيْدِ بْنِ نَقِيلٍ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: مَنْ أَحْيَا أَرْضًا مَيْتَةً فَهِيَ لَهُ وَ لَيْسَ لِعِرْزِ ظَالِمٍ حَقٌّ

پیامبر گرامی اسلام فرمودند: هرکس زمینی را زنده کند، پس از آن اوست و برای هیچ ظالمی حقی در آن نیست.

عوالي اللئالي العزيزية في الأحاديث الدينية، ج ۳، ص ۴۸۰ / المجازات النبوية، ج ۱، ص ۲۴۰

از زمین را زنده کردند و آن را آباد نمودند، به آن سزاوارتر هستند و برای خودشان است. الکافی، جلد ۵، صفحه ۲۷۹» من سوال می‌پرسم: اگر احیای موات راه بیافتد چند نفر از این سی درصد مستاجر می‌باشند که ما در ایران داریم، خانواده خود را در خانه‌های خودشان می‌برند؟ خودتان می‌توانید محاسبه کنید. مردم از سر مجبوری الان سی درصد مستاجر هستند. همان ۷۰ درصد مالک هم اگر به آنان زمین اختصاص داده شود، لااقل بخشی از وقت‌شان در این دارو اسعه‌ها می‌برند. یعنی مردم از این مدل آپارتمان و شرایط فعلی کشور رهایی پیدا می‌کنند. راه حل دارد.

طبق گزارش‌هایی که دولت داده، ۴۰۰ همت در سال نیاز داریم تا این ۴ میلیون مسکن را بسازیم. یعنی در طول چهار سال ۱۶۰۰ همت احتیاج داریم. این پول را یا باید از طریق محل پول بانک تامین کنیم، که بانک‌ها چنین وامی را نخواهند داد. (چون سود بانکی حدوداً ۱۸ درصد است که البته ربا است؛ ما چنین چیزهایی در اسلام نداریم. حالا حتی اگر فرض کنیم حلال هم کرده باشند، من عرض این است که بانک‌ها حاضر نمی‌شوند در وقتی که تورم ۴۰ درصد است، وام ۱۸ درصد بدهند. بانک‌ها پدیده نجسی هستند، به فکر سود مردم نیستند.) دنبال این هستند که سود خودشان را داشته باشند. دولت می‌خواهد چه کار کند؟ می‌خواهد مسکن برای مردم نسازد؟ من عرض می‌کنم که زمین را واگذار به مردم کنید، خودشان می‌سازند. می‌شود تدابیر دیگری هم اندیشید. ولی اگر شما زمین را در اختیار مردم قرار دهید، اولین اتفاقی که می‌افتد، دو سوم قیمت تمام شده خانه کاهش پیدا می‌کند. خصوصاً در شهرهای بزرگ، یک سوم قیمت خانه علتش بناست، دو سوم قیمت متعلق به زمین است. وقتی زمین زیاد باشد، بازارش کساد می‌شود. آرام آرام مردم می‌توانند بروند و خانه‌های خودشان را بسازند. می‌شود آنجا هم دولت کمک‌هایی را در نظر بگیرد ولی حتماً کمتر از ۴۰۰ همت در سال خواهد بود. زمین را در اختیار مردم قرار دهید، زمین احتکار نشود، قیمت خانه می‌شکند. آن وقت مشکل اصلی ازدواج حل می‌شود».

حجت الاسلام علی کشوری، مکتوب محرومیت زدایی ص ۳۱، ۲۱ خرداد ۱۴۰۱، کرج

کانال الگوی پیشرفت اسلامی-ایتا

eitaa.com/olgou4/4582

۱۲۶. **ارجاع پرورشی:** «حضرت می‌خواهد تعداد باغ‌ها را در جامعه اسلامی افزایش دهد تا قیمت میوه بشکند. الان ببینید قیمت میوه چطور است؟ از روی زمین سه چیز قابل استفاده است: (در روایت هست) «فَأَمَّا مَا يَجُلُّ وَيَجُورُ لِلْإِنْسَانِ أَكَلُهُ مِمَّا أُخْرِجَتِ الْأَرْضُ فَتِلَاثَةٌ صُنُوفٌ مِنْ الْأَغْذِيَةِ صُنِفَتْ مِنْهَا جَمِيعُ الْحَبِّ كُلُّهُ مِنَ الْجَنْطَةِ وَالشَّعِيرِ وَالْأَرْزِ وَالْحَمَصِ وَغَيْرِ ذَلِكَ مِنْ صُنُوفِ الْحَبِّ وَصُنُوفِ السَّمَسِيمِ وَغَيْرِهَا كُلُّ شَيْءٍ مِنَ الْحَبِّ مِمَّا يَكُونُ فِيهِ غِذَاءُ الْإِنْسَانِ فِي بَدَنِهِ وَفُوتُهُ فَحَلَالٌ أَكَلُهُ وَكُلُّ شَيْءٍ تَكُونُ فِيهِ الْمَضْرَةُ عَلَى الْإِنْسَانِ فِي بَدَنِهِ فَحَرَامٌ أَكَلُهُ إِلَّا فِي حَالِ الضَّرُورَةِ وَالصَّنْفُ الثَّانِي مِمَّا أُخْرِجَتِ الْأَرْضُ مِنْ جَمِيعِ صُنُوفِ الثَّمَارِ كُلِّهَا مِمَّا يَكُونُ فِيهِ غِذَاءُ الْإِنْسَانِ وَنُفَعَةٌ لَهُ وَفُوتُهُ بِهِ فَحَلَالٌ أَكَلُهُ وَ مَا كَانَ فِيهِ الْمَضْرَةُ عَلَى الْإِنْسَانِ فِي أَكَلِهِ فَحَرَامٌ أَكَلُهُ وَالصَّنْفُ الثَّلَاثُ جَمِيعُ صُنُوفِ الثُّبُولِ وَ النَّبَاتِ وَ كُلِّ شَيْءٍ تُثْبِتُ الْأَرْضُ مِنَ الثُّبُولِ كُلِّهَا مِمَّا فِيهِ مَنَافِعُ الْإِنْسَانِ وَ غِذَاءٌ لَهُ فَحَلَالٌ أَكَلُهُ وَ مَا كَانَ مِنْ صُنُوفِ الثُّبُولِ مِمَّا فِيهِ الْمَضْرَةُ عَلَى الْإِنْسَانِ فِي أَكَلِهِ نَظِيرُ ثُبُولِ السُّمُومِ الْقَاتِلَةِ وَ نَظِيرُ الدَّفْلِيِّ وَ غَيْرِ ذَلِكَ مِنْ صُنُوفِ الْقَاتِلِ فَحَرَامٌ أَكَلُهُ. اما آنچه خوردنش برای انسان حلال و روا است از آنچه که در زمین روید سه صنف از غذا است يك صنف همه حبوبات از گندم و جو و برنج و نخود و صنف نخود و جز آن از اصناف حبوب، و صنف کنجد و جز آن از حبوب هر چه غذای تن انسانست و باو نیرو دهد خوردنش حلال است، و هر چه برای تن انسان زیان دارد خوردنش حرامست جز در حال ضرورت. و صنف دوم از هر چه که از زمین برآید از اقسام همه میوه‌ها که غذای انسانست، و برایش سود و نیرو دارد خوردنش حلال است، و هر چه برای انسان زیان دارد خوردنش حرامست. و صنف سوم اقسام سبزیجات و گیاه و هر چه از زمین بروید، و هر گونه سبزیجات که برای انسان سود و غذائیت دارد خوردنش حلال است، و هر صنف از سبزیجات که برای انسان خوردنش زیان دارد نظیر سبزیجات زهرناك كشنده و نظیر خرزهره و جز آن از اصناف زهر كشنده همه‌اش حرام است. تحف العقول، ترجمه كمره ای؛ ج ۱ ص ۳۵۳ / الفصول المهمة فی اصول الأئمة (تكملة الوسائل)، ج ۲، صفحه ۴۴۵» می‌گوید: شما از زمین سه چیز می‌توانید برداشت کنید: دانه‌ها، (دانه‌ها یکی از قوت‌هایی است که خدا در زمین قرار داده است.) سبزی‌ها (بقول) و ثمار (میوه‌ها). حضرت می‌گوید: من زمین را در اختیار مردم قرار می‌دهم تا تعداد باغ‌ها زیاد شود تا مردم با پدیده کمبود میوه مبتلا نشوند.

حالا طبقه‌بندی میوه‌ها را بحث کنید. «سَيِّدُ الْأَقَاكِيهِ الرُّمَّانُ» اتفاقاً در [قدیم] قم خیلی باغ انار موجود بوده؛ به برکت همین برنامه‌های غربی همه حذف شدند. حالا فرض کنید در شهری، پر از باغ انار باشد، چه اتفاقی می‌افتد؟ می‌گوید: انار قلب را آرام می‌کند. «الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ أَكَلَ رُمَّانَةً عَلَى الرَّيْقِ، أَنْزَلَتْ قَلْبَهُ أَرْبَعِينَ يَوْماً. الکافی، جلد ۶، صفحه ۳۵۴، حدیث ۱۱ /

زمینی که بشود در آن کشاورزی کرد، در آن باغ تولید کرد، در آن دامداری تولید کرد را به وفور در اختیار مردم قرار بدهید؛ هزینه‌ای هم نداشته و نیاز به بانک هم ندارد. زمین [زیادی] در کشور است؛ می‌دانید که ۸۶٪ درصد زمین/یران در اختیار یک اداره‌ای به اسم اداره منابع طبیعی است. ۱۲۸

المحاسن، جلد ۲، صفحه ۳۵۷، حدیث ۲۲۴۰ / کلاهما عن هشام بن سالم، بحار الأنوار، جلد ۶۶، صفحه ۱۶۱، حدیث ۳۵ / دانش نامه احادیث پزشکی: ۱ / ۲۳۰) انار آرامش ایجاد می‌کند. انار وسوسه قلب را از بین می‌برد. (رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: الرُّمَانُ سَيِّدُ الْفَاكِهَةِ، وَمَنْ أَكَلَ رُمَانَهُ أَغْضَبَ شَيْطَانَهُ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا. المحاسن، جلد ۲، صفحه ۳۵۹، حدیث ۲۲۴۹ عن مسعدة بن زياد عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام / مكارم الأخلاق، جلد ۱، صفحه ۳۷۰، حدیث ۱۱۲۲ / بحار الأنوار، جلد ۶۶، صفحه ۱۶۳، حدیث ۴۳ / دانش نامه احادیث پزشکی: ۲ / ۳۰۸) هدف غایی حضرت این است که جامعه را آرام کند. هر وقت دیدید در شهری تعداد باغ‌ها کم بود، بدانید در نهایت مردم بیمار می‌شوند. (هم از لحاظ جسمی و هم از لحاظ روحی) این تدبیر را حضرت کردند که شغل باغداری بالا بیاید. مردم راحت میوه تولید کنند و در اختیار دیگران قرار دهند. حالا این را در کنار بقیه احکام اسلام قرار دهید؛ مثل "حق الماره"، شما باغی دارید که شاخه‌های آن بیرون از باغ است. رهگذری از آن عبور می‌کند. شارع می‌گوید که به اندازه‌ای که بخورد، حلال است. این موضوع را در کنار احکام زکات باغ و کمک به فقرا قرار دهید. یک پک کامل قانون محرومیت‌زدایی است. ولی ریشه آن آنجاست که گفته احیای موات باید انجام شود.

الان باغ خریدن و باغ فروختن فقط مخصوص سرمایه‌داران است. یک جمعیت محدودی از روستائیان هم بالاخره باغی دارند، که دسترنج آنها را دلالتان می‌برند. توسعه این کارها را با ما می‌کند. الان ما نمی‌توانیم میوه در اختیار مردم قرار دهیم. مثلاً این پدیده میوه‌های نوبرانه هم آمده، قیمت‌های نجومی، چه کسی این میوه‌ها را می‌خورد؟ سرمایه‌داران. مردم عادی که نمی‌توانند از این میوه‌ها مصرف کنند، چرا؟ چون زمین زیرکشت باغی ما پائین است. پس حضرت با احیای موات، شغل باغداری را ارتقاء می‌دهند تا بعد مشکلات سلامت جسمی و روحی مردم را برطرف کنند».

حجت الاسلام علی کشوری، مکتوب محرومیت‌زدایی ص ۲۹ و ۳۰، ۲۱ خرداد ۱۴۰۱، کرج

کانال الگوی پیشرفت اسلامی-اینا

eitaa.com/olgou/4582

۱۲۷. **ارجاع پرورشی:** «در مباحث اصلی الگوی فقهی مدیریت آب به پرسشهایی مانند: ۱- چرا در فهرست کتاب فقهی شرایع؛ فقط به خاصیت طهارت آفرینی آب پرداخته شده است؟، ۲- معرفی کارکردها و خاصیت‌های آب از نظر آیات و روایات، ۳- معرفی تقسیمات آب از منظر آیات و روایات، ۴- معرفی عوامل موثر بر افزایش نزولات آسمانی و تبیین ارتباط آن با روابط انسانی صحیح ۵- ارتباط افزایش باران با الگوی کشت، ۶- تبیین راهکارهای فقهی استحصال آب باران و بیان تأملاتی در فواید چاه آب و قنات در مقایسه با مفهوم معیوب سد سازی، ۷- بازخوانی شاخص‌های فقهی آب گوارا (مزه، رنگ و بو) در مقایسه با استاندارد سطح PH آب آشامیدنی + معرفی روش‌های آسان تصفیه آب، ۸- تبیین الگوی صحیح آبیاری مزارع کشاورزی و بیان روش‌های فقهی برای کشف محل منابع بزرگ آب و پرداخته می‌شود».

حجت الاسلام علی کشوری، ۷ فروردین ۱۴۰۱، بروجرد

کانال الگوی پیشرفت اسلامی-اینا

eitaa.com/olgou/4031

۱۲۸. **ارجاع پردازشی:** علی جعفری مسئول دفتر فناوری اطلاعات، ارتباطات سازمان جنگلها، منابع طبیعی و آبخیزداری در گفت و گو با خبرنگار اقتصادی، با بیان اینکه بیش از ۸۰ درصد عرصه کشور را منابع طبیعی (اراضی ملی و موات) تشکیل می‌دهند، گفت: سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور با توجه به قوانین مربوطه به نمایندگی از دولت جمهوری اسلامی ایران مالکیت این اراضی را دارا می‌باشد.

منبع: خبرگزاری تسنیم

tasnimnews.com/fa/news/1401/01/20/2693030

اداره منابع طبیعی فقط یک کار می‌کند، هر جایی یک تابلو می‌زند و می‌گوید: «اینجا [متعلق به اداره] منابع طبیعی است!» (لبخند استاد). از زمان رضاخان این دسته‌گل بوده و در جمهوری اسلامی کسی نرفته است اینها را اصلاح کند؛ به صورت تقلیدی از دوره پهلوی باقی مانده است.

۴/۳. اقدام ۳: ساخت بازارهای موقت

اقدام زیرساختی سوم ساخت بازارهای موقت است. وقتی شما دارید مشاغل خرد ایجاد می‌کنید باید محل تجارت برای مشاغل خرد را گسترده کنیم.^{۱۲۹} یک خبر خوبی که در این روزها در کشور مطرح شد - امیدوارم که این خبر بعدها در تحقیقش دچار چالش نشود - اینکه آقای دکتر زاکانی اعلام کردند: «در یکی - دو سال آینده قرار است ۱۰۰ بازار موقت در محلات تهران ساخته شود»؛^{۱۳۰} بعد ایشان این جوری گزارش می‌دادند (تقریباً مضمون گزارششان این است): «در طول چهل سال گذشته کلاً ۱۰۰ تا بازار ساخته شده است، و ما می‌خواهیم در یکی دو سال آینده ۱۰۰ تا بازار بسازیم». این جزو خبرهای خوب در کشور است.

۱۲۹. **ارجاع پرورشی:** «اقدامی هم برای غیرمتمرکز کردن توزیع پیشنهاد کنم. اگر شما بخواهید مردم تجارت کنند، نقطه شروع کجاست؟ نقطه شروع تولید، احیای موات و بعد هم دارواسعه است. حالا نقطه شروع مردمی کردن توزیع کجاست؟ مردم موقعی می‌توانند وارد سیستم توزیع شوند که بازار ارزان قیمت یا بازار مجانی در اختیارشان قرار گیرد. باز عرض می‌کنم الان اگر شما هر کالایی را در نظر بگیرید، (از هندوانه تا لباس) قیمت تمام شده‌اش را اگر محاسبه کنید، دو سوم آن برای توزیع کننده و یک سوم آن برای تولیدکننده است. یعنی صاحب پاساژ یا مغازه که میوه را می‌فروشد، از زمین چند می‌خرد؟ خودش چند می‌فروشد؟ اینها را از هم کسر کنیم، سود اصلی را توزیع کننده‌ها می‌برند. حالا اگر شما بازار موقت یا بازار وقفی برای مردم ایجاد کردید، (هر دو فرض امکان دارد.) یعنی هزینه‌های مرکز خرید و فروش (هزینه‌های بازار) را صفر کردید. قیمت تمام شده کالا باز کاهش پیدا می‌کند، همه مردم هم می‌توانند تجارت کنند.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام، در دوران حکومت‌شان، بازار (یک جای ثابت ولی با بهره‌برداری موقت) ساخته بودند، نه مثل بازارهای موقت الان. الان جای کسبه ثابت نیست، به همین دلیل به آن بازار موقت می‌گویید. اما بازار موقت پیشنهادی امیرالمؤمنین به حکام خودشان، جای ثابتی داشت».

حجت الاسلام علی کشوری، مکتوب محرومیت زدایی ص ۳۳، ۲۱ خرداد ۱۴۰۱، کرج

کانال الگوی پیشرفت اسلامی-ایتنا

eitaa.com/olgou4/4582

۱۳۰. **ارجاع پردازشی:** «به گزارش همشهری آنلاین و به نقل از مهر، علیرضا زاکانی با حضور در برنامه «سلام صبح‌بخیر» با بیان اینکه دو هزار و ۶۳۰ میدان میوه و تره‌بار در سطح شهر وجود دارد که تا پایان امسال ۳۱ میدان جدید نیز اضافه شده است، گفت: در سال آینده ۱۰۰ میدان جدید و در سال ۱۴۰۲، ۱۰۰ میدان دیگر تأسیس خواهد شد».

منبع: خبرگزاری همشهری آنلاین

hamshahrionline.ir/news/664627

اگر شما بازار [موقت] بسازید هزینه تجارت در کشور کاهش پیدا می‌کند. طبق بررسی‌های ما در شهر قم، نیاز به ده بازار موقت است. به جای اینکه موقوفات را ببرید به سمت مصارف مدارس مدرن، به سمت ساخت بازار ببرید. پول‌دارها و اغنیاء را دعوت کنید که بروند بازار بسازند. اگر دولت یا خیرین فقط هزینه ساخت این ده تا بازار موقت را بپردازند، قیمت کالاها در قم لااقل

یک سوم کاهش پیدا می‌کند. ^{۱۳۱} پس ساخت بازار هم یک اقدام زیرساختی است. ^{۱۳۲} با "احیای موات" و تغییر "طبقه‌بندی مشاغل"، "تولید" تضمین شده و با "ساخت بازار موقت"، "توزیع" ^{۱۳۳} تضمین می‌شود.

۱۳۱. **ارجاع پرورشی:** «اگر شما نتوانستید قیمت تمام شده بازار و مغازه را صفر کنید، تعداد زیادی از مردم می‌توانند در سیستم توزیع مشارکت کنند. الان چون تهیه مغازه فقط برای سرمایه‌داران و جمعیت خاصی امکان دارد، عامه مردم نمی‌توانند توزیع کنند. حاکمیت باید هزینه بازار را صفر کند. الان بازار قم که از زمان قاجاریه است، یک تاجر قمی آن را ساخته است. (تیمچه بزرگ بازار قم در سمت شمال راسته بازار نو، یکی از سه تیمچه شهر قم است. این بنا از آثار ارزشمند هنر معماری دوران اسلامی ایران است که توسط هنرمند برجسته عصر ناصری، استاد حسن قمی مشهور به معمارباشی در سال ۱۳۰۱ قمری طراحی و اجرا شد. بانی بنا مرحوم حاج سید محمود طباطبایی تاجر بزرگ قم بود. دو تیمچه دیگر این بازار سال‌ها پیش هنگام احداث خیابان‌های جدید شهر قم از میان رفت. این دو تیمچه از تیمچه اصلی کوچک‌تر بودند و وجه تسمیه تیمچه بزرگ به همین امر باز می‌گردد. منبع: [سایت سیری‌دلیران](#)) حکام آن موقع با او صحبت کردند، گفتند تو که سرمایه‌داری، بیا دوهزار دهنه مغازه برای مردم بساز، سود آخرتی آن هم مال تو، او هم رفته همین کار را کرده است. بیش از دویست سال است حدود دوهزار مغازه را وقف کرده است. شما هم می‌توانید با سرمایه‌دارها صحبت کنید. بگویید بیایند بازار موقت بسازند. آن وقت وقتی سرمایه‌دار بازار موقت ساخت، از یک طرف آبروی اجتماعی او افزایش پیدا می‌کند، از طرفی سود اخروی می‌برد، از یک طرفی هم قیمت تمام‌شده کالاها کاهش پیدا می‌کند.

بنده در کرمانشاه و خیلی از شهرهای دیگر، کلی بازار موقت را بررسی کرده‌ام. آن کسی که در آن مغازه خرید و فروش می‌کند دیگر هزینه مغازه را نمی‌دهد. پس با دو کار، یکی ساخت بازارهای وقفی و دیگری ساخت بازارهای موقت، حاکمیت می‌تواند هزینه تجارت را پایین بیاورد. اصطلاحی در اقتصاد داریم می‌گویند: تولید، برده توزیع است. مشکل اصلی تولیدکننده‌ها، سیستم توزیع است. حالا اگر شما سیستم توزیع را مردمی کردید چه اتفاقی می‌افتد؟ دیگر علاوه بر محرومیت‌زدایی، رانت توزیع را هم از سرمایه‌دارها گرفتید.

می‌دانید الان چرا بعضی از اجناس گران می‌شود؟ چون پشت توزیع آن یک سلطان است. مثلاً الان در ایران سلطان موز داریم؛ از خارج وارد می‌کند، شما اجمالاً بدانید یک سود بزرگی دارد که در آن تریلی گم می‌شود! آن‌هایی که می‌آیند می‌خرند باید قیمت و سود این سلطان را رعایت کنند. اما اگر پنجاه نفر وارد کننده موز باشند چه می‌شود؟ همه باید رقابت کنند، قیمت پایین‌تر بیاید. چون اگر پنجاه نفر توزیع کننده بود، شما الزامی ندارد که فقط از یک نفر بخرید. اگر توزیع مردمی شود، قیمت‌ها پایین می‌آید، چون توزیع کننده‌ها متعدددند.

لذا امام صادق علیه السلام فرمود: «أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنِ جَدِّهِ أَحْسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ: تَعَرَّضُوا لِلتَّجَارَةِ فَإِنَّ فِيهَا غَنًى لَكُمْ عَمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ؛ محمد بن مسلم گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: دست به تجارت بزنید که برای شما بی‌نیازی از مال و دارایی‌های مردم را به ارمغان می‌آورد. الکافی، جلد ۵، صفحه ۱۴۹/ تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، جلد ۱۷، صفحه ۱۲» همه شما شغل دوم‌تان را تجارت قرار دهید. حضرت نفرمود تاجر شوید، گفتند: متعرض تجارت شوید. هر شغلی دارید، فقیه هستید، آیت‌الله هستید، استاد دانشگاه هستید، نماینده مجلس هستید، بنده نمی‌دانم چرا نماینده‌های مجلس دست‌فروشی نمی‌کنند؟ هم برای تکبرشان خوب است، هم اینکه اگر آنها الگو شوند، بقیه مردم هم راحت‌تر این کار را می‌کنند. بقیه آقایون هم همینطور. چه اشکالی دارد وارد تجارت‌های خرد شوند؟ تا دست در تجارت زیاد شود. وقتی در تجارت دست زیاد شد، قیمت کالا می‌شکند. لذا من با آقایون کارشناسان اقتصادی اینجا اختلاف نظر دارم. بنده هم قبول دارم تولید کشور باید رونق پیدا کند؛ ولی پیشران تولید، سیستم توزیع است. سیستم توزیع را از دست شبکه‌های زنجیره‌ای بیرون بیاورید و دست مردم دهید؛ آن وقت تولید هم رونق می‌گیرد».

حجت الاسلام علی کشوری، مکتوب محرومیت زدایی ص ۳۳ الی ۳۵، ۲۱ خرداد ۱۴۰۱، کرج

کانال الگوی پیشرفت اسلامی-اینا

eitaa.com/olgou/4582

۴/۴. اقدام ۴: ساخت "دار واسعہ" بجای آپارتمان

اقدام چهارم ساخت "دار واسعہ" به جای آپارتمان است. [سؤال می شود که] «این دیگر چه ربطی به "اختلالات ارزی" دارد؟» در این یکی - دو سال مجدداً برای بار چندم قیمت مرغ و تخم مرغ افزایش پیدا کرده است؛ اقل فایده "دار واسعہ" این است که مردم مرغ و تخم مرغشان را درون خانه خودشان تولید می کنند. وقتی ما این بحث ساخت "دار واسعہ" مطرح کردیم، یکی از فوایدش که به نظرمان رسید این بود که در همان سال اول ۳۰٪ مرغ و تخم مرغ مردم در خانه شان تولید می شود. تغذیه شان هم از پسماند تر (زباله های تری که تولید می شود یعنی باقی مانده میوه، غذا و سبزیجاتی دارند) خواهد بود. بنابراین می شود با ساخت "دار واسعہ"، کسانی که قدرت کشاورزی، باغداری حرفه ای، دامداری حرفه ای را نداشته و نمی توانند به عنوان شغل خودشان قرار بدهند، در حیات

۱۳۲. **ارجاع پرورشی:** برای بررسی روایات بازار موقت و زیرساخت های عمومی یافتن تجارت به "پوست ۹" مراجعه نمایید.

۱۳۳. **ارجاع پرورشی:** «مردمی کردن توزیع، سه خاصیت دارد: یکی اینکه در محرومیت زدایی، سود توزیع می شود، دیگر دست شرکت افق و جانبو قرار نمی گیرد، همه توزیع می کنند. دیگری اینکه آنها نمی توانند قیمت ها را بالا بکشند. سوم هم اینکه محرک تولید است. البته خیلی خاصیت های دیگری دارد. امام صادق علیه السلام می فرمایند: کسی که تجارت نکند عقلش کم می شود. «بَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: التَّجَارَةُ تَرِيدُ فِي الْعَقْلِ. الكافي، جلد ۵، صفحه ۱۴۸» آثار تربیتی هم دارد. اگر روزی خواستید فرزندان را خوب تربیت کنید، اولش دست فروشی نشان دهید. نگذارید کلاس کنکور، معادله ریاضی و این ها حل کند، بگویند یک کالایی تهیه کند، ببرد و بفروشد، خیلی ذهنش درگیر می شود. از کجا تهیه کند با چه کیفیتی تهیه کند، با چه قیمتی بخرد؟ به چه کسی بدهد؟ چطور تعامل با طرف مقابل کند تا مشتری جذب شود؟ عقلش در مجموع رشد پیدا می کند. پس خاصیت های دیگری هم دارد. این مردمی شدن توزیع از کجا اتفاق می افتد؟ نقطه شروع مردمی شدن توزیع این است که دولت برای مردم بازار موقت و بازار وقفی بسازد. مثلاً به تولیت محترم حرم حضرت معصومه، حضرت حضرت عبدالعظیم، حرم حضرت شاه چراغ، حرم حضرت رضا علیهم السلام پیشنهاد دادم، (در این روز مبارک میلاد امام رضا علیه السلام از حاج آقای مروی تولیت محترم حضرت رضا تقاضا می کنم) به این روایات حضرت عمل کنند که حضرت صادق علیه السلام فرمود: امیرالمومنین برای محرومین بازار می ساختند. «سُوقُ الْمُسْلِمِينَ كَمَسْجِدِهِمْ، فَمَنْ سَبَقَ إِلَى بَيْتِ فَهُوَ أَحَقُّ بِهِ إِلَى اللَّيْلِ وَ كَانَ لَا يَأْخُذُ عَلَى بَيْتِ السُّوقِ كِرَاءً» (وسائل الشیعه، الشیخ الحر العاملی، ج ۳، ص ۵۴۲، ابواب احکام المساجد، باب ۵۶، ح ۲) بازار موقت می ساختند، ما هم باید بازار برای مردم بسازیم. چه اشکال دارد یک جای استراتژیک مثل یکی از صحن های حرم حضرت رضا برای دست فروش های بی پناه شهر مشهد اختصاص پیدا کند. چه کسی گفته محرومیت زدایی این است که غذا طبخ کنیم و در خانه مردم بدهیم. چرا ما اینطور حداقلی فکر می کنیم؟ شما زمینه را فراهم کنید، مردم تجارت کنند. (آن وقت دشمن روی همین ها می ایستد.) شما که فقط یارانه می دهید، یارانه هم که سال آینده ارزش آن کم می شود؛ بعد یک اتفاق اقتصادی می افتد، دشمن روی آن سوار می شود، مشکلات امنیتی هم ایجاد می شود. اما اگر شما آمدید مردم را در پناه خودتان گرفتید، زمینه تجارت را برای آنها آماده کردید، خود مردم روی پای خودشان می ایستند و مشکلاتشان را حل می کنند. حالا در بحث بازار خیلی حرف داریم ولی اولین اقدام این است».

حجت الاسلام علی کشوری، مکتوب محرومیت زدایی ص ۳۵ و ۳۶، ۲۱ خرداد ۱۴۰۱، کرج

کانال الگوی پیشرفت اسلامی - ایتا

eitaa.com/olgou/4582

و خانه خودشان شروع به تولید و تمرین کردن کنند. "دار واسعه" تمرین باغداری داری و کشاورزی است. "دار واسعه" محیطش اجازه می‌دهد که شما خودتان را آماده "اقتصاد مقاومتی" کنید. بعضی از مردم ما - از جمله خود ما که کشاورز زاده‌ایم و ضمان طوری است که به زندگی شهری عادت کرده‌ایم - آنهایی که از اساس شهری بوده‌اند اصلاً تصویری از زندگی مبتنی بر تولید ندارند. باید با "دار واسعه" آرام آرام آنها را تمرین داد که نسل بعد آنها را وارد "طبقه‌بندی جدید مشاغل" کرد.^{۱۳۴} پس این چهار اقدام زیرساختی است. من توصیه اصلیم به دولت برای اختلالات این است که «فریب کارشناسی‌های غلط تبلیغاتی فعلی را نخورید و برنامه هفتم را مبتنی بر این چهارتا زیرساخت طبقه‌بندی کنید؛ همان سال اول فایده‌هایش معلوم می‌شود و اگر بتوانیم چهار، پنج سال این اقدام را ادامه دهیم، به نظرم لااقل ۲۰ میلیارد دلار مبادلات ارزی ما کاهش پیدا می‌کند» که این را بعداً به تفکیک بحث می‌کنیم. پس این هم شد زیرساخت‌های اصلی "تبادل مستقل".

۵. پرسش چهارم: فواید تبادل مستقل چیست؟

چهارمین و آخرین سرفصل عبارت از این است که "تبادل مستقل" اصلاحات ساختاری و زیرساختی می‌خواهد؛ لذا به انگیزه‌سازی برای مدیران، مردم و کارشناسان نیاز داریم. یعنی بخش "ثبت"^{۱۳۵} بحث نظریه دلار باید خیلی فربه باشد والا به اسم اصلاحات ساختاری دچار اختلال می‌شویم. من فواید این اصلاحات ساختاری را مجموعاً در پنج سرفصل عرض می‌کنم؛ اینها فواید نقد اصلاحات ساختاری است.

۵/۱. فایده ۱: قرار گرفتن مسئله "محرومیت‌زدایی" در برنامه‌های

اصلی

یک "محرومیت‌زدایی" در کشور تبدیل برنامه‌های اصلی می‌گردد؛ درحالی‌که الان جزو برنامه‌های فرعی است. وقتی مردم را وارد "تولید" و "توزیع" کردید، عدالت از "الگوی تولید" پایه‌گذاری می‌شود.^{۱۳۶} قبلاً من مثال زدم، فرض بفرمایید که الان حدود ۱۵۰۰ شرکت دام و طیور

۱۳۵. **ارجاع پرورشی:** «آیات و روایات "ثبت" یعنی چه؟ یعنی آن آیات و روایاتی که "فوائد حکم شرعی" را برای شما بحث می‌کند. مثلاً در مورد صلاة اینگونه است که «فَرَضَ اللَّهُ الصَّلَاةَ تَثْبِيهاً عَنِ الْكِبَرِ». این عبارت که در خطبه فدکیه است، ارکان صلاة و واجبات صلاة را بحث نمی‌کند، بلکه "فایده صلاة" را بحث می‌کند. قبل از اینکه شما مردم را به صلاة دعوت کنید باید صلاة را در قلب آنها "ثبت" کنید و "فایده صلاة" را برای آنها بگویید. حالا این فقط مربوط به صلاة نیست، در مورد زکات هم همین گونه است. امام (علیه السلام) ابتدا هر مسئله‌ای را در وجود انسان‌ها "ثبت" می‌کند؛ یعنی نظام فوایدش را برای انسان‌ها می‌گوید. بنابراین اگر کسی هم در آغاز گفتگو سوال می‌کند، "پرسش خوب" این است که [سوالش مربوط به] مقام "ثبت" باشد.

حجت الاسلام علی کشوری، مکتوب روش استنباط نظریات الگوی پیشرفت اسلامی، ص ۴۲

۱۳۶. **ارجاع پرورشی:** «سرفصل دومی که در مباحثات فقه‌المکاسب به آن خواهیم پرداخت: «ویژگی‌های الگوی تولید» است. آیا می‌توانیم به هر نحوی تولید داشته باشیم یا تولید را باید بر اساس ویژگی‌های خاصی پیگیری کنیم؟ بنا بر آنچه در جلسات بعد مطرح خواهیم کرد، به نظر ما یک مناط اصلی در حوزه مکاسب وجود دارد و آن عبارت از این است که مکاسب نباید نافی «سود ارتباطی» باشد. بنا بر بحث‌هایی که در دوره‌های قبل مطرح کردیم، سود ارتباطی یعنی سودی که ناشی از ارتباط بهینه و تکامل یافته انسان‌ها با یکدیگر به دست می‌آید. یعنی در حوزه روابط انسانی دو فرض داریم: یک فرض این است که انسان‌ها از لحاظ روابط انسانی به نحو گسسته و بر ضد یکدیگر عمل کنند؛ یک فرض دیگر هم این است که انسان‌ها در حوزه روابط انسانی اصطلاحاً به نحو پیوسته و به نفع یکدیگر عمل کنند. اگر فرض دوم در یک جامعه‌ای به وجود بیاید، سود آن جامعه از دو حیث ارتقا پیدا می‌کند: حیث اول کاهش هزینه‌هاست؛ یعنی یک جامعه‌ای که افراد آن دارای روابط انسانی پیوسته هستند، هزینه‌های آن جامعه (از قبیل هزینه‌های حوزه قضا و قضاوت، حوزه سلامت، حوزه امنیت، دفاع و دیگر هزینه‌ها) کاهش پیدا می‌کند. امروزه هزینه‌های مختلفی در جامعه ما وجود دارد که ناشی از گسستگی روابط انسانی است.

برای نمونه وقتی انسان‌ها بر روی اعصاب یکدیگر هستند و به ضرر همدیگر عمل می‌کنند، سلامت آنان به لحاظ روحی، روانی و جسمی به چالش کشیده می‌شود؛ بنابراین هزینه‌های بخش سلامت هم افزایش پیدا می‌کند.

مدیرانی هم که می‌خواهند نظم جامعه را ایجاد کنند، در فرض گسستگی روابط انسانی مجبور می‌شوند اشراف بیشتری برای خود فراهم کنند. برای نمونه باید هزینه‌های مانی‌تورینگ جامعه را هم پردازند. درحالی‌که وقتی روابط انسانی جامعه‌ای ناشی از تعارف بوده و به نحو پیوسته باشد، هزینه‌های بخش امنیت هم کاهش پیدا می‌کند.

هزینه‌های حوزه فصل الخطاب و قضا هم یکی از هزینه‌های سنگینی است که الآن در جامعه ما وجود دارد. البته کشورهای غربی با کاهش عناوین مجرمانه، این هزینه‌ها را کاهش داده‌اند! ولی واقعیت این است که نمی‌توانیم با قیام و قعود یک مجلس، مفهوم واقعی جرم را تنزل داده و عناوین مجرمانه را کاهش دهیم. جرم در حوزه روابط انسانی، جرم است اگرچه دستگاه قضایی کشورهای اسکاندیناوی، آن را ندیده و دادگاه‌های خلوتی داشته باشند؛ لذا اینکه بعضی ساده‌اندیشی کرده و ادعا می‌کنند دادگاه‌ها در بعضی از کشورهای حوزه اسکاندیناوی خلوت است، علت اصلی آن، کاهش عناوین مجرمانه واقعی است. نتیجه این کاهش عناوین مجرمانه این می‌شود که در بعضی از کشورهای حوزه اسکاندیناوی با اینکه دادگاه‌ها خلوت است، ولی خرید و فروش سلاح و دزدی رونق فراوانی داشته و تقریباً یک کسب جدی در بین آن‌ها محسوب می‌شود! درست است که دادگاه‌ها خلوت است ولی مسائلی در آن جوامع اتفاق افتاده که انسان با اندک درنگی متوجه می‌شود که آن مسائل بر ضد روابط انسانی عمل می‌کنند! بنابراین هزینه‌های حوزه قضا و قضاوت با فرضی که عناوین مجرمانه را کاهش ندهیم بلکه ارتکاب به جرم را در آن جامعه کاهش دهیم، یکی از هزینه‌های جدی‌ای است که بر فرض روابط انسانی بهینه به وجود می‌آید.

از حیث درآمد هم درآمدهای ناشی از حوزه روابط انسانی وجود دارد؛ مانند درآمدهای حوزه «فای» و «انفال» که بنا بر تصریح قرآن شریف [حکمت آن] «كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ» است. اصلاً حوزه این نوع از درآمدها برای این است که روابط انسانی، بهینه شده و وضعیت افرادی که در حالت استضعاف در یک جامعه هستند، بهینه شود! بنابراین سرفصل‌های درآمدی هم تغییر پیدا کرده و افزایش پیدا می‌کند.

درآمدهای ناشی از «قرض الحسنه‌ها» درآمدهایی هستند که در غیر از فضای روابط انسانی پیوسته فرض تحقق ندارد. با اینکه در مباحثات کنونی در حوزه اقتصاد، مسئله قرض الحسنه را تحلیل نمی‌کنیم ولی با این حال پدیده «قرض الحسنه‌های خانگی» یکی از نمودهای همین افزایش درآمدهای ناشی از بهینه روابط انسانی است! شما می‌دانید شاید در هفته و ماه، ده‌ها میلیارد تومان اعتبار و مال در حوزه همین صندوق‌های قرض الحسنه خانگی، جابجا می‌شود! تقریباً همه این‌ها در یک فضای غیربروکراسی انجام می‌پذیرد! زیرا هنوز در محیط جامعه ما یک محیط همسایگی و محیط خانوادگی ناشی از تعالیم دینی وجود دارد، بر بستر این روابط انسانی بهینه، یک چنین پدیده‌ای اتفاق افتاده که منشأ حل مشکلات است! من همیشه با خودم فکر می‌کنم اگر این حجم از اعتبارات را به بانک‌ها می‌دادیم تا تخصیص دهند، اولاً انجام نمی‌شد! دوماً بانک‌ها زیر بار نمی‌رفتند که آن را ذیل قرض الحسنه منتقل کنند! این حوزه صندوق‌های قرض الحسنه خانگی الآن بخشی از اقتصاد کشور ماست و همان‌طور که عرض کردم تحلیل آن به «بهینه‌شدن روابط انسانی» بازمی‌گردد.

در مجموع ما هشت دسته درآمد را در فرض بهینه‌شدن روابط انسانی داریم که ان‌شاءالله در بحث‌های تفصیلی آن‌ها را بحث خواهیم کرد. بنابراین مسئله بهینه‌شدن روابط انسانی «سودی» را به افراد جامعه می‌رساند که این سود هم در بخش کاهش هزینه‌هاست و هم در بخش افزایش منابع درآمدی. لذا ما از مسئله بهینگی روابط انسانی در اصطلاح «فقه هدایت» به «سود ارتباطی» تعبیر کردیم و این سود ارتباطی بر مبنای سود اقتصادی و ارزش افزوده هم قابل اندازه‌گیری است.

البته با تأکید عرض می‌کنم اینکه اگر به بهینه‌شدن روابط انسانی توجه کنیم، هزینه‌های اقتصادی جامعه کاهش و درآمدهای آن افزایش پیدا می‌کند، تنها بخشی از ساختار سود ارتباطی است. اگر نگرش عمیق‌تری به مسئله داشته باشیم و «تقدیر» را هم ببینیم، مسئله سود ارتباطی و لحاظ نفع انسان‌ها حتی در حوزه اقتصاد، باعث می‌شود وزن تقدیر انسان‌ها تغییر پیدا کند! بنابراین از حیث تقدیر هم سودهایی برای جامعه رقم می‌خورد که این‌ها هم قابلیت مشاهده و محاسبه خواهد داشت. در مسئله عالم آخرت و قیامت هم از پایگاه سود ارتباطی، یک دسته سود متولد خواهد شد که ان‌شاءالله به آن هم اشاره خواهیم کرد.

عرض بنده این بود که با توجه به مفهوم سود ارتباطی، باید الگوی تولید کشور را بازتعریف کنیم؛ یعنی نحوه تولید نباید مضر به سود ارتباطی باشد. این اصلی است که ان‌شاءالله آن را تشریح می‌کنم. اگر یک نحوه تولیدی در جامعه راه انداخته شد که «ارزش افزوده» داشت ولی «سود ارتباطی» را از حیث‌های مختلف به چالش کشید، ما حتماً نمی‌توانیم از آن الگوی تولید دفاع کنیم! مانند مشاغل صنعتی که شما الآن در دوران معاصر می‌بینید؛ نحوه استخدام نیروی کار در صنایع تولیدی به شکلی است که وظایف خانوادگی نیروی کار را به چالش می‌کشد؛ بنابراین این نحوه تولید و استخدام، ضد سود ارتباطی است! ما به عنوان پیش‌فرض بحث کردیم که اگر کسی سود ارتباطی را در یک جامعه‌ای به چالش بکشد، یعنی هزینه‌های آن جامعه را افزایش و درآمدها را از حیث‌های مختلف

شهر قم را تأمین می‌کند، این را شما به ۷۰ روستای اطراف قم می‌دهید؛ یعنی سود ناشی از دام و طیور شهر قم بین ۷۰ روستا توزیع می‌شود و در نتیجه از روستاها "محرومیت‌زدایی" می‌شود. ۱۳۷ در حالی که شما الان سود دام و طیور را مثلاً به یک مجموعه شرکت‌های محدودی که سرمایه‌داران آن را متکفل هستند داده‌اید. پس بر سر "محرومیت‌زدایی" بایستید تا جواب بدهد و در نتیجه فقرا با ساختار شما همراه گردند.

۵/۲. فایده ۲: ارتقاء سلامتی

[فایده دیگر] سلامت بیشتر [است]. اگر بر روی سلامت بایستید، مردم با شما همراه می‌شوند. مردم دل خوشی از غذاهای صنعتی، غذاهای تراریخته و غذاهای حاوی مواد افزودنی ندارند. یکی از فواید "تبادل مستقل" سلامتی بیشتر است.

کاهش داده است! پس آن شخص در نهایت نمی‌تواند ادعا کند حتی «سود اقتصادی» را افزایش داده است! مثلاً الآن صاحبان مشاغلی که در عسلویه موجود است، برای نیروی کار خود، تقریباً ۲۱ روز - یا مبتنی بر بعضی از اخبار بیش از این مقدار - شغل تعریف کرده‌اند! یعنی نیروی کاری که در این صنایع مشغول به کار است، تنها ۹ روز در نزد خانواده است! بنابراین فرصت رسیدگی به امور خانواده را ندارد! ما می‌دانیم وقتی ارتباط شما با خانواده قطع می‌شود، اتفاقی که می‌افتد این است که روابط جنسی، روابط عاطفی و همچنین سلامت افراد به چالش کشیده می‌شود! بنابراین درست است که ما [در مدل‌های موجود،] تولید داریم و ارزش افزوده ایجاد می‌شود ولی هم‌زمان هزینه‌هایی که منشأ آن، گسستگی در روابط خانوادگی است به جامعه تحمیل خواهد شد! بنابراین در بحث الگوی تولید، یکی از ملاحظات جدی ما این است که هیچ تولیدکننده‌ای نباید سود ارتباطی را نقض کند».

حجت الاسلام علی کشوری، مکتوب فقه المکاسب، ص ۱۱

۱۳۷. **ارجاع پرورشی:** «اینکه ما می‌گوییم زنجیره ارزش در نظام سرمایه‌داری معیوب است، عیب آن همین است. همه شما که تخم مرغ مصرف می‌کنید، همه شما که گوشت و مرغ مصرف می‌کنید، سود آن را فقط صاحبان ۶۰۰ واحد می‌برند. اینطور است که مردم فقیر می‌شوند. اگر دولت محترم (بالاخره باید کارهای انقلابی انجام داد) بیاید در ظرف یک برنامه سه تا چهارساله تولید مرغ، تخم مرغ، شیر و گوشت را به روستاها تفویض کند. (لااقل در بعضی از مناطق شهری هم این موضوع امکان‌پذیر است.) به روستاها تفویض کند، معنای آن این است که سود ناشی از مرغ، تخم مرغ، شیر و گوشت میان همه مردم روستا توزیع می‌شود. مثلاً اگر ما ۷۰ روستا داریم، مردمان آن ۷۰ روستایی که در حاشیه شهر قم هستند، همه از سود ناشی از تولید و توزیع این اقلام بهره می‌برند. پس تعریف صحیح برای محرومیت‌زدایی اقتصادی، افزایش نقش مردم در زنجیره ارزش است.

مردم در نظام اقتصادی اسلام، نباید فقط مصرف‌کننده باشند؛ باید در سیستم توزیع هم مشارکت داشته باشند؛ در تولید هم مشارکت داشته باشند. این اصل و تعریفی است که ما پیشنهاد می‌کنیم. اگر دولت محترم، نماینده‌های محترم مجلس تدابیری بیاندیشند که مردم نقش‌شان در تولید کشور افزایش پیدا کند، معنای آن چیست؟ معنای آن این است که سود ناشی از تولید کشور در اختیار یک جمعیت محدود قرار نمی‌گیرد، در اختیار بخش قابل توجهی از مردم قرار می‌گیرد».

۵/۳. فایده ۳: حفاظت از محیط زیست

سرفصل زیست‌محیطی، سرفصل سوم است. [با "تبادل مستقل"] همه جریان‌های زیست‌محیطی کشور را می‌توانید با خودتان همراه کنید؛ چطور؟ تولید صنعتی و "تولید وابسته" در بسته‌بندی صنعتی - که بخش عمده‌اش پلاستیک و بخشی هم فلز هست - [پلاستیک زیادی را مصرف می‌کند] و هم سوخت زیادی را در فرایند تولید، توزیع و نگهداری مصرف می‌کند^{۱۳۸} و این دو (افزایش مصرف سوخت و بسته‌بندی صنعتی) آلودگی محیط‌زیست را افزایش می‌دهند.^{۱۳۹}

۱۳۸. ارجاع پردازشی:

According to the website Britannica, plastic production at the global level started in ۱۹۵۰ with ۱/۵ million tons and has increased significantly. In ۲۰۱۸, plastic production was about ۳۵۹ million tons. Based on statistics, the highest amount of plastic is produced in Asia, especially in China, which alone produced about ۲۹٪ of the total plastic produced in the world in ۲۰۱۸.

In addition, plastic production in the United States, Europe, and India is also very high. For example, in ۲۰۱۸, ۵۲ million tons of plastic were produced in the United States.

With the increase in plastic production, plastic consumption has also increased, and due to the non-degradability of plastic, plastic waste collected around the world has become one of the serious environmental problems. Therefore, reducing plastic production and using biodegradable alternatives to plastic have been proposed as important solutions to protect the environment.

براساس گزارش وب سایت بریتانیکا، تولید پلاستیک در سطح جهانی از سال ۱۹۵۰ با ۱.۵ میلیون تن آغاز شده و افزایش قابل توجهی داشته است. در سال ۲۰۱۸، تولید پلاستیک حدود ۳۵۹ میلیون تن بوده است. براساس آمار، بیشترین میزان پلاستیک در آسیا به ویژه در چین تولید می‌شود که به تنهایی حدود ۲۹ درصد از کل پلاستیک تولید شده در جهان را در سال ۲۰۱۸ تولید کرده است.

علاوه بر این، تولید پلاستیک در ایالات متحده، اروپا و هند نیز بسیار بالا است؛ به عنوان مثال، در سال ۲۰۱۸، ۵۲ میلیون تن پلاستیک در ایالات متحده تولید شد.

با افزایش تولید پلاستیک، مصرف پلاستیک نیز افزایش یافته است و به دلیل عدم تجزیه پذیری پلاستیک، زباله‌های پلاستیکی جمع‌آوری شده در سراسر جهان به یکی از مشکلات جدی زیست‌محیطی تبدیل شده است. بنابراین، کاهش تولید پلاستیک و استفاده از جایگزین‌های زیست‌تخریب‌پذیر برای پلاستیک به عنوان راه‌حل‌های مهم برای حفاظت از محیط‌زیست پیشنهاد شده است.

منبع: دانشنامه رسمی بریتانیکا

britannica.com/science/plastic-pollution

۱۳۹. ارجاع پردازشی:

Industrial packaging and increased fuel consumption result in the production of a lot of plastic materials that do not decompose in the environment and cause many problems for wildlife and humans. Some of the pollution caused by these materials are:

Preventing the growth of plants and animals in soil and water by covering their surface

Risk of choking, entanglement, swallowing and poisoning of animals that mistake these materials for food

بنابراین وقتی شما "تبادل مستقل" را راه بیندازید، شما بسته‌بندی صنعتی را حذف کردید و کاهش مصرف سوخت هم دارید. مثلاً امروز صبح حدود ۲۰ میلیون خانواده ایرانی پنیر مصرف کرده‌اند؛ یعنی ۲۰ میلیون واحد زباله فقط برای مصرف پنیر تولید شده است. **بسته‌بندی صنعتی یعنی آلوده‌سازی منظم محیط‌زیست!** به شکلی که الان شرکت‌های جمع‌آوری پلاستیک، یکی از شرکت‌های سودده‌اند^{۱۴۰} اما باز بر جمع‌آوری زباله غلبه نمی‌توانند کنند؛ چون سرعت تولید بیشتر است.^{۱۴۱} اگر شما تولید را از صنعتی به "غیرمتمرکز" تغییر بدهید، حذف بسته‌بندی پلاستیک را رقم

Production of greenhouse gases when burning or incomplete decomposition of these materials. Reducing the beauty and tourist attraction of natural areas.

To reduce these pollution, alternative methods for packaging and transportation of goods should be used, consumption of disposable plastics should be reduced, recycling and proper disposal of plastic waste should be done and technologies for rapid degradation of plastics in the environment should be develop.

بسته بندی صنعتی و افزایش مصرف سوخت منجر به تولید بسیاری از مواد پلاستیکی می شود که در محیط زیست تجزیه نمی شوند و مشکلات زیادی را برای حیات وحش و انسان ها ایجاد می کنند. برخی از آلودگی های ناشی از این مواد عبارتند از:

۱. جلوگیری از رشد گیاهان و حیوانات در خاک و آب با پوشاندن سطح آن ها

۲. خطر خفگی، درگیری، بلعیدن و مسمومیت حیواناتی که این مواد را با غذا اشتباه می گیرند

۳. تولید گازهای گلخانه ای هنگام سوختن یا تجزیه ناقص این مواد

۴. کاهش زیبایی و جاذبه گردشگری مناطق طبیعی

برای کاهش این آلودگی ها باید از روش های جایگزین برای بسته بندی و حمل و نقل کالا استفاده کرد، مصرف پلاستیک های یکبار مصرف باید کاهش یابد، بازیافت و دفع مناسب زباله های پلاستیکی باید انجام شود و تکنولوژی هایی برای تجزیه سریع پلاستیک ها در محیط زیست توسعه یابد.

منبع: دانشنامه رسمی بریتانیکا

britannica.com/science/plastic-pollution

britannica.com/technology/wastewater-treatment/Sludge-treatment-and-disposal

۱۴۰. **ارجاع پردازشی:** «خریدوفروش ضایعات یک شغل بسیار پردرآمد است که به بازیافت زباله‌ها کمک می‌کند. ضایعات از نظر تعریف به موادی گفته می‌شود که دیگر برای انسان قابل استفاده نیستند و می‌توانند از کاغذ و کتاب‌های کهنه تا وسایل الکترونیکی مستعمل را شامل شوند. بازار خریدوفروش ضایعات بسیار پر سوداست و می‌توان از این راه به ثروت رسید. کشورهای توسعه یافته تر به عبارتی صنعتی تر ضایعات بیشتری تولید می‌کنند. قیمت بازار خرید و فروش ضایعات به عوامل مختلفی از جمله موقعیت جغرافیایی، درجه صنعتی شدن و سطح مشارکت در اقتصاد جهانی بستگی دارد. ضایعات معمولاً پس از جمع‌آوری به انبارهایی در حومه شهر منتقل شده و پس از تفکیک به کارخانه‌های بازیافت ارسال می‌شوند. در همین انبارها گاهی اوقات دستگاه‌هایی استفاده می‌شود که ضایعات تفکیک شده را به صورت فشرده در می‌آورند که حمل و نقل آنها را ساده تر می‌کند. خرید و فروش ضایعات علاوه بر اینکه یک شغل سودآور با حداقل سرمایه است می‌تواند به صرفه جویی در منابع طبیعی و همچنین پاکسازی محیط زیست کمک کند».

منبع: خبرگزاری ایرنا

irna.ir/news//۸۴۶۱۲۸۱۰

۱۴۱. **ارجاع پردازشی:** «بر اساس آمار world Population Review (سازمانی که داده‌های آماری جمعیتی به‌روز را درباره تمامی کشورها ارائه می‌دهد) در سال ۲۰۲۱ ایران رتبه ۱۷ در تولید زباله را داشت همچنین به نقل از اطلس کلانشهر تهران هر فرد به‌طور متوسط سالانه شش برابر وزن خود زباله تولید می‌کند. متوسط سرانه زباله تولید شده در تهران ۳۲۰ کیلوگرم است. از سوی

زدید. دیر نیست که ایران زیر زباله‌های پلاستیکی و غیر پلاستیکی دفن شود.^{۱۴۲} بایستید روی این محور تا بتوانیم "تبادل مستقل" را بحث کنیم.

۵/۴. فایده ۴: ضربه به سلطه دلار و نفی سیل

یکی از فوایدش ضربه به "سلطه دلار" و "نفی سیل" هم است. ان شاء الله اگر آقایان در سازمان برنامه و بودجه سر عقل بیایند و شاگردی قم را بپذیرند، طبق برنامه مذکور کلاً ۲۰ میلیارد تبادل خواهیم داشت. ۲۰ میلیارد تبادل ضربش خیلی کم است. اگر این ایده شرکت‌های دانش‌بنیان آیت‌الله خامنه‌ای هم محقق شود، همان ۲۰ میلیارد تبادل نیز کم می‌شود؛^{۱۴۳} چون هر چه تکنولوژی

دیگر در حالی که سرانه تولید زباله در جهان حدود ۱۱۰ کیلوگرم در سال و سرانه روزانه در مقیاس جهانی ۲۵۰ تا ۳۰۰ گرم است، این رقم در ایران ۶۰۰ گرم و در شمال شهر تهران ۱۲۰۰ گرم است.

به گفته حبیب راضی - مدیرکل دفتر محیط زیست و خدمات شهری سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور - روزانه ۴۵ هزار تن زباله در مناطق شهری و ۱۰ هزار تن در مناطق روستایی تولید می‌شود و متوسط سرانه تولید زباله هر نفر در شهر ۷۶۰ گرم و در روستاها ۴۸۵ گرم است. ۶۵ درصد از پسماندهای تولیدی "تر" و ۳۵ درصد آن "خشک" است و ۲۵ درصد از پسماندهای تولیدی پردازش و ۷۵ درصد باقیمانده بدون فرآیند پردازش به‌طور مستقیم دفن و ۱۰ درصد در مبداء تفکیک می‌شوند. گفته می‌شود که ۵۰۰ غرفه تحویل زباله در تهران همگی فعال هستند و در این میان به‌طور متوسط در هر غرفه بازیافت شهر تهران روزانه بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ کیلوگرم پسماند تحویل داده می‌شود که در قیاس با عدد کل تولید زباله در کلانشهر تهران یعنی ۷۵۰۰ تن عدد قابل توجهی نیست.

منبع: خبرگزاری ایسنا

isna.ir/news/1401070501904

۱۴۲. **ارجاع پردازشی: «هر ایرانی روزانه به‌طور میانگین سه کیسه پلاستیکی مصرف می‌کند که متوسط عمر استفاده از هر کیسه تنها ۱۲ دقیقه است، در حالی که برای حذف هر کدام از این کیسه‌ها از طبیعت زمان قابل توجهی نیاز است. علاوه بر این ظروف یک‌بار مصرف پلاستیکی، سفره‌های پلاستیکی، بسته‌بندی‌های پلاستیکی و غیره در کشور به مقادیر زیاد تولید شده‌اند که به دلیل تغییر سبک زندگی مردم در دهه‌های اخیر بسیار مورد استفاده قرار گرفته و فشاری دوجندان بر محیط زیست وارد کرده است... سالانه ۴ میلیون تن زباله پلاستیکی تولید می‌شود که نیم میلیون تن از آن مربوط به کیسه‌های پلاستیکی است.»**

منابع: خبرگزاری ایسنا

isna.ir/news/1401070501904

۱۴۳. **ارجاع پردازشی: «یک مسئله تشکیل شرکت‌های دانش‌بنیان است که حالا در این زمینه من بعداً عرض خواهم کرد. این شرکت‌های دانش‌بنیان، چیز بسیار خوبی است. البته امروز من اطلاع دارم، هزاران شرکت دانش‌بنیان در کشور هست لکن همین تعدادی که الان وجود دارد، میتواند به‌دربار افزایش پیدا کند؛ دوبرابر. جوانها، آن کسانی که محصول علمی دارند، وجودشان در شرکت‌های دانش‌بنیان، مفید است... یکی از پایه‌های محکم اقتصاد مقاومتی، اقتصاد دانش‌بنیان است؛ اساس کار در اقتصاد مقاومتی، اقتصاد دانش‌بنیان است؛ [زیرا] اقتصاد مقاومتی اقتصاد درون‌زا است، اقتصادی است که در داخل پایه‌های مستحکمی دارد که تکانه‌های بین‌المللی و جهانی و اقتصادی آن را از جا درنمیرد؛ این اقتصاد مقاومتی [است]، اقتصاد مقاوم. یکی از اساسی‌ترین پایه‌های این اقتصاد عبارت است از اقتصاد دانش‌بنیان؛ اقتصادی که متکی باشد به علم، این خیلی مهم است.»**

بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در نهمین همایش ملی «نخبگان فردا» ۲۲ مهر ۱۳۹۴

farsi.khamenei.ir/speech-content?id=31105

و کالا از خارج قرار است وارد شود را می توان در داخل با کمک شرکت های دانش بنیان ساخت. پس ببینید خاصیت سیاسی-امنیتی دارد. شما از زیر چنگال آمریکا، دلار را خارج می کنید.

۵/۵. فلیده ۵: زمینه سازی برای تغییر "پول اعتباری" به "پول تضمین پذیر" همچون طلا و نقره

در نهایت زمینه سازی برای تغییر تعریف پول از "پول اعتباری" به "پول تضمین پذیر" است. خاصیت نهایی این اصلاحات ساختاری هم این است که ما دیگر می توانیم پول خودمان را "تضمین پذیر" کنیم. بخشی از مردم این طور می گویند (و واقعاً به نظر بنده این استدلال مردم به حق است): «ما اگر ریال داشته باشیم فردا روز (مرادش همین فردا از ساعت ۶ صبح فردا است) یک دفعه ممکن است ۲۰ درصد از سود پول ما کم می شود». پس چه کار می کنند؟ یا حمله می کنند به بازار طلا، یا خودرو، یا دلار. وقتی بپرسید استدلالتان چیست؟ می گویند: «سرمایه زندگی و دستاوردم دارد از دست می رود». این استدلال درستی است؛ چون پول شما "تضمین پذیر" نیست، بنابراین سعی می کنند یک شیء "تضمین پذیر" را به عنوان پول انتخاب کنند. پس در نهایت باید پولمان را "تضمین پذیر" کنیم؛ یعنی از پول اعتباری خارج شود.^{۱۴۴}

۱۴۴. **ارجاع پرورشی:** «در اینجا اشکالی می کنند (که باز به نظر من ناشی از ندانستن و عدم اطلاع است) و می گویند: فقط در ایران کاهش ارزش پول ملی به وجود می آید. من یک سوال می کنم: منشأ جنگ ارزی بین چین و آمریکا چه بود؟ آیا منشأش غیر از این بود که آمریکا بر خلاف قاعده دلار چاپ می کرد؟ کشورها پذیرفته بودند؛ هم روسیه پذیرفته بود، خصوصاً چین هم پذیرفته بود، همه کشورها پذیرفته بودند که بخشی از ذخائر ارزی خود را دلار قرار دهند. آمریکا از این مساله سوء استفاده کرد و دلارهای چاپ شده خودش را افزایش داد؛ بنابراین ذخائر ارزی کشورها را به چالش کشید. آنوقت بعد از آن بود که اینها رفتند به سمت جایگزین کردن طلا برای دلار و بخشی از آن را توانستند جایگزین کنند. و این جنگ ارزی آمریکا و چین در دهه های گذشته معروف است. و تازه بعد از اینکه آمریکا غیرقاعده مند دلار را با اعمال چند سیاست پولی و مالی از جمله چاپ اسکناس دلار تضعیف کرد، چین رفت به سمت اینکه بخشی از ذخائر خودش را [با طلا جایگزین کنند] و شروع کرد به خریدن طلا. چون دیدند که قیمت دلار به دست کشور آمریکا است و آن را جابجا می کند.

نه آقا! این ناشی از عدم اطلاع است؛ موارد مختلفی در تاریخ اقتصاد در همه کشورها سراغ داریم که ارزش پول اسکناس و پول اعتباری را جابجا می کنند. همین الان در مساله بیت کوین (Bitcoin) هم همین اتفاق افتاده است؛ این کسی که بعضی از رمزارزها را دارد مدیریت می کند یک مصاحبه ای انجام داده بود و گفته بود که: من دیگر با این رمزارزی که دارم، تبادل انجام نخواهم داد. بلافاصله بعد از این حرف، ۱۵ درصد ارزش بیت کوین کاهش پیدا کرد. خوب؛ این اشخاص دارای شرکت های زیادی هستند و وقتی هم مجموعه ای از شرکت های این شخص پذیرفتند که با رمزارز دیجیتال مبادله انجام دهند، ارزش آن ۱۵ درصد کاهش پیدا کرد. ولی اگر پول دارای مالیت باشد، هیچکدام از این تدابیر بر پول دارای مالیت کارگر نخواهد بود. داستان بورس کشور خودمان هم داستانی است در همین حوزه.

بنابراین باز انتقاد ما این است که اینطور نیست که مثلاً اگر شما آمدید "سیاست های انقباضی" به کار بردید و "استقلال بانک مرکزی" را تامین کردید، جلوی "خلق پول" را گرفتید، "پایه پولی" را کنترل کردید؛ در نتیجه "تورم" کنترل شود. [نه؛ اینطور نیست، بلکه] راه حل اساسی در این است که شما بیایید پول را مال و از یک چیز باارزش اعلام و انتخاب کنید».

حجت الاسلام علی کشوری، مکتوب پول اعتباری و طرح جایگزین، ص ۲۴

من قبلاً عرض کردم که ما باید پول طلا و پول نقره داشته باشیم. واقعاً اگر شما الان مثلاً به طلا حقوق بگیری، نه راکفلر، نه بانک جهانی، نه سازمان برنامه و بودجه، و نه شورای اقتصادی نمی‌تواند ارزش ذاتی طلا را بشکند. حداکثر ۰.۵٪ به خاطر اختلالات دیگر بازار قیمت طلا کم‌تر شود؛ این جور نیست که یک دفعه ۰.۴٪ ارزش یک پولی کم‌تر شود. حالا چه موقع می‌شود این پول را جایگزین کرد؟ وقتی که مبادله مستقل داشته باشیم. در فضای "تبادل وابسته" اجرای پول طلا بسیار سخت است. خیلی کم می‌شود آن را محقق کرد؛ اصلاً زمین اجرای پول طلا تبادل‌های مستقل خرد است نه "تبادل وابسته".^{۱۴۵} این را باید اجرا کرد.

۵/۵/۱. استدلال به روایت امام صادق علیه السلام برای لزوم تحقق پول طلا و نقره به دلیل تضمین پذیری آنها

من پایان عرایضم را با این روایت ابی بصیر از امام صادق (علیه السلام) ختم می‌کنم که بدانید چرا ما می‌گوییم پول باید "تضمین پذیر" باشد، یکی از اسنادش این روایت است. امام صادق علیه السلام فرمود: «لَا تُؤَاخِرُوا الْأَرْضَ بِالْحِنْطَةِ وَلَا بِالشَّعِيرِ وَلَا بِالتَّمْرِ وَلَا بِالْأَرْبَعَاءِ وَلَا بِالنَّطَافِ وَ لَكِنَّ بِالذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ لِأَنَّ الذَّهَبَ وَ الْفِضَّةَ مَضْمُونٌ وَ هَذَا لَيْسَ بِمَضْمُونٍ»^{۱۴۶} موضوع این است که

eitaa.com/olgou3258/4

۱۴۵. **ارجاع پرورشی:** «یکی از اصلی‌ترین شبهات [اجرای ایده متری پول طلا] بر سر همین است که ما فرض "تامین مالی پروژه‌ها" را چه کار کنیم؟ شما وقتی تامین مالی پروژه‌ها را دارید باید حتماً "بورس" راه‌اندازی کنید، و بورس هم پول همه مردم را جمع کند و هدایت کند به سمت بخش تولید. بعد آنوقت یک دولتی هم پیدا می‌شود و بودجه‌اش کم می‌شود و به شرکت‌های دولتی می‌گوید که شما از بورس خارج شوید، و یکدفعه ارزش کل بورس سقوط می‌کند و شاخص‌ها قرمز می‌شود و مردم همه ضرر می‌کنند. ببینید! اینها همه واقعاً پیچیدگی‌هایی است. فقیه زبردستی بالای سر ما هست ایشان می‌فرمودند: ما آنوقت که در شورای عالی انقلاب فرهنگی بودیم فکر می‌کردیم با کارهای ساده می‌شود بحث‌ها را جلو برد، ولی حالا به مرور متوجه شده‌ایم که خیلی پیچیده است (مثلاً ایشان مثال سربازی و صنعت و... را می‌زدند). ما سعی داریم این حرف آیت‌الله خامنه‌ای شرح پیدا کند که این پیچیدگی‌ها چیست؟ بله؛ پول طلا پول اسلام است ولی بخشی از پیچیدگی‌هایش این است که شما باید تاثیر مجموعه بخش‌های دیگر اقتصاد و پول را تحلیل کنید. با صرف گفتن پول طلا و اینکه مصوبه‌ای در مجلس بگذرانیم و بگوییم پول رسمی ایران پول طلا شده است؛ ممکن است یک عده‌ای قانوناً بتوانند مبادله خرد انجام بدهند، ولی آیا کل اقتصاد تحت تاثیر قرار می‌گیرد؟! اساساً وقتی قرار است دو بنگاه بزرگ در داخل ایران با هم مبادله کنند (من وقتی بعضی وقت‌ها عددهای اینها را در برخی دفاتر حسابداری می‌بینم اصلاً برای ماهایی که یک زندگی ساده‌ای داریم قابل شمارش نیست!) خب؛ به آنها حق بدهید که بگویند: من این همه عدد بزرگ را چگونه با پول طلا جابجا کنم؟! اما اگر شما فضا را برگردانید، مساله حل خواهد شد.

پس یک چالش تامین مالی پروژه‌ها بود. من عرض کردم که پروژه‌های کلان ما از نصف کمتر می‌شود. اشکالی هم ندارد؛ ما الان در دوران گذار هستیم. ما ۶۰ درصد پروژه‌های تولیدی‌مان را خرد می‌کنیم و تامین اعتبارش را هم از ساختار بودجه‌ریزی خودمان تامین می‌کنیم. ۴۰ درصد باقیمانده را هم خود شما با نظر خودتان حل کنید؛ عیبی ندارد. چون نظام‌سازی تدریجی است. اما اگر بتوانیم ۶۰ درصد بازار ایران را در ظرف ۱۰ سال به پول طلا برگردانیم؛ می‌توانید مقایسه کنید و ببینید که چقدر مردم آسایش پیدا خواهند کرد، و چقدر زندگی آنها راحت‌تر خواهد شد.

یک چالش دیگر تبادلات بین‌المللی است که این را هم توضیح دادم و در خلال بحث‌های قبل واضح شد. تبادلات بین‌المللی در حوزه غذا و لباس خیلی کم خواهد شد؛ مگر آن چیزهایی که نتوان در داخل روی آنها بحث کرد. (من نمی‌دانم شما چه مقدار با اقلیم ایران آشنا هستید. ایران به لحاظ طبیعی دارای یک اقلیم نیست؛ نزدیک به ۱۰ اقلیم است. یعنی شما در داخل ایران می‌توانید در همه فصل‌های سال تولید کشاورزی داشته باشید، تولید دامداری داشته باشید. فضا خیلی فضای خوبی است. که در استراتژی کشاورزی باید آن را بحث کنیم).»

حجت الاسلام علی کشوری، مکتوب پول اعتباری و طرح جایگزین، ص ۳۳

عده‌ای داشتند زمین اجاره می‌کردند و اجاره می‌دادند از باب مساقات و مضارعه، حضرت می‌فرماید: که عوض اجاره زمین را گندم قرار ندهید، جو هم قرار ندهید، خرما هم قرار ندهید حق آبه "الأربعاء" قرار ندهید، آب "النطاف" آب اضافه مانده پشت سد هم اجاره ندید (عوض را این چیزها قرار ندهید). بعد استدلال چیست؟ حضرت می‌فرماید: «وَلَكِنَّ بِالذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ» ذهب و فضه قرار بدهید؛ چون «لِأَنَّ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ مَضْمُونٌ وَ هَذَا لَيْسَ بِمَضْمُونٍ» چون این طلا و نقره ضمانت پذیر است. درحالی که ممکن است خرما، گندم و جو عمل نیاید (به دست نیاید)؛ یک روز آب رودخانه کم شود با سد شکسته شود. حضرت دارند پرهیز می‌دهند از این که ما عوض اجاره را شیء تضمین ناپذیر قرار دهیم. درست است روایت محدود به اجاره است؛ ولی مناطش قابل تعمیم به حرف‌های غیر اجاره است. چون می‌فرماید که: «لِأَنَّ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ مَضْمُونٌ»، این اختصاصی به موضوع اجاره ندارد. بالاخره عوض اجاره باید مضمون باشد؛ حالا هم می‌توانیم این را تعمیم

eita.com/olgou3258/4

۱۴۶. **ارجاع پژوهشی:** عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «لَا تُؤَاجِرُوا الْأَرْضَ بِالْحِنْطَةِ وَلَا بِالشَّعِيرِ وَلَا بِالتَّمْرِ وَلَا بِالْأَرْبَعَاءِ وَلَا بِالنَّطَافِ وَلَا بِالذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ لِأَنَّ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ مَضْمُونٌ وَ هَذَا لَيْسَ بِمَضْمُونٍ»؛

امام صادق (علیه السلام): زمین را در ازای پرداخت گندم، جو، خرما، نهرهای کوچک، و آبهای کم اجاره نکنید؛ ولی با طلا و نقره این کار را انجام بدهید، چون طلا و نقره ضمانت شده است، ولی این چیزها ضمانتی ندارند که به وجود بیایند یا نیایند.

مصادر اصلی: الکافی، ج ۵، ص ۲۶۴ / تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۱۹۵ / الإستبصار، ج ۳، ص ۱۲۷

منابع دیگر: الوافی، ج ۱۸، ص ۱۰۲۲ / وسائل الشیعة، ج ۱۹، ص ۵۴

مُحَمَّدُ بْنُ يُحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «لَا تَسْتَأْجِرِ الْأَرْضَ بِالتَّمْرِ وَلَا بِالْحِنْطَةِ وَلَا بِالشَّعِيرِ وَلَا بِالْأَرْبَعَاءِ وَلَا بِالنَّطَافِ فَكُلُّ مَا بِالْأَرْبَعَاءِ قَالَ الشَّرْبُ وَ النَّطَافُ فَضْلُ الْمَاءِ وَ لَكِنَّ تَقْبَلُهَا بِالذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَ النَّصْفِ وَ التَّلْثِ وَ الرَّبْعِ»؛

امام صادق (علیه السلام): در مقابل پرداخت خرما، گندم، جو اربعاء و نطاف زمین را اجاره نکن. عرض کردم: اربعاء چیست؟ فرمود: نهر آب؛ و نطاف: آبهای اضافی آنها است. ولی اجاره آن را طلا و نقره، و نصف و یک سوم و یک چهارم قرار بده.

مصادر اصلی: الکافی، ج ۵، ص ۲۶۴ / من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۴۶ / معانی الأخبار، ج ۱، ص ۱۶۲ / تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۱۹۵ /

الإستبصار، ج ۳، ص ۱۲۸

منابع دیگر: الوافی، ج ۱۸، ص ۱۰۲۲ / وسائل الشیعة، ج ۱۹، ص ۱۳۸ / بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۱۶۷

عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغْبِرَةِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «لَا يَصْمُنُ الْعَارِيَةَ إِلَّا أَنْ يَكُونَ قَدْ اشْتَرَطَ فِيهَا صَمَانًا إِلَّا الدَّنَائِرَ فَإِنَّهَا مَضْمُونَةٌ وَ إِنْ لَمْ يَشْتَرَطْ فِيهَا صَمَانًا»؛

امام صادق (علیه السلام): هر چیزی که عاریه‌گیری و از بین برود خسارت آن بر عهده تو نیست، جز طلا و نقره؛ چون طلا و نقره، باید برگردانده شوند و ضمانت آن بر عهده توست، گرچه ضمانت در آن شرط نشود.

مصادر اصلی: الکافی، ج ۵، ص ۲۳۸ / تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۱۸۳ / الإستبصار، ج ۳، ص ۱۲۶

منابع دیگر: الوافی، ج ۱۸، ص ۸۶۸ / وسائل الشیعة، ج ۱۹، ص ۹۶

بدهیم (تتقیح مناط کنیم) و بگوییم: در همه معاملات باید "تضمین پذیری" در موضوع عوض یا در موضوع ابزار مبادله باشد.

این روایت اولاً خیلی سند خوبی دارد و سندش متعدد است. ثانیاً در بعضی از کتاب‌های دیگر که آمده، غیر از ذهب و فضه چند چیز مضمون پذیری دیگر را هم قرار داده است. پس نظر حضرت این است که اشیاء "مضمون پذیر" را در عوض اجاره بپذیریم؛ نه چیزهایی که مضمون پذیر نیستند و قابلیت تضمین ندارند.

جمع بندی پایانی

این عرایض ما بود که طی چهار سرفصل ارائه کردم. روش مطالعه در حوزه اقتصاد را بحث کردم که باید مبتنی بر "اشراف" باشد. "اختلالات ارزی" علت شناسی کردم که عرض کردم: علت اصلی "اختلالات ارزی"، "تبادل وابسته" است. زیر ساختارهای ایجاد "تبادل مستقل" را بحث کردم و عرض کردم: ما چهار زیرساخت اصلی را برای "تبادل مستقل" پیشنهاد کنیم که در همین شش ماه آینده هم می‌شود هر چهار موردش را راه انداخت. پنج محور انگیزه‌آفرینی را هم برای تحقق این زیرساخت‌های اربعه بحث کردم.

و الحمدلله رب العالمین

پیوست

پیوست ۱: روایاتی در مورد علم مبتنی بر اشراف اهل بیت علیهم السلام

روایات در مورد علم اهل بیت (علیهم السلام)، ویژگی‌ها، سرچشمه‌ها، چگونگی علم ایشان بسیار فراوان و فوق حد تواتر است؛ در

اینجا فقط به چند روایت در مورد گستره آن اشاره می‌شود:

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَصْبَاطٍ عَنْ أَبِيهِ
أَسْبَاطٍ عَنْ سُورَةَ بْنِ كُلَيْبٍ قَالَ قَالَ لِي أَبُو جَعْفَرٍ ع: «وَاللَّهِ! إِنَّا لَخُزَّانُ اللَّهِ فِي سَمَائِهِ وَأَرْضِهِ لَا
عَلَى ذَهَبٍ وَلَا عَلَى فِضَّةٍ إِلَّا عَلَى عِلْمِهِ»؛

امام باقر علیه السلام: به خدا سوگند! ما خزینه‌های خدا در آسمان و زمین هستیم، نه بر طلا و نقره، که خزینه‌های علم اویم.

الکافی، ج ۱، ص ۱۹۲ / بصائر الدرجات، ص ۱۰۴ / إعلام الوری (طبرسی)، ج ۱، ص ۵۰۹
بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۱۰

رُوي عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضْلِ الْهَاشِمِيِّ عَنِ الْإِمَامِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: ... أَوْلَيْسَ اللَّهُ يَقُولُ:
«عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَى غَيْبِهِ أَحَدًا إِلَّا مَنْ أَرْتَضَى مِنْ رُسُولٍ؟ فَرَسُولُ اللَّهِ عِنْدَ اللَّهِ مُرْتَضَى، وَ
نَحْنُ وَرَثَةُ ذَلِكَ الرَّسُولِ الَّذِي أَطْلَعَهُ اللَّهُ عَلَى مَا شَاءَ مِنْ غَيْبِهِ، فَعَلَّمَنَا مَا كَانَ وَمَا يَكُونُ إِلَى يَوْمِ
الْقِيَامَةِ...»؛

امام رضا علیه السلام: آیا چنین نیست که خداوند می‌فرماید: او دانای غیب است و غیب خود
را بر هیچ کس آشکار نمی‌سازد، مگر بر آن پیامبری که از او خشنود باشد؟ و پیامبر صلی الله
علیه و آله است که خدا از او خشنود است و ما وارثان آن پیامبریم؛ همو که خداوند، او را بر هر
چه از غیبش خواست، آگاه نمود و او ما را از آنچه بوده و تا روز رستاخیز خواهد بود، آگاه کرده
است.

مصادر اصلی: الخرائج والجرائح، ج ۱، ص ۳۴۳ / الثاقب في المناقب ب (ابن حمزة طوسی)، ص ۱۸۹
منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۴۹، ص ۱۷۵

أَبُو مُحَمَّدٍ الْقَاسِمُ بْنُ الْعَلَاءِ رَحِمَهُ اللَّهُ رَفَعَهُ عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ:
«... إِنَّ الْأَنْبِيَاءَ وَالْأَئِمَّةَ - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ - يُوفَّقُهُمُ اللَّهُ وَيُوتِيهِمْ مِنْ مَخْزُونِ عِلْمِهِ وَحُكْمِهِ مَا
لَا يُوتِيهِ غَيْرُهُمْ، فَيَكُونُ عِلْمُهُمْ فَوْقَ عِلْمِ أَهْلِ الزَّمَانِ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ
أَنْ يُتَّبَعَ أَمَّنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَى فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ» وَقَوْلِهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: «وَمَنْ يُؤْتَ
الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا» وَقَوْلِهِ فِي طَالُوتَ: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَ
الْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مَلِكُهُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»؛

امام رضا علیه السلام: خداوند، پیامبران و امامان را- که درودهای خداوند بر آنان باد- توفیق داده است و به ایشان از گنجینه علم و حکمت خود، آن بخشیده که به دیگران نبخشیده است. علم آنها، برتر از علم مردم زمانشان است در این سخن خداوند متعال: «آیا آن که به سوی حق هدایت میکند، برای پیروی، سزاوارتر است یا کسی که هدایت نمیکند، مگر خود هدایت شود؟ پس شما را چه شده؟! چگونه داوری میکنید» و این سخن خدای- تبارک و تعالی: «هر که حکمت داده شده، خیر فراوانی بدو داده شده است»

و سخن او در باره طالوت: «خداوند، او را بر شما برگزیده و به دانش و توان او افزوده است و خداوند، مُلک خویش را به هر کس بخواهد، میبخشد و خداوند، گشایشگری داناست».

الکافی، ج ۱، ص ۲۰۲ / کمال الدین، ص ۶۸۰ / عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۲۱ / الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۴۵ / بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۱۲۷

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ قَالَ حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ عَبْدِ اللَّهِ أَبِي الْحَسَنِ صَاحِبُ الدَّلِيلِ قَالَ سَمِعْتُ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ وَعِنْدَهُ أَنَا مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ: «عَجِبًا لِلنَّاسِ أَنَّهُمْ أَخَذُوا عِلْمَهُمْ كُلَّهُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَعَمِلُوا بِهِ وَاهْتَدَوْا وَبَرُّونَ أَنَّ أَهْلَ بَيْتِهِ لَمْ يَأْخُذُوا عِلْمَهُ وَنَحْنُ أَهْلُ بَيْتِهِ وَذُرِّيَّتُهُ فِي مَنَازِلِنَا نَزَلَ الْوَحْيُ وَمِنْ عِنْدِنَا خَرَجَ الْعِلْمُ إِلَيْهِمْ أَفَيَرُونَ أَنَّهُمْ عَلِمُوا وَاهْتَدَوْا وَجَهَلْنَا نَحْنُ وَضَلَلْنَا إِنَّ هَذَا لَمَحَالٌ»؛

امام صادق علیه السلام- در حالی که گروهی از کوفیان در خدمت ایشان بودند-: شگفت از مردمی که همه علم خود را از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ستاندند و بدان عمل کردند و ره یافتند و گمان می کنند اهل بیت او علمش را نستانده اند، در حالی که ما، اهل بیت و ذریه او هستیم؛ وحی در خانه های ما فرود آمد و علم از سوی ما به سوی مردم صادر شد. آیا آنها گمان میکنند که آگاه شده اند و ره یافته اند؛ ولی ما نمیدانیم و گمراه شده ایم؟! این، محال است.

الکافی، ج ۱، ص ۳۹۸ / الأماثل للمفید، ص ۱۲۲ / بصائر الدرجات، ص ۱۲ / بحار الأنوار، ج ۲، ص ۱

عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ شَمُونٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «إِنَّ لِلَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عِلْمَيْنِ عِلْمًا أَظْهَرَ عَلَيْهِ مَلَائِكَتُهُ وَأَنْبِيَآءُهُ وَرُسُلُهُ فَمَا أَظْهَرَ عَلَيْهِ مَلَائِكَتُهُ وَرُسُلُهُ وَأَنْبِيَآءُهُ فَقَدْ عَلِمْنَاهُ وَعِلْمًا اسْتَأْتَرَ بِهِ فَإِذَا بَدَأَ لِلَّهِ فِي شَيْءٍ مِنْهُ أَعْلَمْنَا ذَلِكَ وَعَرَضَ عَلَيَّ الْأَيْمَةَ الَّذِينَ كَانُوا مِنْ قَبْلِنَا»؛

امام صادق علیه السلام فرمود: خدای تبارک و تعالی را دو گونه علم است: ۱- علمی که ملائکه و پیغمبران و رسولانش را بآن آگاه ساخته، پس آنچه ملائکه و رسولان و پیغمبرانش را بآن

آگاه ساخته ما هم میدانیم. ۲ - علمی که بخودش اختصاص داده و هر گاه در موضوعی از آن علم بدا حاصل شود، ما را آگاه سازد و بر امامان پیش از ما هم عرضه شود.

الكافي، ج ۱، ص ۲۵۵ / مسائل علي بن جعفر، ص ۳۲۶

سند مسائل علی بن جعفر: علي بن محمد و محمد بن الحسن عن سهل بن زياد عن موسى بن القاسم و

محمد بن يحيى عن العمري بن علي جميعاً

عن علي بن جعفر عن أخيه موسى بن جعفر

بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم، ج ۱، ص ۳۹۴ / الإختصاص، ص ۳۱۳

بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۹۳ / الفصول المهمة، ج ۱، ص ۳۹۳ / الوافي، ج ۳، ص ۵۸۸

حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِمْرَانَ الدَّقَاقِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ
الْأَسَدِيُّ عَنْ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ عَنْ زَيْدِ بْنِ الْمُعَدَّلِ الثَّمِيرِيِّ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ
سِنَانَ عَنْ جَابِرِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «إِنَّ لِلَّهِ لَعِلْمًا لَا يَعْلَمُهُ غَيْرُهُ وَ عِلْمًا يَعْلَمُهُ مَلَائِكَتُهُ
الْمُقَرَّبُونَ وَ أَنْبِيَؤُهُ الْمُرْسَلُونَ وَ نَحْنُ نَعْلَمُهُ»؛

امام باقر علیه السلام فرمود: خداوند دارای علمی است که کسی جز او از آن آگاه نیست و علمی که فرشتگان مقرب و پیامبران مرسلش آن را می دانند. ما نیز آن را می دانیم.

التوحيد للصدوق، ص ۱۳۸ / بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۱۱۲

بحار الأنوار، ج ۴، ص ۸۶

حَدَّثَنَا أَبِي رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي
الْخَطَّابِ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَسْبَاطٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ
بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «يَا أَبَا بصيرٍ نَحْنُ شَجَرَةُ الْعِلْمِ وَ نَحْنُ أَهْلُ بَيْتِ النَّبِيِّ وَ فِي دَارِنَا
مَهْبُطُ جَبْرَيْلَ وَ نَحْنُ خُزَّانُ عِلْمِ اللَّهِ وَ نَحْنُ مَعَادِنُ وَحْيِ اللَّهِ مَنْ تَبِعَنَا نَجَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنَّا هَلَكَ
حَقًّا عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ»؛

امام صادق (علیه السلام) فرمود ای ابو بصیر مائیم درخت دانش مائیم خاندان پیغمبر، در خانه ما جبرئیل فرود می آمد، ما خزانة دار علم خدا، معادن وحی خدائیم هر که پیرو ما باشد نجات یافته و هر که از ما تخلف کند هلاک است این حق بر خداست.

الأمالی للصدوق، ص ۳۸۳ / بشارة المصطفى، ص ۵۴ / روضة الواعظین، ص ۲۹۹

بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۲۴۰

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «نَحْنُ شَجَرَةُ التُّبُوَّةِ وَ مَحْطَةُ الرِّسَالَةِ وَ مُخْتَلَفُ الْمَلَائِكَةِ وَ
مَعَادِنُ الْعِلْمِ وَ يَتَابِعُ الْحُكْمَ نَاصِرُنَا وَ مُجِبْنَا يَنْتَظِرُ الرَّحْمَةَ وَ عَدُونَا وَ مُبْغِضُنَا يَنْتَظِرُ السَّطْوَةَ»؛

امیر المؤمنین علیه السلام فرمود ما شجره نبوت و پایگاه رسالت و محل رفت و آمد ملائکه و معدنهای علم و سرچشمه های حکمت یاور و دوست ما در انتظار رحمت است دشمن و کینه توز ما منتظر قهر و حکومت خدایند.

نهج البلاغه، خطبه ۱۰۹، ص ۱۶۲

بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۲۶۵

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْمُغِيرَةَ عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى وَ عُيَيْدَةَ بْنِ بَشِيرٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : «إِبْتِدَاءٌ مِنْهُ وَ اللَّهُ إِنِّي لَأَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ وَ مَا فِي الْجَنَّةِ وَ مَا فِي النَّارِ وَ مَا كَانَ وَ مَا يَكُونُ إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ ثُمَّ قَالَ أَعْلَمُهُ مِنْ كِتَابِ [اللَّهِ] أَنْظُرُ إِلَيْهِ هَكَذَا ثُمَّ بَسَطَ كَفَّيْهِ ثُمَّ قَالَ إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ فِيهِ تَبْيَانٌ كُلِّ شَيْءٍ»؛

عبیده بن بشیر گفت: حضرت صادق علیه السلام ابتداء بمن فرمود: بخدا قسم من دارای علم آنچه در آسمانها و زمین و بهشت و جهنم و آنچه بوده و آنچه خواهد آمد تا روز قیامت هستم سپس فرمود: من این اطلاعات را از کتاب خدا بدست می آورم بآن چنین نگاه میکنم در این موقع دستهای خود را گشود سپس فرمود: خداوند میفرماید: وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ فِيهِ تَبْيَانٌ كُلِّ شَيْءٍ .

الکافی، ج ۱، ص ۲۶۱ / بصائر الدرجات، ص ۱۲۸ / المناقب لابن شهر آشوب (ج ۴، ص ۲۴۹ /

تأویل الآيات الظاهرة، ج ۱، ص ۱۰۳

بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۱۱۱

۱/۱. ویژگی خاص علم امیرالمومنین علیه السلام

أَبَانُ عَنْ سُلَيْمِ بْنِ قَيْسٍ قَالَ: «صَعِدَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْمُنْبَرِ فَحَمِدَ اللَّهَ وَ أَثَمَى عَلَيْهِ وَ قَالَ: سَلُونِي [عَمَّا سِئْتُمْ] قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي فَوَ اللَّهُ إِنِّي بِطُرُقِ السَّمَاءِ أَعْلَمُ مِنِّي بِطُرُقِ الْأَرْضِ...»؛

امیر مؤمنان علیه السلام به منبر شد، ستایش و سپاس خدای را گفت و فرمود: پیش از آنکه

مرا از دست دهید هر آنچه می خواهید از من پرسید؛ به خدای سوگند! من به راههای آسمان

دانانترم تا راههای زمین،

کتاب سلیم بن قیس الهلالي، ج ۲، ص ۷۱۲

بحار الأنوار، ج ۳۴، ص ۲۵۹

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ مِثْنَى عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: «كُنْتُ عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ يَسْأَلُهُ عَنْ قَوْلِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ سَلُونِي عَمَّا سِئْتُمْ فَلَا تَسْأَلُونِي عَنْ شَيْءٍ إِلَّا أَنْبَأْتُكُمْ بِهِ قَالَ إِنَّهُ لَيْسَ أَحَدٌ عِنْدَهُ عِلْمٌ شَيْءٍ إِلَّا خَرَجَ مِنْ عِنْدِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَلْيَذْهَبِ النَّاسُ حَيْثُ شَاءُوا فَوَ اللَّهُ لَيْسَ الْأَمْرُ إِلَّا مِنْ هَاهُنَا وَ أَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى بَيْتِهِ»؛

زراره گوید: من نزد امام باقر (علیه السلام) بودم، مردی از اهل کوفه از آن حضرت راجع به قول امیر المؤمنین (علیه السلام) پرسید که: «پرسید از من هر چه خواهید و چیزی از من نپرسید جز آنکه شما را از آن خبر دهم». امام باقر (علیه السلام) فرمود: به راستی مطلب این است که هیچ کس علمی ندارد جز آن که از نزد علی (علیه السلام) بیرون آمده، مردم هر جا خواهند بروند، به خدا سوگند که علم حق و درست نیست جز از اینجا (با دست اشاره به خانه خود کرد).

الکافی، ج ۱، ص ۳۹۹ / بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۱۲

وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۶۹ / الوافی، ج ۳، ص ۶۱۰ / بحار الأنوار، ج ۲، ص ۹۴

۱/۲. مصادر و روایات معاضد «انا مدینه العلم و علی بابها»

وَ بِإِسْنَادِهِ [أَخْبَرَنَا الشَّيْخُ الإِمَامُ الأَجَلُ العَالِمُ الزَّاهِدُ الرَّاشِدُ أَمِينُ الدِّينِ ثِقَةُ الإِسْلَامِ أَمِينُ الرُّؤَسَاءِ أَبُو عَلِيٍّ الفُضْلُ بْنُ الحَسَنِ الطَّبْرِسِيُّ أَطَالَ اللهُ بَقَاءَهُ فِي يَوْمِ الخَمِيسِ عُرَّةَ شَهْرِ اللهِ الأَصَمِّ رَجَبِ سَنَةِ تِسْعٍ وَعِشْرِينَ وَ حَمْسِمِائَةٍ قَالَ أَخْبَرَنَا الشَّيْخُ الإِمَامُ السَّعِيدُ الزَّاهِدُ أَبُو الفَتْحِ عُبَيْدُ اللهِ بْنُ عَبْدِ الكَرِيمِ بْنِ هَوَازِنِ القُشَيْرِيِّ أَدَامَ اللهُ عَزَّهُ قِرَاءَةً عَلَيْهِ دَاخِلِ القُبَّةِ الَّتِي فِيهَا قَبْرُ الرِّضَاعِ عُرَّةَ شَهْرِ اللهِ المَبَارَكِ رَمَضَانَ سَنَةِ إِحْدَى وَ حَمْسِمِائَةٍ قَالَ حَدَّثَنِي الشَّيْخُ الجَلِيلُ العَالِمُ أَبُو الحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الحَاتِمِيُّ الرُّوزَنِيُّ قِرَاءَةً عَلَيْهِ سَنَةَ اثْنَتَيْنِ وَ حَمْسِينَ وَ أَرْبَعِمِائَةٍ قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو الحَسَنِ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ هَارُونَ الرُّوزَنِيُّ بِهَا قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو بَكْرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللهِ بْنِ مُحَمَّدِ حَفْدَةَ العَبَّاسِ بْنِ حَمزَةَ النَّيشَابُورِيِّ سَنَةَ سَبْعٍ وَ ثَلَاثِينَ وَ ثَلَاثِمِائَةٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو القَاسِمِ عَبْدُ اللهِ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَامِرِ الطَّائِبِيُّ بالبَصْرَةِ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي سَنَةَ سِتِّينَ وَ مِائَتَيْنِ قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرِّضَاعِ سَنَةَ أَرْبَعٍ وَ تِسْعِينَ وَ مِائَةٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَلِيُّ بْنُ الحُسَيْنِ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي الحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع [قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ ص: أَنَا مَدِينَةُ العِلْمِ وَ عَلِيُّ بَابُهَا - فَمَنْ أَرَادَ العِلْمَ فَلْيَأْتِ البَابَ.

صحيفة الإمام الرضا عليه السلام، ص: ٥٨

قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلْمِ كَافَّةً وَ لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ فَإِنْ زَلَلْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْكُمْ البَيِّنَاتُ فَاعْلَمُوا أَنَّ اللهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ قَالَ عَلِيُّ بْنُ الحُسَيْنِ ع: وَ بِهَذِهِ الآيَةِ وَ غَيْرِهَا احْتَجَّ عَلِيُّ ع يَوْمَ الشُّورَى عَلَيَّ مَنْ دَافَعَهُ عَنِ حَقِّهِ، وَ أَخْرَهُ عَنِ رُتْبَتِهِ، وَ إِنْ كَانَ مَا ضَرَّ الدَّافِعَ إِلا نَفْسَهُ، فَإِنَّ عَلِيًّا ع كَالكَعْبَةِ الَّتِي أَمَرَ اللهُ بِاسْتِقْبَالِهَا لِلصَّلَاةِ. جَعَلَهُ اللهُ لِيُؤْتَمَّ بِهِ فِي أُمُورِ الدِّينِ وَ الدُّنْيَا، كَمَا لَا يَنْقُصُ الكَعْبَةَ، وَ لَا يَفْدَحُ فِي شَيْءٍ مِنْ شَرَفِهَا وَ فَضْلِهَا - إِنْ وُلِّيَ عَنْهَا الكَافِرُونَ، فَكَذَلِكَ لَا يَفْدَحُ فِي عَلِيٍّ ع إِنْ أَخْرَهُ عَنِ حَقِّهِ - المَقْصُورُونَ، وَ دَافَعَهُ عَنِ وَاجِبِهِ الظَّالِمُونَ.

قَالَ لَهُمْ عَلِيُّ ع يَوْمَ الشُّورَى فِي بَعْضِ مَقَالِهِ بَعْدَ أَنْ أَعْدَرَ وَ أُنْدَرَ، وَ بَالَعٌ وَ أَوْضَحٌ: مَعَاشِرَ الْأَوْلِيَاءِ الْعُقَلَاءِ أَلَمْ يَنْهَ اللَّهُ تَعَالَى - عَنْ أَنْ تَجْعَلُوا لَهُ أُنْدَاداً مِمَّنْ لَا يَعْقِلُ وَ لَا يَسْمَعُ وَ لَا يُبْصِرُ وَ لَا يَفْهَمُ أَوْ لَمْ يَجْعَلْنِي رَسُولَ اللَّهِ ص لِدِينِكُمْ وَ دُنْيَاكُمْ قَوَّاماً أَوْ لَمْ يَجْعَلْ إِلَيَّ مَفْزَعَكُمْ أَوْ لَمْ يَقُلْ لَكُمْ: عَلِيُّ مَعَ الْحَقِّ وَ الْحَقُّ مَعَهُ أَوْ لَمْ يَقُلْ: أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيُّ بَابُهَا أَوْ لَا تَرُونِي غَنِيّاً عَنْ عُلُومِكُمْ - وَ أَنْتُمْ إِلَى عِلْمِي مُحْتَاجُونَ أَفَأَمَرَ اللَّهُ تَعَالَى الْعُلَمَاءَ بِاتِّبَاعِ مَنْ لَا يَعْلَمُ، أَمْ مَنْ لَا يَعْلَمُ بِاتِّبَاعِ مَنْ يَعْلَمُ يَا أَيُّهَا النَّاسُ لِمَ تَتَفَضُّونَ تَرْتِيبَ الْأَبْوَابِ لِمَ تُؤَخَّرُونَ مَنْ قَدَّمَهُ الْكَرِيمُ الْوَهَّابُ ...

التفسير المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري عليه السلام، ص ٦٢٨

بحار الأنوار، ج ٣٦، ص ١١١ / البرهان في تفسير القرآن، ج ١، ص ٥٨٨

فُرَاتٌ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ مُعْتَمِناً عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ [وَ بَارَكَ] يَا عَلِيُّ إِنَّ اللَّهَ [تَبَارَكَ وَ] تَعَالَى وَ هَبَ لَكَ حُبَّ الْمَسَاكِينِ وَ الْمُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ فَرَضِيَتْ بِهِمْ إِخْوَاناً وَ رَضُوا بِكَ إِمَاماً فَطُوبَى لِمَنْ أَحْبَبَكَ وَ صَدَقَ فِيكَ وَ وَيْلٌ لِمَنْ أَبْغَضَكَ وَ كَذَبَ عَلَيْكَ يَا عَلِيُّ لَأَنْتَ الْعِلْمُ لِهَذِهِ الْأُمَّةِ مَنْ أَحْبَبَكَ فَقَدْ أَحَبَّنِي [فَارَا] وَ مَنْ أَبْغَضَكَ هَلَكَ [فَقَدْ أَبْغَضَنِي] يَا عَلِيُّ أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ أَنْتَ بَابُهَا وَ هَلْ تُؤْتِي [يُؤْتِي] الْمَدِينَةَ إِلَّا مِنْ بَابِهَا ...

تفسير فرات الكوفي، ص ٢٦٥

حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ أَحْيَى طَاهِرٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَلِيٍّ قَالَ حَدَّثَنِي عَبْدُ الْعَزِيزِ بْنُ الْخَطَّابِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي رَافِعٍ عَنْ سَلَمَةَ بْنِ شَيْثٍ عَنِ الْقَعْبَتِيِّ [الْقَعْبَتِيِّ] عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْلِمِ الْمَدِينِيِّ عَنْ أَبِي الْأَسْوَدِ عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لِعَلِيِّ: يَا عَلِيُّ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ هَبَ لَكَ حُبَّ الْمَسَاكِينِ وَ الْمُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ فَرَضِيَتْ بِهِمْ إِخْوَاناً وَ رَضُوا بِكَ إِمَاماً فَطُوبَى لَكَ وَ لِمَنْ أَحْبَبَكَ وَ صَدَقَ فِيكَ وَ وَيْلٌ لِمَنْ أَبْغَضَكَ وَ كَذَبَ عَلَيْكَ يَا عَلِيُّ أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ أَنْتَ بَابُهَا وَ مَا تُؤْتِي الْمَدِينَةَ إِلَّا مِنَ الْبَابِ ...

كفاية الأثر في النص على الأئمة الإثني عشر (خزاز رازی)، ص ١٨٤

بحار الأنوار، ج ٣٦، ص ٣٤٧

عن الرضا (عليه السلام): رَسُولُ اللَّهِ ص يَقُولُ: أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيُّ بَابُهَا فَمَنْ أَرَادَ مَدِينَةَ الْعِلْمِ فَلْيَأْتِهَا مِنْ بَابِهَا.

تحف العقول، ص ٤٣٠

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ وَ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ السَّنَانِيُّ وَ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الدَّقَاقِيُّ وَ الْحُسَيْنُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ هِشَامِ الْمُكْتَبِيِّ وَ عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْوَرَّاقِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ قَالُوا حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا بَكْرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَبِيبٍ قَالَ حَدَّثَنَا تَمِيمُ بْنُ

بُهْلُولٍ قَالَ حَدَّثَنَا سُلَيْمَانُ بْنُ حُكَيْمٍ عَنْ ثَوْرِ بْنِ يَزِيدٍ عَنْ مَكْحُولٍ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع لَقَدْ عَلِمَ الْمُسْتَحْفَظُونَ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ مُحَمَّدٍ ص أَنَّهُ لَيْسَ فِيهِمْ رَجُلٌ لَهُ مَنْقَبَةٌ إِلَّا وَقَدْ شَرَكْتُهُ فِيهَا وَفَضَلْتُهُ وَ لِي سَبْعُونَ مَنْقَبَةً لَمْ يَشْرِكْنِي فِيهَا أَحَدٌ مِنْهُمْ قُلْتُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَأَخْبِرْنِي بِهِنَّ فَقَالَ: ... وَ أَمَّا الثَّامِنَةُ: فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ عَلَّمَنِي أَلْفَ بَابٍ مِنَ الْعِلْمِ يَفْتَحُ كُلُّ بَابٍ أَلْفَ بَابٍ، وَ لَمْ يُعَلِّمْ ذَلِكَ أَحَدًا غَيْرِي... وَ أَمَّا الْحَادِيَةُ وَ الْعِشْرُونَ فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص يَقُولُ أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌّ بَابُهَا وَ لَنْ تُدْخَلَ الْمَدِينَةَ إِلَّا مِنْ بَابِهَا...

الخصال، ج ٢، ص ٥٧٤

بحار الأنوار، ج ٣١، ص ٤٣٢

وَ عَنْهُ، قَالَ: أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ، عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جُورِيَةَ الْجَنْدِيسَابُورِيِّ مِنْ أَصْلِ كِتَابِهِ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مَنْصُورِ التَّرْجَمَانِيِّ، قَالَ: أَخْبَرَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ عُبَيْسَةَ النَّهْشَلِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا شَرِيكُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ النَّخَعِيِّ الْقَاضِي، عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ، عَنْ عَمْرِو بْنِ مَيْمُونِ الْأَوْدِيِّ، أَنَّهُ ذَكَرَ عِنْدَهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فَقَالَ: ... وَ هُوَ عَيْنَةُ عِلْمِ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ)، وَ مَنْ قَالَ لَهُ النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ): "أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ، وَ عَلِيٌّ بَابُهَا، فَمَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ فَلْيَأْتِ الْمَدِينَةَ مِنْ بَابِهَا" كَمَا أَمَرَ اللَّهُ فَقَالَ: «وَ أَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا»...

الأمالي (للطوسي)، ص ٥٥٩

بحار الأنوار، ج ٤٠، ص ٧٠

وَ عَنْهُ، قَالَ: أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ، عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عِيْسَى بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَرَاءِ الْكَبِيرِ بِبَعْدَادَ سَنَةَ عَشْرٍ وَ ثَلَاثِينَ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرِو بْنِ مُسْلِمِ اللَّاحِقِيِّ الصَّقَّارِ بِالْبَصْرَةِ سَنَةَ أَرْبَعٍ وَ أَرْبَعِينَ وَ مِائَتَيْنِ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرِّضَا، عَنْ أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ)، قَالَ: قَالَ لِي النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ): أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ أَنْتَ الْبَابُ، وَ كَذَبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يَصِلُ إِلَى الْمَدِينَةِ لَا مِنْ قِبَلِ الْبَابِ.

الأمالي (للطوسي)، ص ٥٧٨

بحار الأنوار، ج ٤٠، ص ٢٠٧

أ

أَخْبَرَنَا السَّيِّدُ أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ الْحَسَنِيِّ رَحِمَهُ اللَّهُ قِرَاءَةً قَالَ: أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعْدِ الْهَرَوِيِّ وَ كَتَبَهُ لِي بِحَطِّهِ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الشَّامِيِّ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو الصَّلْتِ الْهَرَوِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو مُعَاوِيَةَ عَنِ الْأَعْمَشِ عَنْ مُجَاهِدٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌّ بَابُهَا، فَمَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ فَلْيَأْتِ الْبَابَ

شواهد التنزیل لقواعد التفضیل (حسکانی)، ج ۱، ص ۱۰۴

[أَخْبَرَنَا عَقِيلُ بْنُ الْحُسَيْنِ، قَالَ: أَخْبَرَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ] حَدَّثَنَا عَبْدُ وَهَيْبِ بْنِ مُحَمَّدٍ بِشِيرَازَ قَالَ: حَدَّثَنَا سَهْلُ بْنُ نُوحٍ بْنِ يَحْيَى أَبُو الْحَسَنِ الْحَبَابِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا يُوسُفُ بْنُ مُوسَى الْقَطَّانُ عَنْ وَكَيْعٍ، عَنْ سُفْيَانَ، عَنْ الشَّدِّيِّ عَنِ الْحَارِثِ قَالَ سَأَلْتُ عَلِيًّا عَنْ هَذِهِ الْآيَةِ: فَسَأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ فَقَالَ: وَاللَّهِ إِنَّا لَنَحْنُ أَهْلُ الذِّكْرِ، نَحْنُ أَهْلُ الْعِلْمِ، وَنَحْنُ مَعْدِنُ التَّأْوِيلِ وَالتَّنْزِيلِ، وَ لَقَدْ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص يَقُولُ: أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا، فَمَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ فَلْيَأْتِ مِنْ بَابِهِ.

شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج ۱، ص: ۴۳۲

حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ مُوسَى، حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عُمَرَ بْنِ الرَّومِيِّ حَدَّثَنَا شَرِيكٌ، عَنْ سَلَمَةَ بْنِ كَهَيْلٍ، عَنْ سُؤَيْدِ بْنِ غَفَلَةَ، عَنْ الصُّنَابِحِيِّ عَنْ عَلِيٍّ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَنَا دَارُ الْحِكْمَةِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا».

سنن الترمذی، ج ۵، ص ۴۵۵

۱/۳. اعترافات صحابه در مورد مرجعیت علمی امیرالمومنین (علیه السلام) از کتب

اهل سنت و شیعه

عبدالله ابن عباس:

تاریخ دمشق عن ابن عباس في علي عليه السلام: كَانَ وَاللَّهِ فِي عِلْمِي عَلِيمًا حَكِيمًا، إِن سَمِعْتَهُ يَقُولُ شَيْئًا إِلَّا أَحْسَنَهُ.

تاریخ دمشق به نقل از ابن عباس، درباره علی علیه السلام: سوگند به خدا، در نظرم او دانا و حکیم بود. هیچ گاه چیزی از او نمی شنیدم، مگر آن که نیکو می گفت.

تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۴۱۳

وقعة صفین عن ابن عباس: أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ، وَابْنُ عَمِّ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، الْأَمِيرُ بِالْمَعْرُوفِ، وَالتَّاهِي عَنِ الْمُنْكَرِ، وَ الصَّادِعُ بِالْحَقِّ، وَ الْقَيِّمُ بِالْهُدَى، وَ الْحَاكِمُ بِحُكْمِ الْكِتَابِ، الَّذِي لَا يَرْتَشِي فِي الْحُكْمِ، وَلَا يُدَاهِنُ الْفُجَّارَ، وَلَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ.

وقعة صفین به نقل از ابن عباس: امیر مؤمنان و پسر عموی پیامبر خدا، آمر به معروف و ناهی از منکر بود. آشکارکننده حق، برپادارنده [پرچم] هدایت و داور طبق حکم قرآن بود. آن که در

داوری، رشوه نمی‌گرفت و با بدکاران، سازش نمی‌کرد و در راه خدا، ملامتِ هیچ ملامتگری را به چیزی نمی‌گرفت.

وقعة صفین، ص ۱۱۶

شرح نهج البلاغة، ج ۳، ص ۱۸۷

تاریخ دمشق عن ابن عباس: عَقِمَ النَّسَاءُ أَنْ يَأْتِينَ بِمِثْلِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ. تاریخ دمشق به نقل از ابن عباس: زنان از این که فردی چون امیر مؤمنان علی بن ابی طالب بزایند، ناتوان‌اند.

تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۴۶۰ / المحاسن والمساوی، ص ۴۵ / نثر الدر، ج ۱، ص ۲۶۹ / خصائص

الأئمة عليهم السلام، ص ۷۵ / بشارة المصطفى، ص ۱۴۱ / عيون المعجزات، ص ۴۸ کلها نحوه

عبدالله بن عمر:

شواهد التنزیل عن ابن عمر: عَلِيٌّ أَعْلَمُ النَّاسِ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. شواهد التنزیل به نقل از ابن عمر: علی، نسبت به آنچه که بر محمد صلی الله علیه و آله فرو فرستاده شده، داناترین مردم است.

شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۳۹، ح ۲۹

عمر بن خطاب:

الاستيعاب: وَقَالَ [عُمَرُ] فِي الْمَجْنُونَةِ الَّتِي أَمَرَ بِرَجْمِهَا، وَفِي الَّتِي وَضَعْتَ لِسِتَّةِ أَشْهُرٍ، فَأَرَادَ عُمَرُ رَجْمَهَا، فَقَالَ لَهُ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: «وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا»... وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَهُ: إِنَّ اللَّهَ رَفَعَ الْقَلَمَ عَنِ الْمَجْنُونِ، الْحَدِيثُ، فَكَانَ عُمَرُ يَقُولُ: لَوْلَا عَلِيٌّ لَهَلَكَ عُمَرُ.

الاستيعاب: درباره زن دیوانه‌ای که [عمر] دستور به رجم وی داده بود و درباره زنی که شش ماهه زاییده بود و عمر می‌خواست او را رجم کند و علی علیه السلام به وی فرمود که خداوند متعال می‌فرماید: «و بار برداشتن و از شیر گرفتن او سی ماه است...» و به وی فرمود: «خداوند، از دیوانه، قلم [محاسبه] را برداشته است...». عمر می‌گفت: اگر علی نبود، عمر هلاک می‌شد.

الاستيعاب، ج ۳، ص ۲۰۶، الرقم ۱۸۷۵

تاریخ دمشق عن عمر بن الخطاب: اللَّهُمَّ لَا تُزِلَّنَّ شَدِيدَةً إِلَّا وَأَبُو الْحَسَنِ إِلَى جَنْبِي.

تاریخ دمشق به نقل از عمر بن خطاب: خداوندا! هیچ گرفتاری و سختی ای نازل مکن، جز آن که ابو الحسن، کنار من باشد.

تاریخ دمشق، ج ۵۳، ص ۳۵ / فرائد السمطين، ج ۱، ص ۳۴۳، ح ۲۶۴ / ذخائر العقبی، ص ۱۴۹ / الرياض النضرة، ج ۳، ص ۱۶۲

المناقب للخوارزمي عن عمر بن الخطاب: **اللَّهُمَّ لَا تُبْقِنِي لِمُعْضَلَةٍ لَيْسَ لَهَا ابْنٌ أَبِي طَالِبٍ حَيًّا.**

المناقب، خوارزمی به نقل از عمر بن خطاب: پروردگارا! مرا با مشکلی وانگذار که پسر ابو طالب برای چاره جویی آن، زنده نباشد.

المناقب للخوارزمي، ص ۹۷، ح ۹۸ / مقتل الحسين للخوارزمي، ج ۱، ص ۴۵ / فرائد السمطين، ج ۱، ص ۳۴۴، ح ۲۶۶ / شرح الأخبار، ج ۲، ص ۳۱۷، ح ۶۵۱ (وفيه «كان عمر يقول...» وليس فيه «حيًا»)

أنساب الأشراف عن عمر بن الخطاب: لا أبقاني الله لمعضلة ليس لها أبو حسن. أنساب الأشراف به نقل از عمر بن خطاب: خداوند، مرا در مشکلی وانگذار که ابو الحسن برای حل آن حاضر نباشد.

أنساب الأشراف، ج ۲، ص ۳۵۱ / المناقب لابن شهر آشوب، ج ۲، ص ۳۱ و ۳۶۱ (وفيه «لم يكن» بدل «ليس»)

بحار الأنوار، ج ۴۰، ص ۲۲۷، ح ۶

كنز العمال عن عمر بن الخطاب: **يَابْنَ أَبِي طَالِبٍ! فَمَا زِلْتَ كَاشِفَ كُلِّ شُبْهَةٍ، وَمَوْضِحَ كُلِّ حُكْمٍ.**

كنز العمال به نقل از عمر بن خطاب: ای پسر ابو طالب! همواره تو برطرف کننده هر شبهه و روشن کننده هر حکمی هستی.

كنز العمال، ج ۵، ص ۸۳۴، ح ۱۴۵۰۹ (نقلًا عن أبي طالب علي بن أحمد)

المستدرک علی الصحیحین عن أبي سعيد الخدري: حَجَجْنَا مَعَ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ، فَلَمَّا دَخَلَ الطَّوْفَ اسْتَقْبَلَ الْحَجَرَ، فَقَالَ: إِنِّي أَعْلَمُ أَنَّكَ حَجَرٌ لَا تَضُرُّ وَلَا تَنْفَعُ! وَلَوْلَا أَنِّي رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَبْلَكَ مَا قَبَّلْتُكَ، ثُمَّ قَبَّلَهُ. فَقَالَ لَهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ: بَلَى يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! إِنَّهُ يَضُرُّ وَيَنْفَعُ. قَالَ: ثُمَّ قَالَ: بِكِتَابِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى. قَالَ: وَأَيْنَ ذَلِكَ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ؟ قَالَ: قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى» خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ وَمَسَحَ عَلَى ظَهْرِهِ فَفَرَّزَهُمْ بِأَنَّهُ الرَّبُّ وَأَنَّهُمُ الْعَبِيدُ، وَأَخَذَ عُهُودَهُمْ وَمَوَاقِفَهُمْ وَكَتَبَ ذَلِكَ فِي رَقٍّ، وَكَانَ لِهَذَا الْحَجَرِ عَيْنَانِ وَلِسَانٌ، فَقَالَ لَهُ: افْتَحْ فَاكَ، قَالَ: فَفَتَحَ فَاهُ فَأَلْقَمَهُ ذَلِكَ الرَّقَّ، وَقَالَ: اشْهَدْ لِمَنْ وَاوَاكَ بِالْمُؤَاوَاةِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَإِنِّي أَشْهَدُ لَسَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ

صلى الله عليه و آله [يقول]: يُؤْتَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِالْحَجَرِ الْأَسْوَدِ، وَلَهُ لِسَانٌ ذَلْقٌ، يَشْهَدُ لِمَنْ يَسْتَلِمُهُ بِالتَّوْحِيدِ، فَهُوَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! يَضُرُّ وَيَنْفَعُ. فَقَالَ عُمَرُ: أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَعِيشَ فِي قَوْمٍ لَسْتُ فِيهِمْ يَا أَبَا الْحَسَنِ.

المستدرک علی الصحیحین به نقل از ابو سعید خدری: همراه عمر بن خطاب به حج رفتیم. وقتی شروع به طواف کرد، رو به حجر الأسود کرد و گفت: من می‌دانم که سنگی هستی که سود و زیانی نمی‌رسانی و اگر نمی‌دیدم که پیامبر خدا تو را بوسیده، نمی‌بوسیدمت، و آن‌گاه، آن را بوسید. علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود: «چرا، ای امیر مؤمنان! او سود و زیان می‌رساند». آن‌گاه افزود: «طبق کتاب خداوند تبارک و تعالی». عمر گفت: این [مطلب] در کجای کتاب خداست؟ فرمود: «خداوند عز و جل می‌فرماید: «و هنگامی که پروردگارت از پشت فرزندان آدم، ذریه آنان را بر گرفت و ایشان را بر خودشان گواه ساخت که آیا پروردگار شما نیستیم؟ گفتند: چرا». خداوند، آدم را آفرید و پشتش را مسح کرد و از ذریه‌اش اقرار گرفت که او پروردگار است، و آنان، بنده او هستند و از آنان عهد و پیمان گرفت و آن را بر پوستی نوشت و این سنگ، دو چشم و یک زبان داشت. به وی گفت: "دهانت را بگشا". دهانش را گشود و خداوند، آن پوست را در دهانش گذاشت و فرمود: "در روز قیامت، بر حج آنان که حج می‌گزارند، گواهی ده". و من گواهی می‌دهم که از پیامبر خدا شنیدم: "روز واپسین، حجر الأسود را با زبانی گویا می‌آورند و برای هر کس که او را بر اساس توحید، لمس کرده، گواهی می‌دهد". بنا بر این، ای امیر مؤمنان! او (حجر الأسود)، سود و زیان می‌رساند». عمر گفت: به خدا پناه می‌برم از این که در بین مردمی زندگی کنم که تو ای ابو الحسن در بین آنان نباشی.

المستدرک علی الصحیحین، ج ۱، ص ۶۲۸، ح ۱۶۸۲ / شعب الإیمان، ج ۳، ص ۴۵۱، ح ۴۰۴۰ / الدر المنثور، ج ۳، ص ۶۰۵ / أخبار مکه للأزرقي، ج ۱، ص ۳۲۳ / تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۴۰۶ / شرح نهج البلاغة (ابن ابی الحدید)، ج ۱۲، ص ۱۰۰ (وفیه «لا أبقانی الله بأرضٍ لست بها یا أبا الحسن») والثلاثة الأخيرة نحوه / كنز العمال، ج ۵، ص ۱۷۷، ح ۱۲۵۲۱ / الأمالی للطوسی، ص ۴۷۶، ح ۱۰۴۱

فضائل الصحابة لابن حنبل عن سعيد بن المسيب: كَانَ عُمَرُ يَتَعَوَّذُ بِاللَّهِ مِنْ مُعْضَلَةٍ لَيْسَ لَهَا أَبُو حَسَنِ.

فضائل الصحابة، ابن حنبل به نقل از سعید بن مسیب: عمر، همواره از این که مشکلی پیش آید و ابو الحسن برای حل آن حاضر نباشد، به خدا پناه می‌برد.

فضائل الصحابة لابن حنبل، ج ۲، ص ۶۴۷، ح ۱۱۰۰ / الطبقات الكبرى، ج ۲، ص ۳۳۹ / تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۴۰۶ / اسد الغابة، ج ۴، ص ۹۶، الرقم ۳۷۸۹ / الاستيعاب، ج ۳، ص ۲۰۶، الرقم ۱۸۷۵ / الإصابة، ج ۴، ص ۴۶۷، الرقم ۵۷۰۴ / الصواعق المحرقة، ص ۱۲۷ / كنز العمال، ج ۱۰، ص ۳۰۰، ح ۲۹۵۰

مسند زید عن زید بن علی عن أبيه عن جده عن الإمام علي عليه السلام أنه قال لِعَمْرٍ فِي امْرَأَةٍ حَامِلٍ اعْتَرَفَتْ بِالْفُجُورِ فَأَمَرَ بِهَا أَنْ تُرْجَمَ: فَلَعَلَّكَ انْتَهَرْتَهَا أَوْ أَحْفَتَهَا؟ قَالَ: قَدْ كَانَ ذَلِكَ، فَقَالَ: أَوْ مَا سَمِعْتَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: لَا حَدَّ عَلَى مُعْتَرِفٍ بَعْدَ بَلَاءٍ، إِنَّهُ مَنْ قَبِدَتْ أَوْ حَبَسَتْ أَوْ تَهَدَّدَتْ فَلَا إِقْرَارَ لَهُ. قَالَ: فَخَلَّى عُمَرُ سَبِيلَهَا، ثُمَّ قَالَ: عَجَزَتِ النِّسَاءُ أَنْ تَلِدَ مِثْلَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، لَوْلَا عَلِيٌّ لَهَلَكَ عُمَرُ.

مسند زید به نقل از زید بن علی، از پدرش، از جدش درباره امام علی علیه السلام: به درستی که او (علی علیه السلام) به عمر درباره زن حامله‌ای که اعتراف به زنا کرده بود و عمر دستور داده بود سنگسار شود، گفت: «شاید بر سرش فریاد کشیده‌ای یا او را ترسانده‌ای؟». گفت: چنین بود. فرمود: «لیا از پیامبر خدا نشنیدی که می‌فرمود: "بر اعتراف کننده، پس از شکنجه حدی نیست. به درستی که آن که را دربند کشی یا زندان کنی، یا تهدید کنی، اقرارش [ارزش] ندارد؟"». گوید: عمر، زن را آزاد کرد. سپس گفت: زنان، ناتوان‌اند که فرزندی مانند علی بن ابی طالب بزیابند. اگر علی نبود، عمر هلاک می‌شد.

مسند زید، ص ۳۳۵ / کشف الیقین، ص ۷۳، ح ۵۵ / کشف الغمّة، ج ۱، ص ۱۱۳ / المناقب للخوارزمي، ص ۸۱، ح ۶۵ / ذخائرالعقبی، ص ۱۶۶، ولس فيه «ثم قال...»

فِي رِوَايَةٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ سَعِيدٍ رَفَعَهُ أَنَّ امْرَأَةً أَتَتْ عُمَرَ فَقَالَتْ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِنِّي فَجَرْتُ فَأَقِمْ فِيَّ حَدَّ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَأَمَرَ بِرَجْمِهَا وَكَانَ عَلِيٌّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع حَاضِرًا فَقَالَ سَأَلَهَا كَيْفَ فَجَرْتِ فَسَأَلَهَا فَقَالَتْ كُنْتُ فِي فَلَاحٍ مِنَ الْأَرْضِ فَأَصَابَنِي عَطَشٌ شَدِيدٌ فَرَفَعْتُ لِي خَيْمَةً فَأَتَيْتُهَا فَأَصَبْتُ فِيهَا رَجُلًا أَعْرَابِيًّا فَسَأَلْتُهُ مَاءً فَأَبَى عَلِيٌّ أَنْ يَسْقِيَنِي إِلَّا أَنْ أَمَكَّنْتُهُ مِنْ نَفْسِي فَوَلَّيْتُ مِنْهُ هَارِبَةً فَأَشْتَدَّ بِي الْعَطَشُ حَتَّى غَارَتْ عَيْنَايَ وَذَهَبَ لِسَانِي فَلَمَّا بَلَغَ مِنِّي الْعَطَشُ أَتَيْتُهُ فَسَقَانِي وَوَقَعَ عَلِيٌّ فَقَالَ عَلِيٌّ هَذِهِ الَّتِي قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ هَذِهِ غَيْرُ بَاغِيَةٍ وَلَا عَادِيَةٍ فَخَلَّ سَبِيلَهَا فَقَالَ عُمَرُ لَوْلَا عَلِيٌّ لَهَلَكَ عُمَرُ.

محمد بن عمرو بن سعید با وساطتی نقل کرده که زنی نزد عمر آمد و گفت: یا امیر المؤمنین من کار زشت کرده‌ام حدّ الهی را بر من جاری کن، عمر امر کرد او را رجم کنند، و امیر المؤمنین علیه السلام حضور داشت، فرمود: از وی بپرس چگونه این عمل از وی سر زده است، عمر پرسید؟ زن گفت من در صحرا بودم و تشنگی بر من غالب شد سخت، از دور خیمه‌ای دیدم بدان جا رفتم در آن خیمه مردی بیابانی بود از او آب خواستم، وی دریغ کرد بمن آب دهد جز آنکه در برابر آب خود را در اختیار او نهم، من امتناع نموده فرار کردم، تشنگی سخت مرا تحت فشار قرار داد چندان که چشمانم به کاسه نشست و زبانم از کار بیفتاد، و چون تشنگی کار مرا بدینجا کشانید ناچار به سوی او شدم و وی مرا سیراب و خود را کامیاب نمود، زن که این بگفت: امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: این زن مشمول قول خدا است که فرموده: فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا

عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ (پس هر کس ناچار شد و ستمکار و متجاوز نبود گناهی بر او نیست) (انعام: ۱۴) این زن نه ستمکار است و نه متجاوز، عمر چون چنین دید او را رها کرد و گفت: اگر علی نبود عمر هلاک میشد.

من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۳۵

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانِ الْوَاسِطِيِّ عَنْ عَمِّهِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ كَثِيرٍ الْهَاشِمِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَرَّ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ عَلَى الْحَجْرِ الْأَسْوَدِ، فَقَالَ: وَاللَّهِ يَا حَجْرُ! إِنَّا لَنَعْلَمُ أَنَّكَ حَجْرٌ لَا تَضُرُّ وَلَا تَنْفَعُ! إِلَّا أَنَا رَأَيْنَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُحِبُّكَ، فَنَحْنُ نُحِبُّكَ. فَقَالَ لَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَيْفَ يَا بَنَ الْخَطَّابِ؟ فَوَاللَّهِ، لَيَبْعَثُنَّهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَلَهُ لِسَانٌ وَشَفَتَانِ، فَيَشْهَدُ لِمَنْ وَاوَاهُ، وَهُوَ يَمِينُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، يُبَاعُ بِهَا خَلْفُهُ. فَقَالَ عُمَرُ: لَا أَبْقَانَا اللَّهُ فِي بَلَدٍ لَا يَكُونُ فِيهِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ.

امام صادق علیه السلام: عمر بن خطاب بر حجر الأسود گذر کرد و [خطاب به آن] گفت: به خدا، ای سنگ! ما می دانیم که تو سنگی هستی که سود و زیانی نمی رسانی، جز آن که پیامبر خدا را دیدیم که تو را دوست می دارد، پس ما هم تو را دوست می داریم. امیر مؤمنان [در انتقاد از دعای عمر]، فرمود: «چه طور، ابن خطاب؟ سوگند به خدا که خداوند، آن را روز قیامت بر می انگیزاند، در حالی که زبان و دلب دارد و برای هر کس که حج گزارده، گواهی خواهد داد. او دست خدا در روی زمین است که توسط آن با بندگانش بیعت می کند». عمر گفت: خداوند در هیچ سرزمینی ما را بدون حضور علی بن ابی طالب، نگه ندارد.

علل الشرائع، ج ۲، ص ۴۲۶

وسائل الشيعة، ج ۱۳، ص ۳۲۰ / بحار الأنوار، ج ۹۶، ص ۲۲۱

المناقب للخوارزمي عن يحيى بن عقيل: كَانَ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ يَقُولُ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِيمَا كَانَ يَسْأَلُهُ عَنْهُ فَيَفْرَجُ عَنْهُ: لَا أَبْقَانِي اللَّهُ بِعَدَاكَ يَا عَلِيُّ.

المناقب، خوارزمی به نقل از یحیی بن عقیل: عمر بن خطاب، هرگاه که [مسئله ای] از علی بن ابی طالب می پرسید و او مشکلش را می گشود، به وی می گفت: خداوند، مرا پس از تو زنده نگه ندارد!

المناقب للخوارزمي، ص ۱۰۱، ح ۱۰۴ / فراند السمطين، ج ۱، ص ۳۴۹، ح ۲۷۴ / ذخائر العقبی، ص

۱۵۰ / المناقب لابن شهر آشوب، ج ۲، ص ۳۱ (عن أبانة بن بطة)

أَخْبَرَنِي الشَّرِيفُ أَبُو مَنْصُورٍ أَحْمَدُ بْنُ حَمْرَةَ الْحُسَيْنِيُّ الْعَرَبِيُّ بِالرَّمْلَةِ وَ أَبُو الْعَبَّاسِ أَحْمَدُ بْنُ [بْن] إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَنَانَ بِحَلَبَ وَ أَبُو الْمَرْجَى مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ طَالِبِ الْبَلَدِيِّ بِالْقَاهِرَةِ رَحِمَهُمُ اللَّهُ قَالُوا جَمِيعاً أَخْبَرَنَا أَبُو الْمُفَضَّلِ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُطَّلِبِ الشَّيْبَانِيُّ الْكُوفِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَمَّارِ الثَّقَفِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ خَلْفِ الْعَطَّارُ قَالَ حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ جَعْفَرِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ أَبِي طَالِبٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الْمُهَيْمِنِ بْنِ عَبَّاسِ الْأَنْصَارِيِّ السَّاعِدِيُّ عَنْ أَبِيهِ الْعَبَّاسِ بْنِ سَهْلٍ عَنْ أَبِيهِ سَهْلٍ بْنِ سَعِيدٍ قَالَ: بَيْنَا أَبُو ذَرٍّ قَاعِدٌ مَعَ جَمَاعَةٍ مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ كُنْتُ يَوْمَئِذٍ فِيهِمْ، إِذْ طَلَعَ عَلَيْنَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَرَمَاهُ أَبُو ذَرٍّ بِنَظَرِهِ، ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَيَّ الْقَوْمَ بِوَجْهِهِ، فَقَالَ: مَنْ لَكُمْ بِرَجُلٍ مَحَبَّتُهُ تُسَاقِطُ الذَّنُوبَ عَنْ مُحِبِّهِ كَمَا تُسَاقِطُ الرِّيحُ الْعَاصِفُ الْهَشِيمَ مِنَ الْوَرَقِ عَنِ الشَّجَرِ! سَمِعْتُ نَبِيَّكُمْ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ يَقُولُ ذَلِكَ لَهُ. قَالُوا: مَنْ هُوَ يَا أَبَا ذَرٍّ؟ قَالَ: هُوَ الرَّجُلُ الْمُقْبِلُ إِلَيْكُمْ؛ ابْنُ عَمِّ نَبِيِّكُمْ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، يَحْتَاجُ أَصْحَابَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ إِلَيْهِ، وَ لَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِمْ، سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ يَقُولُ: عَلِيٌّ بَابُ عِلْمِي، وَ مُبَيِّنُ لَأُمَّتِي مَا أُرْسِلْتُ بِهِ مِنْ بَعْدِي؛ حُبُّهُ إِيْمَانٌ، وَ بُغْضُهُ نِفَاقٌ، وَ النَّظَرُ إِلَيْهِ بِرَافَةِ وَ مَوَدَّةٍ عِبَادَةٌ... ثُمَّ مَضَى يَعْنِي عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ أَبُو ذَرٍّ: وَ الَّذِي نَفْسُ أَبِي ذَرٍّ بِيَدِهِ، مَا مِنْ أُمَّةٍ اتَّخَذَتْ أَوْ قَالَ: اتَّبَعَتْ رَجُلًا وَ فِيهِمْ مَنْ هُوَ أَعْلَمُ بِاللَّهِ وَ دِينِهِ مِنْهُ، إِلَّا ذَهَبَ أَمْرُهُمْ سَفَالًا.

کنز الفوائد به نقل از سهل بن سعید: روزی ابوذر با گروهی از یاران پیامبر خدا نشستند و من هم با آنان بودم که علی بن ابی طالب بیدایش شد. ابوذر به او چشم دوخت و سپس رو به جماعت کرد و گفت: چه کسی مردی را می جوید که دوستی او، چون توفانی که برگ را از درختان می ریزد، گناهان را از دوستدارانش بریزد. از پیامبر صلی الله علیه و آله چنین چیزی را شنیدم. گفتند: آن شخص کیست؟ گفت: همین مردی که به سویتان می آید؛ پسر عموی پیامبرت. آن که یاران محمد صلی الله علیه و آله به او نیازمندند و او به آنان نیاز ندارد. از پیامبر خدا شنیدم که می فرمود: «علی، در دانش من است و پس از من، بیان کننده آن چیزی است که به آن برانگیخته شدم. دوستی اش ایمان و دشمنی اش نفاق و نگاه کردن با مهر و محبت به او عبادت است»... آن گاه علی علیه السلام رفت و ابوذر گفت: سوگند به آن که جانم به دست اوست، هیچ امتی کسی را به پیشوایی (یا گفت: به پیروی) نگرفته، در حالی که در بین آنان، دانایتر از او به خدا و دین او بوده، جز آن که کارشان به سقوط انجامیده است.

کنز الفوائد، ج ۲، ص ۶۷

بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۱۱۲

تاریخ یعقوبی فی ذکر بیعة الناس لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَقَامَ قَوْمٌ مِنَ الْأَنْصَارِ فَتَكَلَّمُوا، وَكَانَ أَوَّلَ مَنْ تَكَلَّمَ ثَابِتُ بْنُ قَيْسِ بْنِ شَمَّاسِ الْأَنْصَارِيِّ، وَكَانَ خَطِيبَ الْأَنْصَارِ، فَقَالَ: وَاللَّهِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، لَئِنْ كَانُوا تَقَدَّمُوا فِي الْوِلَايَةِ فَمَا تَقَدَّمُوا فِي الدِّينِ، وَلَئِنْ كَانُوا سَبَقُواكَ أَمْسَ لَقَدْ لَحِقْتَهُمْ الْيَوْمَ! وَلَقَدْ كَانُوا وَكُنْتَ لَا يَخْفَى مَوْضِعُكَ، وَلَا يُجْهَلُ مَكَانُكَ، يَحْتَاجُونَ إِلَيْكَ فِيمَا لَا يَعْلَمُونَ، وَمَا احْتَجَّتْ إِلَى أَحَدٍ مَعَ عِلْمِكَ!

تاریخ یعقوبی در یاد کرد ماجرای بیعت مردم با امیر مؤمنان: گروهی از انصار برخاستند و سخن گفتند و اولین کسی که سخن گفت، ثابت بن قیس بن شماس انصاری (سخنگوی انصار) بود که گفت: سوگند به خدا، ای امیر مؤمنان! اگر در به دست گرفتن حاکمیت بر تو پیشی گرفتند، در دینداری بر تو پیشی نگرفتند، و اگر دیروز بر تو پیشی گرفتند، امروز، تو به آنان پیوستی. آنان بودند و تو نیز بودی. جایگاه [و برتری] تو پوشیده نیست و موقعیت تو ناشناخته نیست. در آنچه که نمی دانند، به تو نیازمندند و با دانشی که داری، به هیچ کس نیازمند نیستی!

تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۷۹

حَدِيثُ بَنِي يَمَانَ

إرشاد القلوب: لَمَّا وَصَلَ عَهْدُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى حُدَيْفَةَ [وَالِيِ الْمَدَائِنِ] جَمَعَ النَّاسَ وَصَلَّى بِهِمْ ثُمَّ أَمَرَ بِالْكِتَابِ فَقَرَأَهُ عَلَيْهِمْ ... ثُمَّ إِنَّ حُدَيْفَةَ صَعِدَ الْمِنْبَرَ، فَحَمِدَ اللَّهَ وَأَثَى عَلَيْهِ، وَصَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، ثُمَّ قَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحْيَا الْحَقَّ وَأَمَاتَ الْبَاطِلَ، وَجَاءَ بِالْعَدْلِ وَدَخَضَ الْجَوْرَ وَكَبَتِ الظَّالِمِينَ. أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّمَا وَلِيُّكُمْ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ حَقًّا حَقًّا، وَخَيْرٌ مَن نَعَلَمُهُ بَعْدَ نَبِيِّنَا رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَ أَوْلَى النَّاسِ بِالنَّاسِ، وَ أَحَقُّهُمْ بِالْأَمْرِ، وَ أَقْرَبُهُمْ إِلَى الصِّدْقِ، وَ أَرْشَدُهُمْ إِلَى الْعَدْلِ، وَ أَهْدَاهُمْ سَبِيلًا، وَ أَدْنَاهُمْ إِلَى اللَّهِ وَسَيْلَةً، وَ أَقْرَبُهُمْ بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَرَحِمًا، أَنِيبُوا إِلَى طَاعَةِ أَوْلَى النَّاسِ سِلْمًا، وَ أَكْثَرِهِمْ عِلْمًا، وَ أَصْدَقِهِمْ طَرِيقَةً، وَ أَسْبَقَهُمْ إِيْمَانًا، وَ أَحْسَنَهُمْ يَقِينًا، وَ أَكْثَرَهُمْ مَعْرُوفًا، وَ أَقْدَمَهُمْ جِهَادًا، وَ أَعَزَّهُمْ مَقَامًا، أَخِي رَسُولِ اللَّهِ وَابْنِ عَمَّتِهِ، وَ أَبِي الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، وَ زَوْجِ الزَّهْرَاءِ الْبَتُولِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، فَقوموا أَيُّهَا النَّاسُ! فَبَايعُوا عَلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ نَبِيِّهِ، فَإِنَّ لِلَّهِ فِي ذَلِكَ رِضًى، وَ لَكُمْ مَقْنَعٌ وَصَلَاحٌ، وَ السَّلَامُ. فَقامَ النَّاسُ بِأَجْمَعِهِمْ، فَبَايعُوا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِأَحْسَنِ بَيْعَةٍ وَ أَجْمَعِهَا.

إرشاد القلوب: هنگامی که نامه امیر مؤمنان به حدیفه [فرماندار مدائن] رسید، مردم را گرد آورد و با آنان نماز گزارد. آن گاه فرمان داد تا نامه را بیاورند و برای مردم خواند ... آن گاه، حدیفه بر منبر شد. سپاس و ثنای خدای را به جای آورد و بر محمد صلی الله علیه و آله و خاندان او درود فرستاد و گفت: «سپاس خدای را که حق را زنده ساخت و باطل را میراند، عدل را آورد و ستم را نابود کرد و ظالمان را فرو افکند. ای مردم! ولی شما، خدا و پیامبر خدا و امیر واقعی و

حقیقی مؤمنان است. او بهترین کسی است که پس از پیامبران رسول خدا می‌شناسیم؛ سزاوارترین مردم به مردم، شایسته‌ترین آنها به حکومت، نزدیک‌ترین نشان به راستی، راهنماترین آنها به عدالت، راهبرترین فرد به راه هدایت، نزدیک‌ترین وسیله به سوی خدا، نزدیک‌ترین خویشاوند رسول خدا. ای مردم! بازگردید به فرمان بردن از نخستین مسلمانان، داناترین مردم، درست‌راه‌ترین آنها، باسابقه‌ترین آنان، نیک‌یقین‌ترین آنان، نیکوکارترین آنان، در جهاد، با سابقه‌ترین نشان و با عزت‌ترین نشان، برادر و پسر عموی پیامبر خدا، پدر حسن و حسین علیهما السلام، شوهر زهرای بتول، سرور زنان دو جهان. ای مردم! برخیزید و بر کتاب خدا و سنت پیامبرش بیعت کنید؛ چرا که خشنودی خدا و مصلحت و بسندگی شما در آن است. والسلام!». همه مردم برخاستند و بهترین و فراگیرترین بیعت را با امیر مؤمنان کردند.

إرشاد القلوب إلى الصواب (للدیلمی)، ج ۲، ص ۳۲۱

بحار الأنوار، ج ۲۸، ص ۸۹

سلمان فارسی:

التدوین عن أحمد بن عبد الوهاب بن نجدة عن أشياخه: لَمَا كَانَ يَوْمَ السَّقِيفَةِ اجْتَمَعَتِ الصَّحَابَةُ عَلَى سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ فَقَالُوا: يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، إِنَّ لَكَ سِنًا وَدِينًا وَعَمَلًا وَصُحْبَتًا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَقُلْ فِي هَذَا الْأَمْرِ قَوْلًا يُخَلِّدُ عَنكَ، فَقَالَ: «كُؤَيْم، أَكْرَ شَنِوَيْد». ثُمَّ عَدَا عَلَيْهِمْ فَقَالُوا: مَا صَنَعْتَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ؟ فَقَالَ: «كُفْتَم، أَكْرَ بَكَارِ بَرِيد». ثُمَّ أَنْشَأَ يَقُولُ:

مَا كُنْتُ أَحْسَبُ أَنَّ الْأَمْرَ مُنْصَرَفٌ عَنْ هَاشِمٍ ثُمَّ مِنْهُمْ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ

أَلَيْسَ أَوَّلَ مَنْ صَلَّى لِجِبَلْتِهِ وَأَعْلَمَ الْقَوْمَ بِالْأَحْكَامِ وَالسُّنَنِ

مَا فِيهِمْ مِنْ صُنُوفِ الْفَضْلِ يَجْمَعُهَا وَلَيْسَ فِي الْقَوْمِ مَا فِيهِ مِنَ الْحَسَنِ

وَيُقَالُ: لَيْسَ لِسَلْمَانَ غَيْرُ هَذِهِ الْأَيَّاتِ.

التدوین به نقل از احمد بن عبد الوهاب بن نجدة، از اساتیدش: در روز سقیفه، صحابیان، گرد سلمان جمع شدند و گفتند: ای ابو عبد الله! تو کهن سال، دیندار، اهل عمل، و یار پیامبر خدایی. در این خصوص، سخنی بگو تا از تو جاودان بماند. گفت: می‌گویم، اگر بشنوید. روز بعد، نزد آنان رفت. گفتند: چه شد، ای ابو عبد الله! گفت: گفتم، اگر به کار برید. سپس شروع به خواندن این شعر کرد:

فکر نمی‌کردم که حکومت، گرفته شود

از بنی هاشم و از بین بنی هاشم، از ابو الحسن.

آیا او نخستین کسی نبود که به قبله پیامبر صلی الله علیه و آله، نماز گزارد

آیا او داناترین مردم به احکام و سنت نبود؟

هر نوع فضیلتی که در بین آنان بود، او در خود، گرد آورده است و در بین آنان، کسی نیست که خوبی‌های او را داشته باشد. گفته شده که از سلمان، جز این چند بیت، شعری نمانده است.

التدوین في أخبار قزوين، ج ۱، ص ۷۸ و ۷۹

إعلام الوری: ج ۱ ص ۳۶۲ (عن ربیعة بن الحارث بن عبد المطلب نحوه)

عبدالله بن مسعود:

تاریخ دمشق عن عبد الله بن مسعود: إِنَّ الْقُرْآنَ أَنْزَلَ عَلَى سَبْعَةِ أَحْرَفٍ، مَا مِنْهَا حَرْفٌ إِلَّا لَهُ ظَهْرٌ وَبَطْنٌ، وَإِنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عِنْدَهُ مِنْهُ عِلْمُ الظَّاهِرِ وَالْبَاطِنِ. تاریخ دمشق به نقل از عبد الله بن مسعود: قرآن بر هفت حرف نازل شده است که هر حرفی، ظاهری و باطنی دارد و نزد علی بن ابی طالب، دانش ظاهر و باطن آن بود.

تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۴۰۰ / فرائد السمطين، ج ۱، ص ۳۵۵، ح ۲۸۱

عدی بن حاتم:

الإمامة والسياسة في ذكر اختلاف أصحاب الإمام في استمرار القتال يوم صفين: قام عدی بن حاتم، فقال: أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّهُ وَاللَّهِ لَوْ غَيَّرَ عَلِيٌّ دَعَانَا إِلَى قِتَالِ أَهْلِ الصَّلَاةِ مَا أَجْبَنَاهُ وَلَا وَقَعَ بِأَمْرِ قَطُّ إِلَّا وَمَعَهُ مِنَ اللَّهِ بُرْهَانٌ، وَفِي يَدَيْهِ مِنَ اللَّهِ سَبَبٌ، وَإِنَّهُ وَقَفَ عَنْ عُثْمَانَ بِشُبْهَةٍ، وَقَاتَلَ أَهْلَ الْجَمَلِ عَلَى النَّكْتِ، وَأَهْلَ الشَّامِ عَلَى الْبَغِيِّ، فَانظُرُوا فِي أُمُورِكُمْ وَأَمْرِهِ؛ فَإِنْ كَانَ لَهُ عَلَيْكُمْ فَضْلٌ فَلَيْسَ لَكُمْ مِنْهُ، فَسَلِّمُوا لَهُ، وَإِلَّا فَنَازِعُوا عَلَيْهِ.

وَاللَّهِ لَئِنْ كَانَ إِلَى الْعِلْمِ بِالْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ إِنَّهُ لَأَعْلَمُ النَّاسِ بِهِمَا، وَلَئِنْ كَانَ إِلَى الْإِسْلَامِ إِنَّهُ لَأَخُو نَبِيِّ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَالرَّأْسُ فِي الْإِسْلَامِ، وَلَئِنْ كَانَ إِلَى الرُّهْدِ وَالْعِبَادَةِ إِنَّهُ لَأَظْهَرُ النَّاسِ زُهْدًا، وَأَنْهَكُهُمْ عِبَادَةً، وَلَئِنْ كَانَ إِلَى الْعُقُولِ وَالنَّحَائِزِ إِنَّهُ لَأَشَدُّ النَّاسِ عَقْلًا، وَأَكْرَمُهُمْ نَحِيزَةً، وَلَئِنْ كَانَ إِلَى الشَّرَفِ وَالنَّجْدَةِ، إِنَّهُ لَأَعْظَمُ النَّاسِ شَرَفًا وَنَجْدَةً.

الإمامة والسياسة در بیان اختلاف یاران امام در جنگ صفین در مورد ادامه جنگ: عدی بن حاتم برخاست و گفت: ای مردم! به خدا سوگند، اگر غیر از علی، کسی ما را به جنگ با اهل نماز فرامی خواند، پاسخش نمی‌دادیم. او هیچ‌گاه وارد جریانی نمی‌شود، جز آن که دلیلی خدایی بر آن دارد و در دستانش سببی الهی است. او به خاطر يك شبهه در مورد عثمان، دست نگه داشت، با جملیان به خاطر شکستن بیعت جنگید، و با شامیان، به خاطر ستمکاری‌شان جنگید. به

کارهای خود و کارهای او بنگرید. اگر او نسبت به شما برتری دارد و شما مانند او نیستید، پس تسلیم او شوید؛ و گرنه با او جدال کنید.

سوگند به خدا، اگر دانش قرآن و سنّت ملاک باشد، او داناترین مردم به آن دو است، و اگر اسلام ملاک باشد، او برادر پیامبر خدا و در اسلام سرآمد است. اگر زهد و عبادت ملاک باشد، او زاهدترین و سخت عبادت‌ترین مردم است، و اگر خرد و سرشت ملاک باشد، او خردمندترین مردم است و ریشه‌دارترین سرشت را دارد، و اگر بزرگ‌منشی و یاری‌رسانی ملاک باشد، او بزرگواری‌ترین و یاری‌رسان‌ترین مردم است.

الإمامة والسياسة، ج ۱، ص ۱۴۱

عمده مطالب فوق (خصوصاً مطالب مذکور از کتب اهل سنت) از کتاب دانشنامه امیرالمومنین (علیه السلام) بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ (چهارده جلد) (فصل ششم از جلد هشتم با عنوان «علي عن لسان أصحاب النبي») علی از زبان اصحاب پیامبر، صفحات ۴۷۱ تا ۵۷۰)، از انتشارات موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، تالیف: دانشمند محترم حضرت حجت الاسلام و المسلمین محمد محمدی ری شهری ذکر گردیده است.

پیوست ۲: ادله مالیت و غیراعتباری بودن (ضمانت‌پذیر و ارزش ذاتی)؛ ویژگی اصلی ابزار مبادله (پول) در اسلام

ابزار مبادله در اسلام چیست؟ همان‌طور که می‌دانید ده‌ها تعریف دربارهٔ «پول» مطرح شده است و در مکاتب موجود بر اساس قیود مختلفی، ده‌ها تعریف درست شده است. تاریخچه‌ای هم در پیدایش پول بحث و مطرح شده است. ما فعلاً از این دو بحث می‌گذریم.

۳/۱. اعتباری دانستن و تعیین اعتبار بر اساس GDP؛ وضعیت کنونی تعریف ابزار مبادله در کشور

فعلاً دو تعریف بر روی میز [تصمیم‌گیران] موجود است: ۱- پول را با قید مالیت بپذیریم ۲- پول مال نباشد و چیزهای دیگری مال باشد و ارزش پول را اعتباری و بر اساس معادلاتی مثل «معادلهٔ نشر اسکناس» تعیین کنیم. در «معادلهٔ نشر اسکناس»^{۱۴۷}، به نسبت GDP^{۱۴۸} از لحاظ کمی، اسکناس چاپ می‌کند؛ یعنی معادلهٔ نشر اسکناس متکفل کمی شدن ارزش بخش اقتصاد است. همچنین بر اساس مدل‌هایی برای تعیین قیمت ارز واسط به پول اعتبار می‌بخشند. برای نمونه مجلس شورای اسلامی می‌گوید: قیمت دلار در امسال فلان مقدار تعیین شده است.^{۱۴۹} حالا آیا ما این فرض دوم را بپذیریم یا بر اساس فرض اول بگوییم

۱۴۷. قانون پولی و بانکی کشور (مصوب ۱۳۳۹) بیان می‌دارد:

ماده ۱۸ - بانک مرکزی ایران نمی‌تواند هیچ‌گونه تعهد ریالی به شکل اسکناس بنماید مگر این که در مقابل آن به ارقام دارایی‌های مذکور در زیر به‌طوری که در مواد ۲۰ تا ۲۷ این قانون تعریف شده‌اند اضافه شده باشد: الف - طلا طبق ماده ۲۰. ب - ارز طبق ماده ۲۱. ج - اسناد قرضه صادره و یا تضمین شده از طرف دولت و شهرداری‌ها و وام‌ها و دیون مشابه آن طبق مواد ۲۳ و ۲۴ و ۲۵. د - در صورتی که اسناد قرضه مندرج در بند ج بالا کافی نباشد مطالبات ریالی بابت اعتبارات صنعتی بازرگانی و یا کشاورزی طبق ماده ۲۶.

آدرس قانون پولی و بانکی کشور در پایگاه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران: b2n.ir/563976

۱۴۸. در سایت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در تعریف GDP (Gross Domestic Product) چنین آمده است: «کل ارزش ریالی محصولات نهایی تولیدشده توسط واحدهای اقتصادی مقیم کشور در دوره زمانی معین (سالانه یا فصلی) را تولید ناخالص داخلی می‌نامند.»

آدرس مطلب در سایت رسمی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران: yon.ir/HRXCN

در کتاب نظریه اقتصاد کلان منکیو نیز چنین آمده است: «اگر بخواهید در مورد اقتصاد یک شخص قضاوت کنید، احتمالاً قبل از هر چیز به درآمد او توجه خواهید کرد... همین استدلال برای کل اقتصاد یک کشور نیز قابل ارائه است. وقتی درباره اقتصاد یک کشور قضاوت می‌کنید که این کشور ثروتمند یا فقیر است، نگاه شما به درآمد کل است که تک تک افراد جامعه به دست می‌آورند. این درآمد را به کمک تولید ناخالص داخلی (GDP) محاسبه می‌کنید. GDP دو چیز را محاسبه می‌کند؛ درآمد کل افراد در اقتصاد و هزینه‌های کل تولید کالاها و خدمات در اقتصاد.»

نظریه اقتصاد کلان (منکیو)، ص ۹ و ۱۰

۱۴۹. برای نمونه می‌توان به این مورد از گزارش خبرگزاری خانه ملت اشاره کرد: بهروز نعمتی سخنگوی هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی در رابطه با قیمت دلار و نفت در بودجه ۹۸ گفت: احتمالاً قیمت دلار در بودجه سال آینده حدود ۵۷۰۰ تومان

خود پول باید مال باشد؟ یعنی خودش دارای ارزش باشد و به اصطلاح اسکناس و بیت کوین و پول الکترونیک^{۱۵۰} نباشد. ما کدام یک از این دو احتمال را بپذیریم؟

ما در این جلسه به سه دلیل استناد خواهیم کرد و می‌گوییم پول در اسلام باید حتماً مال باشد: دلیل اول چیست؟ دلیل اول، تحقق و حفظ قاعده قرآنی «فَلَكُمْ رُؤُسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلُمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ»^{۱۵۱} است. این قاعده می‌فرماید: اصل سرمایه شما برای شماست و شما هم نباید به کسی ظلم کنید و هم کسی نباید به شما ظلم کند. من ابتدا این آیه را توضیح دهم تا بعد بگویم به چه نحوی از آن استفاده می‌کنم تا معتقد شویم پول به استظهار این آیه باید مال باشد.

آیه در یک اختلاف بر سر معامله‌ای ربوی که بین دو قبیله رخ داده، نازل شده است. در آن زمان آیات ربا نازل شده بود و یک معامله ربوی بین دو قبیله و طایفه بزرگ صدر اسلام انجام شده بود. طایفه‌ای که ربا گرفته بود، می‌خواست - به تعبیر امروزی - تمام قسط‌های ربا را بگیرد. شکایت به نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله) بردند و این آیه نازل شد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ»^{۱۵۲} ای کسانی که ایمان آوردید، تقوای الهی پیشه کنید،

۳/۲. لزوم حفظ رأس اموال»، «نصاب‌گذاری شریعت در دیات و زکات» و «آثار فراعصری درهم و دینار»؛ سه دلیل بر غیراعتباری بودن ابزار مبادله در اسلام حفظ رأس اموال در مبادلاتی ملنند قرض و ...؛ در صورت اعتباری دانستن ابزار مبادله

در نظر گرفته شود. ... بر اساس آیین نامه داخلی مجلس، کمیسیون‌های تخصصی از زمان تقدیم لایحه بودجه، آن را بررسی می‌کنند و نمایندگان ۱۰ روز فرصت دارند پیشنهادات خود را به این کمیسیون‌ها ارائه کنند و کمیسیون‌ها جمع بندی مطالب خود را به کمیسیون تلفیق ارجاع می‌کنند و در آن جا به کلیات بودجه در مدت یک ماه رسیدگی می‌شود.

آدرس مطلب در سایت خبرگزاری خانه ملت: yon.ir/xnQiU

۱۵۰. برای مشاهده توضیحات در مورد پول الکترونیک بیت‌کوین ر.ک پیوست ۴ جلسه ششم فقه المکاسب.

حجت الاسلام علی کشوری، مکتوب فقه المکاسب، ۲۱ الی ۳۱ شهریور ۱۳۹۸، قم

کانال الگوی پیشرفت اسلامی-ایتا

eitaa.com/olgou/3282

۱۵۱. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ، فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ إِن تَتُوبُوا فَلَكُمْ رُؤُسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلُمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ / بقره، ۲۷۸ و ۲۷۹

ای اهل ایمان! از خدا پروا کنید، و اگر مؤمن [واقعی] هستید آنچه را از ربا [بر عهده مردم] باقی مانده رها کنید. و اگر چنین نکردید [و به رباخواری اصرار ورزیدید] به جنگی بزرگ از سوی خدا و رسولش [بر ضد خود] یقین کنید؛ و اگر توبه کردید، اصل سرمایه‌های شما برای خود شماست [و سودهای گرفته شده را به مردم بازگردانید] که در این صورت نه ستم می‌کنید و نه مورد ستم قرار می‌گیرید. [ترجمه انصاریان]

۱۵۲. أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ جَعْفَرِ قَالَ: أَخْبَرَنَا أَبُو عَمْرٍو بْنُ حَمْدَانَ قَالَ: أَخْبَرَنَا أَبُو يَعْلَى قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْأَخْنَسِ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ فَضِيلٍ قَالَ: حَدَّثَنَا الْكَلْبِيُّ عَنْ أَبِي صَالِحٍ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ: بَلَّغْنَا وَاللَّهِ أَعْلَمُ أَنَّ هَذِهِ الْآيَةَ نَزَلَتْ فِي بَنِي عَمْرٍو بْنِ عُمَيْرٍ بْنِ عَوْفٍ مِنْ ثَقِيفٍ، وَفِي بَنِي الْمُغِيرَةَ مِنْ بَنِي مَخْزُومٍ، وَكَانَتْ بَنُو الْمُغِيرَةَ يُزُونُ لِثَقِيفٍ، فَلَمَّا أَظْهَرَ اللَّهُ تَعَالَى رَسُولَهُ عَلَى مَكَّةَ، وَضَعَ يَوْمَئِذٍ الرِّبَا كُلَّهُ، فَأَتَى بَنُو عَمْرٍو بْنِ عُمَيْرٍ وَبَنُو الْمُغِيرَةَ إِلَى عَتَّابِ بْنِ أَسِيدٍ وَهُوَ عَلَى مَكَّةَ، فَقَالَ بَنُو الْمُغِيرَةَ: مَا جَعَلْنَا أَسْقَى النَّاسِ بِالرِّبَا وَضَعَ عَنِ النَّاسِ غَيْرَنَا، فَقَالَ بَنُو عَمْرٍو بْنِ عُمَيْرٍ: صَوْلِحْنَا عَلَى أَنَّ لَنَا رِبَانَا، فَكَتَبَ عَتَّابُ فِي

خدا را در محاسبات خودتان در نظر بگیرید و این بقیه قسط‌های ربا را هم رها کنید و آن معامله ربوی را که با یکدیگر توافق کرده بودید، اجرا نکنید. چون مسئله مالی بود و این طایفه مانند همه طرف‌های ربا گیرنده برایشان سخت است که از سودشان بگذرند، خدای متعال اینجا لنداری را مطرح می‌کند و می‌فرماید: «فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ» می‌فرماید اگر شما این کار را انجام ندهید و معامله ربوی را باطل نکنید، به جنگ با خدا و رسولش آمدید «وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُؤُسُ أَمْوَالِكُمْ» اگر توبه کردید، اصل سرمایه‌ای که در این قرض جابجا شده، محترم است به شرطی که توبه کنید. «لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» نه به این طرف معامله و نه به آن طرف ظلم نمی‌شود؛ نه ظلم کنید و نه ظلم را بپذیرید.

۳/۲/۱/۱. آیه «فَلَكُمْ رُؤُسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ»؛ دلیلی بر لزوم حفظ رأس اموال در تمام معاملات و مبادلات

شاهد بحث من در اینجا این است که حتی در مواردی که یک معامله ربوی اتفاق افتاده است - که اینجا ربای قرضی جابه‌جا شده - خدای متعال می‌فرماید: اصل اموال محترم است: «فَلَكُمْ رُؤُسُ أَمْوَالِكُمْ» استدلالی هم که خدای متعال مطرح می‌کند این است که حتی اگر در ربا اصل اموال را بعد از ابطال معامله ربوی، محترم نشمرید، خود مصداق ظلم است. این یک آیه که به محضر شما قرائت کردم. در بعضی از روایات امام (علیه‌السلام) به این قسمت آخر آیه برای بعضی از موارد دیگر هم استناد کردند و پیداست که این یک اصل در معاملات و مبادلات است و ما نباید آن را نادیده بگیریم.

۳/۲/۱/۲. روایت «لَا أَرَىٰ بِهِ بَأْسًا مَا لَمْ يَزِدْ عَلَيَّ رَأْسَ مَالِهِ شَيْئًا»؛ دلیلی دیگر بر لزوم حفظ رأس اموال در تمام معاملات و مبادلات

من بعضی از این استنادات دیگر را به محضر شما قرائت کنم: روایتی در «من لایحضره الفقیه» و «تهذیب الاحکام» نقل شده است و سند حدیث هم بسیار عالی است. ۱۵۳ ما در

ذَلِكَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ - فَتَزَلَّتْ هَذِهِ الْآيَةُ وَالَّتِي بَعْدَهَا: {فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ} فَعَرَفَ بَنُو عَمْرِو أَنْ لَا يُدَانَ لَهُمْ بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: {وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُؤُسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ} فَتَأْخُذُونَ أَكْثَرَ {وَلَا تُظْلَمُونَ} فَتَبْخَسُونَ مِنْهُ. محمد بن عبد الله بن محمد بن احمد بن جعفر با اسناد از ابن عباس روایت می‌کند که گفت: شنیده ایم و خدا داناست که این آیه درباره‌ی خاندان بنی عمرو بن عمیر بن عوف از تعقیف و خاندان مغیره از بنی مخزوم نازل شد که بنی مغیره از طایفه تعقیف ربا می‌گرفتند پس از فتح مکه به دست پیغمبر - ربا به کلی ممنوع شد بنی عمرو بن عمیر و بنی مغیره به عتاب بن اسید که سرپرست مکه از سوی پیغمبر - بود مراجعه کردند، و بنی مغیره گفتند: ما نباید بیشترین ضرر را از بابت ربا متحمل شویم در حالی که برای دیگران ربا ملغی شده است و بنی عمرو بن عمیر گفتند: ما توافق کرده ایم که سودمان را بگیریم، و عتاب نامه به پیغمبر - نوشت و آیه مورد بحث و آیه بعدی نازل گردید که اگر دست از باقیمانده ربا بردارید آماده جنگ خدا و رسول الله - شوید: و بنی عمرو بن عمیر فهمیدند که تدبیر جنگ با خدا و رسول الله - نتوانند، و تنها می‌توانند اصل وام خود را پس بگیرند.

اسباب النزول، ص ۹۳

۱۵۳. برای مشاهده پیوست رجالی مرتبط با روایت شریف ر. ک پیوست رجالی ۱ جلسه ششم فقه المکاسب.

حجت الاسلام علی کشوری، مکتوب فقه المکاسب، ۲۱ الی ۳۱ شهریور ۱۳۹۸، قم

کانال الگوی پیشرفت اسلامی-ایتا

eitaa.com/olgou/3282

این دوره مباحثاتی چون تنها می‌خواهیم ساختار را بحث کنیم، فعلاً به مباحث سندی نپرداختیم؛ ولی همه این روایاتی که عرض کردم، با مبنای رجالی ما قابل دفاع است. می‌توان با مبنای «وثوق سندی»^{۱۵۴} از بخش قابل توجهی از این روایات دفاع کرد و از بخش دیگر هم با مبنای «وثوق صدور» تکاملی»^{۱۵۵} که به آن معتقد هستیم، دفاع می‌کنیم. به هر حال سند روایت، سند خوبی است. روایت این طور است که می‌فرماید: «فِي الرَّجُلِ يَكُونُ عَلَيْهِ دَيْنٌ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى»^{۱۵۶} این روایات درباره یک مردی اظهار نظر کردند که برای مدت معینی، یک دین و امانت و تعهدی را بر عهده گرفته است «فَيَأْتِيهِ غَرِيمُهُ وَ يَقُولُ لَهُ انْقُدْ لِي مِنَ الَّذِي لِي كَذَا وَ كَذَا» حال آن طرف که طلبکار است، نزدش می‌آید و می‌گوید: از مقدار پولی که نزد تو دارم، فلان مقدار را نقداً به من بده «وَ أَصْعُ لَكَ بَقِيَّتَهُ» و بقیه پول را رها کند یا بگوید «أَوْ يَقُولُ انْقُدْ لِي بَعْضاً وَ أَمُدُّ لَكَ فِي الْأَجَلِ فِيمَا بَقِيَ» بیا فلان مقداری از دین را که از تو طلبکار هستم، به من پرداز و بقیه را هم هر وقت خواستی پرداز. در سؤال کسی که از امام (علیه‌السلام) می‌پرسد، این دو فرض وجود دارد: مثلاً می‌گویی از این صد هزار تومان که موضوع دین است، شما هشتاد هزار تومان را به من نقد بده و آن بیست هزار تومان را نمی‌خواهد بدهی یا هشتاد هزار تومان را به من نقد بده و آن بیست هزار

۱۵۴. اعتبار سنجی احادیث بر مبنای وثوق سندی عبارت از مبنای فقهی-رجالی است که احراز صدور روایت از معصومین را بر اساس وثوق طریق فقیه به معصوم (سند روایت) منوط می‌داند. این مبنا مقابل مبنای «وثوق صدور» است که احراز صدور حدیث را علاوه بر «وثوق سند» شامل قرائن اطمینان‌آوری که ضعف سند را جبران کند نیز می‌داند.

۱۵۵. برای اطلاع از مبنای مختار رجالی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی، به پیشخوان شماره ۱۰ «تبیین مبنای وثوق صدور تکاملی» مراجعه فرمایید.

۱۵۶. رَوَى أَبَانٌ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) فِي الرَّجُلِ يَكُونُ عَلَيْهِ دَيْنٌ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى فَيَأْتِيهِ غَرِيمُهُ وَ يَقُولُ لَهُ انْقُدْ لِي مِنَ الَّذِي لِي كَذَا وَ كَذَا وَ أَصْعُ لَكَ بَقِيَّتَهُ أَوْ يَقُولُ انْقُدْ لِي بَعْضاً وَ أَمُدُّ لَكَ فِي الْأَجَلِ فِيمَا بَقِيَ. فَقَالَ لَا أَرَى بِهِ بَأْساً مَا لَمْ يَزِدْ عَلَى رَأْسِ مَالِهِ شَيْئاً يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ - فَلكُمْ رُؤُسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَ لَا تُظْلَمُونَ.

أبان بن عثمان از محمد بن مسلم از امام باقر (علیه‌السلام) روایت کند: مردی بدهی مدّت داری به دیگری دارد، طلبکار مراجعه کرده گوید فلان مقدار از طلب مرا نقدا پرداز و بقیه را به تو می‌بخشم، یا اینکه مقداری از طلب مرا نقدا و بقیه را مدّت طولانی‌تر پردازد، آیا در این دو صورت اشکالی هست؟ حضرت فرمود: من اشکالی نمی‌بینم به شرط آنکه به رأس المال (سرمایه) چیزی اضافه نکند زیرا خداوند می‌فرماید: فَلكُمْ رُؤُسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلَمُونَ وَ لَا تُظْلَمُونَ (بقره- آیه ۲۷۹) یعنی: برای شما اصل سرمایه اولیه شماست نه شما به کسی ظلم می‌کنید و نه ظلم خواهید شد.

من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۳۳

برای مشاهده پیوست رجالی مرتبط با روایت شریف ر. ک پیوست رجالی ۱ جلسه ششم فقه المکاسب.

حجت الاسلام علی کشوری، مکتوب فقه المکاسب، ۲۱ الی ۳۱ شهریور ۱۳۹۸، قم

کانال الگوی پیشرفت اسلامی-ایتنا

citaa.com/olgou/۲۳۸۲

تومان را هر وقت داشتی، در قسط‌های بلند مدت به من بده. حال طرف این چنین سؤالی را دارد، به نزد امام (علیه‌السلام) می‌رود، به امام (علیه‌السلام) می‌گوید آیا این درست است یا درست نیست که ما این طور معامله کنیم؟ حضرت (علیه‌السلام) می‌فرماید: «لَا أَرَىٰ بِهِ بَأْسًا مَا لَمْ يَزِدْ عَلَىٰ رَأْسِ مَالِهِ شَيْئًا» استظهار من به این قسمت است؛ امام (علیه‌السلام) می‌فرماید مادامی که اصل سرمایه را زیاد نکند، این معامله اشکال ندارد. مهم آن است که رئوس اموال حفظ شود. شما اصل پولتان صد هزار تومان بوده، تنها می‌توانید همان صد هزار تومان را مبادله کنید و نباید بیشتر شود. بعد امام (علیه‌السلام) به قرآن کریم استناد می‌کند: «يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ - فَالْكُمُ رُؤُسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» پس پیداست که این مسئله یک قاعده عامی است و این طور نیست که تنها به آن مورد اختصاص داشته باشد. هر وقت که قرضی جابجا می‌شود یا دینی مطرح می‌شود، در آن مسئله قرضی یا آن دین، باید رأس اموال محترم شمرده شود و اصل سرمایه حفظ شود و از بین نرود؛ نه زیاد شود و نه کم.

۳/۲/۱/۳. افزایش
و کاهش دائمی
ارزش پول در
بازه‌های زمانی
کوتاه؛ مانع رعایت
حکم «حفظ رأس
اموال» در مبادلات
قرضی

من اینجا سؤالی را مطرح می‌کنم: وقتی ما پول را به «اعتبار» معنا می‌کنیم؛ یعنی چه؟ یعنی پول دارای ارزش نباشد و ارزش پول به وسیله معادلاتی تعیین شود، احتمال اینکه ارزش پول کم و زیاد شود، احتمال بزرگی است؛ چون خود پول دارای ارزش ذاتی نیست و بر اساس شرایطی تعیین می‌شود. حال اگر کسی در این شرایط با پول اعتباری «معامله‌ای قرضی» را بین خودش و نفر دیگری، طراحی کرد؛ چه اتفاقی می‌افتد؟ رئوس اموال جابجا می‌شود و در این صورت «فالکم رؤس أموالکم» در این معادله قرضی - ولو ربوی هم نباشد - دیگر حاکم نخواهد بود. مثلاً شما در یک معامله اجاره خانه‌ای، یک قرض الحسنه بیست میلیون تومانی را به صاحب‌خانه‌تان می‌دهید. زمانی که شما بیست میلیون تومان به صاحب‌خانه‌تان قرض الحسنه دادید، مثلاً بیست میلیون تومان به اندازه بیست سکه طلا ارزش داشته است و موقعی که صاحب‌خانه قرض را به شما بازمی‌گرداند و شما دارید خانه را تخلیه می‌کنید، بیست میلیون تومان به اندازه پنج سکه طلا ارزش دارد. در این معامله‌ای که اتفاق افتاده، دیگر «فالکم رؤس أموالکم» نیست و «لا تظلمون و لا تظلمون» نیست و این قاعده برهم خورده است؛ بنابراین ما در دلیل اول معتقدیم در فرض پذیرش پول اعتباری، قاعده قرآنی «فالکم رؤس أموالکم لا تظلمون و لا تظلمون» به طور مکرر نقض می‌شود و شما دیگر نمی‌توانید جلوی این ظلم بین را بگیرید. این یک دلیل بود.

پس دلیل اول ما از قاعده استلزام است. اگر کسی می‌خواهد در معامله‌ای در مقام حفظ لیه «فالکم رؤس أموالکم» باشد نمی‌تواند با موضوعی قرض را مدیریت کند که ارزش آن موضوع دائماً دچار زیادت و نقصان می‌شود! بنابراین پذیرش موضوع پول اعتباری، زمینه

تحقق این قاعده قرآنی را به نحو حداکثری از بین می‌برد. شما هر روز با مسئله کاهش ارزش پول ملی روبرو هستید^{۱۵۷}؛ پس تمامی قرض‌هایی که در این بازه زمانی - یعنی قبل از کاهش ارزش پول ملی و بعد از کاهش ارزش پول ملی - تحقق پیدا کرده باعث شده اصل سرمایه به چالش کشیده شود و این آیه در آنها عمل نشده است. این یک دلیل است، پس ما به این دلیل نمی‌توانیم موضوع پول اعتباری را بپذیریم.

دلیل دومی که در مباحثات فقه‌المکاسب به آن استناد می‌کنیم و مبتنی بر آن دلیل معتقد هستیم پول اسلام، پول اعتباری نیست بلکه پول اسلام، درهم و دینار است (یعنی پولی است که مال محسوب می‌شود)، «نصاب‌گذاری شریعت در امر دیات و زکات» است که این نصاب‌گذاری بر پایه «درهم» و «دینار» بیان شده است. قرآن کریم و ائمه (علیهم‌السلام) وقتی خواستند نصاب حوزه دیات را معلوم کنند، بر پایه درهم و دینار (که دارای قید مالیت هستند) معلوم کرده‌اند و شما می‌دانید احکام دیات، احکامی دائمی و برای تمامی ادوار هستند. در مسئله زکات هم همین‌طور است.

من به عنوان نمونه روایتی را به محضرتان بخوانم: روایتی از جناب عبدالله بن سنان از ابی‌عبدالله الصادق (علیه‌السلام) نقل شده است؛ این روایت درباره دیه است. از امام (علیه‌السلام) سؤال فرمودند: دیه انگشتان دست و دیه انگشتان پا با یکدیگر تفاوت دارد؟ «أَصَابِعُ الْيَدَيْنِ وَالرَّجْلَيْنِ سَوَاءٌ فِي الدِّيَةِ فِي كُلِّ إِصْبَعٍ عَشْرٌ مِنَ الْإِبِلِ وَ فِي الظُّفْرِ خَمْسَةٌ دَنَانِيرٌ»^{۱۵۸} امام (علیه‌السلام) می‌فرماید دیه انگشتان دست و پا مساوی است و درباره هر انگشتی (اگر شما به انگشت یک انسانی ضربه بزنید و آن را حذف کنید) باید ده شتر، دیه پرداخت کنید، هر ناخن هم پنج دینار دیه دارد. وقتی امام (علیه‌السلام) در اینجا وارد بحث نصاب برای دیه شدند، بر مبنای دینار و شتر عمل کردند و مبنای خودشان را اموری دارای ارزش واقعی قرار دادند. ما الآن هم که می‌خواهیم این احکام را جاری کنیم، لازم است این مسئله را در دستور کار خودمان قرار

۳/۲/۲. بلا
موضوع شدن مسئله
دیات و زکات؛ در
صورت پذیرش پول
اعتباری به جای پول
دارای مالیت (درهم و
دینار)

۳/۲/۲/۱. روایت
«فِي الظُّفْرِ خَمْسَةٌ
دَنَانِيرٌ»؛ نمونه‌ای از
روایات نصاب‌گذاری
شریعت در دیات بر
محور پول دارای
مالیت (درهم و دینار)

۱۵۷. برای مشاهده آمار کاهش ارزش پول ملی ر.ک پیوست ۶ جلسه ششم فقه‌المکاسب.

حجت الاسلام علی کشوری، مکتوب فقه‌المکاسب، ۲۱ الی ۳۱ شهریور ۱۳۹۸، قم

کانال الگوی پیشرفت اسلامی - ای‌تا

eitaa.com/olgou4/3282

۱۵۸. مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: أَصَابِعُ الْيَدَيْنِ وَالرَّجْلَيْنِ سَوَاءٌ فِي الدِّيَةِ فِي كُلِّ إِصْبَعٍ عَشْرٌ مِنَ الْإِبِلِ وَ فِي الظُّفْرِ خَمْسَةٌ دَنَانِيرٌ.

ابوعبدالله صادق (علیه‌السلام) گفت: انگشتان دو دست و دو پا خون‌به‌ای برابری دارند. هر انگشتی ده شتر و هر ناخنی پنج دینار تاوان دارد.

دهیم. الآن دیگر نمی‌توانیم نصاب را عوض کنیم. بعضی‌ها می‌خواهند بگویند طلا و نقره، پول آن زمان بوده است و امام (علیه‌السلام) بر اساس آن عمل کرده است، حال اینجا سؤال به وجود می‌آید که آیا ما الآن باید بر اساس پول این موقع، نصاب دیه را معلوم کنیم؟ تقریباً هیچ فقیهی که فقاقت را فهم کرده باشد، به این قائل نشده است. حال البته ممکن است از این به بعد عده‌ای به این قائل شوند و این معنا را بپذیرند!

روایت ۳/۲/۲۲. روایت «ففي كل ألف خمسة وعشرون»؛ نمونه‌ای از روایات نصاب‌گذاری شریعت در زکات بر محور پول دارای مالیت (درهم و دینار)

درباره زکات هم همین‌طور است. یک روایتی از جناب مُفَضَّل بن عمر نقل شده که درباره نصاب زکات است. «قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه‌السلام) فَسَأَلَهُ رَجُلٌ فِي كَمْ تَجِبُ الزَّكَاةُ مِنَ الْمَالِ؟»^{۱۵۹} موضوع سؤال این است که چه موقع زکات بر مال واجب می‌شود؟ «فَقَالَ لَهُ الزَّكَاةُ الظَّاهِرَةُ أَمْ الْبَاطِنَةُ؟» امام (علیه‌السلام) قبل از اینکه وارد پاسخ به پرسش صحابی خودشان بشوند، یک فرآیند «حسن‌السؤال» را مطرح می‌کنند؛^{۱۶۰} در اینجا امام اینگونه می‌فرمایند: «فَقَالَ لَهُ الزَّكَاةُ الظَّاهِرَةُ أَمْ الْبَاطِنَةُ تُرِيدُ؟» می‌فرمایند سؤال دقیق نپرسیدی! مراد تو زکات ظاهری است؟ و یا زکات باطنی نیز در این سؤال مطرح است؟ این صحابی نیز عرض کردند: «فَقَالَ أُرِيدُهُمَا» فدایتان بشم هر دو را بفرمایید، هر دوی آنها مد نظر من بوده است. «فَقَالَ أَمَّا الظَّاهِرَةُ فَبِئْسَ كُلُّ أَلْفٍ خَمْسَةٌ وَعِشْرُونَ» حضرت فرمود که در مورد زکات ظاهری این است که از هر هزار درهم بیست و پنج درهم را باید پردازی؛ یعنی با تعریف خاصی از پول نصاب تعریف می‌کنند. خب الآن ما این را چطور تطبیق کنیم؟ یعنی بگوییم که الآن ما از هر هزار ریال باید بیست و پنج ریال پردازیم؟! کسی می‌تواند در مقام فقاقت این را

۱۵۹. علي بن محمد عمّن ذكره عن محمد بن خالد بن محمد بن سنان عن المفضل قال: كنت عند أبي عبد الله (عليه‌السلام) فسأله رجل في كم تجب الزكاة من المال فقال له الزكاة الظاهرة أم الباطنة تريد فقال أريدتهما جميعاً فقال أمّا الظاهرة ففي كل ألف خمسة وعشرون و أمّا الباطنة فلا تستأثر على أخيك بما هو أحوج إليه منك.

مفضل گوید: در حضور امام صادق (علیه‌السلام) بودم که شخصی پرسید: به چه میزان از دارایی زکات تعلق می‌گیرد؟ فرمود: منظور تو زکات ظاهری است یا باطنی؟ عرض کرد: هر دو مورد را می‌خواهم بدانم. فرمود: زکات ظاهری در هر بیست و پنج هزار تعلق می‌گیرد، ولی زکات باطنی آن است که برای برادر دینی خود آن‌چه را که نیازش از تو بیشتر است دریغ نوری.

الکافی، ج ۳، ص ۵۰۰

۱۶۰. فرآیند «حسن‌السؤال» - که در بقیه روایات هم همین‌طور است - یعنی چه؟ یعنی سؤال طرف مقابل را دقیق می‌کنند؛ بر خلاف بعضی از ما که به همه سؤالات پاسخ می‌دهیم، اگر کسی ادبیات روایات را مطالعه کرده باشد، به طور فراوان در موارد مختلف می‌بیند که امام (علیه‌السلام) قبل از اینکه وارد پاسخ شوند، سؤال غیر دقیق را دقیق می‌کنند. اصطلاحاً فرآیند «حسن‌السؤال» را در مورد یک سؤال اعمال می‌کنند. حالا اینکه فرآیند «حسن‌السؤال» ساختار دقت را در چند بخش بحث می‌کند را بعداً در مباحثات اصولی باب دوم بیان مبتنی بر تأمل بحث می‌کنیم.

به امام نسبت دهد؟! نه هیچ فقیهی را ندیده‌ایم که قائل به این بحث شود.^{۱۶۱} حتماً ظاهر لفظ امام برای ما حجیت دارد.

حالا می‌فرماید: «أَمَّا الْبَاطِنَةُ فَلَا تَسْتَأْذِرُ عَلَيَّ أَحْيَاكَ بِمَا هُوَ أَحْوَجُ إِلَيْهِ مِنْكَ» اما زکات باطنی این است که اگر شما دیدی که پول و مالی داری و برادرت بیش از تو به آن نیازمند است، مالت را به برادرت بدهی که این از آن احکامی است که در دوره ما کلاً تعطیل است. یک مالی داری و برادرت نیز نیازی دارد و زکات باطنی این است که این مال را به برادرت بدهی. امام برای این مسئله استدلالی می‌فرماید: «إِنَّمَا أَعْطَاكُمْ اللَّهُ هَذِهِ الْفُضُولَ مِنَ الْأَمْوَالِ لِتُوجَّهُوا حَيْثُ وَجَّهَهَا اللَّهُ وَ لَمْ يُعْطِكُمْوهَا لِتَكُنْزُوهَا»^{۱۶۲} می‌فرماید این فضول اموالی که خدا در اختیار شما قرار داده است به دلیل این است که آن را در جایی مصرف کنید که خدای متعال راضی است. خدا این اضافی اموال را به شما نداده که با آن حساب پس انداز باز کرده و ذخیره کنید. پس امام پس انداز را به این نحوی که الآن در جریان است نفی می‌کند و می‌فرماید پس انداز این است که شما از پایگاه سود ارتباطی سودتان را تأمین کنید.

این دسته دوم روایاتی است که ما به آن استناد می‌کنیم و می‌گوییم که پول اسلام پول واقعی است. امام (علیه‌السلام) بر اساس پول واقعی مسئله زکات و دیات را نصاب گذاری کرده‌اند. اگر شما بگویید که امام بر مبنای عرف زمان خود ورود پیدا کرده و بحث می‌کرده و مراد ایشان امضای آن پول نبوده بلکه از باب جریان درهم و دینار در آن عصر به آن پول می‌پرداخته مسئله نصاب گذاری در دیات، زکات و مانند آن بلا موضوع می‌شود و این دور از جریان هدایت است.

بالاخره مسئله زکات و دیات جزء ارکان هدایت جمعه است. اگر شما این ادعا را بپذیرید، به لازمه آن این ایراد به امام وارد می‌شود که چرا هدایت را تمام نکرده است؟! اگر نظر امام این بود که پول درهم و دینار نیست بلکه پول عرفی است و در همه اعصار پول همان عصر معتبر است به این

۳/۲/۲/۲/۱. خلل در جریان هدایت؛ در صورت عدم بلا موضوع شدن نصاب دیات و زکات در کلام امام (علیه‌السلام)

۱۶۱. برای مشاهده برخی کلام فقها در باب زکات نقدین ر. ک پیوست ۷ جلسه ششم فقه المکاسب.

حجت الاسلام علی کشوری، مکتوب فقه المکاسب، ۲۱ الی ۳۶ شهریور ۱۳۹۸، قم

کانال الگوی پیشرفت اسلامی-ایتا

eitaa.com/olgou4/3282

۱۶۲. عَلِيُّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ ضُرَيْسٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه‌السلام): إِنَّمَا أَعْطَاكُمْ اللَّهُ هَذِهِ الْفُضُولَ مِنَ الْأَمْوَالِ لِتُوجَّهُوا حَيْثُ وَجَّهَهَا اللَّهُ وَ لَمْ يُعْطِكُمْوهَا لِتَكُنْزُوهَا.

ضریس گوید: امام صادق (علیه‌السلام) فرمود: به راستی که خداوند ثروت بسیاری به شما داده است که آن را در آن جایی که خدا دستور داده است مصرف کنید و این ثروت را نداده است که شما ذخیره‌اش کنید.

الکافی، ج ۴، ص ۳۲

امر هدایت می فرمودند. البته الآن در فقه اهل تسنن به همین شکل است که زکات را بر پول جایز می دانند^{۱۶۳} ولی الآن جمهور فقهای شیعه به این قول قائل نیستند که زکات در مسئله پول جریان دارد بلکه زکات بر نقدین و پولی که درهم و دینار است و مال محسوب می شود جریان دارد.

البته روایات دسته دوم فراوان است و فقط مربوط به مسئله زکات و دیات نمی شود. تقریباً بلکه تحقیقاً ادبیات مالی اهل بیت علیهم السلام در همه حوزه‌ها همین گونه است؛ در حوزه اجاره و خراج و مهریه به همین صورت است و به تبع آن ادبیات فقهای شیعه - عَفَرَ اللَّهُ لَهُمْ وَ كَثَرَ اللَّهُ أَمْثَالَهُمْ - نیز به همین صورت است؛ یعنی آنها نیز بر همین مبنا بحث کرده و وارد گفتگو شده‌اند که اگر مصادیق تفصیلی تری را بحث کنم بحث به درازا می انجامد.

خب دسته سوم دلایلی که به آنها استناد کرده و می گوئیم که پول اسلام یک پول واقعی است، تعریف درهم و دینار در کلمات امام (علیه السلام) با آثار دائمی و غیر عصری است. در بعضی از عبارات و نقل‌های حدیثی از ائمه ما راجع به درهم و دینار سؤال کرده‌اند. امام طوری درهم و دینار را توضیح داده‌اند که آن اوصاف برای یک عصر نیست بلکه برای تمام اعصار است و پیداست که درهم و دینار به عنوان پول عصری در ذهن ایشان نبوده است، بلکه به عنوان پول اصلی و پولی که اسلام آن را قبول دارد بوده است.

به عنوان مثال: «عَنْ الرَّضَا عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ: أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الدَّنَانِيرِ وَ الدَّرَاهِمِ»^{۱۶۴} سؤال پرسیدند که شما راجع به دینار و درهم چه می گویی «وَمَا عَلَى النَّاسِ

۳/۲/۳. ویژگی‌های «مصلحت مردم»، «عامل درست‌شدن کارها» و وجود وجه تسمیه؛ نمونه‌هایی از ویژگی‌های فراعصری درهم و دینار

۳/۲/۳/۱. روایت «هی خواتیم الله فی أرضه جعلها الله مصلحة لخلقها و بها یستقیم شئونهم و مطالبهم فمن»؛ یکی از روایات بیان‌گر ویژگی‌های درهم و دینار

۱۶۳. اگر کسی پول نقدی را پس انداز کرد که به حد نصاب می‌رسید و سالی هم بر آن پول یا مال پس انداز، گذشت باید زکات آن را بدهد، فرقی ندارد که آن را برای مخارج منزل یا ازدواج یا خرید زمین یا پرداخت بدهکاری و... پس انداز کرده باشد. آدرس مطلب در پایگاه تخصصی اهل سنت و جماعت: yon.ir/SONAT

۱۶۴. وَ بِإِسْنَادِهِ [أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ، عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْفَضْلُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْبَيْهَقِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا هَارُونُ بْنُ عَمْرٍو الْمُجَاشِعِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ، قَالَ] عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَبِيهِ، أَبِي جَعْفَرٍ: أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الدَّنَانِيرِ وَ الدَّرَاهِمِ، وَ مَا عَلَى النَّاسِ فِيهَا. فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): هِيَ خَوَاتِيمُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، جَعَلَهَا اللَّهُ مَصْلَحَةً لِخَلْقِهِ، وَ بِهَا تَسْتَقِيمُ شُؤْنُهُمْ وَ مَطَالِبُهُمْ، فَمَنْ أَكْثَرَ لَهُ مِنْهَا فَقَامَ بِحَقِّ اللَّهِ (تَعَالَى) فِيهَا وَ أَدَى زَكَاتَهَا، فَذَلِكَ الَّذِي طَابَتْ وَ خَلَصَتْ لَهُ، وَ مَنْ أَكْثَرَ لَهُ مِنْهَا فَبَجَلَ بِهَا، وَ لَمْ يُؤَدِّ حَقَّ اللَّهِ فِيهَا وَ اتَّخَذَ مِنْهَا الْآيَةَ فَذَلِكَ الَّذِي حَقَّ عَلَيْهِ وَعَيْدُ اللَّهِ (عَزَّ وَ جَلَّ) فِي كِتَابِهِ، قَالَ اللَّهُ: «يَوْمَ يُحْمَى عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتَكْوَى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَ جُنُوبُهُمْ وَ ظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كُنْتُمْ لَا تَنْسِكُونَ فَأُدْوَاقُكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ».

و به همان سند از حضرت صادق روایت شده که از حضرت باقر درباره دینار و درهم و وظیفه مردم در برابر آن پرسیدند و حضرت باقر (علیه السلام) فرمودند: دینار و درهم مهرهای خداوند در زمین‌اند که آن‌ها را برای مصلحت آفریدگانش قرار داده و با آن امور و خواسته‌هاشان نظام می‌گیرد. هرکس که از آن بسیار داشت و حق خدا را درباره آن ادا کرده، زکاتش را داد همان مالی است که پاک گشته و مخصوص او شده است ولی هرکس بسیاری از آن را داشت و از بخشش دریغ کرده، حق خدا را نداد و از آن ظرف درست کرد همان کسی است که تهدید خداوند در کتابش سزاوار او است. خداوند فرمود: «روزی که آن را در آتش دوزخ بگدازند و با آن پیشانی و پهلو و پشتتان را داغ نهند. این همان گنجی است که اندوختید پس بجشید از آنچه می‌اندوختید» [توبه ۳۵]

فِيهَا» خاصیت درهم و دینار چیست؟ «فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (عليه السلام) هِيَ خَوَاتِيمُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ» این بخش را دو جور می‌توان معنا کرد؛ یکی اینکه بگوییم اینها امانت‌های خدا در زمین‌اند و یک وقت خواتیم را جمع خاتم بگیریم و بگوییم که آنها مهرهای خدا در زمین‌اند. «جَعَلَهَا اللَّهُ مَصْلَحَةً لِخَلْقِهِ» در بعضی از نسخه‌ها نیز «مَصْحَةً لِخَلْقِهِ»^{۱۶۵} نقل شده است. به هر تعبیری که در نسخه‌های مختلف نقل شده است می‌فرماید که خدا این را مایهٔ تصحیح زندگی مردم و یا مایهٔ مصلحت زندگی مردم قرار داده است. «بِهَا يَسْتَقِيمُ سُئُونُهُمْ وَ مَطَالِبُهُمْ» قرار است امور مردم را با درهم و دینار اصلاح کنیم. امام در مورد فوائد درهم و دینار سه قید را بحث می‌کند؛ «هِيَ خَوَاتِيمُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ» و «جَعَلَهَا اللَّهُ مَصْلَحَةً لِخَلْقِهِ» و «بِهَا تَسْتَقِيمُ سُئُونُهُمْ وَ مَطَالِبُهُمْ» هر سه قید غیر عصری هستند و در همهٔ اعصار وجود دارند.

خصوصاً اگر شما با ادبیات روایات آشنا باشید، می‌بینید این کلماتی که امام در اینجا استعمال کرده است فقط در این مورد نیست، بلکه این کلمات جزو کلمات مرکزی روایات است. مثلاً در بحث راجع به حجامت می‌فرماید که حجامت «مَصْحَةً لِلْبَدَنِ»^{۱۶۶} کلمهٔ تصحیح‌کننده را نیز

الامالی (للتوسی)، ج ۱، ص ۵۲۰ / بحار الانوار، ج ۶۳، ص ۵۲۸ (سند بحار: مَجَالِسُ إِبْنِ الشَّيْخِ، عَنْ وَالِدِهِ عَنْ جَمَاعَةٍ عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ الشَّيْبَانِيِّ عَنْ الْفَضْلِ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ الْمُسَيَّبِ عَنْ هَارُونَ بْنِ عَمْرٍو الْمَجَاشِعِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ الصَّادِقِ (عليه السلام) وَ عَنْ الْأُمِّجَانِيِّ عَنِ الرَّضَا عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ...)

برای مشاهدهٔ پیوست رجالی مرتبط با روایت شریف ر. ک پیوست ۲ جلسه ششم فقه المکاسب.

حجت الاسلام علی کشوری، مکتوب فقه المکاسب، ۲۱ الی ۳۱ شهریور ۱۳۹۸، قم

کانال الگویی پیشرفت اسلامی - ایتا

eitaa.com/olgou/3382

۱۶۵. ما، [الامالی للشيخ الطوسي] ، بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ ع: أَنَّهُ سُنِلَ عَنِ الدَّنَانِيرِ وَ الدَّرَاهِمِ وَ مَا عَلَى النَّاسِ فِيهَا فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (عليه السلام) هِيَ خَوَاتِيمُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ جَعَلَهَا اللَّهُ مَصْحَةً لِخَلْقِهِ وَ بِهَا يَسْتَقِيمُ سُئُونُهُمْ وَ مَطَالِبُهُمْ فَمَنْ أَكْثَرَ لَهُ مِنْهَا فَقَامَ بِحَقِّ اللَّهِ تَعَالَى فِيهَا وَ أَدَى زَكَاتَهَا فَذَلِكَ الَّذِي طَلَبَتْ وَ حَلَصَتْ لَهُ وَ مَنْ أَكْثَرَ لَهُ مِنْهَا فَبِخِلَ بِهَا وَ لَمْ يُؤَدِّ حَقَّ اللَّهِ فِيهَا وَ إِتَّخَذَ مِنْهَا آتِنَةً فَذَلِكَ الَّذِي حَقَّ عَلَيْهِ وَعِيدُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِي كِتَابِهِ يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: يَوْمَ يُحْمَى عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتَكْوَى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَ جُنُوبُهُمْ وَ ظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كُنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ فَذَوْقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْتَبُونَ.

امام صادق از پدرش علیه‌السلام روایت می‌کند که از آن جناب از درهم و دینار و آنچه باید مردم در باره آنها انجام دهند سؤال شد، امام فرمود: آنها مهرهای خداوند در زمین می‌باشند پروردگار درهم و دینار را برای مصلحت مردم قرار داده و زندگی مردم به خاطر آنها جریان پیدا می‌کند و خواسته‌های آنان بر آورده میگردد، و هر کس درهم و دینار زیاد بدست آورد و حق خداوند را بدهد و زکاه را پرداخت کند آن درهم و دینار برای او پیاك می‌شود اما هر کس زیاد جمع کرد و بخل ورزید و حق خدا را نداد، و از آنها ظرف درست کرد، در این جا عذاب خداوند را خواهد دید، در آن جا که فرمود: يَوْمَ يُحْمَى عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتَكْوَى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَ جُنُوبُهُمْ وَ ظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كُنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ فَذَوْقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْتَبُونَ.

بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۱۵

بحث می‌کند. در مورد سایر امور نیز به همین صورت است. وقتی این دقت‌ها را در روایات می‌بینیم، متوجه می‌شویم که این مسئله ناظر به یک عصر خاص نیست، بلکه در حال بحث راجع به خلق خدا و مصلحت خلق خداست. این‌ها امری نیست که مختص به عصری بوده و در عصر دیگر موضوعیت نداشته باشد. مثلاً امام می‌توانست بگوید که «فِي هَذِهِ الزَّمَانِ» به این صورت است. در روایت هیچ کدام از این قیده‌ها نیست و روایت اطلاق دارد و قیودی را که در آن بحث شده است در همه اعصار موضوعیت دارد.

در ادامه روایت می‌فرماید: «فَمَنْ أَكْثَرُ لَهُ مِنْهَا فَقَامَ بِحَقِّ اللَّهِ فِيهَا وَ أَدَّى زَكَاتَهَا» اگر پول زیادی نزد کسی بود، باید نسبت به ادای حقوق خدا از آن پول اقدام کرده و زکات خود را بپردازد. «فَذَاكَ الَّذِي طَابَتْ وَ حَلَصَتْ لَهُ» اگر این کار را کرد این پول در اختیار اوست و طیب و طاهر است. «مَنْ أَكْثَرُ لَهُ مِنْهَا فَبَخَلَ بِهَا» اگر پول زیادی در اختیار او بود ولی بخل ورزید «وَ لَمْ يُؤَدِّ حَقَّ اللَّهِ فِيهَا وَ اتَّخَذَ مِنْهَا الْآيَةَ فَذَاكَ الَّذِي حَقَّ عَلَيْهِ وَعَيْدُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِي كِتَابِهِ» اگر حق خدا را ادا نکرد، وعید خدا که در کتابش بیان شده است در مورد این فرد جریان پیدا می‌کند. کدام وعید؟ «يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: يَوْمَ يُحْمَى عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتَكُونُ بِهَا جِبَاهُهُمْ وَ جُنُوبُهُمْ وَ ظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنَزْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ» این آیه تهدید آمیز خدا در مورد او جریان پیدا می‌کند.

حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى بْنِ عُبَيْدِ بْنِ أَبِي عُبَيْدٍ الْبُقَطِينِيُّ عَنْ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِي بصيرٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي عَنْ أَبِيهِ (عليه السلام) أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) عَلَّمَ أَصْحَابَهُ فِي مَجْلِسٍ وَاحِدٍ أَرْبَعِمِائَةَ بَابٍ مِمَّا يُصَلِّحُ لِلْمُسْلِمِ فِي دِينِهِ وَ دُنْيَاهُ قَالَ (عليه السلام): إِنَّ الْحِجَامَةَ تُصَحِّحُ الْبَدْنَ.

امام صادق از پدرانش نقل می‌فرماید که امیر المؤمنین (عليه السلام) به یاران خود در يك مجلس چهار صد باب از چیزهایی که دین و دنیای مسلمان را اصلاح می‌کند بیاموخت و فرمود: حجامت کردن بدن را سلامت می‌کند.

الخصال، ج ۲، ص ۶۱۱

عَنْهُ عَنْ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) قَالَ: قِيَامُ اللَّيْلِ مَصْحَةٌ لِلْبَدَنِ وَ رَضَى الرَّبُّ وَ تَمَسُّكَ بِالْأَخْلَاقِ النَّبِيِّينَ وَ تَعَرُّضُ لِلرَّحْمَةِ. امیر المؤمنین (عليه السلام): شب زنده‌داری موجب تندرستی و رضای پروردگار و تمسک به اخلاق پیامبران و تعرض به رحمت است.

المحاسن، ج ۱، ص ۵۳

وَ زَوْيَ أَيْضاً عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام): أَنَّ أَوَّلَ ثَلَاثَاءِ تَدْخُلُ فِي شَهْرِ آذَانَ بِالرُّومِيَّةِ الْحِجَامَةُ فِيهِ مُصْحَةٌ سَنَةً بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى.

امام صادق (عليه السلام): در حجامت اولین سه شبانه ماه آذار رومی تصحیح در طی یکسال است - باذن الله تعالی -.

مستندرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۳، ص ۸۰

بنابراین در این روایت پول را با اوصاف غیر عصری بحث کرد و ما از ظهور کلماتی که در مورد درهم و دینار آمده و ظهور غیر عصری دارد، به این منتقل می‌شویم که پول در اسلام همین درهم و دینار بوده و دارای مالیت است.

البته روایات این بخش بیش از اینهاست و مثلاً روایاتی که حضرت کلمات درهم و دینار را معنا می‌کند نیز همان معنا را می‌رساند و می‌فرماید «درهم دَاڑْ هَمَّ و دینار دَاڑْ اَلْتَّارِ»^{۱۶۷} اصل کلمه آنها این گونه بوده است و بعداً برای راحتی استعمال «دَاڑْ هَمَّ» و «دَاڑْ اَلْتَّارِ» تبدیل به درهم و دینار شده است و در واقع وقتی ترمینولوژی کلمه درهم و دینار را معنا می‌کند، معلوم می‌شود این کلماتی که انتخاب شده است کاملاً نسبت به عواقب درهم و دینار هشدار می‌دهد و از این دسته روایات نیز می‌توان این معنا را به دست آورد.

پس با این سه دسته روایاتی که بنده عرض کردم؛ یعنی اولاً تحقق قاعده قرآنی «فَلَكُمْ رُؤُسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلُمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ»، ثانیاً بحث نصاب گذاری شریعت در مسئله دیات و زکات بر پایه درهم و دینار و ثالثاً تعریف درهم و دینار به آثار دائمی و غیر عصری. ما به این سه دسته دلیل استظهار کرده‌ایم که پول اسلام درهم و دینار است؛ پول اسلام پولی با قید مالیت بوده و اعتباری نیست. پس محل بحث من یک تحلیل عقلایی نیست.

انسان گاهی از برخی فضلاء تعجب می‌کند! من دیشب که آراء برخی از فضلاء را بررسی می‌کردم دیدم که با یک تحلیل عقلایی و عقلی می‌خواهند بگویند که پول اسلام، پول طلا نیست. برخی از آقایان تعبیری مطرح کرده بودند که اگر پول اسلام را «پول طلا» بدانیم مثل این است که با سپر و شمشیر به جنگ توپ و تانک برویم.^{۱۶۸} استدلال ایشان این بود که تعریف پول به درهم

۳/۲/۳/۲. «دَاڑْ هَمَّ» و «دَاڑْ اَلْتَّارِ»؛ دو وجه تسمیه روایی برای درهم و دینار

۳/۳. ادعای ناکارآمدی مالیت ابزار مبادله؛ نتیجه عدم توجه به سه زیرساخت اولیه (سه باب اول) در فقه المکاسب

۱۶۷. برای مشاهده روایت مرتبط با وجه تسمیه درهم و دینار ر.ک پیوست ۸ جلسه ششم فقه المکاسب.

حجت الاسلام علی کشوری، مکتوب فقه المکاسب، ۲۱ الی ۳۱ شهریور ۱۳۹۸، قم

کانال الگوی پیشرفت اسلامی-ایتا

eitaa.com/olgou/3282

۱۶۸. حجت الاسلام و المسلمین روح الله صدوق کارشناس اقتصاد اسلامی در گفتگو با مقاومتی نیوز با رد نظریه پول طلا و پشتوانه طلا برای پول گفت: پول طلا یا پول کالایی در مواجهه با پول در ادبیات توسعه، مانند سپر و شمشیر در برابر توپ و تانک است و قدرت هم‌اوردی ندارد.

آدرس مطلب در پایگاه مقاومتی نیوز: b2n.ir/096924

برای مشاهده سخنان کامل ایشان ر.ک پیوست ۹ جلسه ششم فقه المکاسب.

حجت الاسلام علی کشوری، مکتوب فقه المکاسب، ۲۱ الی ۳۱ شهریور ۱۳۹۸، قم

کانال الگوی پیشرفت اسلامی-ایتا

eitaa.com/olgou/3282

و دینار نمی‌تواند با سیاست‌های پول و مالی‌ای که بر مبنای پول اعتباری است، موازنه کند. بله ممکن است که بگویید نمی‌تواند موازنه کند - البته ابطال این ادعا را الآن عرض می‌کنم - ولی از ظهور روایات و آیات چرا عبور می‌کنید؟! مگر قرار نیست فقاهت کنیم؟! آیا یک فقیه می‌تواند تحلیل خلاف ظهور روایات و آیات ارائه دهد؟! این قاعده را همه فقهای شیعه قبول دارند ولی در کیفیت استظهار ممکن است که ادله‌ای بیاورند و استظهارات یکدیگر را باطل کنند. این که یک نفری به عرصه دین و تحلیل‌های فقهاتی ورود پیدا کند و خود را متعهد به استظهار نداند یک امر واضح‌البطلانی است و این معنا حتماً باید در کلمات آقایان اصلاح شود. منتها آن اشکالی که در ذهن ایشان مطرح شده است را بنده سعی می‌کنم بحث کنم تا ان‌شاءالله دلیل آن نیز معلوم شود که چرا تعریف پول با قید مالیت دارای کارآمدی بیشتری است.

۳/۳/۱. پذیرش
اقتصاد سرمایه‌داری
و تولید و تجارت
متمرکز؛
پیش‌فرض‌های حاکم
بر کارآمدی پول
اعتباری

کسانی که می‌گویند پول با قید مالیت در عصر معاملاتی حاضر کارآمدی ندارد - خواهش می‌کنم دقت بفرمایید چرا که این بحث خیلی دقیق است - عمده استدلال آنها این است که پول اعتباری «پیش‌نیاز نهادی» برای رشد و تولید است.^{۱۶۹} من این عبارت را توضیح دهم: اقتصاد بر مبنای نهادگرایی تأثیر ساختارها و نهادهای جامعه را بر عرضه و تقاضا و بازار و معامله بحث می‌کند. حالا برخی از این نهادها اقتصادی بوده و برخی نیز غیر اقتصادی هستند.^{۱۷۰} با این تعریف که تأثیر نهادها را بر مسئله اقتصاد لحاظ کنیم، اقتصاد موجود به سمت تمرکز و صنعتی شدن رفته است. بنابراین در اقتصاد سرمایه‌داری حجم تولید ارتقاء پیدا می‌کند و در کنار آن مبادلات و تجارت به طایفه تجار مربوط می‌شود و در فضای بین الملل نیز برای همه تجار نیست بلکه تنها برای افرادی است که کارت تجارت^{۱۷۱}

۱۶۹. برای مثال می‌توان به مقاله «پول پیش‌نیاز نهادی رشد و رونق اقتصادی» اشاره کرد.

آدرس مطلب در پایگاه خبری تحلیلی اقتصاد مقاومتی: b2n.ir/170691

۱۷۰. به توضیح اصطلاح نهاد در مفاهیم اقتصادی در پاورقی ۶ رجوع شود جلسه ششم فقه المکاسب.

حجت الاسلام علی کشوری، مکتوب فقه المکاسب، ۲۱ الی ۳۱ شهریور ۱۳۹۸، قم

کانال الگوی پیشرفت اسلامی - ایتا

eitaa.com/olgou/3282

۱۷۱. مبادرت به امر صادرات و واردات کالا به صورت تجاری مستلزم داشتن کارت بازرگانی است که توسط اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران صادر و به تأیید وزارت بازرگانی می‌رسد.

آدرس مطلب از ماده سوم قانون مقررات صادرات و واردات (تاریخ تصویب: ۱۳۷۲/۰۷/۰۴ مرجع تصویب: مصوبات مجلس شورا) آدرس

قانون مقررات صادرات و واردات از پایگاه مرکز پژوهش‌های مجلس: b2n.ir/144114

داشته و درآمد کلانی را در اختیار دارند. تجارت به امری کاملاً اختصاصی برای طبقه سرمایه دار تبدیل می‌شود. در چنین فضایی که تولید صنعتی بوده و تجارت غیر عمومی است، کارکرد پول اعتباری بیشتر از پول حقیقی است.

به یک قلم از کارکردهای آن توجه کنید؛ مثلاً شما می‌خواهید بین دو شرکت در فضای بین‌الملل مبادله کنید. وقتی می‌خواهید این کار را انجام دهید، نمی‌توانید آن حجم از پول را با مدل‌های موجود منتقل کنید و باید آن را از طریق سوئیفت^{۱۷۲} و مدل‌هایی که حاکم بر مسئله پول اعتباری هستند باید این کار را کنید. یا اگر بخواهید یک بخش صنعتی را راه بیندازید حتماً باید بانک برای شما تجمیع سرمایه کرده و یک سرمایه کلانی را به وجود بیاورید تا شما بتوانید آن کسب و کار صنعتی را راه بیندازید. کسب و کارهای صنعتی با پول‌های خرد راه نمی‌افتد و نیاز به پول‌های کلان و حکومتی دارد. لذا فضای حاکم بر پول اعتباری، تمرکز در تولید و صنعت است. آقایان در چنین فضایی [ادعای کارآمدی پول اعتباری می‌کنند].

خب فضای حاکم بر پول اسلام چیست؟ اتکای پول اسلام به مسئله تولید و بازار غیر متمرکز است. همانطور که در قسمت اول عرایض مطرح کردم. حال من از شما سؤال می‌کنم: اگر قرار شد بازارهای موقت راه بیندازیم، حال آیا در این بازارها پول به تعریف اسلام کارآمدی بیشتری دارد و یا پول با نگاه اعتباری؟ اساساً ممکن است که گردش اعتبارات در بازار موقت در یک روز حدود صد میلیون تومان باشد که این مقدار در بین ده‌ها کسبه‌ای است که در آن جا کار می‌کنند. حجم پول داد و ستد شده در یک بازار موقت حجم زیادی نیست. چون پول به نحو خرد جابه جا می‌شود، دیگر الزامات پول اعتباری را نیاز نداریم. در یک جمله فولد پول اعتباری زمانی فائده محسوب می‌شود که در تولید و تجارت تمرکز حاکم باشد. در حالی که وقتی از تمرکز در تجارت و تولید عبور کنید، فواید پول اعتباری بی‌خاصیت می‌شود. آقایان این بحث موضوع‌شناسانه را بررسی نمی‌کنند و راجع به پول اظهار نظر می‌کنند.

بنده همیشه در اعتراضات و گفتگوهای خود به آقایان عرض کرده‌ام که شما تعریف پول را در اسلام متوجه نشده‌اید؛ پول در اسلام یک ابزار بسیار پیچیده و ابزار مبادله در فضای غیرمتمرکز است. پول بر گسستگی یا پیوستگی روابط انسانی تأثیر دارد؛ یعنی ما طلبه‌ها که فقه‌المکاسب می‌خوانیم پول را به عنوان ابزاری در اصلاح روابط انسانی نگاه می‌کنیم. آقایان -همان‌طور که خودشان با عبارات مختلف تصریح می‌کنند- پول را به عنوان پیش‌نیاز نهادی رونق و تولید مطرح

۳/۳/۱/۱. کارآمدی
ابزار مبادله اعتباری؛
برای تجارت‌های کلان
بین‌المللی و راه‌اندازی
تولیدهای صنعتی
بزرگ

۳/۳/۲. تولید و تجارت
غیرمتمرکز و انجام
مبادلات خرد در
بازارهای موقت؛ فضای
حاکم بر تعریف اسلام
از پول

۳/۳/۲/۱. کارآمدی
بیشتر پول دارای
مالیت؛ در صورت تغییر
نگاه به اقتصاد و توجه
زیرساخت
هدایت‌بودن و سود
ارتباطی در اقتصاد

۱۷۲. سوئیفت جامعه جهانی ارتباطات مالی بین‌بانکی است که از حروف اول عبارت « Society for Worldwide Interbank Financial Telecommunication » گرفته شده و مرکز آن در کشور بلژیک است مؤسسات مالی در سراسر جهان از این سیستم جهت تبادل اطلاعات مالی محرمانه خود استفاده می‌نمایند.

می‌کنند، در این فضا، اقتصاد ابزار ارزش افزوده است اما در فضای فقه‌المکاسب، اقتصاد زیرساخت هدایت است. چرا برخی بدون اینکه تسلط بر پول اسلام و ویژگی‌های حاکم بر آن را داشته باشند ادعا می‌کنند که پول اسلام پول اعتباری است؟ باید این بحث‌ها انجام شود. بنابراین نتیجه بحث این می‌شود که ما نمی‌توانیم بگوییم - به تعبیر رایجی که دوستان اعلام می‌کنند - «پول طلا»^{۱۷۳} یک پول ناکارآمد است، بلکه بلید دیدن کارآمدی و کارآمدی در کجا مطرح می‌شود؟ در فضای غیرمتمرکز یا متمرکز؟ اگر گفتیم تجارت امری عمومی بوده و اگر گفتیم استراتژی‌های تولید در اسلام غیرمتمرکز است برای ما - به دلایلی که قبلاً بحث کردیم - سامانه‌های تولید خانگی و محله‌ای موضوعیت دارد و کارآمدی هم در این فضا معنا پیدا می‌کند. کارآمدی در فضایی معنا پیدا می‌کند که شما ساختار غیرمتمرکز را در تولید و تجارت مطرح می‌کنید. بنابراین به دلیل اینکه در ابواب اولیه فقه‌المکاسب به این سمت رفتیم که اصلاحات نهادی در حوزه اقتصاد ایجاد کنیم، پس با تعریف پول به قید مالیت هم کارآمدی‌های متناسب با آن اصلاحات نهادی خود را خواهیم داشت. بنابراین اشکال آقایان برفرض این است که نتوانسته‌اند تفاوت کارآمدی در اسلام را با تفاوت کارآمدی در اقتصاد سرمایه‌داری تشریح کنند. اگرچه به آن اشاره کرده‌اند اما چون نمی‌توانند آن را تشریح کنند نمی‌توانند تفاوت این نوع کارآمدی را ببینند.

بخشی از جلسه ششم فقه‌المکاسب، حجت الاسلام علی کشوری، مکتوب فقه‌المکاسب، ج ۲، ص ۹

الی ۲۲، ۲۱ الی ۳۱ شهریور ۱۳۹۸، قم

کانال الگوی پیشرفت اسلامی - ایتا

eitaa.com/olgou4/3282

۱۷۳. «پول طلا» عنوانی برای الگوی ابزار مبادله است که توسط مؤسسه مطالعات تمدنی اسلامی (متا) قرار داده شده است.

پیوست ۳: بررسی ادله روایی و برخی نظرات فقها در باب تسعیر اختیاری

۳/۱. ادله روایی تسعیر اختیاری

روایات موید این مطلب:

در منابع مختلف روایی ما روایات گوناگون و یا شبیه به هم در این معنا نقل شده است:

وَعَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (عليه السلام) أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ التَّسْعِيرِ فَقَالَ مَا سَعَّرَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ (عليه السلام) عَلَى أَحَدٍ وَ لَكِنْ مَنْ نَقَصَ عَنْ بَيْعِ النَّاسِ قِيلَ لَهُ بَعْ كَمَا يَبِيعُ النَّاسُ وَ إِلَّا فَارْفَعْ مِنَ السُّوقِ إِلَّا أَنْ يَكُونَ طَعَامُهُ أَطْيَبَ مِنَ طَعَامِ النَّاسِ.

از امام باقر (علیه السلام) در مورد تسعیر سؤال شد. فرمودند: امیرالمؤمنین (علیه السلام) بر کالای کسی قیمت گذاری نمود و لکن به کسی که بیش از قیمت متعارف کالایش را عرضه می کرد، می فرمود: آن گونه که مردم می فروشند، بفروش و در غیر این صورت از بازار بیرون رو، مگر اینکه کالایی که او عرضه می کرد مرغوب تر از کالایی بود که در بازار عرضه می شد.

دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۳۶

الإمام الصادق (عليه السلام): «نَفِدَ الطَّعَامُ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، فَأَتَاهُ الْمُسْلِمُونَ فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَدْ نَفِدَ الطَّعَامُ وَلَمْ يَبَقْ مِنْهُ شَيْءٌ إِلَّا عِنْدَ فُلَانٍ، فَمَرُّهُ يَبِيعُهُ النَّاسَ. قَالَ: فَحَمَدَ اللَّهُ وَ أَتَى عَلَيْهِ، ثُمَّ قَالَ: يَا فُلَانُ، إِنَّ الْمُسْلِمِينَ ذَكَرُوا أَنَّ الطَّعَامَ قَدْ نَفِدَ إِلَّا شَيْئًا عِنْدَكَ، فَأَخْرِجْهُ وَ بَعُهُ كَيْفَ شِئْتَ، وَ لَا تَحْبِسَهُ.»

امام صادق (علیه السلام): در دوران پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، [یک بار] خوراک نایاب شد. مسلمانان نزد وی آمدند و گفتند: «ای رسول خدا، خوراک نایاب شده و هیچ چیز از آن باقی نمانده، مگر نزد فلانی؛ او را فرمان ده تا آن را به مردم بفروشد». [راوی] گفت: «پس پیامبر سپاس و ستایش خدای را به جای آورد و سپس فرمود: "ای فلانی! مسلمانان گفته اند که خوراک نایاب شده جز مقداری که نزد تو است؛ پس آن را برون آور و هر گونه که خواهی، بفروش؛ و آن را دربند نکن"».

الکافی، ج ۵، ص ۱۶۴

(سند کافی: مُحَمَّدٌ عَنْ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ حُدَيْفَةَ بْنِ مَنْصُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام)).

الإستبصار فيما اختلف من الأخبار، ج ۳، ص ۱۱۴

(سند استبصار: مُحَمَّدٌ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَنْصُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

(ع

وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۲۹

(سند وسایل الشیعه: مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانَ عَنْ حَدِيثِ بْنِ مَنْصُورٍ [في الاستبصار: عبد الله بن منصور] عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ.)

و همچنین یک مضمون از پیامبر صلی الله علیه و آله در کتب روایی ما با حذف یا اضافاتی در صدر و ذیل آنها و با سندهای مختلف نقل شده است:

توحید صدوق: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادٍ بْنِ جَعْفَرٍ الْهَمْدَانِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ:

مَرَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِالْمُحْتَكِرِينَ فَأَمَرَ بِحُكْرَتِهِمْ أَنْ يُخْرَجَ إِلَى بُطُونِ الْأَسْوَاقِ وَ حَيْثُ تَنْظُرُ الْأَبْصَارُ إِلَيْهَا فَقِيلَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَوْ قَوْمَتْ عَلَيْهِمْ فَقَضِبَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَتَّى عُرِفَ الْغَضَبُ فِي وَجْهِهِ وَ قَالَ أَنَا أَقْوَمُ عَلَيْهِمْ؟! إِنَّمَا السُّعْرُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ يَرْفَعُهُ إِذَا شَاءَ وَ يَخْفِضُهُ إِذَا شَاءَ وَ قِيلَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَوْ أَسْعَرْتَ لَنَا سِعْرًا فَإِنَّ الْأَسْعَارَ تَزِيدُ وَ تَنْقُصُ فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَا كُنْتُ لِأَلْقَى اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ بِبِدْعَةٍ لَمْ يُحَدِّثْ لِي فِيهَا شَيْئًا فَدَعُوا عِبَادَ اللَّهِ يَا كُلُّ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از کنار محتکرین عبور کرد پس به آنان امر فرمودند که آنچه احتکار کرده‌اید را به بازار ببرید و چون چشم مردم به آن کالاها افتاد به پیامبر صلی الله علیه و آله گفته شد: ای کاش بر اینها قیمت گذاری می کردید! پس حضرت ناراحت شدند به حدی که غضب در چهره ایشان نمایان شد و [با تعجب] فرمودند: من بر اینها قیمت گذاری کنم؟! همانا قیمت با خداوند است هرگاه بخواهد بالا می برد و هرگاه بخواهد پایین می آورد. گفته شد: کاش یک قیمتی برای ما مشخص می کردید؛ زیرا قیمت‌ها بالا و پایین می آیند! فرمود: من چنان نیستم که خدا را دیدار کنم در حالی که بدعتی نهاده‌ام که او مرا در آن مجاز نفرموده است. پس اجازه دهید که بندگان خدا از [داد و ستد با] یکدیگر روزی بخورند.

التوحید (للسدوق)، ص ۳۸۸

وَ قِيلَ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَوْ سَعَّرْتَ لَنَا سِعْرًا فَإِنَّ الْأَسْعَارَ تَزِيدُ وَ تَنْقُصُ فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَا كُنْتُ لِأَلْقَى اللَّهَ تَعَالَى بِبِدْعَةٍ لَمْ يُحَدِّثْ لِي فِيهَا شَيْئًا فَدَعُوا عِبَادَ اللَّهِ يَا كُلُّ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ وَ إِذَا اسْتُنْصِحْتُمْ فَأَنْصَحُوا.

به رسول خدا صلی الله علیه و آله گفتند: ای کاش برای اجناس قیمت می گذاری زیرا مرتب نرخ‌ها زیاد و کم می شود، فرمود: من نمی خواهم در حالی خدا را ملاقات کنم (از دنیا بروم) که بدعتی گذارده باشم و دستوری بر آن به من نرسیده باشد، مردم را رها کنید از یک

دیگر استفاده برند، و هر گاه از شما سعر (نرخ) وقت را خواستند اخلاص و وزید و راست بگویند (و اگر نپرسیدند شما آن‌ها را رها کنید).

من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۶۸

مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ وَهْبٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ زَمْرَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) أَنَّهُ قَالَ رَفَعَ الْحَدِيثَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ مَرَّ بِالْمُحْتَكَرِينَ فَأَمَرَ بِحُكْرَتِهِمْ أَنْ تُخْرَجَ إِلَى بُطُونِ الْأَسْوَاقِ وَحَيْثُ تَنْظُرُ الْأَبْصَارُ إِلَيْهَا فَقِيلَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَوْ قَوْمَتَ عَلَيْهِمْ فَغَضِبَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَتَّى عُرِفَ الْغَضَبُ فِي وَجْهِهِ فَقَالَ أَنَا أَقْوَمُ عَلَيْهِمْ إِنَّمَا السَّعْرُ إِلَى اللَّهِ يَرْفَعُهُ إِذَا شَاءَ وَ يَخْفِضُهُ إِذَا شَاءَ.

امام علی علیه السلام: سخن به رسول خدا صلی الله علیه و آله کشیده شد که وی به احتکار کنندگان برگذشت و فرمان داد تا آن چه را احتکار کرده‌اند، به میان بازار آورده شود، به گونه‌ای که تماشاگران آن را ببینند. سپس به رسول خدا صلی الله علیه و آله گفته شد: «خوب بود خود، برای آنان قیمت تعیین می‌کردی!» وی به خشم درآمد چندان که غضب در چهره‌اش نمود یافت و فرمود: «من برای آنان قیمت تعیین کنم؟ قیمت گذاری تنها از آن خدا است؛ هرگاه خواهد، بالایش برد و هر گاه خواهد، پایینش آورد».

تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۱۶۲

تهذیب: أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلِ الْقَصِيرِ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ الثَّمَالِيِّ قَالَ: ذَكَرَ عِنْدَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) غَلَاءَ السَّعْرِ فَقَالَ: «وَمَا عَلَيَّ مِنْ غَلَائِهِ! إِنْ غَلَا فَهُوَ عَلَيْهِ وَإِنْ رَخِصَ فَهُوَ عَلَيْهِ.»

ابو حمزه ثمالی نقل می‌کند که: روزی در نزد امام سجاد (علیه السلام) در مورد گرانی قیمت‌ها یاد شد. پس امام (علیه السلام) فرمود: مرا چه کار با گرانی قیمت! اگر گران شد پس با خودش است و اگر ارزان شد پس با خودش است.

تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۳۲۱

الكافي (ط - الإسلامية)، ج ۵، ص ۸۱

(سند کافی: عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْقُمِّيُّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلِ الْقَصِيرِ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ الثَّمَالِيِّ)

من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۶۷

(سند من لا یحضره: رُوِيَ عَنِ أَبِي حَمْرَةَ الثَّمَالِيِّ)

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّقْفِيُّ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ الثَّمَالِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَكَلَّ بِالسَّعْرِ مَلَكًا يُدَبِّرُهُ بِأَمْرِهِ وَقَالَ أَبُو حَمْرَةَ الثَّمَالِيُّ ذَكَرَ عِنْدَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) غَلَاءَ السَّعْرِ فَقَالَ وَمَا عَلِيٌّ مِنْ غَلَائِهِ إِنْ غَلَا فَهُوَ عَلَيْهِ وَإِنْ رَخُصَ فَهُوَ عَلَيْهِ.

مرحوم علامه مجلسی (ره) در کتاب مرآة العقول در مورد ضمیر «فهو علیه» چنین می‌فرماید: قوله علیه السلام: "فهو علیه"، الضمیر فيه و فی نظیره راجع الیه تعالی.

مرآة العقول، ج ۱۹، ص ۲۷

در منابع روایی عامه نیز روایات زیادی به این معنا نقل شده است:

سنن الترمذی عن أنس بن مالك: «غَلَا السَّعْرُ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، سَعَّرْنَا، فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمُسَعِّرُ، الْقَابِضُ الْبَاسِطُ الرَّازِقُ، وَإِنِّي لَأَرْجُو أَنْ أَلْقَى رَبِّي وَلَيْسَ أَحَدٌ مِنْكُمْ يَطْلُبُنِي بِمَظْلَمَةٍ فِي دَمٍ وَلَا مَالٍ.»

سنن الترمذی از انس بن مالک: در روزگار پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، نرخ‌ها بالا رفت. گفتند: «ای رسول خدا! برای ما قیمت تعیین کن». فرمود: «همانا خداوند قیمت گذار است و همو است که [روزی‌ها را] برمی‌بندد و می‌گشاید و رزق می‌بخشد. و هر آینه من امید دارم که خدا را دیدار کنم، در حالی که هیچ یک از شما در خون یا مال، از من دادخواهی نکند».

سنن الترمذی، ج ۳، ص ۳۹۱، ح ۱۳۱۴
مسند الإمام أحمد بن حنبل، ج ۲۱، ص ۴۴۴، ح ۱۴۰۵۷.

اسد الغابة عن ابن نضلة: إِنَّهُمْ قَالُوا لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي عَامِ سَنَةِ: سَعَّرْنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَقَالَ: «لَا يَسْأَلُنِي اللَّهُ عَنْ سُنَّةٍ أَحَدَثَهَا فِيكُمْ لَمْ يَأْمُرَنِي بِهَا، وَلَكِنْ سَأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ.»

اسد الغابة از ابن نضله: در سال قحطی، ایشان به پیامبر صلی الله علیه و آله گفتند: «ای رسول خدا! برای ما قیمت تعیین کن». فرمود: «خداوند مرا به سبب برنهادن سنتی در میان شما که مرا به آن امر نفرموده، بازخواست نخواهد کرد؛ لیکن فضل خدا را طلب کنید [تا قحطسالی از شما بگذرد].»

اسد الغابة، ج ۶، ص ۳۴۳، ح ۶۴۰۱
کنز العمال: ج ۴، ص ۱۰۳، ح ۹۷۴۸ به نقل از طبرانی: «أصاب الناس سنة فقالوا...»

۳/۲. برخی نظرات فقها در باب تسعیر اختیاری

شیخ طوسی: لا يجوز للإمام و لا النائب عنه أن يسعر على أهل الأسواق متاعهم من الطعام و غيره سواء كان في حال الغلاء أو في حال الرخص بلا خلاف، و روى عن النبي صلى الله عليه وآله أن رجلاً أتاه فقال: سعر على أصحاب الطعام فقال: بل أدعو الله ثم جاء آخر فقال: يا رسول الله سعر على أصحاب الطعام فقال: بل الله يرفع و يخفض، و إنني لأرجو أن ألقى الله و ليست لأحد عندي مظلمة.

فإذا ثبت ذلك فإذا خالف إنسان من أهل السوق بزيادة سعر أو نقصانه فلا اعتراض لأحد عليه. بر امام و نائب امام جایز نیست که بر اهل بازار در کالاهايشان از خوردنی و غیر آن تسعیر کند، چه در حال گرانی و چه در حال ارزانی باشد فرقی نمی‌کند و خلافتی در آن نیست. و روایت شده است از نبی صلی الله علیه و آله که مردی پیش ایشان آمد و گفت: بر فروشندگان غذا تسعیر کن. فرمود: به جای این به پیش‌گاه خدا دعا می‌کنم [تا قیمت‌ها تصحیح شود] سپس دیگری آمد و گفت: ای رسول الله به فروشندگان غذا تسعیر کن. فرمود: [اینگونه نیست] بلکه خداوند گران و ارزان می‌کند و من امیدوارم تا خدا را در حالی ملاقات کنم که مظلمه کسی گردن من نباشد. پس وقتی حکم ثابت شد، دیگر کسی نمی‌تواند بر کسی که مخالف اهل بازار قیمت را زیاد و کم کرده است اعتراض کند.

المبسوط في فقه الإمامية، ج ۲، ص ۱۹۵

محقق حلی: الاحتکار و هو حبس الاقوات، و قيل يحرم. و إنما يكون في الحنطة و الشعير، و التمر و الزبيب، و السمن ... و يجبر المحتكر على البيع. و هل يسعر عليه؟ الاصح: لا. احتکار که همان حبس قوت‌هاست و گفته می‌شود حرام است. و [حکم حرمت] تنها در گندم، جو، خرما، کشمش و روغن حیوانی است ... و محتکر مجبور به فروش می‌شود. [سؤال می‌شود که] می‌توان بر آن تسعیر کرد؟ صحیح‌تر آن است که خیر.

المختصر النافع في فقه الامامية، ص ۱۲۰

امام خمینی: و أمّا التسعیر فلا يجوز ابتداءً،

و اما قیمت گذاری در ابتدا جایز نیست.

کتاب البيع، ج ۳، ص ۶۱۳

پیوست ۴: اعتراضات مراجع معظم تقلید به سیستم بانکی کشور

حضرت آیت الله جوادی آملی:

ایرنا؛ ۴ فروردین ۹۷ - آیت الله جوادی آملی با انتقاد از عملکرد برخی بانکها و اخذ دیرکرد از تسهیلات اعطایی خاطر نشان کرد: این اقدام بانکها ریاست و با آموزه های قرآن، پیامبر اکرم و ائمه معصومین مغایرت دارد.

ایکنا؛ ۱۵ فروردین ۹۷ - قرآن، شیطان را مستکبر معرفی کرده ولی من به خاطر ندارم محاربه به شیطان نسبت داده شود؛ ولی فرمود بانکهای ربوی محارب هستند، بنابراین شما دائماً بگویید سال اشتغال و تولید، ولی تا سرمایه غیر ربوی نباشد درست نخواهد شد.

تسنیم؛ ۲۴ فروردین ۹۷ - طبق بیان قرآن کریم، ربا و بانکداری ربوی سبب آبروبری است که ما به آن دچار هستیم، از طرف دیگر سرمایه های کشور با سوء مدیریت به بخش مسکن هدایت شد که نتیجه و حاصل آن تولید مسکن های انبوهی است که خالی افتاده اند.

این مفسر قرآن کریم ادامه داد: شما ببینید چرا قرآن رباخوار را دیوانه می داند؟ اینها سالیان متمادی درس خواندند، کیفیت سود، کیفیت درآمد، کیفیت وام دادن، کیفیت وام گرفتن، را آموختند تا شدند متخصص فن بانکداری ربوی! اینها در رشته خود عالم هستند. اما در سوره مبارکه «بقره» فرمود: الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ، می فرماید این مخبطنه [دیوانه وار] دارد زندگی می کند، چون حرف خدا و پیغمبر را گذاشته زمین، و دنبال سود حرام رفته است.

حضرت آیت الله نوری همدانی:

ایلنا؛ ۷ اردیبهشت ۹۷ - وی به تعطیلی برخی کارخانه ها و واحدهای تولیدی کشور اشاره کرد و گفت: به نظر مهمترین عامل تعطیلی کارخانجات و واحدهای تولیدی سیستم ربوی بانکهاست. بسیاری از بانکها در ابتدا تسهیلاتی در اختیار برخی از کارخانه ها قرار می دهند اما بعد از مدتی به گرفتن سود و حتی دیرکرد از تسهیلات داده شده اقدام می کنند در حالی که دیرکرد اقساط توسط بانکها ربا محسوب می شود که مهمترین عامل ناتوانی اقتصادی است.

وی با بیان اینکه در هفت جای قرآن کریم مساله ربا مطرح و مورد نکوهش قرار گرفته است، گفت: بارها گفته ایم که گرفتن دیرکرد توسط بانکها نوعی ریاست و امیدواریم وزارت رفاه، کار و تعاون اجتماعی با هدف کمک واحدهای تولیدی برای رفع این مشکل اقدام کنند.

آیت الله نوری همدانی با بیان اینکه جمهوری اسلامی ایران با کشورهای غربی باید متفاوت باشد، گفت: در کشورهای غربی تمرکزشان روی همین بانکهای ربوی است تا بتوانند ۹۹ درصد جامعه را زیر سیطره یک درصد ثروتمند قرار دهند. تازه بیشتر امتیازاتشان برای کارخانه های اسلحه سازی است اما ما نباید به سمت بانکهای ربوی حرکت کنیم.

تسنیم؛ ۲۴ شهریور ۹۷ - آیت‌الله نوری همدانی تصریح کرد: حوزه علمیه قم همیشه در کنار دانشگاه بوده و است و دشمنان اسلام سعی می‌کنند حوزه علمیه و انقلاب را ناکارآمد نشان دهند درحالی‌که این مسئله درست نیست، خیلی از اوقات نیز حرف‌های بزرگان حوزه پخش نمی‌شود به همین جهت مردم فکر می‌کنند که ما مطالبه‌گر نیستیم؛ به عنوان مثال بارها تأکید کرده‌ایم که اخذ دیرکرد توسط بانک‌ها حرام است ولی یا به گوش مسئولان نمی‌رسد و یا می‌رسد ولی عمل نمی‌کنند.

مهر؛ ۲ بهمن ۹۷ - وی خاطر نشان کرد: در چند سال اخیر بارها گفتم که دیرکرد حرام است و دیرکرد ربا به شمار می‌رود، اما باز هر روز مردم به من نامه می‌نویسند که در بانک‌ها از آن‌ها دیرکرد گرفته می‌شود.

رسا؛ ۱۵ اسفند ۹۷ - گاهی اسم ربا را تغییر می‌دهند و آن را پیگیری می‌کنند، قرض با زیادت در هر صورت ربا است و گاهی با عنوان اوراق قرضه و مشارکت چنین مسأله‌ای را طراحی می‌کنند. رسا؛ ۲۲ اسفند ۹۷ - حضرت آیت‌الله حسین نوری همدانی امروز در درس خارج خود که در مسجد اعظم قم برگزار شد، با بیان این که بانکداری در نظام اسلامی باید بدون ربا باشند، گفت: متأسفانه امروز ربا به اشکال مختلف در نظام بانکی مشاهده می‌شود، در حالی که ربا از شدیدترین گناه‌ها و مشی غربی‌ها است و نباید در جامعه و نظام اسلامی وجود داشته باشد.

وی افزود: باید ماهیت بانک‌ها تغییر کند و رباخواری برچیده شود، بانک بدون ربا این است که پول برای خود انسان باشد و به عنوان اعتماد به بانک سپرده شود تا در جریان اقتصادی حلال و صحیح مورد استفاده قرار گیرد نه این که بانک‌ها بنگاه اقتصادی راه اندازی کنند و ربا وجود داشته باشد.

حضرت آیت‌الله نوری همدانی با تأکید بر تسریع در رفع اشکالات نظام بانکی و رفع دغدغه‌های مردم و بزرگان اظهار داشت: ۴۰ سال از انقلاب گذشته و هنوز وضعیت بانک‌ها سامان پیدا نکرده است، علما باید در رسانه‌ها و تلویزیون مردم را نسبت به مسائل بانکی توجیه کنند تا خواسته و ناخواسته دچار ربا نشوند.

وی ادامه داد: متأسفانه هیچ فکری برای بانکداری بدون ربا نشده است در حالی که مسئولان مربوطه باید در این زمینه اهتمام داشته باشند، بانک‌های جامعه اسلامی نباید دنباله‌رو غرب باشند، کمیسیون اقتصادی مجلس باید بانکداری اسلامی بدون ربا را تصویب و دولت آن اجرایی کند.

استاد برجسته درس خارج حوزه علمیه قم ابراز داشت: در گزارش کمیسیون اقتصادی آمده که قرار است بانکداری بدون ربا را تصویب کنند اما این طرح کامل و دقیق نیست و باز هم اشکالاتی دارد.

حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی:

مهر؛ ۲۲ اردیبهشت ۹۷ - بعضی بانک‌ها قرض الحسنه ۲۸ درصدی می‌دهند، یعنی چه؟ نام ربا خواری را به دروغ، قرض الحسنه می‌گذارند، درست نیست.

رسا؛ ۸ آذر ۹۷ - وی افزود: برخی می‌گویند ما ازدواج کردیم اما آرامشی ندیدیم، در جواب اینها باید گفت ازدواج شما مبتنی بر آموزه‌ها و اخلاق اسلامی نبوده است، به چند دلیل؛ دلیل نخست توقعات زیاد. فرد به دلیل توقعات زیاد مجبور به گرفتن وام شده و در بازپرداخت اقساط آن دچار مشکل می‌شود آن هم با وضعیت کنونی بانک‌ها که می‌دانید چه بلایی سر مردم در می‌آورد.

این مرجع تقلید افزود: بانک‌ها وام با سودهای کلان به مردم پرداخت می‌کنند، اگر فرد در پرداخت اقساط تاخیر کرد، جریمه دیرکرد می‌گیرند و باز بر همان جریمه هم جریمه مضاعف می‌گیرند.

تسنیم؛ ۲ بهمن ۹۷ - بانک‌ها وام قرض الحسنه ای که می‌دهند قطعاً خلاف شرع است، چهار درصد حق الزحمه را تعیین کردیم که بانک‌ها با یک زنگی بیش از این میزان را از مردم دریافت می‌کنند که میزان آن به ۲۰ درصد رسیده و نوعی رباخواری آشکار محسوب می‌شود.

پایگاه مرجع عالیقدر؛ ۲۲ بهمن ۹۷ - معظم له با انتقاد از سیستم بانکی کشور، تصریح کردند: بانک‌ها با وضعیتی که ایجاد کرده‌اند، مردم را بیچاره کرده و به خاک سیاه نشانده‌اند؛ به اسم تسهیلات قرض الحسنه و به جای این که چهار درصد کارمزد برای طول دوره بازپرداخت تسهیلات دریافت کنند، هر سال ۴ درصد دریافت می‌کنند و در پایان سال پنجم بیست درصد سود از باقیمانده از مردم دریافت می‌کنند، این رباخواری آشکار است که به نام قرض الحسنه انجام می‌شود.

حضرت آیت‌الله مظاهری:

حوزه‌نیوز؛ ۱۷ دی ۹۷ - آیت‌الله العظمی مظاهری گفتند: متأسفانه در زمان حاضر، رباخوردن و ریادادن عادی شده و بعضی مثل اینکه بخواهند با حيله‌های شرعی موش را آب بکشند و بخورند، ربا می‌خورند.

حضرت آیت‌الله سبحانی:

تسنیم؛ ۲ بهمن ۹۷ - مرجع تقلید شیعیان با بیان اینکه دیرکرد بانک‌ها ربا محسوب می‌شود، گفت: هم اکنون استفتائات رسیده به دفتر مراجع و علما مربوط به عملکرد بانک‌ها در زمینه تسهیلات بانکی است.

حضرت آیت‌الله علوی گرگانی:

تسنیم؛ ۲ بهمن ۹۷ - مرجع تقلید شیعیان با انتقاد از بی‌توجهی نسبت به اصلاح سیستم بانکی و حذف پدیده تأسف ربا گفت: پدیده زشت ربا سبب شده تا مردم چند برابر وامی که دریافت می‌کنند بازپرداخت به بانک‌ها تحویل بدهند، ربا و دیرکرد باید از سیستم بانکی حذف شود.

حوزه‌نیوز؛ ۹ بهمن ۹۷ - این مرجع تقلید گفتند: موضوع دیگر در حال حاضر، مسئله بانکداری است که بسیار مهم است. اکثر استفتائاتی برای ما می‌آید در مورد طلاق و بانکداری است، مسئله بانکداری باید به صورتی که حقیقی باشد، انجام شود.

معظم له ادامه دادند: خدا شهید آیت الله صدر را رحمت کند که کتابی در مورد بانک ربوی و... نوشت، ولی این سبک در ایران قابل پیاده و اجرا شدن نیست، ولی فکر خوبی است، مسئله بانکداری را باید در کشور حل کرد.

ایشان افزودند: این همه ربا در کشور، برکات را از بین خواهد برد. بسیاری از کسانی که گرفتار زندان هستند، به دلیل همین سود بانکی است. استاد برجسته درس خارج حوزه علمیه قم با بیان این که درصد و جریمه گرفتن از مردم به ویژه در این شرایط بد اقتصادی کار اشتباهی است.

آدرس مطلب: خبرگزاری تسنیم

<https://bzn.ir/۱۵۰۱۳۲>

پیوست ۵: آمار ۱۴ کالای عمده وارداتی در سال ۱۴۰۱

۳۰ کالای وارداتی اصلی کشور عمدتاً از صنایع غذایی، وسایل نقلیه و تجهیزات الکترونیکی بوده‌اند، حدود ۴۰ درصد واردات کشور را شامل می‌شوند. ۱۴ کالای جدول زیر نیز حدود ۳۵ درصد واردات کشور را تشکیل می‌دهند (از ۱۴ کالای زیر، ۱۰ کالا به خوراک اختصاص دارد):^{۱۷۴}

کالا	واردات (میلیون دلار)	وزن (هزار تن)	ارزش هر تن (دلار)
ذرت	۳,۲۶۹	۸,۰۸۵	۴۰۴
تلفن همراه	۲,۸۰۳	۴,۷	۶۰۶,۴۴۷
قطعات منفصله وسایل نقلیه	۲,۱۱۶	۲۳۲	۹,۱۲۱
برنج	۲,۰۴۶	۱,۶۹۱	۱,۲۱۰
گندم	۲,۰۱۳	۴,۴۵۶	۴۵۲
دانه سویا	۱,۹۷۱	۲,۵۳۳	۷۷۸
ماشین سنگین	۱,۹۷۱	۸۲	۱۴,۹۵۱
روغن آفتابگردان	۱,۱۶۰	۶۴۵	۱,۸۰۰
جو	۹۹۱	۲,۳۷۷	۴۱۷
لپ‌تاپ و قطعات جانبی آن	۹۷۶	۱۳	۷۵,۰۷۷
کنجاله	۸۵۵	۱,۳۴۳	۶۳۶
روغن پالم	۷۲۲	۴۸۶	۱,۴۸۷
شکر	۶۷۹	۱,۲۵۵	۵۴۱
چای	۶۶۲	۱۰۹	۶,۰۶۱

^{۱۷۴}. منبع:

پیوست ۶: آیات و روایات طبقه‌بندی حوزه مشاغل و مفاهیم حاکم بر

مشاغل صحیح را در نظام ارزشی اسلام

روایات دسته اول، روایاتی هستند که به صورت عام انسان‌ها را به فعالیت اقتصادی و پذیرش شغل یا به تعبیر بعضی از روایات صاحب حرفه بودن ترغیب می‌کنند.^{۱۷۵} در مجموعه این روایاتی که انسان‌ها را به نحو عام به پذیرش شغل و پذیرش یک حرفه و پرهیز از کسل دعوت می‌کند،^{۱۷۶} نظامی از ارزش‌ها مطرح شده است که این نظام ارزش‌ها می‌تواند پایه طبقه‌بندی قرار بگیرد.

۶/۱. اولین دسته روایات؛ روایات ترغیب‌کننده به فعالیت اقتصادی (پذیرش شغل)

مثلاً در روایت از امام صادق علیه‌السلام این چنین آمده است: «الْكَادُّ عَلَى عِيَالِهِ مِنْ حَلَالٍ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»؛^{۱۷۷} در این روایت، امام علیه‌السلام به نحو عام و بدون اینکه به یک شغل خاص توجه بدهد می‌فرماید برای رفع نیازهای خانوادمتان تلاش کنید. کسی که تلاش می‌کند نیازهای خانواده خود را بر طرف کند، «كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» است و این فرد را در درجات «السَّابِقُونَ» طبقه‌بندی کرده و به او ارزش می‌دهند. خوب از این روایتی که محضر شما مطرح کردم، یک ارزش پیدا شد و آن این است که ارزش حوزه کسب به این که انسان نیازهای خانواده خود را تأمین کند، برمی‌گردد. در این روایت مسئله خانواده موضوعیت دارد. حفظ نهاد خانواده آن قدر مهم است که اگر شما به شغلی پردازید که آن شغل، رفع نیازهای خانواده شما را

۶/۱/۱. تأمین نیازهای خانواده؛ اولین ملاک دعوت به شغل در روایات

۱۷۵. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنِ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُحِبُّ الْمُحْتَرِفَ الْأَمِينَّ وَفِي رِوَايَةٍ أُخْرَى إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ الْمُؤْمِنَ الْمُحْتَرِفَ.

امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمود: خداوند عزوجل، صاحب حرفه امانتدار را دوست می‌دارد و در روایت دیگر: همانا خدای متعال مؤمن اهل حرفه را دوست دارد.

الکافی، ج ۵، ص ۱۱۳

۱۷۶. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: عَدُوُّ الْعَمَلِ الْكَسَلُ.

ابن قَدَّاح گوید: امام صادق علیه‌السلام فرمود: دشمن کار، تنبلی و کسالت است.

الکافی، ج ۵، ص ۸۵

وَ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْكَسَلُ يَضُرُّ بِالَّذِينَ وَالدُّنْيَا.

معصوم علیه‌السلام: تنبلی به دین و دنیا زیان رساند.

تحف العقول، ص ۳۰۰

۱۷۷. قَالَ [الصَّادِقُ] عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْكَادُّ عَلَى عِيَالِهِ مِنْ حَلَالٍ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ.

و نیز ایشان [امام صادق] علیه‌السلام فرمود: کسی که برای اهل خانواده خویش کوشش می‌کند و از راه حلال معیشت آنان را ترتیب می‌دهد اجرش مطابق مجاهد فی سبیل الله است. [ترجمه غفاری]

من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۱۶۸

در دستور کار قرار داده و تأمین کند، شما از نظر ادبیات فقهی اهل بیت «كالمجاهد في سبيل الله» محسوب می‌شوید. البته این دسته از روایات بسیار فراوان هستند، روایاتی که توجه می‌دهند ارزش کلی شغل به این است که انسان نفقه خانواده خود را پرداخته و از خانواده خود حمایت مالی بکند.

یا مثلاً از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل شده است: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ...» روایت می‌فرماید همیشه اخلاق پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله اینطور بوده است، نه اینکه در طول دوران رسالتشان و در طول دوران حیات مبارکشان چند بار این کار را کرده باشند، عبارت نقل شده در اصول روایی این است که «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ» حضرت همیشه کائن بر این امر بودند و این امر را دائماً انجام می‌دادند. کدام امر را؟ «إِذَا نَظَرَ الرَّجُلَ فَأَعَجَبَهُ» وقتی به یک مردی نگاه می‌کردند و از آن مرد خوششان می‌آید. پیداست این فرد، فرد مؤمنی بوده که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را به تحسین و امی داشته است. بلافاصله وقتی این حالت درونی در پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله ایجاد می‌شد، می‌پرسیدند: «قَالَ هَلْ لَهُ حِرْفَةٌ؟» آیا این فرد دارای شغلی است؟ «فَإِنْ قَالُوا لَا قَالَ سَقَطَ مِنْ عَيْنِي»؛ اگر افراد می‌گفتند این شخص شغل و حرفه‌ای ندارد - در اینجا تعبیر حرفه به کار رفته است، الآن معمولاً حرفه را متبادر به حوزه صنعت می‌دانند، ولی در روایات عام است و حوزه تجارت را هم شامل می‌شود - برخلاف عرف موجود ادبیات فارسی -^{۱۷۸} لذا اگر

۶/۱/۲. عدم امرار
معاش از طریق دین؛
دومین هلاک دعوت به
شغل در روایات

۱۷۸. از باب نمونه از این روایت می‌توان این معنا را به دست آورد؛ چون واژه حرفه (محترف) بعد از تجارت آورده شده است و حضرت علیه‌السلام علت برای تشویق به تجارت را، محبوب خداوند واقع شدن شخص محترف ذکر فرموده‌اند و کار شخص محترف را تجارت دانسته‌اند:

... حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى بْنِ عَبْدِ الْيَقِينِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ زَائِدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَّمَ أَصْحَابَهُ فِي مَجْلِسٍ وَاحِدٍ أَرْبَعًا بَابَ مِمَّا يُصْلِحُ لِلْمُسْلِمِ فِي دِينِهِ وَ دُنْيَاهُ... تَعَرَّضُوا لِلتَّجَارَةِ فَإِنَّ فِيهَا غَنًى لَكُمْ عَمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ وَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يُحِبُّ الْعَبْدَ الْمُحْتَزِفَ الْأَمِينِ...

امام صادق علیه‌السلام از پدرش از جدش از پدرانش علیهم‌السلام نقل می‌فرماید که امیرالمؤمنین علیه‌السلام به اصحابش در یک مجلس چهارصد باب از آنچه به صلاح دین و دنیای مسلمین است را آموخت: ... به تجارت پردازید، که در آن بی نیازی است از آنچه در دست مردم است و خداوند عزوجل بنده صاحب شغل درستکار را دوست دارد.

الخصال، ج ۲، ص ۶۱۱

به عنوان مؤید در کتب لغت نیز معنای حرفه به عموم کسب (کاسبی کردن) اطلاق شده است:

«الإحتراف: طلب حرفة للمكسب، و الحِرْفَةُ: حالته التي يلزمها في ذلك نحو: القعدة و الجلسة»

احتراف - دنبال حرفه و کسب رفتن. حِرْفَةُ - مثل - قعدة و جلسة - حالت و ملازمت کار و کسب است.

مفردات الفاظ القرآن، ص ۲۲۸

«و "الحِرْفَةُ" بالكسر الاسم من الاحتراف، و هو الاكتساب بالصناعة و التجارة.»

حرفه: ... کسب کردن با صنعت یا تجارت را گویند.

به پیامبر صلی الله علیه و آله گفته می‌شد این شخص حرفه‌ای ندارد («قَالَ سَقَطَ مِنْ عَيْنِي») می‌گفت از چشمم افتاد. به پیامبر صلی الله علیه و آله گفته می‌شد («قِيلَ وَ كَيْفَ ذَاكَ») به چه دلیل؟ شما ابتدا از این مرد خوشتان آمد، چرا وقتی فهمیدید فاقد حرفه است از چشمتان افتاد؟ («قَالَ لِأَنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا لَمْ يَكُنْ لَهُ حِرْفَةٌ يَعِيشُ بِدِينِهِ»)^{۱۷۹} پیامبر صلی الله علیه و آله در اینجا یک ارزش دیگری را مطرح می‌کنند و آن اینکه اگر کسی فاقد حرفه باشد، با دین خود معیشتش را می‌گذرانند، یعنی از دینش در راستای منافع اقتصادی سوء استفاده می‌کند. پیامبر صلی الله علیه و آله در اینجا دارند یک ارزش دیگری را مطرح می‌کنند و می‌فرمایند اگر کسی فاقد حرفه بود در نهایت در مسئله معیشت به سوء استفاده از دین خواهد رسید.

یا در روایات دیگری از امام صادق علیه السلام اینگونه مطرح شده است که «تَرَكَ التَّجَارَةَ يَنْقُصُ الْعَقْلَ»^{۱۸۰}؛ اگر تجارت را ترک کنید، عقل شما کاهش خواهد یافت و به نقصان عقل مبتلا خواهید شد. پس این هم یک معیار جدید است و همان‌طور که عرض کردیم اصلاً مسئله بحث از یک شغل خاص در میان نیست، بلکه حضرت به نحو عام راجع به مفهوم تجارت بحث می‌کنند. حالا در اینجا بحثی مطرح است که مثلاً به نحو اعتقاد بعضی از علما تجارت یعنی مطلق تبادل یا

۶/۱/۳ ازدیاد و جلوگیری
از نقصان عقل؛ سومین
ملاک دعوت به شغل در
روایات

مجمع البحرین، ج ۵، ص ۳۸

«و الحِرْفَةُ: الصَّنَاعَةُ. وَ حِرْفَةُ الرَّجُلِ: صَبِيغَتُهُ [صَبِيغَةُ الرَّجُلِ: حِرْفَتُهُ وَ صِنَاعَتُهُ وَ مَعَاشُهُ وَ كَسْبُهُ. يُقَالُ: مَا صَبِيغَتُكَ، أَيِ مَا حِرْفَتُكَ (لسان العرب، ج ۸، ص ۲۳۰).] أَوْ صَنْعَتُهُ وَ حَزَفَ لِأَهْلِهِ وَ اخْتَرَفَ: كَسَبَ وَ طَلَبَ وَ اخْتَالَ، وَ قِيلَ: الاِخْتِرَافُ الاِكْتِسَابُ، أَيًّا كَانَ.»

حرفه: صنعت... صنعت و معاش و نوع کاسبی او را گویند. احترام: کاسبی کردن و طلب کردن... و اکتساب (به دست آوردن) به هر نوعی که باشد را گویند.

لسان العرب، ج ۹، ص ۴۴

۱۷۹. رَوَى ابْنُ عَبَّاسٍ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا نَظَرَ الرَّجُلَ فَأَعْجَبَهُ قَالَ هَلْ لَهُ حِرْفَةٌ فَإِنْ قَالُوا لَا قَالَ سَقَطَ مِنْ عَيْنِي قِيلَ وَ كَيْفَ ذَاكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ لِأَنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا لَمْ يَكُنْ لَهُ حِرْفَةٌ يَعِيشُ بِدِينِهِ.

ابن عباس نقل می‌کند: رسول خدا هرگاه به مردی نگاه می‌کرد، پس اگر او را [از شدت تقوا] به تعجب وامی‌داشت، می‌گفت: آیا او حرفه‌ای دارد؟ اگر می‌گفتند: نه می‌گفت: از چشمم افتاد! چراکه مؤمن زمانی که حرفه‌ای نداشته باشد با دینش معیشت خود را می‌گذرانند.

جامع الأخبار (لشعیری)، ص ۱۳۹ / بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۹

۱۸۰. علي بن إبراهيم، عن أبيه، عن ابن أبي عمير، عن حماد بن عثمان، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: تَرَكَ التَّجَارَةَ يَنْقُصُ الْعَقْلَ.

امام صادق علیه السلام: رها کردن تجارت، عقل را می‌کاهد.

الکافی، ج ۵، ص ۱۴۸

تجارت در مقابل صنعت مطرح است^{۱۸۱}؛ اگر گفتید تجارت به معنای مطلق تبادل کالا است، شامل صنعت و سایر انواع شغل و حرفه هم خواهد شد و حتی مشاغل حکومتی و مشاغل دفتری را هم شامل خواهد شد؛ چون در آن جا هم یک نوع تبادل خدمات وجود دارد ولی اگر گفتید تجارت به معنای خاص است، پس معنای روایت ضیق خواهد شد. «تَرَكَ التَّجَارَةَ يَنْقُصُ الْعَقْلَ»؛ حضرت می فرماید: شاخص عام دیگری را هم در حوزه مشاغل در نظر داشته باشید و آن اینکه اگر کسی اهل پذیرش تجارت نبود از حیث عقلی دچار نقصان خواهد شد. همانطور که می بینید یک ارزش گذاری دیگری در حوزه فقهی ما مطرح است که باید به آن توجه کنیم.

۶/۱/۳/۱. از بین رفتن مدارا با مردم؛ نمونه‌ای پیامدهای نقصان عقل

باز در اینجا می توانیم بحث‌های تکمیلی را از باب جمع دلالتی روایات مطرح کرده و مثلاً این روایت را مطرح کنیم که حضرت فرمود: «مدارا نصف عقل است.»^{۱۸۲} در نهایت اگر کسی

^{۱۸۱}. تجارت در اصطلاح فقیهان ۳ کاربرد دارد: ۱. مطلق کسب و اکتساب، در این صورت ابواب متعددی از فقه چون بیع، اجاره، صلح، وکالت، مضاربه و جز آن را در بر می گیرد. تجارت در این معنا اعم از بیع خواهد بود. ۲. معاوضه به قصد سود بردن، تعبیرات فقیهان از تجارت در باب زکات همین معنا را افاده می کند. ظاهر برخی از آیات و نیز روایاتی که در مدح تجارت و تشویق به آن وارد شده‌اند، ناظر به این معناست؛ همچنان که در لغت نیز تجارت را تصرف در رأس المال برای سود بردن یا خرید و فروش به قصد سود معنا کرده‌اند. ۳. مطلق بیع داد و ستد، اعم از اینکه مشتمل بر سود باشد یا قصد سودآوری و انتفاع در آن ملاحظه نشود.

دانشنامه بزرگ اسلامی، ج ۱۴، ص ۵۷۷۵

۱۸۲. قال الحسن عليه السلام: حُسنُ السَّوَالِ نِصْفُ الْعِلْمِ وَ مُدَارَاةُ النَّاسِ نِصْفُ الْعَقْلِ وَ الْقَصْدُ فِي الْمَعِيشَةِ نِصْفُ الْمُؤْنَةِ. امام حسن علیه السلام فرماید سوال خوب نصف علم است و مدارا با مردم نصف عقل است و میانروی در زندگی نصف خرج است.

شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، ج ۱۸، ص ۱۰۸

وَ يَأْتِيهِ [شيخ صدوق] عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي وَصِيَّتِهِ لِمُحَمَّدِ بْنِ الْحَنَفِيَّةِ قَالَ: وَ أَحْسَنُ إِلَى جَمِيعِ النَّاسِ كَمَا تُحِبُّ أَنْ يُحْسَنَ إِلَيْكَ وَ إِرْضَ لَهُمْ مَا تَرْضَاهُ لِنَفْسِكَ وَ اسْتَقْبِحْ لَهُمْ مَا تَسْتَقْبِحُهُ مِنْ غَيْرِكَ وَ حَسِّنْ مَعَ النَّاسِ خُلُقَكَ حَتَّى إِذَا غَبْتَ عَنْهُمْ حَتُّوا إِلَيْكَ وَ إِذَا مَتَّ بَكُوا عَلَيْكَ وَ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ وَ لَا تُكُنْ مِنَ الَّذِينَ يُقَالُ عِنْدَ مَوْتِهِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ اعْلَمْ أَنَّ رَأْسَ الْعَقْلِ بَعْدَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مُدَارَاةُ النَّاسِ وَ لَا حَيْرَ فِيْمَنْ لَا يُعَاشِرُ بِالْمَعْرُوفِ مَنْ لَا بُدَّ مِنْ مُعَاشَرَتِهِ حَتَّى يَجْعَلَ اللَّهُ إِلَى الْخَلَاصِ مِنْهُ سَبِيلًا فَإِنِّي وَجَدْتُ جَمِيعَ مَا يَتَعَايَشُ بِهِ النَّاسُ وَ بِهِ يَتَعَاشَرُونَ مِلءَ مَكِّيَالٍ ثُلُثَاهُ اسْتِحْسَانٌ وَ ثُلُثُهُ تَعَاوُلٌ.

علی علیه السلام در وصیت خود به فرزندش محمد حنفیه فرمود: به همه مردم نیکی کن آن چنان که می خواهی به تو نیکی کنند، آنچه را که برای خودت می پسندی برای آنان نیز بیسند، و آنچه که برای خویشتن نمی پسندی برای دیگران نیز میسند، اخلاقت را با مردم نیکی کن تا در غیابت به تو محبت ورزند و اگر مُردی برایت اشک ریزند و «إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» گویند و از کسانی مباش که در مرگش بگویند: الحمد لله رب العالمین، بدان که مدارا کردن با مردم پس از ایمان به خدای عز و جل سرآمد عقل است، کسی که با هم نشینانش خوب معاشرت نکند، خیری در او نیست. و آنان که ناچارند با وی معاشرت نمایند، خداوند برای رهایی از شر او راه نجاتی قرار می دهد. -آنگاه فرمود: -من تمام زندگی و معاشرت مردم با یک دیگر را به منزله پیمانۀ پر می پندارم که دو جزء آن جلب محبت و نیکی کردن، و یک جزء دیگرش در غفلت به سر بردن است. [ترجمه فارابی]

وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۰۲ و مشابه: تحف العقول، ص ۴۲

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: أَلْتَوَدُّ إِلَى النَّاسِ نِصْفَ الْعَقْلِ.

به نقصان عقل مبتلا شد به نقصان در مسئله مدارا مبتلا خواهد شد و شما اگر به نقصان در مسئله مدارا مبتلا شوید، روابط انسانی جامعه را به چالش می کشید. لذا فوایدی که بر عقل بار می شود، بر تجارت هم بار خواهد شد. یکی از این فواید مهم توسعه عقل و رشد عقلی مسئله توسعه مدارا با جهال در روابط انسانی است.

روایت دیگری از امام صادق علیه السلام در این حوزه وجود دارد که «مَنْ طَلَبَ التَّجَارَةَ اسْتَعْنَى عَنِ النَّاسِ»؛^{۱۸۳} اگر کسی به دنبال تجارت رفت، از نظر اقتصادی به مردم وابسته نخواهد شد. کَلَّ (سربار) بر دیگران نخواهد شد و بار زندگی او به دوش دیگران نخواهد افتاد و اگر این انسان در زندگی خودش از دیگران طلب بی نیازی کند، منشاء پیدایش ساختاری از ارزش ها و روابط در حوزه روابط انسانی خواهد بود. مثلاً یکی از فواید این است که اگر یک طلبه ای از نظر مالی به دیگران وابسته باشد، بعداً نمی تواند خیلی صریح اوامر و نواهی الهی را مطرح کند، اصلاً وابستگی مالی باعث می شود زبان انسان ها در بیان حق الکن بشود، خصوصاً در مورد طلبه ها و امامان جامعه. بنابراین خود این ارزش منشاء پیدایش بسیاری از ارزش های دیگر است و من

۶/۱/۴. بی نیازی از مردم؛ چهارمین ملاک دعوت به شغل در روایات

موسی بن بکر از حضرت کاظم علیه السلام: مهرورزی با مردم، نیمی از خرد است.

الکافی، ج ۲، ص ۶۴۳ و مشابه: الکافی، ج ۲، ص ۶۴۳ (به سند دیگر) / نهج البلاغه، ص ۴۹۵ / من لا یحضره الفقیه، ج ۶، ص ۴۱۶

تَمَرَةُ الْعَقْلِ مَدَارَةُ النَّاسِ.

مدارا کردن با مردم، نتیجه خردمندی است.

غررالحکم، ص ۳۲۸

وَ عَنْهُ ، قَالَ : أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ ، عَنْ أَبِي الْمُبَاضِلِ ، قَالَ : حَدَّثَنِي إِبْرَاهِيمُ بْنُ حَفْصِ بْنِ عَمْرِو الْعَسْكَرِيِّ بِالْمَصِيصَةِ ، قَالَ : حَدَّثَنَا عُيَيْدُ بْنُ الْهَيْثَمِ الْأَنْمَاطِيُّ بِحَلَبَ ، قَالَ : حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَلْوَانَ الْكَاتِبُ ، قَالَ : سَمِعْتُ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامَ ، يُحَدِّثُ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامَ ، عَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامَ رَفَعَهُ ، قَالَ : حُسْنُ الْبُشْرِ بِالنَّاسِ نِصْفُ الْعَقْلِ ، وَ التَّقْدِيرُ نِصْفُ الْمَعِيشَةِ ، وَ الْمَرْأَةُ الْأَصَالِحَةُ أَحَدُ الْكَاسِيَتِينَ .

حسین بن علوان کاتب گفته است: از حضرت صادق علیه السلام شنیدم که به نقل از پدرانش از علی علیه السلام روایت کردند: خوش رویی با مردم نیم عقل است، اندازه داشتن نیم زندگانی و زن صالح یکی از دو بهره مندی.

الأمالی (للطوسی)، ص ۶۱۴

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَعْبُدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامَ : أَنَّهُ سُئِلَ مَا الْعَقْلُ فَقَالَ التَّجَرُّعُ لِلْغُصَّةِ وَ مَدَاهَنَةُ الْأَعْدَاءِ وَ مَدَارَةُ الْأَضْدِقَاءِ .

از امام رضا علیه السلام سؤال کردند که خرد چیست؟ فرمود: اندوه نخوردن و با دشمنان آسان گرفتن و با دوستان مدارا کردن.

الأمالی (للصدوق)، ص ۲۸۳

۱۸۳. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الرَّغْفَرَانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامَ قَالَ : مَنْ طَلَبَ التَّجَارَةَ اسْتَعْنَى عَنِ النَّاسِ قُلْتُ وَ إِنْ كَانَ مُعِيلاً قَالَ وَ إِنْ كَانَ مُعِيلاً إِنَّ تِسْعَةَ أَعْشَارِ الرِّزْقِ فِي التَّجَارَةِ .

امام صادق علیه السلام : «هر کس در پی بازرگانی رود، از مردم بی نیاز می شود». گفتم: «هر چند پُر خانوار باشد؟» فرمود: «[آری]؛ هر چند پُر خانوار باشد. همانا نه درهم روزی در بازرگانی است.»

الکافی، ج ۵، ص ۱۴۸

الآن نمی‌خواهم ساختار ارزش‌های مبتنی بر استغناء از مردم در حوزه مالی را مطرح کنم ولی مجبورم اشاره کنم تا از فضای اخباری‌گری و عدم درایه اندکی عبور کرده باشم. پس این هم یک ارزش دیگر است.

این مجموعه از روایات زیاد هستند و می‌توانید در اصول روایی این مجموعه روایات را پیدا کنید. در مجموع از این دسته اول از روایات - یعنی روایاتی که به نحو عام دعوت می‌کنند تا صاحب شغل و حرفه باشید - نظامی از ارزش‌ها که غیر از مسئله ارزش افزوده هستند، مطرح می‌شود که همه اینها را باید در طبقه‌بندی مشاغل مبنا قرار داده و به آن‌ها دقت کنیم. لذا نگاه به شغل ارتقا پیدا می‌کند.

مثلاً وقتی این نظام ارزش‌ها را مطرح می‌کنید به این نتیجه می‌رسید که «الْعِبَادَةُ عَشْرَةٌ أَجْزَاءٍ تِسْعَةٌ أَجْزَاءٍ فِي طَلَبِ الْحَلَالِ»^{۱۸۴} اساساً می‌گویند شغل، زیرساخت هدایت است، شغل نه جزء از ده جز عبادت می‌شود و معنای آن خیلی ارتقا پیدا می‌کند. لذا اهتمام یک فقیه به تبع انبیاء به مسئله مکاسب و انذار به وزارت اقتصاد و به مؤمنینی که در دانشگاه‌های کشور مشغول تدریس و تدارس تئوری‌های ناقص حوزه اقتصاد و مکتب‌های موجود

۶/۱/۵. تغییر معنای شغل از لُبْزَارِ اِيجَادِ اِرْزَشِ اِفْزُودِهْ بَهْ زِيْرَسَاخْتِ عِبَادَتِ وَ هِدَايَتِ؛ نَمُونِهْ اَيْ اَزْ اَثَارِ تَوْجِهْ بَهْ رَوَايَاتِ تَرْغِيْبِ كُنْنِدَهْ بَهْ شَغْلِ

۱۸۴. وَ قَالَ [رَسُولُ اللَّهِ] صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : الْعِبَادَةُ عَشْرَةٌ أَجْزَاءٍ تِسْعَةٌ أَجْزَاءٍ فِي طَلَبِ الْحَلَالِ.

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: عبادت ده بخش است که نه بخش آن طلب روزی حلال می‌باشد.

جامع الأخبار (لشعيري)، ص ۱۳۹ / بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۹

اقتصادی هستند، یک مقدار معنا پیدا می‌کند. آنها با مکتب نئوکینزی،^{۱۸۵} نهادگرایی،^{۱۸۶} ایده‌های فریدمنی^{۱۸۷} یا تئوری‌های قدیمی‌تری که نهادگراهای اولیه مطرح می‌کردند، به هیچ عنوان

***New Keynesian economics: The school of thought according to .۱۸۵
which economic fluctuations can be explained only by admitting a role for
some microeconomic imperfection, such as sticky wages or prices***

اقتصاد نئوکینزی: مکتب فکری اقتصادی است که براساس آن، نوسانات اقتصادی فقط با پذیرش نقش برای برخی از عیوب اقتصاد خرد مانند دستمزدها یا قیمت‌های چسبنده قابل توضیح است.

کتاب اقتصاد کلان (منکیو)، ویرایش هفتم، ص ۵۸۱

اصول کلی مکتب کینز:

۱- تأکید بر اقتصاد کلان ۲- تعیین جهت به‌وسیله تقاضا؛ ۳- وجود عدم ثبات در اقتصاد؛ ۴- چسبندگی قیمت و دستمزد؛ ۵- سیاست پولی و مالی فعال؛ [۱]، [۲]

[۱] گرجی، ابراهیم؛ ارزیابی مهمترین مکاتب اقتصاد کلان، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۷۶، چاپ اول، ص ۳۱-۳۳

[۲] نمازی، حسین؛ نظام‌های اقتصادی، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۷، چاپ پنجم، ص ۷۳

۱۸۶. مبانی فکری مکتب نهادی به آن صورت که اقتصاددانان این مکتب ارائه کرده اند بر شش اصل مهم و اساسی به شرح زیر متکی می‌باشد:

۱. اقتصاد باید به عنوان یک سازمان یا مجموعه کامل و واحد تشکیلات که تمامی اجزاء آن با یکدیگر ارتباط دارند، مورد بررسی قرار گیرد. در این مورد، مطالعه یک دوره کامل از یک سازمان را نمی‌توان صرفاً با بررسی اجزاء آن به صورت قسمت‌های مجزا و منفصل از یکدیگر مورد بررسی قرار داد. به همین ترتیب، فعالیت اقتصادی جامعه مجموع تصمیمات فردی برای به دست آوردن حداکثر منافع پولی نیست بلکه فراتر از آن رفته است و ناشی از فعالیت‌های جمعی می‌شود که بزرگ‌تر از مجموع اجزاء منفصل از یکدیگر می‌باشد.

۲. مکتب نهادی نقش مؤسسات و نهادها را در زندگی اقتصادی مورد تأکید قرار می‌دهد. نهاد تنها یک مؤسسه برای انجام هدف خاصی نظیر تعلیم، هماهنگی، خدمات اقتصادی، اتحادیه و یا بانکی نیست، بلکه الگویی متشکل از رفتار جمعی یا گروهی است که به عنوان جزء بخش اساس یک فرهنگ پذیرفته می‌شود ...

۳. ... مکتب نهادی نظریه کلاسیک‌ها و نئوکلاسیک‌ها را، مبنی بر وجود تعادل ساکن و عادی در جامعه اقتصادی، مردود دانسته و به جای آن بر اصل سلسله علل یا تغییرات تراکمی که در جریان حصول به هدف‌های اجتماعی و اقتصادی ممکن است منجر به نتایج مثبت و یا منفی گردد، تکیه می‌کند. به عبارت دیگر تعدیل کمتر و یا بیشتر از مقدار لازم برای حصول به تعادل در زندگی اقتصادی انحراف از تعادل عادی به شمار نمی‌آید، بلکه این نوع انحرافات خود عادی می‌باشند.

۴. ... مکتب نهادی معتقد به وجود تضاد منافع است و انسان را موجودی اجتماعی و تعاونی می‌داند که برای حفظ منافع متقابل و مشترک خود با دیگران اقدام به تشکیلات گروهی می‌کند ...

۵. مکتب نهادی از برنامه اصلاحات اجتماعی به منظور توزیع عادلانه تر ثروت و درآمد حمایت می‌کند ... این مکتب اقتصاد آزاد سرمایه داری را محکوم می‌کند و به نقش بسیار مهم دولت در امور اقتصادی و اجتماعی مردم اعتقاد دارد.

۶. از نقطه نظر روش‌شناسی، مکتب نهادی روش استقراء را بر قیاس ترجیح داده و بر این عقیده است که برای درک بهتر عملکرد نظام اقتصادی باید مطالعات دقیق‌تری از طرز کار آن به عمل آورد.

نمی‌توانند مسئله شغل را به عنوان زیرساخت عبادت و هدایت در جامعه تئوریزه کرده و بر اساس آن [نظام اقتصادی] طراحی کنند.

حداکثر کاری که می‌توانند انجام دهند این است که شغل را به عنوان ابزار ایجاد ارزش افزوده در نظر بگیرند. من اینجا به دوستان مؤمن خوبان انذار می‌دهم که این تنزل معنایی را نپذیرند. من از بعضی از دوستان شنیدم که گفتند: ۹۰٪ مفاهیم اقتصادی غربی با مفاهیم اقتصادی اسلام برابر است!^{۱۸۸} آن‌ها یا به دلیل اینکه این روایات را نمی‌خوانند و در آن دقت نمی‌کنند یا حداکثر این روایات را تابلو کرده و در دفتر کارشان قرار می‌دهند [اینگونه سخن می‌گویند]. وقتی ما در این دسته از روایات دقت می‌کنیم، می‌بینیم تعریف شغل به عنوان زیرساخت هدایت و به عنوان بخش مهمی از عبادت ارتقا پیدا می‌کند! در آن روایت فرمود: «الْمُتَعَبُّدُ عَلَىٰ غَيْرِ فِقْهِ كَحِمَارِ الطَّاحُونَةِ» یا «كَالْحِمَارِ فِي الطَّاحُونِ»^{۱۸۹} اساساً مسئله

۱۸۷. s by Frank ۱۹۳۰ Chicago School is an economic school of thought, founded in the Hyneman Knight, that promoted the virtues of free market principles to better society. The Chicago School's most prominent alumni was Nobel Laureate Milton Friedman, whose theories were drastically different from Keynesian economics

مکتب شیکاگو یک مکتب فکری اقتصادی است که در دهه ۱۹۳۰ توسط فرانک هایمن بنیان نهاده شد، که فضایل اصول بازار آزاد را جهت بهتر کردن جامعه ترویج میکرد. مهم‌ترین فارغ التحصیل مدرسه شیکاگو، میلتون فریدمن، برنده جایزه نوبل دانشگاه شیکاگو بود، که تئوری‌های او با اقتصاد کینزی تفاوت‌های بسیاری داشت.

آدرس مطلب در دانش نامه مالی و سرمایه گذاری investopedia.com/terms/c/chicago_school.asp :investopedia
۱۸۸. به گزارش گروه دانشگاه خبرگزاری دانشجو، عادل پیغامی عضو هیئت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه امام صادق و رئیس مرکز تحقیقات میان رشته‌ای علوم انسانی و اسلامی این دانشگاه در نشست تحت عنوان تربیت اقتصادی در دانشکده روانشناسی دانشگاه تهران، در تاریخ ۹ آذر ۱۳۹۷ اظهار داشت: «اگر علم اقتصاد را به کودکانمان آموزش بدهیم در بیش از ۹۵ درصد مشکلی ندارد و تفاوتی با اقتصاد اسلامی ندارد».

آدرس مطلب از خبرگزاری دانشجو: yon.ir/IWpEI

۱۸۹. وَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْمُتَعَبُّدُ عَلَىٰ غَيْرِ فِقْهِ كَحِمَارِ الطَّاحُونَةِ يَدُورُ وَلَا يَبْرَحُ وَ رَكَعَاتِنِ مِنْ عَالِمٍ خَيْرٌ مِنْ سَبْعِينَ رَكْعَةً مِنْ جَاهِلٍ لِأَنَّ الْعَالِمَ تَأْتِيهِ الْفِتْنَةُ فَيُخْرِجُ مِنْهَا بَعْلِمِهِ وَ تَأْتِي الْجَاهِلَ فَيُنْسِفُهُ نَسْفًا وَ قَلِيلَ الْعَمَلِ مَعَ كَثِيرِ الْعِلْمِ خَيْرٌ مِنْ كَثِيرِ الْعَمَلِ مَعَ قَلِيلِ الْعِلْمِ وَ السُّلْكَ وَ السُّبْهَةِ.

امام علی علیه السلام: عبادت کننده بدون فقه، مانند الاغ آسیاب است. پیوسته گرد خود می‌چرخد و دور نمی‌شود و دو رکعت نماز عالم، بهتر از هفتاد رکعت نادان است؛ زیرا فتنه چون به عالم برسد، با دانش خویش از آن بیرون می‌آید و به نادان که برسد، وی را از جا برمی‌کند و کم کاری با زیادی علم از پرکاری با علم اندک و شک شبهه بهتر است.

الإختصاص، ج ۱، ص ۲۴۵

عنه-: الْمُتَعَبُّدُ بِغَيْرِ فِقْهِ كَالْحِمَارِ فِي الطَّاحُونِ.

پیامبر خدا-: کسی که از روی فهم و شناخت عبادت نکند، مانند خر آسیاب است.

میزان الحکمه، ج ۸، ص ۸۳

[امیرالمؤمنین علیه السلام]: الْمُتَعَبُّدُ بِغَيْرِ عِلْمٍ كَحِمَارِ الطَّاحُونَةِ يَدُورُ وَلَا يَبْرَحُ مِنْ مَكَانِهِ.

امام علی علیه السلام: عبادت کننده بی دانش، مانند الاغ آسیاب است. پیوسته گرد خود می‌چرخد و از جایش دور نمی‌شود.

عبادت مبتنی بر تفقه و فهم عمیق شکل می‌گیرد! اینجا می‌فرماید: «تَرَكُ التَّجَارَةِ يَنْقُصُ الْعَقْلَ» اگر شما تجارت را ترک کنید، در عقل شما نقصان پیدا می‌شود و نتیجه نقصان در عقل هم این می‌شود که شما تفقه در دین نخواهید داشت! پس توجه کنید که مسئله شغل را به عنوان زیرساخت عبادت و تفقه بحث می‌کنیم. آقایان خوب است به جای اینکه فقط کتاب‌های منکیو^{۱۹۰} را بخوانند، نظریات اقتصادی فقه‌المکاسب را هم بررسی کرده و در آن دقتی کنند تا معنای شغل در ذهنشان ارتقا پیدا کند. من از این دسته از روایات عبور می‌کنم.

دسته دیگری از روایات وجود دارد که در آن‌ها مکاسب محرمه بحث شده است. الان در کتاب المتاجر، کتاب‌المکاسب و سایر عناوین ابواب فقهی که فقهای شیعه مطرح و بحث کردند؛ به عنوان مکاسب محرمه پرداخته شده است و راجع به آن گفتگو و بحث کرده‌اند؛ منتها ما یک اضافه‌ای به مباحثات بزرگان خودمان داشتیم و آن عبارت از این است که ما حیث محرم بودن مکاسب محرمه و حیث «علل الشرائع» و «وجه ثبوتی» آن‌ها را بحث کردیم. از بررسی این روایات به یک نظام ارزشی دست پیدا کردیم و به یک ملاک‌هایی که علت تحریم هستند راه یافتیم. خود بررسی روایات و آیات مربوط به مکاسب محرمه، باز ما را به یک طبقه‌بندی می‌رساند تا بتوانیم مشاغل را طبقه‌بندی کنیم و به یک نظام ارزشی جدید دست پیدا کنیم. مثلاً آیه شریفه می‌فرماید: «لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ»^{۱۹۱} خدای متعال در این آیه می‌فرماید: «أكل مال بالباطل حرام است» پس در اینجا معیاری داریم که نباید «أكل مال بالباطل» باشد. یا

۶/۲ دومین دسته
روایات؛ روایات مکاسب
محرمه و علت حرمت
این مکاسب

غرد الحکم، ص ۱۱۶

N. Gregory Mankiw is the Professor of Economics at Harvard University. As a student, he . ۱۹۰ studied economics at Princeton University and MIT. As a teacher, he has taught macroeconomics, microeconomics, statistics, and principles of economics. Mankiw has been a research associate of the National Bureau of Economic Research, an adviser to the Congressional Budget Office and the Federal Reserve Banks of Boston and New York, and a member of the ETS test development committee for the advanced placement exam in he served as Chairman of the President's Council of Economic ۲۰۰۵ to ۲۰۰۳ economics. From Advisers.

ان. گری گوری منکیو استاد اقتصاد در دانشگاه هاروارد. او به عنوان یک دانشجو، اقتصاد را در دانشگاه پرینستون و MIT مطالعه کرد. او به عنوان یک معلم، اقتصاد کلان، اقتصاد خرد، آمار و اصول اقتصاد را تدریس کرده‌است. منکیو یکی از مشاوران دفتر کمیته ملی تحقیقات اقتصادی، مشاور دفتر بودجه کنگره و بانک‌های فدرال رزرو بوستون و نیویورک و عضو کمیته توسعه آزمایش پیشرفته در حوزه اقتصاد است. او از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۵ به عنوان رئیس شورای مشاوران اقتصادی رئیس‌جمهور خدمت کرد.

آدرس مطلب از صفحه معرفی منکیو از دانشگاه هاروارد: scholar.harvard.edu/mankiw/home

۱۹۱. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا / نساء، ۲۹

ای اهل ایمان! اموال یکدیگر را در میان خود به باطل [و از راه حرام و نامشروع] مخورید، مگر آنکه تجارتي از روی خشنودی و رضایت میان خودتان انجام گرفته باشد. و خودکشی نکنید؛ زیرا خدا همواره به شما مهربان است. [ترجمه انصاریان]

آیه می‌فرماید باید «تِجَارَةٌ عَنْ تَرَاضٍ» باشد؛ یعنی تجارتي که مبنایش بر عدم تراضی طرفین باشد، «منهی عنه» است؛ یعنی باز هم به مفهوم «رضایت طرفین» می‌رسیم.

چون مکاسب محرمه یک موضوع دائم‌المباحثه‌ای در حوزه هست، می‌خواهیم با تفاوت، بحثی را مطرح کنیم. کدام تفاوت؟ اینکه حیث علل‌الشرائعی مکاسب محرمه را بحث کنیم تا از آن حیث علل‌الشرائع، یک نظامی از ارزش‌ها زائیده شود. ان‌شاءالله به این مسئله -بفصله تبارک و تعالی- تفصیلاً خواهیم پرداخت. در باب مسئله «اکل مال یتیم» تعابیری به کار برده شده است، مثلاً آیه شریفه تعبیر «حُب» را درباره کسی که از مال یتیم استفاده سوء می‌برد، به کار برده است.^{۱۹۲} یا مثلاً تعبیر «سُحْت» درباره بعضی از نهی‌هایی است که در حوزه کسب از حجامت هست^{۱۹۳} و همچنین در تجارت‌ها و اموالی که از پایگاه اضرار به امام مفترض الطاعة به دست می‌آید، به کار برده شده است؛^{۱۹۴} پس تعابیری به کار گرفته شده که آن تعابیر و الفاظ می‌تواند ما را به یک نظام ارزشی جدیدی برساند! خود این موضوع، بحث مهمی است که باید به آن بپردازیم.

من روایت امام باقر علیه‌السلام را محضرتان عرض می‌کنم: «سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْغُلُولِ فَقَالَ: كُلُّ شَيْءٍ غُلٌّ مِنَ الْإِمَامِ فَهُوَ سُحْتٌ»^{۱۹۵} از مسئله غلول از امام

۶/۲/۱. بررسی
روایات علل‌الشرائع
حرمت برخی مکاسب؛
تفاوت بحث از
مکاسب محرمه در
فقه‌للمکاسب با
مباحثات رایج حوزوی

۶/۲/۲. هر فریبی که با
آن از امام عالی حاصل
شود؛ اولین مصداق
مکاسب محرمه

۱۹۲. وَ أَتُوا الْيَتَامَىٰ أَمْوَالَهُمْ وَ لَا تَبَدَّلُوا الْخَبِيثَ بِالطَّيِّبِ وَ لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ إِنَّهُ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا / نساء، ۲
اموال یتیمان را [پس از رشدشان] به آنان بدهید، و [اموال] پست و بی ارزش [خود] را با [اموال] مرغوب و با ارزش [آنان] عوض نکنید؛ و اموالشان را با ضمیمه کردن به اموال خود نخورید؛ زیرا آن گناهی بزرگ است. [ترجمه انصاریان]
۱۹۳. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْجَامُورِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ زُرْعَةَ عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: السُّحْتُ أَنْوَاعٌ كَثِيرَةٌ مِنْهَا كَسْبُ الْحَجَامِ إِذَا سَارَطَ وَ أَجْرُ الزَّائِنَةِ وَ تَمْنُ الْخَمْرِ فَأَمَّا الرَّشَا فِي الْحُكْمِ فَهُوَ الْكُفْرُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ.
سحت انواع بسیار دارد؛ از آن‌ها کسب حجامت‌کننده [از حجامت] است زمانی که شرط کند [که مال از شخص حجامت‌کننده بگیرد] و اجر زناکننده و مبلغ شراب. اما رشوه در حکم کردن؛ پس آن همان کفر به خدا بزرگ است.

الکافی، ج ۵، ص ۱۲۷

۱۹۴. الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رَبَاطٍ عَنْ عَمَّارِ بْنِ مَرْوَانَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْغُلُولِ فَقَالَ: كُلُّ شَيْءٍ غُلٌّ مِنَ الْإِمَامِ فَهُوَ سُحْتٌ وَ أَكْلُ مَالِ الْيَتِيمِ وَ شِبْهُهُ سُحْتٌ وَ السُّحْتُ أَنْوَاعٌ كَثِيرَةٌ مِنْهَا أَجُورُ الْفُجَّارِ وَ تَمْنُ الْخَمْرِ وَ التَّبِيدُ وَ الْمُسْكِرُ وَ الرَّبَا بَعْدَ النَّبِيَّةِ فَأَمَّا الرَّشَا فِي الْحُكْمِ فَإِنَّ ذَلِكَ الْكُفْرُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَ بِرَسُولِهِ.

غلول عبارت است از هر چیزی که از امام دزدیده شود و آن حرام است و خوردن مال یتیم و مانند آن حرام است و «سحت» انواع بسیاری دارد؛ از آن‌ها پاداش‌های بدکاران و مبلغ [حاصل از] شراب و شراب خرما و مست‌کننده و ربا بعد از روشن شدن [اینکه حرام است] و اما رشوه در حکم کردن پس همانا آن کفر به خدای بزرگ و رسولش است.

التهدیب، ج ۶، ص ۳۶۸

۱۹۵. الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رَبَاطٍ عَنْ عَمَّارِ بْنِ مَرْوَانَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْغُلُولِ فَقَالَ: كُلُّ شَيْءٍ غُلٌّ مِنَ الْإِمَامِ فَهُوَ سُحْتٌ وَ أَكْلُ مَالِ الْيَتِيمِ وَ شِبْهُهُ سُحْتٌ وَ السُّحْتُ أَنْوَاعٌ كَثِيرَةٌ مِنْهَا أَجُورُ الْفُجَّارِ وَ تَمْنُ الْخَمْرِ وَ التَّبِيدُ وَ الْمُسْكِرُ وَ الرَّبَا بَعْدَ النَّبِيَّةِ فَأَمَّا الرَّشَا فِي الْحُكْمِ فَإِنَّ ذَلِكَ الْكُفْرُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَ بِرَسُولِهِ.

علیه‌السلام سؤال کردند و امام علیه‌السلام فرمود: «كُلُّ شَيْءٍ» هر چیزی «عُلَّ مِنَ الْإِمَامِ» فریبی در آن مسئله باشد که به وسیله آن فریب از ناحیه امام مالی به دست بیاید، این کار، سُحت محسوب می‌شود و کلمه سُحت در مال حرام ظهور دارد آن هم از نوع اشد آن.

همچنین در ادامه روایت می‌فرماید: «وَأَكَلَ مَالِ الْيَتِيمِ وَ شَبُهَهُ» باز اگر کسی از مال یتیم استفاده کند مبتلای به سُحت می‌شود. بعد امام توضیح می‌دهند: «وَالسُّحْتُ أَنْوَاعٌ كَثِيرَةٌ مِنْهَا أُجُورُ الْفَوَاجِرِ وَ تَمَنُّ الْخَمْرِ وَ النَّبِيدِ وَ الْمُسْكَرِ وَ الرَّبَا بَعْدَ الْبَيِّنَةِ فَأَمَّا الرَّشَا فِي الْحُكْمِ فَإِنَّ ذَلِكَ الْكُفْرُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَ بِرَسُولِهِ» امام انواع دیگری از سُحت را بحث می‌کند؛ من جمله اجر و مزدی که از ناحیه گناهان به دست می‌آید، همچنین پولی که از ناحیه خمر و از ناحیه نبیذ مسکر^{۱۹۶} به دست می‌آید که حرمت یکی از آنها به خاطر آیات قرآن بوده^{۱۹۷} و حرمت نبیذ به دلیل سنت پیامبر است.^{۱۹۸} مسئله ربا بعد از اینکه پس از «الْبَيِّنَةُ»^{۱۹۹} اثبات شود و مسئله «ارتشای در حکم»^{۲۰۰} هم اگر منجر به درآمدی شوند که می‌شوند همه از موارد سُحت محسوب می‌شود. مثلاً اینها بخشی از مکاسب محرمه هستند که امام علیه‌السلام در این روایات بحث کرده‌اند.

وقتی هر کدام از اینها را به صورت مجزا در روایات بررسی می‌کنید یک علتی برای آنها بیان شده است. مثلاً امام صادق علیه‌السلام در مورد مسئله ربا فرمودند: «إِنَّمَا حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ الرَّبَا

۶/۲/۳. خوردن مال یتیم، اجر فاجر، فروش مست‌کننده، ربا و ارتشای در حکم؛ دومین الی پنجمین مکاسب محرمه

۶/۲/۳/۱. تضعیف قرض الحسنه؛ یکی از علل بیان شده برای حرمت ربا

امام باقر علیه‌السلام: غلول عبارت است از هر چیزی که از امام دزدیده شود و آن حرام است و خوردن مال یتیم و مانند آن حرام است و «سحت» انواع بسیاری دارد؛ از آنها پاداش‌های بدکاران و مبلغ [حاصل از] شراب و شراب خرما و مست‌کننده و ربا بعد از روشن شدن [اینکه حرام است] و اما رشوه در حکم کردن پس همانا آن کفر به خدای بزرگ و رسولش است.

التهدیب، ج ۶، ص ۳۶۸

۱۹۶. نبیذ مسکر = شراب خرما.

۱۹۷. یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَ الْمَيْسِرُ وَ الْأَنْصَابُ وَ الْأَرْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ / مانند، ۹۰ ای اهل ایمان! جز این نیست که همه مایعات مست‌کننده و قمار و بت‌هایی که [برای پرستش] نصب شده و پاره چوب‌هایی که به آن تفال زده می‌شود، پلید و از کارهای شیطان است؛ بنابراین از آنها دوری کنید تا [بر موانع راه سعادت] پیروز شوید. [ترجمه انصاریان]

۱۹۸. عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ عَنِ حَمَادِ بْنِ عَثْمَانَ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: وَضَعَ رَسُولُ اللَّهِ - دِيَةَ الْعَيْنِ وَ دِيَةَ النَّفْسِ وَ حَرَّمَ النَّبِيدَ وَ كُلَّ مُشْكِرٍ. فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ: وَضَعَ رَسُولُ اللَّهِ - مِنْ غَيْرِ أَنْ يَكُونَ جَاءَ فِيهِ شَيْءٌ؟! فَقَالَ: نَعَمْ لِيُعْلَمَ مَنْ يُطِيعُ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَعِصِيهِ.

امام باقر علیه‌السلام فرمودند: قانون خون‌بهای چشم و خون‌بهای جان را پیغمبر - وضع فرمود و نبیذ (شراب خرما) و هر مست‌کننده‌ای را او حرام کرد، مردی عرض کرد: پیغمبر - وضع قانون کرد بدون آنکه دستوری نسبت به آنها آمده باشد؟! فرمود: آری تا کسانی که اطاعت رسول میکنند از نافرمانان او مشخص شوند. [ترجمه مصطفوی]

الکافی، ج ۱، ص ۲۶۷

۱۹۹. یعنی پس از روشن شدن حکم حرمت ربا.

۲۰۰. یعنی رشوه‌گرفتن قاضی برای حکم کردن.

لِكَيْلَا يُمْتَنِعَ النَّاسُ مِنَ اضْطِنَاعِ الْمَعْرُوفِ»^{۲۰۱} حضرت فرمودند ربا حرام شده تا شما از کار خیر بازداشته نشوید و منظور از کار خیر در اینجا قرض الحسنه است؛ یعنی یک ملاک به دست می‌آید که ما باید به مسئله قرض الحسنه - که عامل مهمی برای بهینه‌کردن روابط انسانی است - توجه کنیم. لذا یکی از علت‌های حرمت مسئله ربا در این روایت بحث شده است.

یا مثلاً در روایات دیگری که در این حوزه بحث شده است علت حرمت برخی از سحت‌هایی که بحث کردیم را تشریح کرده‌اند: به‌عنوان مثال در روایتی در علل الشرایع^{۲۰۲} چنین آمده است که محمد بن سنان از ابی الحسن الرضا علیه السلام نقل می‌کنند که «كَتَبَ إِلَيْهِ فِيمَا كَتَبَ مِنْ جَوَابِ مَسَائِلِهِ: حَرَّمَ أَكْلَ مَالِ الْيَتِيمِ ظُلْمًا لِعَلِّ كَثِيرَةٌ مِنْ وُجُوهِ الْفَسَادِ»^{۲۰۳}

۶/۲/۳/۲. کمک به فقر و نابودی یتیم و ایجاد زمینه انتقام و ستیز؛ یکی از علل بیان شده برای حرمت خوردن مال یتیم

۲۰۱. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّمَا حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الرِّبَا لِكَيْلَا يُمْتَنِعَ النَّاسُ مِنَ اضْطِنَاعِ الْمَعْرُوفِ.
ابو عبد الله صادق علیه السلام گفت: خداوند - عز و جل - ربا را حرام کرد، تا مردم از کارگشائی و کارسازی اجتماعی کوتاهی نکنند. [ترجمه بهبودی]

الکافی، ج ۵، ص ۱۴۶

۲۰۲. عِلَلُ الشَّرَائِعِ كِتَابِي حَدِيثِي فِي بَابِ عِلَلِ احْكَامِ شَرْعِي وَعَقِيدَتِي نُوَشْتُهُ شَيْخُ صَدُوقِ (۳۸۱ ق) است.

۲۰۳. حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْعَبَّاسِ قَالَ حَدَّثَنَا الْقَاسِمُ بْنُ الرَّبِيعِ الصَّخَّافُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ أَنَّ أَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ كَتَبَ إِلَيْهِ فِيمَا كَتَبَ مِنْ جَوَابِ مَسَائِلِهِ: حَرَّمَ أَكْلَ مَالِ الْيَتِيمِ ظُلْمًا لِعَلِّ كَثِيرَةٌ مِنْ وُجُوهِ الْفَسَادِ أَوْلَ ذَلِكَ إِذَا أَكَلَ مَالِ الْيَتِيمِ ظُلْمًا فَقَدْ أَغَانَ عَلَى قَتْلِهِ إِذِ الْيَتِيمُ غَيْرُ مُسْتَعْنٍ وَلَا مُحْتَمِلٍ لِنَفْسِهِ وَلَا قَائِمٍ بِشَأْنِهِ وَلَا لَهُ مَنْ يَقُومُ عَلَيْهِ وَيَكْفِيهِ كِفَايَاً وَالِدِيهِ فَإِذَا أَكَلَ مَالَهُ فَكَأَنَّهُ قَدْ قَتَلَهُ وَصَيْرَهُ إِلَى الْفَقْرِ وَالْفَقْرَ مَعَ مَا خَوَّفَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنَ الْعُقُوبَةِ فِي قَوْلِهِ لِيُخْشَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكَوْا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّةً ضِعَافًا خَافُوا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَ لِقَوْلِ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَعَدَ فِي أَكْلِ مَالِ الْيَتِيمِ عُقُوبَةً فِي الدُّنْيَا وَعُقُوبَةً فِي الْآخِرَةِ فَفِي تَحْرِيمِ مَالِ الْيَتِيمِ اسْتِثْقَاءُ الْيَتِيمِ وَ اسْتِثْقَالُهُ بِنَفْسِهِ وَ السَّلَامَةُ لِلْعُقُوبِ أَنْ يَصِيبَهُ مَا أَصَابَهُمْ لِمَا وَعَدَ اللَّهُ فِيهِ مِنَ الْعُقُوبَةِ مَعَ مَا فِي ذَلِكَ مِنْ طَلَبِ الْيَتِيمِ بِتَأْرِهِ إِذَا أَدْرَكَ وَ وُفُوعِ الشَّحْنَاءِ وَ الْعِدَاوَةِ وَ الْبُغْضَاءِ حَتَّى يَتَفَانُوا.

علی بن احمد از محمد بن ابی عبد الله، از محمد بن اسماعیل، از علی بن عباس، از قاسم بن ربیع صحاف، از محمد بن سنان نقل کرده که وی گفت: حضرت ابی الحسن علی بن موسی الرضا علیه السلام در مکتوبی به او در جواب مسائلیش فرمودند: خوردن مال یتیم از روی ظلم و ستم به خاطر علل و اسباب بسیاری حرام است: اول: هرگاه کسی از روی ستم مال یتیمی را بخورد بر کشتنش کمک کرده زیرا یتیم محتاج و فقیر بوده و از طرفی نمی‌تواند خود را بکشد و بردارد و اساساً قائم به خویش نبوده و کسی را هم ندارد که همچون پدر و مادر وی را کفایت کنند از این رو وقتی کسی مالش را بخورد گویا او را کشته و به فقر و فاقه انداخته‌اش مضافاً به هشداری که حق عز و جل داده و از ستم به یتیم و افراد ضعیف بر حذر داشته و اخبار به عقوبت داده چنانچه در قرآن فرموده: باید بندگان از مکافات عمل خود بترسند (و با یتیمان نیک رفتار کنند) کسانی می‌ترسند کودکان ناتوان از آنها باقی ماند و زیر دست مردم شوند، آنان باید از خدا بترسند. دوم: حضرت ابو جعفر علیه السلام فرمودند: خداوند عز و جل در خوردن مال یتیم وعده دو عقوبت داده، یک عقوبت در دنیا و دیگری در آخرت. پس حکمت و مصلحت در تحریم مال یتیم یکی ابقاء یتیم و قائم به نفس نمودنش بوده و دیگری حفظ نمودن اعقاب و فرزندان از آنچه به ایتم می‌رسد چه آنکه متصدیان امور ایتم وقتی وعده عقوبت حق عز و جل به متصرفین در اموال ایتم را ملاحظه کردند از خوردن اموال ایشان اجتناب کرده و هیچ‌گونه

می‌گوید در نوشته‌های امام این‌گونه بود که در حرام بودن اکل مال یتیم - البته اکل مال یتیمی که بر پایه ظلم باشد - دلایل کثیری از پایگاه فساد وجود دارد که باعث شده این موضوع حرام شده است. بعد حضرت می‌فرماید: «أَوَّلُ ذَلِكَ إِذَا أَكَلَ مَالَ الْيَتِيمِ ظُلْمًا فَقَدْ أَعَانَ عَلَى قَتْلِهِ» اگر کسی مال یتیم را استفاده کند کمک کرده که یتیم کشته شده و حیاتش قطع شود. «إِذَا الْيَتِيمَ غَيْرَ مُسْتَعْنٍ وَلَا مُحْتَمِلٍ لِنَفْسِهِ» فرد یتیم نمی‌تواند روی پای خودش بایستد و شما اگر در مال یتیم تصرف کنید در واقع کمک کردید که او از بین برود. معلل روایت را نگاه کنید: «إِذَا الْيَتِيمَ غَيْرَ مُسْتَعْنٍ وَلَا مُحْتَمِلٍ لِنَفْسِهِ وَلَا قَائِمٍ بِشَأْنِهِ وَلَا لَهُ مَنْ يُقُومُ عَلَيْهِ وَيَكْفِيهِ كَقِيَامِ وَالِدَيْهِ» می‌گوید هیچ‌کسی نیست که مثل پدر و مادر یتیم بتواند امور یتیم را متکفل شود بنابراین اگر شما مال یتیم را به چالش کشیدید در واقع کمک کرده‌اید که او از بین برود. دوباره امام تأکید می‌کنند: «فَإِذَا أَكَلَ مَالَهُ فَكَأَنَّهُ قَدْ قَتَلَهُ وَصَيْرَهُ إِلَى الْفَقْرِ» شما کمک کرده‌اید که یتیم به سمت فقر برود مانند این است که یتیم را بکشید. «وَصَيْرَهُ إِلَى الْفَقْرِ وَالْفَاقَةِ» بعد امام علیه‌السلام دلایل دیگری هم بحث می‌کنند؛ «مَعَ مَا خَوَّفَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنَ الْعُقُوبَةِ» روایت ادامه می‌دهد و ادله را بحث می‌کند. آخرین عبارت هم این است که می‌فرماید: اگر کسی به مال یتیم دست‌درازی کند بعدها زمینه انتقام یتیم را فراهم می‌کند و یتیم وقتی بزرگ شود آن وقت «مَعَ مَا فِي ذَلِكَ مِنْ طَلَبِ الْيَتِيمِ بِثَأْرِهِ إِذَا أَدْرَكَ وَوُقُوعِ الشَّحْنَاءِ وَالْعَدَاوَةِ وَالْبُغْضَاءِ حَتَّى يَتَفَانُوا» یعنی به سمتی می‌روند که همدیگر را فنا کنند؛ یعنی یک درگیری جدی ادامه‌داری ایجاد می‌شود. باز ملاک‌ها در اینجا به درد می‌خورد.

حالا چه این ملاک‌ها را به تعبیر امروز حوزوی تام بگیریم یا ناقص - که حالا در قسمت آخر عرایض در این جلسه تحلیل می‌کنم - ولی به هر حال این ملاک‌ها در روایات مکاسب محرمه به دست می‌آید. آنجا در روایت اول فرمود که ربا حرام شده تا شما قرض الحسنه را ترک نکنید؛ اینجا فرمود اکل مال یتیم حرام شده تا به یتیم ضربه نزنید. در نظریه تعریف عرض کردیم که سیزده حوزه تنظیم روابط انسانی وجود دارد که یکی از آنها تنظیم رابطه انسانها با ایتام است که به صورت مفصل در روایات به آن پرداخته شده است.

خیانتی در مال آنها نمی‌کنند در نتیجه هم ایتام با داشتن مال قائم به نفس گشته و نیاز به مال دیگران ندارند و هم فرزندان متصدیان به سرنوشت سوء ایتامی که مالشان را اولیاء خورده‌اند که مبتلا نمی‌شوند از این گذشته آنان که مال ایتام را می‌خورند بعداً که اطفال یتیم رشد کرده و به سن درک و بلوغ رسیدند حق خود را مطالبه کرده و بدین ترتیب عداوت و خصومت و بغض و کینه بین طرفین حاکم می‌شود.

۶/۲/۴. تضعیف عقل، انکار خداوند، دروغ بستن بر پیامبر، فساد، قتل، قذف (تهمت)، زنا و ...؛ چند علت، از علل بیان شده برای حرمت خمر

یا در روایت دیگری در کتاب «عیون اخبار الرضا علیه السلام» آمده که -باز محمد بن سنان، این روایت را نقل کرده- «قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ حَرَّمَ اللَّهُ الْخَمْرَ لِمَا فِيهَا مِنَ الْفُسَادِ وَمِنْ تَغْيِيرِهَا عُقُولَ شَارِبِيهَا»^{۲۰۴} یک ملاکی را بحث می‌کند؛ می‌گوید اگر مسئله خوردن شراب در جامعه تثبیت شود عقل تضعیف می‌شود. پس یک ملاکی است و آن، تضعیف عقل است. ملاک‌های دیگری را هم بحث می‌کند: «وَحَمْلُهَا إِيَّاهُمْ عَلَىٰ إِنْكَارِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ الْفُرْيَةِ عَلَيْهِ وَ عَلَىٰ رُسُلِهِ» می‌گوید وقتی عقل تضعیف می‌شود و شراب نوشیده می‌شود زمینه انکار و دروغ بستن به خدا و پیامبران خدا آماده می‌شود. بعد می‌فرماید «وَ سَائِرِ مَا يَكُونُ مِنْهُمْ مِنَ الْفُسَادِ وَ الْقَتْلِ وَ الْقَذْفِ وَ الزَّانِءِ وَ قَلَّةِ الْإِحْتِجَازِ مِنْ شَيْءٍ مِنَ الْحَرَامِ» می‌گوید قتل، فساد، قذف و تهمت زدن اتفاق می‌افتد و زنا گسترش پیدا می‌کند که همه اینها ملاک‌های کاملاً مشخصی هستند.

پس اگر در باب مکاسب محرمه، این روایات را بررسی کنیم به یک ملاک‌های جدیدی دست پیدا خواهیم کرد. این را اضافه کنید به بحثی که در جلسه دیروز محضر شریف‌تان داشتیم: دیروز بنده روایاتی در حوزه دسته روایات عامی که به شغل داشتن دعوت می‌کردند، خواندم که مثلاً حضرت فرمود: «تَرَكَ التَّجَارَةَ يَنْقُصُ الْعَقْلَ»^{۲۰۵} باز در آنجا مسئله عقل موضوعیت داشت یا فرمودند «مَنْ طَلَبَ التَّجَارَةَ اسْتَعْنَىٰ عَنِ النَّاسِ»^{۲۰۶} مسئله استغنائی از مردم، یک ملاکی بود که آنجا بحث شده بود. یا «الْكَادُّ عَلَىٰ عِيَالِهِ مِنْ حَلَالٍ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» در آن روایاتی که خواندیم مسئله رسیدگی به امور خانواده، یک ملاکی بود که امام

۲۰۴. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ السَّعْدِآبَادِي قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: حَرَّمَ اللَّهُ الْخَمْرَ لِمَا فِيهَا مِنَ الْفُسَادِ وَمِنْ تَغْيِيرِهَا عُقُولَ شَارِبِيهَا وَ حَمْلُهَا إِيَّاهُمْ عَلَىٰ إِنْكَارِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ الْفُرْيَةِ عَلَيْهِ وَ عَلَىٰ رُسُلِهِ وَ سَائِرِ مَا يَكُونُ مِنْهُمْ مِنَ الْفُسَادِ وَ الْقَتْلِ وَ الْقَذْفِ وَ الزَّانِءِ وَ قَلَّةِ الْإِحْتِجَازِ مِنْ شَيْءٍ مِنَ الْحَرَامِ فَبِذَلِكَ قَضَيْنَا عَلَىٰ كُلِّ مُسْكِرٍ مِنَ الْأَشْرِبَةِ أَنَّهُ حَرَامٌ مُحَرَّمٌ لِأَنَّهُ يَأْتِي مِنَ عَاقِبَتِهَا مَا يَأْتِي مِنَ عَاقِبَةِ الْخَمْرِ فَلْيَجْتَنِبْنَهُ مَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ يَتَوَلَّانَا وَ يَنْتَحِلُ مَوَدَّتَنَا كُلَّ شَرَابٍ مُسْكِرٍ فَإِنَّهُ لَا عِصْمَةَ بَيْنَنَا وَ بَيْنَ شَارِبِيهَا.

از محمد بن سنان مروی است که گفت از حضرت رضا علیه السلام شنیدم که فرمود خدا شراب را از این جهت حرام کرد که موجب فساد شود و سبب تغییر عقل آشفتمنده آن بشود و او را وادارد بر انکار کردن خداوند عالم و دروغ بستن بر او و پیغمبران او و سایر محرماتی که از خدا و رسول او رسیده است مثل فساد و قتل و نسبت به زنا دادن و زنا کردن و منع نکردن خود را از چیزی از محرمات یعنی باک نداشتن از هر عمل حرام پس به این سبب ما حکم نمودیم به اینکه هر مست‌کننده حرام است زیرا که عاقبت آن چون عاقبت خمر است و مفاسد وی بر آن مرتب شود پس کسی که به خدا و رسول و روز قیامت ایمان آورده و ولایت ما را قبول کرده است و ادعای دوستی ما می‌کند باید از هر چیزی که مست‌کننده باشد و سبب زوال عقل شود اجتناب کند زیرا که میان ما و شراب‌خوار ربطی و عهدی نیست یعنی این طایفه بما ائمه امیدوار نباشند زیرا که از شفاعت ما محروم‌اند.

عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۹۸

۲۰۵. ر.ک پاورقی ۲۴ جلسه ۲.

۲۰۶. ر.ک پاورقی ۲۷ جلسه ۲.

بر مبنای آن به یادگرفتن حرفه و پذیرش شغل دعوت می‌کرد. پس دسته دوم روایات که روایات مکاسب محرمه هستند باز به ما کمک می‌کند که ملاکیابی کرده و این ملاک‌ها را در حوزه طبقه‌بندی مشاغل به کارگیری کنیم.

دسته سوم روایات که در این حوزه بحثی کمک می‌کند، روایاتی هستند که خود مشاغل مباح - نه مشاغل محرمه - را طبقه‌بندی می‌کند. برای نمونه روایت معروفی است که اسحاق بن عمار از امام صادق علیه‌السلام نقل می‌کند و در اصول متعدد روایی ما نقل شده است. ایشان می‌فرماید: «دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَخَبَّرْتُهُ أَنَّهُ وُلِدَ لِي غُلَامٌ»^{۲۰۷} می‌گوید به محضر امام صادق علیه‌السلام رسیدم و به ایشان خبر دادم که برای من پسری متولد شده است. دقتی در این روایت هست؛ همان روزهای اولی که پسرش به دنیا آمده، پدر به دنبال این بوده که مدیریت حوزه شغل فرزندش را آغاز کند. از دقت بر این روایت و تأییدی که امام علیه‌السلام بر این سؤال می‌کند، می‌توان استفاده کرد که ولایت حوزه شغل هم بر عهده پدر است و این برداشت را هم می‌توان از مجموعه دیگری از روایات تأیید معنایی کرد. البته محل بحث من این نیست و فقط خواستم اشاره کنم.

«فَقَالَ أَلَا سَمَّيْتَهُ مُحَمَّدًا» امام علیه‌السلام قبل از اینکه سؤال فرد را جواب دهند، به یک وظیفه اولیه‌ای توجه می‌دهند و می‌فرمایند: آیا اسمش را محمد گذاشته‌ای؟ یعنی می‌فرمایند تکلیف اول، حوزه شغل نیست بلکه تکلیف هویتی است؛ چون اسم افراد، عامل اصلی در

۶/۳. سومین دسته
روایات؛ روایات باب
شغل‌های مباح
کم‌فضیلت

۲۰۷. مُحَمَّدٌ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ يَحْيَى الْخُرَاعِيِّ عَنْ أَبِيهِ يَحْيَى بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَخَبَّرْتُهُ أَنَّهُ وُلِدَ لِي غُلَامٌ فَقَالَ أَلَا سَمَّيْتَهُ مُحَمَّدًا قَالَ قُلْتُ قَدْ فَعَلْتُ قَالَ فَلَا تَضْرِبْ مُحَمَّدًا وَلَا تَسْبُهُ جَعَلَهُ اللَّهُ فُرَّةً عَيْنٍ لَكَ فِي حَيَاتِكَ وَ خَلَفَ صِدْقٍ مِنْ بَعْدِكَ فَقُلْتُ جَعَلْتُ فِدَاكَ فِي أَيِّ الْأَعْمَالِ أَضَعُهُ قَالَ إِذَا عَدَلْتَهُ عَنْ خَمْسَةِ أَشْيَاءَ فَضَعُهُ حَيْثُ شِئْتَ لَا تُسَلِّمُهُ صَيْرَفِيًّا فَإِنَّ الصَّيْرَفِيَّ لَا يُسَلِّمُ مِنَ الرِّبَا وَلَا تُسَلِّمُهُ بَيْعَ الْأَكْفَانِ فَإِنَّ صَاحِبَ الْأَكْفَانِ يُسْرِهُ الْوَبَاءَ إِذَا كَانَ وَلَا تُسَلِّمُهُ بَيْعَ الطَّعَامِ فَإِنَّهُ لَا يُسَلِّمُ مِنَ الْإِحْتِكَارِ وَلَا تُسَلِّمُهُ جَزَارًا فَإِنَّ الْجَزَارَ تُسَلِّبُ مِنْهُ الرَّحْمَةَ وَلَا تُسَلِّمُهُ نَخَاسًا فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ شَرُّ النَّاسِ مَنْ بَاعَ النَّاسَ.

اسحاق بن عمار می‌گوید: بر امام صادق علیه‌السلام وارد شدم و او را بر پسری که به دنیا برایم به دنیا آمده بود با خبر ساختم پس فرمود: آیا نام او محمد گذاشته‌ای؟ گفتم: بله، این کار را کرده‌ام. فرمود: پس او را نزن و به او الفاظ بد نگو! تا خدا او را برای تو روشنی چشم در زندگی‌ات و جانشینی درست بعد از تو قرار دهد. پس به او گفتم: فدایت شوم، او را در چه کاری قرار دهم؟ زمانی که او را از پنج چیز بازداشتی، او را در هر جایی که خواستی قرار ده؛ او را در زرگری قرار نده زیرا زرگر از ربا در امان نیست و او را فروشنده کفن قرار نده زیرا صاحب کفن را وبا خوشحال می‌کند و او را فروشنده غذا قرار نده زیرا آن از احتکار در امان نیست و او را قصاب قرار نده زیرا همانا رحمت از قصاب سلب می‌شود و او را فروشنده برده قرار نده زیرا رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: بدترین مردم کسی است که انسان‌ها را می‌فروشد.

معنای زرگر بگیریم، این طور می شود که امام علیه السلام در حال پرهیز دادن از ربای غیر قرضی است؛ یعنی ربایی که ممکن است در حوزه زرگری بروز پیدا کند. چون وقتی طلا را با طلا معامله می کنند، مقیاسشان بر اساس گرم و مثقال است، پس اگر دقت نشود، ممکن است به ربا مبتلا شوند.^{۲۰۹} ببینید در حیث طبقه بندی مشاغل، معیار جدیدی به دست آمد. حضرت می فرماید: «(از ربا سالم نمی ماند.)» در روایت دیگر می فرماید: «أَحْبَبْتُ الْمَكَاسِبِ كَسْبُ الرَّبَا»^{۲۱۰} و «شَرُّ الْمَكَاسِبِ كَسْبُ الرَّبَا»^{۲۱۱} در این مثال ها معیاری را بحث می کنند. وقتی روایات حول ربا را مطرح کنید، باز باید در ربا درایه شود که چرا ربا «منهی عنه» است؟ ربا در واقع یک عامل به چالش کشاننده حوزه روابط انسانی است. البته حیث های درایه ای دیگری هم در آن هست.

همچنین حضرت می فرماید: «لَا تُسَلِّمُهُ بَيَّاعَ الْأَكْفَانِ» او را فروشنده کفن قرار نده! از ظهور کلمه «بَيَّاعَ الْأَكْفَانِ» پیدا می شود که حضرت علیه السلام دارند از فروش کفن به عنوان شغل اختصاصی نفی می کنند. برای نمونه ممکن است شغل شخصی بزازی باشد ولی در کنار بزاز بودن، کفن هم بفروشد. این مسئله نفی نشده است. حضرت می فرماید: «بَيَّاعَ الْأَكْفَانِ» نباشد؛ یعنی از شغل کسی که بسیار کفن می فروشد، نهی کرده اند. معلل روایت چیست؟ می فرماید: «فَإِنَّ صَاحِبَ الْأَكْفَانِ يَسْرُهُ الْوَبَاءُ إِذَا كَانَ» یعنی کسی که کفن می فروشد، از مرگ دسته جمعی مردم خوشحال می شود و آن را به سود خود می بیند. ببینید در اینجا هم باز حیث بحث، بهینه شدن روابط انسانی است؛ یعنی شما نباید حتی در خیال خودتان هم از ضرر به مردم خوشحال بشوید و این حیث در مسئله فروش کفن وجود دارد.

حضرت می فرماید: «وَلَا تُسَلِّمُهُ بَيَّاعَ الطَّعَامِ» می فرماید: فرزند را فروشنده غذای مردم قرار نده! یعنی کسی که کارش تنها فروش مواد غذایی باشد. اینجا باز روایت می فرماید: «فَإِنَّهُ لَا

۶/۳/۲. شادمانی از مرگ دسته جمعی مردم در شغل کفن فروشی؛ دومین ملاک برای کم فضیلت شدن برخی شغل های مباح

۶/۳/۳. ابتلای به احتکار در شغل غذا فروشی؛ سومین ملاک برای کم فضیلت شدن برخی شغل های مباح

۲۰۹. س ۱۰۵. آیا در خرید و فروش طلا و نقره ربا محقق می شود؟

ج. اگر طلا را به طلا، یا نقره را به نقره بفروشد، (سکه باشد یا زیور آلات) در صورتی که وزن یکی از آنها زیادتر از دیگری باشد معامله حرام و باطل است. ولی اگر طلا را به نقره، یا نقره را به طلا بفروشد، معامله صحیح است، و لازم نیست وزن آنها مساوی باشد.

آدرس مطلب در پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری: yon.ir/9J9sL

۲۱۰. أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ قُضَّالٍ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ سَعْدِ بْنِ طَرِيفٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: أَحَبُّتُ الْمَكَاسِبِ كَسْبُ الرَّبَا.

امام باقر علیه السلام: خبیث ترین درآمدها، درآمد از ربا است.

الکافی، ج ۵، ص ۱۴۷

۲۱۱. قال رسول الله صلى الله عليه وآله: شَرُّ الْمَكَاسِبِ كَسْبُ الرَّبَا.

رسول خدا- فرمود: بدترین کسب ها، کسب ربا است.

من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۳۷۷

يَسْلَمُ مِنَ الْإِحْتِكَارِ) می‌گوید چنین انسانی از احتکار سالم نمی‌ماند؛ یعنی وقتی بازار به هم می‌ریزد، کالای خودش را مخفی می‌کند تا قیمت بالا برود و او سود کند. روایت مهم دیگری: «کسی که احتکار می‌کند با شخص قاتل در روز قیامت هم‌درجه هستند»^{۲۱۲} یعنی این خیلی گناه بزرگی است و حیث آن هم، روابط انسانی است.

«وَلَا تُسَلِّمُهُ جَزَارًا فَإِنَّ الْجَزَارَ تُسَلِّبُ مِنْهُ الرَّحْمَةَ» او را قصاب هم قرار نده، چرا؟ چون رحم و مروت از قصاب سلب می‌شود! باز در اینها هم دقت‌هایی است که از آن عبور می‌کنم.

۶/۳/۴. سلب رحم و مروت در شغل قصابی؛ چهارمین ملاک برای کم‌فضیلت شدن برخی شغل‌های مباح

«وَلَا تُسَلِّمُهُ نَخَاسًا فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ شَرُّ النَّاسِ مَنْ بَاعَ النَّاسَ» یعنی او را برده‌فروش هم قرار نده، دلیلش هم این است که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: بدترین مردم کسی است که کارش خرید و فروش مردم باشد. البته در این روایتی که به محضرتان عرض کردم دقت‌های فراوان دلالتی وجود دارد و من الآن نمی‌خواهم به آن‌ها بپردازم و تنها می‌خواستم به این بپردازم که تنها در همین روایت که مسئله طبقه‌بندی مشاغل را مطرح کرده است، در دایره شغل‌های حلال - به اصطلاح فقهی موجود - شغل‌های مکروه را بحث کرده و حیث کراهت را هم مباحثه کرده است؛ پس این هم یک دسته از روایات است که مشاغل مباح را بحث می‌کند ولی از برخی مشاغل مباح بر اساس یک نظام ارزشی نهی می‌کند.

۶/۳/۵. نهی از خرید و فروش مردم در شغل برده‌فروشی؛ پنجمین ملاک برای کم‌فضیلت شدن برخی شغل‌های مباح

دسته چهارم از روایاتی که ما برای طبقه‌بندی حوزه مشاغل از آن‌ها استفاده و راجع به آن‌ها گفتگو می‌کنیم، آن دسته از روایاتی هستند که فضیلت شغل‌ها را در دایره مشاغل مباح بحث می‌کنند. مثل آن روایاتی که از فضیلت زراعت یا خیاطی یا داشتن دام در خانه بحث می‌کند.^{۲۱۳} آن‌ها هم یک نظام ارزشی را در اختیار ما قرار می‌دهند که ان‌شاء الله باید آن‌ها را بحث کنیم. ملحق به این چهار دسته روایات که من عرض کردم، بعضی از روایات دیگر هم وجود دارد که باز ما می‌توانیم از آن روایات، یک سری ملاک‌ها را برای طبقه‌بندی مشاغل استنباط کنیم و یک سری مناط را در ارزش‌گذاری حوزه مشاغل به دست بیاوریم؛ مثلاً فرض بفرمایید در دعوت به مشاغلی که به استقلال غذایی یا طراحی مد و اقلام اولیه طراحی

۶/۴. چهارمین دسته روایات؛ روایات باب مشاغل بافضیلت

۲۱۲. عنه [رسول الله] صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : يُحْشَرُ الْحَكَارُونَ وَ قَتَلَةُ الْأَنْفُسِ إِلَى جَهَنَّمَ فِي دَرَجَةٍ.

رسول خدا - فرمود: محتکران و آدم‌کشان در جهنم هم درجه‌اند.

کنز العمال، ح ۹۷۳۹ / میزان الحکمة، ج ۳، ص ۱۷۱

۲۱۳. برای مشاهده احادیث مربوط به کشاورزی، خیاطی و نگاه‌داری دام ر.ک به پیوست ۷.

لباس کمک می‌کنند، مسئله نفی سبیل^{۲۱۴} و عبور از ذلت به عنوان یک ملاک معرفی شده است از مجموع این چهار دسته روایت که به محضران خواندم، یک ملاک و مناطی به دست می‌آید و آن هم مسئله «سود ارتباطی» است که باید در حوزه مشاغل و مکاسب حاکم باشد؛ یعنی هم دسته اول روایات که به نحو عام بحث می‌کرد، کاملاً در این وضوح داشت که مسئله سود ارتباطی، مفهومی حاکم بر حوزه مشاغل است [هم سه‌دسته دیگر روایات]. برای نمونه آنجا که فرمود: «الْكَادُّ عَلَى عِيَالِهِ مِنْ حَلَالٍ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» این روایت به وضوح، بهینه شدن روابط انسانی را در حوزه خانوادگی محل بحث قرار می‌دهد. همچنین آن روایتی که فرمود: «تَرَكَ التَّجَارَةَ يَنْقُضَ الْعَقْلَ» به علاوه روایاتی که می‌فرماید: «مدارا نصف عقل است.» در واقع ما را به مسئله حکومت سود ارتباطی در حوزه تجارت و بیع، رهنمون می‌کند! همچنین آن روایتی که فرمود: «لِإِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا لَمْ يَكُنْ لَهُ حِرْفَةٌ يَعِيشُ بِدِينِهِ» باز مطرح کننده سود ارتباطی است؛ یعنی دین که عامل فلاح انسان‌هاست، نباید ابزار کسب و اکتساب شما قرار گیرد. همچنین آن روایتی که فرمود فرزندان را بیاع طعام قرار نده «فَإِنَّهُ لَا يَسْلَمُ مِنَ الْإِحْتِكَارِ» مسئله احتکار ظهور در بهینه شدن روابط انسانی دارد. یا مثلاً روایتی که فرمود: «لَا تُسَلِّمُ بِيَّاعَ الْأَكْفَانِ» فرزندان را فروشنده کفن قرار نده، در معلل آن آمده است که «فَإِنَّ صَاحِبَ الْأَكْفَانِ يَسُرُّهُ الْوَبَاءُ إِذَا كَانَ» صاحب کفن از مرگ دسته جمعی افراد خوشحال می‌شود.

در مجموع، همه روایاتی که خواندیم به نحو مستقیم یا غیر مستقیم ما را به مسئله سود ارتباطی دلالت می‌دهند. این آن بحثی است که الآن خواستم محضر شما مطرح کنم. پس مفهوم عامی را از این روایات استفاده می‌کنیم و آن مفهوم عبارت از این است که در حوزه کسب، ارزشی به نام سود ارتباطی داریم. سود ارتباطی را در مباحثات نظریه تعریف^{۲۱۵} بحث کرده‌ایم که در سیزده حوزه دارای استظهار است.^{۲۱۶} البته با تلاش فقهی محدودی که ما انجام داده‌ایم و احتمالاً در حوزه‌های دیگر نیز بتوان آن را اضافه کرد ولی به هر حال فارغ از اینکه سود ارتباطی ممکن است در یکی از این ساختارهای سیزده‌گانه موضوعیت پیدا کند، اصل آن یک مفهوم قابل توجه و قابل فهم است که ما در طراحی الگوی تولید و توزیع و تفاهم حوزه مشاغل می‌توانیم از آن استفاده

۶/۵. ایجاد سود
ارتباطی؛ ملاک
ارزش‌گذاری مشاغل در
نظام اقتصادی
فقه‌المکاسب برخلاف
نظام اقتصادی
سرمایه‌داری

۶/۵/۱. قابلیت تفاهم
عمومی و در عین حال
فقهی بودن مفهوم «سود
ارتباطی»؛ دو ویژگی این
مفهوم برای مقابله با
مفاهیم اقتصاد
سرمایه‌داری

۲۱۴. منظور عدم تسلط کفار بر جامعه مسلمین است.

۲۱۵. نظریه تعریف (نظریه بخش محرومیت‌زدائی نقشه الگوی پیشرفت اسلامی- مفاد خانه ۴/۱/۲) دارای سه بخش پژوهش (تکامل روابط انسانی)، پرورش (مقابله با عوامل محرومیت‌زا) و پردازش (طرح‌های طبییات، قری و...) است. به زودی دوره کامل این نظریه به انتشار می‌رسد.

۲۱۶. این حوزه‌های سیزده‌گانه عبارت‌اند از رابطه انسان با امام، معلم، همسایه، خانواده، طرف کسب، فقیر، یتیم، دشمن، رفیق، مرتکب منکر، طرف تعهد و همسفر.

برای مطالعه بیشتر به دوره تعریف (دوره ده‌جلسه‌ای در فرارگاه تعریف) رجوع کنید.

کنیم. یکی از خاصیت‌هایی که این بحث دارد این است که شما می‌توانید در نقد نظام سرمایه‌داری از آن استفاده کنید و این مسئله مانند نقد از نوع پسامدرن^{۲۱۷} و نقد یک مکتب پوزیتیویستی به وسیله یک مکتب پوزیتیویستی دیگر نیست. بلکه نقدی از پایگاه مفاهیم فقهی به نظام سرمایه‌داری است و قابلیت تفاهم نیز دارد. مثلاً اگر شما به چین یا آمریکا و یا شرکت‌های سرمایه‌داری‌ای که در کشور خودمان هستند بروید و با کارگران صحبت کنید و مفهوم سود ارتباطی را مبنای ارزیابی قرار دهید، حتی اگر با این اصطلاحات نیز صحبت نکنید حتماً قابلیت تفاهم خواهد داشت.

لذا این که بنده عرض کردم وقتی وجه ثبتي روایات و آیات را مطرح می‌کنیم شما می‌توانید تفاهم حداکثری ایجاد کنید یکی از مصادیق آن این است. حالا شما با این مفهوم سود اقتصادی که تقیح مناط به معنای عام کرده‌اید، می‌توانید آن را با مفهوم سود و ربح در اقتصاد موجود که زائیده حرص بوده و در اقتصاد آدم اسمیتی راجع به آن بحث شده است، مقایسه کنید. اگر وجه ثبتي روایات و آیات را بحث کنید، زمینه نظام مقایسه نیز برای شما آماده می‌شود. همان طور که مشاهده کردید ما از هیچ کدام از اوامر و نواهی عبور نکردیم و مکاسب محرم را محرم می‌دانیم ولی به هر حال سه دسته دیگر از روایات را به روایات مکاسب محرمة اضافه کردیم تا وجه ثبتي این روایات را بررسی کرده و ملاکی برای حوزه نظام مقایسه پیدا کنیم. وقتی شما هم وجه ثبتي آیات و روایات را بحث کنید و هم فقه‌المکاسب را در فضای نظام مقایسه مطرح کنید، اینها منشأ خیرات خواهد شد.

سود ارتباطی یک مفهوم پایه در حوزه مکاسب و سایر حوزه‌هاست، حجیت آن فقط به تقیح مناطی که محضر شما عرض کردم نیست. گرچه از بررسی موردی این روایات، به این که بخشی از قواعد بهینه کردن روابط انسانی یا سود ارتباطی را به دست آوریم هدایت می‌شویم، اما دسته دیگری از روایات هم وجود دارد که مسئله سود اقتصادی را به نحو عام به اسلام نسبت داده است. مانند آن روایاتی که وجه تسمیه اسلام را بحث می‌کند که به چه علت به اسلام، اسلام گفته‌اند. مثلاً در روایت آمده است که اسلام و مسلمان به این دلیل نام راجع به آن بحث می‌شود که سایر مسلمانان از دست و زبان او در امان هستند و یا مؤمن را به این دلیل مؤمن گفته‌اند که سایر مردم از دست و زبان او ایمن هستند؛^{۲۱۸} یعنی حیث بهینه

۶/۵/۱/۱. استنباط
وجه ثبتي و
علل الشرائع
موضوعات مختلف؛
عامل ایجاد تفاهم و
نظام مقایسه در آن
موضوع

۶/۵/۲. روایات وجه
تسمیه مسلمان و مؤمن؛
دسته‌ای دیگر از روایات
دال بر «سود ارتباطی»

۲۱۷. «Postmodernism»؛ دوران پس از دوره تاریخی مدرنیته که به عقیده اندیشمندان غربی اصول حاکم بر این دوره را به چالش می‌کشد.

۲۱۸. أَبِي رَجْمَةَ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: الْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ النَّاسُ مِنْ يَدِهِ وَ لِسَانِهِ وَ الْمُؤْمِنُ مَنْ إِتَمَّنَهُ النَّاسُ عَلَى أَمْوَالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ.

شدن روابط انسانی را حیث تسمیه مسلمان و مؤمن در بعضی از روایات قرار داده‌اند. پس این وجه نیز یک وجه عام است و شامل همه ابواب فقهی می‌شود. این را از این باب عرض کردم که ما خیلی باید در حجیت دقت کنیم؛ یعنی با وجود اینکه قائلیم باید وجه ثبوتی و علل الشریعی آیات و روایات را بحث کنیم، ولی باید متوجه باشیم که این وجه ثبوتی و علل الشریعی را باید با استظهار به دست بیاوریم. حتی من معتقدم وقتی در یک بیان کلی می‌گوییم که سود ارتباطی بر فقه‌المکاسب و بر کل فقه شیعه در همه ابواب حاکم است، این مفهوم را باید با ساختار آن در ابواب فقهی مختلف بحث کرد و نه به نحو عام و کلی. حتی وقتی در حال تفاهم آن هستیم باید دقیقاً بگوییم که چه نوع از سود ارتباطی و چه بخشی از ساختار آن مطرح است. مثل آن روایتی که حضرت فرمود «لَا تُسَلِّمُهُ بِيَّاعِ الطَّعَامِ فَإِنَّهُ لَا يَسْلَمُ مِنَ الْإِحْتِكَارِ» حیث آن کاملاً معلوم است؛ حیث بهینه روابط انسانی در حوزه کسب و خرید و فروش و وقوع مسئله احتکار مد نظر است. یا در آنجایی که فرمود: «الْكَادُّ عَلَى عِيَالِهِ» حیث تقویت نهاد خانواده مد نظر است.

محمد بن ابی عمیر با يك واسطه از امام صادق علیه‌السلام روایت کرده که فرمود: «مسلمان» کسی است که مردم از دست و زبان او آسوده باشند و «مؤمن» کسی است که مردم وی را بر اموال و جانهای خود امین بدانند. [ترجمه شاهرودی]

معانی الأخبار، ص ۲۳۹

أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ قَالَ حَدَّثَنَا هَارُونُ بْنُ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ -: مَنْ أَكْرَمَ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ بِكَلِمَةٍ يُلْطِفُ بِهَا أَوْ قَضَى لَهُ حَاجَةً أَوْ فَرَّجَ عَنْهُ كَرْبَةً لَمْ تَزَلِ الرَّحْمَةُ ظِلًّا عَلَيْهِ مَمْدُودًا مَا كَانَ فِي ذَلِكَ مِنَ النَّظَرِ فِي حَاجَتِهِ ثُمَّ قَالَ أَلَا أُبَيِّنُكُمْ لِمَ سُمِّيَ الْمُؤْمِنُ مُؤْمِنًا لِإِيمَانِهِ النَّاسُ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ أَلَا أُبَيِّنُكُمْ مِنَ الْمُسْلِمِ مَنْ سَلِمَ النَّاسُ [مِنْ] يَدِهِ وَلِسَانِهِ أَلَا أُبَيِّنُكُمْ بِالْمُهَاجِرِ مَنْ هَجَرَ السَّيِّئَاتِ وَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ مَنْ دَفَعَ مُؤْمِنًا دَفْعًا لِيُدَلَّ بِهَا أَوْ لَطَمَهُ لَطْمَةً أَوْ أَتَى إِلَيْهِ أَمْرًا يَكْرَهُهُ لِعَنْتِهِ أَلَمْ لَا يَكُنْ حَتَّى يُرْضِيَهُ مِنْ حَقِّهِ وَ يَتُوبَ وَ يَسْتَغْفِرَ فَإِيَّاكُمْ وَ الْعَجَلَةَ إِلَى أَحَدٍ فَلَعَلَّه مُؤْمِنٌ وَ أَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ وَ عَلَيْكُمْ بِالْأَنَانَةِ وَ اللَّيْنِ وَ التَّسْوِيعِ مِنْ سِلَاحِ الشَّيَاطِينِ وَ مَا مِنْ شَيْءٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ مِنْ أَنَانَةٍ وَ اللَّيْنِ.

پدرم رحمة الله عليه، از عبد الله بن جعفر، از هارون بن مسلم، از مسعدة بن صدقه، از حضرت جعفر بن محمد علیه‌السلام، حضرت فرمود: رسول خدا - فرمودند: کسی که برادر مؤمنش را با کلمه‌ای که به واسطه‌اش اظهار لطف می‌نماید اکران کرده یا حاجتش را بر آورد و یا حزن و اندوهی را از او بر طرف کند پیوسته در ظل حمایت حق تعالی بوده و تا مادامی که به اکران و بر آوردن حاجت او مشغول است رحمت حق تعالی بر او نازل می‌گردد. سپس فرمود: آیا خبر بدهم شما را که چرا به مؤمن، مؤمن می‌گویند، جهتش آن است که مردم او را بر نفس و مال خود امین و مطمئن می‌دانند. آیا خبر بدهم شما را که چرا به مسلمان، مسلمان می‌گویند، سببش آن است که مسلمان کسی است که مردم از دست و زبانش سالم باشند. آیا خبر بدهم شما را از مهاجر که چرا به او مهاجر می‌گویند، جهتش آن است که مهاجر کسی است که از وادی سیئات و قبیح هجرت کرده و از آنچه بر او خدا حرام فرموده دوری گزیند سپس فرمودند: کسی که مؤمنی را دفع کرده تا بدین وسیله او را دلیل و خوار نماید یا لطمه و سیلی به او زند یا امر مکروهی را به او وارد نماید فرشتگان وی را مورد لعن و نفرین قرار می‌دهند تا مادامی که آن مؤمن را خشنود کرده و حقش را ترمیم نموده و توبه و طلب آمرزش نماید. پس از آن فرمودند: بر حذر باش از تنی به کسی؛ زیرا شاید او مؤمن بوده و شما مطلع نباشید. و بر شما باد به نرمی و آرامی و فرار از سلاح شیطان، چه آنکه چیزی نزد خدا محبوب‌تر از آرامی و نرمش نمی‌باشد. [ترجمه ذهنی تهرانی]

بخشی از جلسه دوم و سوم فقه المکاسب، حجت الاسلام علی کشوری، مکتوب فقه المکاسب،

ص ۶۸ الی ۱۱۴، ۲۱ الی ۳۱ شهریور ۱۳۹۸، قم

کانال الگوی پیشرفت اسلامی-ایتنا

eitaa.com/olgou4/3282

جوابی نداد. شخص عرض کرد: چرا شتر را نفرمودید؟ فرمود: شترداری موجب مشقت و سختی و دوری از خانه می شود و هزینه آن سنگین است.

الكافي، ج ۵، ص ۲۶۰

الشَّيْخُ وَرَأْمٌ فِي تَبْيِيهِ الْخَاطِرِ، عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ: عَمَلُ الْأَبْرَارِ مِنَ الرَّجَالِ الْخِيَاطَةُ وَكَانَ صَ يَخِيطُ تَوْبَهُ وَ يَخْصِفُ نَعْلَهُ وَ كَانَ أَكْثَرَ عَمَلِهِ صَ فِي بَيْتِهِ الْخِيَاطَةُ.

کار مردان نیک، خیاطی است و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله جامه خود را می دوخت و کفشش را پینه می کرد و بیشترین کار او در خانه اش خیاطی بود.

مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۳، ص ۲۲۷

عَنْهُ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَارِدٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَكُونُ فِي مَنْزِلِهِ عَنَزٌ حُلُوبٌ إِلَّا قُدِّسَ أَهْلُ ذَلِكَ الْمَنْزِلِ وَ بُورِكَ عَلَيْهِمْ فَإِنْ كَانَتْ أُنْتَيْنِ قُدُّسُوا وَ بُورِكَ عَلَيْهِمْ كُلُّ يَوْمٍ مَرَّتَيْنِ قَالَ فَقَالَ بَعْضُ أَصْحَابِنَا وَ كَيْفَ يَقْدَسُونَ قَالَ يَقِفُ عَلَيْهِمْ كُلُّ صَبَاحٍ مَلَكٌ أَوْ مَسَاءً فَيَقُولُ لَهُمْ قُدِّسْتُمْ وَ بُورِكَ عَلَيْكُمْ وَ طُبِّئْتُمْ وَ طَابَ إِدَامُكُمْ قَالَ قُلْتُ لَهُ وَ مَا مَعْنَى قُدِّسْتُمْ قَالَ طَهَّرْتُمْ.

محمد بن مارد روایت کرده است که از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: هیچ مؤمنی نیست که در خانه خود بز شیردهی داشته باشد مگر آنکه همه افراد آن خانه مورد تقدیس قرار می گیرند و برکت بر آنان فرود می آید؛ و چنانچه دو بز باشند، روزی دو بار مورد تقدیس و دو بار برکات خداوندی بر آنان فرود می آید. یکی از شیعیان پرسید: چگونه مورد تقدیس قرار می گیرند؟ حضرت فرمود: در هر بامدادان و شامگاهان فرشته ای نزد آنان آمده می گوید: مقدس باشید! و برکت از آن شما باد! و خوشا بر شما و بر خوراکتان باد. و من از آن حضرت پرسیدم: مقدس باشید، یعنی چه؟! فرمود: یعنی پاک و پاکیزه باشید. [ترجمه مجاهدی]

المحاسن، ج ۲، ص ۶۴۰

أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ عَيْسَى بْنِ هِشَامٍ عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَنَانٍ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا اتَّخَذَ أَهْلُ بَيْتِ شَاةٍ أَتَاهُمُ اللَّهُ بِرِزْقِهَا وَ زَادَ فِي أَرْزَاقِهِمْ وَ إِزْتَحَلَ الْفَقْرُ عَنْهُمْ مَرَّحَلَةً فَإِنْ اتَّخَذَ شَاتَيْنِ أَتَاهُمُ اللَّهُ بِأَرْزَاقِهِمَا وَ زَادَ فِي أَرْزَاقِهِمْ وَ إِزْتَحَلَ الْفَقْرُ عَنْهُمْ مَرَّحَلَتَيْنِ فَإِنْ اتَّخَذُوا ثَلَاثَةً أَتَاهُمُ اللَّهُ بِأَرْزَاقِهِمْ وَ إِزْتَحَلَ الْفَقْرُ عَنْهُمْ رَأْسًا.

عبد الله بن سنان گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: هرگاه خانواده ای يك رأس گوسفند را نگهداری کنند، خداوند روزی آن را نزدشان می فرستد، رزق و روزی آنان را می افزاید و فقر از نزد

آنان تا يك منزل مسافت کوچ می دهد. پس اگر دو رأس گوسفند نگه‌داری کنند، خداوند روزی آن دو رأس را نزد آنان می فرستد، روزی آنان را می افزاید و فقر را تا مسافت دو منزل از نزد آنان کوچ می دهد. پس اگر سه رأس گوسفند نگه‌داری کنند، خداوند روزی آنها را نزد آن خانواده می فرستد و فقر را به طور کامل از نزد آنان کوچ می دهد.

الكافي، ج ۶، ص ۵۴۴

وَ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : نِعْمَ اللَّهُ الْمَغْزُلُ لِلْمَرْأَةِ الصَّالِحَةِ .

پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: خوب وسیله ای است چرخ ریسندگی برای زن صالح.

مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۲۳۹ / بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۶۱

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ: عَمَلُ الْأَبْرَارِ مِنَ الرَّجَالِ الْخِيَاطَةُ وَ كَانَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَخِيطُ ثَوْبَهُ وَ يَخْصِفُ نَعْلَهُ وَ كَانَ أَكْثَرَ عَمَلِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي بَيْتِهِ الْخِيَاطَةَ .

کار مردان نیک، خیاطی است و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله جامه خود را می دوخت و کفشش را پینه می کرد و بیشترین کار او در خانه اش خیاطی بود.

تنبيه الخواطر (مجموعه ورام)، ج ۱، ص ۴۱ / مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۳، ص ۲۲۷

وَ عَنْهَا: أَحَبُّ الْعَمَلِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ الْخِيَاطَةُ .

از عایشه: محبوبترین کارها برای پیغمبر صلی الله علیه و آله خیاطی بود.

مکارم الأخلاق، ص ۱۶ / بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۳۰

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : عَمَلُ الْأَبْرَارِ مِنَ الرِّجَالِ الْخِيَاطَةُ وَ عَمَلُ الْأَبْرَارِ مِنَ النِّسَاءِ الْعَزْلُ وَ كَانَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَخِيطُ ثَوْبَهُ وَ يَخْصِفُ نَعْلَهُ وَ كَانَ أَكْثَرَ عَمَلِهِ فِي بَيْتِهِ الْخِيَاطَةَ .

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: شغل نیک مردان، دوزندگی و نیک زنان ریسندگی است. پیامبر صلی الله علیه و آله خود، جامه اش را می دوخت و کفشش را وصله می کرد، و بیشتر کارش در خانه دوزندگی بود.

تنبيه الخواطر (مجموعه ورام)، ج ۱، ص ۴۱ / مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۳، ص ۲۲۶

عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : نِعْمَ شُغْلُ الْمُؤْمِنِ الْمَغْزُلُ .

امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت نموده: ریسندگی شغل خوبی است برای زن مؤمن (یا مرد مؤمن).

النوادر (للراوندى)، ص ۴۹

مَنْ الْفِرْدَوْسِ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْمِعْزَلُ فِي يَدِ الْمَرْأَةِ الصَّالِحَةِ كَالرَّمْحِ فِي يَدِ الْغَازِي الْمُرِيدِ وَجَهَ اللَّهِ.

و از آن حضرت علیه السلام: چرخ ریسندگی در دست زن چون نیزه است در دست جنگجوی در راه خدا.

مكارم الأخلاق، ص ۲۳۸

وَ عَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ: نِعَمَ الشُّغْلُ لِلْمَرْأَةِ الْمُؤْمِنَةِ الْمِعْزَلُ.

رسول خدا صلی الله علیه و آله: ریسندگی شغل خوبی است برای زن مؤمن.

دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۲۱۴

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدِ الصَّبِيِّ قَالَ: مَرَّ إِبْرَاهِيمُ النَّخَعِيُّ عَلَى امْرَأَةٍ وَ هِيَ جَالِسَةٌ عَلَى بَابِ دَارِهَا بُكْرَةً وَ كَانَ يُقَالُ لَهَا أُمُّ بَكْرٍ، وَ فِي يَدِهَا مِعْزَلٌ تَعْزُلُ بِهِ، فَقَالَ: يَا أُمَّ بَكْرٍ أَمَا كَبُرَتْ أَلَمْ يَأْنِ لَكَ أَنْ تَضْعِي هَذَا الْمِعْزَلُ فَقَالَتْ، وَ كَيْفَ أَضَعُهُ وَ سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: هُوَ مِنْ طَيِّبَاتِ الْكَسْبِ.

ابراهیم نخعی، بر زنی گذشت که صبحگاه، بر در خانه اش نشسته بود و او را ام بکر می نامیدند و در دستش دوکی بود که با آن، ریسندگی می کرد. ابراهیم گفت: ای ام بکر! دیگر پیر شده ای. آیا وقت آن نرسیده که دوک را بر زمین گذاری؟ ام بکر گفت: چگونه آن را بر زمین بگذارم که شنیدم علی بن ابی طالب، پیشوای مؤمنان، می فرمود: «ریسندگی از گواراترین کسب و کارهاست».

التفسير (للعياشي)، ج ۱، ص ۱۵۰

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ الْعَسْكَرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ زَكَرِيَّا الْبُصْرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَمَّارَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ الْجَعْفِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ الْبَاقِرَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: لَيْسَ عَلَى النِّسَاءِ أَذَانٌ وَ لَا إِقَامَةٌ وَ لَا جُمُعَةٌ وَ لَا جَمَاعَةٌ... وَ يُسْتَحَبُّ لَهُنَّ تَعَلُّمُ الْمِعْزَلِ وَ سُورَةِ النُّورِ وَ يُكْرَهُ لَهُنَّ تَعَلُّمُ سُورَةِ يُوسُفَ وَ

إِذَا ارْتَدَّتِ الْمَرْأَةُ عَنِ الْإِسْلَامِ اسْتُتَبِتَتْ فَإِنْ تَابَتْ وَإِلَّا خُلِدَتْ فِي السِّجْنِ وَلَا تُقْتَلُ كَمَا يُقْتَلُ الرَّجُلُ إِذَا ارْتَدَّ ...

جابر بن یزید جعفی گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که می فرمود: احکامی که بر زنان لازم نیست عبارت است از: اذان و اقامه گفتن، نماز جمعه، نماز جماعت ... و بر آنان مستحب است که ریسندگی آموخته و سوره نور را یاد گیرند و آموختن سوره یوسف بر آنان مکروه است. و آنگاه که زن از اسلام مرتد گردد به او پیشنهاد توبه داده می شود. اگر توبه کرد که آزاد است و گرنه برای همیشه در زندان می ماند، و در صورت ارتدادش همانند مردان کشته نمی شوند ...

الخصال، ص ۵۸۵ و مشابه: الکافی، ج ۵، ص ۵۱۶

أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو جَعْفَرٍ أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ رَجُلٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ سَبَاطٍ عَنْ عَمِّهِ يَعْقُوبَ رَفَعَ الْحَدِيثَ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي كَلَامٍ كَثِيرٍ: لَا تُؤْوُوا مِنْدِيلَ اللَّحْمِ فِي الْبَيْتِ فَإِنَّهُ مَرْبُصُ الشَّيْطَانِ وَلَا تُؤْوُوا التُّرَابَ خَلْفَ الْبَابِ فَإِنَّهُ مَأْوَى الشَّيَاطِينِ وَإِذَا خَلَعَ أَحَدُكُمْ تِيَابَهُ فَلْيَسِّمْ لِنَلَاءِ تَلْبَسَهَا الْجِنُّ فَإِنَّهُ إِنْ لَمْ يَسِّمْ عَلَيْهَا لَبَسَتْهَا الْجِنُّ حَتَّى يُصْبِحَ وَلَا تَتَّبِعُوا الصَّيْدَ فَإِنَّكُمْ عَلَى غَرَّةٍ وَإِذَا بَلَغَ أَحَدُكُمْ بَابَ حُجْرَتِهِ فَلْيَسِّمْ فَإِنَّهُ يَفِرُّ الشَّيْطَانُ وَإِذَا دَخَلَ أَحَدُكُمْ بَيْتَهُ فَلْيَسِّمْ فَإِنَّهُ يَنْزِلُهُ الْبَرْكَةُ وَتُنْسِيهِ الْمَلَائِكَةُ وَلَا يَرْتَدِفُ ثَلَاثَةَ عَلَيٍّ دَابَّةٍ فَإِنْ أَحَدَهُمْ مَلْعُونٌ وَهُوَ الْمُقَدَّمُ وَلَا تُسْمُوا الطَّرِيقَ السَّكَّةَ فَإِنَّهُ لَا سَكَّةَ إِلَّا سَكَّةُ الْجَنَّةِ وَلَا تُسْمُوا أَوْلَادَكُمْ الْحَكَمَ وَلَا أَبَا الْحَكَمِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَكَمُ وَلَا تَذْكُرُوا الْأُخْرَى إِلَّا بِخَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْأُخْرَى وَلَا تُسْمُوا الْعَنْبَ الْكَرَمَ فَإِنَّ الْمُؤْمِنَ هُوَ الْكَرَمُ وَاتَّقُوا الْخُرُوجَ بَعْدَ نَوْمَةٍ فَإِنَّ لِلَّهِ دَوَابًّا يَبْتُهَا يَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ وَإِذَا سَمِعْتُمْ نَبَاحَ الْكَلْبِ وَنَهَيْقَ الْحَمِيرِ فَتَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ فَإِنَّهُمْ يَرَوْنَ وَلَا تَرَوْنَ فَافْعَلُوا مَا تُؤْمَرُونَ وَنِعْمَ اللَّهُ الْمَغْزَلُ لِلْمَرْأَةِ الصَّالِحَةِ.

پدرم رحمة الله عليه از محمد بن يحيى عطار از محمد بن احمد، از ابو جعفر احمد بن ابى عبد الله از مردى از على بن اسباط، از عمويش يعقوب حديث را مرفوعا از على بن ابى طالب عليه السلام نقل کرده که آن جناب فرمودند: رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم در ضمن سخنانى بسيار فرمودند: دستمال گوشت را در اطاق مگذاريد زيرا جاىگاه شيطان است و نيز خاك و زباله را پشت درب منزل نگذاريد بماند؛ زيرا مكان شيطان مى باشد و هنگامى كه يكى از شما لباسش را در مى آورد بايد بسم الله بگويد تا جن آن را بپوشد چه آنكه اگر بسم الله گفته نشد جن آن را مى پوشد تا صبح گردد و صيد را دنبال و تعقيب نكنيد زيرا راه را نيازموده ايد و بسا مفتون مى شويد و هر وقت يكى از شما به درب حجره خود رسيد بسم الله بگويد؛ زيرا بدين وسيله شيطان

می‌گریزد و هر گاه یکی از شما داخل اطاقش شد سلام کند زیرا این عمل سبب نزول برکت و انس فرشتگان با او می‌گردد و هیچ گاه سه نفر ردیف و پشت سرهم روی مرتکب نشینند زیرا اولی ملعون بوده و آن کسی است که مقدم و جلو نشسته و راه را سگه ننماید؛ زیرا تنها راههای در بهشت را سگک می‌خوانند و فرزندانان را حکم و ابا الحکم ننماید زیرا تنها خداوند است که حکم می‌باشد و از «آخری» یاد نکنید مگر به خیر زیرا خدا آخری می‌باشد و انگور را کرم نخوانید زیرا مؤمن کرم می‌باشد و بعد از يك خواب از مکان خود خارج نشوید زیرا خداوند متعال جنبنده و موجوداتی دارد که منتشر و پراکنده بوده و به آنچه مأمور هستند عمل می‌کنند و بسا از ناحیه آنها گزندی به شما برسد و هر گاه زوزه سگ و صدای الاغ را شنیدید از شرّ شیطان رجیم به خدا پناه ببرید؛ زیرا این حیوانات او را می‌بینند ولی شما نمی‌بینید لذا به آنچه مأمور هستید عمل کنید و سر گرم شدن زنان صالحه با دوك بافندگی و ریسندگی نيك و خوب می‌باشد.

علل الشرايع، ج ۲، ص ۵۸۲

پیوست ۸: قانون احیای موات

"قانون نحوه واگذاری و احیاء اراضی در حکومت جمهوری اسلامی ایران"

مصوب ۱۳۵۸/۶/۲۵

با توجه به اصول و موازین شرع مقدس اسلام مبنی بر تعلق اراضی و منابع طبیعی به آفریدگار بزرگ و بهره‌گیری انسان از این مواهب الهی بر اساس کارمفید و در جهت رفع نیاز و خودکفایی جامعه و به منظور تشویق و حمایت از کار و کوشش و همکاری افراد در زمینه فعالیت‌های کشاورزی و جلوگیری از معطل ماندن بی‌مورد منابع آب و خاک، مقررات ذیل در مورد نحوه زمین‌داری و ترتیب واگذاری و احیاء و بهره‌برداری از اراضی تصویب و به مرحله اجراء گذاشته می‌شود.

فصل اول - تعارف

ماده ۱ - اصطلاحاتی که در این قانون به کار برده می‌شود از نظر اجرای این قانون به شرح زیر تعریف می‌شود: کشاورزی - عبارت است از بهره‌برداری از آب و زمین به منظور تولید محصولات گیاهی و حیوانی (از قبیل زراعت، باغداری، درختکاری، مثمر و غیرمثمر، جنگلداری، جنگلکاری، دامداری، پرورش طیور و زنبور عسل و آبزیان) احیاء اراضی - عملیاتی است که با تغییر وضع طبیعی زمین و به وسیله اقداماتی که در عرف آباد کردن محسوب است (از قبیل زراعت، درختکاری، بناساختن، ایجاد تأسیسات و غیره) آن را برای بهره‌برداری آماده سازد. انواع اراضی به شرح ذیل تعریف می‌گردد:

الف - اراضی موات - زمینهایی است که سابقه احیاء و بهره‌برداری ندارد و به صورت طبیعی باقی مانده است.

ب - اراضی دایر - زمینهای احیاء شده‌ای است که مستمراً مورد بهره‌برداری است.

ج - اراضی آیش - زمین دایری است که به صورت متناوب طبق عرف محل برای دوره معینی بدون کشت بماند.

د - اراضی بایر - زمینهایی است که سابقه احیاء دارد ولی به علت اعتراض و عدم بهره‌برداری برای مدت ۵ سال متوالی بدون عذر موجه متروک مانده و یا بماند.

ه - جنگل و بیشه طبیعی: جنگل یا بیشه طبیعی به مجتمعی اطلاق می‌شود متشکل را عرصه و هوایی و مرکب از موجودات زنده از منشاء نباتی (درخت - درختچه - بوته - نهال - علف - خزه) و حیوانی، صرف نظر از درجه تکامل آن که دست بشر در ایجاد و پرورش آن دخیل نبوده باشد.

و - مرتع: زمینی است اعم از کوه و دامنه یا زمین مسطح که در فصل چرا دارای پوششی از نباتات علوفه‌ای خودرو بوده و با توجه به سابقه چراغرفاً مرتع شناخته شود، اراضی که آیش زراعتند ولو آن که دارای پوشش نباتات علوفه‌ای خودرو باشند مشمول تعریف مرتع نیستند. اگر مرتع دارای درختان جنگلی خودرو باشد مرتع مشجر نامیده می‌شود.

ز - اراضی جنگلی: به جنگل تکامل نیافته‌ای اطلاق می‌شود که به یکی از اشکال زیر باشد: تعداد کنده درخت یا نهال با بوته جنگلی در هر هکتار آن جداگانه یا مجموعاً از یکصد عدد تجاوز نماید.

درختان جنگلی به صورت پراکنده موجود باشد به نحوی که حجم آن در هر هکتار در شمال ایران (از حوزه آستارا تا حوزه گلیداغی) کمتر از پنجاه متر مکعب و در سایر نقاط ایران کمتر از بیست متر مکعب باشد. اگر در اراضی (بند ۲) درخت شمشاد وجود داشته باشد و حجم درختان آن بیش از سی متر مکعب در هکتار باشد جنگل شمشاد محسوب می‌گردد.

ح - اراضی مستحده: زمینی است که در نتیجه خشک افتادن آب دریاها - دریاچه‌ها و تغییر بستر رودخانه‌ها یا خشک شدن تالاب ایجاد شده باشد.

ط - اراضی ساحلی: زمینهایی است که در مجاورت حریم دریا و دریاچه و یا اراضی مستحده قرار داد و با توجه به تعریف انواع اراضی مذکور در این قانون بر حسب مورد در حکم یکی از آنها محسوب خواهد شد.

فصل دوم: اراضی دایر

ماده ۲ - حقوق اشخاص بر اراضی دایر اعم از آن که ناشی از احیاء اراضی، عقود و معاملات، انتقالات قهری و همچنین واگذاری خالصجات و املاک یا تحت عنوان واگذاری اصلاحات اراضی باشد بر اساس قوانین موضوعه معتبر و لازم‌الرعايه است.

تبصره - وزارت کشاورزی موظف است حداکثر مساحت زمین قابل واگذاری، به موجب این قانون را ظرف دو ماه از تاریخ تصویب این قانون و با توجه به شرایط اقلیمی و اجتماعی هر منطقه تعیین و به تصویب هیأت وزیران برساند و در مورد اراضی متصرفه و معموره فعلی نیز دولت می‌تواند در هر زمان، با اجازه حاکم شرع و وضع قانون نسبت به محدود کردن مساحت قابل تصرف برای هر فرد اقدام نموده و حداکثر مساحت قابل تصرف را تعیین نماید.

ماده ۳ - حقوق اشخاص بر اراضی دایر توأم با مسئولیت و تکلیفی است که در مورد استفاده و بهره‌برداری مشروع از آن دارند، بهره‌برداری از اراضی دایر اعم از آن است که شخصاً و مستقیماً

امر بهره‌برداری انجام شود یا آن که با استفاده از ماشین‌آلات و یا به کمک کارگر و برزگر و یا با انعقاد قرارداد از قبیل مزارعه و سیله اشخاص دیگر با اجازه مالک انجام شود.

ماده ۴ - عدم بهره‌برداری متوالی از اراضی دایر به مدت سه سال بدون عذر موجه در حکم اعراض از آن بوده و آن قسمت اراضی که معطل مانده باشد مشمول احکام راجع به اراضی بایر خواهد بود.

فصل سوم: منابع طبیعی ملی

ماده ۵ - بهره‌برداری از جنگلها و بیشه‌های طبیعی به عنوان ثروت عمومی بر اساس قوانین و مقررات مربوط در اختیار دولت است.

ماده ۶ - مراتعی که برای تعلیف احشام و عشایر و سایر دامداران کشور ضروری است، طبق ضوابطی که به وسیله وزارت کشاورزی و عمران روستایی تهیه می‌شود، مورد استفاده قرار خواهد گرفت. واگذاری و تبدیل این گونه مراتع در صورتی میسر است که وزارت مذکور لزوم آن را تشخیص دهد. اراضی جنگلی که طبق ضوابط قابل تبدیل برای کشاورزی نیست و نیز عرصه طرحهای جنگلداری و پارکهای جنگلی و جنگلهای دست کاشت و نهالستانهای دولتی به استثنای مواردی که وزارت کشاورزی به مصلحت بداند قابل واگذاری به اشخاص نمی‌باشد.

فصل چهارم: اراضی قابل واگذاری

ماده ۷ - وزارت کشاورزی و عمران روستایی مجاز است به منظور احیاء و بهره‌برداری از اراضی و بر اساس شرایط مقرر در این قانون و با رعایت ضوابطی که به وسیله آن وزارت تهیه می‌گردد اراضی مشروحه ذیل را به اشخاص حقیقی یا حقوقی واگذار نماید:

الف - اراضی بایر واقع در دهاتی که با اجرای مقررات اصلاحات ارضی به دولت منتقل شده است و همچنین اراضی بایر خالصه و مجهول‌المالک.

ب - اراضی متعلق به دولت که در اختیار اشخاص حقیقی یا حقوقی یا مؤسسات دولتی قرار داشته و به علت عدم استفاده یا عدم اجراء قراردادهای دولت مسترد می‌شود.

ج - اراضی موات (اعم از آن که به نام دولت به ثبت رسیده یا سابقه ثبتی نداشته باشد).

د - مراتع (با توجه به مستثنیات مقرر در ماده ششم).

ه - اراضی جنگلی جلگه‌ای پراکنده و محاط در مزارع و باغات.

و - اراضی دایر یا بایری که بنا به مقتضیات انقلاب اسلامی یا بر اساس قوانین و احکام صادره شده یا به تملک عمومی درآید و در اختیار وزارت کشاورزی و عمران روستایی قرار گیرد.

ماده ۸ - اراضی و املاک مواتی که به نام اشخاص ثبت شده و یا در تصرف آنها است از تاریخ تصویب این قانون به مدت دو سال در اختیار متقاضیان ثبت یا متصرفین خواهد بود تا نسبت به احیاء و بهره‌برداری از آنها اقدام نمایند. این مهلت برای متقاضیان ثبت یا متصرفین اراضی بایر پنج سال می‌باشد و در پایان مدتهای مذکور اراضی که به صورت موات یا بایر باقیمانده باشد و همچنین اراضی دایری که طبق ماده ۴ به صورت بایر درآید متعلق به دولت خواهد بود و وزارت کشاورزی و عمران روستایی طبق این قانون نسبت به واگذاری آنها اقدام می‌نماید.

تبصره - در صورتی که در اراضی دایری که بایر شده مستحدمات قابل استفاده‌ای وجود داشته باشد به وسیله کمیسیون مقرر در ماده ۱۲ ارزیابی و متصرف جدید اعم از دولت یا اشخاص حقیقی و حقوقی مکلف به پرداخت قیمت آن به مالک سابق خواهند بود.

ماده ۹ - پس از انقضای مواعد مذکور در مواد ۴ و ۸ وزارت کشاورزی و عمران روستایی در هر مورد مراتب را به اداره ثبت محل و متقاضی ثبت یا قائم مقام قانونی او کتباً ابلاغ به علاوه مراتب را در جراید محل آگهی می‌نماید، در صورتی که ظرف سه ماه در مورد احیاء اراضی اعتراض و ادعایی نشود اداره ثبت در اظهارنامه ثبتی یا دفتر املاک، مالکیت دولت را قید می‌نماید و در صورت وصول اعتراض تعیین تکلیف با کمیسیون مذکور در ماده ۱۲ بوده و تصمیم متخذه قطعی است.

فصل پنجم: شرایط و ترتیب واگذاری

قسمت اول - فعالیتهای کشاورزی

ماده ۱۰ - در واگذاری اراضی برای امور کشاورزی و فعالیتهای وابسته با رعایت کلیه شرایط و ضوابط مقرر حق تقدم به ترتیب با اشخاص زیر می‌باشد:

ساکنین محلی که حداقل سه سال در محل سکونت داشته‌اند.

داوطلبانی که متعهد به سکونت در محل شوند.

تحصیل‌کرده‌های کشاورزی - دامپزشکی و دامپروری به شرط عدم اشتغال دولتی.

کارمندان دولت به شرط ترک اشتغال یا بازنشستگی یا باز خرید خدمت

تبصره ۱ - افراد مذکور در این ماده در صورتی که به صورت گروهی و بنه‌ای درآمد و شرکتهایی برای فعالیت دستجمعی تشکیل دهند بر سایر داوطلبان منفرد حق تقدم خواهند داشت.

تبصره ۲ - دولت می‌تواند به مالکینی که داوطلبانه سهم اختصاصی املاک خود را به زارعین محل منتقل نمایند در جای دیگر از اراضی این قانون برای احیاء واگذار نماید.

تبصره ۳ - تعیین اولویت از لحاظ نوع تولید و هدف بهره‌برداری و احراز صلاحیت بین داوطلبان هر گروه و نحوه واگذاری و بهره‌برداری و وسعت اراضی قابل واگذاری و سایر مسائل مربوط طبق آیین‌نامه‌ای خواهد بود که از طرف وزارت کشاورزی و عمران روستایی تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

ماده ۱۱ - ترتیب وصول در خواست اشخاص و طرز رسیدگی به طرحها و سایر تشریفات مربوط طبق ضوابطی است که به تصویب وزیر کشاورزی و عمران روستایی خواهد رسید.

ماده ۱۲ - مرجع صدور اجازه واگذاری موقت و اظهار نظر در مورد انجام طرح و اجازه تنظیم سند انتقال اراضی دهستانهای تابعه در هر شهرستان کمیسیونی مرکب از اشخاص ذیل خواهد بود:

نماینده شورای دهستان مربوط.

نماینده شورای کشاورزی شهرستان.

نماینده وزارت کشاورزی و عمران روستایی

تبصره - در مناطقی که هر یک از شوراهای مذکور تشکیل نشده یا وجود نداشته باشد جانشین نمایندگان مزبور از میان کشاورزان شاغل و ساکن در محل با پیشنهاد اداره کشاورزی و عمران روستایی و تأیید فرماندار تعیین خواهد شد.

ماده ۱۳ - اراضی قابل واگذاری بر اساس طرحهای مصوب مقدمتاً با تنظیم قرارداد اجاره به طور موقت و به مدت متناسب با اجرای طرح در اختیار متقاضی قرار می‌گیرد. اداره کشاورزی و عمران روستایی محل بر اجرای طرح نظارت می‌نماید.

ماده ۱۴ - میزان اجاره بها یا بهای فروش اراضی واگذاری طبق آیین‌نامه‌ای که از طرف وزارت کشاورزی تهیه و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد برای هر منطقه تعیین خواهد شد.

ماده ۱۵ - انتقال اراضی منوط به اجرای کامل طرح با رعایت ماده ۱۲ بوده و سند رسمی با امضاء نماینده وزارت کشاورزی و عمران روستایی تنظیم می‌گردد.

ماده ۱۶ - در صورتی که متقاضی تعهدات خود را بر اساس طرح مصوب و مفاد قرارداد اجاره و تعهدات سالانه بدون عذر موجه انجام ندهد تمام یا آن قسمت از اراضی که تعهدات نسبت به آن انجام نشده با اعلام وزارت کشاورزی و عمران روستایی و در صورت تأیید کمیسیون مذکور در ماده ۱۲ مسترد می‌شود. مأمورین انتظامی مکلف به اجرای نظریه کمیسیون و خلع ید از متصرف

می‌باشند. این قبیل اشخاص نسبت به وجوه پرداختی حقی نخواهند داشت ولی در مورد مستحقات ایجاد شده طبق تبصره ذیل ماده ۸ اقدام خواهد شد.

ماده ۱۷ - وزارت کشاورزی و عمران روستایی مجاز است با مشورت با شوراهای کشاورزی در مناطقی که اقدامات زیربنایی تولیدی یا هزینه‌های مربوط به احیاء و عمران اراضی خارج از امکانات مالی و فنی اشخاص حقیقی یا حقوقی است اقدامات لازم را انجام داده و سپس بر اساس ضوابطی که تهیه خواهد کرد با رعایت هزینه انجام یافته نسبت به اجاره یا فروش اراضی و تأسیسات مربوط اقدام نماید.

قسمت دوم - فعالیتها و مصارف غیر کشاورزی

ماده ۱۸ - ضوابط و شرایط مربوط به واگذاری اراضی موضوع این قانون به اشخاص برای فعالیتها و مصارف غیر کشاورزی اعم از اجاره یا انتقال قطعی و تعیین مرجع قبول و تصویب طرح‌ها به موجب آیین‌نامه‌ای خواهد بود که وسیله وزارتخانه‌های صنایع و معادن - مسکن و شهرسازی - کشاورزی و عمران روستایی تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

فصل ششم، مواد متفرقه

ماده ۱۹ - آن قسمت از اراضی ساحلی که در آنها اقدامات عمرانی انجام نیافته و به صورت طبیعی باقیمانده است با رعایت قانون اراضی مستحدث و ساحلی وسیله ادارات ثبت از حریم و اراضی مستحدثه متعلق به دولت و از اراضی دایر و بایر و منابع ملی تفکیک می‌گردد. مالکین و متقاضیان ثبت یا اشخاصی که این قبیل اراضی رسماً به آنها منتقل شده باشد، در صورتی که ظرف سه سال از تاریخ تصویب این قانون نسبت به عمران و بهره‌برداری متناسب از آنها اقدام ننمایند، اراضی احیاء نشده آنان به ترتیب مذکور در ماده ۹ در اختیار وزارت کشاورزی و عمران روستایی قرار می‌گیرد تا با تصویب هیأت وزیران برای استفاده عمومی اختصاص داده شود.

تبصره - اجرای این ماده موافق آیین‌نامه‌ای خواهد بود که وسیله وزارت کشاورزی و عمران روستایی تهیه و به تصویب هیأت دولت خواهد رسید.

ماده ۲۰ - واگذاری اراضی موضوع این قانون به وزارتخانه‌ها و مؤسسات و شرکتهای دولتی و سازمانهای خیریه و عام‌المنفعه طبق آیین‌نامه‌ای خواهد بود که به وسیله وزارت کشاورزی و عمران روستایی تهیه و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

ماده ۲۱ - راضی دولتی مذکور در ماده ۷ که تا تاریخ تصویب این قانون بدون تهیه طرح یا تنظیم قرارداد به وسیله اشخاص احیاء شده و مورد بهره‌برداری است در صورت تأیید. کمیسیون مقرر در ماده ۱۲ و با رعایت مواد ۱۴ و ۱۵ به احیاء کنندگان واگذار خواهد شد. در صورتی که ظرف ۳ ماه از تاریخ اعلام اداره کشاورزی متصرفان این اراضی برای انتقال یا انعقاد قرارداد اجاره حاضر نشوند طبق ماده ۱۶ نسبت به آنها اقدام خواهد شد.

تبصره - در مورد اعیان و مستحدثات واقع در اراضی جنگلی تاریخ ۲۰/۱/۴۸ مذکور در قانون ملی شدن جنگلها و منابع طبیعی ملاک عمل خواهد بود.

ماده ۲۲ - در مورد طرحهای مربوط به اراضی دولتی (اعم از بایر و موات و مراتع) که تا تاریخ تصویب این قانون منتهی به تنظیم قرارداد با اشخاص حقیقی و یا حقوقی شده باشد بر اساس قوانین و آیین‌نامه‌های زمان تنظیم قرارداد اقدام خواهد شد مگر آن که طرفین قرارداد با توافق وضع خود را با این قانون و آیین‌نامه‌های مربوط به آن تطبیق دهند.

تبصره ۱ - در مورد طرحهایی که در اجرای مقررات و قوانین قبلی مقرر بوده است در روی اراضی جنگلی یا جنگلهای مخروبه و مراتع و مانند آنها اجراء شود چنانچه تا تاریخ تصویب این قانون به طور کامل و برابر مفاد قرار داد به مرحله اجرا در نیامده باشد قرار داد منعقد منفسخ تلقی و این گونه اراضی به دولت مسترد خواهد شد.

تبصره ۲ - کسانی که با استفاده از روابط مقامات رژیم سابق این اراضی را تصرف کرده‌اند مشمول حکم ماده ۲۲ نمی‌شوند تشخیص این امر با آیین‌نامه موضوع ماده ۱۹ است.

ماده ۲۳ - ادارات ثبت مکلفند در مورد تفکیک اراضی موضوع این قانون و مستثنیات قانونی و اراضی که در نتیجه اجرای مقررات اصلاحات ارضی در سهم اشخاص قرار گرفته است نقشه‌های تهیه شده به وسیله وزارت کشاورزی و عمران روستایی را ملاک عمل قرار دهند.

ماده ۲۴ - کلیه وجوه حاصله از اجرای این قانون در هر مورد اعم از مال الاجاره و بهای اراضی طبق دستورالعمل وزارت کشاورزی و عمران روستایی در حساب خزانه جمع‌آوری می‌گردد و با نظر شورای هر استان به مصارف عمومی لازم در همان استان خواهد رسید.

ماده ۲۵ - قوانین و آیین‌نامه‌ها و مقرراتی که با این قانون مغایر یا مانع از اجرای آن است از این تاریخ ملغی است. ماده ۲۶ - این قانون در ۲۶ ماده و ۱۰ تبصره در تاریخ ۲۵/۶/۵۸ به تصویب رسید.

منبع: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، اداره قوانین و مقررات

<https://rc.majlis.ir/fa/law/show/۹۸۲۴۳>

پیوست ۹: بررسی روایات بازار موقت و عمومی بودن تجارت

۹/۱. سه دسته روایات
زیرساختی

"حاکمیت باید یک سری زیرساخت‌ها را برای توسعه تجارت به نحو عمومی آماده کند که در روایات ما حضرات معصومین علیهم‌السلام لا اقل سه دسته زیرساخت را برای عمومیت یافتن تجارت بحث کرده‌اند.

۹/۱/۱. ایجاد کالبد
بازارهای موقت توسط
حکومت؛ اولین ویژگی
بازار برای زیرساخت
تجارت همگانی بودن

زیرساخت اول این است که امام علیه‌السلام فرموده: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: سُوقُ الْمُسْلِمِينَ كَمَسْجِدِهِمْ فَمَنْ سَبَقَ إِلَى مَكَانٍ فَهُوَ أَحَقُّ بِهِ إِلَى اللَّيْلِ وَكَانَ لَا يَأْخُذُ عَلَى بُيُوتِ السُّوقِ كَرَاءً»^{۲۱۹} ببینید در اینجا می‌فرماید که امیرالمؤمنین علیه‌السلام زیرساخت کالبدی را برای توسعه تجارت آماده می‌کردند. به چه شکل؟ ساختمان و محیطی را هم حکم با مسجد طراحی می‌کردند. تعبیر روایت تعبیر بسیار بلندی است؛ می‌فرماید: «سُوقُ الْمُسْلِمِينَ كَمَسْجِدِهِمْ» به لحاظ اهمیت در حوزه مدیریتی حضرت یک ساختمانی را شبیه به مسجد طراحی می‌کردند که شباهت آن به مسجد از دو حیث بحث شده است؛

۹/۱/۱/۱. موقت بودن
استفاده از دکه‌های بازار؛
اولین ویژگی کالبد بازار

حیث اول آن این است که «فَمَنْ سَبَقَ إِلَى مَكَانٍ فَهُوَ أَحَقُّ بِهِ إِلَى اللَّيْلِ» چطور در مسجد اگر کسی یک محلی را اختیار کند سایر مؤمنین نباید تصرف او را تا زمانی که او آن مکان را ترک می‌کند محترم بشمارند، حضرت می‌فرماید بازار مسلمین نیز همین گونه است. تصرف دائمی برای دکه‌ها وجود ندارد بلکه مثل مسجد بوده و دارای دکه‌های موقت است. پس این روایت در مورد بازارهای موقت است. حاکمیت موظف است بازارهای موقت را طراحی کند.

در جلسه گذشته عرض کردم که حیث ترمینولوژی بازارهای موقت این نیست که ما بگوییم مثلاً محل بازار دوشنبه‌بازار و سه‌شنبه‌بازار تغییر پیدا می‌کند. مثلاً دوشنبه‌بازار در یک منطقه برگزار می‌شود و سه‌شنبه‌بازار در یک محل دیگری. نه! محل بازار ثابت بوده بلکه استفاده مؤمنین از آن بازار موقت و به نحو روزانه است. روایت این را می‌فرماید. از یک طرف امام علیه‌السلام به توسعه تجارت دعوت کرده و از طرفی نیز برای آن زیرساخت، طراحی می‌کند. اولین زیرساخت، طراحی بازارهای موقت است که ما بخش نمونه‌سازی این بازارها را پیگیری می‌کنیم تا سوق‌المکاسب بازارهای هر شهر را راه اندازی کنیم.

۲۱۹. أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: سُوقُ الْمُسْلِمِينَ كَمَسْجِدِهِمْ فَمَنْ سَبَقَ إِلَى مَكَانٍ فَهُوَ أَحَقُّ بِهِ إِلَى اللَّيْلِ وَكَانَ لَا يَأْخُذُ عَلَى بُيُوتِ السُّوقِ كَرَاءً. امیرالمؤمنین علیه‌السلام گفت: بازار مسلمین در حکم مسجد است: هرکسی زودتر به دکه‌های بازار درآید و بساط خود را پهن کند، تا شب به سکنای آن دکه اولویت دارد. امیرالمؤمنین از دکه‌های بازار کوفه کرایه دریافت نمی‌کرد.

تعریف بازارهای فقه‌المکاسب با مگامال‌ها و هایپرمارکت‌ها و مجتمع‌های تجاری و بازارهای سنتی بسیار متفاوت است. ضمن اینکه آنها را نفی نمی‌کنیم در مقام حاکمیت به آنها اولیت نمی‌دهیم و در مقام حاکمیت به این سمت می‌رویم که بازارهای موقت را اصل قرار دهیم.

قید دوم به اینکه عمومی بودن تجارت توسعه پیدا کند خیلی کمک می‌کند. حضرت می‌فرماید: «وَ كَانَ لَا يَأْخُذُ عَلَى بِيوتِ السُّوقِ كِرَاءً» می‌فرمایند امیرالمؤمنین علیه‌السلام - که «اعقل الناس» بودند - از مسئله دکه‌ها و بیوت بازار کرایه دریافت نمی‌کردند؛ یعنی لازم نبود شما برای تجارت در آن بازار حقوق تجاری پرداخت کنید. وقتی این کار را انجام می‌دهند، یعنی یک محل تجارت مجانی را در اختیار مؤمنین قرار می‌دهند. توجه کنید که در حال تولید زیرساخت برای تجارت هستند. ما تا الآن به این روایات توجه نکرده‌ایم، البته به نحو اخباری و اجمالی روایات دسته اول را سر منبر گفته‌ایم ولی روایات دسته دوم را که عرض کردم زیرساخت‌های ثلاث حوزه تجارت هستند، موضوع توجه ما نبوده است.

دسته دوم روایاتی که به مسئله زیرساخت‌گذاری برای تجارت مربوط می‌شوند، روایاتی هستند که بخش آموزش احکام تجارت را بحث می‌کنند. در صدر این روایات آن روایت معروف امیرالمؤمنین علیه‌السلام است که می‌فرمود: «يَا مَعْشَرَ التُّجَّارِ الْفُقَهَاءِ ثُمَّ الْمُتَجَرِّ الْفُقَهَاءِ ثُمَّ الْمُتَجَرِّ الْفُقَهَاءِ ثُمَّ الْمُتَجَرِّ وَ اللَّهُ لَلرِّبَا فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ أَحْفَى مِنْ دَيْبِ التَّمْلِ عَلَى الصَّفَا»^{۲۲۰} حضرت مسئله ربا را پایه قرار می‌دادند و دعوت به آموزش می‌کردند. می‌فرمودند که اگر فقه نخوانید به صورت مخفی و به نحوی که خودتان مطلع نشوید مبتلا به ربا خواهید شد. لذا مسئله آموزش یکی از زیرساخت‌های عمومی کردن تجارت است و نمی‌توانید فقط دعوت کنید.

الآن جای کتاب تجارت در آموزش‌های ابتدایی ما خالی است، البته بر فرض اینکه بگوییم آموزش و پرورش باید بر عهده سیستم آموزشی باشد که ما معتقدیم آموزش و پرورش آینده به محوریت خانواده‌های متکفل تربیت است - ولو اینکه در آنجا مناقشه نکنیم چرا که اینجا محل مناقشه آن نیست - بر این فرض شما می‌گویید در این سیستم آموزشی فعلی کتاب تجارت وجود ندارد. البته بعضی توصیه می‌کنند که کتاب تجارت و کتاب اقتصاد را آموزش دهیم ولی مراد آن‌ها

۹/۱/۱/۲. عدم دریافت کرایه از دکه‌های بازار؛ دومین ویژگی کالبد بازار

۹/۱/۲. آموزش احکام و فقه تجارت؛ دومین ویژگی بازار برای زیرساخت تجارت همگانی بودن

۹/۱/۲/۱. آموزش فقه‌المکاسب و تجارت از دوره کودکی و نوجوانی؛ یکی از اقدامات برای آموزش‌های مورد نیاز در بازار

۲۲۰. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ أَبِي الْجَارُودِ عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ عَلَى الْمُنْبَرِ: يَا مَعْشَرَ التُّجَّارِ الْفُقَهَاءِ ثُمَّ الْمُتَجَرِّ الْفُقَهَاءِ ثُمَّ الْمُتَجَرِّ الْفُقَهَاءِ وَ اللَّهُ لَلرِّبَا فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ أَحْفَى مِنْ دَيْبِ التَّمْلِ عَلَى الصَّفَا شُبُوهَا أَيْمَانَكُمْ بِالصَّدْقِ الْفَاجِرِ فَاجِرٌ وَ الْفَاجِرُ فِي النَّارِ إِلَّا مَنْ أَخَذَ الْحَقَّ وَ أُعْطِيَ الْحَقَّ.

اصبغ بن نباته گوید: از امیر مؤمنان علی علیه‌السلام شنیدم که بر فراز منبر می‌فرمود: ای تاجران! نخست فقه سپس تجارت، نخست فقه سپس تجارت، نخست فقه سپس تجارت. به خدا سوگند! یقین داشته باشید که ربا در این امت از راه رفتن مورچه بر روی سنگ صیقلی و براق پنهان‌تر و نامرئی‌تر است؛ سوگندهایتان را با راستگویی بیامیزید و قسم دروغ یاد مکنید. تاجر، فاجر است و فاجر در آتش است، مگر آن تاجری که حق را بگیرد و حق را بپردازد.

تئوری‌های نئوکینزی و مکاتب اقتصادی موجود است. مصداقاً قائل نیستند که باید کتاب مکاسب و متاجر را تدریس کرد. این عیب بسیار بزرگی است. ما در حوزه علمیه قم دعوت می‌کنیم که آموزش اقتصاد عمومی شود ولی به محوریت فقه‌المکاسب و نه به محوریت کتاب منکیو که الآن بعضی از دانشگاه‌هایی که دوستان مؤمن ما در آنجا بحث می‌کنند، وقتی می‌خواهند اقتصاد بگویند، کتاب منکیو را معرفی می‌کنند که معایب آن را در جلسه گذشته گفته‌ایم. یکی از معایب آن این است که کسی که منکیو و کتاب‌های این پروفیسور ضالّ پوزیتیویستی را می‌خواند، هیچ‌وقت قدرت طبقه‌بندی مشاغل را به نحوی که در روایات ما مطرح شده است، پیدا نمی‌کند و نمی‌تواند تشخیص دهد که چه شغلی سود ارتباطی بیشتری نسبت به شغل دیگر دارد. اصلاً مبنای طبقه‌بندی آنها این است که مشاغل را از حیث ارزش افزوده ارزیابی می‌کنند. این‌ها نکته‌های بسیار مهمی است.

یا در بخش آموزش ما الگوی آموزش کاسبان را در دوره صفویه داشتیم که یک مدل اولیه کارآمدی در دوره‌های گذشته بوده و باید به آن توجه شود. پس زیرساخت آموزش نیز یکی از زیرساخت‌هایی است که برای عمومی شدن تجارت لازم است.

۹/۱/۳. برخورد با تحلفات در خود بازار؛ سومین ویژگی بازار برای زیرساخت تجارت همگانی بودن

زیرساخت سومی که بدون آن مشکل است که ما تجارت را عمومی کنیم، روایاتی است که دعوت می‌کند که برخورد با تحلفات حوزه تجارات در محل بازار اتفاق بیافتد؛ یعنی زیرساخت قضایی مسئله نیز خیلی کمک می‌کند. ببینید چون همه در حال تجارت هستند و تجارت یک امر عمومی است، شما نمی‌توانید اصطلاحاً شعبه‌های اختلافات را به خارج از بازار منتقل کنید. این کار از دو حیث غلط است؛

۹/۱/۳/۱. «دسترسی آسان به متهم» و «تأثیر بالاتر مجازات ابرویی»؛ دو فایده از فواید بررسی اختلافات قضایی در خود بازار

یکی اینکه چون انسان‌ها موقت در آنجا رفت و آمد دارند، وقتی بررسی اختلافات قضایی در محل بازار نباشد دسترسی به متهم سخت می‌شود. حیث دیگر هم تأثیرگذاری است؛ وقتی شما فی‌المجلس قضاوت کرده و حکم را صادر می‌کنید تأثیر بیشتری در بهینه روابط انسانی نسبت به وقتی که شعبه قضاوت در خارج از محله بازار است دارد. لذا روایات ما تأکید می‌کنند که رسیدگی به اختلافات حوزه مکاسب در خود محل بازار باشد. به اصطلاح امروزی‌ها قوه قضائیه ما باید شعبه‌ای در خود محل کسب و بازار مسلمین راه‌اندازی کند.

۹/۱/۳/۱/۱. حضور در بازار و برخورد با متخلف در همان حال؛ یکی از سیره‌های امیرالمؤمنین علیه‌السلام برای برخورد با تحلفات در بازار

مثلاً این روایتی که در دعائم‌الاسلام است - البته در اصول روایی نیز با این مضمون روایاتی پیدا می‌کنید - دعائم‌الاسلام از امیرالمؤمنین علیه‌السلام نقل کرده است که «أَنَّه كَانَ يَمْشِي فِي

الْأَسْوَاقِ وَبِيَدِهِ دِرَّةٌ يَضْرِبُ بِهَا مَنْ وَجَدَ مِنْ مُطَفِّفٍ أَوْ غَاشٍّ فِي تِجَارَةِ الْمُسْلِمِينَ»^{۲۲۱} تعبیر روایت خیلی دقیق است؛ می‌فرماید: «أَنَّهُ كَانَ يَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ» این جزو برنامه روزانه امیرالمؤمنین علیه‌السلام بود که در بازارهای موقت خود حضور پیدا کند. وقتی حضرت حضور پیدا می‌کرد، حضورشان با آداب خاصی بود. روایت می‌فرماید: «بِيَدِهِ دِرَّةٌ» در دست حضرت شلاقی بود؛ یعنی روی دوش مبارکشان شلاقی بود و از ابزار تعزیری شلاق برای دو دسته از کسانی که ضررهای فراوانی به تجارت مسلمین می‌زند استفاده می‌کرد؛ یکی برای «مطففین» و یکی برای کسانی که «غش» در تجارت می‌کردند. حداقل الآن ما در سال ۱۳۹۸ اهمیت این احکام را می‌فهمیم؛ چون مجازات‌ها، مجازات‌های مبتنی بر «عرض»^{۲۲۲} انسان‌ها نیست اختلاس‌ها زیاد شده است. من این را داخل پرائتز عرض کنم ولی اصل مطلب آن را در فقه‌القضاء بعداً بحث می‌کنم که پایگاه مجازات در اسلام سه امر است؛ یعنی وقتی می‌خواهید کسی را مجازات کنید و به روایات مربوط به این باب مراجعه می‌کنید به سه پایگاه مفهومی می‌رسید؛ برخی از مجازات‌ها بر مبنای «تنقیص مال»، برخی دیگر بر مبنای «تنقیص عرض» و برخی دیگر نیز بر مبنای «سلب حیات» است. حوزه این مجازات‌ها با یکدیگر متفاوت است؛ یعنی اصطلاحاً امام علیه‌السلام وقتی می‌خواهند مجازات را در حوزه خاصی تعریف کنند، پایگاه مجازات را یک امر مؤثر در آن حوزه خاص قرار داده‌اند.

۲۲۱. وَ عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَّهُ كَانَ يَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ وَ بِيَدِهِ دِرَّةٌ يَضْرِبُ بِهَا مَنْ وَجَدَ مِنْ مُطَفِّفٍ أَوْ غَاشٍّ فِي تِجَارَةِ الْمُسْلِمِينَ قَالَ الْأَصْبَغُ قُلْتُ لَهُ يَوْمًا أَنَا أَكْفِيكَ هَذَا يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِجْلِسْ فِي بَيْتِكَ قَالَ مَا نَصَحْتَنِي يَا أَصْبَغُ وَ كَانَ يَرْكُبُ بَعْلَةَ رَسُولِ اللَّهِ - السُّهْبَاءَ وَ يَطُوفُ فِي الْأَسْوَاقِ سُوقًا سُوقًا فَأَتَى يَوْمًا طَائِقَ اللَّحَامِينَ فَقَالَ يَا مَعْشَرَ الْقَضَائِبِ لَا تَعْجَلُوا الْأَنْفُسَ قَبْلَ أَنْ تَرْهَقَ وَ إِيَّاكُمْ وَ الْتَفَحَ فِي اللَّحْمِ ثُمَّ أَتَى إِلَى التَّمَارِينَ فَقَالَ أَظْهَرُوا مِنْ رَدِيءِ بَيْعِكُمْ مَا تُظْهِرُونَ مِنْ جَبْدِهِ ثُمَّ أَتَى السَّمَاكِينَ فَقَالَ لَا تَبِيعُوا إِلَّا طَبِيبًا وَ إِيَّاكُمْ وَ مَا طَفَا ثُمَّ أَتَى الْكِنَاسَةَ وَ فِيهَا مِنْ أَنْوَاعِ التَّجَارَةِ مِنْ نَحَّاسٍ وَ قَمَاطٍ وَ بَائِعِ لَيْلٍ - وَ صَبْرِي وَ بَرَّازٍ وَ خِيَاطٍ فَنادَى بِأَعْلَى صَوْتٍ يَا مَعْشَرَ التَّجَارِ إِنَّ أَسْوَاقَكُمْ هَذِهِ تَحْضُرُهَا الْأَيْمَانُ فَشُوبُوا أَيْمَانَكُمْ بِالصَّدَقَةِ وَ كَفُّوا عَنِ الْحَلْفِ فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَا يَقْدُسُ مَنْ حَلَفَ بِاسْمِهِ كَاذِبًا.

علی علیه‌السلام تازیانه به دست در بازارها گردش می‌کرد و کم‌فروشان و خیانتکاران در معامله با مسلمانان را با آن می‌زد. اصبح بن نباته می‌گوید: یک روز به امام علیه‌السلام گفتم: ای امیر مؤمنان! من این کار را به جای شما انجام می‌دهم. تو در خانه بنشین! امام علیه‌السلام فرمود: تو برای من خیرخواهی نکردی؛ ای اصبح! امیر مؤمنان علیه‌السلام بر شهباء - قاطر پیامبر اکرم - سوار می‌شد و در تک‌تک بازارها گردش می‌کرد. یک روز به بازار گوشت‌فروشان رفت و فرمود: ای گروه قصابان! در گرفتن جان حیوانات پیش از آن که خود آن‌ها جان دهند، شتاب نکنید و بیرهزید از دمیدن در گوشت! سپس به بازار خرمافروشان رفت و فرمود: جنس نامرغوب را آشکار کنید، آن‌گونه که جنس مرغوب را آشکار می‌کنید. آن‌گاه به بازار ماهی‌فروشان رفت و فرمود: جز ماهی پاک و حلال را نفروشید و از آنچه در آب می‌میرد و بر روی آب می‌آید، بیرهزید! سپس به کناسه رفت. در آنجا انواع تجارت از برده‌فروشی، گهواره‌سازی، شترفروشی، صرافی، پارچه‌فروشی و دوزندگی وجود داشت. امام علیه‌السلام با صدای بلند ندا داد: ای گروه تاجران! در این بازارهای تان سوگند یاد می‌شود، پس سوگندهای تان را با صدقه در هم آمیزید و از سوگند دست بردارید، زیرا خداوند کسی را که به نامش سوگند دروغ یاد کند، پاک نمی‌گرداند.»

۹/۱/۳/۱/۴. به چالش کشیده شدن آبرو در خود بازار؛ لُبزار از بین رفتن اعتبار تجارت برای فرد و پیشگیری اشخاص از تخلف

حالا وقتی وارد بازار می‌شوند از شلاق استفاده می‌کنند. می‌دانید که شلاق، اصل در عرض است و تحقیر آبرویی دارد و می‌دانید که مهم‌ترین چیزی که در کسب نیاز است، مسئله آبروست. چون کاسب از احترام خود سوء استفاده کرده و «غش» در معامله کرده است، امام علیه‌السلام با مجازاتشان همان احترام را به چالش می‌کشد. لذا چه اتفاق می‌افتد؟ عملاً زمینه تجارت به صورت یک فرآیند طبیعی از فرد سلب می‌شود؛ نه فقط در آن لحظه بلکه در هر بازار دیگری که برود نیز به همین صورت است. این خیلی مسئله مهمی است، به این دقت کنید که ما مثل حقوق غربی و قواعد دادگستری غربی ورود پیدا نمی‌کنیم. یکی از سؤالاتی که همیشه در بین اهالی حقوق مطرح بوده این است که تشریح تناسب مجازات با جرم در اسلام چیست؟ یکی از بحث‌هایی که کمک می‌کند شما تشریح مجازات و تناسب آن با جرم را متوجه شوید این است که حوزه جرم بر پایه هر اصلی بنا شده باشد مجازات بر پایه تخریب همان اصل طراحی می‌شود که تفصیلاً در فقه القضاء و فقه العبرة - بِفَضْلِهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - مطرح خواهیم کرد.

۹/۱/۳/۱/۳. بهینه روابط انسانی به جای حذف روابط انسانی؛ ریشه حل فساد در جامعه

با این توضیح خواستم عرض کنم که چرا در دست حضرت شلاق بود. حضرت اعتماد به کاسبی را که از اعتماد مؤمنین سوء استفاده می‌کند تخریب می‌کردند و الآن نیز راه حل برخورد با فساد در کشور ما همین مسئله است. شنیدم که جناب حجت‌الاسلام آقای روحانی فرموده بودند که با بگير و بند مسئله فساد در کشور حل نمی‌شود.^{۲۲۳} شما می‌دانید که اینها در تئوری‌هایشان می‌گویند که ما باید فساد را از طریق سیستم حل کنیم.^{۲۲۴} توجه ندارند که در مبنای فقه اسلامی حل فساد به تنظیم روابط انسانی وابسته است و نه به بهینه کردن سیستم‌ها. حیث تنظیم روابط انسانی نیز در آن معلوم است؛ اگر شما با فرد مفسد از پایگاه «عرض» برخورد کنید زمینه فساد او را در جامعه کنترل کرده‌اید. قوه قضائیه در فرآیند مبارزه با فساد اگر به سمت این برود که

۲۲۳. روحانی اظهار داشت: ما امروز یکی از وظایف بزرگمان مبارزه با فساد و رانت در این کشور است. فساد و رانت اما با بگير و بند و دادگاه از بین نمی‌رود بلکه دستگاه قضائی آخرین مرحله است. وی افزود: آغاز مبارزه با فساد ابتدا بر دوش ماست و ما به عنوان دولت باید جلوی فساد را بگیریم یعنی مدیران ما باید جلوی فساد را بگیرند و این کار از طریق شفافیت، سلامت اداره و توسعه دولت الکترونیک شدنی است.

آدرس مطلب در پایگاه اطلاع‌رسانی خبرگزاری فارس: yon.ir/rohahi

۲۲۴. سخنان رئیس‌جمهور در همایش ملی ارتقاء سلامت اداری و مبارزه با فساد نشان‌دهنده نگاه سیستمی ایشان به حل مسئله فساد در کشور است: ما باید شرایط رقابت را در همه امور فراهم بکنیم و بالاتر از آن شفافیت و دادن اطلاعات. بزرگ‌ترین فساد از رانت اطلاعاتی شروع و آغاز می‌شود. هر چه ما بتوانیم باید رابطه مردم را برای حل مسائل روزمره و مهم‌شان از رودر رو شدن با کارمند کاهش دهیم. با نصیحت درست نمی‌شود که ما بگویم رشوه نگیرید. البته باید نصیحت کرد و اگر هم فهمیدیم او را مجازات کنیم. ممکن است بعضی از جاها دستگاه ناظر و مجری ما مطلع نشود، راه آن این است که رابطه مردم را به جای اینکه کسی کاری دارد با ۲۰ نفر ناچار مواجه شود، کاری کنیم با یک نفر مواجه شود.

آدرس مطلب در پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری: yon.ir/b41DO

«عرض» مفسد را در مواردی که برای آن نص صریح داریم به چالش بکشد کار درستی انجام داده است. ولی در تعجب هستیم که چرا نمی‌توانند در این مفاهیم غنی درایه کنند؛ یعنی سیستم اطلاع‌رسانی قوه قضائیه نمی‌تواند دقیقاً توضیح دهد که چرا راه‌حل، مجازات مفسد است و اتفاقاً برخورد سیستمی با فساد سبب قانونی شدن فساد به نحوی که ما در دوره برنامه‌ریزی گفته‌ایم، می‌شود.^{۲۲۵} فساد زمانی مدیریت می‌شود که شما بتوانید روابط انسانی را بهینه کنید و نه اینکه به

۲۲۵. بنده مثال می‌زنم تا بحث روشن‌تر شود. من سه مسئله در ذهن دارم که به نظرم می‌رسد این سه مسئله در حال حاضر جزء مسائل روز کشور محسوب می‌شوند و باید برای آنها راه‌حل ارائه کنیم. دیشب در شبکه خبر گفت‌وگویی صورت گرفت که از نظر دوستان ما ظاهر آن به الگوی پیشرفت ربطی نداشت. گفت‌وگو بر سر مسدله «ثبت سند خودرو» بود. ظاهر موضوع این است که این مسئله به الگو ربطی ندارد و در مباحث الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت نمی‌توانیم به این موضوع ورود پیدا کنیم. حالا داستان ثبت سند خودرو چیست؟ بین قانون وکلا و نیروی انتظامی اختلافی ایجاد شده بود و دوستان در شبکه خبر بحث می‌کردند که قانون تصویب‌شده در مجلس شورای اسلامی، راجع به رفع این اختلاف دقیقاً چه مطلبی گفته است. این، موضوع کل جلسه بود. قانون وکلا با تکیه بر برخی از عبارات قانون مصوب قبل از انقلاب نکاتی را مطرح می‌کرد، نیروی انتظامی نیز با استناد به قانون مصوب سال ۸۹ بحث دیگری را مطرح می‌کرد. در حقیقت یک دعوی حقوقی مطرح شده بود و طرفین، حقوق‌دان بودند و بحث می‌کردند که قانون برای رفع این مسئله چه راه‌حلی را پیشنهاد داده است. اصل داستان نیز بر روی مسئله ثبت سند خودرو بود.

حالا چرا قضیه ثبت سند خودرو به این میزان مهم شده بود؟ چون اگر ثبت سند خودرو به صورت استاندارد -یعنی همان‌گونه که قانون وکلا به دنبال آن هست- محقق نشود، در آینده معاملات به چالش کشیده خواهند شد؛ یعنی در نزاع‌های حقوقی دلیل محکمه‌پسندی برای رفع این نزاع حقوقی بر سر معاملات وجود نخواهد داشت. این مسئله‌ای که بنده مثال زدم در کشور ما در چند سال اخیر به شدت بالا گرفته است؛ یعنی داستان کلاهبرداری در معاملات ارتقاء پیدا کرده و قانون‌گذاران و نهادهای اجرایی به این فکر می‌کنند که چگونه این اختلافات را رفع کنند. همین داستان در پدیده زمین‌خواری نیز وجود دارد. به هر حال در جامعه ما فضایی ایجاد شده است که زمین‌خواری به کوه‌خواری، دریاخواری و انواع و اقسام هجوم‌های صاحبان قدرت و ثروت به انفال و بیت‌المال تبدیل شده است. ما باید این مسائل را به عنوان یک واقعیت و چالش بپذیریم. در کنار پدیده زمین‌خواری با پدیده اختلاس نیز روبرو هستیم؛ در جامعه ما اخبار به گونه‌ای است که اگر شما امروز تلویزیون را روشن کنید و مطلع شوید که یک اختلاس هزار میلیاردی اتفاق افتاده است، این امر برای شما یک موضوع شگفت‌انگیز نخواهد بود.

مسئولین در بحث اختلاس نیز مانند بحث سند خودرو که می‌خواستند مسئله را با بند قانونی حل کنند به دنبال این هستند که این موضوع را با شفافیت حل کنند. شفافیت یعنی چه؟ یعنی اطلاعات به شکلی در دسترس عموم قرار بگیرد که چیزی مخفی نباشد؛ این خلاصه مفهوم شفافیت است. اگر شفافیت اتفاق بیافتد، دیگر کسی نمی‌تواند به طور جدی سوء استفاده کند. بنده حدود یک ماه پیش با یکی از کارشناسان قدیمی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور در کمیسیون تلفیق مباحثه‌ای داشتم و ایشان به بنده می‌گفتند: دو سفر به مقر بانک جهانی داشته‌ام و با کارشناسان بانک جهانی مشورت‌هایی انجام داده‌ام و قرار است ان‌شاء‌الله! در اثر اجرای همان سیاست‌های مبتنی بر شفافیت در نظام خزانه‌داری و بودجه‌ریزی و قانون‌گذاری کشور، شفافیت را ارتقاء دهیم.

ایشان مانند راه‌حل همان دو کارشناسی که شب گذشته در شبکه خبر بحث می‌کردند به دنبال راه‌حل روبنایی بودند. ایشان می‌گفتند: باید دسترسی مردم را نسبت به اطلاعات تسهیل کنیم تا امکان سوء استفاده منتفی یا کمتر شود. غافل از اینکه در این مسئله نیز درست مانند مثال اول، روابط انسانی به چالش کشیده شده است؛ یعنی در انسان‌ها و جامعه میلی به اختلاس و مصرف بیش از استاندارد زهد ایجاد شده است که یک تبلور آن، مسئله اختلافات حقوقی در معاملات است، تبلور دیگر آن، مسئله

نحو سیستمی ارتباط ارباب رجوع با کارفرما را قطع کنید و بگویید که ما این ارتباط را قطع کرده‌ایم و لذا دیگر فساد اتفاق نمی‌افتد. این بیان در فواید دولت الکترونیک نیز گفته می‌شود.^{۲۲۶، ۲۲۷}

اختلاس و زمین‌خواری و سوء استفاده از بیت‌المال است. اگر ریشه هر دو مسئله را بررسی کنید، متوجه می‌شوید که روابط انسانی به چالش کشیده شده است.

این یک واقعیت است که جامعه ما توسعه‌یافته‌تر شده است و به تبع بحث‌های جلسات گذشته از جمله الزامات توسعه‌یافتگی این است که اصل آهنگ منافع شخصی به عنوان محور تعادل اجتماعی قرار گیرد؛ پس جامعه حریص‌تر شده است و ما با نظم حول اقتصاد، سطح حرص جامعه را بالاتر می‌بریم و طبیعتاً در روبنا معضل ایجاد می‌شود. سپس می‌گوییم باید این معضل را با یک بند قانونی و شفافیت حل کنیم.

وقتی هر کدام از این مسائل را - که بنده دو مسئله را بازگو کردم - می‌شکافیم، متوجه می‌شویم که انسان‌ها در روابط انسانی حریص‌تر شده‌اند و وقتی شما انسان‌ها را حریص‌تر می‌کنید، این حرص پایه کفر خواهد بود. بنده به نظر خودم در جلسات گذشته یک تحلیل فنی ارائه دادم و به صورت فنی نشان دادم که حرص به کفر منتهی می‌شود. حرص باعث می‌شود که سطح تقاضا در درون انسان‌ها ارتقاء پیدا کند و وقتی سطح تقاضا ارتقاء پیدا کرد، انسان‌ها برای تأمین تقاضای ارتقایافته خود به سمت استثمار منابع در اختیار دیگران می‌روند؛ یعنی ریشه تعرض به حقوق دیگران، عدم اکتفا به سطح خاصی از تقاضاست که ما در ادبیات فنی و حکیمانه دینی از این سطح خاص تقاضا به زهد تعبیر می‌کنیم. اگر انسان به سبب محیط یا به سبب رفتارهای خود - که هر دو عامل مؤثر است - از استاندارد زهد خارج شود و تقاضاهای او به صورت افسارگسیخته طراحی شود [به حقوق دیگران تجاوز خواهد کرد].

حُب ما با نظم اجتماعی هر روز تحریک تقاضا می‌کنیم و هر روز حرص مردم را تحریک می‌کنیم و این حرص باعث می‌شود که سطح تقاضای مردم افزایش پیدا کند. در گام بعد آنها به داشته‌های خود قانع نخواهند بود و به سمت استثمار دیگران حرکت خواهند کرد و یکی از موارد استثمار دیگران، کلاهبرداری در معاملات، مورد دیگر آن اختلاس، مورد دیگر آن زمین‌خواری و ... است. این یک اخلاق است ولی مصادیق متعدد دارد

جلسه هشتم از دوره چهل روزه تبیین مفهوم برنامه ریزی در دانشگاه شریف

۲۲۶. آقای روحانی در همایش ملی ارتقاء سلامت اداری و مبارزه با فساد: ... اگر کاری می‌شود بدون حضور انجام شود، یعنی با ایجاد دولت الکترونیک، ما باید دولت الکترونیک را توسعه بدهیم تا مردم نیاز به مراجعه نداشته باشند و تمام مکاتبات اداری و مکاتبات مردم با ادارات از طریق سیستم الکترونیک قابل نظارت باشد که قابل نظارت است. آن وقت فساد کاهش پیدا می‌کند. آدرس مطلب در پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری: yon.ir/b41DO

طبق گزارش تهیه شده در معاونت طرح و برنامه وزارت صمت، وجود ساختارهای شفافیت‌زا از عوامل رفع فساد شمرده شده است؛ نبود فرآیندهای مکانیزه و شفافیت‌های فعالیت‌های اقتصادی افراد و نوع روابط مالی آن‌ها را با یکدیگر نشان دهد و همچنین وجود ارتباط مستقیم و مراجعه حضوری متقاضیان خدمت به ارائه‌دهندگان آن، از عوامل عمده گسترش فساد مالی در یک جامعه است.

گزارش شاخص ادراک فساد، تهیه شده در معاونت طرح و برنامه، دفتر آمار و فراوری داده‌ها، وزارت صنعت، معدن و تجارت، از منبع:

www.transparency.org

۲۲۷. این یک بحثی است که خواستم به آن توجه دهم تا آقایان نگویند که این مجازات برای ۱۴۰۰ سال پیش است. دیده‌اید که از این حرف‌ها زده می‌شود. دهان‌ها باز شده و از آنجایی که دقت نمی‌کنند و اهل درایه کردن در روایت نیستند و از اسلام فقط نماز خواندن را می‌دانند، دهان‌هایشان باز می‌شود و حرفی می‌زنند!

انتقال از متن

وقتی در این روایات درایه می‌کنیم، می‌بینیم روایت نمی‌گوید که حضرت شلاق می‌زدند - خواهش می‌کنم روایت را با درایه نگاه کنید - حضرت می‌فرمایند: «بِیْدِهِ دِرَّةٌ» در دستشان می‌گرفتند که همه ببینند؛ یعنی می‌خواستند پیشگیری ایجاد کنند. وقتی مدام حضرت را شلاق به دست می‌دیدند از ترس آبرو تخلفات کم می‌شد. البته چهار نفر نیز شلاق می‌خوردند ولی این مهم است که حضرت خیلی جدیت به خرج می‌دادند که حتماً با فرد «مَطْفُفٌ» و «غاشٌّ» برخورد کنند. این نحوه ورود حضرت به بازار نیز حیث پیشگیری دارد.

این نیز دقت دوم در روایت است. وقتی ما این‌ها را بدون دقت می‌خوانیم می‌گوییم که حضرت چقدر خشن بوده‌اند و ممکن است اینگونه به ذهن بیاید ولی وقتی در این کلام دقت می‌کنیم می‌بینیم که حضرت در حال پیشگیری از امری هستند که اگر از آن پیشگیری نکنیم معیشت همه مردم به چالش کشیده می‌شود. کما اینکه ما در سال ۱۳۹۸ به همین بلیه مبتلا هستیم و این به دلیل این است که فقه‌المکاسب نمی‌خوانیم بلکه تئوری‌های کینز را بحث می‌کنیم و مطالب آنها را می‌خوانیم.

در مجموع روایات زیرساخت‌های ثلاثی را برای عمومیت یافتن مسئله تجارت به ما معرفی کردند؛ زیرساخت اول، ساخت بازارهای موقت بود و زیرساخت کالبدی محسوب می‌شد، منتها کالبدی با قید روابط انسانی. بنده این مسئله را در اینجا مطرح کنم - البته وقتی بحث ساخت مسکن و مقررات ملی ساختمان^{۲۲۸} را بحث کنیم در آنجا به شکل تفصیلی بیان خواهیم کرد - که در اسلام اصل در کالبد مسئله روابط انسانی است به خلاف مقررات ملی ساختمان که اصل در کالبد را موضوعات فنی قرار داده است. و البته ما در موضوعات فنی هم با مقررات ملی ساختمان اختلاف داریم اما اختلاف اصلی ما به این موضوعات بر نمی‌گردد بلکه اختلاف اصلی ما به این بر می‌گردد که ساختمان ابزار تنظیم روابط انسانی است لذا حضرت در روایت می‌فرماید «سُوْقُ الْمُسْلِمِیْنَ»؛ راجع به بازار صحبت می‌کند منتها به دو قید مؤثر در روابط انسانی؛ یکی اینکه از بیوت‌السوق کسب کرایه نمی‌کردند خب این مسئله در روابط انسانی یک مسئله مهمی است یعنی ساختمان را به اثری که در تنظیم روابط انسانی دارد معرفی می‌کند. یکی هم اینکه مدیریت این ساختمان را به شکل متمرکز قرار نمی‌دهند تا زمینه فساد به وجود بیاید که یک نفر بگوید شما به این دکه برو و در پشت پرده یک معامله‌ای صورت گرفته باشد. حضرت می‌فرماید: «فَمَنْ سَبَقَ

۹/۱/۱/۳. روابط انسانی
به جای موضوعات فنی؛
اصلی‌ترین ملاک کالبد
در نگاه اسلام

۲۲۸. دفتر امور مقررات ملی ساختمان یکی از دفاتر وزارت راه و شهرسازی است که در اجرای قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان و آیین‌نامه اجرایی آن دارای وظایف اصلی به شرح زیر می‌باشد: ترویج مقررات ملی ساختمان، نظارت عالی بر مقررات ملی ساختمان.

إِلَى مَكَانٍ فَهَوَّ أَحَقُّ بِهِ» یعنی خود مردم به نحو اختیاری، هرکسی که زودتر آن دکه را بگیرد در اختیار او قرار خواهد گرفت. این‌ها همه نکات دقیق در روایت هستند. بنابراین زیرساخت اول زیرساخت کالبدی با قید روابط انسانی است.

زیرساخت دوم -طبق روایتی که خواننده شد- زیرساخت آموزشی با قید حذف رباست؛ یعنی پایه بحث، عبور از رباست.

و زیرساخت سوم هم مدیریت اختلافات بازار در محل بازار است. این مسئله هم خیلی مهم است؛ روایت می‌فرماید: «أَنَّه كَانَ يَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ» همیشه کار حضرت این بود که در بازار مسلمین عبور پیدا کرده و مجموعه‌ای از کارها را انجام دهند که مهم‌ترین آن همین مسئله قضا و قضاوت در اختلافات بازار بود.

۹/۲. عمومی بودن تجارت؛ مهم‌ترین اصل به دست آمده از دو دسته روایات تجارت

از مجموعه این دو دسته روایات که خدمت شما بیان شد چند اصل به دست آمد: مهم‌ترین اصلی که به دست می‌آید این است که ما در اسلام باید به دنبال عمومی کردن تجارت باشیم و تجارت نباید شغلی مربوط به یک عده خاص باشد. حالا اگر تجارت عمومی شد -در بحث مطرح کردیم- نظامی از فواید به دست خواهد آمد. توجه کنید یک حاکمیتی بنای خود را بر این می‌گذارد که تجارت را عمومی کند -که این یک فرض مسئله است- و یک حاکمیتی هم بنا را بر روی این می‌گذارد که تجارت را در دست یک عده خاصی نگه دارد؛ به اصطلاحی که امروزه در محاورات عرفی مطرح است در فرض دوم سلطان‌ها شکل خواهند گرفت؛ سلطان قیر، سلطان شکر، سلطان موز. نمی‌دانم که با اسامی این برادران سلطان آشنا هستید یا خیر؟! (خنده حضار) این افراد صاحب تخلف و مُتَرَف هستند اما زمینه اِتراف آن‌ها را سیستم حاکمیتی برای آن‌ها آماده کرده است، آن هم سیستم حاکمیتی‌ای که به سمت عمومی کردن تجارت نمی‌رود.

حالا اگر در این فرض چنین بگوییم که اصل در مسئله بازارها به این شکل است که تجارت را عمومی کنیم با این کار چند دسته فایده به دست خواهد آمد؛

۹/۲/۱. تغییر در سیاست‌ها و قوانین حوزه تجارت؛ اولین دسته فایده عمومی شدن تجارت

اولین دسته فایده آن این است که باید سیاست‌ها و قوانین حوزه تجارت تغییر پیدا کند و این قانون حوزه تجارتی که در روزهای اخیر تأخیر افتاد -بنده برای بار دوم عرض می‌کنم- ناظر به عمومی کردن تجارت نیست. بخشی از سیاست‌های آن ناظر به این است که تجارت‌های بین‌الملل ما را گسترش دهد که ان‌شاءالله در باب پنجم و آخر این دوره بحثی عرض خواهم کرد که چه قواعدی از تجارت بین‌الملل اسلام را نادیده گرفته است. پس بیان می‌کنید بافت سیاست‌گذاری حاکمیت تغییر پیدا می‌کند؛ یعنی وقتی سیاست‌های کلی نظام در حوزه تجارت را اعلام می‌کنید روح اصلی آن این است که تجارت را عمومی کند. این از ثمرات اولیه این بحث است.

۹/۲/۲. تغییر سیاست‌های محرومیت‌زدایی؛ دومین دسته فایده عمومی شدن تجارت

ثمرات دوم این بحث هم آن است که به دلیل اینکه مردم وارد حوزه تجارت به نحو عمومی می‌شوند، سیاست‌های فقرزدایی و محرومیت‌زدایی کشور هم تغییر پیدا می‌کند. در حال حاضر اصل در فقرزدایی و محرومیت‌زدایی امداد مستضعفین و فقرا است. بنده همیشه عرض کرده‌ام که به نحو موقت اشکال ندارد [که به این شکل عمل کنیم]؛ یعنی مادامی که امر دایر است بین اینکه سیاست‌های حوزه سرمایه‌داری در کشور اجرا شود و ما کمک امدادی به فقرا بدهیم، امداد به فقرا نسبت به اجرای سیاست‌های سرمایه‌داری در کشور اولویت دارد؛ به دلیل اینکه اگر سرمایه‌داری در کشور اجرا شود هیچ‌گاه فقر برطرف نخواهد شد. می‌گویید که به کدام دلیل این قدر محکم حرف می‌زنید؟ می‌گوییم به دلیل عدم برطرف شدن فقر در توسعه‌یافته‌ترین کشورهای دنیا؛ در ایالات متحده آمریکا فقر برطرف نشده، در کشورهای اسکاندیناوی فقر برطرف نشده بلکه معانی جدیدی از فقر مانند فقر عاطفی و عقلی تحقق پیدا کرده است.^{۲۲۹} در

۲۲۹. فقر در آمریکا:

گزارشگر حقوق بشر سازمان ملل دسامبر ۲۰۱۷ با مأموریت بررسی وضعیت فقر مطلق در آمریکا بازدید از این کشور داشت. فیلیپ آلستون در پایان بازدید دو هفته‌ای خود گزارشی تهیه کرده که حاوی نکات جالب توجهی است. این گزارش نشان می‌دهد آمریکا با این که بیش از یک‌پنجم اقتصاد جهان را در اختیار دارد و به عنوان موتور اقتصاد جهان شناخته می‌شود، اما بخش مهمی از مردمش به لحاظ فقر و نداری دست کمی از کشورهای ضعیف و در حال توسعه ندارند. گزارشگر سازمان ملل نتایج ارزیابی‌های خود را این گونه خلاصه کرده است:

۱- ایالات متحده آمریکا یکی از ثروتمندترین، قدرتمندترین و پیشرفته‌ترین کشورهای جهان است. اما نه ثروت، نه قدرت و نه فناوری این کشور در وضعیت ۴۰ میلیون آمریکایی فقیر نمایان نیست. ثروت، قدرت و فناوری آمریکا دردی از دردهای این افراد دوا نکرده است.

۲- من در جریان سفر با مردمانی دیدار کردم که بسختی در محله بی‌خانمان‌های لس‌آنجلس زندگی می‌کردند. من پلیسی را در سانفرانسیسکو دیدم که به گروهی از افراد بی‌خانمان می‌گفت چادرهایشان را جمع کنند و بروند اما وقتی گفتند کجا برویم، پاسخی نداشت. من مناطقی را در ایالات مختلف آمریکا دیدم که دولت‌های محلی تأمین خدمات بهداشتی برای این مناطق را جزو وظایف خود نمی‌دانستند. من افرادی را دیدم که دندان‌هایشان باقی نمانده بود زیرا ارائه خدمات بهداشت دهان و دندان جزو برنامه‌های مبارزه با فقر در این کشور قرار ندارد. به من خبر دادند که بر اثر اعتیاد و مصرف مواد مخدر نرخ مرگ‌ومیر و طلاق و فروپاشی خانواده‌ها افزایش یافته است.

۳- براساس آمارها آمریکا یکی از ثروتمندترین کشورهای جهان است. این کشور بیشتر از مجموع چین، روسیه، انگلیس، عربستان، هند، فرانسه و ژاپن در بخش نظامی خود هزینه می‌کند اما سرانه پزشکی و تخت بیمارستانی در آمریکا کمتر از متوسط کشورهای صنعتی است.

۴- آمریکا بالاترین نرخ مرگ‌ومیر کودکان را میان کشورهای توسعه یافته براساس آمار سال ۲۰۱۳ دارد.

۵- مردم آمریکا در مقایسه با مردمان هر کشور ثروتمند دیگر عمری کوتاه‌تر دارند و روزهای بیشتری با بیماری دست و پنجه نرم می‌کنند. شکاف سلامت میان آمریکا و کشورهای هم‌قطارش افزایش روزافزون دارد.

۶- بیماری‌های گرمسیری مثل زیکا به طور فزاینده‌ای در آمریکا رو به گسترش است. تخمین زده می‌شود بیش از ۱۲ میلیون آمریکایی به آلودگی انگلی مبتلا هستند.

۷- بالاترین شیوع چاقی در میان کشورهای توسعه یافته به آمریکا اختصاص دارد.

۸- آمریکا از نظر دسترسی مردم به آب آشامیدنی و بهداشت رتبه‌ای بهتر از ۳۶ در جهان به دست نیاورده است.

- ۹- آمریکا بالاترین سرانه زندانیان را در جهان دارد. سرانه زندانیان در این کشور حتی بیشتر از ترکمنستان، السالوادور، کوبا، تایلند و روسیه است. سرانه زندانیان در آمریکا پنج برابر متوسط کشورهای توسعه یافته است.
- ۱۰- نرخ فقر جوانان در آمریکا بالاترین رقم در بین کشورهای صنعتی است. از هر چهار جوان آمریکایی یک نفر در فقر زندگی می کند. در کشورهای صنعتی به طور متوسط ۱۴ درصد جوانان در فقر زندگی می کنند.
- ۱۱- آمریکا در رتبه سوم کشورهای صنعتی از نظر شاخص های فقر و نابرابری قرار دارد.
- ۱۲- بالاترین ضریب جینی در میان کشورهای صنعتی به آمریکا اختصاص دارد. ضریب جینی شکاف درآمدی را نشان می دهد.
- ۱۳- آمریکا بالاترین نرخ فقر کودکان را در مقایسه با پنج کشور ثروتمند دیگر یعنی کانادا، انگلیس، ایرلند، سوئد و نروژ دارد. ۱۸ درصد کودکان در این کشور برابر با ۱۳/۳ میلیون نفر در فقر به سر می برند. ۴۲ درصد کودکان سیاهپوست در آمریکا با فقر دست و پنجه نرم می کنند.
- ۱۴- دولت های آمریکا چه دولت فعلی و چه دولت های سابق حقوق اقتصادی و اجتماعی را جزو حقوق بشر به حساب نمی آورند. این در حالی است که دولت آمریکا به عنوان امضاکننده بیانیه جهانی حقوق بشر از کشورهای جهان خواسته است تا به حقوق اقتصادی و اجتماعی شهروندان خود احترام بگذارند. دولت آمریکا تنها دولت در میان کشورهای توسعه یافته است که اعتقاد دارد محافظت از مردم در برابر مرگ و میر ناشی از گرسنگی، عدم دسترسی به مراقبت های بهداشتی و سایر محرومیت ها جزو وظایف دولت نیست.
- ۱۵- بررسی ها نشان می دهد بسیاری از ثروتمندترین شهروندان آمریکا براساس نرخی که دیگران مالیات می دهند مالیات پرداخت نمی کنند. بسیاری از آنها ثروت خود را از راه سفته بازی و بدون آنکه کمکی به رشد ثروت در جامعه آمریکا کنند به دست می آورند.
- ۱۶- این طور تصور می شود افراد فقیر در آمریکا فقط رنگین پوست و از نژاد آفریقایی — آمریکایی یا از مهاجران اسپانیولی هستند. اما جالب است بدانید جمعیت فقرای سفیدپوست هشت میلیون نفر بیشتر از جمعیت سیاهپوستان فقیر است. بسیاری از سیاستمدارانی که من با آنها صحبت کردم چنین دیدگاه غلطی داشتند. آن ها که در مبل های راحتی لم داده اند، تلویزیون رنگی نگاه می کنند و روی گوشی های هوشمند خود خم شده اند چگونه می توانند از اوضاع و احوال حوزه های انتخابیه خود و مردمی که به آنها رأی داده اند آگاه شوند.
- ۱۷- از هر هشت آمریکایی یک نفر در فقر زندگی می کند یعنی ۱۲/۷ درصد جمعیت آمریکا فقیر هستند که می شود ۴۰ میلیون نفر. حدود نصف این رقم یعنی ۱۸/۵ میلیون نفر در فقر مطلق به سر می برند. این افراد با درآمد دو دلار در روز زندگی می کنند. از ۴۰ میلیون فقیری که در آمریکا زندگی می کنند گروهی فقیر متولد شده اند و گروهی نیز به دلیل شرایط و احوالی که خارج از کنترلشان بوده مثل معلولیت های روانی و فیزیکی، طلاق، فروپاشی خانواده، بیماری، پیری، بیکاری و تبعیض در بازار کار به فقر دچار شده اند.
- ۱۸- ریشه کنی فقر در کشور ثروتمندی مثل آمریکا نیاز به معجزه ندارد. به ویژه ریشه کنی فقر مطلق کار سختی نیست و فقط به اراده سیاسی نیاز دارد که فعلاً در سیاستمداران آمریکا وجود ندارد.
- ۱۹- در اقتصاد قرن بیست و یک آمریکا تنها درصد اندکی هستند که از خطر سقوط به دره فقر و نداری مصون هستند. همچنین آمریکا پایین ترین درجه تحرک اجتماعی را در مقایسه با سایر کشورهای ثروتمند دارد.
- ۲۰- بر اساس آمارهای رسمی جمعیت کارتن خواب های آمریکا بیش از نیم میلیون نفر برآورد شده است. یعنی از هر ۵۰۰ آمریکایی یک نفر در خیابان می خولید. فقط در نیویورک ۷۶ هزار نفر کارتن خواب هستند. حتی آمار واقعی از این آمار بیشتر است. کارتن خواب ها همه جا مورد آزار و اذیت قرار می گیرند. آن ها حتی خواب راحتی ندارند و در معرض سرما، گرما و انواع سختی ها قرار دارند.

کشورهای اروپایی فاصله طبقاتی یک امر مهمی است که بشر آن را تحمل می‌کند. بنابراین ما به این دلیل اعتقاد داریم که اگر امر دایر است بین اینکه کشور را توسعه یافته کرده و بر اساس سیاست‌های توسعه عمل کنیم یا به نحو مقطعی فقرا را امداد کنیم حتماً کمک مقطعی اولویت دارد کما اینکه در دولت نهم این نوع سیاست‌ها اجرا شد.

اما باید توجه کرد که سیاست اصلی اسلام برای فقرزدایی عمومی کردن مسئله تجارت است. بنابراین سیاست‌های حوزه محرومیت‌زدایی کشور هم تغییر پیدا می‌کند؛ مثلاً دولت می‌تواند اهتمام کرده و با قواعد جانمایی - که بعداً در دوره‌های تفصیلی فقه‌المکاسب بحث می‌کنم - بازارهای موقت را در کشور احیا کند و مثلاً از طریق احیای بازارهای موقت به سمت فقرزدایی برود. البته این قسمت یک بحث تکمیلی دارد که باید آن را بعداً بحث کنیم.

مسئله سوم از فواید عمومی شدن تجارت این است که قیمت تمام شده کالاها هم کاهش پیدا می‌کند. این هم مسئله بسیار مهمی است؛ به دلیل اینکه عرض کردم که [با این کار] هزینه‌های چهارگانه تولید صنعتی حذف شده و تجارت متمرکز از این نوع کسب‌وکار حذف می‌شود. بنابراین این سه دسته فایده هم برای ما حاصل خواهد شد.

بنده عرایض خود را جمع کرده تا از محضر دوستان استفاده کنم. ما به استظهار دو دسته از روایات، ویژگی‌های الگوی توزیع و تولید اسلام را بررسی کردیم. دسته اول، آیات و روایاتی هستند که با اتکای به چهار مبنا تشویق به تجارت می‌کنند و این آیات و روایات با اتکای به آن مبناهای چهارگانه به ما کمک می‌کند که نظام ارزشی جامعه را نسبت به مسئله تجارت ارتقا دهیم، ارتقا از نگاه به تجارت به عنوان به یک امر و عاملی برای ایجاد ارزش افزوده به یک تلقی از تجارت به عنوان ابزار تقویت سود ارتباطی و اینکه شغل را به عنوان زیرساخت هدایت تلقی کنیم.

۹/۲/۳. کاهش قیمت
تمام شده کالا؛ سومین
دسته فایده عمومی
شدن تجارت

Stockholm with its strong social programs struggles with poverty. In fact, between ۲۰۰۱ and ۲۰۱۱, the poverty rate rose from about ۸-۹ percent to ۱۵ percent. In Sweden, more than one in ten children, approximately ۲۲۰'۰۰۰, live in poverty

استکهلم با برنامه‌های اجتماعی قوی با فقر دست و پنجه نرم می‌کند. در حقیقت، بین سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۱، نرخ فقر از حدود ۸-۹٪ به ۱۵٪ افزایش یافته است. در سوئد از هر ۱۰ کودک بیش از یکی، تقریباً ۲۲۰۰۰۰ کودک، در فقر زندگی می‌کنند.

London: ... ۲۸ percent of its population is living in poverty. ... There are also about a million people between the ages of ۱۶ and ۲۴ who are unemployed.

لندن: ۲۸٪ جمعیت آن در فقر زندگی می‌کنند... در لندن حدود یک میلیون بیکار بین سن ۱۶ تا ۲۴ وجود دارند.

این دسته روایات مربوط به طراحی زیرساخت‌های ثلاث برای عمومی شدن مسئله تجارت است. زیرساخت‌های کالبدی، آموزشی و پیشگیری و عبرت. این سه دسته روایات هم کمک می‌کند که یک ویژگی‌هایی را برای طراحی بازارهای آینده به دست آوریم. پس ان‌شاء الله وقتی در آینده به کمک شما طلبه‌های پیاخاسته برای حل مشکلات مردم، بازارها را ساختیم، در یاد داشته باشید که مثلاً شعبه قضایی بازارهای موقت ما نمی‌تواند چند خیابان دورتر از محل بازار موقت باشد بلکه باید درون همان بازار باشد. مجازات‌هایی هم که آن شعبه‌های قضایی اعمال می‌کنند باید استظهاری باشد، نباید قاضی به صورت عقلایی و طبق فلان قانون مجازات که نسبت آن با فقه معلوم نیست عمل کند. باید بر روی مجازات‌های فقهی که بخش عمده مجازات‌های فقهی در حوزه کسب برای فرد متخلف، «تنقیص عرض» ایجاد می‌کند تمرکز کنیم و این کار به اینکه بازار سالم باشد خیلی کمک می‌کند.

بنابراین ان‌شاء الله باید این مسئله زیرساخت قضایی و آموزشی هم مورد توجه قرار گیرد. بنده دوست دارم فعلاً با همکاری برخی از مدارس و برخی از خانواده‌ها که متکلف تربیت هستند، تلاش کنیم که کتاب تجارت هم موضوع آموزش شود و الان که در حال بزرگ کردن فرزندان خود هستیم مثلاً یک پدر در یک برنامه منظمی راجع به تفاوت‌های مکاسب الشریعه و فقه‌المکاسب با مکاتب اقتصادی موجود بحث کند تا زمینه «الْفَقْهَ ثُمَّ الْمُنَجَّرَ» بنا بر توصیه امیرالمؤمنین علیه‌السلام هم آماده شود. البته دقت می‌فرماید که در روایت هم هست - حضرت در بیرون از بازار نمی‌فرمودند «الْفَقْهَ ثُمَّ الْمُنَجَّرَ» بلکه در خود بازار چنین می‌فرمودند. پس مثلاً مانند دوره صفویه باید ساعت هفت صبح آموزش‌های فقه‌المکاسب در بازار راه بیفتد؛ یک ساعت آموزش دیده و بعد به سراغ تجارت بروند. ساختار آموزشی بازار هم باید در خود مسجد باشد؛ لذا در روایات داریم که مساجد چهار نوع هستند که یک نوع آن مسجد بازار است.^{۳۰} برای چه بازار به مسجد نیاز دارد؟ به دلیل اینکه می‌خواهیم در مسجد بازار آموزش و عبادت داشته باشیم..

۲۳۰. عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَسَّانَ عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ التَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: صَلَاةٌ فِي بَيْتِ الْمُقَدَّسِ أَلْفُ صَلَاةٍ وَ صَلَاةٌ فِي الْمَسْجِدِ الْأَعْظَمِ مِائَةٌ صَلَاةٍ وَ صَلَاةٌ فِي مَسْجِدِ الْقَبِيلَةِ خَمْسٌ وَ عِشْرُونَ صَلَاةً وَ صَلَاةٌ فِي مَسْجِدِ الشُّوقِ اثْنَتَا عَشْرَةَ صَلَاةً وَ صَلَاةُ الرَّجُلِ فِي بَيْتِهِ وَحْدَهُ صَلَاةٌ وَاحِدَةٌ.

[ثواب] نماز در بیت المقدس هزار نماز است و [ثواب] نماز در مسجد بزرگ (جامع) صد نماز است و [ثواب] نماز در مسجد قبيله پنجاه نماز است و [ثواب] نماز در مسجد بازار دوازده نماز است و نماز شخص به تنهایی در خانه‌اش یک ثواب دارد.

تهذيب الأحكام، ج ۳، ص ۲۵۳

عَنْهُ عَنِ التَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الصَّلَاةُ فِي مَسْجِدِ الشُّوقِ اثْنَتَا عَشْرَةَ صَلَاةً.

امام علی علیه‌السلام: [ثواب] نماز در مسجد بازار به اندازه دوازده نماز [در خانه] است.

المحاسن، ج ۱، ص ۵۷

بخشی از جلسه پنجم فقه المکاسب، حجت الاسلام علی کشوری، مکتوب فقه المکاسب، ص ۲۱۵ الی

۲۲۵، ۲۱ الی ۳۱ شهریور ۱۳۹۸، قم

کانال الگوی پیشرفت اسلامی-ایتا

eitaa.com/olgou4/3282

پیوست ۱۰: توضیح اجمالی دار واسعہ

۱۰/۱. دار واسعہ عامل
ایجاد سه زیرساخت
اساسی

طرحی که قصد دارم آن را الآن بحث کنم، مسئله ساخت دار واسعہ است. این جزء تصمیمات حاکمیتی‌ای است که باید در منطقه بگیریم. امام روستا باید یک گفتگو تحت عنوان «ساخت خانه در قالب آپارتمان یا محله یا به تعبیر روایت دار واسعہ و به تعبیر امروزی‌ها باغ ویلا» با مردم راه بیندازد. البته ترمینولوژی نیز خیلی مهم است. خیلی مهم است که شما اسم طرح خود را چه بگذارید. این که کسی نام دار واسعہ را باغ ویلا می‌گذارد به ذهن لذت‌جویی متبادر می‌شود. از استخدام این کلمه شما به مردم می‌گویید که لذت و تمتع بیشتری ببرید اما اگر همان تعبیر امام که دار واسعہ است را گفتید [این اتفاق نمی‌افتد]. از این انتخاب واژه پیداست که وسیع بودن برای امام موضوعیت دارد.

۱۰/۱/۱. مدیریت بازی
فرزندان (بعنوان بازی
تربیت در هفت سال
اول)؛ اولین زیرساخت
ایجاد شده توسط دار
واسعہ

همان‌طور که ما گفتیم وسیع بودن خانه حداقل زیرساخت سه امر است؛ اولاً صاحب دار واسعہ می‌تواند مدیریت بازی فرزندان را بهتر از کسی که داخل آپارتمان زندگی می‌کند، انجام دهد. بازی بازوی تربیت است، در هفت سال اول و حتی در بخشی از هفت سال دوم که در حال تأدیب هستید.

الآن که گیم‌نت‌ها مدیریت بازی می‌کنند به این علت است که مدیریت بازی در دست ما نیست. من خاطراتی را از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و ائمه‌علیهم‌السلام و علما نقل می‌کنم که اینها خودشان چگونه به بازی با کودکان اهمیت می‌دادند؛ یعنی امیرالمؤمنین علیه‌السلام در میان جنگ‌هایی که در پنج سال دوران خلافتشان داشتند و اجازه داده نشد که خلافت حضرت ادامه پیدا کند وقتی به خانواده‌های شهدا سر می‌زدند، در روایت تصریح دارد که حضرت خم می‌شدند و صدای حیوان خانگی در می‌آوردند و آن یتیم سوار ایشان می‌شد. الآن این داستان را طوری تعریف می‌کنند که ما فکر می‌کنیم حضرت خواسته‌اند به یتیم ترحم کنند ولی من فکر می‌کنم که حواس حضرت به مدیریت بازی بوده است. در جای دیگر دارد که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله امام جماعت بودند و همه اصحاب منتظر ایشان بودند. حال خود ایشان به این میزان به نماز اول وقت تأکید می‌کردند ولی اینجا در مسجد حاضر نشدند. اصحاب بررسی کردند و دیدند که ایشان مشغول بازی با کودکان است و به ایشان گفتند که یا رسول‌الله مردم منتظرند. ایشان فرمودند که بروید برای من گردو بیاورید. ایشان گردو را گرفتند و بین کودکان پخش کردند و بعد رفتند و نماز را خواندند. ببینید نمی‌توان مسئله بازی را رها کرد. وقتی یک طلبه‌ای مثل من همیشه بر سر منبر حرف می‌زند و مدیریت بازی را بر عهده ندارد، مدیریت بازی به دست یهود می‌افتد یا اینکه دست گیم‌نت‌ها می‌افتد.

مسئله مدیریت بازی، اولین خاصیت دار واسعہ است؛ یعنی اگر خانه وسیع بود بر بازی کودکان اشراف داری ولی اگر خلنه آپارتمان بود نمی‌توانی بازی را حذف کنی و بازی را به خارج از خانه

می‌بری لذا از اشراف تو خارج می‌شود و امنیت کودک به چالش کشیده می‌شود. ببینید این‌ها احکام اسلام هستند ولی تعطیل شده‌اند و کسی روی آن‌ها بحث نمی‌کند.

دومین ویژگی دار واسعه این است که روابط رحمی و خانوادگی را تسهیل می‌کند. مثلاً اگر شما دار واسعه داشته باشید دیگر مهمان‌های خود را به پارک نمی‌برید. دیده‌اید که چه پدیده شومی در حال تحقق است؟ مؤمن و غیر مؤمن در پارک علوی و دیگر پارک‌ها می‌روند و انسان می‌بیند که مهمانی را به پارک برده است. اصلاً عروسی باید در خانه باشد؛ در روایت آمده است که خانه‌ای که در آن عروسی باشد برکت دارد. خب یک کسی باید بگوید که آشیخ در آپارتمان چطور عروسی بگیریم؟! ببینید زیرساخت از بین رفته است. الان همه به تالار می‌روند و برکت آن نیز از بین می‌رود و علاوه بر این مشکلات دیگری نیز پیدا می‌شود. پس زیرساخت روابط خانوادگی و همسایگی دار واسعه است.

مسئله سوم که در دار واسعه اصل است، زیرساخت تولید خانگی است. ما یک تولید صنعتی و یک تولید خانگی و محلی داریم.

تولید در خانه لااقل چهار مزیت نسبت به تولید صنعتی دارد و تفصیل این مطلب را در جلسه عصر می‌گوییم.

اولین خاصیت تولید خانگی این است که تولید در فضای خانه خصوصاً در مواد غذایی اصل تازه‌خوری را احیا می‌کند. ببینید بعضی از غذاها مانند گوشت مبتنی بر فهم اهل بیت و روایات ما اساساً دو الی سه روز غذا سه‌هستند و فقط تا وقتی که تازه هستند، غذا محسوب می‌شوند. چرا آقایان فتوا داده‌اند که خوردن گوشت بعد از سه روز مکروه است؟ - من یک مقدار با زبان کفار حرف بزنم. - چون بعضی از مولکول‌های زیستی درون سلول‌های این گوشت بعد از سه روز از بین می‌روند و دیگر وجود ندارند. حال این مطلب فقط راجع به گوشت نیست بلکه راجع به شیر نیز همین گونه است. غذاها و میوه‌هایی را که در روایات توصیه به تازه‌خوری آنها شده در تولید صنعتی امکان تحقق ندارند.

فرق دوم این است که در تولید صنعتی بسته‌بندی صنعتی وجود دارد و بسته‌بندی صنعتی عامل اصلی تخریب محیط زیست است در حالی که در تولید خانگی بسته‌بندی صنعتی به بسته‌بندی‌های ثابتی که به محیط زیست آسیب نمی‌زند، تبدیل می‌شود. مسئله زباله‌ها یک چالش برای بشر امروز است و آقایان می‌خواهند برای حل آن زباله‌ها را بازیافت کنند.

یاد یک خاطره افتادم. در زمان آقای قالیباف در شهرداری تهران جلسه‌ای بود که می‌خواستند راجع به زباله صحبت کنند. یکی از دوستان ما مسئول برگزاری این همایش بود و من به او گفتم که من می‌آیم و صحبت می‌کنم. او گفت که آخوند را چه به این حرف‌ها و یک ژاپنی را برای سخنرانی در جلسه آوردند. به هر حال این مسئله حل نشده است و آخرین طرح نیز این است که

۱۰/۱/۲. عامل تسهیل روابط رحمی و خانوادگی؛ دومین زیرساخت ایجاد شده توسط دار واسعه

۱۰/۱/۳. عامل تولید خانگی؛ سومین زیرساخت ایجاد شده توسط دار واسعه

۱۰/۱/۳/۱. اصل تازه‌خوری؛ اولین مزیت نسبت به تولید صنعتی (خاصیت تولید خانگی)

۱۰/۱/۳/۲. بسته‌بندی متناسب با محیط زیست در مقابل بسته‌بندی صنعتی در تولید صنعتی؛ دومین مزیت نسبت به تولید صنعتی (خاصیت تولید خانگی)

کارخانه‌های بازیافت را درست کنیم. آیا بهتر نیست که مدل تولید را عوض کنیم؟ لااقل در بخش تغذیه می‌توان مدل را تغییر داد که در نتیجه آن زباله‌ها کم‌تر شوند.

یک تحقیقی راجع به رودخانه‌های ایران انجام داده‌ایم؛ چه نمی‌دانید بلایی با شیرابه بیمارستان‌ها و دفن زباله‌ها بر سر رودخانه‌ها می‌آید! این جزء نقشه‌هایی است که ان‌شاءالله در طرح قری آن را منتشر می‌کنیم. طرح قری طرح سی و هشتم نظریه تعرف است که بحث احیای مرتع‌ها در آن آمده است. در آن تحقیق، ما بررسی کرده‌ایم که تقریباً تمامی رودخانه‌های ما آلوده است؛ یعنی شما دیگر آب سالم ندارید. چرا این اتفاق افتاده است؟ همین تولیدهای صنعتی عامل آن است. اگر ما سامانه‌های تولید محلی و خانوادگی را در بخش غذا احیا کنیم، دومین خاصیت آن این است که محیط زیست از این آلودگی گسترده دائمی نجات پیدا می‌کند.

خاصیت سوم این نوع از تولید این است که وقتی تولید صنعتی باشد به دلیل هزینه‌های سنگین تولید صنعتی افراد زیادی نمی‌توانند تولیدکننده باشند. پس افراد زیادی نیز سود تولید را نمی‌برند درحالی که اگر تولید خانوادگی و محلی باشد شما می‌توانید تولیدکننده‌ها را از ده نفر به دو یا سه هزار نفر افزایش دهید. در بعضی از کشورها - که دوستان باید آمار آن را بیاورند - چهار شرکت گوشت آن را تولید می‌کنند که معنای آن این است که چهار سرمایه‌دار یا چهار مجموعه سرمایه‌دار سود را می‌برند. برای چه سامانه تولید گوشت ما باید صنعتی باشد؟ چرا باید دام شهر داشته باشیم؟ ما سامانه تولید دام را محلی می‌کنیم و به عنوان مثال شصت روستا موظف به تولید گوشت یک شهر می‌شوند. در این صورت هم مدیریت تولید راحت‌تر است و هم سود آن تنها در جیب سرمایه‌داران نمی‌رود بلکه توزیع می‌شود. پس سامانه تولید محلی به عدالت نزدیک‌تر است تا سامانه تولید صنعتی. حداقل در بخش غذا باید این کار را انجام دهیم. در جلسه امروز به صورت تفصیلی‌تر فواید این مسئله را بیان خواهیم کرد. یکی از فواید دیگر آن این است که ظاهراً نگهداری مواد غذایی مصرف انرژی جهان را ۱۵ درصد بالاتر برده است؛ یعنی اگر شما بتوانید مسئله نگهداری غذا را مدیریت کنید، مصرف انرژی را کاهش داده‌اید. فواید آن را به صورت تفصیلی عرض خواهیم کرد.

فایده چهارمی که سامانه‌های تولید خانگی نسبت به سامانه‌های تولید صنعتی دارند این است که نیاز به حمل و نقل در کشور کاهش پیدا می‌کند. چراکه اصل در حمل و نقل، مربوط به مواد غذایی صنعتی است. این مسئله علاوه بر این که هزینه‌های سوخت و آلودگی هوا را تحمیل می‌کند - که من الآن با آن‌ها کاری ندارم - عرض می‌کنم که ما اساساً در اسلام نمی‌توانیم حمل و نقل را تبدیل به یک کار روزمره کنیم. سفر برای زیارت، سیاحت و عبرت معنا دارد ولی این که بیش از پنجاه درصد حمل و نقل به حمل و نقل مواد غذایی اختصاص یابد، هزینه‌هایی را از حیث‌های مختلف بر کشور تحمیل می‌کند که قابل بحث تفصیلی است. پس فعلاً این چهار

۱۰/۱/۳/۳. تولید ارزان در تولید خانگی برخلاف فرلیند گران در تولید صنعتی و ایجاد شدن نظام سرمایه‌داری؛ سومین مزیت نسبت به تولید صنعتی (خاصیت تولید خانگی)

۱۰/۱/۳/۴. عدم نیاز به حمل و نقل (هزینه‌های سخت و آلودگی) در تولید خانگی؛ چهارمین مزیت نسبت به تولید صنعتی (خاصیت تولید خانگی)

فایده وجود دارد. پس شما وقتی بحث خود را جلو می‌برید باید میان خانه به قید دار واسعة با خانه به قید آپارتمان مقایسه ایجاد کنید.

در خانه به قید دار واسعة ویژگی سوم این است که زمینه تولید خانگی و محلی آماده می‌شود در حالی که در آپارتمان چنین امکانی نیست. بنابراین تا زمانی که شما مسئله مدیریت شهری را به عهده نگیرید [مسئله حل نخواهد شد].^{۲۳۱}

اگر با مبنای اصولی ما خانواده روایت تشکیل دهیم، بیش از ۴۰۰ تا ۵۰۰ روایت در حوزه مسکن و منزل پیدا میشود که باید بحث کنیم؛ مثلاً حضرت علیه‌السلام میفرماید: «شرفها السَّاحَةُ الوَاسِعَةُ»^{۲۳۲} میفرماید شرفِ خانه به حیاط بزرگ آن است. حضرت علیه‌السلام دارند از مفهوم قابل فهمی مثل «شرافت» استفاده می‌کنند و سپس آن را از انسان به خانه تعمیم میدهند و میفرمایند خانه‌ها هم بر اساس شرف تقسیم بر دو میشود: خانه‌هایی که شرف دارند و خانه‌هایی که شرف ندارند و شرف را هم به حیاط میدانند.

۱۰/۲. بررسی
ویژگی‌های مسکن
از نظر روایات

۲۳۱. متن پیاده شده جلسه دوازدهم از سلسله جلسات نقشه نظام مقایسه نظریه تعریف

بخشی از جلسه چهارم فقه المکاسب، حجت الاسلام علی کشوری، مکتوب فقه المکاسب، ص ۱۸۷ الی ۱۸۹، ۲۱ الی ۳۱

شهریور ۱۳۹۸، قم

کانال الگوی پیشرفت اسلامی-اینا

eitaa.com/olgou/۳۲۸۲

۲۳۲. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ آبَائِهِ عَنِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «إِنَّ لِلدَّارِ شَرْفًا وَ شَرَفُهَا السَّاحَةُ الْوَاسِعَةُ وَ الْخَلْطَاءُ الصَّالِحُونَ وَ إِنَّ لَهَا بَرَكَةً وَ بَرَكَتُهَا جَوْدَةٌ مُؤَضِّعُهَا وَ سَعَةٌ سَاحَتُهَا وَ حُسْنُ جِوَارِ جِيرَانِهَا»؛

امام علی علیه‌السلام: خانه شرفی دارد. شرف آن به صحن و حیاط بزرگ و همنشینان نیکوکار می‌باشد و برکتی دارد. برکت خانه به خوبی جا و محل آن و بزرگی حیاط آن و نیکویی همسایگان آن می‌باشد.

مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۲۵ / بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۵۴

۱۰/۳. خانه بعنوان
ابزار اصلی تنظیم
روابط انسانی؛ یکی از
مباحث مطرح شده در
روایات در باب مسکن

قیدهای دیگری هم در روایات هست، مثلاً خانه باید حریم داشته باشد. ۲۳۳ خانه باید با قید همسایه سنجیده شود. ۲۳۴ قیدهای زیادی در روایات هست که من الآن نمیخواهم اشاره کنم. مستفاد از همه این قیودی که در روایات هست - بنابر جمعبندی ما از روایات دار و اسعه - این است که خانه، ابزار اصلی تنظیم روابط انسانی است؛ یعنی اگر کسی خانه خود را با تصویر سازمان ملل در قالب آپارتمان انتخاب کرد، روابط انسانی او به چالش کشیده میشود؛ اما اگر خانه را با تعریف دار و اسعه انتخاب کنیم، روابط انسانی تکامل پیدا میکند و یک زندگی بهتری برای بشریت طراحی میشود؛ مثلاً مصادیق روابط انسانی، رابطه انسان با فرزندش است. از حقوق فرزند، حکم بازی کودکان است. اگر پدر و مادری مسئله بازی کودکان را فهم نکرد، «الولد یلعب سبع سنین» ۲۳۵ یا «الغلام یلعب سبع سنین» ۲۳۶ را فهم نکرد، بچه او در آینده

۲۳۳ عَنْهُ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ الْعَبَّاسِ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جَنَاحٍ عَنْ مُطَرِّفِ مَوْلَى مَعْنٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «ثَلَاثَةٌ لِلْمُؤْمِنِ فِيهِ رَاحَةٌ دَائِرَةٌ وَاسِعَةٌ تَوَارِي عَوْرَتَهُ وَ تَسْتُرُ حَالَهُ مِنَ النَّاسِ وَ امْرَأَةٌ صَالِحَةٌ تُعِينُهُ عَلَى أَمْرِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ ابْنَةٌ أَوْ أُخْتُ أُخْرِجَهَا مِنْ مَنْزِلِهِ إِذَا بَمُوتِ أَوْ بِتَزْوِيجِ»؛

امام صادق علیه السلام فرمود: سه چیز مایه راحتی مؤمن است: خانه بزرگ و وسیعی که عیب او را بپوشاند و تنگدستی اش را از دید مردم پنهان دارد؛ زن شایسته‌ای که او را در امور دنیا و آخرتش یاری دهد و دختری که او را - یا با مرگش، و یا با شوهر دادنش - از خانه بیرون کند..

المحاسن، ج ۲، ص ۶۱۰ / الکافی، ج ۵، ص ۳۲۷ و ج ۶، ص ۵۲۵ / الخصال، ج ۱، ص ۱۵۹

الوافی، ج ۲، ص ۷۸۹ و ج ۲۱، ص ۷۲ / وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۲۹۹ / ج ۲۰، ص ۴۱ / بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۴۸ و ج ۱۰۰، ص ۲۱۷

۲۳۴. وَ قَالَ فِي وَصِيَّتِهِ لِلْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «سَلْ عَنِ الرَّفِيقِ قَبْلَ الطَّرِيقِ وَ عَنِ الْجَارِ قَبْلَ الدَّارِ»؛

امام علی علیه السلام در سفارش به پسرش حسن فرمود: پیش از اینکه براهی روی از رفیق راه جويا شو، و پیش از بدست آوردن خانه از همسایه آن پرسش کن.

تحف العقول، ج ۱، ص ۶۸ / عیون الحکم، ج ۱، ص ۲۸۴ / غرر الحکم، ج ۱، ص ۴۰۱ / بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۵۵ و ۲۲۹

۲۳۵. قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «دَعِ ابْنَتَكَ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَ يُؤَدِّبُ سَبْعَ سِنِينَ وَ الزِّمْمَةُ نَفْسَكَ سَبْعَ سِنِينَ فَإِنْ أَفْلَحَ وَ إِلَّا فَإِنَّهُ مَمَّنْ لَا خَيْرَ فِيهِ»؛

امام صادق علیه السلام فرمود: کودک خود را تا هفت سال بیازی رها کن، و هفت سال دیگر او را تحت تربیت و آموزش قرار ده، و هفت سال با خود همدم و همراز ساز پس اگر در صراط حق بود و از باطل گریزان و سعادت خود را دریافت که بسیار خوب و اگر نه چنین شد امید خیری در وجودش نخواهد بود. شرح: «ظاهراً مراد از آزمایش، آزمایش در محبت و ولاء امیر مؤمنان یا او و اولاد طاهرینش علیهم السلام باشد، چنان که از روایات آتیه معلوم می‌گردد».

من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۹۲

الوافی، ج ۲۳، ص ۱۳۸۰ / وسائل الشیعة، ج ۲۱، ص ۴۷۵

۲۳۶. أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْعَاصِمِيُّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَشْبَاطٍ عَنْ عَمِّهِ يَعْقُوبَ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «الْغُلَامُ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَ يَتَعَلَّمُ الْكِتَابَ سَبْعَ سِنِينَ وَ يَتَعَلَّمُ الْخَلَالَ وَ الْحَرَامَ سَبْعَ سِنِينَ»؛

مام صادق علیه السلام فرمود: پسر باید هفت سال بازی کند، هفت سال خواندن و نوشتن بیاموزد و هفت سال به آموزش حلال و حرام بپردازد.

الأصول الستة عشر (ط - دار الشبستری)، ج ۱، ص ۱۲۴ / الأصول الستة عشر (ط - دار الحديث)، ج ۱، ص ۳۴۲ / الکافی، ج ۶، ص ۴۷ /

تهذیب الأحکام، ج ۸، ص ۱۱۱

عقد‌های شده و دچار چالش‌های تمام نشدنی می‌شود. بازی خیلی مسئله مهمی است. بازی باید در کجا نهادینه شود؟ باید در خانواده‌ها نهادینه شود. الآن خانه‌های شما به شکل آپارتمان است و در مسئله بازی کودکان چالش جدی ایجاد شده است. اگر فرض کنیم بچه در صحن آپارتمان بازی کند، منجر به سلب آسایش اعضای خانه و همسایه‌ها و همچنین سلب امنیت اسباب منزل می‌شود و اگر فرض کنیم بازی در کوچه‌ها بیاید، کودکان آزاری اصل می‌شود! شما می‌دانید یونسکو امروز را به نام «روز جهانی کودک» قرار داده است. مسئله کودک آزاری پدیده‌ای جهانی شده و در ایران هم در حال افزایش است. علت آن چیست؟ علت اصلی این است که بازی به کوچه‌ها منتقل شده است. راه حلی هم در اسلام هست که می‌گوید دار و اسعه بسازید و بازی را به حیاط خانه ببرید تا از این دوگانه‌ای که چالش دارد عبور پیدا کرده و رهایی پیدا کنید. اینکه می‌گوییم اگر تعریف غلط خانه را انتخاب کنید، روابط انسانی به چالش کشیده می‌شود، در یک مصداق مهم آن روابط انسانی پدر و مادر با فرزندانشان است.

یک قسمت دیگر احکام صلۀ رحم است. همین الآن که ما داریم در حوزه علمیه قم این سوگنامه و مصیبت نامه اسناد بین المللی را مرور می‌کنیم، الآن مهمانی‌ها در همین قم و همچنین شهر تهران به پارک‌ها انتقال پیدا کرده است! یعنی شما دیگر پدیده مترقی صلۀ رحم در خانه رایا ندارید و یا کمتر دارید! پدیده مبارک شب نشینی‌ها را که در قدیم بود، هم این چنین است. در شب نشینی، قصه و بررسی غصه‌ها و دردهای بزرگترها و همچنین اکرام بود. این‌ها تقریباً حذف شده یا کمتر شده است.

به چه علتی مسئله صلۀ رحم به چالش کشیده شده است؟ مگر این همه پیامبر به مسئله صلۀ رحم توصیه نکردند، پس چرا دچار چالش شده است؟ علت اصلی این است که خانه‌ها ظرفیت صلۀ رحم ندارد. خانه طوری است که هم مهمان و هم صاحب خانه متأذی است. این هم یک بخش دیگر از روابط انسانی است. شما هم مسئله همسایگی و حقوق همسایگی را اضافه کنید. در آپارتمان‌ها بنابر گزارش‌های مکرر نیروی انتظامی، پرونده‌های اختلاف و نزاع در حال افزایش است. آیا ساکنین آپارتمان‌ها نمی‌خواهند حقوق یکدیگر را رعایت کنند یا نمیتوانند این کار را بکنند؟ مثلاً بازی فرزندشان به طور طبیعی برای همسایه ایجاد چالش می‌کند. ما در بحث خانه گفته‌ایم که ۱۰ دسته از احکام اصلی مثل حکم بازی کودکان، حکم صلۀ رحم و حکم رعایت حقوق همسایگی با تعریف غلطی که سازمان ملل از مسکن ارائه داده و وزارت مسکن و

شهرسازی ما در قالب مقررات ۲۲ گانه ساختمان هم آن را تئوریزه کرده، ۳۳۷ در حال به چالش کشیده شدن است! ببینید وقتی می‌گوییم با تعریف غلط روبرو هستیم، این یک مصداق آن است. من به سازمان برنامه و بودجه و آقایان وزارت مسکن زیاد گفته‌ام: برادران من، چرا باید هیبتات در ایران بر اساس این تعاریف غلط نقش آفرینی کند؟ هیبتات برنامه مسکن ملل متحد است. چرا باید مبنای فکری شما بر اساس بخش یازدهم سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ باشد؟ خوب بیایید وقت بگذارید و بر اساس تعریف دار و توسعه و تعاریفی که در ابواب روایی ما هست، تعریفی را ارائه کنیم. البته بحمد الله من دیده‌ام که بعضی دروس در حوزه علمیة قم شروع شد و میتوان این مباحثات را پیگیری کرد ولی حتی اگر بگوییم آن دروس هم در نیمه راه هستند، حداقل یک بسته آماده در شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی وجود دارد. ما بحثی تفصیلی راجع به مدیریت شهری و مسکن انجام دادیم. اگر من حتی نخواهم به طور مجدد به منابع رجوع کنم، مجموعه ما الآن قدرت برگزاری حداقل ۱۰۰ جلسه را در این مسئله دارد. می‌توان تعریف مسئله مسکن را تغییر داد و آن را بهینه کرد. البته باید راجع به این فکری کرد. من تنها خواستم مثالی بزنم و بگویم اینکه تعارض تعریفی داریم، چگونه است.

...

۱۰/۴. اجرای الگوی
فقهی مدیریت آب و
الگوی تولید
غیرمتمرکز لازمه
اجرای طرح دار و توسعه

مهمترین اولویت از نظر ما مسئله مسکن است. اگر مدل ساخت مسکن در جمهوری اسلامی تغییر پیدا نکند، زمینه اجرای ده دسته از احکام الهی وجود ندارد و تحقق پیدا نخواهد کرد. حتی اگر شما در همه کانالهای [تلویزیون] این ده دسته را تبلیغ کنید. حکم بازی کودکان را مثال زدیم،

۲۳۷. مقررات ملی ساختمان، یک شیوه نامه فنی، اجرایی و حقوقی بایسته در طراحی، نظارت و اجرای عملیات ساختمانی همچون تخریب، نوسازی، بازسازی، بهسازی، تغییر کاربری یا بهره‌برداری از ساختمان است؛ که برای تأمین ایمنی، آسایش، بهداشت، بهره‌وری انرژی و اقتصادی فرد و جامعه نوشته شده است.

وزارت مسکن و شهرسازی طبق ماده ۳۳ قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان وظیفه تدوین مقررات ملی ساختمان را به عهده دارد. این وزارتخانه با تشکیل شورای تحت عنوان «شورای تدوین مقررات ملی ساختمان» با عضویت استادان و صاحب‌نظران برجسته کشور به منظور نظارت بر تهیه و هماهنگی بین مباحث از حیث شکل، ادبیات، واژه‌پردازی، حدود و دامنه کاربرد و همچنین با تشکیل دادن «کارگروه‌های تخصصی»، شرایط لازم برای تدوین این مقررات را به وجود آورده است.

مقررات یا آیین‌نامه ملی ساختمان در قالب بیست و دو جلد کتاب است که هر جلد به یک جستار یا مبحث خاص می‌پردازد. که عبارتند از: مبحث یکم: تعاریف / مبحث دوم: نظامات اداری / مبحث سوم: حفاظت ساختمانها در مقابل حریق / مبحث چهارم: الزامات عمومی ساختمان / مبحث پنجم: مصالح و فرآورده‌های ساختمانی / مبحث ششم: بارهای وارد بر ساختمان / مبحث هفتم: پی و بی‌سازی / مبحث هشتم: طرح و اجرای ساختمانهای با مصالح بنایی / مبحث نهم: طرح و اجرای ساختمانهای بتن آرمه / مبحث دهم: طرح و اجرای ساختمانهای فولادی / مبحث یازدهم: اجرای صنعتی ساختمانها / مبحث دوازدهم: ایمنی و حفاظت کار در حین اجرا / مبحث سیزدهم: طرح و اجرای تأسیسات برقی ساختمانها / مبحث چهاردهم: تأسیسات مکانیکی / مبحث پانزدهم: آسانسورها و پله‌های برقی / مبحث شانزدهم: تأسیسات بهداشتی / مبحث هفدهم: لوله‌کشی گاز طبیعی / مبحث هجدهم: عایق بندی و تنظیم صدا / مبحث نوزدهم: صرفه جویی در مصرف انرژی / مبحث بیستم: علائم و تابلوها / مبحث بیست و یکم: پدافند غیرعامل / مبحث بیست و دوم: مراقبت و نگهداری از ساختمانها

منبع: دفتر مقررات ملی و کنترل ساختمان

inbr.ir/wp-content/uploads/08/2016/mabhas-1.pdf

حکم صلہ رحم را مثال زدم، حکم همسایگی را مثال زدم؛ با خانه آپارتمانی نمی‌شود این احکام را عملیاتی و اجرایی کرد. خب همین جا یک شبهه مقدر را پاسخ دهم: برخی‌ها می‌گویند «سرزمین ایران این اجازه را به ما نمی‌دهد [که به ساخت دار و اسعه اقدام کنیم] چه از حیث آب و چه از حیث مدیریت و در مجموع، از حیث سکونتگاه بودن، چنین اجازه‌های به ما نمی‌دهد.» این حرف، یک حرف بسیار غیر کارشناسی است؛ یعنی هم از حیث مدیریت آب، هم از حیث مدیریت روابط انسانی و مسائل شغل و منابع طبیعی و این‌ها، ما بیش از این وضعیت که الان داریم متمرکز سکونتگاه می‌سازیم، می‌توانیم در سایر اراضی مان خانه بسازیم؛ منتهی باید مدل‌ها را تغییر داد. حالا من الان بحث نمی‌کنم که مثلاً وقتی شما مدل تأمین آب‌تان متمرکز است، [چگونه انتظار دارید مسئله آب حل شود] بگذارید یک مثال عینی بزنم: مثلاً می‌خواهید آب شهر تهران را با سامانه‌های متمرکز تهیه آب، تأمین کنید. بعد می‌روید آب پشت سد مملو را برمی‌دارید و به تهران می‌آورید و هشتاد هزار هکتار اراضی ورامین بدون حق آبه کشاورزی می‌شوند یا عوارضی این‌گونه پیدا میکنند. بله! اگر این‌گونه بخواهید آب شهرها را تأمین کنید، آب موردنیاز قم را هم نمی‌شود تأمین کرد. چون به‌زور یک سد ۱۵ خرداد دارید و بعد تازه آب سرچشمه‌های زاگرس را هم به اینجا منتقل می‌کنید و سپس می‌گویید آب اینجا تأمین نمی‌شود؛ اما اگر سامانه تولید آب را به‌مانند آنچه ما در سامانه تولید آب غیرمتمرکز بحث کرده‌ایم، شش بخش است که تأمین آب را از حالت متمرکز خارج کرده‌ایم. یکی از مشکلاتی که سامانه‌های تولید آب متمرکز دارند هدر رفت آب است. یکی از مشکلاتی که ما با سدها داریم تبخیر آب است. طبق برخی از گزارشها بین ۲۰ تا ۳۰ درصد حجم آب پشت سدها همیشه تبخیر میشوند. خب شما ۲۰ تا ۳۰ درصد آب را دارید تبخیر میکنید! بعد می‌گویید آب کم است. آیا نمیشود به یک مدل دیگری از استحصال آب فکر کرد که مثلاً این مضرات را نداشته باشد؟ حالا انشاءالله در بخش مدیریت آب که جلسه گذاشتیم این‌ها را عرض میکنیم. مهمترین مسئله‌هاش همین مسئله آب است؛ اگر کسی بتواند یک الگوی جایگزین برای مدیریت آب ارائه بدهد میتواند سکونتگاه را گسترش بدهد. اگر بافت مشاغل تغییر پیدا کند و شما اصرار نداشته باشید که مشاغل صنعتی باشند، جمعیت متمرکز در تهران و شهرهای صنعتی در سایر مناطق توزیع میشوند و ما با پدیده مرفقی روستاهای بزرگ در آینده روبرو خواهیم بود که میتوانیم آن‌ها را به قطبهای تولیدی کشور تبدیل کنیم که حالا انشاءالله در دیگر مباحث الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، آن‌ها را بحث خواهیم کرد. پس مسئله مسکن یک اولویت است. اتفاقاً در گزارشی که ما داریم در حوزه مسکن آماده میکنیم تمرکزمان بر روی امکان وقوع این حرف است. چون فرض آقایان این است که مثلاً شهر قم، از ۷۲ تن تا پردیسان را شامل میشود؛ یعنی طول و عرض آن همین قدر است. این طرف آن‌هم مثلاً از نزدیکیهای سلفچگان شروع میشود تا به ارده‌ها میرسید. خب مگر چقدر میشود جمعیت را در اینجا ساکن کرد؟ خود هسته مرکزی شهر قم هم که خیلی کوچک است! خب وقتی مساحت سرزمینی قم را

این گونه تعریف میکنید یک ترکیب جمعیتی را میتوانید مستقر کنید اما اگر نه! گفتید میشود از سرزمینهای مجاور هم استفاده کرد؛ آنوقت شما حتماً میتوانید مدل ساخت مسکن در قالب آپارتمان را تغییر دهید. من یک قدم نرمش قهرمانانه بکنم (مثل همیشه که در وزارتخانهها نرمش قهرمانانه میکنم) میگویم بالاخره شما الآن در پنجاه درصد کشور آپارتمان ساخته‌اید؛ الآن ما در کشورمان در پنجاه درصد دیگر، دار و اسعه داریم؛ همینها را لطفاً از بین نبرید. قوانین سختگیرانه بگذارید تا اینها به آپارتمان تبدیل نشوند!

یک آدم ساده‌اندیشی به من میگفت: من پنج خانواده را در این پنج طبقه جا داده‌ام! ظاهرش این است که شما صرفه‌جویی کرده و برای آن خانوارها جا تأمین کرده‌اید ولی همین که دقت میکنید میبینید چون روابط انسانی این پنج خانواده را به چالش کشیده‌اید، هزینه‌های اداره کشور را افزایش داده‌اید. وقتی خانه بهم میخورد، هزینه‌های کشور افزایش پیدا میکند. اول هزینه‌های کشور هم هزینه‌های حوزه سلامت است؛ خانه‌های آپارتمانی منشأ پیدایش بیماریهای جسمی، روحی و روانی است. چون در آنها تفریح وجود ندارد. حالا ما در مقررات ملی ساختمان‌الگو بحث کرده‌ایم: باب دوم مقررات ما مقررات مرتبط با فرح است. ساختمان باید معلوم باشد چقدر قدرت ایجاد فرح دارد، چون قرار است انسانی در آن زندگی کند که به فرح نیاز دارد. بعد در باب دوم، پنج دسته عوامل ایجاد فرح را میشود در همه ساختمانها تعبیه کرد. اولین بخش فرحی که میشود در همه ساختمانها فراهم کرد مسئله آب و حوض است. بدون آب، فرح انسانها گرفته میشود. [یکی دیگر از این مسائل] مسئله نگهداری حیوانات خانگی است. اساساً خانهای که در آن، حیوانات خانگی نباشد، آن خانه خارج از [تعریف صحیح خانه است] نسل ما این کارتون خله مادر بزرگه را یادش می‌آید که مثلاً کارتون محبوب دوره ما بود. مادر بزرگی بود که خانهاش پُر از حیوانات خانگی بود؛ پُر از فرح برای بچه‌های همسایه و برای نوه‌های آن مادر بزرگ بود. این تصویری که در کارتن خانه مادر بزرگه هست یک تصویر واقعی است. منتهی ما سر منبر کلیگویی میکنیم و میگوئیم کبوتر مستحب است، خروس سفید مستحب است؛ یعنی در همین حد نگاهش میداریم. خب برای چه اینها مستحب شده است؟ برای اینکه در خانه فرح باشد. حالا من از روایات خاک خوردمان خدمت شما بخوانم: مثلاً امام میفرماید وقتی میخواهید به همسران هدیه بدهید گوسفند هدیه بدهید. امام که در اوج عقل است این حرف را میزند. خب نمیشود در این روایت درایه کرد؟ نمیشود نظام خواص این نوع هدیه خاص را بحث کرد؟ اگر حیوانات خانگی نباشند بیماری‌ام. اس زیاد میشود. پوزیتویستها میخواهند قبول کنند میخواهند نپذیرند. میخواهد سختشان باشد یا نباشد. اگر حیوانات خانگی باشند بیماریهای روحی و روانی کاهش پیدا میکند. این یک باب مفصل است که ما جزو مقررات ملی ساختمان، آن را آورده‌ایم. بخش درخت و گیاه و سایر بخشهای فرح را هم انشاء الله بعداً بحث میکنم. لذا باب دوم مقررات ملی ساختمانی که ما نوشته و انشاء الله بعداً آن را بحث میکنیم، باب فرح است یا اسم دیگرش باب

حیات است. مفصل راجع به کارکردهای پنج‌گانه حیات خانه بحث کرده‌ایم و گفته‌ایم خانهای که حیات ندارد حیات ندارد. گفته‌ایم «شرفها الساحة الواسعة» این حرفهای امام علیه‌السلام است؛ این‌ها که حرفهای پوزیتیویستها و فلان کارشناس وزارت مسکن نیست. امام علیه‌السلام میفرماید خانه اگر حیات نداشته باشد بیشرف است. شرف آن را هم با تشکیل خانواده روایات بحث کرده‌ایم. خانهای بیشرف است یعنی بیفرح است. در این مناسبتها تهرانیها را نگاه کنید: همه به شمال کشور میروند. بدون استثناء در هر هفته و هر مناسبتی هم میروند. بعضی غلط تحلیل میکنند و میگویند اینها خوشگذران شده‌اند در حالی که تحلیل فنی این است که مشکل نوع ساختمانهای پُر از غمی است که در تهران موجود است؛ و اینها مجبورند این نوع تفریحها را زیاد کنند که حالا البته آن نوع تفریح عوارضی دارد. لذا ما در باب ساختمان، خیلی حرف داریم. ما با هبیتات مشکل داریم؛ هبیتات باید بگوید تأثیر خانهای که میسازد بر روی روابط انسانی چیست. این یک بحث است.

متن پیاده‌شده نشست تخصصی تبیین الگوی جدید نخبه‌بانی از نظام در سازمان تبلیغات اسلامی استان قم (۲۹ آبان ۱۳۹۸)،

طبقه بندی جدید علوم

علوم مرتبط با فقه الامام

علوم مرتبط با فقه التزکيه

علوم مرتبط با فقه العلم

چگونگی مواجهه با سلطه دلار بر
کسبوکار مردم

علوم مرتبط با فقه المكاسب

علوم مرتبط با فقه النظم

علوم مرتبط با فقه العبره

علوم مرتبط با فقه البيان

علوم مرتبط با فقه الفرقان

علوم مرتبط با فقه نفی سبيل

طبقه بندی جدید علوم

اولویت‌های تمدنی ۱۲ گانه در مقایسه با محورهای ۱۷ گانه سند ۲۰۳۰




*** جدول تصمیم مواجهه با سلطه دلار بر کسب و کار مردم (زیرساخت‌های اصلی رفع اختلالات ارزی و**

تبدیل "تبادلات وابسته و کلان" به "تبادلات مستقل و خرد" *

آثار تصمیمات:	تصمیمات پیشنهادی:	دسته‌بندی تصمیمات:
<p>طبقه‌بندی صحیح مشاغل / تغییر درک مردم از مشاغل برتر / تغییر نظام ارزی فرزندان از شغل‌های نامطلوب به شغل‌های مرتبط به تولید غذا / حذف وابستگی کشور از لحاظ لباس و غذا (حذف شدن واردات ۲۲ میلیون تنی مواد غذایی و رفع سلطه دلار) / اصلاح زیرساختی اقتصاد کشور / بدست آوردن عزت ملی در استقلال در غذا و لباس طبق فرمایش امیرالمومنین (علیه‌السلام) / ارتقاء سلامتی و پرهیز از غذاهای صنعتی، غذاهای تراریخته و غذاهای حاوی مواد افزودنی / حفاظت از محیط زیست و حذف بسته‌بندی صنعتی (به عنوان آلوده‌ساز منظم محیط‌زیست) و کاهش مصرف سوخت / ضربه به سلطه دلار و نفی سیبل (کم شدن تبادل وابسته ۲۰ میلیارد دلاری) / زمینه‌سازی برای تغییر "پول اعتباری" به "پول تضمین پذیر" همچون طلا و نقره در نتیجه غیرمتمرکز و خرد کردن تبادلات</p>	<p>تاسیس مدارس جدید کوتاه‌مدت برای آموزش شغل: کشاورزی، باغبانی، دامداری و خیاطی</p>	
<p>خارج شدن زمین رایگان از انحصار سرمایه‌داران و اختصاص به عموم مردم / جلوگیری از هدر رفت آب / افزایش تولید غیرمتمرکز و محلی کالاها / کسر هزینه‌های ناشی از مدیریت متمرکز (مانند: تبلیغات، انتقال و...) از قیمت تمام شده کالا / کاهش هزینه‌های سلامت (بخاطر افزایش تولید غذای تازه در تولید غیرمتمرکز و محله‌ای) / گسترش تولید مردمی و رفع خطرهای سیاسی، امنیتی و بیوتوریزی احتمالی ناشی از واردات کالاها، سلطه دلار و قدرت بلامنافع‌شدن سرمایه‌دارها در کشور / پیاده‌شدن شعار عدالت در بخش تولید کشور / شریک‌شدن تمام مردم در سود تولید کالاها / شکستن انحصار تولید از دست سرمایه‌دارها / گامی در راستای مردمی کردن اقتصاد /</p>	<p>اجرای قانون مترقی "احیای موات" و واگذاری ۱۰ میلیون قطعه زمین به خانواده‌های مستاجر</p>	<p>افزایش نقش مردم در تولید</p>
<p>نگهداری حیوانات خانگی (و در نتیجه = رفع مشکلات مربوط به تولید گوشت و تخم مرغ و...) / کاهش هزینه‌های خانوار و افزایش کیفیت خانواده‌ها / کاهش زباله‌های شهری در خانه‌های حیاط دار (زباله‌های تر، غذای حیوانات خانگی و درختان) / ارتقاء امر تربیت در خانه (حیاط خانه محل بازی و تربیت کودکان)</p>	<p>ساخت "دار واسعه" بجای آپارتمان</p>	
<p>رایگان‌شدن هزینه اجاره مکان کسب (و در نتیجه = ارزان‌تر شدن قیمت تمام‌شده کالاها و کاهش تورم) / کمک به عمومی‌سازی تجارت (و در نتیجه = افزایش عقل عموم افراد جامعه، محرومیت‌زدایی و...) / پیاده‌شدن شعار عدالت در سیستم توزیع کشور (قرار گرفتن مسئله محرومیت‌زدایی از فقرا در برنامه‌های اصلی) / شکستن انحصار توزیع از دست سرمایه‌دارها / شریک‌شدن تمام مردم در سود توزیع کالاها / آسان‌تر شدن و غیرمتمرکز شدن توزیع (عرضه کالا) و در نتیجه = حذف هزینه‌های کلان عرضه کالا ناشی از توزیع متمرکز / ارزان‌تر شدن قیمت تمام شده کالا / کاهش تورم (از پایگاه اختلال در عرضه کالا) / قرار دادن شغل دوم در تجارت</p>	<p>ساخت گسترده بازارهای موقت</p>	<p>افزایش نقش مردم در توزیع</p>

* مسیرهای ارتباطی:

پایگاه اطلاع‌رسانی نقشه راه nro-di.blog.ir 

کانال «الگو» در پیام‌رسان ایتا @Olgou 